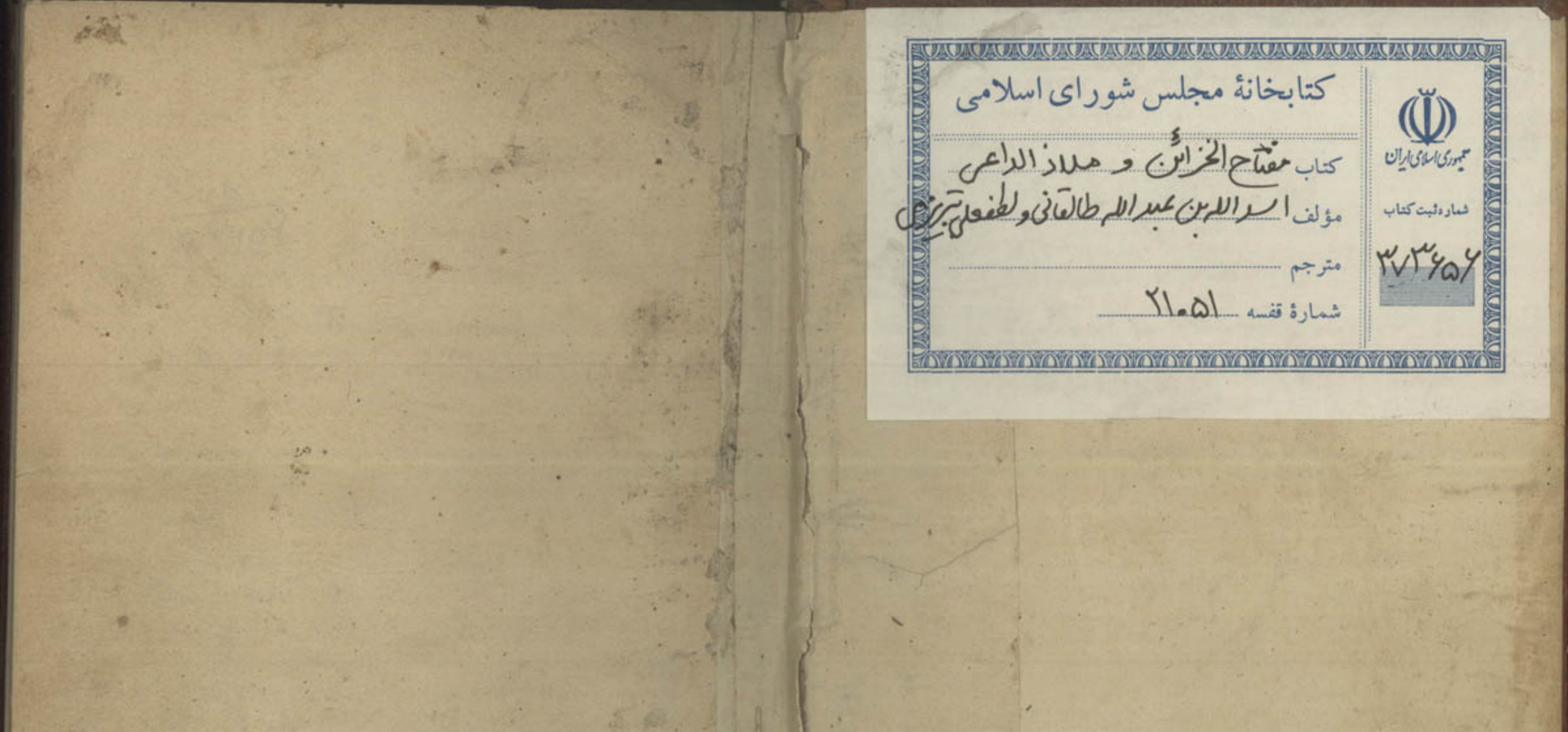
شاه حسینی
۹۰/۱/۲۲


جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۳۷۳۶۵۶
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب مفتاح الخزائن و ملاذ الداعی
مؤلف اسدالله بن عبدالله طالقانی و لطفعلی تبریزی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۲۱۰۵۱


کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۲۱۰۵۱



وبه نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

افتتاح مآرب مجاهدین فی سبیل الله واستفتاح مطالب ابطال
مبارزین رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله در معارک اعداء دین
مبین اعلای کلمه حمد حضرت منعم فتاحی است که با استعانت و استمداد
نامهای مبارک او جلت آلاؤه بموادی ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها
ابواب فتوحات غیبی و فیوضات لاریبی بر روی دلهای اهل عرفان گشوده
و بنور هدایت ازلی و تاییدات لم یزلی قلوب طالبان ایمان را از آن
دیجور جهل و حرمان خلاص و بشاهراه صباح معرفت و وصول باعلی
مراتب ایقان ارشاد نموده مرآت خاطر مومنان را در صبح ازل قابل شعشعه
جمال بیمثال خود کردانید و دیده بینش بندگان صاحب بصیرت را از ظهور
بارقه انوار حکمت ربانی بینائی در مطالعه آیات آفاق و انفس بخشید

که از محیط هر قطره از بحر امکان دریای بی پایان برکات جلیله او ملاحظه
مینمایند و از لحاظ هر ذره از ذرات جهان عین خورشید عنایات
سنیه او مشاهده میفرمایند نظم عالم ز تجلی تو عارف طور است ؛ آفاق
سراسر ز صفای تو نور است ؛ تابیده بهر ذره فروغ خورشید ؛ این
شعشعه را هر که نبیند کور است ؛ تعالی شانه و تقدست اسمائه که برهان
ظهور صفاتش آیه نور است و از غایت جلاء کنه ذاتش در پرده خفا مستور
نظم با آنکه برخ همیشه اش هست نقاب ؛ مرآت دل دیده بود چون سیماب
کور دیده فلاطون بخم اندر فکرش ؛ مانند شناور گرفتار در گرداب ؛ لا
تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر و درود و تسلیمات
زاکیات و صلوات و تحیات طیبات زیبای روضه طیبه فردوس تربت
حضرت پیغمبریست که با آفتاب سعی و اهتمام آفاق جهان را که از ظلمت شرک
و ضلالت چون لیل غاسق تیره و تار گشته بود مانند صبح صادق مظهر
تجلیات الهی و مطلع انوار نامتناهی ساخت و بدستیاری الطاف و عنایات
دلهای خانه در کسته دلهای روشن بندگان را مثال الکعبه مطهر از کدورت
و لوث اصنام هواجس نفسانی و وساوس شیطانی بود لاجرم شعله آتش جور
عدوان زردشتیان تیره روان که چون کره ابر باسمان رسیده بود از فیض وجود مسعودش

بنسان معدلت و جهان فروزش بنشاند و بسیط ارض غبرا را از نور قدوم میمنت لزوم رشک
ب ماه عرش کبریا کردانید و کام جان تشنه لبان بادیه شوق ما که از طلب سراب
شبهات ارباب بدع کشته بود بشبنم شریعت سمحه بیضا شیرین نمود اعنی جناب
با رفعت شمس آسمان نبوت و بدر فلک رسالت زبده عالم وجود صاحب مقام محمود
ثمین گوهر محیط امکان نور عرصه کون و مکان قطب دوایر افلاک سرافراز تشریف
خطاب لولاک عارف اسرار اسری واصل مقام قاب قوسین او ادنی حبیب حضرت
رب العالمین سید الانبیاء والمرسلین ابو القاسم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله السلام
نظم احد که بود محیط رشح کرمش ؛ جبریل کند سجده خاک قدمش ؛ کلکشته ز رخ
هفتمین رتبه او ؛ خورشید فتاده سایه سان زر قدمش ؛ تعالی الله زهی بلندی شان
و رفعت مکان که انبیا و رسل و صاحبان عقل کل را منتهای آمال تشبث بذیل رحمت و
التجا بظل کرمت اوست نظم آنکس رسول که فخر آدم باشد ؛ عنوان صحیفه دو عالم باشد ؛
طغرای نبوت شد از او صاحب نام ؛ هر مرتبه ختم ز خاتم باشد ؛ صلوات الله وسلامه علیه
و آله الطاهرین ما تعاقب الغداة والرواح واشرق بنور جباههم
ضوء الصباح خصوصا سرور والا قدری که از نور ولایش دلهای اهل ایمان روشنی
بخش زمین و آسمان و از خورشید محبتش بدل سیماهم فی وجوههم من اثر
السجود صبح صادق اخلاص و یقین از جبین شیعیان نمایان سید اوصیاء

و سرور اتقیاء و سرحلقه سلسله اولیاء چراغ افروز دودمان آدم و حوا باب مدینه علم و لنگر
سفینه حلم مفتاح گنجینه اسرار و مصباح انجمن ابرار فاتح احد و خیبر قاسم طوبی و سقر اسد الله الغالب
و غالب کل غالب ابو الحسنین علی ابن ابی طالب علیه و علیهم السلام الی یوم القیمه بیت
حیدر که از او عالم جان پر نور است ؛ در سینه اهل از ولایش طور است ؛ از ختم رسل مرتبه بازو نیستش
چون رجعت خورشید جهان مشهور است ؛ زهی فضل جلی و مقام علی که حبیب الله جناب
او را بخطاب مستطاب یا علی نفسک نفسی نوازش نمود و جبرئیل امین آن رسول گزین را
در سختی حال و هجوم اهوال بندای نجم ردای نادعلیا مظهر العجائب دلالت فرمود ؛ شاهی
که زمین او بود فیض یمین ؛ سرکرده او سیاست هم فخر زمن ؛ بر مرتبه بلند دامادی بس شرف
گواه آن حسین است و حسن وبعد چون بتوفیق الله تعالی و تایید روح القدس و بموجب
خبر صحیح الاثر الدال علی الخیر کفاعله بعضی از فضل و خواص سور قرآنی و آیات و اذکار
بخاطر بنده امیدوار بعفو پروردگار المتکل علیه تراب اقدام و نقل سادات سید الله ابن
عبد الله الحسینی الطالقانی الاصل ساکن القزوین غفر الله له و لوالدیه بلطفه الخفی رسیده بود که
آنها را جمع نماید و از اخبار و آثار ائمه اطهار علیهم السلام که نفعش تام و فایده اش تمام و بهره اش
بخاص و عام رسد تا شیعیان با صدق و صفا و پیروان ائمه هدی صلوات الله علیهم
ما دامت الارض و السماء بآن مواظبت نمایند لهذا مرتب کردانیدیم این کتاب را بمفتاح
الخزائن مستمدا من الله المعونه و هو حسبی و نعم الوکیل اما مقدمه در فضل تلاوت نمودن

قرآن و آیات آنست باب اول از کتاب مفتاح الخزاین در بیان فضل و ثواب خواص و تفسیر
بسم الله الرحمن الرحیم و سورهٔ مبارکهٔ فاتحة الکتاب مشتمل است بر شش مفتاح مفتاح اول
در ذکر فضیلت خواندن بسم الله الرحمن الرحیم مفتاح دویم در ذکر فواید بسم الله الرحمن الرحیم
مفتاح سیم در ذکر خواص بسم الله الرحمن الرحیم و این مفتاح سیم منقسم می شود بسه قسم قسم اول
در خواص بسم الله قسم دویم در تکسیر بسم الله قسم سیم در کیفیت نوشتن بسم الله مفتاح چهارم
در بیان فضل و ثواب تلاوت کردن سورهٔ مبارکهٔ فاتحة الکتاب مفتاح پنجم در ذکر
خواص سورهٔ مبارکهٔ فاتحة الکتاب مفتاح ششم در بیان مختصری در تفسیر سورهٔ مبارکهٔ فاتحة
الکتاب باب دویم از کتاب مفتاح الخزاین در بیان بعضی از سور و آیات قرآنی است
که مشتمل است بر نه مفتاح مفتاح اول در ذکر احادیث چندی که دلالت میکند بر ترغیب
قرائت قرآن مفتاح دویم در ذکر فضل و ثواب سورهٔ مبارکهٔ بقره و آل عمران مفتاح سیم
در ذکر فضیلت آیهٔ مبارکهٔ آیة الکرسی مفتاح چهارم در ذکر صفت کرسی مفتاح پنجم در ذکر
ختم آیة الکرسی مفتاح ششم در ذکر فضیلت آیهٔ مبارکهٔ آمن الرسول مفتاح هفتم در ذکر فضیلت
آیهٔ مبارکهٔ شهد الله و قل اللهم مفتاح هشتم در ذکر فضیلت آیهٔ مبارکهٔ پنج ربنا مفتاح نهم
در فضل سورهٔ کریمهٔ النساء باب سیم از کتاب مفتاح الخزاین در بیان فضل و ثواب و خواص
بعضی از سور متبرکه و آیات مبارکه و ادعیهٔ مختصره که مشتمل است بر دوازده مفتاح مفتاح اول
در فضل تلاوت کردن سورهٔ مبارکهٔ انعام مفتاح دویم در بیان طریقهٔ ختم سورهٔ مبارکهٔ انعام

مفتاح سیم در فضل تلاوت کردن سی آیهٔ بزرگوار مفتاح چهارم در فضل آیات مبارکهٔ ثمانیه
مفتاح پنجم در فضل هفت آیهٔ مبارکه مفتاح ششم در فضل شش آیهٔ کریمهٔ مبارکه مفتاح هفتم
در فضل و خواص آیات متفرقه مفتاح هشتم در بیان ادعیهٔ مختصره از برای قضاء حاجات
و حصول مرادات و وصول مطالب مفتاح نهم در ذکر بعضی از نمازهای حوائج مفتاح دهم
در ذکر ادعیهٔ ادای دین و توانگری و دفع فقر مفتاح یازدهم در ذکر ادعیهٔ توسیع رزق و دفع
احتیاج بخلق مفتاح دوازدهم در فضل تلاوت نمودن بعضی از سور متبرکهٔ قرآنی است باب چهارم
از کتاب مفتاح الخزائن در بیان فضل و خواص بعضی سور متبرکه و آن مشتمل است بر هفت مفتاح
مفتاح اول در فضل خواندن سورهٔ مبارکهٔ یس مفتاح دویم در فضل سورهٔ مبارکهٔ انا فتحنا
و خواص آن مفتاح سیم در فضل سورهٔ مبارکهٔ الرحمن مفتاح چهارم در فضل و خواص سورهٔ مبارکهٔ
کریمهٔ حشر مفتاح پنجم در فضل و خواص سورهٔ مبارکهٔ الملک مفتاح ششم در فضل سورهٔ مبارکهٔ
عم یتسائلون مفتاح هفتم در فضل سورهٔ مبارکهٔ قدر و سورهٔ مبارکهٔ توحید باب پنجم
از کتاب مفتاح الخزائن در بیان فضیلت اذکاریست که مخصوص بوقتی نیست و آن
مشتمل است بر هشت مفتاح مفتاح اول در فضل ثواب تهلیل و ثواب انواع آنست
مفتاح دویم در فضل خواندن لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
مفتاح سیم در فضل صلواة بر محمد و آل محمد مفتاح چهارم در فضل شب جمعه و روز جمعه مفتاح پنجم
در فضل خواندن تسبیحات اربع و انواع آن مفتاح ششم در فضل خواندن لا حول و لا

و لا قوة الا بالله و انواع آن مفتاح هفتم در فضل استغفار و انواع آن مفتاح هشتم
در رونق کسب خاتمه در فضل و ثواب خواندن دعای یا من اظهر الجمیل اما مقدمه
در فضیلت قرآن و قرائت وی است در کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله اطهار روایت است که بسلمان فارسی فرمودند که یا سلمان بر تو باد بخواندن قرآن
پس بتحقیق خواندن قرآن کفاره است مر گناهان را و ستر است از آتش دوزخ و امان است
از عذاب الهی و نوشته می شود از برای قاری ثواب صد شهید و می بخشد خدای تعالی
بهر سوره ثواب پیغمبری و منازل میسازد در رحمت خود را برخوانندهٔ و ملائکه طلب آمرزش میکنند
از برای وی و جنت مشتاق وی می شود بتحقیق هرگاه که مؤمن قرائت قرآن کند خدای
تعالی نظر رحمت بروی نظر کند و عطا میکند بهر آیه هزار حوری و عطا میکند بوی بجای هر حرفی
نوری که بر صراط باآن می گذرد مؤلف گوید زیرا که صراط چنانچه از حدیث ثابت شده در
غایت تاریکی است ایضاً فرمودند هرگاه قاری ختم قرآن کند خدای تعالی عطا میکند بروی
ثواب سیصد و سیزده پیغمبر که همه تبلیغ رسالت کرده باشند و گویا قرائت کرده است جمیع کتبی
که از آسمان از جهة انبیا نازل شده است و خدای تعالی حرام میگرداند جسد وی را از آتش
دوزخ و از مقام خویش برنخیزد تا آمرزیده شود مع پدر و مادر وی و عطا میکند بوی بعدد
هر سوره شهری در بهشت فردوس که آن شهری بمروارید سبز ساخته شده باشد و در هر
شهری هزار در و در هر دری هزار حجره و در هر حجره صد هزار خانه از نور و بر هر خانه

صد هزار در رحمت و بر هر دری هزار دربان و بر دست هر دربانی هدیهٔ پروردگار
هر یکی برنگی و بر سر هر دربان مندیلی از استبرق که بهتر از دنیا و ما فیها باشد و در
هر خانه صد هزار دکان از عنبر و وسعت ما بین هر دکان ما بین مشرق و مغرب باشد
و بالای هر دکان صد هزار تخت و در هر تختی صد هزار فرش و از هر فرش تا فرش دیگر
هزار ذراع و بر بالای هر فرشی حوری است که چشمهای آن حوری سفید براق یعنی در
سبز ند و کنار چشمهای آن حوری هزار ذراع است و هر حوری صد هزار حله از بهشت
پوشیده که از لطافت مغز قلم حوری از زیر حلهها پیدا باشد و بر هر سر حوری هزار
گیسوی از مشک و غالیه و در گوشهای ایشان دو گوشوار از زبرجد و در گردنهای ایشان
هزار گردن از جواهر ما بین هر گردن بند هزار گز و پنجه دست هر حوری هزار کنیزک و
در دست هر یک کاسه از زر و در هر کاسه صد هزار رنگ شربت که شباهت نداشته باشند
هیچیک بدیگری و در هر خانه هزار خوان و در هر خوان صد هزار کاسه و در هر کاسه صد هزار
رنگ از طعام که شباهت نداشته باشند هیچیک بدیگری ثابت می گردند از هر رنگی صد هزار
لذت یا سلمان هرگاه مؤمن تلاوت قرآن کند بگشاید خدای تعالی درهای رحمت
بروی و خلق بهر حرفی از قرآن که از دهانش بیرون آید فرشته که تسبیح می گفته باشد از برای
وی تا روز قیامت و هیچ چیز بعد آموختن علم دوست داشته باشد از قرآن و بتحقیق گرام
ترکسان از بندگان نزد خدای تعالی بعد از انبیاء و علماء قاریان قرآنند بروان بروند

رزد نیاسیم چنانکه پیغمبران بیرون میروند وقتی که از قبرهای خود بیرون آیند وانبیاء و
ورسل از صراط مسرور می گذرند واخذ میکنند ثواب انبیاء را خوشا حال طالبان علم
وقاریان قرآن بدانچه ایشان راست نزد خدای تعالی از عزت و بزرگی ایضاً
آنحضرت فرمود که فضل قرآن بر سایر کلام همچو فضل خداست بر خلق وی تا آنکه
اخبار و احادیث در فضل قرآن وقاری وی بسیار است امابدین قدر اختصار شد

باب اول در بیان فضیلت و ثواب وخواص وغیره علم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وسوره مبارکه فاتحة الکتاب است ومشتمل است بر شش مفتاح مفتاح اول در ذکر فضل
خواندن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ است که احادیث واخبار وارده در فضل وثواب
وفواید آن بسیار است لهذا بذکر بعضی از آن که اهم و در تادیه مطلب اتم باشد می
پردازیم تعالی الله چه خجسته نامی که گفتار پیرا گذارش هر مدعائی راهموار و به برکت آغاز
آن انجام داد دست و کردار پی دست و پا ابواب حصول هر کاری را پیوسته بمفتاح
تذکار آن برروی خود گشاده و تبارک الله چه مبارک کلامی که درکتاب کریم الهی
از قدر و شرف نامتناهی بر جمیع آیات وسور مقدم است که عنوان منشور آسمانی است
چنانچه پادشاهان مجازی که نشانی بولایتی یا بجاعتی می نویسند اول نام خود بر سر آن
نشان ثبت میکنند تا معلوم شود که آن نشان از نزد پادشاه است و پادشاه ازلی
وابدی جل جلاله در اول قرآن که منشور آسمانی است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ که اسم بزرگ

اوست ثبت فرموده که اوامر ونواهی که در این نشان آسمانیست بدانید که حکم کیست
وازآن تجاوز ننمایند وچون چنین نباشد که برسته اسم چنین از اسماء کرام الهی
مشتمل و در مکان وشرف باسم اعظم مقرون ومتصل است چنانکه از حضرت امام
همام علی ابن موسی الرضا علیهما السلام مرویست که ان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اقرب الی الاسم الاعظم من سواد العین الی بیاضها یعنی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
نزدیکتر است باسم اعظم از سیاهی چشم بسفیدی آن و در مجموعه ورام از حضرت
خیر الانام حدیثی روایت نموده محصل معنی آن اینست که رد کرده نمی شود دعائی
که اول او بسم الله الرحمن الرحیم است وبدرستیکه امت من میایند در روز قیامت
بعرصه محشر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ گویان پس حسنات ایشان در ترازوی اعمال
گران می گردد و ملائکه از سبب آن استغفار می کنند پیغمبران میگویند که ابتدای
کلام ایشان سه اسم بود از اسماء الهی که اگر آنها را دریک ترازو وکنه اعمال را در پله
دیگر گذاشته شود حسنات ایشان راجح آید ایضاً در حدیث آمده است که چون
بنده مؤمن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ پادشاه ذوالجلال کریم لایزال ندا
فرماید که ای فرشتگان بنده که مرا بنام بخواند الله رحمن ورحیم من هم او را به
خیر او کرامت کنم اول ایمن گردانمش از عذاب خود دویم ارزانی دارمش از دوم
سیم اورا کرامت کردانم برحمت خویش واز ابن عباس منقول است که ابلیس لعین

سه مرتبه چنان فریاد کرده که دیگر مثل آن نکرده یکی وقتیکه لعنش نمودند در ملکوت آسمان
واخراجش فرمودند دیگر وقتیکه حضرت ختمی مآب نزول یافت ونور آفتاب وجودش بر عالم
هستی تافت دیگر وقتیکه سوره مبارکه فاتحة الکتاب نزول نموده و در اول آن اسم بسم الله
الرحمن الرحیم بود واز عالم ربانی ومحرم اسرار فرقانی جناب مستطاب امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که اگر خواستمی هرآینه هفتاد شتر از نوشتجات معانی بسم الله الرحمن
الرحیم وفضل وثواب آن بار کردمی و ابن عباس میگوید که شرح ومعنی مرموز از برای
من یکشب تا صبح بای بسم الله الرحمن الرحیم را و نرسید به سینش و فرمود که اگر خواهم هرآینه
بار میکنم چهل شتر را از معنی بسم الله الرحمن الرحیم واز آن حضرت مرویست که فرمود کل
آنچه در صحایف سماویست در قرآن است وجمیع آنچه در قرآن است در سوره فاتحه است
وهمه آنچه در فاتحه است در بسم الله الرحمن الرحیم است در بای آن است ونقطه تحت با
ومن آن نقطه ام واز آنچه در جامع الاخبار از سید ابرار منقول است که حاصل معنی
آنکه هرکه خواهد که خدای تعالی اورا از نوزده زبانیه جهنم که ملائکه عذابند نجات دهد
باید که قرائت بسم الله الرحمن الرحیم کند که نوزده حرف است تا خدای تعالی حرفی را
از آن سپری مانعی گرداند برای رفع یکی از آنها جامع این کتاب میگوید که همچنین
است انوار خمسه که محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین باشند علیهم السلم نوزده حرف است
لهذا هرکس که تولا باایشان وتبرا از دشمنان ایشان داشته باشد باین سبب جناب

اقدس الهی از برکت ایشان گوینده بسم الله الرحمن الرحیم را نجات میدهد
از نوزده زبانیه جهنم که بی تولای ایشان هیچ علی بهدف اجابت مقرون نیست
چنانکه شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده است که طاوس ملائکه جبرئیل بحضرت رسول فرود
آمد وعرض کرد یا محمد خدا تو را سلام میرساند ومی فرماید که آفریدم هفت آسمان را و آنچه در
هفت آسمان است وآفریدم هفت زمین وآنچه بر روی هفت زمین است بنا فریدم جائی
بزرگتر از رکن خانه کعبه ومقامی که آن مقام ابراهیم است اگر بنده بخواند مرا در آنجا
از وقتی که آفریدم هفت آسمان وزمین را پس ملاقات کند با من ومنکر باشد بولایت
علی ابن ابیطالب را سرنگون بیندازم او را در دوزخ ایضاً از امام موسی کاظم علیه السلم
منقول است که فرمود هرکسی که باو غمی والمی برسد واو بردارد سر خود را بجانب آسمان و
بعد از آن سه بار بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ برود غم والم او را انشاء الله تعالی ایضاً
در کتاب جامع الاخبار از جناب مقدس نبوی مرویست که مَنْ قَرَأَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيمِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ أَرْبَعَةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَمَحَىٰ عَنْهُ أَرْبَعَةَ
آلَافِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دَرَجَةٍ یعنی قرائت کند هرکس بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را نویسد خدای تعالی برای او بحرفی چهار هزار حسنه ومحو کند از او چهار
هزار گناه و بلند گرداند برای او چهار هزار درجه و اهل تفسیر گفته اند که حق تعالی در کلام
مجید خود فرموده وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا یعنی مر خدا را چهار هزار نام

هزار نام چنان است که خود میداند و بغیر از حضرت او کسی نمیداند و هزار نام او را بغیر از انبیا
کسی نمیداند و هزار نام دیگر را ملائکه آسمان دانند و هزار نام او در دنیا است سیصد در
توریه و سیصد در زبور و سیصد در انجیل و صد نام در فرقان و از جمله صد نام که در قرآن است
نود و نه نام مشهور است و یک نام اسم اعظم که مخفی است و الحق تعالی اشاره است که فادعوه
بها اذ عده از عهده این چون تواند بیرون آمد علما نموده اند که هرکه بسم الله الرحمن الرحیم
بگوید همچنان باشد که خدای تعالی را باین چهار اسم که اسماء حسنی است خوانده باشد
ایضاً در جامع الاخبار از برگزیده پروردگار حدیثی منقول است خلاصه معنی آن اینست
که هرکه بسم الله الرحمن الرحیم گوید بنا کند حق تعالی برای او در بهشت هفتاد هزار قصر
از یاقوت سرخ و در هر قصری هفتاد هزار خانه از مروارید سفید و در هر خانه هفتاد هزار تخت
از زبرجد سبز و بالای هر تختی هفتاد فراش از سندس و استبرق و بر آن زوجه باشد از حور
العین و آن حوری هفتاد هزار گیسو داشته باشد که بدر و یاقوت آراسته باشد و بر گونه راست
او محمد رسول الله و بر گونه چپش علی ولی الله و بر پیشانیش الحسن و بر زنخش
الحسین و بر دو لبش بسم الله الرحمن الرحیم نوشته شده باشد راوی گوید عرض کردم
یا رسول الله این کرامت برای کیست هانا این منزلت در نظر وی بسیار زیاد نموده و برای انکه
مبادا در شنیدن اشتباه کرده باشد تحقیق آن فرموده آنحضرت فرمودند که این کرامت
برای کسی است که بحرمت و تعظیم گوید بسم الله الرحمن الرحیم و از آنجمله حدیث بسیار شریف

که در کتاب حدیثی بنظر حقیر رسید که در قصهٔ معراج آورده است که صدر نشین بارگاه او ادنی
و چابک سوار براق سبحان الذی اسری از معراج بنزول اجلال فرمودند از هر مقام اصحاب جویا
خبر میدادند از جمله عجایبی که در بهشت مشاهده کرده بود وصف می فرمود که چهار نهری دیدم
که گشادی هر یکی از این چهار نهر بمرتبه بود که اگر تمامی عالم را در برابر او قیاس کنند چون
سوزنی بود در مقابل دریای گفتم یا اخی این چه نهرها است بدین عظمت از کجا می آید و بکجا میرود
طاوس ملائکه جبرئیل عرض کرد این قدر میدانم که بحوض کوثر میرود و لیکن نمیدانم از کجا میاید
ترا نزد خدای تعالی قدر و منزلت بسیار است اگر خواهی بر تو ظاهر گرداند من در این اندیشه
بودم ناگاه فرشته بر زمین آمد و سلام کرد آن فرشته عظیم جثه او بمرتبه بود که بغیر از خدا
کسی عظمت او را نمیداند و مر او را بالهای بسیار بود مرا گفت قدم بر پر من نه و چشم
خود بپوش من قدم بر بال او نهادم و چشم بر هم نهادم آن فرشته پرواز کرد بعد از آنکه
عرض کرد چشم خود بگشا چون چشم بگشادم در زمینی دیدم در قبه از دانه در سفید بغایت
بزرگ که اگر تمام دنیا بر سر آن قبه نهند بر مثال مرغی خواهد بود بر سر کوهی نشسته باشد و این
قبه را دری است از زبرجد سبز و قفلی بر آن نهاده از زر سرخ این چهار نهر دیدم که از این قبه
بیرون می آید بعد از آن خواستم که برگردم آن فرشته عرض کرد که چرا در این قبه نرفتی که
بر سر این معنی اطلاع یابی گفتم چگونه در آیم مقفل است عرض کرد کلید آن در دست تو است
گفتم آن کدام است گفت کلمهٔ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بعد از آن نزدیک آن در شدم و گفتم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قفل گشاده در آن قبه در آمدم چهار نهر را دیدم که از چهار
رکن قبه بیرون می آید یکی از آب صاف دیدم دویم از شیر که طعم او هرگز متغیر نگردد سیم از عسل
مصفی چهارم از خمر چنانچه حق سبحانه و تعالی در قرآن صفت آنها فرموده که فیها انهار من
مَاءٍ آسِنٍ وَاَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَاَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ
لِلشَّارِبِينَ وَاَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى جناب ختمی مآب نبوی فرمود خواستم
بیرون آیم فرشته عرض کرد یا محمد نیکو نظر کن تا بر حقیقت این قدرت کما ینبغی اطلاع
یابی نظر در آن چهار رکن کردم بر یک رکن او دیدم نوشته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
و این چهار نهر از چشمه میم بسم الله الرحمن الرحیم بیرون می آید و چون شیر از چشمه الله
و چون خمر از چشمه میم رحمن و چون عسل از چشمه میم رحیم پس دانستم که این چهار نهر از این
چهار کلمه انفجار می شود و بعد از آن حق سبحانه و تعالی این خطاب فرمود یا محمد مَنْ ذَكَرَ
هٰذِهِ الْاَسْمَاءَ مِنْ اُمَّتِكَ وَقَالَ بِقَلْبٍ خَالِصٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَقَيْتُهُ
مِنْ هٰذِهِ الْاَنْهَارِ الْاَرْبَعَةِ یعنی ای محمد هرکس که یاد کند مرا باین اسماء از امت
تو بصدق دل بدین کلمه بسم الله الرحمن الرحیم او را از این چهار نهر بهشت نم جامع گوید
اگر غلط نکنم پیغمبر بر کما کیف آن نهرها بهتر مطلع بود از آن فرشته و از آنجمله جابر انصاری
روایت میکند از سید عالم و ارشد اولاد بنی آدم سؤال کردم یا رسول الله اول چیزی
که خدای تعالی آفرید چه چیز بود فرمود که اول ما خلق الله نوری اول چیزی که آفرید نور

من بود و آن نور را بدو قسم گردانید از جزء اول عرش عظیم آفرید و عرش را چهار
صد رکن است از رکنی برکنی چهار صد سال راه است و از جزء دویم نور و قلم را آفرید
طول و پانصد سال راه است و عرض او سیصد سال راه پس حق سبحانه و تعالی خطاب
فرمود بقلم که اکتب یعنی بنویس عرض کرد خداوندا چه نویسم علم مرا در خلق من آنچه را
در قیامت با خلق خواهد بود قلم عرض کرد الهی ابتداء کلام بچه کنم حق تعالی فرمود که بنویس
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قلم زرنشان تمام کرد از هیبت اسم بسم الله چندین سال بر لوح سر
شکافته بماند چه از آن بکتابت بسم الله شق او در اسم آمد گویند هفتصد سال بکرد
تا کتابت بسم الله الرحمن الرحیم تمام شد که حق سبحانه و تعالی قسم یاد فرمود که هرکس از مردان
و زنان امت حبیب من که یکبار بسم الله الرحمن الرحیم گوید در دیوان عبادتش هفتصد
سال عبادت و طاعت نویسند و در غرائب القرآن این مضمون مذکور است که نبی معظم مکرم
حضرت عیسی ابن مریم علیه السلام بر قبری گذشت دید فرشتگان عذاب مرده را عذاب میکنند
و چون مراجعت نمود باز بر آن مرور نمود ملائکه رحمت را با طبقهای نور در آن مقام دید تعجب
کرد و نماز گذارد و جهت استکشاف آن امر عجیب دعا فرمود وحی آمد باین مضمون که یا عیسی
این مرد عاصی بود و از وی زنی مانده بود آبستن و پسری زائید و او را تربیت کرد تا بزرگ شد
پس او را بمکتب داد و معلم او تلقین بسم الله الرحمن الرحیم نمود پس مرا از آن شرم آمد که ورا
عذاب کنم باتش در زیر زمین و پسرش ذکر نام من کند بر روی زمین و از جناب مرتضی این

این مضمون ماثور است که چون معلم کودک را گوید که بگو بسم الله الرحمن الرحیم و کودک با او
گویا کرد و بنویسد خدا تعالی براتی یعنی آزادنامه برای آن کودک و براتی بجهت پدر و مادر او
و براتی برای معلم از آتش و از همان جناب مقدس نبوی مروی است که فرمود المعلم
اذا قال للصبی بسم الله الرحمن الرحیم فیقول غفر الله تعالی اربعین
من اهل بیت الصبی ولاربعین من اهل بیت المعلم یعنی چون معلم طفل را
تلقین کند که بگو بسم الله الرحمن الرحیم و او بگوید حق تعالی چهل کس او را و از اهل بیت
طفل و چهل کس از اهل بیت معلم را بیامرزد ببرکت بسم الله الرحمن الرحیم مفتاح دویم در خواص
و فواید بسم الله الرحمن الرحیم خصوصا در امور دیگر بسبب آنها از احادیث و اخبار از ائمه
اطهار ماثور است از آنجمله در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام بعنوان حدیث قدسی ذکر
و عبارت آن بدین دستور است و حاصل معنی آن اینست که کاری بر خاطر کذرد و در او
بسم الله الرحمن الرحیم مذکور نگردد آن دنباله بریده و ناتمام است و خیری ندارد و در تفسیر مذکور
در حلی بیان معنی آیتی بدین مضمون مزبور است که خدای تعالی به بندگان خود فرموده است
که ای نیازمندان برحمت من بدرستی که من لازم شما گردانیده ام احتیاج بمن را در حال
و وقت عبودیت در هر وقتی و هیچ حالی و وقتی نیست که محتاج و ذلیل من نباشید پس در
هر کاری شروع میکنید و امید دارید که باتمام رسد و انجام یابد بمن ملتجی شوید و از من یاری
خواهید بدرستی که من اگر خواهم که بشما عطا کنم دیگری قادر نیست که آن را از شما باز دارد

و اگر خواهم از شما باز دارم غیر من قدرت ندارد که بشما عطا نماید پس من سزاوارترم از
کسانی که سوال از ایشان می کنید و اولایم از کسانی که تضرع بایشان می نمایید پس بگویید
نزد هر افتتاح امری بزرگ و کوچک بسم الله الرحمن الرحیم مفتاح سیم در فضیلت و خواص
آیه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم گفت شیخ عالم ابو العباس سیر احمد بونی قدس الله روحه
تحقیق که سوال کرد از من یکی طالب و راغب بحق بود و اند از اسرار پنهانی بزرگی که در
بسم الله الرحمن الرحیم از ائمه اطهار سلام الله علیه و آله اجمعین وارد شده پس صادر شد ابرام
بسوال ایشان در حالتی که من نیز طالب سوال ثلاث بودم پس تحقیق که ذکر کردم من
در اینجا بخواص بسم الله و اسباب نزول آن و چیزیکه تعلق دارد باین از جمع تکسیر و تلاوت
و اعداد و تصحیح و اسنا و بر سبیل اختصار رو بجانب اقدس الهی جل جلاله استغاثه و توفیق
و هدایت بجوییم بسوی واضح ترین راهها گفته شده است بدرستی که خداوند عالم در زمانیکه
فرستاد بسم الله الرحمن الرحیم بالحرکت و لرزه درآمدند کوهها استوار و بلند و جنبش آمد از
جهت آن زمینها و آسمانهای هفتگانه بسبب و اعتبار از و یاد ملائکه و یقین مخلوقات گردید و
بر و در افتادند جنیان و حرکت نمود افلاک و ذلیل شدند ملوک و پادشاهان از جهت
عظمت آن و بود آن کلمه نوشته شده قبل از خلقت آدم بپانصد سال و بود آن کلمه
بر جناح و بر پر جبرئیل امین روزیکه نازل شد بر ابراهیم خلیل در آتش و گفت جبرئیل بسم الله الرحمن
الرحیم یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و بود آن کلمه نوشته شد بر عصای موسی

کلیم بزبان عبرانی و هرگاه نوشته نشده بود بر عصا هر آینه شکافته نمی شد دریا از
برای حضرت موسی و بود نوشته شده بر زبان حضرت عیسی روزیکه تکلم کرد در گهواره
در حالتی که خورد سال بود و عیسی حرف نزد با مردمان بسبب آن کلمه و بود آن کلمه
نوشته شده بر انگشتری حضرت سلیمان ابن داود مفتاح چهارم از جمله خواص فضیلت
بسم الله آنست که اول هر سوره در قرآن وارد شده است و همین قدر کفایت در بیان
فضیلت آن و به تحقیق که قسمت کردم من این مفتاح را در بیان ذکر خواص بسم الله بر
سه قسم قسم اول در بیان خواص بسم الله و فایده تلاوت بعد خاصی قسم دوم در بیان تکسیر
بسم الله و چیزیکه تعلق به تکسیر دارد و از منافع قسم سیم در بیان حل آن کلمه و با خود نگهداشتن
و نوشتن آن کلمه است و هر یک از اینها محتاج بری بیان و توضیح است قسم اول در بیان
خواص بسم الله و فواید خواندن بسم الله بعدد خواص در وقتی که بخواند شخص بسم الله را
بعدد حروف بسم الله و آن حروف هفتصد هشتاد و شش مرتبه است در مدت هفت روز
بر هر امری که مقصود بوده باشد از جلب نفع یا در دفع ضرر یا نصاحت شخصی او مکتبانی
نهد و بقصد رواج بخواند پس بعد از خواندن خداوند رواج دهد و فرجه شود در یک عظیم در
وقتی که خوانده شود در شب بیست و یکم مرتبه ایمن خواهد شد خواننده در آن شب از شیاطین
و دزد و از سوختن ایمن شود از مرگ ناگهان و خواندن بسم الله بعدد مذکور نفع بخشنده
است از جهت دفع هر بلا و درد که باشد و شخصیکه بخواند بسم الله را در روی ظالم هر تبه ذلیل

شود خداوند آن ظالم را از جهت او خداوند هستی در ذات او میاندازد و ایضا در وقتی که
خوانده شود بر دردی صد مرتبه در سه روز که هر روز صد مرتبه بخواند بر طرف می شود آن
درد باذن خدای تعالی ایضا اگر خوانده شود در گوش مصروع چهل و یک مرتبه افاقه می شود
آن صرع در همان ساعت و اگر بخوانی در وقت طلوع آفتاب در حال آنکه تو در مقابل آفتاب
باشی سیصد مرتبه و صلوات فرستی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله صد مرتبه روزی میفرستد ترا
خداوند تبارک و تعالی از جائیکه گمان نداشته باشی و نمی گذرد سال بر تو مگر آنکه خداوند
ترا غنی گرداند از فضل خود و تحقیق که گفته شده است که بسم الله اسم اعظم خداوند است اگر بخواند
او را محبوس در مدت سه روز هر روزی و شب هزار مرتبه نجات میدهد خداوند او را از
آن اگرچه حبس او جهت قتل بوده باشد و اگر بخواند شخصی بسم الله را در روز جمعه در وقتی
که خطیب بر سر منبر بوده باشد و منظور و فراموش شده باشد چیزی در خاطرش درک میکند
و بخاطر او می آید ببرکت بسم الله و اگر بخواند شخصی او را بر کاسه آبی بعد دگذشته که هفتصد
و هشتاد و شش مرتبه بوده باشد بخوراند کسی را که اراده دوستی او را دارد دوست دارد او را
باذن خداوند و اگر بخورد پلید و کند دهن در نزد طلوع آفتاب زایل شود چیزی که در او
هست از بلادت و کندی حفظ هر چیزی را که بشنود و اگر بخواند در وقت نزول باران شصت
و یک نوبت بر فیت سراب سیراب شدن هر موضعی که بوده باشد هر آینه سیراب کند خدا
جناب اقدس الهی آن موضع را در همان روز اگرچه بوده باشد شخص خواننده بمشرق و مغرب

که اراده سیراب شدن آن دارد در مغرب باشد و اگر بخوانند بعد از نماز صبح بنیت صافی
و قلب خاشع در مدت چهل روز افاضه فرماید جناب اقدس الهی بر قلب خواننده غوامض
و مشکل و فرو رفتهای اسرار در خواب به بیند آنچه در عالم حادث می شود و عدد خواندن آن
دو هزار و پانصد مرتبه است و شرح این کلمهٔ متبرکه بسیار است بهمین قدر اکتفا کرده و الله اعلم
عالم عالم است بکل حقایق و به استعین قسم دوم در بیان تکسیر بسم الله الرحمن الرحیم است و
چیزیکه تعلق بآن دارد از منافع بدان ای برادر رحمت الله تعالی اقدس الهی باد شما را
توفیقی در طاعت کرامت فرماید مدرستی که من نصیحت و بیان باین شرح کردم که از جهة منتفع
شدن باین کلمهٔ متبرکه در طاعت خدای تعالی و خداوند از جانب ما کفیل و وکیل است پس
اگر کسی عمل نماید از جهة قضاء حوائج خود یا داخل شدن بر ملوک و جباران پس باید اول روزه بگیرد
در روز پنجشنبه و افطار را بر کشمش و خرما و شکر نماید و نماز مغرب را که بخواند بعد از نماز صد و بیست
و یکمرتبه تلاوت نماید و در وقتی که بجامه خواب رود آنقدر بخواند تا آنکه خواب بر او غلبه کند و در
صبح روز جمعه بعد از نماز صبح نیز صد و بیست و یکمرتبه بخواند و بنویسد او را در کاغذ زعفران و
مشک و گلاب و بخور دهد او را بعود و عنبر فوائد کلیه حاصل نمی شود و با خود نگه میدارد این
کتاب را مردی یا زنی مگر آنکه میگردد در چشم مردمان مثل ماه منیر و نوربخش و میگردد عزیز
وجیه و با هیبت و احترام و هرکه او را به بیند دوست دارد او را و بر آورد حوائج او و مهابت دارد
جناب اقدس الهی هیبت و محبت او را در قلوب کل خلق اینست طریقهٔ تکسیر مقطع ب س م

ال ل ه ال رح م ن ال رح ی م تکسیر بسم الله که بعد از صد و دو مؤخر و مقدم
بعمل آید اینست تکسیر ب م س ی م ح ا ر ل ل ا ه ن ا م ر ل ح م ا ت ه از
تکرار تکسیر احتراز نمایم که مقطع بسم الله است چنانکه ثبت شده است بعد باید آید و ناطق شود
بنویسد این را بیست یکمرتبه پس اگر این طریق بسم الله الرحمن الرحیم را در پوست آهو سیاه
یکمرتبه زعفران و گلاب نوشته شود و بخور دهد بقسط و میعه و لبان و با خود نگهدارد و [illegible]
که مشک بوی باشد روزی میدهد او را جناب اقدس الهی از جائی که گمان نداشته باشد
و بر طرف میگرداند خدا از او فقر و تنگ دستی را و می کشد جناب اقدس الهی از برای او در
های خیر را و اگر با خود نگهدارد صاحب دین قرض آسان میکند خداوند از برای او در
ادای دین او و حیا شده امان از برای نگهدارنده از هر بدی و میرسد باو آنچه را که اراده
نماید از امور دنیا و آخرت و اگر نوشته شود در جام زجاج سفید چهل یکمرتبه و شوید با آب زمزم
یا با آب شیرین و بخورد آب را بیمار عافیت میدهد او را خداوند تعالی و اگر زنی دشوار زاید
بخورد فی الفور بار نهد بسلامت و اولاد او مسلمان باشد باذن خدای تعالی و اگر نوشته شود
بیست و یکمرتبه یا نوزده مرتبه و آویخته شود بر طفل صغیری که خروج نماید در خواب از بدن
از او خروج باذن خدا تعالی و اگر نوشته شود در ورقی پنج مرتبه یا سه مرتبه داخل نشود شیطان
در او و نه در جامه او و بسیار برکت در او باذن خداوند و اگر بیاویزد این کتاب را صاحب
دکان در دکان خود بسیار شود در بیع و نفع کند متاع او و دوست تسلط جمیع ظلمه از او

ازو رفع شود باذن خدای تعالی و اگر نویسد شخصی در اول ماه محرم در کاغذ سفیدی صد و ده مرتبه
و با خود نگهدارد و در آن سال نرسد او را و نه عیال او را و نه اهل خانه او را مکروهی و بدی در آن سال
و اگر نوشته شود در ورقی شصت و یکمرتبه از جهة زنی که عیش و زندگانی نمیکند ولد او سالم ماند و زنی
که حامله نمی شود اگر با خود دارد و بعد از آنکه پاک شده باشد از حیض بسته روز از ایام پاکی او
گذشته باشد در روز چهارم نگهدارد همین کتاب را که نوشته شده است شصت و یکمرتبه بسم الله
بر نهج مذکور و مقاربت کند زوج او با او و از خود دور کند این کتاب را در مدت شانزده روز
و بعد از شانزده روز بگذارد کتاب پس آن زن حامله می شود و می بیند در این مولود خیر را
باذن خداوند عالم و به تحقیق که تجربه کرده ایم ما این طریقه را اکثر و صحیح است بشرط صدق نیت
بقدرت خدای تعالی و اگر نوشته شود در ورقی سفید باین طریق بسم الله الرحمن الرحیم و دفن کرده
شود در مزارع نیکو شود زرع و ثمره او و ایمن شود از آفات و نمو نماید و برسد او را برکت و نیکو شود
و برسد او را از آن زرع آنچه را که اراده کند باذن خدای تعالی و اگر نوشته شود هفتاد مرتبه
و با میت بگذارند در کفن او ایمن شود از هول منکر و نکیر و بوده باشد نوری در قبر او تا روز
بعثت و اگر نوشته شود هفت مرتبه در لوح رصاص اسود و بگذارند او را در شبکه صیادی ماهی
از هر مکان پس اخذ میکنند از آن ماهیان هر قدر که اراده نماید به برکت اسم اعظم و اگر
نوشته شود در کاغذی یکمرتبه و بگذارند آن انگشتر را در میان و دفع کند و بخور دهد او را و رو گردد
از وجوب شود در ساعت باذن خدای تعالی قسم سیم در بیان نگهداشتن بسم الله الرحمن الرحیم

است و بیان طریقه نوشتن آن متعلق است باین طریقه صفت ب س م ا ل ل ه ا ل ر ح م ن
ا ل ر ح ی م و بهاتر کریم و شرح عظیم مدرستی که با معنی بسم الله است یعنی خداوند عظیم بزرگوار
و نیکوست و السین سناء الله یعنی بلند و عالیست جناب اقدس الهی از همه اشیاء و المیم
مجده و ملکوته بزرگواری خداوند و پادشاهی و جبروت و الالف آلاء الله لطفه
یعنی مهربان و نوازش و نگهبانی خداوند نسبت بمخلوق مزد و الهاء هو الله الذی
لا اله الا هو یعنی اوست معبود بحق آنچنانکه نیست کسی که سزاوار پرستش باشد مگر او و
الالف امره یعنی الف اشاره است بکل اوامری که از خداوند بمخلوق رسیده و که لازم است اطاعت
او اعانه الله فی طاعته و المیم الملک یعنی میم اشاره است بخداوندی و پادشاهی او
و الحاء حی یعنی حاء اشاره است که حیوة و بودن خداوند ازلیست لا اول له و لا آخر له
نه اولی از برای اوست و نه آخری و الراء رئوف یعنی راء رحمت اشاره است برافت مهربانی
خدا و المیم ملکه و الالف من الرحیم کذلک و اگر نوشته شود بسم الله بطریق مذکور
بیست و پنج مرتبه و بخوانند بر او بسم الله الرحمن الرحیم را صد مرتبه و بگذارد او را در مال خود زیادی
شود در آن مال برکت و نمو میکند و اگر بطریق مذکور دویست و یکمرتبه ختم کرده شود و بوی او
این حروف و آن حروف اینست سلام علی نوح فی العالمین و سلامت بیاشامد او را صرع
کسی که او را مار گزیده یا کژدم زده باشد افاقه می شود در همان ساعت و عافیت میدهد او را جناب
اقدس الهی و اگر نوشته شود بسم در ورقی بطریق مذکور چهل مرتبه و نظر کند بوی شکل بسم شخصی که

هر روز آیه مبارکه قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ المُلكِ را نخواند فلا یوسع نمی فهمد که از کدام سمت
خیر باو برسد و مبارکت میگرداند جناب اقدس آلهی از برای او در خیراندکی را که مالکت
دستهای او و الهام می فرماید جناب اقدس آلهی او سوی خیر و اگر نوشته شود باین طریق
مذکور بنام مرتبه الرحمن و با کسی باشد و داخل شود دبرکت با ظالمی ایمن شود از شر او
و نرسد از او بدی بکامل و اگر نوشته باین قسم بر تیغ بکسر ن م ح ر ل و اگر نوشته شود
بالجمله رحمن و اسم کسی را که مقصود است بر تیغ بکسر حروف رحمن مقلوبه و با خود نگهدارد این
نوشته را بدرستی که ملاقات نمیکند عامل احدی را که اکه برآورد حاجت او را و نیشی میکرد برفعت
کردن عامل اگر طلب کند که خود را در آتش بیندازد هر آینه خواهد انداخت اگر نوشته شود باین طریق
ا ل ر ح م ان هفت مرتبه و نیز لیسی و اسم خود و غلام خود را که گریز پا باشد و دفن کند آن
کتاب را در خانه و بالای آنهم یک سنگی بگذارد و پس آن غلام ترک کند گریختن را البته هرگز دیگر
دوگر گریختن خطور نکند باذن خدای تعالی و اگر نوشته شود اسم مبارک رحیم در لیسه هشتاد و نه
مرتبه و با خود نگهدارد و داخل معرکه جنگ شود کارگر نشود و تیزی شمشیر و نه طعن نیزه و تیر و هر که
نگهدارد این اسم را بهر چند بگیرد ذلیل او شود و اگر نوشته شود اسم رحمن در کف دست صریع
و بخواند در گوشش او هفت مرتبه در همان ساعت افاقه شود صریع او را و اگر نوشته شود باین قسم ال
ر ح ی م و قرار دهد او را در انگشتر نقره که وزن او دو درهم باشد روزی می فرماید جناب
اقدس آلهی عامل او را جاه و جلال و الطاعة و دوام این نگه مبارکه لیسبارت و منافع کثیر

دارد و اگر نوشته شود چند بن مجلّد ملکه کسی را قوه نیست که تمام نماید الا معصوم صلوات الله علیهم
اجمعین ایضاً طریقه ختم آیه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم الکرسی هر روز بعدد هفتصد و هشتاد
بار بخواند تا هفت روز در جمیع مهمات و مدعیات برآید و جهة دفع دشمن و نفع از آن مجرب است
و بعد از هر نمازی بعدد مذکوره بخواند باعث فتوحات غیبی شود بشرط آنکه در میانه حرف نزند ایضاً
ختم دیگر از محققان استادانه چنین روایت میکنند که بعدد حروف بسمله دعوت اعتبار
داشته اند هر حرفی را هزار نوبت چون مجموع حروف نوزده است نوزده هزار بار باشد
اگر کسی بعضی از اسرار از سورهای کلام مجید خواهد در یابد بحسب ادب باید که اول ختم بسمله
شروع نماید و رخصت از صاحب دعوت نموده بی رخصت جرات ننماید فائده ندارد و جایز
نداشته اند در روز پنجشنبه چاشت را روزه دارد که ساعت نیکست در شب جمعه با فقراء و مساکین
افطار نماید و از وجه حلال آنچه میسر شود تصدق کند که در اجابت دعا اثر تمام دارد و چون توفیق
دعوت یابد بهر امری که رو نهد و مقصودی داشته باشد در خلوت درآید و دو رکعت نماز
حاجت بگذارد در رکعت اول بعد از سوره فاتحة الکتاب سوره انا انزلنا بخواند و در رکعت
دوم بعد از فاتحه سوره اذا جاء نصر الله بخواند و بعد از نماز صد بار صلوات بفرستد و بعد از آن
سیصد و شصت و یک نوبت بسم الله الرحمن الرحیم بخواند و بعد از آن سر بسجده نهد و حاجتی
که دارد عرض نماید که البته باجابت مقرون گردد و در روز دعوت بوی خوش در آتش اندازد
مثل عود و عنبر و هر چه ممکن باشد بسوزاند و مربع چهار در چهار بسمله در ساعت نیک رقم کرده

در تلاوت باید که در نظر داشته باشد و با عنفا و درست خواند که مجرب است و از مردم نا
مخفی دارد البته اثر بخشد ایضاً از آنجمله از مولای ما حضرت صادق علیه السلام مرویست هر کسی را
با کسی حاجتی باشد یا از کسی خایف باشد بسم الله الرحمن الرحیم را منقطع بنویسد و در دست گیرد
و نظر خود بان نوشته اندازد البته از آنهم کفایت شود و آن حضرت بدرستی مبدل شود و چون
این حروف ضم کند بهر مهم رجوع کند البته ساخته شود ب س م ا ل ل ه ا ل ر ح م ا ن ا ل ر
ح ی م کلاع کلاع بدیع مدلک ممیلک ایضاً از مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب
علیه السلام منقول است که هر که هفتصد و هشتاد و هفت بار بسم الله الرحمن الرحیم را بخواند و بعد از آن
صد و سی و بار صلوات بر حضرت رسالت پناه بفرستد هر چه از خدا خواهد باو داده می شود و اگر
مداومت نماید اسم ذات که مستجاب الدعوه گردد ایضاً از جناب ختمی مآب نبوی مرویست
که هر که روز جمعه بعد از نماز عصر بسم الله الرحمن الرحیم بگوید تا آفتاب فرو رود هر حاجتی که دارد در
التحمل از خدا بخواهد البته روا گردد و نقل است که هر که بخواهد که دعای او قبول گردد اول دعا بسم الله
الرحمن الرحیم بگوید و صلوات بر حضرت رسول بفرستد و در آخر دعا نیز صلوات فرستد هر دعای
که در میان دو صلوات واقع می شود البته مستجاب میگردد و نیز فرموده است که بسم الله الرحمن الرحیم
در اول دعا دخل تمام دارد که باید گفت ایضاً فرمود که در اول دعا سه مرتبه یا ارحم الراحمین
بگو و آنگه سل ما سئلت یعنی طلب هر چه میخواهی که اجابت می شود پس مدار اول دعا چهار که
شرط است هر که میخواهد که دعای او مستجاب شود اول بسم الله الرحمن الرحیم بگوید دوم الحمد لله

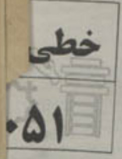
رب العالمین سیم صلوات چهارم سه مرتبه یا ارحم الراحمین و بعد از آن هر حاجتی
که خواهد از دینی و دنیوی که در او معصیتی نباشد از حضرت مجیب الدعوات و در آخر
دعا بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین
الطاهرین هر کس که باین ترتیب دعا کند شک نیست که البته باجابت برسد نقل است
که هر کس دوازده هزار مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و در آخر هر هزار مرتبه دو رکعت نماز
بگذارد و هر حاجتی که دارد از خدای تعالی بخواهد بی شبهه اجابت می شود ایضاً از حضرت
رسول و منبع کرامات و صاحب جود و سخاوت و این بارگاه رب العالمین و آن عبادت کننده حق یقین
و درخت شجرة الیقین حضرت سید المرسلین منقول است منقول است که چون بنده از خواب برخیزد
و دیوان در روی او ریزند چون زنبوران که چون در عسل آویزند چون بگوید اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی فرشتگان را فرستد تا بنده را از آن دیوان بربایند
ایضاً در روضة الاذکار از جناب مصطفوی مرویست فرمود که پرده حجاب خواهد شد
میان چشمهای جنیان و عورتهای بنی آدم در وقت کندن لباس جامهای خود را اینست که
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم از بعضی علما منقول است که در گردیدن این نام حجاب میان آدمی
و جن اثر رحمت باجمله در آنحضرت نیز حجاب خواهد بود میان آنکس و زبانیه جهنم در
زهرة الریاض مذکور است که چون زلیخا برگزیده ربانی دختر عزیز مصر با کدامنی حضرت یوسف علیه السلام
گفتگو کرده هفت در را مقفل ساخت واز در لابه و چاپلوسی درآمده بکام جوی برد حضرت از جنبه

سعی نمود و اهتمام ورزید بخیال ثبات حضرت یوسف از صبر آن مزخرفات نپرداخته پای عفاف
در گل بگر حیلتی که در آب گرفته بود بلغزید تا آخر الامر دامان عصمت از چنگ ایشان در کشیده
روی بگریز نهاده بهر دری که می رسید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ گفته آن در بسته بروی وی
مفتوح میگردید ایضاً صاحب زلال نقل کرده است از کتاب من لا یحضره الفقیه از جواهر اللآلی
موائد و فوائد نبادوین حضرت سید المرسلین حدیثی منقول است که حاصل آن اینست که چون
خوان طعام گذاشته شود چهار فرشته بر دور آن در آیند پس چون بنده گوید بسم الله
الرحیم آن فرشتگان بشیطان گویند که پس وای فاسق که ترا بر ایشان دستی نیست پس
چون از طعام خوردن فارغ شود گوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ فرشتگان گویند این جماعت
قومی اند که خدا نعمت را بر ایشان داده و پس شکر خداوند خود را ادا نمودند و اگر بسم الله الرحمن
الرحیم نگفتندی فرشتگان بشیطان گویند نزدیک شو ای فاسق و با ایشان اکل کن و چون خوان
برخواسته شد و خدا را حمد نکردند فرشتگان گویند ایشان قومی اند که خدای تعالی با ایشان
نعمت داده و شکر خداوند خود را فراموش کردند در جامع الاخبار آورده از حضرت اقدس نبوی
پرسیدند که آیا شیطان با آدمی اکل میکند فرمودند آری مائده که بر آن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
گفته نشود شیطان با خورندگان آن اکل می نماید و خدای تعالی برکت را از آن مائده برداشته
آورده اند که شیطان فربهی با شیطان لاغری ملاقات کرد پرسید چرا چنین لاغری ملاقات
کرد پرسید چرا چنین زار و نزاری گفت من بر مردی موکلم که چون بخانه خود در داخل می شود میگوید

بسم الله الرحمن الرحیم و چون بیرون میرود میگوید بسم الله و چون میخورد میگوید بسم الله
و چون می آشامد میگوید بسم الله از این سبب من همیشه زرد و لاغر زارم تو بگو که سبب فربهی
تو چیست گفت من بر مردی موکلم که چون در خانه شود از خدا غافل میباشد و بسم الله نمی گوید
و من در جمیع احوال با و شریک می گردم و چون چهارپا بر گردن او سوار می شوم از آن جمله در
تفسیر امام حسن ماثور است که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت بنده را
امر شود که بدوزخ رود چون بکنار دوزخ رسد گوید بسم الله الرحمن الرحیم و قدم در دوزخ نهد
آتش از وی هفتاد ساله راه بگریزد و در روایت آمده که روز قیامت که بنده را بحساب
آورند نامه اعمال وی مملو باشد از قبایح اعمال و فضایح افعال بدست وی دهند بنده
در وقت گرفتن آن نامه بر سبیل عادتی که در دنیا داشت بسم الله الرحمن الرحیم بر زبان راند
و نامه را بستاند چون بگشاید همه را سفید بیند و هیچ نوشته بر نظر او در نیاید بفرشتگان گوید
که در اینجا چیزی مرقوم نیست که بخوانم فرشتگان گویند که در این نامه سیئات و خطیئات
نوشته بود اما از برکت بسم الله الرحمن الرحیم که بزبان راندی همه آن زایل گشت منقول است
که عارفی وصیت کرد که بسم الله الرحمن الرحیم بر کفن او نویسند تا چون روز قیامت شود و
همه مردگان برخیزند گویم بار خدایا برای مکتوبی فرستادی و در عنوان آن بسم الله الرحمن
الرحیم ثبت بود امروز بعنوان کتاب خود با ما معامله فرما آورده اند که قیصر روم را درد سری پدید
آمد هر چند اطبا بمعالجه کوشیدند فایده نداد آخر الامر نامه نوشت بنزد امیر المؤمنین علیه السلام

و صورت حال را بعرض آن جناب رسانید آن حضرت طاقیه را نزد وی فرستاد و
فرمود تا آن را بر سر نهد تا شفا یابد قیصر آن را بر سر نهاد فی الحال شفا یافت و وی
از آن تعجب شده بفرمود تا آن طاقیه را بشکافتند در آنجا کاغذی یافت که نوشته بود
بسم الله الرحمن الرحیم دانست که سبب شفای او آن کلمه بزرگوار بوده فی الحال مسلمان
گردید و در خبر آمده که فرعون قبل از آنکه دعوی ربوبیت کند امر کرده بود که در درگاه
وی این کلمه جلیله نوشته بودند و در بعضی از تفاسیر آمده که جبرئیل آن را نوشته بود و چون
دعوی ربوبیت کرد موسی علیه السلام چه از دعوت او از ایمان مایوس شده با حق تعالی
مناجات کرد و شکایت او را معروض داشت خطاب که ای موسی تو نظر بر کفر او داری
و هلاکت او می طلبی و نظر من بر آن کلمه جلیله است که بسم الله الرحمن الرحیم باشد که در درگاه
او مرقوم شده و نکند بعزت و جلال خودم که تا آن اسم که مرقوم باشد در آن درگاه او را
عذاب نکنم و چون اراده الهی تعلق گرفت بهلاکت او اول کتابت را از آن درگاه
محو فرمود بعد از آن عذاب الهی بروی نزول یافت آورده اند که چون کشتی نوح علیه السلام
باتمام رسید چهار تخته از چوب کشتی کم آمده بود مردمان گفتند که در میان رود نیل درخت
عظیم است که لایق این کار است حضرت عوج بن عنق را فرمود که برو و این چوب را بیاور تا
تو را از نان سیر کنم چون آن درخت را بیاورد نوح علیه السلام قرص جوی پیش وی نهاد با قدری
سرکه عوج بخندید عرض کرد یا نوح من هر روز هزار و ده هزار نان میخورم این چیست که آورده حضرت

نوح علیه السلام فرمود که بگو بسم الله الرحمن الرحیم آنگاه طعام بخور عوج بر زبان راند و ابتدا
بخوردن کرد نصفی از طعام را تناول نتوانست کرد ببرکت بسم الله الرحمن الرحیم ایضاً
از برای حل مربوط یعنی سبکی درد زه در سبیل آید و او مذکور است که بتجربه رسیده است که چهل و یک مرتبه
بسم الله الرحمن الرحیم بمشک و زعفران نوشته بر کوزه نو شسته بیاشامد گشوده شود و از آن جمله در
کتاب فقیه از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت خلاصه مضمون آنکه من ضامنم از برای کسیکه
وقت طعام خوردن گوید بسم الله الرحمن الرحیم که از درد رنجی از آن نکشد ابن الکوا اعتراض کرد با
امیر المؤمنین دیشب طعام خوردم و بسم الله الرحمن الرحیم گفتم و مرا آزار کرد آنحضرت فرمود که چند
رنگ طعام خورده و بر بعضی نام خدا برده و بر بعضی نبرده و در همان کتاب مرویست که هر که خواهش
کند که بر هر نوعی از طعام بسم الله الرحمن الرحیم گوید باید که بگوید یعنی وقت شروع بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
عَلٰى اَوَّلِهٖ وَ آخِرِهٖ ایضاً و گر فروع در اکل بسم الله الرحمن الرحیم و اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
در خبر است که مرد مسلمان اراده خوردن طعام کند و این کلمات گوید و در هنگام یکرات
بر آن اسد ایزد تعالی او را بیامرزد پیش از آن که لقمه بدهان او رسد و نیز در فقیه از
گروه جناب ... جعفری علیه السلام ماثور است حاصل آنکه تخمه و امتلا نشده ام من هرگز
و این از آنست که ابتدا بخوردن طعامی کرده ام مگر آنکه گفته ام بسم الله الرحمن الرحیم و فارغ از
خوردن طعامی نشده ام مگر آنکه گفته ام اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ از آنجمله در قصه جرجیس علیه السلام آورده اند
که چون آن پیغمبر مقدس را بروایتی هزار بار در آتش سوختند و خدای تعالی او را زنده کرد آخر الامر



پادشاه جادوگران را فرمان کرد با انواع سحرها و حیله‌های بسیار بکار بردند از انجمله قدحی آب طلبید
و از جادو زهر چند بر او خواندند و گفتند اگر صد جان داشته باشد یکی را بدر نخواهد برد آنگاه
جرجیس را بخواندند آن آب را به او دادند چون جرجیس قدح آب را بستاند و بسم الله الرحمن
الرحیم گفت از سر صدق و یقین آن آب را بخورد و او را هیچ ضرر نرسید از برکت بسم الله الرحمن
الرحیم مهتر جادوگران پرسید از آن پیغمبر مقدس که خود را چگونه می‌بینی گفت هرگز از این
خوشتر نبودم که تشنه بودم سیراب گردیدم جادوگران گفتند ای ملک سجده‌ای بر جرجیس نمائیم
و کار او برحق است و از ما باطل از انجمله در کتاب شریف فقیه از حضرت صادق علیه السلام منقول است
چون یکی از شما پیش اهل خود رود و در وقت جماع ذکر خدا نکند فرزندی که از آن جماع بهم رسد شیطان
در او شریک خواهد بود یعنی شیطان در آن جماع حرکت میکند و آن فرزند از نطفه هر دو
متولد می‌گردد و نشان آنکه شیطان در او شریک بوده یا نبوده است دوستی و دشمنی با اهل بیت است
الحاصل از این قبیل اخبار و آثار در ترغیب گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در عموم کارها و در خصوص
بعضی بسیار وارد است و استیعاب آن در این مقام تفصیل جمیع آنها از طرق اهل علم باز میدارد
ایضا صاحب در المنظم روایت میکند از جناب مقدس نبوی که فرمود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
اسم اعظم است و ابن عباس علیه الرحمه گفته است که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که هر کس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ نگاه دارد
خدای تعالی او را از هفتاد نوع بلا و نیز در خبر است که هر که بنویسد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ را

و در کتاب آن مجید کند که نیکو نوشته شود و بجهة تعظیم آن بیامرزد خدای تعالی گناهان او را
و فرمود هر کسی کاغذ پاره که بر آن بسم الله الرحمن الرحیم نوشته باشند از زمین بردارد
او را از جمله صدیقان نویسند آورده‌اند که شیخ منصور عمار روایت میکند که فرمود روزی رفتم که
در راهی افتاده بود و بر آن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ نوشته بود او را برداشتم و بر جایی نهادم چون نیافتم
که آن را نگه دارم آن را تناول کردم شب در خواب دیدم که گوینده می‌گوید درهای حکمت بر تو
گشاده کردید بسبب حرمت آن رقعه چنان بود که همیشه حکمت علی فرمود ایضا در همان
کتاب ابن مسعود روایت میکند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود من قال بسم الله
الرحمن الرحیم مَرَّةً لَمْ یَبْقَ مِنْ ذُنُوبِهِ ذَرَّةٌ و از انجمله در کتاب مفتاح الغیب مرویست
که هر که نیز لفظ بسم الله را بر در بیرون خود ایمن شود از بلا اگرچه کافر باشد و از
انجمله بشر حافی در راهی می‌گذشت رقعه دید که بسم الله الرحمن الرحیم بر آن نوشته بروایتی یک اسم
از اسماء الله بر آن نوشته او را القدری عنبر معطر کردانید و در جای پاک نهاد شبی در خواب
دید که گفتند ای بشر خوش بوی کردانیدی نام مرا هر آینه خوشبو کردانم نام ترا در آسمان
و زمین در دنیا و آخرت ایضا آورده‌اند که دوازده هزار بار بگوید بسم الله را چون تمام شود
دو رکعت نماز بگذارد هر حاجت که دارد از خدای تعالی طلبد اجابت می‌شود و نیز گفته‌اند
که هر کس گفتن بسم الله الرحمن الرحیم مداومت نماید روزی بروی فراخ گردد و صفای باطن
او را حاصل گردد و نیز گفته‌اند که اگر هزار بار بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و هزار بار لا اله الا الله

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللّٰهِ هزار صلوات بر محمد و آل او فرستد بعد از آن دعای
بد کند بر ظالمی که بر او ظلم کرده است البته آن ظالم بمیرد و مخذول و منکوب گردد
آورده‌اند که هر که هفتصد و هشتاد و هفت بار بسم الله الرحمن الرحیم بخواند و بعد از آن
صد و سی مرتبه صلوات فرستد بر محمد و آل او هر چه از خدای تعالی بخواهد داده شود و
اگر مداومت کند همیشه امید است که مستجاب الدعوه گردد و برای کتابت بالفعل از بعد
هزار بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و یکی بسم الله الرحمن الرحیم و از انجمله طریقه ختم بسم الله
الرحمن الرحیم ابتدا می باید نمود از شب دوم یا سیم ماه باشد بعد از نماز مغرب بلا
فاصله شروع در ختم نماید اول دو رکعت نماز حاجت کرده بحوائج شروع مقصود را از خدای تعالی
بخواهد و هر شب هزار و یکصد و بیست و پنج مرتبه بطریقی که بعد مذکور خواهد شد تا چهل شب
و روز باید خواند و در جای خلوت باید نشست که تردد مردم نشود و بعد از بیست شب
اشخاص بنظر خواهد آمد و در این مدت چهل شب باقسام مختلف بنظر می‌آید و صداهای عجیب
و غریب مثل صدای توپ و تفنگ و غیره خواهد شنید هیچ گونه خوف بهم نرساند و محل [illegible]
نگردد حتی آنکه اشخاص را آواز میکنند جواب نباید گفت و در اثنای ختم هیچ حرف نباید گفت
و تسبیح که در دست دارد پاره میکنند باید متوجه شد که حساب غلط نشود تسبیح دیگر باید حاضر
داشت و در مکانی که شب اول شروع بختم کرده تغییر نباید داد تا شب چهلم بعد از اتمام
ختم موکل خواهد آمد با وی سخن بگوید زنهار در اثنای ختم به هر طرفی هر کس بنظر آید سخن نگوید

بعد از اتمام ختم که موکل حاضر شود خواهد نشست با وی سخن بگوید اول از موکل چیزی از خوردنی
طلبد و آنچه خواهد قرار کند که روز بروز با و بیاورند و شرط کند که موکل برود هر اوقاتی که خواهد
او را بطلبد بعد از نماز مغرب یکصد و بیست و پنج مرتبه آنچه مذکور می‌شود بخواند حاضر شود و
مطلب خود را به موکل بگوید و دعائیست که باید خواند بعد از بسم الله الرحمن الرحیم می‌خواند [illegible]
[illegible] زنهار با آدم نااهل ندهد بعد مذکور فوق باید که گوشت گاو نخورد مادام
عمر و چند روز قبل از ختم و بعد از ختم باید از مجامعت پرهیز کند جامع گوید که فضل و ثواب و
فواید بسم الله بسیار است بعضی از آنها را ذکر کردیم و کسی خواهد که بر بعضی دیگر مطلع شود باید
که تتبع کتب اثنا عشریه نماید تا ظاهر شود مفتاح چهارم در بیان فضل و ثواب تلاوت
کردن سوره فاتحة الکتاب است عبدالله بن مسعود از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله نقل کرده که قرآن خواندن خوان(؟) خداست که بآن صلای عام داده و جمیع بندگان را
بآن دعوت فرموده پس از مائده الهی [illegible] و محظوظ شوید هر چند توانید تا آنکه از آن [illegible]
که آن حبل است متین که هر که چنگ در آن زند و تمسک بآن جوید هرگز از رحمت [illegible]
واسعه حق سبحانه و تعالی منقطع و محروم نشود و نوریست روشن که متحیران بادیه ضلالت
بنور هدایت آن بمنزل مراد برسند و شفائیست بغایت سودمند که درد دردمندان و مستمندان
جهالت از پرتو دانش معرفت آن عارف می‌شوند و تجارتیست که هر که تابع آن می‌گردد مرتبه بلند
و درجه ارجمند برسد بسبب آن طریقی است حق که هرگز از صواب منحرف نمی‌گردد و الحق حبلیست که

که عجایب و غرایب آن منقضی نمی گردد و بواسطه کثرت تلاوت کهنگی نمی پذیرد و حسن بن
غیاث از زهری روایت میکند که من از علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرمود
که قرآن خزاین علم الهی و گنجهای معرفت پادشاهی است پس هرگاه که خزاین آن را در گشاید
باید که نظر نماید و از دریای منافع آن در معرفت حاصل کند عبد الله بن عباس از جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آنحضرت فرمود که اشرف امت من حاملان قرآن اند
و دیگر جماعتی که در شب مشغول بعبادت ملک منان است از انجمله در تفسیر منهج الصادقین
مذکور است و از جناب ولایت مآب امیر المؤمنین علیه السلام ماثور است که جناب رسول خدا
صلوات الله علیه و آله فرمود که حق سبحانه و تعالی بمن فرمود ای محمد وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا
مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ یعنی سوره فاتحة الکتاب و قرآن بزرگوار را بتو عطا فرمودم
و بعد از آن فرمود که حق تعالی تخصیص ذکر فاتحه کرد و آن را در فضل از جمیع قرآن ممتاز ساخت
و بر من نهاد منت بجهة آنکه این سوره شریفترین گنجهای عرش است و نیز از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام روایت است که حق سبحانه و تعالی حضرت رسالت پناه را از میان بندگان
مخصوص گردانید و او را اکرام و شرف ساخت بارسال فاتحة الکتاب و هیچ پیغمبری را در
این شریف با او شریک نساخت مگر سلیمان پیغمبر را بآنکه او را از جمیع این سوره بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ عطا فرمود چنانکه بزبان حال حقیق زر تعظیم و تکریم این آیه شریفه خبر میدهد
که إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

پس هر بنده مؤمن که قرائت سوره مبارکه فاتحة الکتاب نماید حق سبحانه و تعالی بهر حرفی
از آن حسنه ها کرامت فرماید که افضل از دنیا و ما فیها است و عبد الله بن عباس رضی الله
عنه فرموده که هر چیزی را اساسی است و اصل و اساس دنیا مکه است و اصل آسمانها آسمان هفتم
و اساس زمینها زمین هفتم و اساس بهشتها بهشت عدن و اساس دوزخ درکه هفتم و
اساس خلقان آدم و اساس پیغمبران نوح و اساس بنی اسرائیل یعقوب و اساس کتابهای
قرآن فاتحه و اساس فاتحه بسم الله الرحمن الرحیم و نیز از ابن عباس نقل است که من روزی
در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودم که ناگاه ملکی از ملائکه مقربین نزد آنحضرت حاضر شد
عرض کرد بشارت باد ترا ای محمد که دو چیز ترا داده اند که هیچ پیغمبری قبل از تو نداده اند
و آن فاتحة الکتاب و خواتیم سوره البقره است که آیه آمَنَ الرَّسُولُ باشد تا آخر هیچ
حرفی از این نخوانی یعنی از خدا مسئلت ننمائی مگر آنچه طلبیده از او داده شود و در خبر آمده
که جناب رسول خدا فرمود که حق تعالی صد و چهار کتاب از آسمان فرو فرستاد و از آنجمله انجیل
و توراة و زبور و فرقان را برگزیده و علوم جمیع آن کتابها را در این کتاب اربعه درج
فرموده و بعد از آن از این چهار کتاب قرآن را اختیار فرموده و برکات و ثواب
خواندن و دانستن آن را در آن مندرج ساخت و آنگاه جمیع علوم و برکات و ثواب قرآن
را جمع نمود در سورهای مفصل و جمع کرده و بعد از آن فاتحه را انتخاب کرد و همه علوم و برکات
و مثوبات تلاوت و دانستن آن را جمیع فرمود پس هر که فاتحة الکتاب بخواند چنان باشد

که صد و چهار کتاب را خوانده باشد و هر که معنی و اطلاع یابد بر بسم چنان بود که معانی آن
کتابها را دانسته و لذا انجاست که ابن عباس از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت
کرده که آنحضرت فرمود یا عبد الله لَوْ كَتَبْتُ مَعَانِيَ الْفَاتِحَةِ الْكِتَابِ لَأَوْقَرْتُ
سَبْعِينَ بَعِيرًا اگر بنویسم جمیع معانی و حقایق فاتحة الکتاب را هفتاد شتر از آن بار
میکنم و نیز از ابن عباس مرویست که امیر المؤمنین علیه السلام از اول شب تا وقت نماز صبح از
برای من تفسیر فاتحة الکتاب میفرمود هنوز از تفسیر با بسم الله در نگذشته بود بعد از آن
فرمود که أَنَا نُقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ من نقطه ام که در تحت با است یعنی نقطه مرکز علم اولین
و آخرین از جناب ختمی مآب محمدی صلی الله علیه و آله ماثور است که حق تعالی را فرشته ایست
در زیر عرش ایستاده و سر او مثل سرادق و بر سر او هفتاد هزار بال است و در جنب او نیز
هفتاد هزار بال است و بر بالهای هفتاد هزار پر است و بر هر پری صفی از ملائکه ایستاده و بر
پیشانی او سوره فاتحة الکتاب نوشته و بر رخسار راست او قل هو الله احد و در
پیش روی این فرشته هفتاد هزار صف ملک ایستاده و نظر میکنند در روی او و چون آنها
سوره فاتحة الکتاب را چون میگویند ایاک نعبد و ایاک نستعین همه در سجده می افتند
خداوند عالم وحی کند بآن ملائکه که بردارید سر خود را بدرستیکه راضی شدم از شما پس آن
ملائکه عرض کنند که إِلٰهَنَا وَسَيِّدَنَا راضی شو از امت محمد صلی الله علیه و آله که سوره فاتحه را
میخوانند حضرت ارحم الراحمین فرماید که ای ملائکه من گواه باشید که من پروردگارم راضی شدم

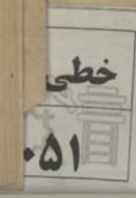
از امتان محمد صلی الله علیه و آله که سوره فاتحه را میخوانند پس بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ چون حق
تعالی خواست سوره فاتحه را و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و قل اللهم مالك
الملك را بدنیا فرستد ایشان پناه بعرش حق تعالی بردند و میان ایشان و حضرت
عزت حجابی نبود عرض کردند خداوندا ما را بدنیا میفرستی نزد جمعی که در معصیت کنند
ما از عالم پاکیم حق سبحانه و تعالی قسم یاد فرموده که بعزت و جلال من و بقدرت و کمال
من که هیچ بنده از بندگان من نباشد که بعد از نماز فریضه بخوانند الا آنکه من بهشت را
ماوای و مقام او سازم و او را در حظیره قدس فرود آورم و روزی هفتاد بار بنظر رحمت براو
نگاه میکنم و روزی هفتاد حاجت او را روا کنم که کمترین او آمرزش گناهان او باشد و نگاه
دارم او را از همه خصمان و نصرت دهم او را بر همه دشمنان انتهی و در منهج از ابی ابن
کعب منقولست که جناب رسالت پناه صلی الله علیه فرمودند هر بنده مسلمان قرائت کند
فاتحه را ثواب ثلث قرآن برای او نویسند و در روایت دیگر وارد شده که ثواب
قرآن را باو دهند و ثواب کسی که جمیع مؤمنین و مؤمنات را تصدق کرده باشد و نیز
از آنحضرت مرویست که هر که بخواند سوره فاتحه را همچنان باشد که خوانده باشد توریة و زبور
و انجیل و فرقان را و همچنان باشد که تصدق کرده باشد در راه خدای تعالی بعدد
هر آیه از آیات فاتحه آن مقدار زر سرخ که تمام دنیا از آن پر گردد و حرام گرداند خدای
تعالی جسد او را از آتش جهنم و نیز همان جناب فرمود که شادمان باشید بدو نور که خدای

تعالی بمن داده یکی فاتحة الکتاب و دیگری آیة الکرسی و نیز فرموده که سورهٔ فاتحه شفای
همه بلاهاست و نیز فرموده که هر که این سوره بخواند بسم چنان باشد که همه مؤمنان را
از مردان و زنان صدقه داده باشد و نیز فرموده که حق تعالی حکم عذاب کند بر قوم
بعد از آن آن کودکی که از آن قوم در مکتب سورهٔ فاتحة الکتاب را بخواند حق تعالی
چون بشنود الحمد لله رب العالمین بر زبان آن کودک میگذرد مدت چهل سال عذاب
از آن قوم باز داشته از برکت سورهٔ فاتحه و نیز در منهج از ابی بن کعب منقول است که من
فاتحه را نزد رسول خدا میخواندم آنحضرت فرمود بحق آنکسی که نفس من در دست قدرت اوست
که خدای تعالی مثل این سوره را در توریة و در انجیل و زبور و فرقان فرو نفرستاده و این سوره اصل
اصل قرآن است و جامع معانی فرقان و مقسوم است میان بنده و خدای تعالی و بنده راست
آنچه طلب کند از حق تعالی از مقاصد دنیا و عقبی و نیز فرموده که خدای تعالی فرموده که من
قسمت کرده ام سورهٔ فاتحه را میان خود و پیغمبر خود یک نیمه بندهٔ مرا و یک نیمه پیغمبر مرا و این
سوره را ده نام است فاتحة الکتاب و ام القرآن و سبع المثانی فاتحة الکتاب از جهة آنکه
افتتاح کتاب آسمانیست و ام القرآن جامع اصول معانی و سبع المثانی از جهة آنکه آیات
آن هفت است چنانکه در کلام ملک علام است کریمه وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي
وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ الْعَظِيمَ و سبع المثانی از جهة آنکه دو بار فرود آمد یکبار در مکه معظمه در وقت
فرض نماز و یکبار در مدینه طیبه بکرّه وقت برگشتن از بیت المقدس و هفتم نام ذکر الحمد

وافیه و کافیه و سورهٔ الاساس و الصلوة و الشفاء و سورهٔ تعلیم
المسائل والله اعلم از الجمله صاحب کتاب در النظیم میگوید در حدیث قدسی آمده
که حق سبحانه و تعالی فرمود که هر که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ متصل بفاتحة الکتاب یکبار بخواند او را
بیامرزم و حسنات او را قبول کنم و از سیئات او درگذرم و زبان او را در آتش نسوزانم و
ایمن گردانم او را از عذاب آتش و عذاب قیامت و از فزع اکبر و حال این به مینویسم آمده
ایضا در کتاب در النظیم مسطور است که طاوس ملائکه جبرئیل بخدمت جناب مستطاب نبوی آمد
و عرض نمود که من همیشه ترسان بودم از عذاب امت تو چون سورهٔ فاتحه نازل شد ایمن شدم
زیرا که این سوره هفت آیه است و درهای دوزخ نیز هفت است روز قیامت هر آیه یکی از آن
درهای دوزخ را بگیرد تا امت تو سلامت از آن بگذرند و جامع گوید که این خواندن شرطی
دارد و در شرطش این حدیث است که شهید علیه الرحمه در کتاب دروس آورده که روایت کرده ثعلبة بن
میمون که جماعه کسی در خدمت امام محمد باقر علیه السلم بودیم فرمود که میدانید که کدام بقعه افضل است
نزد خدای تعالی از روی حرمت هیچکس جواب نگفت پس خود فرمود که آن مکه است که
خدای تعالی اختیار کرد مکه را و حرم خود گردانید و خانه مکه را خانه خود قرار داده پس فرمود
که آیا میدانید در مکه کدام جا بزرگترست پیش خدا از روی حرمت هیچکس جواب نگفت پس
فرمود که آن از رکن و حجر الاسود است تا در کعبه که اسمعیل علیه السلم در آنجا نماز کرد پس بخدا قسم
که اگر بنده قدمهای خود را برابر هم نهد و در آنمکان قایم اللیل باشد که همه شب نماز کند

تا روز و همه روز نماز کند تا شب تا انتها رسد و نداند حق و حرمت ما را که اهل بیتیم قبول نکند
خدای تعالی از او هیچ عبادتی را و صاحب در النظیم روایت کرده از جناب رسالت پناه
صلی الله علیه و آله و سلم که آنحضرت فرمود که افضل آیتهای قرآن الحمد لله رب العالمین
است و همان حضرت فرموده که هر که چهار نوبت بگوید الحمد لله رب العالمین است
و همان حضرت فرموده که چون نوبت پنجم را بگوید فرشته ندا کند با او که خدای تعالی تو را
حال ترا است مطلب از او هر چه میخواهی و همان جناب فرموده که هر کس بمنزل خود در آید
فاتحه و سورهٔ اخلاص بخواند خدای تعالی درویشی را از او و برادر و دخیر و برکت در آنمنزل بسیار شود
و نیز همان حضرت فرموده که چون پهلو بر بستر خواب نهی فاتحه و اخلاص بخوان تا از همه
بلاها ایمن شوی و از آن جمله جامع گوید چون مناسب این مقام بود که بعضی از تحمیدات و انواع
حامد نیز ملحق شود لهذا چندی ذکر می شود فاضل مجلسی علیه الرحمه در مقابس نقل میکند باسند
معتبر از صادق آل محمد صلوات الله علیهم که فرمود هر که در صبح چهار مرتبه بگوید الحمد لله
رب العالمین شکر آن نعمتهای آن روز را بجا آورده و هر که در شام چهار مرتبه بگوید شکر نعمتهای
آن شب را بجا آورده است و باسند معتبر از همان حضرت پرسیدند که کدام عمل نزد خدای تعالی
بهترین اعمال است فرمود که حمد او کردن و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که اگر
بگوید الحمد لله شکر جمیع نعمتهای خدا را بجا آورده است چنانکه حدیث قدسی است هر این قول است
قال الله تبارک و تعالی لو جمع لذات الدنیا فی لقمة عبد و قال الحمد لله فقد شکر

نعمتی حاصل معنی آنکه خدای تعالی فرموده است که اگر تمامی لذات دنیا جمع شوند در لقمهٔ
بنده و آن بنده بگوید الحمد لله بدرستیکه شکر نعمتها و لذتها کرده باشد و باسند معتبر
از حضرت امام رضا منقول است که حضرت رسول صلی الله فرمود که هر که را نعمتی خدا کرامت فرماید
فرمود حمد الهی بکند و هر که روزی او دیر رسد استغفار کند و هر که را اندوهی رو دهد یا
کار دشواری پیش آید بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و باسند معتبر
دیگر از امام رضا منقول است که چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را امری رو میداد
که موجب سرور بود می فرمود الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ و چون امری رو میداد
که موجب الم بود میفرمود الحمد لله عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ و باسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در فرزند آدم سیصد و شصت رگ است صد
و هشتاد رگ متحرک و صد و هشتاد ساکن اگر یکی از رگهای متحرک ساکن شود و یکی از رگهای ساکن
متحرک شود آدمی را خواب نمی برد لهذا حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر صبح و شام سیصد
و شصت مرتبه میفرمود الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ و در بعضی روایات
حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ ایضا باسند معتبر از حضرت صادق منقول است که
چون کسی را ببینی که ببلائی مبتلا گردیده است سه مرتبه این تحمید را آهسته بخواند الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ که آن فرموده هر که در این حال این تحمید را
بخواند خدای تعالی بر نعمتهای او بیفزاید و رحمت کند ... این دعا الحمد لله قبل کل



احدی و الحمد لله علی کل نعمائه برحمتک یا ارحم الراحمین و بروایت دیگر
هرکه بعد از نماز ظهر سه نوبت این دعا را بخواند خدای تعالی بمقصد نماز را اگر قضا کرده باشد
صحیح گرداند و اصحاب عرض کردند یا رسول الله انت نور الا انبقار عرضیت فرمود که نماز
پاره ماه درش را صحیح گرداند و بسند معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هرکه
بگوید الحمد لله کما هو اهله و در نسخه دیگر و مستحقه کاتبان اعمال از نوشتن عاجز میشوند
و عرض میکنند خداوندا غیب نمیدانیم یعنی چرا که تو سزاواری ثواب او را نمیدانیم
حق سبحانه و تعالی در جواب ایشان می فرماید که آنچه بنده من گفته است شما بنویسید و
ثوابش بر من است ایضا روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب سوال کرد که آیا
هیچکس استطاعت داشته باشد که برابر کوه احد عمل کند عرض کردند چگونه کسی را
استطاعت آن بود فرمود هر کس بگوید الحمد لله عمل او زیاده از کوه احد باشد ایضا بسند
بسیار معتبر از صادق آل محمد صلوات الله علیهم منقول است که هرکه هر روز چهار مرتبه
بگوید الحمد لله الذی علی کل نعمة کانت او هی کائنة شکر نعمتهای گذشته و آینده
را ادا کرده باشد و بسند معتبر دیگر از همان حضرت منقول است که هرکه بعد از نماز
شام سه بار بگوید الحمد لله الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره
خدای تعالی با و خیر و برکت زیاد کرامت فرماید و بسند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است
که در وقت خواب سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علی فقهر و الحمد لله الذی بطن

فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت
الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان بیرون می آید مانند روزی که از مادر
متولد شده ایضا از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون آنکس در شب از پهلو
به پهلو کردد سنت است که بگوید الحمد لله و الله اکبر از آنجمله از امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که هرکه بشنود کسی که عطسه زند بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی
الله علی محمد و آله الطاهرین هرگز درد دندان و درد چشم نه بیند ایضا
از جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه از دست شستن بعد از
طعام فارغ شدی دست را بهمان تری که داشتی بر روی مبارک خود مالیدی
و این تحمید را بجا آوردی الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و کل بلاء
صالح و در روایت دیگر وارد شده که بروما لیدن دست بعد از شستن کلف
از رو میرود و روزی را می افزاید و اگر کسی خواهد که درد چشم نبیند باید که دست را
بعد از شستن بر ابرو بمالد و سه نوبت بگوید الحمد لله الذی المحسن المجمل المنعم
المفضل و ذکر عطسه کردن این است الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا
کما هو اهله و صلی الله علی محمد و آله هرکه بعد از عطسه کردن دست راست
بر استخوان بینی بگذارد و این کلمات را بر زبان آورد مرغی کوچکتر از ملخ و بزرگتر از
مگس از طرف بینی او بیرون آید تا زیر عرش پرواز میکند و در آنجا قرار گیرد

و برای آنکس طلب آمرزش کند تا روز قیامت و هرکس در آن هنگام الحمد لله علی
کل حال بگوید درد گوش و درد دندان نکشد ذکر شنیدن عطسه الحمد لله علی
کل حال ما کان من امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله ایضا
صاحب در النظیم آورده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرکه عطسه زند
و بعد از آن فاتحه بخواند و باد بر کف دست خود زند و بر روی خود مالد از درد چشم
و از درد سر و خون از بینی آمدن و از کلف روی ایمن گردیدن و در روایت دیگر آمده
که هرکس که آواز عطسه بشنود پس حمد خدا بجا آورد و درود بر پیغمبر و آل فرستد درد چشم
و درد دندان نه بیند ذکر جواب یرحمکم الله و باید که تحیت عطسه کننده از جمله حقوق
اخوت شماری و اهمال در آن روا نداری هرچند از تو دور باشد و تو از او دور باشی
اگر شخصی که عطسه کرده طفلی باشد که بحد بلوغ نرسیده باشد بارک الله فیک
باید که گفت و اگر زن باشد عافاک الله و اگر بیمار باشد شفاک الله گوید
ذکر شنیدن خبر خوش آینده الحمد لله و در خبر دیگر الله اکبر و ذکر دیدن
آنچه خوش نیاید الحمد لله علی کل حال مفتاح نجم در ذکر خواص سوره مبارکه
فاتحة الکتاب از جهت شفای امراض و اسقام و آلام در منهج الصادقین از امام
محمد بن مسعود عیاشی باسناد خود نقل کرده از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله جابر بن
عبدالله انصاری را فرمود که ای جابر تعلیم کنم ترا بهترین سوره که حق تعالی

در کتاب خود فرو فرستاده عرض کرد بلی یا رسول الله آنحضرت فرمود که فاتحة الکتاب است که
شفای جمیع دردها و دفع همه مرضها و بلاهاست کرامات مرتب در رافع درجات قاری خود است
در جنات علا و رضات علیا ایضا در منهج مسطور است که حضرت صادق علیه السلام فرمود
که هرکه او را فاتحه به سبب فارغ نسازد خیری و دوای و عوذه او را به نخواهد ساخت و ابو سعید
خدری گوید که من با جمعی از مسافران بقبیله از قبایل عرب گذر کردیم اتفاقا یکی از ایشان مار
گزیده بود و از علاج آن عاجز بودند یکی از آنها نزد ما آمده استعلاج نمود گله گوسفندی قبول کرد
که باو دهند تا معالجه آن کنیم یکی از یاران ما سوره فاتحه بر آن خواند که مار گزیده بود و دست بر آن
عضو مالید فی الحال شفا یافت پس گله گوسفند را بما دادند و این سوره را خواص و ثواب بسیار
و اجر بی شمار است از آنجمله جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هفت مرتبه سوره حمد الحمد
شفای هر دردی است پس اگر تعویذ کند با و صاحب علت صد مرتبه و روح از جسدش مفارقت
کرده باشد خدای تعالی آن روح باو خواهد کرد ایضا حضرت صادق علیه السلام فرمود که
اگر بخوانی حمد را بر میتی بعد از آن روح باو باز گردد عجب نخواهد بود ایضا در منهج از ابو سلیمان
روایت کرده که با رسول خدا بغزای کفار رفته بودیم مردی در میان ما مصروع شد یکی از اصحاب
سوره فاتحه را در گوش او خواند بر خواست و شفا یافت این قصه را بحضرت نبوی عرض کردند فرمود
هی شفاء من کل داء این سوره اصل قرآن است و شفای جمیع الآم و امراض مردمان است
ایضا در مفتاح الشفاء از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منقول است که آنحضرت فرمود که هر که

شفا از قرآن نطلبد شفا نبیند هرگز و او را خدای تعالی و از حضرت ابی الحسن علیه السلام منقول
که در قرآن شفاست از هر دردی و از آنحضرت منقول است که هرکه را برسد از آزاری و دردی
باید که بخواند در بغل خود دوازده صد را هفت مرتبه اگر علت برطرف شد فبها و الا هفتاد بار بخواند
که البته شفا خواهد یافت و در کتاب در النظیم از جناب مقدس نبوی مرویست که چون کسی را
درد چشم برسد یا در بینائی او ضعفی رسیده باشد در اول ماه چون هلال ببیند دست راست
بر چشمهای خود مالد ده بار سوره مبارکه فاتحه قرائت نماید و در اول بسم الله گوید و در
آخر آمین گوید پس مرتبه سوره اخلاص بخواند بعد از ان هفت مرتبه بگوید شفاءٌ
مِن کُلِّ داءٍ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ پس پنج نوبت بگوید یا رب بعد از
آن بگوید نور بصری اَللّٰهُمَّ اشْفِ اَنْتَ الشّافِی اَللّٰهُمَّ اکْفِ اَنْتَ الکافِی
اَللّٰهُمَّ عافِ اَنْتَ المُعافِی درد و ضعف بصحت مبدل شود و در همان از آنحضرت
مأثور است فرمود هرکس بگیرد قدری آب باران و بخواند الحمد و آیة الکرسی و اخلاص و
معوذتین و هفتاد بار در ان بماند آب را بخورد هفت روز هر مرضی که در بدن او باشد خدای
تعالی از او برگیرد و نیز بهمان حضرت فرمود که هرکس روز جمعه بعد از آنکه امام سلام دهد سوره
مبارکه الحمد و اخلاص و معوذتین بخواند هر یک را هفت مرتبه خدای عزوجل دین و دنیا
و اهل و فرزندان او را در حفظ و امان خود بدارد تا جمعه دیگر ایضاً در کتاب در النظیم
مسطور است و از جناب مستطاب جعفری مأثور است که فرمود هرکه سوره مبارکه الحمد را چهل بار

و بر قدحی آب خواند هرکه علت صرع داشته باشد از آن آب بخورد آن علت زایل
گردد و نیز همان حضرت فرمود که چهار و یکنوبت سوره مبارکه فاتحة الکتاب در میان
سنت و فریضه بامداد به نیت بیمار قرائت نماید شفا یابد و اگر کسی را مار گزیده باشد بخواند
و بر او بدمد شفا یابد در همان کتاب از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که فاتحه
تریاق بزرگ است بر هیچ مارگزیده نخوانند الا آنکه حق تعالی شفا دهد و گفته اند که در وقت
حجامت کردن هفت بار فاتحه بخوانند تا از منافع آن عجایب مشاهده کنی و اکابر دین در منافع
و خواص این سوره مبارکه بسیار گفته اند از جمله آنکه هر بیمار که چهل بار بر او بخوانند و هر بار دست
بر او بمالند بعد از آن بگویند اللّٰهُمَّ اشْفِ اَنْتَ الشّافِی اللّٰهُمَّ اکْفِ اَنْتَ
الکافِی اللّٰهُمَّ عافِ اَنْتَ المُعافِی البته شفا یابد و رنج او بصحت مبدل گردد و
هرگاه اجل او نرسیده باشد و هرکه از بر نویسد و با خود نگه دارد همین فایده از برایش
حاصل شود و دیگر آنکه چون فاتحه را در ظرف پاک بنویسند و بیمار روی خود را با آن بشوید از مرض
شفا یابد و دیگر آنکه چون آنرا بمشک و زعفران در ظرف آبگینه بنویسند و آنرا بگلاب بشویند
کسیکه آبله داشته باشد یا قوه حافظه او ضعیف باشد هفت روز متوالی هر روز از آن گلاب
بخورد آبله او زایل شود و حافظه او قوی گردد و دیگر آنکه چون در ساعت اول روز جمعه این سوره را
در ظرف طلا بمشک و کافور بنویسند و با گلاب بشویند و آن گلاب را در شیشه کنند
و هر روز قدری از آن در روی خود مالد عزت و قبول او نزد حکام و سلاطین زیاده شود

و از هر چه می ترسد ایمن شود و دیگر آنکه چون این سوره را بنویسد در جام آبگینه
و بشوید آنرا با آب باران که در کانون الثانی آمده باشد و در وقت نشستن این سوره را
بخوانند و با این آب سرمه اصفهانی ساید و در چشم کشد امراض چشم زایل گردد و روشنی چشم
زیاد شود و دیگر آنکه این سوره را در ظرف پاک بنویسند و آنرا بروغن گل بشویند و در گوش
چکانند درد گوش زایل گردد و اگر آنرا بروغن بلسان خالص بشویند و این سوره را هفتاد بار
بر آن روغن بخوانند و این روغن را در اعضا مالند فالج و لقوه و عرق النسا و درد پشت
زایل گردد و دیگر آنکه هرکس بر خواندن این سوره مداومت نماید شب و روز خدای تعالی
زایل کند از و کاهلی و سستی دلی و از جمله آفات و عاهات و از جمله خواص این سوره مبارکه
طریقه ختم است آورده اند که چهل و یک روز هر روز چهل و یک مرتبه بخوانند اگر در میان فوت
شود باز از سر گیرد و بعد از چهل و یکروز چندان مال و جمعیت دنیاوی رو حاصل شود که
از ضبط آن عاجز شود و شک آید بعد از چهل و یکبار که خوانده شود چهل و یکبار این
دعا را بخواند و در روز شنبه باید ابتدا کند بسم الله الرحمن الرحیم اللّٰهُمَّ فتّح فتّح
یا مفتّح فتّح و یا مفرّج فرّج و یا مسبّب سبّب و یا میسّر یسّر و یا مسهّل
سهّل و یا متمّم تمّم برحمتک یا ارحم الراحمین و در صحت خواندن و مبالغه آن
تجربه رسانیده اند تا فایده کند و چون ایّاکَ نَعْبُدُ وَ ایّاکَ نَسْتَعِینُ برسد سر بسجده نهد و
مطلب را بخواهد ان شاء الله تعالی لحصول مقرون است و در نسخه دیگر ختم سوره مبارکه بعد از نماز صبح

تکلم بخوانند بدین ترتیب بعد از نماز صبح بیست و یک مرتبه بعد از نماز ظهر بیست و ده مرتبه بعد از نماز
عصر بیست و سه بار بعد از مغرب بیست و چهار مرتبه بعد از نماز عشا و ده مرتبه پس مجموع
صد مرتبه بهر حاجت خواهد بخوانند ایضاً در نسخه دیگر ختم سوره مبارکه چهل و یکبار بهر حاجت
بعد از نماز خفتن بخوانند حاجت روا گردد و ایضاً طریقه ختم سوره مبارکه فاتحه بعد از اتمام
کارها که ادعیه بوده باشد هفت مرتبه سوره را بخوانند و هر بار که سوره را تمام میکنند این هفت
اسم را یکبار بخوانند آنچه مطلب است حاصل است یا مفتّح فتّح یا مسبّب سبّب یا مفرّج فرّج
یا مسهّل سهّل یا میسّر یسّر یا متمّم تمّم ایضاً نوع دیگر ختم فاتحة الکتاب بعد از هر نمازی
یکدو نوبت فاتحه بخوانند و بعد از ان این دعا را بخوانند اللّٰهُمَّ بِتَلَأْلُؤِ نُورِ بَهاءِ عَرْشِکَ مِنْ
اَعْدائِی احْتَجَبْتُ وَ بِسَطَواتِ الْجَبَرُوتِ عَنْ کَیْدِهِمْ اسْتَتَرْتُ وَ بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِیدِ قُوَّتِکَ
مِنْ کُلِّ سُلْطانٍ تَحَصَّنْتُ وَ بِدَیْمُومِ قَیُّومِ دَوامِ اَبَدِیَّتِکَ مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ اسْتَعَذْتُ
وَ بِمَکْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّکَ مِنْ کُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ تَخَلَّصْتُ یا حامِلَ الْعَرْشِ عَنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ یا شَدِیدَ
الْبَطْشِ یا حافِظَ الْوَحْشِ اِلَیْکَ اَنَبْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ اِحْبِسْ عَنِّی مَنْ ظَلَمَنِی وَ اَغْلِبْ
مَنْ غَلَبَنِی کَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَ رُسُلِی اِنَّ اللّٰهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ مقام ششم در بیان مختصری
در تفسیر سوره فاتحة الکتاب است که ذکر می شود ان شاء الله اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطانِ
الرَّجِیمِ یعنی پناه میبرم و التجا می نمایم بمعبود حقی و خداوند مطلق مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ
از شر و وسوسه دیو فریبنده سرکش یا دور مانده از رحمت حقش رانده از ریاض جنان

رسیده گشته از اطباق آسمان اگر گویند چرا اعوذ بالله را بر بسم الله مقدم میخوانند
بگو از جهت آنکه حق تعالی در کلام مجید خود فرموده است بحضرت حبیب خود که فاذا
قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم و مفسران ذوی العقل
والحکم وعلماء الراسخون فی العلم چنین فرموده اند که اعوذ بالله مثل جاروب است که جاهای
آلوده و چرکین را پاک میسازد چون کسی عزم تلاوت قرآن کند دهان و زبان او
پاک شود و شایسته آن شود که کلام حمید مجید الهی بر زبان راند و از غبار اغیار
وصف دادن آن از برای در آمدن جبار و مثل کسی که استغاثه میکند و خاطرش متعلق است
بغیر حق و در دلش لشکرهای نفسانی و وسوسه های شیطانی است مثل کسی است که بر در قلعه
محکمی ایستاده و دودی درنده متوجه است که او را بدرد و او بزبان میگوید که پناه میگیرم
از شر این دو بابن قلعه محکم و بر جای خود ایستاده و نمی رود در درون قلعه تا در را ببندد و
و از شر او ایمن گردد بسم الله بنام خدای برای پرستش الرحمن بخشنده بر خلق وجود
و جود الرحیم بخشاینده بر ایشان به بقاء و محافظت از آفات الحمد یعنی ستایش و ثنا
که از اول تا ابد بر جود معلوم بوده است و خواهد بود جمله تمام و کمال لله مر خدای راست که
مسمی و موصوف بهمه اسماء و صفات کمالیه و جلالیه است رب العالمین یعنی فرزند و
پرورنده و تربیت کننده و سازنده کار همه عالمیان از ملائکه و جن و انس و وحوش
و طیور و سباع و جمادات آنکه دیگر آن الرحمن بخشنده وجود بار دیگر در آخرت فرزند قاضی میان

الرحیم

الرحیم بخشاینده دیگر بار برحمت و رأفت بر مؤمنان و در آوردن ایشان در بهشت باعین
دادن مالک یوم الدین یعنی خداوند روز جزا با متصرف شدن در آن روز
بهرچه خواهد با حافظ اعمال بندگان تا در دادن و ستادن نامههای غلط نشود با فاتح
حساب که بر بندگان حکم کند با جزا دهنده روز جزا و در روایتی ملک یعنی پادشاه
روز جزا که مملکت و سلطنت او را باشد چنانکه فرموده لمن الملک الیوم لله
الواحد القهار ایاک نعبد و ایاک یعنی ترا میپرستیم و پس غیر ترا مستحق
عبادت نیست و گفته اند که نکته در اینکه نعبد بصیغه جمع وارد شده نه مفرد
آنست که در احکام شرعیه مقرر است که هر متاعی چند که در یک عقد بخرد و بعضی از آن
معیب برآید همه را رد باید کرد یا همه را نگاه باید داشت و بعیب راضی شد و
مشتری را نمی رسد که معیب را رد کند و بی عیب را نگاه دارد پس هرگاه بنده عبادت
خود را با عبادت دیگران ضم کند حق تعالی کریمتر از آنست که عبادت کسی را که بی عیب باشد
رد نماید بلکه عبادت معیب آنکس پس البته عبادت این کس را بطفیل آن قبول خواهد نمود و
ایاک نستعین یعنی خاص از تو یاری میخواهیم در پرستش تو و کارهای سایر حوایج و مهمات و باید که در این
قول نیز صادق باشد یعنی از دیگری در هیچ امری یاری نخواهد مگر آنکه آنکس را واسطه و سبب توجه خود
داند در آن امر و داند که اگر حق تعالی در دل آنکس نیفکند که یاری او کند محال است که او تواند
کرد پس فی الحقیقه حق تعالی یاری او می کند بدست آنکس و او چون آلت است در دست حق

نظم درگه خلق همه زرق و فسون است و هوس ٭ کار در کار خداوند جهان دار و بس ٭
برو از مخلوق بودن عمر ضایع کردن است ٭ خاک آن در شو که آب بندگان نان از اوست و بس ٭
یکی از مشایخ چون در نماز به ایاک نعبد و ایاک نستعین رسید بیهوش شد
و بیفتاد از سبب آن پرسیدن گفت ترسیدم که مرا بگویند چون بندگی میکنی از دیگری و
و یاری از ما و پس چرا از طبیب دارو میخواهی و از سلطان یاری میجویی چرا دروغ میگویی
اهدنا الصراط المستقیم یعنی بنما ما را راه نمائی راه راست در اقوال و افعال و اخلاق
که آن راه متوسط بود میان افراط و تفریط و غلو و تقصیر یا ثابت دار ما را بر راه مستقیم که دین
اسلام و سنت سید انام است و طریقه ائمه معصومین علیهم السلام و در اخبار اهل بیت
وارد شده که مراد بصراط مستقیم علی ابن ابی طالب است ع و بروایت دیگر وارد شده
که امام مفترض الطاعه است پس معنی این می شود که بما شناسان امام حق را تا متابعت
و پیروی او کنیم و براهی که او رفته برویم و امور او را تسلیم کنیم و محبت او را در دل بگیریم تا در
آخرت با او محشور شویم و بسعادت عظمی برسیم یا ثابت دار ما را بر معرفت و محبت و متابعت
امام و در حدیث نبوی وارد شده که هر که نشناخت امام زمان خود را مرده است مردن جاهلیت
یعنی بی ایمان و بزرگی گفته که بنما ما را براه راست یعنی بمحبت ذاتی خود مشرف دار تا ما از
التفات بغیر از تو آزاد گشته گرفتار تو گردیم جز تو ندانیم و بغیر از تو نبینیم صراط الذین
انعمت علیهم یعنی بنما ما را راه آنانکه بفضل خود انعام کرده بر ایشان بنعمت نبوت

و رسالت و ولایت و صدیقیت و شهادت و صلاحیت یا راه آنها که اهل قرب اند
و بکمال نعمت باطن که اطلاع بر اسرار حقیقت است ایشان را معزز و مکرم ساخته غیر
المغضوب علیهم نه راه آن کسانیکه خشم گرفته بر ایشان و بر کفر اقدام نموده اند و
نه راه جهودان که بسبب تمرد در معانده و قتل انبیاء و تحریف کتب بر ایشان خشم
گرفته یا هر که جانب تفریط داشته باشد و لا الضالین و نه گمراهان یعنی کسانیکه در ادیان
مختلفه و سبل منحرفه افتاده اند و نه راه ترسایان که بواسطه افراط در شان مسیح و تفریط
در باب حبیب گمراه گشته اند یا هر که از جانب افراط داشته باشد و از آنجمله در امالی شیخ
صدوق از فاتحة الکتاب روایت و خاتمه نسخه ابن عباس در فضل و ثواب سوره فاتحة الکتاب حدیثی
طویل مذکور است که حاصل مضمون آن اینست که خدای تعالی فرموده که قسمت کرده ام فاتحة
الکتاب را میان خود و میان بنده خود پس نصف آن برای من یعنی در حمد و ثنای من است
و نصفش برای بنده من که در آن برای خود طلب هدایت و استکشاف از طریق اهل رشاد و
ضلالت می نماید مر بنده مراست آنچه سؤال کند چون بنده گفت بسم الله الرحمن الرحیم
خدای تعالی میفرماید که ابتداء کرد بنده من بنام من برمن لازم است که کارهای او را
باتمام رسانم و احوال او را مبارک گردانم پس چون گفت الحمد لله رب العالمین حق
تعالی گوید که حمد کرد مرا بنده من و دانست آنکه نعمتهای که او راست از نزد من است
و آنکه بلاهائیکه از او مندفع گشته به تطول و امتنان من است گواه میگیرم شما را ملائکه من

می افزایم برای او به نعمتهای دنیا نعمتهای آخرت را و دفع می نمایم از او بلاهای آخرت را
چنانکه دفع نمودم از او بلاهای دنیا را پس چون گفت الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ خدای تعالی گوید
که شهادت داد برای من بآنکه بدرستی که من رحمن و رحیم گواه می گیرم شما را که هر آینه
وافر می سازم البته از رحمت خود بهره او را پس چون گفت مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ خدای
تعالی فرمایش بدهی گیرم شما را که چنانکه اعتراف کرد بدرستی که من خداوند روز قیامتم
هر آینه آسان میکنیم البته در روز حساب حساب او را و هر آینه می پذیرم حسنات او را
هر آینه در می گذرم البته از سیئات او پس چون گفت إِيَّاكَ نَعْبُدُ خدای تعالی
گوید راست گفت بنده من مرا عبادت میکند گواه میگیرم شما را که هر آینه ثواب میدهم
البته او را بر عبادتش ثوابی که رشک برد براو که مخالف او است در عبادت وی مرا
پس چون گفت وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ خدای تعالی فرماید که من استعانت کرد و ملتجی گشت
التجا آورد بمن گیرم شما را که هر آینه اعانت او میکنم بر کارش و هر آینه بفریاد او میرسم
البته در سختیهایش و هر آینه میگیرم البته دست او را در روز مصیبتهایش پس چون گفت
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ تا آخر سوره حق تعالی گوید این برای بنده من است یعنی
از اینجا متعلق باوست و مر بنده مراست آنچه سؤال نمود بتحقیق که استجابت کردم برای بنده
یعنی دعای ثبات بر هدایت را و عطا نمودم بوی آنچه آرزو کرد بر طریقه اهل بیت
و ایمن گردانیدم او را از آنچه ترسید از آن از طریق معاندین و اهل ضلال صاحب

کتاب تنبیه الغافلین گفته که الحمد لله پنج حرف است و خدای تعالی پنج وقت نماز در شبانه
روز بر بنده خود فرض کرده هر که این پنج حرف بر زبان راند هر تقصیری که در این پنج
وقت نماز کرده باشد خدای تعالی از او درگذرد و قبول کند لِلّٰهِ سه حرف است
سه را با پنج ضم کنی هشت شود خدای تعالی هشت در بهشت آفریده است هر که این هشت
حرف را بر زبان راند خدای تعالی هشت در بهشت را بر روی او بگشاید رَبِّ الْعَالَمِينَ
ده حرف است ده را با هشت ضم کنی هجده می شود حق تعالی هجده هزار عالم آفریده است
هر که این هجده حرف بر زبان راند خدای تعالی هر جانوری که در هجده هزار عالم است
نیکی در نامه اعمال او بنویسد و معصیت محو کنند الرَّحْمٰنِ شش حرف است چون این شش را
با هجده ضم کنند بیست و چهار باشد خدای در شبانه روز بیست و چهار ساعت قرار داده
هر که این بیست و چهار حرف بر زبان راند خدای تعالی آن شبانه روز را از برای او طاعت
نویسد و از بلاها نگهدارد الرَّحِيمِ نیز شش حرف است شش را با بیست و چهار ضم کنی سی
می شود خدای تعالی ماه را سی روز آفریده هر که این سی حرف را بر زبان راند خدای تعالی
طاعت یکماهه در نامه اعمال او ثبت کند مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ بیست
حرف است چون بیست را با سی ضم کنی پنجاه می شود هر که این پنجاه حرف را بر زبان
راند خدای تعالی روز قیامت که پنجاه هزار سال آفریده خداوند عالم آن مدت را بر او کوتاه
گرداند وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ پانزده حرف است چون پانزده را با پنجاه ضم کنی شصت و پنج

مسکنت او در نقصان و بی برکتی باشد و انس ابن مالک از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایت کند که اهل قرآن که قاریانند اهل خدایند و از مخصوصان درگاه حضرت ذوالمنن
عبادتی که بنده مؤمن کند قرائت قرآن است حسن طبرسی در کتاب خود از رسول خدا صلی الله علیه
و آله نقل کرده که خواندن قرآن افضل است از ذکر و خواندن ذکر افضل است از صدقه و صدقه
افضل است از روزه و روزه سپر آتش دوزخ است و نیز آنحضرت فرموده که خواننده قرآن بهر حرفی
که در نماز قرائت کند اگر ایستاده است صد حسنه است و اگر نشسته است پنجاه و اگر در غیر نماز است
با طهارت بیست و پنج و اگر بی طهارت است ده حسنه و از انجمله از ابی عبد الله علیه السلام مروی است
که هر که استماع حرفی کند از کتاب خدای تعالی بدون قرائت از برای او ده حسنه بنویسند و سیئه از او محو شود
و درجه او بلند گردد و از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که هر که قرآن خواند گویا نبوت
در میان دو پهلوی او مندرج شده و بمرتبه پیغمبر رسیده الا آنکه وحی بر او نازل نشده و نیز
در تفسیر منهج الصادقین مسطور است که پدر و مادر قاری را در روز قیامت تاجی بر سر نهند که نور
آن ده هزار سال راه در او بتابد که بقیمت در دنیا بد که کمترین لعلی از آن مقابل
صد هزار دینار باشد با آنچه در دست او از جمیع نعمتهای نفیسه و زخارف برگزیده و پادشاهی مملکه
برین را در نامه نوشته بدست راست و جیب آن قاری دهند و گویند که اقرأ یعنی بخوان چون او
نظر کند در کتابی که در دست راست او نوشته باشد که تو بهترین پادشاهان بهشتی و رفیق
سید ابرار و خیر اوصیا و اولیای و مصاحب ائمه که بعد از تو اند و چون نگاه کند در نامه که در

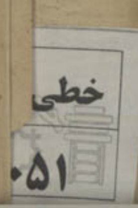
چپ او است در انجام مرقوم است که تو ایمنی از زوال این پادشاهی و محفوظ از موت و جمیع بلاها
و دوری از حسد حاسدان و کید کائدان اقْرَأْ وَارْقَ قرائت میکن و بالا میرو که منزل تو
نزد آخر آیتی خواهد بود که آنرا ختم کنی چون پدر و مادر او بهر دو حله خود نظر کنند و تاج عزت
خود را ببینند گویند بار خدایا این شرف و بزرگواری ما از کجاست که کردار ما باین مرتبه نبود که
ما را باین درجه رفیعه رساند کرام الکاتبین در جواب ایشان گویند که این ثواب آنست
که فرزند شما را بتعلیم قرائت قرآن گردید مفتاح دوم در ذکر فضل و ثواب تلاوت سوره مبارکه
بقره و آل عمران و پنج و غیره مذکور است که ابی ابن کعب روایت میکند از جناب رسول صلی الله
علیه و آله که هر که سوره البقره را بخواند مستغرق ثواب و صلوات الهی و رحمت نامتناهی شود
و ثواب کسی که یکسال در راه خدا مرابطه کرده باشد و در این مدت اصلا خوف و ترس بخاطر
از دل او زایل نشده در نامه اعمال او نویسند و بعد از آن فرمود که ای مسلمانان را امر
کن بدانستن این سوره که دانستن او برکت است و ترک آن حسرت و ندامت در روز
قیامت و ساحران و باطلان طاقت خواندن و شنیدن این سوره را ندارند از سهل بن
سعید مرویست که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر چیزی را سنامی است و سنام
سنام قرآن سورة البقره است هر که سوره بقره و آل عمران را بخواند مزد او تا غروب همچنانکه
بر دو غربتگاه عرش فراشات همچنانکه زنبیل بفتم و در روایت آمده که رسول صلی الله علیه و آله لشکری
بغزای فرستاد و خواست که یکی را بر ایشان امیر کند پیش از نزد خود طلبید و میگفت تو از قرآن

چه سوره میدانی هر یکی میگفت فلان و فلان تا آنکه جوانی پیش آمد که در سال از همه کهتر بود
عرض کرد یا رسول الله من سورهٔ البقره را میدانم فرمود تو را امیر این لشکر گردانیدم ایشان
عرض کردند یا رسول الله جوانی را که در سال از همه کهتر بود بر پیران امیر ساختی فرمود که او
سورهٔ البقره را میداند و شما نمیدانید و نیز حضرت رسالت پناه فرموده که ای علی من سید
ولد آدمم و تو سید عرب و سلمان سید فارس و صهیب سید روم و بلال سید حبشه و طور
سید کوهها و سدره سید درختها و ماه حرام سید ماهها و قرآن سید کلامها و سید
قرآن سورة البقره و سید سورة البقره آیة الکرسی و از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که هر که سورة البقره را و آل عمران را بخواند در روز قیامت این هر دو سوره دو چتر شوند
بر سر او و از تاب آتش آفتاب روز او را نگاه دارد و نیز مرویست که هر که خواهد در دنیا
ارجمند باشد و در عقبی بمرتبه بلند رسد باید که تلاوت سورة البقره نماید و ایضاً در
کتاب در النظیم مذکور است از سهل بن سعد ساعدی که جناب رسول خدا صلی الله
فرموده که هر کسی سورة البقره بخواند سه شب شیطان بخانه او نیاید و از امام جعفر
صادق علیه السلام منقول است که این سوره را هفت بار بر دیوانه یا مصروع خوانند یا
نویسند و بر گردن او بندند شفا یابد و هم از آن حضرت منقول است که این سوره را
بنویسند و با خود دارند هر دردی که از او زایل شود و اگر بر مسموم بندند تب او زایل گردد
و اگر بر کودک بندند از شر جن باز شود و اگر بر مصروع خوانند صرع او را رفع سازد

و اگر بآب بشویند بخایف دهند ترس از او زایل شود و ثواب غازی که در راه خدا شهید شده
باشد خوانندهٔ این سوره را کرامت کنند و از آنجمله سورهٔ مبارکهٔ آل عمران است در منهج و در
کتاب در النظیم مذکور است که جناب مقدس نبوی صلوات الله علیه و آله فرمود که هر که روز
جمعه سورهٔ آل عمران را تلاوت نماید خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا آفتاب
غروب کند و در صحیح مسلم بروایت ابوامامه آورده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که بخوانید سورة البقره و آل عمران را از برای آنکه ایشان بیایند در روز قیامت یا بچون دو
ابر یا بچون دو سایه بان یا بچون دو جماعت از مرغان که بالها گشاده باشند و محاجّه
میکنند از برای قاریان خود و جدال میکنند قاریان خود را و در خبر است که هر که سورهٔ
آل عمران را بخواند او را خدای تعالی ثواب هزار شهید کرامت فرماید و در روایه دیگر
آمده که هر که در شب جمعه سورهٔ آل عمران را تلاوت نماید فردای قیامت او را دو پر
بدهد چون برق از صراط بگذرد و ایضاً در کتاب در النظیم مذکور است که هر که سورهٔ آل
عمران بخواند او را بهر حرفی ایمنی باشد از صراط و از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله منقول است
که هر که این سوره بزعفران بنویسد چون زن حامله او را با خود دارد وضع حمل بر او آسان
باشد و اگر درویش بخواند وسعت در امر معیشت او شود و اگر بر درخت بی بار بندد بار
ور شود و برکت بسیار بهم رسد و از آفات محفوظ باشد و از آنجمله فاضل مجلسی
رحمة الله علیه در کتاب عین الحیوة بسند معتبر از علی بن الحسین علیهما السلام روایت کرده

که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هر که چهار آیه از اول سورة البقره و آیة
الکرسی تا العلی العظیم با دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سورهٔ البقره را بخواند بدی در خود و مال خود
نه بیند شیطان به نزدیک او نیاید و قرآن را فراموش نکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که هر که آیة الکرسی را در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و هر که بعد از نماز بخواند هیچ صاحب نیشی
باو ضرر نرساند و ابوذر از رسول صلی الله علیه و آله سؤال نمود که کدام آیه عظیم تر است از آیات
که بر تو نازل شده فرمود آیة الکرسی و بسند معتبر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد از تب حضرت فرمود که آیة الکرسی را در ظرفی بنویسد و با آب بشوید و بخورد
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گفت از پدرانم شنیدم که کسی فاتحه بخواند
فرمود که شکر خدا کرد و مزد یافت و بعد از آن شنید که قل هو الله احد میخواند فرمود که ایمان
آورد و ایمن شد بعد از آن شنید که انا انزلناه میخواند فرمود تصدیق پیغمبر صلی الله علیه و آله
کرد و آمرزیده شد بعد از آن شنید آیة الکرسی بخواند به به نازل شد برات بیزاری این
مرد از آتش جهنم و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که کسیکه چشمش
دردی داشته باشد آیة الکرسی را بخواند و در خاطر خود قرار دهد که بر طرف میشود بتوفیق الهی
عافیت می یابد و هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و یازده مرتبه
انا انزلناه و یازده مرتبه آیة الکرسی بخواند مالش از تلف حفظ نماید و چون کسی خواهد
از خانه بیرون آید چند آیه از سورهٔ آل عمران یعنی اِنَّ فی خَلقِ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ

تا آخر سوره و یا آیة الکرسی و انا انزلناه و سوره حمد بخوانند که موجب قضای حاجتهای دنیا و آخرت
او می گردد و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند چنان باشد که مدت حیات خود عبادت
کرده باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که گمان ندارم که کسی در اسلام کامل
شده باشد و شبی بدون خواندن آیة الکرسی بسر آورده بعد از آن فرمود که اگر بدانید که چه
فضیلت دارد در هیچ حالی آنرا ترک ننماید بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا خبر
داد که آیة الکرسی از گنج عرش بمن کرامت کرده خدای تعالی و به پیغمبر دیگر چنین کرامتی نداده
بود بعد از آن حضرت امیر علیه السلام فرمود که آن روز که این کلام از آنحضرت شنیدم تا حال یک
شب ترک خواندن آن نکرده ام سه مرتبه میخوانم در هر شبی یک مرتبه بعد از نماز خفتن پیش از
نافله و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که بعد از نماز واجب آیة الکرسی
بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدای تعالی باشد و در حدیث دیگر فرمود یا علی بر تو باد بتلاوت
آیة الکرسی بعد از نماز فریضه بدرستیکه محافظت و مداومت نمی نماید بر خواندن آن مگر پیغمبر یا
صدیقی یا شهیدی ایضاً از جناب ختمی مآب نبوی مرویست که هر که آیة الکرسی بخواند در
در روز سه بار بنا کند خدای تعالی برای او شهری از شهرهای بهشت که در آن شهر هفتاد
در باشد و بر هر دری هفتاد صف از فرشتگان ایستاده باشند که همه تسبیح میگویند و استغفار
میکنند برای آن بنده تا روز قیامت و بفرماید حق تعالی که ای فرشتگان گواهی دهید بنده مرا



انچه بود فرستاده م کواه کرفتم شمارا انکه بنا کردم از برای بندهٔ خود کوشکی بر طرف راست عرش خود دجنانکه من دوراهی بینم و او مرا نمی بیند و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هرکه بعد از نماز فریضه آیة الکرسی بخواند خداوند عالم عطا فرماید او را شش چیز در دنیا **اول** علم کران **دوم** علم صادقان **سیم** ثواب پیغمبران **چهارم** روزی بروی فراخ کرداند **پنجم** از جمله بلاها نگهدارد **ششم** دو چیز بروی در قبر کرامت فرماید **اول** قبر برو فراخ کرداند **دوم** سؤال نکیرین بروی آسان کرداند و دو چیز در آخرت باو عطا فرماید **اول** چون برق از صراط بگذرد **دوم** آنکه به بهشتش رساند و دیدار خوش کرامت فرماید و فرمود هرکه بعد از نماز فریضه آیة الکرسی بخواند خدای تعالی فرشته را بیافریند که حسنات بروی نویسد و سیئات محو کرداند تا روز قیامت **مفتاح سیم** در فضیلت آیة الکرسی چون این آیه شریفه مشتمل بر اصول اسلام از توحید و عدل و علم و قدرت و حیات و ارادت و غیر آن از این جهة فضایل بسیار و خواص بیشمار دراو مندرج است و ثوابهای کثیره بر تلاوت آن مترتب و بیان فضیلت این در منهج الصادقین مذکور است و در این مختصر ترجمه چند حدیثی در باب ثواب و خواص آن اکتفا میشود از جناب مقدس نبوی صلعم منقول است که هرکه این دو آیه را بخواند در وقت شبانگاه حق سبحانه و تعالی ورا از جمیع فتنه‌ها و بلاها نگهدارد تا وقتی که صبح طلوع کند و اگر در بامداد بخواند او را از جمیع آفات و بلاها نگهدارد تا وقت شبانگاه و این دو آیه آیة الکرسی و دیگر اول سوره حم مؤمن تا الیه المصیر و نیز فرموده که آیة الکرسی را در هیچ خانه نخوانند

مگر که شیطان از آنخانه دور شود تا سی روز و در نسخه دیگر تا چهل روز شبانه روز و در آن خانه نرود و دیو و پری و جادو برو کار نکند و تا چهل روز سحر هیچ ساحری با هل آنخانه اثر نکند بعد از آن خطاب با امیر المؤمنین علیه السلام کرد و فرمود یا علی تعلیم ده این آیه را بفرزندان خود و بیامرزان را با هل خود و همسایه خود که حق تعالی بزرگتر بر این آیه فرو نفرستاده و نیز آن حضرت فرمود عظیم ترین آیه که در قرآن مجید واقع شده آیة الکرسی است هرکه آنرا تلاوت فرماید حقتعالی فرشته با و فرستد تا عملهای نیک او را در دیوان او ثبت کند و عملهای بد او را محو کرداند تا روز دیگر از آن ساعتی که آیة الکرسی خوانده و هرکه در عقب هر فریضه آیة الکرسی را بخواند منع نکنند او را از دخول بهشت او را مگر موت یعنی بعد از مرگ فی الحال به بهشت رود و هرکه حال رفتن بجامه خواب آیة الکرسی بخواند خدای تعالی او را از جمیع آفتها و بلاها ایمن کرداند و همچنین همسایه او را از بلا ایمن سازد و نیز آنحضرت فرمود که بهترین سورها سوره البقره است و بهترین آیه‌ها آیة الکرسی است هرکه در عقب هر فریضه بخواند درهای آسمان در پیش او نو دهند متصل نکردد تا آنکه حقتعالی بلطف و رحمت خود بر خواننده آن نظر فرماید و گناهان او را بیامرزد و هرکه در هر روز یکبار بخواند خدای عزوجل فرشته فرستد که عملهای نیک او را ثبت نماید و بدیش را محو فرماید و هر مؤمنی که آیة الکرسی بخواند و ثواب آنرا باهل گورستان بخشد حق تعالی چهل نور در قبر هر مؤمن که از مشرق تا مغرب مرده باشند داخل کند و قبرهای ایشان را پر نور کرداند و قبور ایشان را فراخ کرداند و از برای هر مؤمنی که پیدا شده

بلند کرداند و برای خواننده آن ثواب شصت پیغمبر کرامت فرماید و در حدیث دیگر نقل رسیده که ثواب ششصد پیغمبر به وی دهند و به هر حرفی از آیة الکرسی فرشته بیافرینند که برای او تسبیح کنند تا روز قیامت و ثواب تسبیح را در دیوان آن بنده ثبت کنند و نیز آنحضرت فرموده که این آیه عظیم ترین آیات قرآن است و نیز آنحضرت فرموده که هرکه این آیه را بخواند در عقب هر فریضه حق تعالی بید قدرت خود متصدی قبض روح او شود و چنان باشد که با پیغمبران جهاد کرده باشد و در راه خدای تعالی شهید شده باشد و عبدالله بن مسعود گفته که رسول صلعم فرموده که آیة الکرسی عظیم تر است از هر چیزی که حق تعالی آفریده و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که چون آیة الکرسی فرود آمد از کنج عرش هر بتی که از مشرق و مغرب بود همه بروی در افتادند و ابلیس ترسید و قوم خود را گفت امشب حادثه عظیمی واقع شده من بروم از مشرق تا مغرب بگردم ببینم که چه حادثه روداده پس در همه عالم می گشت تا بمدینه رسید مردی گفت که دیشب چه حادثه روداده و کدام امر عظیم نازل گشته گفت حضرت رسول صلعم مرا خبر داده که آن آیه عظیم شان از کنج عرش خدای تعالی نازل گشته از هیبت آن بتهای عظیم که در عالم بودند همه بروی در افتادند ابلیس لعین بنزدیک قوم خود آمد و خبر داد همه غمگین گشتند و نیز از آنحضرت منقول است که هرکه آیة الکرسی را بخواند حق تعالی برای او هفتاد فرشته فرستد تا برای او دعا و استغفار کنند و چون از خانه بیرون رود و بخانه باز آید و بخواند تنگدستی و درویشی از پیش او برود و نیز از آنحضرت

مرویست که فرمود آیة الکرسی تاج کلام است و در هر کلمه پنجاه برکت است و از انجمله از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هرکه یکبار آیة الکرسی را بخواند خدای تعالی هزار مکروه از مکروهات دنیا و هزار مکروه از مکروهات عقبی از او دور کرداند که کمترین مکاره دنیا درویشی باشد و کمترین مکاره آخرت عذاب قبر باشد **ایضاً** وارد شده که هرکه از منزل خود بیرون آید و آیة الکرسی بخواند خدای عزوجل هفتاد هزار فرشته فرستد تا معاون او باشند با عزل او بسلامت و نیز در نقل آمده که هرکه مداومت کند قرائت آیة الکرسی بعد از هر فریضه از فقر و درویشی در امان خدای تعالی باشد و محتاج خلایق نگردد و خدای تعالی از فضل و کرم خود چندان مال بدو کرامت فرماید و روزی رساند که در خیال نگذشته باشد و هرکه در صبح و شام بخواند از دزد و حرامی ایمن گردد و در امان حق تعالی باشد و از عذاب آتش محفوظ باشد و اسباب و امتعه او از سرقت ایمن گردد و در امان حق تعالی باشد و از عذاب آتش محفوظ ماند و از خوابهای پریشان و از خواب ترسیدن نجات یابد و از آفت جنبندگان چون مار و کژدم و غیر آن سالم باشد و از همه بلیات محفوظ ماند و برکت عظیم در آن پدید آید و اگر در دکان نهند رواج و رونق زیاده گردد و اگر در آسمان خانه نهند دزدان در آن خانه نروند و اگر از آن بسیار خواند پیش از مرگ منزل خود را در بهشت را ببیند عبدالرحمن عوف روایت کند که شبی در خواب دیدم که قیامت ظاهر شده و هول و هیبت در دلها نشسته و خلایق را در صف محشر ترتیب انده مرا بیاوردند بموقف عرصات حاضر کردند و بی از حساب مرا به بهشت بردند چون به بهشت در آمدم

قصرهای بلندی و کوشکهای مزین بمن عرض کردند که از جمال و نیکوئی آن حیران ماندم بمن گفتند درهای قصر بشمار چون شمردم بنیاه در بود پس گفتند خانهاشمار چون شمردم صد و هفتاد و پنج خانه بود گفتند مرا که این همه از تو است من از شادی از خواب بیدار شدم و خدا را شکر کردم و بعد از صبح نزد محمد بن سیرین رفتم که در تعبیر خواب کامل بود چون خواب با وگفتم گفت چنان می نماید که آیة الکرسی را بسیار میخوانی گفتم تو از کجا یافتی گفت از آنجا که آیة الکرسی پنجاه کلمه است و صد و هفتاد و پنج حرف است و در نسخه دیگر صد و هفتاد و یک حرف است و من چون این شنیدم از حفظ و علم او و مهارت او در تعبیر علم قرآن تعجب کردم پس مرا گفت ای عبدالله هر که آیة الکرسی را خواند سکرات موت بر او آسان گردد و بیان شد آنچه بطلبات بیان شود و آیة الکرسی حافظه را زیاده میکند از آنچه در خواص آیة الکرسی وارد شده که هر که را مهمات پیش آید و در آن عاجز باشد و در ماند و ترک آن نتواند کرد باید که طهارت سازد به نیت آن مهم و آیة الکرسی را بخواند و چون بلیان و علیین رسد که یشفع عنده است آن مهم را بخاطر گذراند که مقصود حاصل شود و اگر کسی را دشمنی باشد و با دفع او نتواند کرد به نیت مغلوب شدن دشمن چون بالعیان دو میم که یعلم ما بین ایدیهم رسد آن دشمن را بخاطر گذراند که مقهور گردد و اگر خواهد که در میان مردم و در نظر سلاطین در پیش عزیز گردد بعد از نماز صبح و قبل از طلوع آفتاب و متکلم با مردم نشود بعد از حمد هفت نوبت آیة الکرسی بخواند و هر نوبت بکفتی از جهات سته دمد و نوبت هفتم بر کف دست دمد و بر جمیع اعضا مالد و در خواندن آیة الکرسی ابتدا بدست راست باز بدست چپ پیش روی و خلف و فوق و تحت الکرسی شش مرتبه آیة الکرسی بخواند و بر کف دست خود دمد و بر روی خود مالد همین فایده دارد **ایضاً** در جمع الفواید مسطور است و از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که آیة الکرسی را بنویسد و بر گردن طفل بندد از آفات و بلیات محفوظ ماند از آنجمله روایت است که مردی بود دکان دار و هر شب آیة الکرسی را خواندی و باو بد میدی و بخانه آمدی شبی در به بست و فراموش کرد که آیة الکرسی بخواند شب در خانه بیاد وی آمد آیة الکرسی خواند و بجانب دکان دمید بامداد بدکان آمد در دکان گشاده بود و آنچه در دکان بود جمع کرده و نهاده و مردی آنجا نشسته دید با و گفت این جا چرا نشسته و تو کیستی و اینجا چه کار داری فریاد برآورد و آنمرد گفت ای خواجه ساکن باش که من چیزی از تو نبرده ام و بنگر متاع تو همه موجود است و قصه من بشنو صاحب دکان گفت بگو چه میگوئی گفت من دوش اول شب آمدم و در این دکان باز کرده متاع را جمع کردم و در را بستم و برداشتم تا بروم چندانکه طلب کردم در را نیافتم همه شب در این کار بودم تا صبح بدر نتوانستم برد تا اکنون تو آمدی اگر توانی مرا عفو کن و رسوا مکن که من توبه کردم که دیگر این کار نکنم صاحب دکان دست از او برداشت و خدا را شکر کرد **ایضاً** روایت است که مردی بزرگ گفت که من رنجور بودم چنانچه جمله اطبا از معالجه آن عاجز ماندند و من در خواب بمنبر رفتم شبی اندیشه کردم که من بچیزی از قرآن استشفا کنم آیة الکرسی خواندم و باد بر خود دمیدم در خواب رفتم

دو مرد را دیدم پیش ایستاده اند با یکدیگر می گفتند که این مرد آیتی چند از قران بخواند که در آنجا سیصد و شصت و پنج رحمت است و هنوز یک رحمت بیش با و نرسیده و فضیلت آن نه چندان است که خوشش را است آید والله اعلم **مفتاح چهارم** در صفت کرسی است که چگونه است در کتاب منهج اصبغ ابن نباته از امیرالمؤمنین ع روایت کرده است که جمیع آسمانها و زمین ها و آنچه در آنهاست از انواع مخلوقات در اندرون کرسی اند و چهار فرشته موکلند بر کرسی که بفرمان خدا او را برداشته اند فرشته اول بصورت آدمیان است و آن گرامی ترین صورت است نزد خدای تعالی و این فرشته دعا میکند برای مومنان و تضرع و زاری میکند و طلب شفاعت مینماید برای آدمیان و فرشته دوم بصورت گاو است که بهترین چهارپایان است دعا و زاری میکند و طلب شفاعت و روزی می نماید برای چهارپایان و فرشته سیم بصورت کرکس است که بهترین مرغان است دعا و تضرع میکند برای روزی مرغان و فرشته چهارم بصورت شیر است که بهترین سباع است دعا و زاری میکند و طلب شفاعت و روزی مینماید برای سباع بعد از آن فرمود که در جمیع این صورتها هیچ صورتی نیکوتر از صورت ثور نبود و هیچکدام غضبناک تر از و نبود و چون جمعی از بنی اسرائیل گوساله را پرستش نمودند آن فرشته که بصورت گاو بود سر خود را بپائین انداخت بجهت شرمندگی آنکه ابنای جنس او را معبود ساختند و دایم آن فرشته ترسان و گریان است از آنکه عذاب خدای تعالی چه شاید ببنده که عجل را او نازل شده و بعضی از مفسرین روایت کرده اند که حضرت سبحانه و تعالی از لفظ کرسی معنی حقیقی را اراده فرموده و کرسی را از نور آفریده است و هفت آسمان با عظمت و وسعت در جنب کرسی مانند حلقه ای است که بر کرسی افکنده و روایت دیگر از امیرالمؤمنین ع مروی است هر قائمه از قوائم کرسی چندان است که هفت آسمان و هفت زمین و کرسی در پیش عرش است و حاملان کرسی چهار فرشته اند و هر فرشته چهار روی دارد و قدمهای ایشان بر آن صخره واقع شده که در زیر زمین هفتم است یک روی ایشان چون روی آدم است و ایشان روی روزی آدمیان خواهند و روی دیگر بصورت گاو است و ایشان روی روزی بهایم خواهند و روی دیگر بصورت شیر است و ایشان بروی روزی سباع میخواهند و روی دیگر بصورت کرکس است و ایشان بروی روزی مرغان خواهند و ابو ذر غفاری روایت کند که رسول خدا صلعم فرمود که نسبت هفت آسمان در جنب کرسی الا چون حلقه در بیابانی و در اخبار آمده که میان عرش و کرسی هفتاد حجاب است از ظلمت میان هر حجابی تا حجاب دیگر پانصد ساله راه است که اگر آن حجابها نبودی حاملان کرسی از نور حاملان عرش سوخته شدی **مفتاح پنجم** طریقه ختم کلام عظیم آیة الکرسی بدانکه این آیه کریمه خواص بسیار دارد که مشاهده کرده اند آنچه هر مطلبی و مهمی که پیش آید باین طریق ورد کنند بدانکه از برای ازدیاد عمر و دولت و سعادت و بزرگی و حشمت و شرف اعلاء و رفع دشمن و نجات یافتن از بلاها بعد از نماز فریضه باین طریق است **اما بعد** بدانکه در این آیه کریمه ده وقف است و هر وقفی که رسد یک انگشت خود را وقف نماید و وقت وقف کردن ابتدا از انگشت کوچک دست راست عقد نماید تا آخر انگشت

نماید و در مابین دو علین کد یشفع عنده است قصد مطلب کند و هر حاجت که دارد
در دل بگذراند و طلب حاجت کند و در میان دو یم یعلم ما بین است دفع اعدا و مقهور
شدن آن جمع دارد و در خاطر آورد چون آیه کریمه را تمام کند سه نوبت الم نشرح و سه بار
قل هو الله احد و سه بار صلوات فرستد و جانب آسمان و تمام اعضای دعدو مجاز
آن بجهة هر عقد انگشت یکبار سوره مبارکه فاتحة الکتاب خواند و یک انگشت یکشاید ابتدا
از انگشت بزرگ دست چپ نموده و انتها بانگشت کوچک دست راست که بهر عقدی
یک فاتحة الکتاب بخواند چون این ورد کند هر حاجت که دارد بزودی میسر گردد و از بزرگان
این آیه کریمه است که ابتدا با الله و ختم به عظیم میشود و سامعان اسما و ربانی گفته اند که
الکرسی السل کداکه که هرگز در تبارش بزرگی مرده باشد و خواهد که سلطنت رسد و امور ملک
بوی تفویض کند که باید دوازده روز روزه بگیرد و ترک حیوانی کند و هر روز قبل از کلال کند
و غسل کند و جامه پاک در پوشد بعد از غسل و ضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و هم چنان
بر سر سجاده نشیند هزار بار آیة الکرسی بخواند چون در این ایام مذکور باین شروط قیام نماید
البته مراد وی و آنچه خواهد بدان رسد و بدین نکته نیاز در و بهر مطلبی که بخوانند خاصیت و فواید
آنرا دریابد ایضاً هر آنکه طریقه چنان است که وقف کند به طریقی که ذکر شد بخوانند و هم چنان
که بعدد کلمات حروف و فصول آن تلاوت نماید تا فواید عظیمه و آثار جلیله روی دهد زیرا
که علمای اسلام بجهة حصول اتفاق صد آنچه از دنیوی و اخروی باشد و از دیاد جاه و حشمت و از

واز مرتبه خود نیفتد و خوف از سلاطین و هلاکت اعادی در هر وقت خواندن این آیه مبارکه
بر سه نوع است نوع اول بعدد حروف است و حروف آن یکصد و هفتاد حرف است بعدد
حروف بخوانند آنچه حاجت باشد حاصل است و اگر در شدت و خوفی گرفتار شود پس در میان
شب و غروب آفتاب در وقتیکه کند بخواند بزودی خلاصی یابد و این نعت اسم که مناسب است بخوانند
بعدد حروف صد و هفتاد و نوبت اسماء اینست اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ
الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْتَقِمُ الْعَفُوُّ الرَّؤُفُ و باید که بعد از این دعا را بخواند که
بحضرت موسی علیه السلام منسوب است که بجهة برکت این دعا شکافته شد اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ
وَاِلَیْکَ الْمُشْتَکیٰ وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَیْکَ التُّکْلَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ نوع دوم بعدد کلمات است و آنکه عدد کلمات پنجاه است پنجاه نوبت باید خوانده شود
در اوقات شریفه ماه رجب و شعبان و رمضان و روز جمعه و شب جمعه و شب قدر و وقت نماز
بنحوی که محل اجابت دعاست و روز عرفه و در آخر هر شب و شب جمعه بعد از ختم بسجده رفته مراد
و مقصودات خود عرض نماید که باجابت مقرون است و این اسماء اعظم را در هر دفعه بخواند و ۳۱۳
عدد است اَلْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْجَوَادُ الْکَرِیْمُ الْعَظِیْمُ اللَّطِیْفُ الْخَبِیْرُ یَا
مَالِکَ الْمُلْکِ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ زیرا که بحضرت ادم منسوب است و این دعا را بخوانند
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَعْلَمُ سِرِّیْ وَعَلَانِیَتِیْ فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِیْ وَتَعْلَمُ حَاجَتِیْ فَاَعْطِنِیْ سُؤْلِیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ
اِیْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِیْ اَسْئَلُکَ یَقِیْنًا صَادِقًا حَتّٰی اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ یُصِیْبَنِیْ اِلَّا مَا کَتَبْتَ لِیْ

یَا رَبِّ رَضِّنِیْ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ نوع سیم بعدد فصول آیة
الکرسی هفده است پس هر که هفده نوبت بعد از نماز ظهر و نماز عصر در موضع خالی که آواز او در نیاید
تا در دل حضوری و خشوعی حاصل گردد بعد از آن این پنج اسم از اسماء الله ۳۱۳ نوبت بخواند
در طرفة العین مطلوب برسد و پنج اسم اینست اَلْمَلِکُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَیْمِنُ ایضاً خواص آیة الکرسی دعوت حاجت و طریقه اینست اول آنکه طلب کند
موضع خلوت و لابد است اینکه احتیاط کند تا صادر نشود از او در این ایام که دعوت میکند
مثل اکل و شرب نالایق و غیره بهتر اینست که بعد از نماز صبح بدعوت مشغول گردد دویم آنکه قرائت
کند جمیع و کل که در این آیه کریمه است بکمترتبه پس میگردد مجموع آن صد و هفتاد مرتبه سیم که
نشود هنگام دعوت صدای زن و سگ چهارم آنکه اشاره کند بجهة مقصود و در دو موضع که آن
دو حرف متجانس نشد و آن میان دو علین است ذا الذی یشفع عنده است و در اسم است در
یعلم ما بین پنجم آنست که عقد کند در کل وقف انگشتان را و قرائت کند در نزد
کل عقد و عقد و ابتداء کند از ابهام دست راست و انتها بابهام دست چپ هر مطلب حاصل
اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا مَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ
اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ فِیْ کُلِّ لَحْظَةٍ
یَا مَنْ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ یَسِّرْ لِیْ
کُلَّ مَعْسُوْرٍ مِنْ اُمُوْرِ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا مَنْ لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ

مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِیْ شَفِیْعًا وَاغْفِرْ لِیْ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ
اَیْدِیْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ وَاَصْلِحْ لِیْ اُمُوْرِیْ فِیْمَا بَقِیَ یَا
مَنْ اَیْدِیْنَا وَمَا خَلْفَنَا وَلَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ اَللّٰهُمَّ اَرِنِیْ
دَاءَ الدُّنْیَا وَدَوَائَهَا وَعَلِّمْنِیْ مَا تَشَاءُ یَا مَنْ لَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا
بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَللّٰهُمَّ وَسِّعْ لِیْ وَلَا تُضَیِّقْ عَلَیَّ فِیْ کُلِّ
حَالَاتِهَا وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا یَئُوْدُهُ حِفْظُهُمَا اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ
مِنْ کُلِّ شَرٍّ وَسُوْءٍ وَغَمٍّ وَآفَةٍ مِنْ کُلِّ اِنْسٍ وَجِنٍّ یَا مَنْ لَا یَئُوْدُهُ حِفْظُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ عَظِّمْ قَدْرِیْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا عَلِیُّ یَا عَظِیْمُ ایضاً
طریقه ختم دیگر آیه مبارکه باید که قبل از شروع یک مرتبه الحمد و هفت مرتبه انا انزلناه و هفت
مرتبه صلوات فرستد و روی بقبله نشسته شروع در تلاوت نماید و در حین قرائت انگشتان
دستها را به ترتیب از انگشت کوچک دست راست گرفته عقد نماید تا بانگشت کوچک دست چپ
منتهی شود چنانکه هر عقدی مقارن فصلی از فصول ده گانه آیات مطهره افتد بنحوی که انگشتان
بافته و مرقوم می گردد و اگر مطلب خیری باشد در میانه ما علین که یشفع عنده است مطلب
بخاطر گذراند و اگر مقصد شری باشد در میان دو میم یعلم ما بین ایدیهم است بخاطر گذراند
و قرائت را تمام نماید و باید که عمل بعد از فریضه باشد و اگر قبل از شروع دو رکعت نماز بقصد
قضای حاجت بجا بگذارد بهتر خواهد بود و چون قرائت تمام انگشتان معقود شود بنحوی که



بجهتکه شرح آن می آید عمل نماید بسم الله الرحمن الرحیم عقد اول الله لا اله الا هو
عقد دویم الحی القیوم عقد سیم لا تأخذه سنة ولا نوم عقد ۴ له ما فی السموات
و ما فی الارض عقد پنجم من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه عقد ششم یعلم ما بین
ایدیهم و ما خلفهم عقد هفتم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء عقد هشتم وسع
کرسیه السموات و الارض عقد نهم و لا یؤده حفظهما عقد دهم و هو العلی العظیم
بعد از گرفتن انگشتان و تلاوت همچنان انگشتان را معقود نگاهداشته ده مرتبه
الحمد بخوانند و ده مرتبه صلوات بفرستند و شروع بفتح انگشتان نماید ابتدا از انگشت
کوچک دست چپ نماید چنانکه بانگشت کوچک دست راست ختم کشودن انگشتان
شود و در وقت فتح انگشتان بگوید کهیعص حمعسق فسیکفیکهم الله و هو السمیع
العلیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله لا قوة الا بالله و توکلت
علی الله و افوض امری الی الله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و الحمد لله رب العالمین
و باید کشودن انگشت کوچک دست چپ بگفتن کاف مع باشد و انگشت دیگر با حرف
دیگر که ها باشد چنانکه کشودن هر انگشتی بگفتن یکی از حروف کهیعص و حمعسق مراقب باشد
که کشودن انگشت کوچک دست راست با تکلم بحرف ق ستقی باشد و چون عمل تمام شود
باید بر کف دستهای خود دمیده بر روی مالد و سجده رفته حاجات خود را با کمال زاری از روی
اعتقاد و حسن ظن عرض نماید و در حالت سجده ده بار صلوات بفرستد و ده مرتبه بگوید یا الله

ده مرتبه یا رباه و ده مرتبه یا سیداه و هفت مرتبه یا قاضی حوائج السائلین و باز
حاجات خود را از جناب اقدس الهی بعجز و زاری طلب نماید و ختم بر صلوات کند البته
حاجتش روا گردد و اکثر ایام ختم آیه مذکوره چهل روز است و بعد از چهل روز که قاری صاحب ورد
شد هر گاه احتیاج افتد توجه عمل خود اگر همیشه مداومت نماید بهتر است و بعضی گفته اند
که عمل خواندن بهر وقت که رسد بایستد و یک انگشت خرانسم آورد و دست بدرگاه بی نیاز
بر دارد و چون آیة الکرسی تمام شود دستها بر روی مالد و بر جمیع اعضا خود مالد از جمیع امراض
و علل در امان خدای تعالی باشد و از فتنه ها و آشوب محفوظ باشد منقول است که اگر کسی را
مهمی پیش آید و در آن عاجز باشد و علاج آن ندانند باید که طهارت کند بنیت آن مهم آیة
الکرسی بخواند چون بمیان و همین رسد یشفع عنده است آن مهم را بخاطر آورد و ابتدا آن
مهم بر آورده شود و اگر کسی را دشمنی صعبی باشد که با او هیچ مقاومت نتواند کردن به نیت مغلوب
شدن آن شروع کند بخواند و چون بمیان در سد که یعلم ما بین ایدیهم آنکس را
بخاطر گذراند آنکس انشاء الله مغلوب گردد و خواننده بر او ظفر یابد از جمله مجربات است و کسی
که پیش از بر آمدن بعد از نماز بامداد الحمد لله بخواند و هفت بار آیة الکرسی و اول بدست
راست دمد دویم بدست چپ سیم پیش روی چهارم پس پشت پنجم بالای سر ششم
بر زمین هفتم بر کف دست دمد و بر اعضای خود مالد در نظر سلاطین و حرمت و حشمت
عزیز و مکرم گردد و همه بر او شفقت کنند و هر کس سه بار بخواند و بر کف دست دمد و بر روی خود

خود مالد همین فایده بخشد و در طریقه دیگر است که چون انگشتان را عقد نمود
بطریقی که مذکور شد بعد از آن سه مرتبه سوره مبارکه الم نشرح و سه بار صلوات
بدین نوع فرستد اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کلماتک و الطافک
و بارک و سلم و نفس بجانب آسمان دمیده و حاجت خود عرض نماید و بعد از آن بعد عقد
الحمد بخواند و فتح نماید و اگر برای تأیید و مطلب خیر و حصول مقصد از پادشاه و غیره بخواند مطلب را
در میان من ذا الذی یشفع عنده است بخواهد و اگر از برای خوف و بیم و دفع غضب ایشان
و زبان سفلها بخواند مطلب را در میان و در سیم که یعلم ما بین ایدیهم است
بخاطر گذراند مقاله ششم در فضیلت آیه مبارکه آمن الرسول در تفسیر منهج الصادقین از
جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله ما ثور است فرمود که هر که بخواند هر شب این دو
آیه را از آخر سوره بقره است او را کافی است و دیگر فرمود که سوره البقره بمن عطا فرمودند
از گنج زیر عرش است که عطا نفرموده پیش از من هیچ پیغمبری و دیگر فرمود که خداوند فرستاد
حق سبحانه و تعالی این دو آیه که از گنجهای جنت که بید قدرت خود نوشته بود پیش از آنکه
خلایق را خلق کند بدو هزار سال هر که بخواند این دو آیه را بعد از نماز خفتن مجرب است او را
از اقدام قیام شب و در خبر است که جناب رسول خدا که این دعا را شب معراج میخواند
و ملائکه آمین میگفتند و حق سبحانه و تعالی اجابت می فرمود و نیز فرمود که هر که این دو آیه را
بخواند حق تعالی جمیع مهمات دنیا و آخرت او را ساز د و شیطان گرد او نگردد ایضاً در خبر است

که برسول خدا عرض کردند که از خانه ثابت بن قیس مانند چراغ نوری تابان است فرمود که
آخر سوره البقره را میخواند از عبد الله بن عباس روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که بنده
این دو آیه بخواند چون باینجا رسد که غفرانک ربنا حق تعالی فرماید که غفرت لک آمرزیدم
ترا و چون گوید ربنا لا تؤاخذنا فرماید مؤاخذه نکنم ترا و چون گوید و لا تحمل علینا
فرماید که بر شما تکلیفی نکنم که طاقت آن نداشته باشید و چون گوید و اعف عنا فرماید که عفو
کردم ترا و چون گوید فانصرنا علی القوم الکافرین فرماید که نصرت و یاری دادم ترا بر
جمیع کافران از ابن عباس مرویست که ما نزد رسول خدا بودیم که ناگاه آنحضرت
آوازی از بالای سر خود شنید چون سر برداشت دید که دری از آسمان گشوده شد فرشته نازل شد
و در نزد آنحضرت آمد عرض کرد که خدای تعالی مژده میدهد ترا بدو نور که هیچ پیغمبری را قبل از
تو عطا نکرده و آن فاتحة الکتاب و خواتیم سوره البقره است هیچکس این را تلاوت نکند
مگر آنکه حاجت او را روا کنم و سؤال دنیا و آخرت او را اجابت کنم ایضاً از ابن عباس
روایت شده که هر گاه شخصی سوره البقره را بیاموخت در میان ما بزرگوار و معظم و معزز
می بود اعوذ بالله من الشیطان الرجیم آمن الرسول بما انزل الیه من ربه
و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا نفرق بین احد
من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر لا یکلف الله
نفسا الا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا

خاصیت
هر که آمن الرسول را آخر
سوره بقره را قرائت کند
مداومت و بعد از
نماز وقت خواب
بخواند کفایت کند



إِن نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ
مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ آمین یا رب العالمین

مفتاح هفتم در فضیلت و شرح آیه مبارکه شهد الله و قل اللهم مالک الملک

فاضل مجلسی علیه الرحمه در کتاب مقباس المفاتیح بسند موثق از صادق آل محمد ع روایت
کرده است که چون حق تعالی امر کرد که این آیات را بر زمین آورند چنگ زدند در عرش
الهی عرض کردند پروردگارا ما را بسوی اهل خطاها و گناهان می فرستی پس حق تعالی وحی
کرد بسوی ایشان که بروید بسوی زمین بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که تلاوت نکنند
شما را احدی از آل محمد و شیعیان ایشان مگر آنکه نظر رحمت کنم بسوی او از رحمتهای پنهان خود
هر روز هفتاد نظر و در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم و توبه او را قبول کنم هر چند معصیت
بسیار کرده باشد و بروایت دیگر هر که این آیات را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حظیره
قدس با هر گناهی که داشته باشد اگر نکنم نظر کنم بسوی او بنظر رحمت خواص خود هر روز هفتاد نظر کرده
و اگر نکنم هفتاد حاجت او را برآورم که کمترین او آمرزیدن گناهان باشد و اگر نکنم پناه
دهم او را از شر هر دشمنی و یاری دهم او را بر ایشان و مانع نشود او را از داخل شدن
بهشت بغیر از مرگ و آن آیات اینهاست سوره فاتحة الکتاب تا آخر و آیة الکرسی تا و هو العلی
العظیم و اکثرها فیها خالدون گویند بهتر است و آیه شهادت یعنی شهد الله انه لا اله الا هو

والملائکة

وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ
عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ
الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ و آیه ملک
اینست قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْكَ
مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ایضا انس بن مالک
روایت کند از پیغمبر ص فرمود هر که این آیه را بخواند و در آخر آن بگوید و انا علی ذلک
من الشاهدین حق تعالی بعدد هر حرفی فرشته بیافریند تا برای او استغفار کنند
و اجر آنش خواهند تا روز قیامت ایضا شیخ طبرسی در مجمع البیان و صاحب منهج در
منهج الصادقین از آنحضرت روایت کرده اند که هر که در وقت خواب کردن آیه شریفه شهد الله
را بخواند خلق کند خدای تعالی هفتاد هزار ملک را که از برای او استغفار کنند تا روز قیامت
و نیز از آنحضرت مرویست که هر که این آیه بخواند حق تعالی هشت در بهشت بروی او بگشاید و در
هفت در جهنم بروی ببندد و ابو طالب فیطان گفته وقتی تجارت میکردم قسم در همسایگی آن کس
مرد آمدم وی در آخر شب این آیه میخواند هر بار در آخر آن میگفت و انا اشهد بما
شَهِدَ اللَّهُ وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ هَٰذِهِ الشَّهَادَةَ وَهِيَ لِي عِندَ اللَّهِ وَدِيعَةٌ حتی

يُؤَدِّيهَا إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بخود گفتم همانا چیزی از پیغمبر در این باب باو رسیده باشد
چون روز شد نزد او رفتم گفتم دیشب آیه شهادت میخواندی و در آخر آن کلماتی
میگفتی در آن چیزی شنیده گفت بلی گفتم مرا از آن خبر کن گفت از آن ترا خبر نکنم
تا آنکه یکسال تمام بگذرد کار من سرای من تمام شد من مهمانی کرده بر سر راه بودم
بارها را کشادم تا یکسال آنچه بمن می فرمود قیام مینمودم تا آنکه مدت منقضی شد گفتم یا شیخ
سال تمام شد گفت ابو وائل روایت کرده مرا از ابن مسعود که او گفت از پیغمبر صلی الله علیه
و آله شنیدم که فرمود هر که این آیه را بخواند حق تعالی روز قیامت صاحب او را در دیدار
خطاب کند که ای بنده من بعهد من وفا کردی و امانت مرا ادا نمودی که ای فرشتگان
من سزاوارترم از آن کس که بعهد وفا کند ای ملائکه درهای بهشت برای او بگشائید
تا داخل شود از هر دری که خواهد و نیز از آنحضرت مرویست که دو فرشته در هوا بیکدیگر
رسیدند یکی از دیگری پرسید از کجا می آئی گفت از نزد یک بنده عاصی که امروز همه روز
معصیت میکرد و اینک دیوان عمل سیاه او که بآسمان میبرم آن فرشته دیگر گفت عجب
حالتی است که بنام او برات آزادی از آتش دوزخ بزمین میبرم فرشته اول از این متعجب و
متفکر شد فرشته دوم جواب داد که چون تو از نزد او جدا شدی او آیه شهادت خواند حق تعالی
فرمود که من گناه و معصیتش را با یمان و مغفرتش بخشیدم و در خبر آمده که خواننده آن را
روزی ببزرگی نعمت سنگ عظیم آمد هر یک از آن سنگها را برگرفت و در بالای سر خود

برد و بینداخت و گفت اشهد بما شهد الله انه لا اله الا هو چون شب در آمد
و در خواب رفت در واقعه دید که قیامت قائم شده و خلق را در معرض حساب بداشته اند
و حساب ایشان را میکنند پس نامه او را بدستش دادند و حساب وی را کردند بسیار آتش
جسمانش افزون بود پس او را براه دوزخ آوردند ناگهی پیدا شد و مانع میگشت بر
دوزخ بان گفت چرا منع میکنی و نمیگذاری که این بنده که این کار را بسزای جزای خود
رسد در جواب گفت که این جوان ما را گواه گرفته بر آنکه خدای عالم یکی است چگونه بگذاریم
که او را بدوزخ برند کسیکه هفتاد سال خدا را گواه گرفته باشد در توحید چگونه بگذارد بدوزخ
ایضا در کتاب محاسن برقی منقول است که حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق ع
فرمود که کسیکه بگوید اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک
وانبیائک ورسلک وجمیع خلقک بانک انت الله وحدک لا شریک لک
وان محمدا عبدک ورسولک یکبار ربع او آزاد شود و نصف او کسیکه چهار بار بگوید آزاد
شود تمامی او ایضا در تفسیر منهج الصادقین از معاذ بن جبل روایت کند که بجهت مطالبه متقاضیان
یک جمعه بنماز حاضر نشدم رسول خدا فرمود ما منعک من صلوة الجمعة ترا
که منع کرد از نماز روز جمعه عرض کردم یا رسول الله یهودی را بر من چند
وقیه طلب است مرا نمی گذاشت که بنماز حاضر شوم پیغمبر ص فرمود که آیه مبارکه قل اللهم را تا بغیر
حساب بخوان و بگو یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما تعطی من تشاء

مِنْهُمَا فَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي هر كه اين آيه را بسيار بخواند اگر قرض چندان بود كه
زمين گنجايش آن نداشته باشد حق سبحانه و تعالى از براى او قضا كند و از آنجه نازل است
كه در كفعمى از حضرت رسالت پناه صلعم روايت شده كه هر كه او را بگذارد ادا كند خداى تعالى
قرض او را ادا كند هر چند قرض او بقدرى پرى روى زمين از طلا باشد و آن دو ركعت است
بهر ركعتى بخواند و چون فارغ شود بگويد قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تا بغير حساب يا
رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا تُعْطِي مِنْهُمَا مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ مِنْهُمَا
مَنْ تَشَاءُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي ايضا نماز ديگر جهت توانگرى و اين نماز
دو ركعت است در هر ركعتى فاتحه يكبار بخوانند قُلِ اللَّهُمَّ تا عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چون سلام دهد
ده بار بگويد صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از آن سجده كنند و در سجده بگويد رَبِّ اغْفِرْ
لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ايضا
روايت كرده اند سبى كه در آخر اللهم جامع هفتاد نام حق تعالى است كه اول اسم بسه
هر كه بگويد اللهم حق تعالى را بهمه نامها خوانده باشد و بهمين دليل از اسماء اعظم شمرده اند
ايضا قوله تعالى قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ الى مَا تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ من خواص دران
من كتب حروف الملك بهذه الطريق ا ل م ل ك و نظر كل يوم على حروف الكو
واربع مرات وقرء هذه الآيه مع الطهارة سهل الله له امر الدنيا والآخرة
ايضا منقول است از شيخ شهيد عليه الرحمه كه مرا هزار و كسرى دينار قرض داشتم هر چند

سعى

سعى كردم اداى آن قرض ميسر نشد بعد از سه سال در اين فكر فرو رفته بودم يكشبى حضرت
امير المؤمنين و امام المتقين را در خواب ديدم فرمود اى شيخ در اين فكر فرو رفته هميشه غم و الم
را داده بخوان يك يك اربعين قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تا بغير حساب در هر شب چهل
و يكبار ايضا بروايت صحيح از حضرت امير المؤمنين عليه السلام منقول است كه اگر كسى كه قصد فتح مهمات
هر روز چهل و سه بار قُلِ اللَّهُمَّ را تا بغير حساب بخواند هنوز سه روز نگذرد كه ابواب فتح و فتوحات
بروى او گشاده شود ايضا در نسخه معتبرى بنظر جامع حقير رسيده كه هر كه هر روز در وقت
طلوع آفتاب در اسم الملك نگاه كند و چهل مرتبه آيه قُلِ اللَّهُمَّ را تا عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ بخواند بعد از چهل روز او را مسخر گردد و ملك و ملكوت و عالم غيب بر او كشف گردد
و بهر چه متوجه شود او را مسخر گردد و اين معنى از اسرار است محفوظ بايد داشت ايضا طريقه
ورد شريفه قُلِ اللَّهُمَّ آنست كه اگر كسى حاجت شرعيه داشته باشد چهل و يك ميم چشم نگاه
نوشته باين طريق م
م در برابر نظر نهد
و با كسى سخن نگويد و چهل و يك بار اين آيه را بخواند كه انواع فتوحات رو نمايد ايضا در خواص
الحروف مسطور است كه هر كس چهل روز نظر در حرف ميم كند كه بدين طريق نوشته شده باشد و آيه
قُلِ اللَّهُمَّ را تا بغير حساب بخواند انواع جمعيت او را حاصل شود شكل ممم و در نسخه ديگر
بنظر رسيده كه هر كه تا چهل صباح در اين شكل نگاه كند دولت عالى يابد بشرط آنكه اين آيه

كريمه را بخواند هر روز يكبار قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تا بغير حساب و صلى الله على
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ و آله اجمعين و شكل بدين طريق است ممم ال م لك
ايضا از جهت طلب روزى بعد از نماز صبح خواندن مجربست از خواص الحروف مسطور است
كه هر كس چهل روز نظر بر اين حروف كنند و آيه قُلِ اللَّهُمَّ تا بغير حساب بخواند انواع
جمعيت باو روى نمايد ممم ال م لك ايضا در كتاب در النظم مسطور است كه
كه هر كه تلاوت آية الكرسى و آيه قُلِ اللَّهُمَّ تا بغير حساب در عقب هر نماز فرايض و نوافل
مواظبت نمايد حق تعالى در رزق بروى وى گشاده گرداند و فقر و فاقه از وى دور
دارد و بركت در كسب و مال وى پيدا شود و هرگز محتاج خلق نگردد ايضا از جناب مقدس نبوى صلعم
منقول است كه هر كه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ را در عقيب نماز فريضه بخواند هرگز درويش
نگردد و اگر قرض داشته باشد قرض او ادا شود و هميشه در دنيا و آخرت عزيز باشد مفتاح هشتم
در فضيلت آيه مباركه پنج ربنا بجهت برآمدن حاجات شرعيه روايت است از امير المؤمنين عم
بجهة حاجتى پيش كسى رود روز پنجشنبه اول بامداد بيرون رود و اين پنج آيه از قرآن بخواند فاتحة
الكتاب و آية الكرسى و انا انزلناه بخواند البته حاجت او برآيد إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ
اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ

من تدخل

مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي
لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا
مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ
لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ از آنجمله در تفسير مدارك نوشته شده كه حضرت عزت جل جلاله ميفرمايد
آيه پنج ربنا را پنج بار هر حاجت كه داشته باشد بخواند حاجت او روا گردانم و اگر روا نباشد
من بر در كار او نباشم ايضا دعاى مجرب براى برآمدن حاجات در نصف شب برخيزد و وضو
بسازد و دو ركعت نماز حاجت بكند و بعد از نماز پنج بار آيات مباركه را پنج ربنا بخواند و سر بسجده
گذارد و مطلب بخواهد حاجت روا گردد و ده بار يا الله بگويد و هفت مرتبه يا ارحم الراحمين بگويد
و بيك نفس يا رب بگويد تا نفس منقطع گردد و بعد از آن سر از سجده حاجت بخواهد انشاء الله تعالى
برآورده مى شود ايضا جهة وسعت رزق آيات مباركه پنج ربنا بخوانند بسيار مجرب است كه
در اول او اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بگويد و در آخر آيه لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ باشد و لا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بگويد از آنجمله حضرت امام رضا عم از حضرت امير
المؤمنين عم روايت كرده كه آنحضرت از حضرت رسول صلعم روايت فرموده كه چون كسى را حاجتى
باشد روز پنجشنبه چون از منزل بيرون رود بخواند اين آيه را از آخر سوره آل عمران يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و سوره فاتحه
و سوره مباركه قدر و آية الكرسى بخواند البته حاجتش روا گردد مفتاح نهم در فضل سوره نساء

در هر روز جمعه بخوانند ایمن خواهد بود از ضغطهٔ قبر یعنی از فشار قبر ایضاً در فضل سوره مائده
عیاشی از حضرت ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که هر که سوره مائده در هر پنجشنبه بخواند ایمان او
ایمان او مخلوط بظلم و ستم نمی شود و هرگز شرک نخواهد بهم آورد و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
روایت کرده که سوره مائده یکبار تمام نازل شد و با او هفتاد هزار فرشته بودند ایضاً در
کتاب در النظیم مسطور است از صادق آل محمد علیه السلام ماثور است که هر که این سوره را چهل یکبار
بخواند حق تعالی او را و اهل بیت او را از هلاک نگاه دارد و بجهت دفع گرسنگی و قحط چهل و
یکبار بخوانند هم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره مائده را بنویسد
و در صندوق متعه و رخت خود بگذارد از دزد محفوظ ماند و اگر بنویسند و بشویند مستسقی بخورد
سیر آب شود ایضاً در همان کتاب است که چون کسی مال عمر در معاصی صرف کرده باشد و خواهد
که آن صفت زائل گردد و این آیه یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر تا
البلاغ المبین از سوره مبارکه مائده بقلمی که از زر سرخ باشد در روز جمعه بر ادیم و جای
بنویسد اگر ادیم نباشد بر کرباسی نویسد و در صباح روز شنبه پیش از آنکه چیزی خورده باشد
آن شخص را بخوراند تا بار دو شنبه هفته با این دستور عمل نماید آن صفت را از وی زایل گرداند
باذن خداوند تبارک و تعالی ایضاً قوله تعالی اذ قال الحواریون یا عیسی ابن مریم تا و انت
خیر الرازقین از سوره مبارکه مائده بنویسد بر طبقی یا کاسه از چوب گز در اول روز
از ماه نیسان یعنی از نقره قبر حل که با وضو باشد پس آن را پر آب کند روز جمعه پیش از طلوع

تعقاب اگر آن آب را در تراخ و ریز خیر و برکت در آن منزل پیدا شود و ابواب رزق بر او گشاده
گردد و اگر در قدر زرع و بستان بپاشد محصول میوه بسیار حاصل شود و اگر شب جمعه متعاقب از این
آب بخورد از امراض محفوظ ماند و برکت و جمعیت بسیار حاصل آید باب سیم از کتاب مفتاح الخزاین
در بیان فضایل و ثواب و خواص بعضی از سوره‌ها متبرکه و آیات مبارکه و ادعیات مختصره و مشتمل است بر
دوازده مفتاح مفتاح اول در فضل تلاوت کردن سوره مبارکه انعام است و خواص این سوره از حضرت
ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که سوره انعام تمام یکبار نازل شد با هفتاد هزار فرشته بجهت
آن آمدند با آواز بلند تسبیح و تکبیر الهی میگفتند پس هر که آن را بخواند آن فرشتگان تسبیح و تهلیل خدای
تعالی میکنند از برای او تا روز قیامت و عیاشی باسناد خود از ابی بصیر روایت میکند که حضرت ابی عبد الله
علیه السلام فرمود که سوره انعام تمام یکدفعه نازل شد با هفتاد هزار فرشته بجهت آن آمدند بر شما
تعظیم این سوره انعام بجا آورید و حرمت آن را نگاه دارید که نام خدای تعالی در هفتاد جای این سوره
واقع است و اگر مردم میدانستند که چه قدر فضیلت در خواندن این سوره دارد و البته هرگز ترک
خواندن آن نمیکنند پس آنحضرت فرمود که هر که از خدای تعالی حاجتی خواهد پس باید چهار رکعت
نماز بگذارد و الفاتحة الکتاب و سوره انعام و چون از قرائت فارغ شود در نماز بگوید یا کریم یا
کریم یا کریم یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا اعظم من کل عظیم یا سمیع الدعاء یا من
لا تغیره اللیالی و الایام صل علی محمد و آل محمد و ارحم ضعفی و فقری و فاقتی و
مسکنتی یا من رحم الشیخ یعقوب حین رد علیه یوسف قرة عینه یا من

یا من رحم ایوب بعد طول بلائه یا من رحم محمدا و من الیتیم آواه و نصره
علی جبابرة قریش و طواغیتها و امکنه منهم یا مغیث یا مغیث یا مغیث
پس بسیار بگوید یا مغیث پس بسیار بگوید یا مغیث را پس قسم بآنکه روح من در دست قدرت
اوست که اگر امید عالم را بخواند و از خدای تعالی جمیع حاجتهای خود را بخواهد روا می شود و جناب رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس سوره مبارکه انعام بخواند و در میان خواندن سخن نگوید خدای تعالی همه
گناهان او را از گذشته بیامرزد مفتاح دوم در بیان ختم سوره مبارکه انعام از جمله جمیع ختمها
مجربست و آزموده است از برای هر حاجتی از حاجات که تدارک آن مشکل باشد بلی باید که روز پنجشنبه
بعد از نماز ظهر سخن دنیا نگوید و دو رکعت نماز بگذارد بعد از نماز یازده مرتبه افوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد بخواند و بعد از آن مطلب خود را نوشته در برابر نظر خود بنهد و الحمد
یکمرتبه بخوانند و سوره مبارکه اخلاص سه مرتبه و ده بار صلوات بفرستد و پانزده مرتبه حسبنا الله
و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و آیه افوض امری الی الله تا آخر سوره و شروع در
خواندن سوره مبارکه نماید و آنچه در آنجا مذکور می شود بخواندن و مطلب خود را عرض کند
و بهمین تجربه رسیده که عرض می باید کرد و هر آیه که رسد عرض مطلب کند که مطلب حاصل است
ان شاء الله تعالی نوع دیگر در ترتیب سوره مبارکه انعام جهت فتح و فیروزی و نصرت کارها
یکمرتبه بخوانند بجهت قرض و دردها و سلامتی خود و بقا ایمان روز یکشنبه بعد از نماز ظهر دو رکعت
نماز نافله بگذارد و در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله احد سه مرتبه بخواند چون از نماز فارغ شود

یازده بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و یازده بار آیه متبرکه افوض امری الی الله تا آخر
و یازده بار حسبنا الله و نعم الوکیل آخر و یازده مرتبه سوره مبارکه فاتحه و الف
لام الرحیم را با الف لام الحمد متصل سازد که اثری تمام دارد و بعد از آن سوره مبارکه
انعام آغاز کند و بخواندن مشغول شود هفتاد هزار فرشته بهر آیه برای او درود بفرستند و اگر از
برای هر حاجت کلی و جزوی بجهت فتح و برطرف شدن اعادی و بجهت دولت و اسباب جمعیت و گشایش
و فیروزی مهمات روز پنجشنبه چهار یکمرتبه بخوانند البته کفایت می شود ان شاء الله تعالی چون
به یستهزؤن رسد مطلب عرض کند و قل سیروا فی الارض خوانده و چون بذلک
الفوز المبین رسد یازده مرتبه و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
بگوید و یازده بار حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر بگوید و ان یمسسک
الله بضر تا علی کل شیء قدیر رسد نه بار و افوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد بخواند لا یؤمنون عرض مطلب کند و من اظلم ممن افتری بخواند تحکمون
عرض مطلب کند اوزارهم علی ظهورهم بخواند تحزنون عرض مطلب نماید و الذین
کذبوا بآیاتنا یمسهم بخواند چون با ارحم الراحمین رسد یازده نوبت افوض
امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بگوید قل من ینجیکم را یازده مرتبه تکرار
کند و یازده مرتبه حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر بخواند
من ظلمات البر و البحر بگوید الظالمین عرض مطلب کند و ما علی الذین یتقون

بخواند لله رب العالمین رسد سه مرتبه آهسته بگوید یازده مرتبه وافوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد بگوید وان اکبر الصلوة کجانند بخیر یا محسنین عرض مطلب کند
و ذکریا و یحیی و عیسی کواند چون به الی صراط مستقیم رسد یازده مرتبه بگوید افوض
امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بعد از آن بگوید ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار سه مرتبه بگوید اللهم بحق هذه السورة
وبحق هؤلاء الانبیاء وبحق محمد صلی الله علیه وآله ان تقضی حاجتی
یا قاضی الحاجات وذلک هدی الله یهدی به کواند چون للعالمین رسد
چهار یکبار اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین اللهم صل علی محمد وآل محمد
وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین کواند بعد از آن بگوید سه نوبت یا رحمن الدنیا والآخرة
ورحیمهما تعطی من تشاء وتمنعها ممن تشاء انت اللهم الرحمن وارحم ذلی وفاقتی
برحمته وتغنینی بها عن رحمة من سواک یا ارحم الراحمین کواند وما قدروا الله
حق قدره کواند تا نزغوی عرض مطلب کند ان الله فالق الحب کواند چون تذکرون
رسد سه مرتبه آهسته بگوید افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فالق الاصباح بخواند
چون فاعبدوه رسد سه بار آهسته بگوید افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد وهو
علی کل شیء وکیل کواند بحفیظ عرض مطلب کند کذلک نصرف الآیات کواند یعمهون
رسد بگوید اللهم یا ذا العرش الکریم والملک القدیم والعطاء العظیم والصراط المستقیم یا رب

الریاح ویا فالق الاصباح ویا باعث الارواح ویا ذا الجود والسماح یا الله یا الله یا
رحمن یا رحیم یا حسین یا جمیل یا جسیم یا احد یا صمد یا حی یا قیوم یا فرد یا وتر یا ذا الجلال
والاکرام ارحم ذلی وفقری وفاقتی وخشوعی وانفرادی وتضرعی الیک یا رب [illegible]
بمرگت واعتمادی علیک سهل علی کل عسیر وامنع عنی کل ظالم وحاسد وعن کل
مریض عافیة ومجاهد و مرض ومنه البلاء وحبیبة ونیاء ورزقه وکل حیة یا سبوح
یا قدوس یا رب الملائکة والروح برحمتک یا ارحم الراحمین ولو اننا نزلنا الیهم
کواند عوره عرض مطلب کند وکونت [illegible] کواند تقتیر قون عرض مطلب کند ولا تاکلوا
مما لم یذکر اسم الله کواند چون بجان والله رسد لا تکلیها [illegible] الا [illegible] بگوید چهار یکبار
ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین کواند چون بپیرسانتر
رسد کسماراین دعا را بخواند و مطلب بخاطر بگذراند بسم الله الرحمن الرحیم الهی من ذا الذی
دعاک فلم تجبه ومن ذا الذی سألک فلم تعطه ومن ذا الذی استجارک فلم تجره ومن
ذا الذی استعانک فلم تعنه ومن ذا الذی توکل علیک فلم تکفه واغوثاه واغوثاه وا
غوثاه استغیث بک استعین بحق ایاک نعبد وایاک نستعین اغثنی بحق یا کافی یکفیک کل شیء
عبره ستصیب الذین اجرموا کواند کافرین عرض مطلب کند ذلک ان لم یکن کواند
چون بیر الغنی ذو الرحمة رسد سه مرتبه بگوید وانا الفقیر ذو الحاجة [illegible] بخواند یازده
مرتبه بگوید وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد وان [illegible] کواند [illegible]

عرض مطلب کند وقالوا ما فی بطون هذه الانعام کواند تخرصون عرض مطلب کند
چون قل فلله الحجة البالغة کواند تخرصون عرض مطلب کند عن آیاتنا سوء
العذاب کواند لغفور رحیم عرض مطلب کند چون تمام شود بتضرع و آواز حزین بگوید
یا ربیع القلوب یا شدید العقاب یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء یا رازق کل شیء
یا فاطر السموات والارض یا فالق الحب والنوی یا فالق الاصباح یا ذا الجود والسماح یا مرسل
الریاح یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب یا سبیل الصواب یا مدبر الفلک الدوار یا مقلب
القلوب والابصار و یا من لا تعلم الافکار ولا تهتک الاستار یا کاتب الحسنات یا منزل
البرکات یا مقیل العثرات یا نور الارضین والسموات یا غافر الذنوب والخطیئات
یا ساتر العورات یا دافع البلیات یا عالم السر والخفیات یا رافع السیئات یا کاشف
الکربات یا کافی المهمات یا قاضی الحاجات یا اله الاولین والآخرین یا بدیع السموات و
الارض یا ذا الجلال والاکرام یازده بار بگوید افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
وده مرتبه بگوید ربنا آتنا من لدنک رحمة وهیئ لنا من امرنا رشدا و
بعد از آن کاغذ را بر روی دست راست گذاشته ودست سوی آسمان برداشته حاجت طلب نماید
ان شاء الله برآورده شود ایضاً طریقه ختم سورهٔ انعام ابتدا از روز یکشنبه اول پیش از خواندن
یازده مرتبه بگوید افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و بعد از آن چهار یکبار این دعا را
بخواند الهی بحق سورة الانعام وبحق محمد علیه الصلوة والسلام وبحق اسمائک

العظا

العظام ان تنظر الینا نظر رحمة وان تحفظنا من شر کل ذی شر ومن ذی
امتلاخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم بعد از آن شروع در سوره انعام نماید
وبخواند چون به کتب الله علی نفسه الرحمة رسد چهار یکبار و افوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد چون فلا کاشف له الا هو رسد جهت دفع بلیات چهل یک مرتبه بخواند یا کاشف
الضر والبلیات اصرف عنی شر جمیع عبادک برحمتک یا ارحم الراحمین و چون وحی الی هذا
القرآن رسد چهل یکبار بخواند صم بکم عمی فهم لا یرجعون و چون ومن یشأ یجعله
علی صراط مستقیم رسد یازده مرتبه بخواند ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار اسئلک بعزة هؤلاء الانبیاء وبعزة محمد سید
الانبیاء وان تقضی حاجتی و چون والحمد لله رب العالمین رسد جهت برطرف کردن اعداء چهل
یکمرتبه بخواند که اللهم شتت شملهم وفرق جمعهم وادر کیدهم واهلکهم وما ظلمهم
ولکن انفسهم یظلمون و چون ربکم علی نفسه الرحمة رسد چهل یکبار بخواند وقال موسی [illegible]
برای [illegible] ان الله لا یصلح عمل المفسدین و چون لا یعلمها الا هو رسد جهت سهولت معاش
چهل یک نوبت بخواند سهل معیشتی واوسع یا باسط الرزق وارزقنی رزقا واسعا طیبا واجعلنی من
الصالحین و چون وهو اسرع الحاسبین رسد یازده نوبت بگوید وافوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد جهت دفع مرض دو بار بخواند وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنین و چون وانا من المشرکین رسد جهت توفیق طاعت ده بار بخواند وما توفیقی الا بالله

علیه توکلت و الیه انیب و چون و هدیناهم الی صراط مستقیم رسد شرط است که مطلب
خود را بر صفحه رقم نموده پیش نظر نهد چهل و یک نوبت بگوید الٰهی بحق هذه الانبیاء والمرسلین
ان تقضی حاجتی و تحصیل مرادی آمین و چون ان هو الا ذکر للعالمین رسد چهل یکبار
بگوید ایاک نعبد و ایاک نستعین اللهم صل علی محمد و آل محمد و جمیع المرسلین [illegible]
چهل صلوات هم بفرستد و چون و تعالی عما یشرکون رسد چهل یکبار بگوید فالله خیر
حافظا و هو ارحم الراحمین و چون و هو السمیع العلیم جهت اتمام مهمات ربنا افتح بیننا
و بین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین و چون ما بین دو الله رسد سه مرتبه بگوید الٰهی
من الذی دعاک فلم تجبه و من الذی استجارک فلم تجره و من الذی استعانک فلم
تعنه و من الذی استغاثک فلم تغثه و من الذی توکل علیک فلم تکفه واغوثاه واغوثاه
ثم تغثه واغوثاه بک استغیث اللهم اغثنا یا مغیث وافعل بنا ما انت اهله و
مستحقه فانک اهل التقوی و اهل المغفرة و استجب دعائنا واشف شفاءنا عاجلا
یا رب بحق قرآن العظیم ان تقضی حاجتی یا قاضی الحاجات استجب دعائی و سه بار بگوید
یا انیس الفقراء یا صریخ المستصرخین یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین یا غیاث
المستغیثین اغثنی و نجنی من کل کرب و غم و هم و الم فی الدنیا و الآخرة برحمتک یا ارحم
الراحمین و چون صدره للاسلام رسد جهت کشادن مهمات و قبول خاطر با چهل یکبار بخواند
رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی یا ارحم الراحمین

الغنی

الغنی ذو الرحمة چهل و یک مرتبه بخواند و انا الفقیر ذو الحاجات من کل سوء و هم و غم فی الدنیا
والآخرة چون سوره را تمام کنند سه نوبت این دعا را بخوانند یا شدید المحال یا سریع الحساب
یا غفور یا شکور یا رحیم یا خالق کل شیء و یا رازق کل شیء یا فاطر السموات والارض و یا فالق
الحب و النوی و یا فالق الاصباح و یا خالق الاشباح و یا مسبب الاسباب و یا مفتح
الابواب و یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات و یا ولی الحسنات یا دافع البلیات
یا مقیل العثرات یا محیی الاموات یا نور الارضین والسموات یا غافر الخطیئات یا ساتر
العورات یا دافع البلیات اقض حاجاتی فی هذه الساعة یا اله الاولین والآخرین یا
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین و بعد از آن سجده کنند و آیه سجده بخوانند و لله یسجد من فی السموات والارض
قل الله قل افاتخذتم من دونه اولیاء لا یملکون لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل یستوی
الاعمی والبصیر ام هل تستوی الظلمات والنور ام جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه فتشابه
الخلق علیهم قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار بخوانند و هر چه خواهد بخواهد و مطلب
طلب کند و در وقت سر برداشتن فاتحه جهت نگونساری اعدا بخوانند والله اعلم بالصواب
ایضا در کتاب درّ النظم مسطور است که هر که آیه مبارکه و عنده مفاتح الغیب
و هو اسرع الحاسبین از سوره الانعام در خرقه کتان نویسد و در وقت خواب زیر
سر نهد خدای تعالی در خواب که ظاهر سازد آنچه را و مشتبه شده انشاء الله در جواب

ببیند و اگر از کسی ترسد و با وضو بر بازوی خود ببندد در خواب رود و صباح هر کس را
ببیند از چیزی عزیز او را اخبار کند ایضا آورده اند که هر که آیه و عنده مفاتح الغیب از سوره
انعام تا الا فی کتاب مبین بر صفحه از قلع نویسد در دکان یا منزل خود بیاویزد خیر و برکت
زیاد او را حاصل شود ایضا از کنوز مخفیه والاسرار مروی است عمل سوره مبارکه انعام است در جمیع
مهمات دنیوی و اخروی و کیفیت این عمل آنست که بعد از ظهر روز یکشنبه دو رکعت نماز گزارد
و در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و سه نوبت سوره اخلاص بخواند و بعد از آن سلام دهد آنچه
که دارد و حاجتی بخواهد بر کاغذی نویسد و در برابر خود نهد و چهل و یکبار بخواند و افوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد دیگر از آن یکبار فاتحه و سه بار سوره اخلاص بخواند آنگاه
سوره انعام بخواند و چون آنجا رسد و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو
چهل و یک نوبت بگوید و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و چون بآنجا رسد و هو الحکیم
الخبیر چهل و یکبار بگوید و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و چون
بآنجا رسد که الی صراط مستقیم چهل و یک نوبت ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و
فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار و چهل و یکبار بگوید بحق هذه الانبیاء و
المرسلین و بحرمة محمد و آله الطاهرین که مراد من برآور و چون بآنجا رسد ذکری للعالمین
و چون بآنجا رسد که شیء علیه بگوید الٰهی من ذا الذی دعاک فلم تجبه و من
من ذا الذی سئلک فلم تعطه و من الذی استجارک فلم تجره و من الذی استعانک فلم

تعنه

تعنه واغوثاه لغثنی واغوثاه لغثنی چهل و یکبار بگوید و افوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد و چهل و یکبار بگوید فاجعل لنا من لدنک ولیا
و اجعل لنا من لدنک نصیرا و چهل یکبار بگوید ربنا انک جامع الناس لیوم
لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد و سه بار این دعا را بخوانند اللهم یا نور النور یا
الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام اللهم افتح لی ابواب
رحمتک و مغفرتک و من علینا بدخول الجنة و اعتقنی من النار و چون تمام شود
سه بار این دعا را بخوانند یا شدید العقاب و یا سریع الحساب یا غفور یا رحیم یا خالق کل
و یا رازق کل حی و یا فاطر السموات والارض و یا فالق الحب والنوی و یا فالق الاصباح
و یا خالق الاشباح و یا مسبب الاسباب و یا مفتح الابواب و یا قاضی الحاجات و یا مجیب
الدعوات و یا ولی الحسنات و یا دافع السیئات و یا مقیل العثرات و یا محیی الاموات
و یا نور الارضین والسموات و یا غافر الخطیئات و یا ساتر العورات و یا دافع البلیات
اقض حاجتی فی هذه الساعة یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین مفتاح سیم روایت است از رسول خدا صلعم هر آن بنده که
هر شب این سه آیه بخواند و با خود دارد در دنیا هیچ آفتی بوی نرسد و هر گز دزد
بخانه وی راه نیابد و از دزد ایمن باشد و خدای تعالی او را در امان خود نگاه دارد و از این
بر بین منقول است وقتی با جمعی از تجار بیرون آمدیم و قصد سفر کردیم در راه منزلی فرود آمدیم که

که او را شهر بری گویند و شبانگاه از شهر طهران ان منزل که در آنجا رسیده بودند نزد
ما آمدند و گفتند که در این منزل قطاع الطریق می‌باشند باین حصار در آیید تا ایمن باشید از
قطاع الطریق رفیقان من باندرون حصار در آمدند و من در آن صحرا توقف کردم و
سی آیه خواندم و بر خود دمیدم و بر خدا توکل کردم و در آن خوابیدم چون نیمه از شب گذشت
جماعت دزدان با خنجرهای کشیده روی بمن آوردند چندانکه سعی نمودند نزد من نتوانستند آمد
چون سه دفعه سه نوبت آمدند و ظفر نیافتند چون روز شد رفیقان من از حصار بیرون آمدند و راه
در پیش گرفته برنشستیم در آن بیابان سواری را دیدم که جانب من می‌آید چون نزدیک من
رسید از اسب پیاده و بر من سلام کرد و گفت ای مرد خدای که چه حالتی تو گشتی در شب چه کرده
که من با سه دفعه سه نوبت بر سر تو آمدیم سدی از آهن در پیش ما پیدا شد چون دور شدیم
بر طرف می‌گردید و دیگر بار نزد تو آمدیم سد پیدا شد از برای من بگو که این چه سر بود و این
سد آهن چه بود گفتم آن سد آن سی آیه بود که بر خود دمیدم تا خدای تعالی مرا از شر شما نگاه
داشت جوان گفت چه خوب که اگر آن دعا را یکبار بخوانی که من بشنوم گفتم چه باشد یکبار بخواندم
آن مرد بر دست و پای من نهاد و گفت از دست تو توبه می‌کنم که دیگر دزدی نکنم قفر اسم او را صبغة تو به
جاری کرده که دیگر دزدی نکنند به برکت این دعای مبارک آن مرد توبه کرد و راه نجات یافت
و دیگر هر که این سی آیه را هر شبانگاه و بامداد بخواند هرگز ببلائی و الم گرفتار نگردد و هر گاه از برای
خود دستار دهد از جهات دنیوی و آخروی رو الا حظ در دعطا فرماید دارنده این آیات از حسد
از حسد حاسدان و از مکر مکاران و از کید کیادان و از جور سلطان ستمکار ایمن گردد ابدا و چشم
زخم زمانه بروی کار نکند و در نظر خلایق عزیز و مکرم باشد و دارنده این آیتها هرگز تشنگی
آب و نان نه بیند و سحر کار نکند و اگر کسی را حاجتی باشد در جائیکه هیچکس نباشد بخواند
و سه بار آیتها را بدر نیت که خواند البته خدای تعالی مراد و مطلب او را بر آورد و مجرب و خواص و فضیلت
بسیار دارد اما مختصر کردیم تا خواننده را ملال نگیرد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ الٓمٓ ذٰلِکَ الْکِتَابُ
لَا رَیْبَ فِیهِ هُدًی لِلْمُتَّقِینَ ؁ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلٰوةَ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ ؁ وَالَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَةِ
هُمْ یُوقِنُونَ ؁ أُولٰئِکَ عَلٰی هُدًی مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ؁ اللّٰهُ لَا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَمَا
فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا
خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَلَا یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ ؁ لَا إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ
الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰی لَا
انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ ؁ اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَی النُّورِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُمَاتِ
أُولٰئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ ؁ إِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ

وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ
یَطْلُبُهُ حَثِیثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ
تَبَارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ ؁ ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْیَةً إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ
وَلَا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ
رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ ؁ قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ أَیًّا مَا تَدْعُوا
فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِکَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ
ذٰلِکَ سَبِیلًا ؁ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی
الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا ؁ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَالصَّافَّاتِ
صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِیَاتِ ذِکْرًا ؁ إِنَّ إِلٰهَکُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ؁ إِنَّا زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا
بِزِینَةٍ الْکَوَاکِبِ وَحِفْظًا مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَارِدٍ لَا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلٰی
وَیُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ
خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ؁ یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ
أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ
فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ؁ لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خَاشِعًا
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ وَتِلْکَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ
هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ هُوَ
اللّٰهُ الَّذِی لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ قُلْ أُوحِیَ إِلَیَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا
سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا یَهْدِی إِلَی الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِکَ بِرَبِّنَا أَحَدًا وَأَنَّهُ تَعَالٰی
جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَأَنَّهُ کَانَ یَقُولُ سَفِیهُنَا عَلَی اللّٰهِ شَطَطًا و
صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و سلم مفتاح الجنان در فضل و ثواب آیات مبارکه ثمانیه
روایت کنند ابن عباس که گفت در تمامی اطوار قرآن سیر کردم از آیات منزل آیات جلیل
بزرگوار تر نیافتم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم از فضیلت این آیات
فرمودند این هشت گنجیست از گنجهای الٰهی و هشت سر اند از اسرار نامهای و این آیات
خالی از اسم اعظم نیستند هر کس بر تلاوت این آیات مداومت نماید از شر نفس و مکر
شیطان خلاص یابد و ابواب رزق صوری و معنوی بروی مفتوح گردد هر کس در هر مهمی و هر کار
برآورده شود و از سلاطین و اکابر دین نصرت یابد و هر چه رو آورد مطلوبش میسر گردد و در چشمان
و حاسدان ایمن باشد و جمیع جن و انس مسخر او گردند و در امان خدای تعالی باشد و در جمیع
اسفار از هر خطر و خطر خصوصا سفر دریا ایمن باشد و صبر دارد الا آنکه آنرا زنده نبود و کارش بسته بود

و طریق خواندن در وقت شروع در تلاوت این آیات را یازده مرتبه یا الله بگوید
و بعد از آن تمامی آیات ثمانیه در عقب بخواند بدین نحو که یا خیر الرازقین یا علیم
یا حلیم یا عفو یا غفور یا سمیع یا بصیر یا علی یا کبیر یا لطیف یا خبیر یا غنی یا حمید
یا رئوف یا رحیم افتح لی ابواب رحمتک و اجعلنی من امری فرجا و مخرجا برحمتک یا ارحم
الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و بعد از آن این آیات مقارن این کلمه
و چون تمام کند بدستور سابق یازده مرتبه یا الله و دعا را بخواند و بعد از فراغ صلوات بر محمد
و آل او فرستد و حاجت خود را بخواهد حق سبحانه بر آورد قسم دیگر از خواص آیات معظمات
متوالیات آنست که کسی را که حاجتی باشد اول وضو کند و رو بقبله نشیند و قرآن مجید را در
شروع در خواندن سوره مبارکه حج کند و بخواند تا آیات ثمانیه که اول او والذین هاجروا
است چون یازده مرتبه بگوید یا الله بیک نفس و بعد از آن یازده اسم که در اینجا نوشته
شده بر ترتیب ورود بگوید بدین طریق یا خیر الرازقین یا علیم یا حلیم یا عفو یا غفور
یا سمیع یا بصیر یا علی یا کبیر یا لطیف یا خبیر یا غنی یا حمید یا رئوف یا رحیم بعد از آن
شروع نماید در خواندن آیه والذین هاجروا تا آخر ثمانیه مبارکه که رئوف رحیم است بدستور
سابق نیز یازده مرتبه یا الله بگوید و دعا را نیز بگوید و سر بسجده نهد و مطلب خود را عرض
نماید و سؤال نماید انشاء الله تعالی که تا شروع نباشد حق سبحانه و تعالی بر آورد و نکته نهادن آیات
ثمانیه اینهاست والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم

رزقا حسنا و ان الله لهو خیر الرازقین لیدخلنهم مدخلا یرضونه و ان الله
لعلیم حلیم ذلک و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرنه
الله ان الله لعفو غفور ذلک بان الله یولج اللیل فی النهار و یولج
النهار فی اللیل و ان الله سمیع بصیر ذلک بان الله هو الحق و ان ما
یدعون من دونه هو الباطل و ان الله هو العلی الکبیر الم تر ان الله انزل
من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطیف خبیر له ما فی السموات
و ما فی الارض و ان الله لهو الغنی الحمید الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض و
الفلک تجری فی البحر بامره و یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه ان
الله بالناس لرئوف رحیم مفتاح پنجم در فضل و ثواب آیات سبعه روایت از حضرت
صلی الله علیه و آله که وصیت کرد بحضرت امیر المؤمنین ع که پیوسته این هفت آیه را با خود نگهدار
که اگر جمله عالم جمع شوند و اگر سنگ از آسمان ببارد و اگر جنیه و دیو و پری جمع شوند و با یکدیگر کروب
کنند و در خصومت افتند دارنده و خواننده این آیات سبعه در پناه خدای تعالی
باشد حضرت رسول صلعم فرمود یا علی هر که این آیات را با خود دارد حق تعالی هفت در دوزخ
بروی آن بنده ببندد و هشت در بهشت بروی او گشاده گرداند یا علی هر روز باید این
هفت آیه را بخواند یا علی هر که این هفت آیه را با خود دارد خدای تعالی هر روز هفتاد هزار
بلای ناگهان و فتنه آخر الزمان و زبان حاسدان و غمازان و ساحران و ستمکاران نگاه دارد

یا علی هر که این آیه را بخواند یا با خود دارد در آتش نسوزد و در آب غرق نشود و هر که با خود دارد
در چشم خلایق عزیز و محبوب گردد یا علی هفت طبقه آسمان و زمین عرش و کرسی و لوح و قلم بحرمت
این آیه بر پاست و شرح اینها طالب بسیار است ما بدین قدر اختصار یافت آیه اول بخواند
پیش روی خود و دمد بسم الله الرحمن الرحیم قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو
مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون الله اکبر آیه دوم در عقب بدمد
بسم الله الرحمن الرحیم و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یردک
بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور الرحیم الله اکبر آیه
سیم بخواند بر سمت راست خود دمد بسم الله الرحمن الرحیم و ما من دابة فی الارض الا
علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین الله اکبر
آیه چهارم بخواند و بر بالای سر خود دمد بسم الله الرحمن الرحیم انی توکلت علی الله ربی
و ربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها انی ربی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابة
الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم الله اکبر آیه پنجم بخواند و بر جانب راست
دمد بسم الله الرحمن الرحیم و کاین من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها و ایاکم
و هو السمیع العلیم الله اکبر آیه ششم بخواند و بر جانب چپ خود دمد بسم الله
الرحمن الرحیم ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل له من بعده
و هو العزیز الحکیم الله اکبر آیه هفتم بخواند و بر گرد خود دمد بسم الله الرحمن الرحیم و لئن سألتهم

من خلق السموات و الارض لیقولن الله قل افرأیتم ما تدعون من دون الله
ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره او ارادنی برحمة هل هن ممسکات
رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون مفتاح ششم در فضل تلاوت قرآن شش آیه مبارکه
در جواهر القرآن مذکور است که یکی از خلفای عباسی غضب بر او غالب بود بیشتر ارکان دولت
تندی کردی یکی از وزرا که مدت بیست سال بود که وزارت او می کرد هر چند از وی خلاف ادب
سلطان بوجود آمدی ممکن نبود که با وی غضب کند نتوانستی و بغیر لطف و رفق در شأن وزیر از ملک
در وجود نیامدی روزی ملک گفت عجب حکمتی است که مدت بیست سال است تو وزیر منی و بسیار خلاف
من بکنی و من هر چند می خواهم که با تو قهر کنم نمی توانم گویا حضرت مقلب القلوب مرا از آن باز میدارد و بغیر
از لطف با تو از من بوجود نمی آید نمیدانم از چه سبب است وزیر گفت ای ملک هر طفلی بودم قرآن
نزد حمزه که یکی از قراء سبعه است میخواندم از او شنیدم که گفت در قرآن شش آیه است که در هر یکی
دو قاف است و چهار آیه در چهار سوره متواترست البقره و آل عمران و نساء و مائده و یک آیه در سوره
رعد است و یک آیه در سوره یا ایها المزمل است هر که هر روز این آیات بخواند از شر دشمنان
ایمن باشد و اگر جمیع مخلوقات دشمن وی باشند قادر بر ایذاء و اذیت او نباشند و هرگز خوف
و خطر یا در دل او راه نیابد الغیاث از آن وقت منقول است که این شش آیه است از کلام ملک
علام برای دفع اعدا و طول بقا کم کسی حرزی و دردی بهتر از این نیست پس هر که بامداد این آیات
بخواند و بر شش جهت خود بدمد خدای عز و جل بقضا و هزار گونه بلا از وی بگرداند اگر در دست ظالم گرفتار

باشد یا در بند زندان باشد این آیات را بخواند و بخشش چه خود بد در خلاص شود و هر کس هر روز
بخواند با خود دارد عجب دارم که در روی زمین از کسی بترسد از هیچ آفریده بوی ضرر رسد
و از هیچ جانوری و بدگوی در حق او بدی نتوانند کرد و دوازده این آیات در پناه حق تعالی
باشد هر روز که بخواند خدا انشاء الله فقاد هزار فرشته را بر او موکل ساند تا بخوانند از بلیات نگاه دارند
و در هر آیه ده قاف است و هر قافی چندین خاصیت است و از خواص او اینست که هر کسی این
آیات را مداومت نماید شرش را از کرد و در هر کاری که شروع کند از پیش برود زیرا که تعداد حروف
قاف است و حروف قاف از بقا خالی نیست و این آیات را فواید بسیار است و گفته که ارکانش
خالی نیست و طریق خواندن این آیات آنست که در وقت خواندن این آیات در هر قاف
تا آخر نماید از جهة هر قاف یک انگشت فرا گیرد و چون آیات را تمام کند فسخ انگشتان نماید و
اسم چنین در باقی عقدی و فتحی بیا آورد تا آخر تمام کند و پنجاه مرتبه بگوید یا قوی و پنجاه مرتبه
یا باقی و پنجاه مرتبه بگوید یا رزاق و مقصودی که در خاطر دارد بخواهد بی شک روای مستجاب
گردد اول از سوره مبارکه بقره بسم الله الرحمن الرحیم الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل
من بعد موسی تا والله علیم بالظالمین آیه دوم از سوره مبارکه آل عمران لقد
سمع الله قول الذین قالوا ان الله فقیر تا ذوقوا عذاب الحریق آیه سیم از سوره
مبارکه نساء الم تر الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم واقیموا الصلوة واتوا الزکوة تا لا
تظلمون فتیلا آیه چهارم از سوره مبارکه مائده واتل علیهم نبأ ابنی ادم اذ قربا

قربانا

قربانا انما یتقبل الله من المتقین آیه پنجم از سوره مبارکه رعد قل من رب
السموات والارض قل الله قل افاتخذتم من دونه اولیاء تا هو الواحد
القهار آیه ششم در سوره مبارکه مزمل ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من
ثلثی اللیل ونصفه وثلثه وطائفة من الذین تا واعظم اجرا واستغفروا الله
ان الله غفور رحیم ایضا از برای چهار آیه این شرح وارد شده از جناب رسول خدا
که فرمود هر کس این چهار آیه کلام الله مجید که از چهار سوره بیرون نوشته اند بعضی از خواص مرام
معلوم شده صبح و شام باید بدان مداومت نماید که از مجربات است و اثر و خاصیت عظیم دارد
اول در سوره البقره دویم در سوره آل عمران سیم در سوره نساء چهارم در سوره مائده
و در هر آیه از این آیات با برکات ده قاف است و در هر آیتی شرح عظیم دارد و فایده بی حد
و بی نهایت در ضمن آن مندرج است از آنجمله هر صبح و شام بخوانند هیچکس محتاج نشود و در چشم
مخلوقات عزیز و محترم باشد و او را صلابتی و هیبتی و قوتی عظیم پیدا شود و در هر مجلس و محفلی
که او حاضر باشد ظفر از او باشد و هر دشمن که او را به بیند دوست و مهربان وی گردد
و با او بدی نتواند کردن او بر دشمنان مظفر و منصور باشد انشاءالله خدای تعالی و حکایت دیگر
آنست که از چند الم ایمن باشد اول برص دویم جذام سیوم بلغم و لوزتین چهارم صرع پنجم
افلاج ششم کری و دیگر در نزد یک سلاطین با حرمت باشد و طاعت او قبول حضرت
عزت باشد آیات مذکور اینست اول در سوره بقره بسم الله الرحمن الرحیم الم تر

الی الملأ من بنی اسرائیل تا علیم بالظالمین دویم در سوره آل عمران لقد سمع الله
قول الذین تا عذاب الحریق سیوم در سوره نساء الم تر الی الذین قیل لهم تا لا
تظلمون فتیلا چهارم در سوره مائده واتل علیهم نبأ ابنی ادم تا من المتقین و در روایت
دیگر پنج آیه گفته اند پنجم در سوره مبارکه رعد قل من رب السموات والارض تا الواحد
القهار مفتاح هفتم در فضل خواص آیات متفرقه روایت است که مردی بخدمت حضرت رسول
عرض کرد یا رسول الله قرض زیادی دارم و میخواهم که در دنیا ادا کنم حضرت فرمود بگو فلله
الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات
والارض وهو العزیز الحکیم قبول کرد بعد از چند روز آمد عرض کرد یا رسول الله قرض من
ادا شد اما همسایه بد دارم حضرت فرمود همین آیه مداومت کن آن مرد ورد خود ساخت
بعد از مدتی آمد عرض کرد یا رسول الله دشمنانم از او دور شدند اما مرد عیال مندم و از مال
دنیا چیزی ندارم حضرت فرمود همین آیه را مداومت کن بعد از مدتی آمد عرض کرد یا رسول
پدر و مادرم فدای تو باد مالک شدم و علمای سلف بدین طریق قرار داده اند که عدد این آیه
مذکوره عدد حروف اولی و آخر اوست و او صد و بیست بدین طریق باید خواند که بعد از
نماز بامداد و پیش از برآمدن آفتاب باید که بیست بار بخوانند و بر دست راست دمند و بیست
نوبت بخوانند بدست چپ دمند و همین عدد بعقب سر و بالای سر و بر زمین بخوانند و بدمند تا هر
زمانی که مقصود بر آید و مجرب است میخواهد ورد کند و میخواهد ترک کند تا وردی که حاجی آن

از نعمای منبع

از خواص چند ترک کردن او را از ادب دور است ایضا هر که را مهمی پیش آید و خواهد که کفایت
شود صد بار این آیه را بخوانند که ان شاء الله تعالی مهم وی کفایت شود آیه اینست ربنا افتح
بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین ایضا این آیه بس گرامی را خاصیت خوانی
گفته اند چهره نیت که خواهد با این عدد ورد کند اول عزت و حرمت و رفعت و وسعت
رزق و بزرگی و حشمت و قدرت و فتوت و عدد کبیر این آیه سیصد و شصت و چهار بار و بسیط چهار و شصت
عدد صغیر شش بار است و عدد تمام او یکصد بیست نوبت است و آیه اینست فان تولوا
فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ایضا
ظهور و بروز دزد دیده و گریخته و باز آمدن غایب و اظهار دقایق و آشکار شدن معادن بیک
مجلس با این نیت در بیست یکبار بخوانند آنچه مطلوب است در خواب یا بیداری روی نماید
و اگر از عاقبت کار خواهد در شب پنجشنبه یا جمعه از عاقبتش اخبار نمایند آیه اینست الم تعلم
ان الله یعلم ما فی السماء والارض ان ذلک علی الله یسیر ایضا جهة کفایت مهمات
و حصول مرادات کلی و جزوی و رسیدن بمطالب و دفع خصم قوی و نصرت بر اعدا و وسعت
رزق و ایمن بودن از بلاها سیصد و سی و هفت مرتبه این کلمات را در محل خوب در روز
شریف و دور از خلق بتکرار این ورد مداومت کنند که از کلام ربانی و تنزیل سبحانی است
و این شش کلمه است خواهد هر کلمه را جدا جدا بخوانند و اگر خواهد مجموع را متصل خوانند
و اینست وکفی بالله ولیا وکفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله علیما وکفی

وکیلا وکفی بالله شهیدا از انجمله از جناب شیخ آب نوری مرویست که هر که خواهد بی‌نیاز شود
هفت آیه را در حین خوابیدن سه مرتبه بقصد دیدن من در خواب پس بدرستیکه مرا در
خواب خواهد دید و هرگاه واقع شود آهدی را بلائی هرگاه خواهد کسی غنی شود پس بخواند
هفتاد مرتبه بعد از نماز فریضه از روی اخلاص بدرستی که از بلا خلاص شود و غنی شود
و هرگاه احدی نزد حاکم جابری رود بخواند این آیات مبارکات را ده مرتبه در نزد حاکم
رود حوائج او برآورده شود و اگر احدی خصمی داشته باشد بخواند هفت مرتبه در مقابل او
بدرستی دل او نرم شود باذن الله تعالی آیات مذکوره اینست وکفی بالله نصیرا
وکفی بالله حسیبا وکفی بالله وکیلا وکفی بربک هادیا ونصیرا وکفی بالله
بذنوب عباده خبیرا بصیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله
قویا عزیزا **ایضا** جهة دفع بلیات و عزیز نمودن در نظر خلق و تسخیر خلایق و دراز شدن
از الکفعمی گوید که از نماز بامداد چهار نوبت بخواند لقد جاءکم رسول من انفسکم
عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم و ده نوبت فان
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
و باد بر دستهای خود دمد و بروی و تمام اعضای خود مالد **ایضا** جهة غوث هر که این آیه را
هفت بار بخواند و بدست خود دمد و بروی خود مالد هر که او را ببیند دوست و مهربان گردد و آن آیه
عسی الله ان یجعل بینکم وبین الذین عادیتم منهم مودة والله غفور رحیم
تمام الحجة

ایضا جهة عزت یافتن نزد سلاطین بیک مجلس بخواند یکصد و هشتاد مرتبه والهکم
اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم **ایضا** جهة وسعت رزق و رسیدن بمطالب الله
لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز هر روز صد و یک مرتبه
ایضا همین آیه الله لطیف بعباده را نوشته در موم کرده در زیر زبان نگاه دارد هر که
متکلم شود مهربان گردد و مجربست **ایضا** جهة عزت و حرمت و قوت سلاطین در یک مجلس
این آیه کریمه را هزار و هشتاد بار بخواند عنقریب بمراد رسد آیه اینست والهکم اله واحد
لا اله الا هو الرحمن الرحیم **ایضا** برای استجابت و از دعا و رزق و برآمدن حاجات
کلی بعد از وضو بخواند واذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع
اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون بخواند **ایضا** رسیدن بکمال
بزرگی و توانگری و دفع بلاها سیصد و سی نوبت بخواند فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
ایضا جهة هلاکت دشمن و خوف و عقد آلت خصمان هزار یکبار بخواند انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون **ایضا** برای الفت دلها و وسعت رزق و طلب جاه و بزرگی و محبت
سلاطین و عقد اللسان امرا و وزرا در یک مجلس هزار و یکبار بخواند آیه الله لطیف
بعباده بخواند **ایضا** در خواص آیات مسطور است که از جهة زیادتی دولت دنیا و جاه
و تقرب نزد سلاطین و رسیدن بدولت سوره یوسف سیزده بار بخواند **ایضا** جهة توانگری و دفع
بلاها سیصد و سه بار بخواند فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین **ایضا** جهة هلاکت

دشمن و خوف و عقد آلت خصمان یکهزار یکبار بخواند انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون
ایضا جهة قضاء حوائج و هلاک دشمن انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون صد یکبار بخواند
ایضا از صادق آل محمد منقول است که روزی با یاران می گذشت ماهی مرده افتاده
بود و جوش و طیور گرد او صف زده بودند و از او می خوردند آنحضرت فرمود که چون زنده بود مهای
خدا بالوست چون ببندند تعویذ بر گردن درنست چون باز کردند آن جوش و طیور خوردنی
گرفتند تعویذ این آیه بود انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
ایضا نقل است از ملا عبد الله شوشتری علیه الرحمه که هر که این آیه کریمه را هزار مرتبه بخواند
مرادش حاصل شود انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون **ایضا** صاحب در نظم آورده
که شیخ شرف الدین بوعلی فرموده که هر که ترسان و هراسان باشد از ظالمی یا پادشاهی جباری
یا در راه از دزدان متوهم باشد یا از سباع درنده و یا در بیابان هولناک باشد در
وقت قدم نهادن بر آن ظالم جبار و در راه و بیابان بر زبان راند بسم الله الرحمن الرحیم
کهیعص حمعسق ولا قوة الا بالله العلی العظیم از آنچه ترسد ایمن و مطمئن
خاطر شود و شبه این عمل بکرات و مرات شاهده نمادم مجربست و باید از ده بار کمتر
نخوانند و اثر این عمل غایت عظیم و جلیل است **ایضا** بقضاء الحاجات اگر کسی را حاجتی باشد
پس باید وضو بساز دو رکعت نماز حاجت بگذارد و رو بقبله نشیند هزار مرتبه بگوید
کهیعص اکفنی حمعسق احمنی سبحان القادر القاهر الکافی حاجت او برآورده گردد

ایضا برای کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع خصمان نهصد و هفتاد و پنج مرتبه این
کلمه را بگوید کهیعص و اگر این کلمه را مداومت کند حمعسق را ده کلمه را در دفعه هزار اشیاه
بار بخواند بیک مجلس مراد بر وی برآید **ایضا** برای برآمدن حاجات کلی و رسیدن
بمقاصد و دفع اعادی فوری و ترحم سلطان باشد و بخواند در دمیدن صبح هر روز یکبار سوره
کهیعص بخواند تمام و اگر میسر شود پیش از خواندن غسل کند و الا وضو بسازد **ایضا**
صاحب کتاب حیوة الحیوان ذکر کرده چون واقع شود کسی که از شر او میترسی
باید که بخواند وقتی که با او مقابل شوی کهیعص حمعسق پس بهر حرفی یک انگشت عقد کند
و ابتدا بانگشت بزرگ دست چپ کند بعد از آن بگوید فسیکفیکهم الله چون بکلمه وهو السمیع العلیم
رسد آن مکرر گوید و بهر گفتن یک انگشتی از انگشتان معقود را بگشاید و این عمل مجرب
و عجیب است **ایضا** در عدة الداعی روایت شده که حضرت صادق ع فرمود که چون
در غضب باشی و بترسی و از شر او ایمن نباشی چون با او رو برو شوی بگو کهیعص از
برای هر حرفی یک انگشتی از انگشتان دست راست را عقد کند بعد از آن بگو حمعسق
و انگشتان دست چپ را عقد کن بعد از آن بگو وعنت الوجوه للحی القیوم
وقد خاب من حمل ظلما بعد از آن هر دو دست را بر روی او بگشاید شر او کفایت
شود **ایضا** من عقد اصابع یده الیمنی بهذه الاسماء یا الله یا رحمن یا رحیم
یا حی یا قیوم ثم یعقد اصابع الیسری بهذه الاسماء یا سمیع یا بصیر یا علیم

باو دو دو با مستغاث ثم تقبض اصابع الیمنی بهذه الحروف کهیعص ثم یفتح اصابع
الیسری بهذه الحروف حمعسق و تتوجه الی ای حاجة یرید فانها مقضیة ایضا
از نسخه فاضل مجلسی علیه الرحمه نوشته شده مجرب است که هر که این نقش را خاتم سازد و با خود
دارد حق تعالی رزق او را فراخ می گرداند و برکت در کار او بهم رسد اینست ططط ٤٤٤
طط ٤٤ ایضا این چهار آیه را هفت خواندن است به نیت جاه و منصب و رفعت و نزول
عافیت و استجابت دعا و عقد لسان دشمن و کشایش کارها و در تنگی خلایق این چهار آیه را سیزده
سی و یک بار بخواند و اگر خواهد یک آیه خواند یا متصل خواند این است یس والقرآن الحکیم
ص والقرآن ذی الذکر ق والقرآن المجید ن والقلم وما یسطرون ایضا مهمی که
بسیار دشوار باشد این آیه مبارکه هفت بار بخواند انشاء الله تعالی حاصل شود انشاء الله امن
من یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء ویجعلکم خلفاء الارض ءاله مع الله
قلیلا ما تذکرون ایضا از امیر المؤمنین ع مرویست که برای هر مهمی که واقع شود در یک
مجلس در خلوت هزار مرتبه بخواند امن یجیب المضطر اذا دعاه ایضا از جهت مهمات
کلی و خوف از سلطان بیک مجلس دوازده هزار بار بخواند اسم در آن هفته از خوف خلاص
شود و حاجات او برآید و مقصود برسد امن یجیب المضطر اذا دعاه ایضا از برای
ادای قرض و حصول مرادات مشکله و خلاصی از حبس و دفع مرض و نجات از شر دشمن و حزن
و اندوه این آیه کریمه را هفتاد هزار مرتبه بخواند اما باید که در شبانه روزی از هزار بار

کمتر نخوانند اگر زیاده خوانند روا بود لا اله الا الله انت سبحانک انی کنت من
الظالمین ایضا از حضرت رسول صلعم منقول است که فرمود این دعای ذو النون است
هیچ مسلمان نخواند الا که حضرت حق سبحانه و تعالی دعای او را مستجاب کرداند ایضا منقول است
که هر کرا حاجتی باشد سر بسجده نهد و چهل بار این آیه مبارکه را بخواند دعا او مستجاب شود
ایضا منقول است که هر بیماری که چهل مرتبه این آیه را بخواند اگر بمیرد شهید مرده باشد
و اگر به شود گناهان او آمرزیده شود و اگر بر پوست آهو نویسد و بر میان خود بندد و
و در خواب روند سید از شو تا این دعا از وی جدا شود و این دعا برای کسیکه بخواب رود
مناسب است ایضا آورده اند که این آیه و ذا النون اذ ذهب مغاضبا تا من الظالمین
بر پوست آهو نویسد بمشک و زعفران و گلاب و در طاقچه نهد هر چه از خدای تعالی
درخواهد دعای او مستجاب شود ایضا از جهت ایمن بودن از بلاها و عزت و حرمت نزد خلق
بخصوص در نظر سلاطین و اکابر و امرا و خواتین ورد سازد و این آیه کبیره را هر روز سفید
و سیصد بار بخواند سلام قولا من رب رحیم و این نوع را با خود دارد و در محل خواندن
این این صورت خاتم پیش خود دارد و مراد دلش زود بر آید باید نظر بر خاتم کند و در
نزد محبوب عزیز شود ایضا هر کس هزار مرتبه بگوید فقر ما الی الله از رجال الله کسی بغزای
برای او آورد و هر مطلب که داشته باشد برآورد ایضا در کاری در مانده این آیه را بخواند
عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل انشاء الله فرج یابد ایضا از جهت ادای دین

این آیه را بر هر زر یا پارچه کاغذ نویسد یا بکوبند و در آب روان اندازد مجرب است
وبئر معطلة وقصر مشید ایضا هر کس این آیه را بر کف دست صاحب ال...
و با وضو باشد بخواند در جامه پاک که خاطر جمع بر طهارت باشد و دست راست کرفته
بر صورت راست کذارد و بخواند اینه دزد را در خواب بیند الرحمن علی العرش استوی
له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری وان تجهر بالقول فانه
یعلم السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی ایضا در باب پیدا کردن
دزد این دعا را نوشته بر کردن گوساله بندد و هر کس را که گمان کرده است بگوید که
دست خود را بر پشت آن گوساله نهند هر که دزد باشد چون دست بر پشت گوساله نهد
گوساله فریاد کند و بانگ برآرد آیه اینست ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب
من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا واطمانوا بها وذروا الذین یلحدون
فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون ایضا ظاهر نمودن دزد باید که شکر
بیاورد و این آیه معظم را بخواند هفت مرتبه و بر آن شکر باد کنند و بدهد چنانچه هفتم بار
آن شکر برا بخوردن شکم سیر ... آیه اینست وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی
عبدنا فأتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین
ایضا از ابن رحمه الله منقول است که اگر خواهی کسی مطیع و منقاد خود سازی چنانکه محبت
بتو داشته در غضب کرده و صورت ساخته در رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بگرد بحمد و هفت ...

این آیه بخواند عسی الله ان یجعل بینکم وبین الذین عادیتم منهم مودة
والله غفور رحیم بعد از سلام بخواند قبل از تکلم بلا فاصله هفتاد بار بخواند اللهم
لین قلب فلان ابن فلانه کما لینت الحدید لداود ع ایضا نقل است از مقدس اردبیلی
رحمه الله علیه که هر کس سوره فاتحة الکتاب را با این آیه کریمه که در سوره مبارکه آل عمران است
... روز هر روز یازده بار بخواند که جمیع یکصد ده مرتبه باشد به نیت هر مطلب شرعی البته
که اجابت مقرون می شود بسیار مجرب است اینست ثم انزل علیکم من بعد الغم امنة
نعاسا یغشی طائفة منکم ... والله علیم بذات الصدور ایضا هر که این آیه را که
سوره اعراف است در روز اول محرم بکاغذ نویسد و به آب طاهر شسته و آن آب را در گوشهای
خانه بپاشد از شر مار و کژدم و گزندگان پاک گردد و هر گزنده که آنجا رسد بمیرد افامن
اهل القری ان یاتیهم باسنا بیاتا وهم نائمون اوامن اهل القری ان یاتیهم باسنا
ضحی وهم یلعبون افامنوا مکر الله فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون ایضا دعای عقرب
انهم یکیدون کیدا واکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا ایضا هر که این آیه کریمه را
الی الذین خرجوا من دیارهم را بر قدحی آب ... بخواند ... و بر اطراف
خانه بپاشد پشه و کیک و حشرات موذیه از آن موضع بگریزند ایضا فی دعوات المستغفری
عن ... النبی صلی الله علیه وآله قال اذا اذاک البرغوث فخذ قدحا من ماء واقرأ
علیه سبع مرات وما لنا الا نتوکل علی الله وقد هدانا سبلنا الآیه ثم تقول ان

کنتم مؤمنین فکلوا اثمرکم اذا اثمر عتا ثم فرشته حول فرشک فانک تبیت آمنا
من کثرا و یستجب فی صلوة المجلس المحرم نقل از بحار الانوار رحمه الله ایضاً از جهت کیک و پشه
و مگس و قدری نقل و معابر و اندکی خرما دود کند دفع شود فایده مجربه بجهة گزیدن کژدم
و رطیلا و عقرب برگ ترت سیاه در آب گلاب بجوشانند و اندکی جبیر در او ریخته
بگرمی ضمادیه نموده باشد بسیار نافع است ایضاً بجهة حصول مطالب عظیمه آیه مبارکه در سوره
والضحی است ولسوف یعطیک ربک فترضی را بعد از کل نماز تلاوت اخلاص معدود کم
خود بخوانند بمقاصد کلی فایض گردد ایضاً بجهة قرض شش از صبح این آیه مبارکه را بخوانند ربت
انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین در یک مجلس بخوانند بسیار مجرب است فایده
من قطب الانصاری قدس الله سره انه من اکثر قراءة ان فی خلق السموات والارض
الی قوله فقنا عذاب النار امنه الله من ضیق المعیشه ایضاً صاحب در النظیم آورده
که هر کس این آیه کریمه را از سوره مبارکه انفال است تا یک هفته در عقب نماز فریضه
یکبار بخواند چنانکه تعقل آن نماز نماز دیگر روز جمعه بوده باشد خدای تعالی هر کارهای او را
بر او آسان گرداند و بار وام از گردن او دور گرداند و آیه مبارکه اینست الآن خفف الله عنکم
تا والله مع الصابرین و هم در آن کتاب مسطور است که جناب مستطاب نبی صلی الله علیه و آله
فرموده که هر کس سه آیه از اول سوره مبارکه انعام در صبح بخواند خدای تعالی هزار ملک بر او موکل
گرداند و بنویسد برای وی ثواب این نفعا دهزار ملک نسخه دیگر روی جابر بن عبدالله

انصاری عن النبی صلی الله علیه و آله قال من قرأ ثلث آیات من اول سوره الانعام
الی قوله تعلمون وکل الله اربعین ملکاً یکتبون له مثل عبادتهم الی یوم القیمه
و ینزل ملک من السماء السابعه و معه مقمعه فاذا اراد الشیطان ان یوسوس او یوحی
فی قلبه شیئا ضربه بها ضربه ایضاً صاحب در النظیم آورده که هر کس آیه مبارکه و له ما سکن
فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم را بجهة تسکین غضب و خشم و بطش و اضطراب بسیار
نافع است و چون از خود و یا از دیگری این صفات مشاهده کند این آیه کریمه را بسیار
بخواند آن صفت زایل شود و هم در آن کتاب مسطور است که هر کس آیه مبارکه و ان
یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و هو الحکیم الخبیر را از سوره مبارکه انعام در شب وقت
سحر بر کاغذ نویسد و بر کسی ببندد که او را درد سر یا درد پهلو باشد شفا یابد و اگر کسی را دل
باشد غم بسیار بر او مستولی این آیه مبارکه را در وقت خواب هفت بار بخواند چون
بیدار شود غم از او زایل شده باشد ایضاً در تسخیر نفوس خلق و تالیف قلوب [illegible]
هر که خاتمی سازد از نقره وقتی که آفتاب در برج اسد باشد و آیه مبارکه اینست
ذالکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم روز جمعه اول وقت بر خاتم نگارد
نقش نماید و بر نگین او مداومت نماید خلایق مطیع و منقاد او گردند و کسی بر وی غالب
نباشد و غلبه از جانب او باشد ایضاً از نقل صحیح علما وارد شده که هر که در وقت
حاجت بر تلاوت این آیه کریمه مداومت نماید از نظر دشمنان مستور ماند چنانکه

در حرز الامان مذکور است که زن ابی لهب ملعون که او را جمیله گفتندی بعد از
نازل شدن سوره تبت سنگی برداشت و بمسجد الحرام آمده متوجه است که ترک ادب نموده
به او بی نسبت بجناب سرور کاینات صلی الله علیه و آله نماید آنسرور از خواندن این
آیه از نظر وی غایب شدند و مستور ماندند آیه مبارکه اینست و اذا قرأت القرآن
جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا ایضاً
در کتاب در النظیم آورده است که چون کسی را امر معاش تنگ شده باشد باید که اول توبه
نصوح کند از جمیع منهیات و نیتهای خیر را در خود جای دهد و تصدق پنهانی بجای
آورد و شب جمعه چون نصف شود برخیزد دو صد بار استغفار کند و صد بار صلوات فرستد
پس خواب کند کیفیت حسن معیشت بر وی ظاهر شود و ابواب رزق بر وی مفتوح شود
هر که آیه مبارکه قل من یرزقکم من السماء والارض را تا تتقون از سوره یونس بر ورقی بنویسد
و آنرا بر خرقه کبود پیچد و بر بازوی راست بندد اسباب رزق بر وی ایشان آسان گردد
ایضاً هر که از اول سوره مبارکه کهف آیه ابلاغا هر سر ماه که نو شود بر ظرف نو بنویسد
و نوشته را با آب باران بشوید و آب را در دیوارهای خانه و منزل خود جایی که تر
شود بپاشد در آن منزل خیر و برکت بسیار شود ایضاً در صحیح مسلم آورده که ابو درداء
رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس ده آیه از
اول سوره مبارکه کهف یاد گیرد از فتنه دجال محفوظ ماند و در جامع ترمذی آمده
انهم

آنهم بروایت ابو درداء که هر که سه آیه از اول سوره مبارکه کهف بخواند از فتنه دجال
محفوظ ماند و نیز آورده اند که هر که خاتمه سوره مبارکه کهف را در وقت خواب بخواند
در خواب نترسد ایضاً در کتاب جنة الواقیه از صادق آل محمد علیهم السلام منقول است که آنحضرت
فرمود که نمیخواند این آیه مبارکه را که قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی تا آخر آیه
احدکم را احدی نزد خوابیدن خود مگر آنکه بیدار می شود در آن ساعتی که میخواهد
و هر کس بخواند آنرا ساطع می شود برای او نوری تا مسجد الحرام و در میان آن نور
ملائکه می باشند و استغفار میکنند برای او تا صبح چنانکه نقل کرده است ابن بابویه
در من لا یحضره الفقیه و از ابو سعید خدری که رسول خدا صلعم فرمود که هر که ده آیه از آخر
سوره مبارکه کهف بخواند بعد از دجال بیرون آید او را ضرری نرسد بحول الله تعالی و قوته
ایضاً هر کس درویش و پریشان حال بوده باشد بعد از نماز عشاء دو بیست و یک نوبت
این سه آیه را که یا بنی اسرائیل تا انتم تعلمون است از سوره البقره بخواند تا چهل روز
مواظبت نماید چنانکه اگر خواهد توانگر گردد و همه خلق بوی محتاج باشند و هرگز محتاج و
ذلیل نگردد بقدرت خدای تعالی ایضاً از برای تسخیر مهمات هر روز چهل یک نوبت
بخوانند تا چهل روز که مجرب است یا حی یا قیوم یا حلیم یا من لا ینفع مال و لا بنون
الا من اتی الله بقلب سلیم و ازلفت الجنة للمتقین غیر بعید ایضاً در کتاب
در النظیم مسطور است که هر کس بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن گوید آیه کریمه فسیکفیکهم الله

وهو السمیع العلیم از سوره بقره هفت بار بخواند خدای تعالی جمیع مهمات اورا
کفایت کند و اگر آنرا ورد سازد بعد از هر نماز فریضه بهیچ چیز محتاج نشود و همه مرادات
او حاصل شود مفتاح هشتم در ادعیه مختصره در بیان قضاء حاجات و حصول مرادات و حاصل شدن
مطالب از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست که ما اهل بیت را هرگاه حاجتی رو نماید بخوانیم
سوره مبارکه فاتحه را تا مالک یوم الدین پس بخوانیم سوره توحید را تا آخر سوره پس بگوئیم
اللهم کما جمعت بین اسمائک وصفاتک واسمائک اجمع بینی وبین
حاجتی ایاک نعبد وایاک نستعین تا آخر سوره فاتحه هرکس از شیعیان ما چنین
کند مطلب او برآورده شود بجهت دفع محنت و شدت روایت است از سید الساجدین و آن مظهر از فرش
کل که هرکه را محنتی و شدتی پیش آید دستها برهم نهد و بگوید این کلمات را انقضائها تفرجی
پس رو بقبله دستها را بردارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین اللهم کف عنی
باس الذین کفروا فانک اشد باسا واشد تنکیلا که هنوز دستها را
باز نکرده که فرج و گشادی رو دهد ایضا هرکس را مهمی پیش آید و کفایت نداند و عاجز باشد
انا انزلناه فی لیلة و انا اعطیناک و قل یا ایها الکافرون و اذا جاء و
اخلاص و معوذتین و الحمد و آیه اول سوره بقره تا مفلحون بخواند مهم وی
کفایت می شود باذن الله تعالی در کتاب مصباح مطالب الالباب مذکورست که صادق

الیه

آل محمد صلی الله علیه واله که چون حاجتی مهمی ساخت سجده می کرد بدون نماز و بدون رکوع
پس میگفت یا ارحم الراحمین هفت مرتبه بعد از آن حاجت میخواست از برای خود پس
فرمود بدرستیکه گفته است احدی یا ارحم الراحمین هفت مرتبه مگر آنکه حق تعالی میفرماید
که من ارحم الراحمینم سوال کن حاجت خود را و در کتاب مقباس از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که خدا را ملکی است موکل باسمان اول آن ملک میگوید که ای ارحم الراحمین
آواز ترا شنیدم هر حاجت که داری بطلب ایضا لضیق القلب فلیقرا سبعة عشر مرة
الم نشرح الی آخر کل یوم مرتان مرة بالغداة و مرة بالعشی ایضا در کتاب [illegible]
نقل است که هرکسی را حاجتی باشد سر بسجده نهد و چهل بار این آیه را بخواند لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین اگر بمیرد شهید مرده و اگر خوب شود گناهان
او آمرزیده شود ایضا صاحب در النظیم گفته است هرکس در سجده بیست یکبار یا ذا الجلال
والاکرام هر حاجتی که دارد روا گردد و از انجمله هرگاه امری پیش آید سر بسوی آسمان کند سبحان
الله العظیم قال بعض الاکابر روایة فی مناجی رسول الله صلی الله علیه فقال من کان له عند الله
حاجة فلیسجد و یقول فی سجوده اربعین مرة و هو بشیر بشارة لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فانه یستجاب له و روی عن سلمان الفارسی علیه الرحمة
و هو هذا بسم الله الرحمن الرحیم یا قدیم یا دائم یا فرد یا وتر یا حی یا قیوم یا واحد یا
یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ایضا منقول است از حضرت امام حسن علیه السلام

چون کسی را غمی و کربتی پیش آید سر خود را باسمان کرده سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم غم و کرب او زایل شود از انجمله فرموده است حضرت صادق آل محمد که چون کسی را
حاجتی باشد باید این کلمات را بگوید یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم هر یک را تا نفس بده شود
بعد از ان مقصود را بخاطر بگذراند و صلوات بر محمد و آله او فرستد که البته حاجت بر آورده شود
و عن الباقر ع ادع بهذا الدعاء و انا الضامن لک حاجتک علی الله اللهم انت ولی
نعمتی و انت القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد و آل محمد علیه
وعلیهم السلام لما قضیتها لی فاضل مجلسی علیه الرحمه در کتاب مقباس بسند معتبر از
از حضرت امام رضا ع نقل کرده است که آنحضرت فرمود که پدرم را در خواب دیدم که فرمود
که هرگاه بشدتی و سختی گرفتار شوی بگو یا رئوف یا رحیم بجهت مطالب هر وقت که از
خواب برخیزد در زیر آسمان سر را برهنه کرده و دستها را بردارد و پنج نوبت بگوید یا رئوف
یا رحیم و در نسخه دیگر بنظر رسیده که در نصف شب چهارصد نوبت بگوید قبل از طلوع فارغ شده
باشد مجربست و هم در آن کتاب بسند معتبر از صادق آل محمد منقولست که هرکه
دعا کند و ختم کند دعای خود را بگفتن ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله البته دعایش مستجاب
شود بسند معتبر از صادق آل محمد سلام الله علیهم منقول است که به بعضی از اصحاب
خود فرمود که میخواهی ترا تعلیم کنم اسم اعظم الهی را بخوان سوره حمد و قل هو الله و آیة الکرسی و
سوره قدر پس رو بقبله کن و هر حاجت که داری از خدای تعالی بطلب صاحب کتاب منهاج الفلاح

نقل

نقل کرده است از حضرت رسالت ص که هیچ کرب بگوید لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین مگر آنکه مکروه و اندوه او بفرح و شادی مبدل شود و هر بنده مسلمی
که باین کلمات دعا کند البته دعای او مستجاب گردد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که دعا نمی کند کسی از مسلمانان باین دعا سه مرتبه مگر آنکه مطلب او داده شود مگر آنکه
سوال او معصیت یا قطع صله رحم کند و در جنة الامان از معصومین علیهم السلام روایت کرده که
هرکه دعا کند باین دعا هر جمعه هفتاد نوبت سه جمعه نگذرد براو مگر آنکه توانگر گردد بسم الله
الرحمن الرحیم یا مقبل یا غفور یا ودود اغننی بحلالک عن حرامک وبطاعتک
عن معصیتک وبفضلک عن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین شرح دعای ابرار
عن ابی عبدالله بن الحر عن ابی جعفر علیه السلام قال الا اعلمک بدعاء یدعو به
من اهل البیت اذا کربنا امر و تخوفنا شر السلطان قلت بلی بابی انت
وامی یابن رسول الله قال قل یا کائنا قبل کل شیء و یا مکون کل شیء و یا
باقی بعد کل شیء صل علی محمد و اهل بیته وافعل کذا وکذا ایضا بجهت قضاء حوائج
بعد از نماز صبح پیش از تکلم یکصد نوبت این اسم را بخوانند که مجربست یا لطیف ادرکنی
بلطفک الخفی فایده هرگاه کسی در کاری در ماند یا مشکلی پیش آید علاج آنرا نداند
هزار مرتبه این اسم را بخواند و بکسی حرف نزند و چون تمام شود مطلب هر چه دارد از خدا بخواهد البته
روا گردد یا لطیف ادرکنی بلطفک الخفی انا المضطر ایضا جهة مطالب عظیم هر روز دوازده

روی حزن روی بر خاک نهد و هفتاد مرتبه بگوید یا علی ادرکنی ادرکنی
باید جهد کند قطرات اشک از چشم بریزد ایضاً للشدائد دعاء عن بعض الصحابة
انه نقل عن بعض الائمة ع انه من وقع فی شدة ولم یعرف وجه الخلاص فلیقل
سبعین مرة یا محمد یا علی یا فاطمة یا حسن یا حسین یا صاحب الزمان
ادرکونی اهلک فانه یفتح الله و یخرج من تلک الشدة و قد امتحنت
الکاتب مراراً فوجدته صحیحاً ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که
نماید جهت رفع شدة و اندوه مجرب است یا علی المرتضی انظر الیّ فقد [illegible]
خائفاً مما لدیّ یا ولی یخفی مما اخاف یا علی یا علی یا علی از کلمه
دعای حضرت امیر المؤمنین ع جهت حوائج عظیمه مداومت فرموده اند بسم الله الرحمن الرحیم
الهی و سیدی و مولای اسئلک بالمحمدیة المحمودة و العلویة العالیة
و الفاطمیة البیضاء الا تفضلت علیّ و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات
بالنصرة و الرافة و الرحمة و غفران الذنوب و اداء الدیون و قضاء الحوائج
کلها ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم ایضاً هر گاه شخصی در شدتی گرفتار شود
این دعا را بخواند تا نجات یابد ایضاً هر گاه حاجتی داشته باشد بر خیزد بعد از نماز صبح رو بقبله کند
چنانکه در نماز می نشیند و صد بار این پنج اسم را بخواند حاجت او البته روا شود باذن الله
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا دائم یا احد یا صمد یا فرد یا وتر

یا ارحم الراحمین ایضاً اگر خواهی چیزی در خواب بر تو منکشف گردد اسم النور الباسط
الظاهر در وقت خواب با طهارت بخوانند ایضاً مرویست از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که تعلیم فرمود امیر المؤمنین علیه السلام را که چون در ورطه در مانی این دعا را مکرر بگوی
یا نجاة یا بی لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ایاک نعبد و ایاک نستعین
ایضاً منقول است که حق تعالی فرموده که بعزت و جلال خود سوگند که هر که بعد نماز حمد
و آیة الکرسی و آیه شهد الله و آیه ملک و آیه سخره بخوانند مراد او را روا کنم اگر چه
آن آمرزش گناهان باشد و او را در حظیرة قدس ساکن گردانم ایضاً از جهت هر مطلبی که خواهد
سیصد و شصت مرتبه بخوانند البته آن مطلب حصول پیوندد و اعتقاد اکثر مجتهدین بر این است
که این اسم اعظم است یا حی یا قیوم یا دائم یا احد یا صمد ایضاً جهت قضاء حوائج در
یک مجلس سیصد و سیزده بار بخوانند یا قریب الفرج یا رسول الله ایضاً جهت قضاء حوائج
در شب جمعه با وضو رو بقبله هزار مرتبه بگوید یا بدیع السموات و الارض و در وقت
گفتن نظر بسوی آسمان کند که ان شاء الله جمیع حوائج بر آورده شود از جمله مجربات است ایضاً
در شب هر گاه چهل بار این دعا را بخواند که هر حاجتی که بخواهد خدای تعالی با و عطا کند بسم الله
الرحمن الرحیم سبحان القدیم الذی لم یزل سبحان العالم الذی لا یجهل سبحان
الجواد الذی لا یبخل سبحان الحکیم الذی لا یعجل سبحانه سبحانه ایضاً هر گاه
اراده کنی [illegible] بنویس که بسم الله الرحمن الرحیم دو مرتبه و فاتحه و آیة الکرسی را

و قل هو الله احد و معوذتین هر یک را سه مرتبه بخوانند پس سی و سه مرتبه الله اکبر و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم پانصد مرتبه و به بند بر بازوی راست و طاعت میکنند قول و فرمان
ترا و مستجاب می شود دعای تو مادام که با تو باشد آن تعویذ ایضاً آیه مبارکه و عنده
مفاتح الغیب را در وقت خواب در زیر سر بگذارد و از خدا خواهد که چیزی را که گم کرده
و اگر بنویسد و با وضو بر بازوی خود بندد صباح آن روز هر که اول ببیند از چیز غریب خبر دهد
و اگر بر صفحه قلع بنویسد بر دکان یا منزل خود بیاویزد خیر و برکت پدید آید ایضاً جهت انجاح
مطالب یعنی هر مطلبی که داشته باشد سه عدد نی بیاورد که بند نداشته باشد شکسته نشده
و این حروفات را هر یک جدا جدا بنویسد و در زمین نمناک دفن کند هر گاه آن سبز شود
البته آن مطلب بر آورده شود ح ج ح ح م ر ج ک ر ج ج ایضاً جهت دفع بلیات و شداید عظیمه
و قضای حوائج روزی هفتاد مرتبه بخوانند البته بی شک و شبهه کامیاب است یا علی
بالله بالله یا علی مشکل بگشا یا الله یا علی ایضاً شرح دیگر بنظر رسیده جهت
گشایش و دفع هم و غم و نجات از حبس در روز جمعه بعد از ادای فرایض پانصد مرتبه
بخوانند یا علی بالله بالله یا علی مشکل گشا بالله یا علی یا علی جز تو ندارم هیچ کس یا علی
بالله بفریادم برس ایضاً بعد از نماز صبح یکصد و ده دفعه جهت علو جاه و رفعت [illegible]
بخوانند العلی یا علی [illegible] مجرب است ایضاً جهت هر مطلبی بخوانند نادعلی را یکهزار مرتبه
بخوانند در یک مجلس ایضاً از عزیزی که در نهایت عزت بود مسموع شده که برای کفایت

مهمات [illegible] صبح بعد از اسم خود یا غنی [illegible] العجیب هزار مجربات است و بی شبهه [illegible]
که بعدد اسم مبارک آنحضرت که صد و ده مرتبه بوده باشد الی ده روز بعد از نماز صبح روز جمعه
موثرات است ایضاً جهت دفع شداید و جن و ضو ساختن که روی را می شوید در کتاب دعوات
مشهور است مکرر دست بروی بمالد و بگوید القادر القادر ایضاً و در [illegible] بیشتر مسموع شده
که هر گاه در بلیه عظیمی گرفتار شخص [illegible] یکبار بگوید [illegible] انت کافی یا کافی ایضاً جهت حصول
مرادات و استخلاص از بلیات در لیله هزار مرتبه بگوید و کذلک ننجی المؤمنین ایضاً هر که
سه شب جمعه بر دو لقمه نان بنویسد العدل و بخورد در هر لقمه یک مرتبه تمام خلق مسخر او
شود ایضاً اگر کسی را مهمی عظیمی پیش آمده باشد و خواهد که حاجتش بر آید بعد از نصف شب برخیزد دو
رکعت نماز حاجت بگذارد بعد از آن یکهزار مرتبه بگوید المجیب بعد از آن حاجت خود در دل گرداند
البته حاجتش بر آید ایضاً هر گاه مهمی صعب پیش آید که بر هر کس دشوار باشد این دعا را هزار بار
بخوانند حق تعالی آن مهم را سهل گرداند اللهم لا سهل الا ما جعلته سهلا و انت تجعل الحزن
سهلا انت اذا شئت الحزن بلطفک سهلا ایضاً از جهت رفع گناهان و شداید بلیات و مهمات
بعد از هر نماز بخوانند یا با خود دارد یا هو یا من هو یا من لیس الا هو صل علی محمد و آل محمد
و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا برحمتک یا ارحم الراحمین ایضاً در نسخه دیگر بنظر رسیده
که دعای مجرب جهت جمیع امور صد مرتبه بخوانند که منقول از شاه نعمت الله که سید عبد الباقی
از او روایت نموده که مکرر تجربه فرموده اند و این دعا از اسرار اولیاست زنهار از نااهلش مخفی

سـ زند قبل از آنکه حاجت خواهد مرتبه صلوات بفرستد اللهم لا سهل الا ما جعلته
سهلا وانت تجعل الحزن اذا شئت سهلا سهل علینا امور الدنیا
والآخرة یا سهل یا سلیم یا فرد یا قدیم برحمتك یا ارحم الراحمین ایضا
اگر کسی را غم و اندوهی پیش آید یا مهم مشکلی واقع شود که بهیچ وجه صورت نگیرد هفتاد مرتبه این دعا
بخواند آمنت برب العزة والجبروت وکفرت بالجبت والطاغوت
وتوکلت علی الملك الحی الذی لا یموت ایضا از غضب کسی بترسی بدیدار
وقتی که در حضور آوردی این ورد را بخواند اطفأ غضبك یا فلان بلا اله الا انت
ایضا هرگاه حاجتی داشته باشد بر بگیرد چهل دانه گندم هر دانه را یکمرتبه بخواند و بر بالای
بام ریزد تا جانوران بخورند بحق عرش حق نور ایمان بحق جبرئیل بحق ختم قرآن بحق مصطفی
وشاه مردان برآور حاجتم را زود بهمان ایضا در نسخه دیگر [illegible] که این دعا را
یازده روز بر هزار دانه گندم بخوانند بر بام خانه آنکس اندازد که با او دشمنی است البته
هلاک شود ایضا از جهة استهلاک [illegible] و مهالك در روز چهارشنبه غسل [illegible]
واخلاص [illegible] از آن هزار یکهزار دانه گندم یکدفعه سوره اخلاص خواند و بعد از اتمام [illegible]
کرده گندم مذکور را بر سر ریزد و چند چهارشنبه عمل را بجا آورد مطلب حاصل شود
ایضا جهة حصول مطالب شصت و شش نوبت بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یا مفتح
الابواب ویا مسبب الاسباب یا مقلب القلوب والابصار یا دلیل المتحیرین

یا غیاث المستغیثین ایاك نعبد وایاك نستعین توکلت علیك یا رب و
افوض امری الیك یا رب ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بحق محمد
وآله اجمعین ایضا از شیخ بهاء الدین علیه الرحمة منقول است که مشکلات [illegible] را در شب
جمعه بچهل و یک دانه گندم بخواند بقصد [illegible] بجهة [illegible] الکرم را بر بام خانه بپاشند تا
طیوران اورا بخورند شیخ مرحوم فرموده که اگر مطلب حاصل نشود در برخی لعنت کنند لا اله الا الله
بعزتك وقدرتك لا اله الا الله بحق حقك وحرمتك لا اله الا الله
فرج برحمتك ایضا جهة برآمدن حوایج روایت است از مقاتل که هرکه بعد از نماز بامداد
قبل از آنکه سخن دنیا بگوید سه نوبت این دعا بخواند اگر حاجت او روا نشد بر من لعنت کنید
بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله بعزتك وقدرتك لا اله الا الله
بستر جودك ورحمتك لا اله الا الله فرج برحمتك یا ارحم الراحمین
ایضا در کتاب معتبری مسطور است که از برای دفع شر اعدا و استخلاص از واقعه مشکله و غالب
گردیدن بر خصمان و مخذول شدن حاسدان بر اینها دعا مرغوب است بیاید بسم الله
الرحمن الرحیم یا عزیز یا حمید یا ذا العرش المجید اصرف عنی شر کل
جبار عنید برحمتك یا ارحم الراحمین ایضا بجهة روا شدن حاجت این
آیه را بکف دست راست بنویسد و حاجت خود را بخواهد و بگوید یا رب بحق هذا الآیة
دعائی انك سمیع الدعاء مقصود حاصل گردد این است ولقد نادینا نوح [illegible]

المجیبون ایضا منقول است از خط مرحوم شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله جهة برآمدن
حاجات عظیم و مهمات [illegible] از پادشاهان و سلاطین در وقت سحر هزار بار بگوید
یا هو پس هزار بار بگوید یا الله پس هزار بار بگوید یا لا اله الا انت سبحانك انی
کنت من الظالمین آنگاه سوره مبارکه حشر بخواند چون بآیه لا یستوی رسد تا آخر تکرار نماید
بلاشبهه مقصودش حاصل گردد چه اسم اعظم مذکور است ایضا جهة زوال غضب مجرب
بعد از فراغ از نماز مغرب دست راست را بر بالای سینه متصل بگردن گذارد
و هفت مرتبه آیه ومن یتق الله تا آخر و هفت مرتبه وننزل من القرآن
تا [illegible] خسارا بخواند مجرب است ایضا آیه مبارکه سلام قولا من رب رحیم را
از برای برآمدن حاجات وکفایت مهمات یکهزار و چهارصد و هفتاد و نه مرتبه وارد
کرده [illegible] ایضا بجهة طلب حاجت دعوت [illegible] رحمه الله مذکور است یکهزار و چهارصد
و هفتاد و نه مرتبه وارد شده است ایضا جهة طلب حاجت شصت و شش مرتبه الله بگوید
ایضا هرگاه شخصی طلب محبت از بزرگی داشته باشد دوازده مرتبه اسم یا عزیز بمداد
سیاه باین طریق چهار مرتبه بنویسد بر دست راست و چهار مرتبه بنویسد بر دست
چپ و چهار مرتبه بنویسد بر پیشانی وقت داخل مجلس شود مطلب را از آن
شخص بخواهد برآورده گردد و بعون الله تعالی ایضا ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب امان
الاخطار ذکر نموده که از جمله دعاها که تجربه نموده ام از برای زوال هموم و اشغال جمیع [illegible]

و قضای جمیع حوایج چهار یکمرتبه در یک مجلس بنیت خالص خواندن این ورد است
اللهم انی اسألك بحق روح علی ابن ابی طالب علیه السلام الذی [illegible]
بالله طرفة عین ابدا اگر مراد بهم باشد ان تدفع عنی هذا الهم بگوید
اگر مراد شفا باشد ان تشفینی من هذا المرض بگوید اگر مراد قضای حاجت باشد
ان تقضی حاجتی طریقه ختم قل هو الله احد جهة جمیع مطالب در ساعت [illegible]
الخفیف اولا طهارت و خلوت کند سوره الحمد وآیة الکرسی والم نشرح وسوره قدر
واخلاص هر یک سه بار بخواند و سوره اخلاص را هزار بار بخواند و مقدم ومؤخر صلوات
بفرستد اگر کسی را مهمی پیش آید بخلوت رفته بر مطلب خود هزار مرتبه بخوانند [illegible]
برآورده باشد حاجت بعد گردد بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الحی القیوم
آمنت بالله العلی العظیم طریقه ختم طریقه ختم بسم الله الرحمن الرحیم هرکه مقصد مهمی
هفتاد و شش بار بخواند چون تمام شود مقصد [illegible] باین طریق صلوات بفرستد اللهم
صل علی النبی الامی وآله بهر نیت که بخوانند مطلب حاصل گردد ایضا جهة حصول
مطالب کلی و قرب سلاطین و ظفر بر دشمن در یک مجلس سه هزار و سیصد مرتبه بخوانند
فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ایضا مرویست که هر کس جهة حصول
مطلب در برآمدن مهمات در شب جمعه بعد از نماز مغرب [illegible] سیصد سی
مرتبه آیه مذکوره را بخواند البته مستجاب است بلا شک و شبهه ایضا جهة دفع شدائد عظیمه

یازده مرتبه بخواند بعد از اتمام بقدر مقدور تصدق کند از مجربات است بسم الله
الرحمن الرحیم انا کفیناک المستهزئین ایضاً جهت حصول مطالب مجربه [?]
کسیکه مطلب داشته باشد دوازده روز هر روز بعد از نماز صبح بعد از سلام قبل از تکلم هزار
بار بخواند و ابتدا از روز شنبه کند مقصود حاصلست لا اله الا الله الغیاث المعین
العلی العظیم ایضاً بجهت مطالب عالیه بسم الله الرحمن الرحیم اد ادوما کان
حق ان یدوم فطوبی له من مرید یود چون ورد مزبور منسوب بامیر المؤمنین علیه السلام
است و اسم علی یکصد و ده است و یکصد و ده روز باید مداومت نماید بدین طریق
که لفظی ده است ده روز در وقت معین هر روز ده مرتبه ورد مزبور را بخوانند بعد از ده روز
لفظ لام سی است سی روز هر روز سی مرتبه بخوانند بعد از سی روز لفظ عین هفتاد است هفتاد روز
روز هفتاد بار بخوانند انشاء الله مطلب برسد ایضاً للحاجه قال النبی صلعم من کان له مهم
فلیصل قبل صلوة الفجر و لیقرء خمس مائة مرة یا صمدی من عندک مددی و علیک معتمدی
بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین و لیجعل ذلک یقرء کل یوم خمسین مرة فانه غیر [?]
لا یخفی و حصول اراده ایضاً اگر کسی در نفحه از بار یا مجمل بگوید ثابته جمیع مهمات او بحیث جل جلاله
حاصل می شود ایضاً هر که اسم یا جامع را بعدد اسم خود بخواند بعد از فراغ از نماز صبح بیک
نفس بخواند و مطلب خاطر گذراند زود بمقصد رسد ایضاً جهت مهمات شرعیه در غروب
روز جمعه دعا کند مستجاب شود اللهم یا کافی کل شیء اکفنا کل شیء فانک القادر علی کل

شیء

شیء و از انجمله مرویست که سه روز اول صبح چون نماز بگذارد و با کسی حرف نزده این کلمات را
بصدق بخواند و سر بسجده نهد حاجت خود را بخواهد زود روا شود که بغایت آزموده است
بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی
محمد و آله اجمعین و اقض حاجتی ایضاً در سلمان بن مقاتل نقل است که هر کس روز
بعد از نماز صبح بلا تکلم صد بار این دعای مذکور را بخواند اگر حاجتش روا نشود بر من لعنت کند
که سلمان بن مقاتل باشم ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع و جناب امام رضا ع روایت
فرموده اند که آنحضرت از رسول خدا ص روایت کرده که چون کسی را حاجتی باشد روز پنجشنبه
چون از منزل بیرون رود آیه یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا
و اتقوا الله لعلکم تفلحون و سوره فاتحه و قدر و آیة الکرسی بخواند البته حاجتش روا
شود ایضاً فاضل مجلسی علیه الرحمه در کتاب مقباس المصابیح لسید حسن از صادق آل محمد ع
روایت کرده است که هر که بعد از فریضه سه مرتبه بگوید یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل
ما یشاء احد غیره هر حاجت که سؤال کند روا شود در تفسیر مدارک نوشته است که
حضرت عزت جل قدره در حق فرماید که هر کس آیه ربنا را پنج مرتبه بهر حاجت که دارد
بخواند حاجت او روا شود و اگر روا نباشد من پروردگار او نباشم و آیه شریفه اواخر سوره آل
عمران است و اول آیه ربنا ما خلقت هذا باطلا تا انک لا تخلف
المیعاد ایضاً جهت وسعت رزق این پنج ربنا بخوانند که بسیار مجربست اول اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بگوید و در آخر آیه که لا تخلف المیعاد باشد و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نیز بگوید
ایضاً هر که بامداد ده بار بگوید فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو توکلت علیه
و هو رب العرش العظیم آنچه خواهد در آن روز بوی رسد دعائی علمه النبی صلی الله علیه و آله
لفضه جاریه فاطمه سلام الله علیها فاستجیب لها یا واحد لیس کمثله احد
تمیت کل احد و تفنی کل احد و انت واحد لا تاخذک سنة و لا نوم
از انجمله در کتاب … مرویست که حضرت پیغمبر ص فرمود کسی که برسد او را هم تنگی
یا تنگی پس بگوید استغفر الله و اتوب الیه حق تعالی او را فرج بخشد از جمیع الدعوات
دعای سلمان ابن داود ع اللهم بنورک اهتدیت و بفضلک استغنیت
و بنعمتک اصبحت و امسیت هذه ذنوبی بین یدیک استغفرک
و اتوب الیک ایضاً در کتاب خصایص الرضا علیه السلام مرویست از حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که هر کرا از جانب اهل و مال صعوبتی روی دهد یا مشکلی پیش آید
باین دعا توسل نماید البته آن مشکل او آسان گردد و بجهت کفایت کننده هر دشواریست
اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و اهل بیته الذین اخترتهم
علی علم علی العالمین اللهم ذلل لی صعوبة هذا الامر و حزونته و اکفنی
شره فانک الکافی الغالب القاهر الذی … اللهم بحق الحسین و اخیه
و جده و ابیه و امه و بنیه نجنا من الهم الذی نحن فیه یا ارحم الراحمین ایضاً

مرویست از امام الانس و الجن علی ابن موسی الرضا ع که هر کرا غمی و اندوهی رسد بگوید اللهم بحق الحسین
و اخیه و جده و ابیه و امه و بنیه و شیعته و موالیه خلصنی من الهم الذی انا فیه
فی کمال نجاة … مجربست ایضاً قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی ع یا علی اذا حاکت
امرا او نزلت بک شدة فقل اللهم انی اسئلک بحق محمد و آله ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تنجینی من هذا الغم ایضاً عن موسی الکاظم ع لتعسر الامور یقول هذا الدعاء المذکور از انجمله
روایت کنند از مقاتل که هر که شب جمعه این کلمات را چهار بار بخواند اگر قضاء حاجت او نشود بر مقاتل
لعنت کند سبحان الذی لم یزل سبحان الذی العالم لا یجهل سبحان الجواد الذی لا یبخل سبحان
الله سبحان العلیم الذی لا یعجل اللهم اقض حاجتی یا ارحم الراحمین ایضاً از بزرگان دین
نقل است که هر کرا مهم صعبی پیش آید سه مرتبه این دعا را بخواند خدای تعالی مهم او را بر آورده
گرداند و غم او را بفرج مبدل کند و اگر از سلاطین و امراء بیم داشته باشد در نظر ایشان عزیز
و گرامی گردد و هست الهی بحق الحسین و اخیه و جده و ابیه و امه و بنیه ان تخلصنا
مما نحن فیه بوجهک یا ارحم الراحمین ایضاً جهت مطالب شرعیه حروف مقطعات قرآن را بحساب
ابجد در آنکه و مطلب … در آورد و با اسم جمع نماید و سیصد عدد هم بر آن بیفزاید
… از آن … طرح کند آنچه بماند … بکنند و سه روز روزه دارد و هر بند
حاصل ضرب بخوانند … مطلب حاصل شود الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس
یس ص حم حمعسق ق ن ایضاً طریقه … حروف …

مکرر آیه مذکوره را هر روز به ترتیب بخوانند از برای مطالب شرعیه مجرب و آزموده است

و م ن ی ت ق ا ل ه ج ع ق و ز ع ث س ب ک ف غ ش د یعنی روز

دوم شش و دو هم حبس تا آخر ایضا از بزرگان دین نقل است که هرکه اسماء را هر روز

صبح پیش از آنکه با کسی سخن گوید صد بار بخواند حق تعالی مطلب دنیا و آخرت او را برآورده

گرداند و اگر بکند کافر گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا مفتح الابواب یا مسبب

الاسباب و یا مقلب القلوب والابصار یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین

توکلت علیک یا رب و فوضت امری الیک یا رب و لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم ایضا جهت حصول مطالب عظیمه آیه مبارکه و لسوف یعطیک

ربک فترضی و الحفیر [illegible] اخلاص [illegible] اسم خود بخوانند بمقاصد کلی فایز گردد

جهت قضاء حوائج شب جمعه را نیت کند روزه که از شب [illegible] دارد صبح کند و بعد از طلوع

ششصد مرتبه بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم البته مطلب برسد و دعوی در امور

کلیه تجربه کرده ام ایضا از کتاب مسمی بگوهر شب چراغ نقل شده جهت دفع شر اعدا و دشمنها از

مکتوبات مرحوم ملا [illegible] مجلسی است جهت شدائد فواید عظیمه در خواندن بگوید یا قاهر

العدو و یا والی الولی صد یازده مرتبه که فوراً تاثیر کند ایضا از بزرگان دین روایت است

که هر روز خواهد که روزی بی تعب باو برسد باید جامه پاک پوشیده و بعد از نماز خفتن هنگام

نماز صبح اسماء را بخوانند خدای تعالی از برکت این دعا روزی او را بی تعب باو برساند باید

که با وضو باشد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا سبب من لا سبب له و یا مسبب

کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر سبب صل علی محمد و آل محمد و اغننی بحلالک

عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک یا حی یا

قیوم برحمتک یا علی یا عظیم یا ارحم الراحمین ایضا اسم مادر موسی [illegible]

یوخاود ایضا بر دیوار خانه بنویسد [illegible] العلیم الحکیم ایضا و وردی از

مرحوم سید هاشم نجفی است که هرکس را مشکلی پیش آید در کاری درمانده باشد آیه کریمه را

چهارده بار بخوانند مشکل او حاصل شود بفرمان خدای تعالی آیه این است فانقلبوا بنعمة

من الله و فضل لم یمسسهم سوء بعد از [illegible] مرتبه صلوات بفرستد به این طریق

که اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سی و شش بار بگوید یا اکرم الاکرمین

ایضا دو چهار مرتبه بگوید یا دلیل المتحیرین و نود و سه مرتبه بگوید یا امان الخائفین که

نفع عظیم ببیند و از جمله دعائیست که صادق آل محمد صلی الله علیه و آله فرموده اند که هر که [illegible]

قلب بخوانند مستجاب میکنند جناب قدس الهی در حق او و هر دعائی که خواننده شود یعنی هر سوالی

که بکند و اگر از شقیا باشد [illegible] او را از سعدا گردانند و آن این است اللهم انت الله الحی القیوم

الخالق الرازق المحیی الممیت البدیء البدیع لک الکرم و لک الحمد و لک المن

و لک الجود وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من

یا وتر یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد صل علی محمد و آل محمد

و افعل کذا و کذا و بعد از آن حاجت خود را بخواهد البته روا شود ایضا از برای هر حاجتی

و هر حقی و هر مرضی و الم و تنگی و از برای طلب اولاد و دیگر اسباب [illegible] پیش از آنکه [illegible]

و این سوره ها و دعا ها را هر یک پنج مرتبه بخوانند بر آن و در مدت نه روز هر روز پیش از

طلوع آفتاب و پیش از غروب [illegible] از آن بپاشد مجرب است الحمد و آیة الکرسی

تا هم فیها خالدون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون

و انا انزلناه و الله اکبر و لا اله الا الله و اللهم صل علی محمد و آل محمد صاحب کتاب در

النبع آورده که هر کس هر روز پیش از آنکه سخن دنیا بگوید بعد از ادای صلوة الفجر هفت بار

بگوید فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم خدای تعالی از برکت این کلمات

جمله مهمات او را در آن روز کفایت کند و اگر درد سر زند بعد از نماز فریضه [illegible]

نماید هرگز محتاج نشود در ادات و مقاصد او را برآورد خداوند تبارک و تعالی ایضا از برای

هر مطلبی خوانده شود اثر عظیم دارد اما هر روز پیش از صبح چهل و یک مرتبه باید خواند و اذ قال

ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها

و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون

و علم آدم الاسماء [illegible] هؤلاء ان کنتم صادقین از توفیق [illegible] بعد از هر نماز

الله الصمد را پنجاه بار بخوانند مجرب است [illegible] ماه [illegible] کند ایضا از برای

که زبان کسی را به بندی [illegible] بر قفل [illegible] قفل را ببندد و جعلنا من بین

ایدیهم [illegible] لا یبصرون از جمله مجربات است آورده اند که انگشت شهادت را بر سر

[illegible] کنند و این آیه را سه بار بخوانند و بر پیشانی خود مالد چون پیش کسی رود که از او خوف دارد

آن کس بر او مهربان شود بسم الله الرحمن الرحیم و الله المستعان علی ما تصفون از جمله

در خلاصه آورده اند که هر که این اسم را با انگشت سبابه دست راست در پیشانی خود بنویسد

و نزد حاکم بزرگ رود او را دوست شود اگر شعله آتش باشد و همین لفظ را [illegible]

بر کاغذ بنویسد و در مکان گریخته گذارد [illegible] بیاید یا بدوح ایضا نقل است که

هر که را غم و الم و سختی پیش آید باید پیش از جمعه که شب جمعه باشد طهارت کامل بسازد و در خلوت

تنها نشسته با احدی مطلقا سخن نگوید و بعد از نماز خفتن [illegible] سر بسجده نهد و از روی

سوز و گداز و گریه و تضرع [illegible] بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث

یا الله پس از خدای تعالی حاجت خود را بخواهد البته مستجاب شود ایضا جهت قضاء حوائج

در مدت بیست و دو روز و در وقت معین با وضو رو بقبله نشیند بدون تکلم هزار

و هشتصد و سی و هفت بار بخواند که نتایج غریب مشاهده کند یا حی یا قیوم برحمتک

استغیث ایضا جهت قضاء حوائج [illegible] الله کنا [illegible] فی کل شدة [illegible]

[illegible] الیس الله بکاف عبده ایضا از برای هر حاجتی در یک مجلس هزار بار بگوید

الهی فلا تقطع رجائی عن الخلق و انت رجائی منک باید با وضو باشد و بعد

دیگر مشغول نشود و تکلم نکند ایضا در نسخه دیگر بنظر رسیده جهت حصول مطالب [illegible]

هفت شب بلا تکلم اول صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد یکهزار مرتبه بگوید الهی قلبی محجوب
و رجائی من الخلق وانت رجائی بعد از اتمام نیز صد بار صلوات بفرستد حاجت
خود را بخواهد مجرب است ایضاً جهت مطلب عظیم تا چهل روز متوالی هر روز چهارصد و
هشتاد بار و هشت مرتبه یا وهاب بگوید البته عطا فرماید خدای تعالی آنچه بخواهد
ایضاً از برای هر مطلبی بعد از نماز صبح هزار مرتبه بگوید یا رحمن یا رحیم ایضاً طریقه ختم
قل یا ایها الکافرون در عدة الداعی از حضرت نبی صلی الله علیه و آله مرویست که هر که بعد از
نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده مرتبه این سوره را بخواند و صد مرتبه صلوات
فرستد باین طریق اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم هر مقصدی و مرادی که دارد
بخواهد بی شک روا گردد راوی گوید مکرر تجربه کردم و بمطلب رسیدم ایضاً در خواص
الصور از کفعمی چنین است که چون کسی قل یا ایها الکافرون را در وقت طلوع آفتاب
ده بار بخواند و بعد از آن دعا کند از حاجت حاجتش روا شود باید که بعد از دعا طلب
حاجت بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله و در کافی شیخ کلینی
رحمه الله از صادق آل محمد صلوات الله علیهم روایت کرده که هر که از برای طلب حاجت
دعا کند بعد از آن این کلمات را بگوید خدای عز و جل می فرماید بنده من دانست کار خود را
برای فرمان من ای ملائکه که تو گفتید بقضاء حاجت روا کنید حاجت او را ایضاً
در نمازهای حوائج روایت است از حضرت رسول صلعم که هر که در روز پنجشنبه چهار رکعت

نماز بکند در رکعت اول الحمد یکبار و اخلاص یازده بار و در رکعت دوم الحمد یکبار و
اخلاص بیست و یکبار و در رکعت سیم الحمد یکبار و اخلاص سی و یکبار و در رکعت چهارم الحمد
یکبار و اخلاص چهل و یکبار و بعد از هر دو رکعت سلام دهد و بعد از سلام رکعت چهارم پنجاه
پنجاه و یکبار بخواند و بگوید اللهم صل علی محمد و آله پنجاه و یکبار پس سجده کند و در سجود بگوید
یا الله یا الله صد مرتبه و دعا کند بانچه خواهد و حضرت رسول صلعم فرمود هر آنکس که این
نماز بکند و از خدای تعالی درخواهد که کوه از جای خود بردارد هر آینه از جا بیاید و اگر نزول
باران خواهد باران ببارد بدرستیکه خدای تعالی غضب میکند بر کسی که این نماز بکند
و حاجت نخواهد در صحایف الاعمال همین نماز را نقل میکند فضائل باید که تقدیم نماید
از ابن عباس که محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود که هر کرا حاجتی باشد و طلب آن کند
باید که وضوی تمام بسازد و در محلی که کسی او را نه بیند بایستد و چهار رکعت نماز بگذارد
بطریق مذکور و چون از نماز فارغ شود پنجاه و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن
شصت بار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن هفتاد بار
استغفر الله بگوید بدرستیکه اگر قرض دار باشد از برکت آن قرض او ادا شود و اگر فقیر باشد
خدا او را غنی گرداند و اگر غریب باشد بوطنش برساند و اگر او را گناه بسیار باشد او را بیامرزد
و اگر فرزند نباشد طلب فرزند کنند خداوند باو فرزند کرامت گرداند و بعد از آن حضرت
فرمود که این نمازیست که آدم و نوح و ابراهیم و اسمعیل علیهم السلام گذارده اند ایضاً از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کرا امری دشوار پیش آید و حاجتی باشد باید که وضو سازد
و دو رکعت نماز کند و هر چه از قرآن خواهد بخواند و بعد از فراغ این دعا را بخواند اللهم انی
اسئلک و اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی ربی فی قضاء حاجتی
لیقضیها لی اللهم فشفعه فیّ و دیگر این از آورده است خضر علیه السلام در حالت اضطرار
ایضاً از جمله مجربات است که هر کرا حاجتی باشد بدرگاه الهی حضرت صادق فرموده اند که
برخیزد در نصف شب در وقتی که عامه ناس در خواب باشند و وضو سازد و دو رکعت نماز
حاجت بگذارد بعد از هر سوره که خواهد بخواند و بعد از سلام سجده گذارد و صد مرتبه بگوید
ما شاء الله و بعد حاجت خود را بخواهد و الله حاجت برآورده است حضرت فرموده اند که چون
صد مرتبه تمام شود ندا آید که لبیک ای بنده من تا چند میگوئی ما شاء الله سؤال کن
حاجت خود را از آنجمله از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر کس را مهمی پیش آید و بیرون
شدن کار خود را نداند و مضطر باشد دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی حمد یکبار و
بار و این دعا بخواند فدعا ربه انی مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر
و بعد از سلام رو بقبله نشسته دعا و صد بار صلوات فرستد و سر بسوی آسمان
کند و حاجت بخواهد هنوز برنخاسته باشد که اثر اجابت ظاهر شود
آورده اند ایضاً صاحب سفینة النجاة در مقال چهارم از صادق آل محمد روایت
کرده است که هر گاه مشکلی شود در یکی از شما کاری باید که نظر کند در وقتی که آفتاب

در جانب مشرق باشد به بلندی مقدار عصر در محلی که در جانب مغرب باشد پس
در آن وقت شش رکعت نماز کند بهر روش که خواهد پس رو بقبله و دستها را بردارد و بگوید
که اللهم ائتنا بالعافیة من حیث شئت و کیف شئت و انّی شئت فانک
تفعل ما تشاء کیف تشاء پس بدرستی که الله تعالی آن کار را آسان گرداند و از آنجمله در تهذیب
کتاب نمازیست که در مصباح کفعمی از صادق آل محمد علیه السلام روایت شده است که هر کرا مهمی
رو دهد باید که غسل کند و دو رکعت نماز کند و بر پهلو بخوابد و طرف راست خود را بر
خود بگذارد و بگوید یا معز کل ذلیل و مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا
و کذا و نام آن مهمی را ببرد و هر که این عمل را بجا آورد دفع شود از او آن مهمی و شغل نمازی در
کافی شیخ کلینی رحمه الله از صادق آل محمد صلوات الله روایت کرده که چون فرود آید بتو حاجتی
بسیار و استغاثه کن بر رسول الله صلعم باین روش که غسل طلب حاجت کن و دو رکعت نماز کن
بر حالی که افتتاحش و تشهد و فریضه باشد و چون سلام دهی بگو اللهم انت السلام و
منک السلام و الیک السلام اللهم صل علی محمد و بلّغ ارواح محمد منی السلام و ارواح
الائمة الصادقین سلامی و اردد علی منهم السلام علیکم و رحمة الله و برکاته اللهم ان
هاتین الرکعتین هدیة منی الی رسول الله صلی الله علیه و آله فاثبنی علیهما ما املت
و رجوت فیک و فی رسولک یا ولی المؤمنین و بعد از آن بسجده کن و چهل بار بگو یا حی یا قیوم
یا حی لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین

وبعد از آن پهلوی راست خود را بر سجده گاه گذارد و همین کلمات را چهل بار بگوید وبعد از آن
سر برداشته دستها را دراز کند بطرف قبله و همین کلمات را چهل بار بگوید بعد از آن برگرداند
دست راست خود را بسوی گردن خود و انگشت شهادت خود را حرکت دهد همین کلمات را
چهل بار بگوید بعد از آن بگیرد ریش خود را با دست چپ خود و گریه کن یا خود را بصورت گریه کنندگان
در آر و بگو یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله و الیک حاجتی و الی اهل بیتک الراشدین حاجتی
و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی بعد از آن سجده کن و بگو یا الله این قدر که نفس منقطع شود صل علی
محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا حاجت خود را طلب حضرت صادق ع فرمود که من ضامنم
بر الله تعالی که هنوز برنخاسته باشی که حاجت بر آورده شود و از جمله نمازی که در کافی شیخ کلینی ره
از امام رضا ع روایت کرده که چون ترا حاجتی عظیم باشد بسوی خدا غسل کن و جامه پاکیزه
بپوش و بوی خوش بکار بر و برو بر بام آسمان هر آی و دو رکعت نماز کن در هر رکعتی فاتحه یکبار
و اخلاص پانزده بار و در هر یک از رکوع و سر برداشتن از رکوع و در سجده و سر برداشتن از
سجده پانزده بار قل هو الله احد را بخوان تا در هر رکعت صد و پنج بار هو الله احد بخوان در
در هر رکعت صد و پنج بار قل هو الله احد خوانده باشی و چون سلام دهی پانزده بار قل هو الله
احد را بخوان و سجده کن و در سجده بگو اللهم ان کل معبود من لدن عرشک الی قرار ارضک
فهو باطل سواک فانک انت الله الحق المبین اقض لی حاجتی کذا کذا الساعة
و الحاح در آنچه میخواهی ... بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام ایضاً در

کتاب مفتاح الفلاح نقل شده اگر کسی را حاجتی باشد بسوی خدا باید که در صباح پنجشنبه چهار رکعت
نماز کند باین نیت و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره اخلاص و معوذتین و قدر و آیة الکرسی و پنج آیه آخر
سوره آل عمران تا انک لا تخلف المیعاد بخواند و بعد از سلام تسبیح فاطمه علیها السلام بگوید بعد از آن
این دعا را بخواند یا مولای مولای انقطع الرجاء الا منک و خابت الآمال الا فیک
فاسئلک یا الهی بحق من حقه واجب علیک ممن جعلت له الحق عندک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی البته حاجتش روا گردد ایضاً در همان کتاب اگر کسی را
شکایتی پیش آید دو رکعت نماز بگذارد و در هر سجده یکبار بگوید اللهم انه انقطع الرجاء الا
منک یا احد من لا احد له لا احد لی غیرک ایضاً صاحب کتاب سفینة النجاة
در مقال چهارم از صادق آل محمد ع روایت کرده است که چون کسی از شما را شکایتی پیش آید باید که
وضو بسازد و صدقه کند بچیزی اگر کم باشد یا بسیار و داخل مسجد شود و دو رکعت نماز کند بعد از آن حمد و
ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات فرستد و بگوید اللهم ان عافیتنی من
کذا و کذا پس خدا مراد او را بدهد ایضاً در کتاب سعد السعود مسطور است که اگر کسی
در نصف شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد ده نوبت سوره الماعون
بخواند بعد از سلام استغفر الله گوید و چون از نماز فارغ شود سجده کند و از خدا طلب حاجت
نماید البته روا گردد ایضاً از جناب ختمی مآب منقول است که چون کسی را
شکایتی پیش آید دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از آن سر بسجده نهد و این دعا را سی و یک بار

بخواند اگر مقدم او کفایت شود روز قیامت ان شاء الله بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک باسمک العظیم الکبیر الاکبر الذی اذا دعیت به اجبت و اذا
سئلت به اعطیت ان تقضی حاجتی ایضاً در ادعیه ادای دین و توانگری
و دفع فقر در کتاب مجتبی از دعای برگزیده است که در زمان گرفت مفضل بن فضاله و بنی که عاجز
از ادای آن پس بسیار گفت یا ذا الجلال و الاکرام بحق محمد و جهک الکریم اقض
عنی دینی پس در خواب دید قائلی که می گفت چند الحاح میکنی و مبالغه نمائی ادای دین
ترا کو در حق تعالی برو فلان موضع و بردار از آنجا مقدار دین خود را ... تا دیگی پر از آب پس کرد
بنحوی که دیده بود و بعد از آن حق را حمد کرد و در کتاب مفتاح الفلاح از حضرت امام جعفر صادق
مرویست که فرمود در پیغمبری که بوده دعای از دعاهای باجابت در میان اهل بیت خود
گذاشته و پیغمبر ما هم دو دعا در میان ما گذاشته یکی برای دفع شدائد و دیگری جهت دفع قضای
حوائج و ادای دیون اما دعای اول اینست یا دائما لم یزل یا الهی و اله آبائی یا حی یا قیوم
صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا اما دعای دوم اینست یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی
منه شیء یا الله یا رب محمد صل علی محمد و آل محمد و اقض عنی الدین و افعل کذا و کذا از کلینی
مرویست که هر که خواهد ادای دین او شود باید که در روز جمعه یا در عقب نماز فریضه بگوید
اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن سواک یا حی یا قیوم و مرویست
هر که در آخر شب صد کرت یا وهاب بگوید حق تعالی او را غنی گرداند و حاجت او را برآورد

ایضاً در کتاب مفتاح دعائیست که در عقب هر فریضه جهت ادای دین سه بار بخواند
بزودی ادا شود بسم الله الرحمن الرحیم یا قاضی الدیون من خزائنک التی بین
الکاف و النون اقض دینی و دین کل مدیون ایضاً از برای شکستگی این
دعا را اگر در هفت روز هر روز در سجده گاه نماز بامداد بگذارد و حاجت خواهد که خدا
تعالی چندان دنیا بوی دهد که قدر آن نشناسد یا کثیر الخیر یا دائما بلا فناء یا باقیا
بلا زوال و یا صانع کل مصنوع ایضاً و حکایت ... رحمه الله ... الغنی
من قال الف مرة یا منان ذو الاحسان قد عم کل الخلائق منه ایضاً لادای
دیون اللهم انی توکلت علیک یا منان قد عم کل الخلائق منک و فوضت
امری الیک کسی که هر روز صبح این دعا بخواند از غیب پیدا شود و قرض او را ادا کند
لدفع العسر و ضیق الید بقرء هذه الآیة بعد صلوة المغرب و قبل صلوة العشاء بینهما
سبعین مرة و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحیم فی سورة
النحل خواندن سوره قدر در روز و یا در شب هفتاد و پنج مرتبه بخوانند لی خمسة اطفی بها حر
الجحیم الحاطمة المصطفی و المرتضی و ابناهما و الفاطمة و با وضو بخواند یکی از معصومین
در خواب چنین روایت است از حضرت رسول ص که هر که اسم اعظم را با خود دارد از جمیع بلاها
ایمن گردد و در میان خلایق با شکوه و شوکت گردد و هرگز شکدل و تنگدست نگردد و آن دعا
اللهم یا علی یا ولی یا وفی یا قوی یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا

یا برهان یا سبحان یا سلطان یا صمد یا بدیع السموات والارض
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا شفیق یا رفیق نجنی من
المضیق انک علی کل شیء قدیر یا حی یا قیوم یا ارحم الراحمین ایضاً از مجربات
مسموع شده از جهت قضاء حوائج و فتوحات مهمه صد بار بگوید یا الله یا رب یا [illegible]
و صد بار بگوید یا مخشی البطش والعقاب یا مطبوع الفضل والکرم از
ائمه معصومین ع منقول است که هر که روز یک مرتبه این آیه بخواند بلا شک غنی شود الله
لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز ایضاً در حصول ادای
دین و کشایش کارها آیه مذکوره را هر روز صد بار بخوانند در بعضی از روایات باسناد
صحیح منقول است که هر که چهار اسم را در دفعه روز هر روز هزار مرتبه بخواند توانگر گردد در روایت
میکند که چهار کس از بزرگان معتبر صحیح القول گواهی داده اند که ما خواندیم و توانگر شدیم
یا قوی یا غنی یا علی یا وفی ایضاً از حضرت امام موسی کاظم ع فرمود که هر کس
بعد از نماز پسین بگوید پنجاه بار سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واتوب
الیه واسئله من فضله که سبب اسباب و مال بسیار می شود ایضاً از حضرت
امیر المؤمنین ع مرویست که هر که بعد از نماز صبح این کلمات را ده بار بگوید هر حاجتی که داشته
از خدا بخواهد باجابت مقرون است سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله
واسئله من فضله ایضاً اگر خواهی دولت رفته باز آید در وقت زردی آفتاب

آفتاب این دعا را سه نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله المعبود
بکل مکان لا اله الا الله المذکور بکل لسان لا اله الا الله المعروف
بکل احسان ایضاً روایت است که هر کس بروی قرض بسیار باشد خواندن فاتحه
و استغفار بسیار نماید و این کلمات را بسیار بگوید سبحان الله وبحمده استغفر الله ربی
واسئله من فضله ایضاً از حضرت امام موسی ع منقول است که برای فقر و درویشی
بعد از نماز صبح ده نوبت بگوید سبحان العظیم وبحمده استغفر الله واسئله
من فضله و در روایت دیگر چنین وارد شده است که هر که بعد از نماز بامداد سی بار
بگوید سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم رو بجانب توانگری کرده و پشت
بطرف تنگدستی آورده و در بهشت را از ده باشد هذا الدعاء الرزق و[illegible]
فی الامالی الصدوق و فی الجمیع عن الصادق ع من قال سبحان الله وبحمده سبحان الله
العظیم ثلثین مرة استقبل الغنی و استدبر الفقر و قرع باب الجنة ایضاً از
حضرت رسول الله ص که هر که بعد از نماز صبح ده بار بگوید سبحان الله العظیم وبحمده ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ایمن از کوری و جذام و فقر و پیسی و دیوانه شدن خلاص
محفوظ ماند و فی المعانی الاخبار عن الصادق ع للدین والحج اللهم صل علی
محمد وآل محمد واقض عنی دین الدنیا والآخرة ایضاً در کشف الغمه مرویست که
در صبح ۳ بگوید ان ربی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب

العرش العظیم جمیع مقاصد او بر آورده شود ایضاً بجهت ادای دین شش صد و چهار
بار این عظیم را بخوانند در روزی از دین نجات یابد یا دیان یا یقین یا نافل [illegible]
تجربه رسیده با جازه بخوانند در روزی اجابت رسد ایضاً اوراد کردن دشمن و ادای
قرض و شفای بیمار و حصول حاجات و حوائج کلی و طلب زن و توانگری سه هزار
و سیصد و سی بار بخواند الله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ایضاً جهت وسعت
احوال هر روزی صد و ده نوبت بخوانند و من یتق الله را تا بکل شیء قدرا که
خدای عز و جل او را توانگر گرداند و هرگز خواری نبیند پیوسته در شادکامی باشد ایضاً
روایت است از حسین بن خالد که گفت ده هزار درم و سی صد درم قرض بهم رسانیدم
و چهار صد هزار دیگر پیش از آن مقروض بودم و طلب کاران مرا عاجز کرده بودند چون
موسم حج شد خواستم که پنهان بدر روم و خود را که [illegible] موسی بن جعفر بنام غمگین شده
پس عریضه بخدمت آن حضرت نوشتم و عرض احوال خود کردم پس آن حضرت در کنار عریضه فرستادند
این دعا را که بخوان در عقب هر نماز فریضه سه بار بگو که اللهم انی اسئلک بلا اله
الا انت بحق لا اله الا انت ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم انی
اسئلک بلا اله الا انت ان ترضی عنی بلا اله الا انت اللهم انی
اسئلک بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله الا انت
بدرستی که قضای حاجت تو شود انشاء الله تعالی حسین میگوید که چون مداومت نمودم قسم بخدا

که چهار ماه نگذشت که جمیع قرضهای من ادا شد و صد هزار درهم نیز اضافه برای من ماند
و در روضة الاذکار ایضاً و خبر است از حضرت رسالت پناه صلی الله که هر که هر روز بعد از نماز
صبح سه نوبت این دعا را بخواند فقر و درویشی بروی رو نیاورد و هرگز درمانده نشود و همیشه خرم
و شادکام باشد از برکت این دعا و اگر تواند بخواند با وضو و طهارت خود نگاه دارد و [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من ذهاب الدین وکثرة الدین وتحول النعمة
وتحویل العافیة ومن غلبة الشقاوة علی السعادة اللهم انی اسئلک
زیادة فی الدین وبرکة فی العمر والرزق وتوبة قبل الموت وراحة عند
الموت ومغفرة بعد الموت ونجاة عند الحساب برحمتک یا ارحم الراحمین
نقل است از روح القلوب یعنی جعفر صادق ع که هر که بعد از نماز سه بار سوره اخلاص بخواند
و سه بار صلوات فرستد بعد از آن آیه ومن یتق الله را تا بکل شیء قدرا بخواند و روی آسمان
دهد خدای تعالی نعمت او را زیاده گرداند و روزی عمر و بسیار مال و [illegible] و از دوزخ
الی حساب در عالی بهشت شود ایضاً از مجربات است آورده اند از بجهت دفع فقر و تنگی
هر روز سیصد و شصت بار بخوانند این اسماء عظیمه را یا فالق یا [illegible] یا [illegible] از تجربه هر که
این چهار اسم را در دفعه هزار مرتبه بخواند به تنگ غنی گردد و مرویست از چهار صد نفر از
بزرگان دین که ما چنین کردیم و بزرگ شدیم بعنایت الله تعالی یا قوی یا غنی یا ملی یا
وفی ایضاً هر که اسم یا منعم را هر روز دویست و یازده مرتبه بخواند خدای تعالی [illegible]

بوی دهد که شرح آن نیاید و در وقت توانگری این اسم ترک نکند که ضرر میکند و قال الی رجل
من الاولیاء اصابتنی شدة فشکوت ذلک لاخ لی فقال اکتب فی ورقة و علقها علی
عضدک الایمن و لو لم ان تستفتحوا فقد جاءکم انا فتحنا لک فتحا مبینا
نصر من الله و فتح قریب ففعلت ذلک و فتح لی و کثیر رزقی ایضا جهة
قضاء حاجت در یک جلس صد و چهل مرتبه بگوید یا قریب الفرج یا رسول الله
ایضا جهة قضاء حوائج در شب جمعه با وضو رو بقبله هزار مرتبه بگوید یا بدیع السموات
والارض و در وقت گفتن نظر بسوی آسمان کند حوائج بر آورده می شود از جمله مجربات است
ایضا جهة توانگری این اسماء را بعد از نماز عصر بخوانند خدای تعالی روزی او را چندان مال کند که
حساب نتوانسته باشد در روز بروز زیاد می شود این است یا الله یا فتاح یا وهاب یا قادر
یا رازق یا غنی یا عزیز یا الله و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین و چند
یا ارحم الراحمین و در نسخه بنظر رسیده که بعد از نماز عصر بگوید یا الله یا فتاح یا وهاب
یا قادر یا رازق یا غنی یا عزیز یا الله حق تعالی او را چندان بدهد که از
حساب درماند و جمیع فقها صدا و برابر ایضا جهة گشایش کارها نیمشب بیدار شود و
بار بگوید سبحان الله الملک الحی القیوم کارها بروی گشاده گردد و در غیبت بروی
رو گشاده گردد ایضا هرگاه کسی خواسته باشد که غنی شود اسم مبارک الغنی المغنی را
صد بار خود بخواند بعون الله تعالی غنی شود و اگر بجنس نفس بخواند بهتر است ایضا در خواص

در خواص اسماء حسنی از مصباح کفعمی چنین است که چون کسی اسم الوهاب را در حال
سجود چهارده بار بگوید الله تعالی او را غنی گرداند و اگر در آخر شب صد بار بگوید بعد از آن
که سر برهنه باشد و دستها را بسوی آسمان برداشته باشد فقر را از او سلب شود و
روا کند ایضا در کتاب نثر اللآلی که مصنف او راوندی است مذکور است که مردی آمد
بخدمت حضرت امیر المؤمنین و شکوه کرد از دینی که بر او بود پس حضرت فرمود بگو اللهم
یا فارج الهم و منفس الغم و مذهب الاحزان و مجیب دعوة المضطرین
یا رحمن الدنیا والآخرة و رحیمهما انت رحمانی و رحمن کل شیء فارحمنی
رحمة تغنینی بها من رحمة من سواک و تقضی بها عنی الدین کله پس
اگر بوده باشد بر تو دینی مانند پری زمین از طلا هر آینه ادا کند او را حق تعالی از تو
ایضا در مفتاح الجنان گفته اند که اگر کسی بقرض و تنگدستی گرفتار شود هر شب بعد از نماز خفتن
چون مردم در خواب شوند در خلوت رود و سه بار چنانچه کسی نشنود بدان دستور که در
الاولاد او آورده دو مرتبه از آن سه بار این دعا را بخواند حق تعالی از برکت این دعا قرض او را
ادا کند بسم الله الرحمن الرحیم یا ملک یا دائم یا حی یا قیوم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا من
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین اللهم یا نور النور یا خالق النور یا نور السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام
برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا میگوید برای قضاء دین ده مرتبه در صبح و ده مرتبه

در شام توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم
یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا ایضا
عیاشی در کتاب خصال از عبد الله سنان آورده که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که میخواهی ترا تعلیم کنم دعای که چون بخوانی خدای تعالی قرض ترا ادا کند و
حال تو را نیکو شود عرض کردم چه بسیار محتاجم بچنین دعای فرمودند بعد از نماز صبح
بگو توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم
یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اعوذ بک من البؤس والفقر
و من غلبة الدین والسقم و اسئلک ان تعیننی علی اداء حقک الیک و الی
الناس ایضا منقول است از امام جعفر علیه السلام فرمودند که مردی نزد جناب پیغمبر شکایت
کرد از وسوسه و از دین و از عیال آنحضرت فرمود که بگوید توکلت علی الحی الذی لا
یموت و کبره تکبیرا پس آنمرد چند بار تکرار کرد و در اندک مدت باز آمد بخدمت آنحضرت
و عرض کرد یا رسول الله حق تعالی وسوسه را از من برد و قرض من ادا شد و من غنی گشتم ایضا هرگاه
رسول خدا را کاری پیش آمدی جبرئیل علیه السلام آنحضرت را عرض میکرد که بخوان این آیه توکلت
علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک
فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا الله اکبر حق تعالی آنرا اظهار کرد
و در اخبار آمده است که هرکه این آیه را بخواند بعد از آن تکبیر بگوید اگر درویش باشد غنی گردد

و صحیح به اثر التجربه کرده اند و گفته اند که هرکس این آیه را بخواند او را بر آسمانها و زمینها
و کوهها شهادت دهند ایضا منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هرکه
در خانه خود سه مرتبه این دعا را بخوانند تا هفت پشت بر شان نه باو رسد و اگر بنویسد
بر کاغذ و بر دیوار خانه نصب کند همین خاصیت را دهد و جمعی از قرائتی که فقیر بودند از برکت
این دعا غنی شدند و در کتاب دیگر بنظر رسیده که شیخ بهاء الدین نقل کرده که پیغمبر صلی الله
فرمود که هر که این دعا را هر روز سه بار بخواند بحق آنخدائی که مرا براستی فرستاده که هرگز درویش
و تنگدستی نبیند و تا هفت پشت از اولاد او فقر نرسد این است بسم الله الرحمن الرحیم یا الله
یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین
یا حی یا قیوم اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا حلالا طیبا
واسعا برحمتک یا ارحم الراحمین هو العظیم الاعظم یا جامع المتفرقین ایضا
نقل است که هرکه این دعا را در سه روز سه مرتبه بخوانند در خانه خود حضرت قسم یاد فرمودند
که تهی دست نگردد و محتاج کسی نشود و غم و اندوه از وی برود بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم
الراحمین یا حی یا قیوم اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا
واسعا حلالا طیبا ایاک نعبد و ایاک نستعین و افوض امری الی
الله ان الله بصیر بالعباد و از جمله در خواص سوره قرآن از جهة ادای دین و دفع فقر از

ایضاً از مولای ما صادق آل محمد مرویست که هرکه سورهٔ نمل را در هر ماه بخواند از دنیا
بفقر نرود از اسرار مکنونه است و هفتاد هزار بلا از او دفع گردد که سهل‌ترین آنها دیوانگی
و جذام و پیسی بوده باشد و مسکن در جنات عدن باشد که در میان بهشتیان واقعست
ایضاً از همان حضرت منقولست که فرمود که هرکه سورهٔ تحریم را جهة ادای قرض بخواند حق تعالی
قرض او را از خزانهٔ غیب ادا گرداند که قبر روز دل باقی نگذارد و از جمله جهة ادای دین ده
روز بعد از نماز صبح روز صد مرتبه بخواند سورهٔ والشمس را که مجربست ایضاً هرگاه بنده
سورهٔ والعادیات را جهة ادای دین دایم بخواند خدای تعالی آن بنده را بکمال کرم
از آن قرض خلاص کند فایده هرگاه کسی در کاری درماند و چاره از آن نداند باید
بعد از نماز عشا سورهٔ انا فتحنا را یکبار بخواند و سه بار صلوات فرستد و بخوابد در خواب
باو بگویند که چه باید کرد مفتاح یازدهم در توسعهٔ رزق و رفع احتیاج بخلق و ادعیه طلب روزی
و دعاهای رزق بسیار است از جمله اینست دعا که خوانده می‌شود در سجود فرض در حالی
که طول دهد سجود را و اینست یَا خَیْرَ الْمَسْئُولِینَ وَ یَا خَیْرَ الْمُعْطِینَ اُرْزُقْنِی وَ ارْزُقْ
عِیَالِی مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ فَإِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ و فی الصحیح عن ابی جعفر
قال ادع فی طلب الرزق فی المکتوبة و انت ساجد یا خیر المسئولین الی آخر ایضاً دعا
دعائی است که ذکر کرده است ابن ساعات در تاریخ خود که هرکه مداومت کند
بر این دعا میسر شود او را روزی و آسان گردد برای او اسباب رزق اللهم یا مسبب

من لا سبب له و یا مسبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر
سبب صل علی محمد و آله و اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک یا حی
یا قیوم برحمتک یا ارحم الراحمین و گفته‌اند مداومت کرد بر این دعا احمد بن
فارس حزنی که فقیر بود پس بسیار گشت برای روزی و صاحب ثروت و توانگر گردید و از جمله دعاست
که روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین ع که هرکه در وقت صبح شود بگوید این کلمات را روزی
خوف و فرحت روزی شد الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَرَّفَنِی نَفْسَهُ وَ لَمْ یَتْرُکْنِی عُمْیَانَ الْقَلْبِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ
رِزْقِی فِی یَدِهِ وَ لَمْ یَجْعَلْهُ فِی أَیْدِی النَّاسِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَتَرَ عُیُوبِی وَ لَمْ
یَفْضَحْنِی بَیْنَ النَّاسِ و از جمله دعائیست که خوانده می‌شود بعد از هر فریضه از حضرت
صادق ع مرویست یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْکَ عَظِیمٌ أَنْ

یحیی من

تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنِی الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِی مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّکَ وَ أَنْ تَبْسُطَ
عَلَیَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِکَ و نقل است که هرکه هر روز بیست مرتبه بگوید لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کَثِیراً اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ
وَ رَحْمَتِکَ فَإِنَّهُ لَا یَمْلِکُهَا أَحَدٌ غَیْرُکَ جز بی که زیادتی شود در رزق او البته و از جمله
هرکه این ده اسم را هر روز بعد از فریضه ده مرتبه و در شام بعد از فریضه بعد و خواندن اسم خود
بگوید فتح و جهات و گشایش کارها و زیاد شدن رزق و عزیز بودن نزد سلاطین و بزرگان

دفع کردن دلتنگان و بیکاران بسیار نافع است یَا اللَّهُ یَا فَتَّاحُ یَا وَهَّابُ یَا غَنِیُّ
یَا مَلِیُّ یَا وَفِیُّ یَا قَوِیُّ یَا عَلِیُّ یَا مُعِزُّ أَعِزَّنِی بِعِزَّتِکَ یَا عَزِیزُ ایضاً جهة وسعت
رزق و ادای دین و خلاصی از بند زندان و جمیع شداید هر روز هفتاد مرتبه بخواند
یَا اللَّهُ یَا مُحَمَّدُ یَا عَلِیُّ یَا فَاطِمَةُ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِکْنِی وَ لَا تُهْلِکْنِی
ایضاً هرکه این آیه را از جهة طلب روزی ده مرتبه بخواند با اجابت مقرون است اللَّهُ
لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ ایضاً جهة وسعت رزق
و رسیدن فتوحات و جمعیت و فتح کارها و باز داشتن بلاها این آیه کریمه را
هر روز صد و بیست نوبت و اگر شش جهة خانه بر هر جهتی بیست نوبت بخوانند البته
مرادش حاصل است وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ
لَا یَحْتَسِبُ وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ
جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً ایضاً در خبر است از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هرکه را قرض بسیار باشد و هرچند سعی کند از قرض خلاص نشود باید که بعد از نماز صبح
پیش از آنکه با کسی سخن بگوید صد بار باید این دعا را بخواند بعنایت الهی قرض او ادا شود در اندک
زمانی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ اکْفِنِی بِحَلَالِکَ عَنْ حَرَامِکَ وَ بِفَضْلِکَ عَمَّنْ
سِوَاکَ وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ ... لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً ایضاً جهة کثیر کارها و رزق
از صادق آل محمد منقولست که هرکه بعد از هر نماز سه مرتبه سورهٔ اخلاص بخواند و شبه ...

بفرستد و یکبار این دعا را بخواند وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ ... لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً حق تعالی آن خیر
در دنیا باو کرامت فرماید اول عمر طبیعی دوم مال و جمعیت بسیار سیم با ایمان رود چهارم بی‌حساب
داخل بهشت شود ایضاً در کتاب حرز الامان از در النظیم که از خواص آیات قرآنست نقل کرده
که چون کسی را از معیشت تنگ شود باید که اول توبهٔ نصوح کند از منهیات و غیبت و خبرهای دل
حرز جان دهد و صدقه پنهانی بجا آورد شب جمعه چون سه ثلث شب آید برخیزد صد بار استغفار و صد بار
صلوات بر محمد و آل او فرستد پس آیهٔ لِیُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ تا آخر سوره
از سورهٔ طلاق صد بار بخواند بعد از آن صلوات فرستد و خواب کند در خواب باو ظاهر شود
کیفیت از ضیق معاش و ابواب رزق بروی گشاده گردد ایضاً جهة فتح مهمات و گشایش
کارها باید که این دعا را بنویسد و در میان نقره گذارد و اگر نقره نباشد بر کاغذ زرد بنویسد
و در موم کرده و با خود دارد سه هفته بر نیاید که خدای تعالی او را توانگر گرداند و هیچ نداند
از کجا آمده است و چندان برکت و جمعیت روی دهد که حصر عدد آنرا نتواند بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یَا اللَّهُ الْوَهَّابُ الرَّءُوفُ الرَّحِیمُ یَا اللَّهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ یَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ
یَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ افْتَحْ عَلَى صَاحِبِ کِتَابِی هَذَا الْعَبْدِ أَبْوَابَ فَضْلِکَ وَ
أَبْوَابَ خَیْرِکَ وَ أَبْوَابَ کَرَامَتِکَ وَ أَبْوَابَ نِعْمَتِکَ وَ أَبْوَابَ سَعَادَتِکَ وَ أَبْوَابَ
سَلَامَتِکَ وَ أَبْوَابَ عَظَمَتِکَ وَ أَبْوَابَ رِفْعَتِکَ وَ أَبْوَابَ بَرَکَاتِکَ وَ أَبْوَابَ
مِنَّتِکَ وَ أَبْوَابَ إِحْسَانِکَ وَ أَبْوَابَ رِضْوَانِکَ وَ أَبْوَابَ قَنَاعَتِکَ وَ أَبْ

الغنى وابواب الجنة اللهم لا تكلني برزق كل دائم انك اخذ بناصيتها

ان ربي على صراط مستقيم يا افضل من اعطى ويا خير من اعطى اللهم

اني اسئلك بمحمد وآله وبجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

برحمتك يا ارحم الراحمين ايضاً جهة هر مهمی که در دوشنبه باشد ده روز هر روز صد مرتبه

بخواند اگر مطلب بر نیاید بر حقانیت لعنت کند یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب

یا مقلب القلوب والابصار یا دلیل المتحیرین ایاك نعبد وایاك

نستعین ایضاً مرویست که هر کس سه شب تعقیب بکند میان شام و خفتن صد

ابجد عا بخواند بقصد آنکه از احتیاج خلاص شود و فرجی روی نماید و کار بسته او گشاده گردد

و بروز در حاجت روا برآید و از افلاس خلاصی یابد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی

اسئلك یا فارج الهم ویا کاشف الغم یا حی یا قیوم یا رحمن الدنیا والآخرة

ورحیمهما یا صمد یا فرد یا وتر یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا مالك یا من

لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا رب الارباب یا مالك الرقاب

یا منشی السحاب یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح لی ابواب

رحمتك وابواب کرامتك وابواب نعمتك وابواب عنایتك و

ابواب احسانك یا رؤف یا رحیم یا سمیع الدعاء یا لطیفا بالعباد اسمع

کلامی واستجب دعائی اللهم انی اعوذ بك من الجن والانس واعوذ بك

غلبة الدین وقهر الرجال برحمتك یا ارحم الراحمین ایضاً از بزرگان دین

نقلست که هر کرا غمی والمی باشد هر روز بعد از نماز صبح با کسی سخن نگفته این دعا را بخواند تا آن

بار غم والم او بر وی مبدل شود اللهم اشغل الظالمین بالظالمین واخرجنا من بینهم سالمین بمحمد وآله

الطاهرین برحمتك یا ارحم الراحمین ایضاً جهة رفع پریشانی استغفار بگوید بسیار

جهة پریشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسئله

من فضله بگوید ایضاً جهة وسعت رزق هر روز سه دفعه بخواند که الحمد لله رب العالمین

علی کل حال فی جمیع الاحوال الدنیا والآخرة والارض والسماء ولا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم وچون سه روز بعد از نماز صبح وعشا هفتاد مرتبه سبحان الله

وهفتاد مرتبه استغفر الله و بلا فاصله این دعا را بخوانند در رزق بر روی او گشاده گردد

استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال

وبنین ویجعل لکم انهارا ایضاً مرویست از صادق آل محمد علیهم السلام چون صبح طالع شود

پیش از آنکه با کسی سخن بگوید و به هر چند اگر انگشتری عقیق در دست خود داشته باشد باید کرد

نگین او را بر کف دست و نظر در آن کند بخوانند سوره قدر را آمنت بالله وحده لا شریك له

وآمنت بسر محمد وآل محمد صلی الله علیه وآله وعلانیتهم حق تعالی نگاه دارد

آنکس را در آن روز از هر بدی که از آسمان نازل شود واز زمین بیرون آید و نیز آنحضرت

فرمودند که هر که بگوید بعد از سوره قدر آمنت بالله وکفرت بالطاغوت وکل

ضد وند من دون الله و بروی خود فرود آورد هر دو دست خود را هرگز خواری

نبیند و محتاج مخلوق نشود ایضاً لسعة الرزق بقول کریم سبع مرات اللهم انی ضعیف

فقوّنی اللهم انی ذلیل فاعزنی اللهم انی فقیر فاغننی برحمتك یا ارحم الراحمین

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ایضاً نقلست از حضرت پیغمبر صلعم که هر کس در وقت

صبح هنوز با کسی سخن نگفته این دعا را بخواند سه بار به هر مطلبی که دارد طلب نماید میسر شود

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك فرجا قریبا ومخرجا رضیا و

صبرا جمیلا وعافیة من جمیع البلاء یا انك من تشاء قدیر برحمتك یا

ارحم الراحمین ایضاً جهة غنا و ثروت و جمعیت مال دنیا روزی یکصد بار بخواند البته

ترک نکند که در کشش آنچه هر کس می بخشد بتجربه رسیده مداومتش هم ترکش یا حمید الفعال

یا ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه یا حمید و دیگر ختم سوره والذاریات در یک مجلس هفتاد

و هفت بار بخوانند برای فتح و فیروزی و وسعت رزق و روزی مجربست چون ختم غمی بزرگ

کسی شود در موضع خلوت روی بقبله نشیند و با کسی سخن نگوید بگوید این دعا را یا مغیث

اغثنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم یا مجیب المضطر والمستمع اغثنی بحق طه و یس صد بار

بگوید ادفع العظیم فانت لکل عظیم من کل عظیم محنت براحت مبدل شود ایضاً

صاحب کتاب منهاج الفلاح نقل کرده است که هر کس هر روز بیست بار بگوید لا اله الا

الله والله اکبر و سبحان الله والحمد لله کثیرا اللهم انی اسئلك من فضلك

ورحمتك فانه لا یملکها احد غیرك مدتی که زیاد شود روزی او البته بعون الله

ایضاً در کتاب مفاتیح الغیب مرویست که هر که بنویسد لفظ بسم الله بر در بیرون خانه خود

ایمن شود از بلا اگر چه کافر باشد و در کتاب جمع مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

فرمود که کسی را شدتی یا بلائی بانگ رود ده بار بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه

حق تعالی او را فرج بخشد در خبرست از رسول خدا صلعم که هر که بعد از نماز بامداد سه نوبت این دعا را

ثابت عمر دولت باید و هرگز درویش نگردد و روزی بر او فراخ گردد بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله آمنت بالله وصلی الله علی محمد وآله اجمعین یا ارحم الراحمین

ایضاً دعای طلب روزی اللهم ارزقنی من فضلك الواسع الحلال الطیب رزقا

واسعا حلالا طیبا بلاغا فی الدنیا والآخرة صبا صبا هنیئا مریئا من غیر

کد ولا من احد من خلقك الا سعة من فضلك الواسع فانك قلت و

اسئلوا الله من فضله فمن فضلك اسئل ومن عطیتك اسئل ومن

یدك الملأی اسئل و فی کافی عن معویة بن عمار قال سئلت یا ابا عبد الله علیه السلام

ان یعلمنی دعاء للرزق فعلمنی دعاء ما رایت اجلب منه للرزق قال قل اللهم ارزقنی من

فضلك الی آخر دعاء المذکور در خبرست که این کلمه گنجیست از گنجهای بهشت در خبر

دیگر آمده که هر که این کلمه را بگوید خداوند عالم هفتاد و نه بلا از او دور گرداند که آسان ترین

آنها خنق باشد و خنق زحمتیست که در گلو پیدا شود و گلو را بگیرد و صاحب کتاب که بدو فراز

میگوید که از بعضی عارفان شنیده‌ام که هر که سوره انا فتحنا لک فتحاً مبینا را در وقت
رؤیت هلال رمضان در اول شب سه بار تلاوت کند حق سبحانه و تعالی در آن سال روزی
بر او گشاده گرداند ایضاً چهار کس دیگر نقل است و فتح عظیم مکرر تجربه شده پانزده مرتبه سوره
در آیات القدر بخوانند بعد از هر نوبت بگوید یا ایها الذین آمنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا
الخیر لعلکم تفلحون و سجده کند و این عمل را در شب شنبه بجا آورد و بعد از آن پنج مرتبه صلوات
بفرستد در نعمت بر او گشاده گردد ایضاً صاحب کتاب منهاج الفلاح از حضرت رسول صلی الله
نقل کرده است که هر که در اول شب از ماه رمضان سوره انا فتحنا بخواند تا آخر سال از جمیع آفات
و بلیات محفوظ باشد و هم در آن کتاب مرویست که هر که در شب جمعه از ماه رمضان سوره
یس را بخوانند خدای تعالی او را در روز محشر طوقی از نور بدهد و تاج بر سر او نهد از نور و امر کند
منادی را ندا کند که این منزلت از خواندن سوره یس یافته است ایضاً از جهة غنی شدن
مرویست که بعد از نماز خفتن سوره مبارکه اذا وقعت و تبارک و یا ایها المزمل و هل اتی و الم
نشرح بخوانند آزموده و مجربست ایضاً صاحب کتاب حرز الامان میگوید که هر که سوره
والنازعات را کتابت کند و با خود دارد رزق وی بسهولت میسر گردد و سوره الفاتحه
نیز همین خاصیت را دارد و هم در آن کتاب مذکور است اگر خواهی رزق تو بسیار میسر گردد
و بر خود لازم گردان که سوره العلق را بسیار تلاوت کنی و هم در آن کتاب آورده که هر که
در نمازهای خود سوره تکاثر را بخوانند روزی او فراخ گردد و در کتاب مهمات آمده که هر که بامداد

هفتاد و پنج بار سوره والذاریات را بخوانند متصل بهر ایشان حق سبحانه و تعالی مال بسیاری و روزیها
گرداند و از فقر و فاقه برهاند و در کتاب سر الآیات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد
و از تنگی معاش شکایت کرد و طلب دعا کرد که موجب ثروت و برکت باشد و سبب
خلاصی از فقر و فاقه باشد فرمود تلاوت سوره طه مواظبت نمای آن مرد بآن وصیت عمل
کرده زود بمقصود رسید ایضاً صاحب کتاب در النظیم آورده از عبدالله مسعود روایت
از رسول خدا صلعم فرمود هر که سوره الواقعه را هر شب تلاوت کند فقر و فاقه او برطرف
شود و هر که این سوره را بامداد بخوانند از فاقه نترسد و هم در آن کتاب است که هر که
سوره ن والقلم را در نمازهای فریضه و نافله بخوانند هرگز فقر و فاقه در نیابد ایضاً هر که
سوره الهاکم التکاثر را نیز در نمازهای نافله بسیار تلاوت کند در مال وی خیر و برکت بسیار پدید آید
مفتاح در الفلاح هم در فضل و تلاوت نمودن بعضی از سوره‌ها و آیات فاضل مجلسی علیه الرحمه
در کتاب عین الحیاة بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سوره
احقاف را در هر ماه بخوانند از جمله حقیقی باشد از دوستان خدا که هیچ ترس
که خوفی بر ایشان نرسد و ایمن باشد اگر در هر جمعه بخوانند روز قیامت حساب
که در آن بهشت شود و بسند معتبر از اصبغ بن نباته روایت میکند که روزی
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که بحق الهی که محمد را براستی بخلق فرستاده و اهل بیتش را گرامی
داشته که هیچ مردم طلب نمایند از امور از برای ترس از خفتن یا غرق شدن یا دزدی یا

یا گم شدن چهارپا یا کنیز یا غلام در قرآن هست پس هر که خواهد از من سؤال نماید
پس شخصی برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین چیزی از قرآن بمن تعلیم کن که ایمن گرداند از
ترس خفتن و غرق شدن فرمود این دو آیه را بخوان ان ولیی الله الذی نزل الکتاب
وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعاً قبضته
یوم القیامة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون
هر که این دو آیه تلاوت کند از ترس خفتن و غرق شدن ایمن شود پس شخصی خواند و آتش
در خانه اش افتاد و او سالم ماند و بخانه او آتش نرسید پس شخصی دیگر برخاست و عرض
کرد یا علی ع چارپائی دارم چموشی میکند و از او میترسم حضرت فرمود که این آیه را بخوان
وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً وکرهاً والیه ترجعون پس آن شخص چنان
کرد چارپایش رام شد و هموار گردید شخصی دیگر برخاست و عرض کرد یا امیرالمؤمنین ع
در آن زمین که من میباشم حیوانات درنده بسیارند و بخانه من در شب می‌آیند و حیوانات مرا
ضایع میکنند بدرند حضرت فرمود که این دو آیه را بخوان لقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم آن مرد این دو آیه را خواند دیگر درنده بخانه اش در نیامد
مردی دیگر برخاست و عرض کرد یا امیرالمؤمنین در شکم من صفرای زیادی الم رسیده است

آیا آیه هست که موجب شفا گردد حضرت فرمود بلی بی آنکه درهم و دینار خرج کنی بر شکم خود
آیة الکرسی بنویس و بشوی و آن آب را بخور شفا می‌یابی بقدرت الهی شخصی دیگر برخاست و
عرض کرد برای گم شده چیزی بفرما حضرت فرمود که دو رکعت نماز می‌گذاری و در هر رکعت
سوره یس بخوان و بعد از آن بگو یا هادی الضالة رد علی ضالتی آن مرد چنین کرد گم شده
او باز گردید پس شخصی دیگر برخاست و عرض کرد یا امیرالمؤمنین بنده از غم فرار کرده است
فرمود این آیه را بخوان او کظلمات فی بحر لجی یغشاه موج من فوقه سحاب
ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یراها ومن لم یجعل
الله له نوراً فما له من نور چون این آیه خواند غلامش برگشت پس مرد دیگر برخاست
و عرض کرد یا علی ع چیزی برای دزدی بفرما که دزد مال مرا بسیار میبرد در شب حضرت
فرمود که چون بمیان رخت خواب بروی این دو آیه را بخوان قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل بعد از آن حضرت فرمود که کسی در بیابان تنها باشد و این آیه
ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تبارک الله رب
العالمین بخوانند ملائکه او را محافظت و حراست می‌نمایند و شیاطین از او دور شوند
شخصی این را شنید شبی که از شهر بده خرابه افتاد و شب آنجا ماند فراموش کرد این را بخواند چون
خوابید دو شیطان آمدند یکی دامنش را گرفت رفیقش با او گفت که دست از او بردار
و او را مهلت ده چون دست برداشت آن مرد بیدار شد آیه سخره را خواند از آن شیطان

که دهانش را گرفته بود بدیگری گفت حضرت فرموده است بر داشتم و آیه خواندم خدا ایمنی تو را از خاک بالد
امال مرات که ادا اجرت کنم تا صبح چون صبح شد بخدمت حضرت امیر المؤمنین ع آمد و عرض
کرد که در شب آن تو شفا و را دیدم و حال شب را نقل کرد و فرمود از طلوع صبح ایشان آنجا که در شب خوابیده
بود برگشت اثر موی شیطان بر زمین ظاهر بود که موی خود را بر خاک کشیده بود و در خفته بود
سوره انفال و سوره توبه از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره انفال و سوره توبه را
بخواند که برائت باشد در هر ماه هرگز نفاق برا و راه نیابد و از شیعیان امیر المؤمنین ع
باشد سوره یونس از حضرت صادق ع نقل است که هر که سوره یونس را در هر دو ماه یا سه ماه یکبار
بخواند بیم آن نیست که از جمله جاهلان گردد در قیامت از جمله مقربان باشد طریقه ختم
سوره مذکور بدین قانون است باید یک هفته پیوسته یکمرتبه بخواند هر روز سه بار می تود
آنگاه دعای یا من تحل به عقد المکاره را که در صحیفه کامله است از سید سجاد زین العابدین ع
و اگر تواند در یک روز بیست و یک مرتبه را بخواند تا ختم تمام شود در آخر دعای مذکور را بخواند
برای هر مطلب علاوه همین است اما مطلب فرج و دولت اتفاق است در روز پنجشنبه شروع
کند اگر در ایام هفته بخواند و اگر در یک روز بخواند و ختم نماید برای مطلب مذکور همین مطلب را
در همین روز است و برای دفع دشمن روز شنبه بخوانند و برای عزت و رفعت روز یکشنبه بخواند
و از برای تحصیل علوم رسمیه و نقلیه و عقلیه از شنبه شروع کند و از برای زن خواستن یکشنبه
باید روز جمعه باشد و از برای علم حساب دعا برای قضات چهارشنبه برای سفر اوراد پنجشنبه بخوانند

سوره هود از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که سوره هود را در هر جمعه بخواند
حق تعالی او را در قیامت از زمره مقربان مبعوث گرداند و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که هر که از غرق شدن ترسد این آیات را بخواند بسم الله مجریها و
مرسیها ان ربی لغفور رحیم بسم الله الملک الحق المبین وما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه
سبحانه وتعالی عما یشرکون سوره یوسف از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره
یوسف را هر روز یا در شب بخواند در روز قیامت چون مبعوث شود جمال او چون جمال
یوسف نورانی باشد و در آن روز باو خوف و فزع نرسد سوره رعد از حضرت صادق ع
منقول است که هر که بسیار بخواند سوره رعد را هرگز صاعقه باو نرسد و اگر چه ناجی و مومن
باشد خدا او را بی حساب داخل بهشت گرداند و شفاعت او را قبول فرماید در حق اهل بیتش
و برادران مومن او سوره ابراهیم و حجر از حضرت صادق ع مرویست که هر که سوره حجر
و سوره ابراهیم را در هر جمعه در دو رکعت نماز بخواند هرگز باو فقر و فاقه نرسد و دیوانگی
و بلیه گرفتار نگردد سوره نحل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره
نحل را در هر ماه بخواند بقرض مبتلا نگردد و هفتاد و نه بلا از او دور شود که آسانترین آنها
دیوانگی و خوره و پیسی باشد و جای او در جنت عدن باشد سوره بنی اسرائیل از حضرت
صادق ع منقول است که هر که سوره بنی اسرائیل را در شب جمعه بخواند نمیرد تا قائم آل محمد

را دریابد و از اصحاب او باشد نقل است که عمر بن حنظله بخدمت حضرت صادق ع
شکایت نمود از صداع فرمود که دست خود را بالای سرت بگذار و این آیه را بخوان قل لو
کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا واذا
قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول رایت المنافقین یصدون
عنک صدودا سوره کهف از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره
کهف را بخواند در شب جمعه نمیرد مگر شهید و از زمره شهیدان محسوب شود و از آنحضرت
مرویست که هر که سوره کهف در شب جمعه بخواند گناهان او را عفو فرماید خداوند کریم
و در روایت دیگر وارد شده کسی در روز جمعه بعد از نماز ظهر و عصر بخواند همین ثواب را دارد و
منقول است که هر که این آیه را قل انما انا بشر مثلکم تا آخر بخواند در وقت
خوابیدن از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع گردد که میان او پر باشد از ملائکه استغفار
کنند از برای او و از آنحضرت ع منقول است که هر که این آیه را در وقت خواب بخواند
در هر وقت که خواهد بیدار می شود سوره مریم را از حضرت صادق ع مرویست که هر که
سوره مریم را مداومت نماید نمیرد تا آنکه برکت در مال و اهل و عیال خود ببیند و بگو است
که ترک نکنند خواندن سوره طه را خدا دوست دارد این سوره را و دوست میدارد هر کسی را که
مداومت نماید خدای تعالی در قیامت نامه او را بدست راستش بدهد و در قیامت از این
مرد باو عطا فرماید که او خوشحال گردد سوره انبیا از حضرت صادق ع منقول است که هر که

سوره انبیا را بخواند از روی محبت خواهش در بوستان بهشت با همه پیغمبران رفاقت کند و در
دنیا در نظر مردم با هیبت باشد سوره حج از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره
حج را بخواند در سه روز یکمرتبه در آن سال توفیق حج بیابد و اگر در آن سفر بمیرد داخل بهشت شود راوی
پرسید که اگر سنی باشد چون است فرمود که عذابش تخفیف یابد سوره مومنین از حضرت صادق ع
منقول است که هر که هر جمعه مومنین را بخواند حق تعالی امر او را بخیر گرداند و در فردوس اعلی منزلش با پیغمبران باشد
سوره نور از حضرت صادق ع منقول است فرمود که [illegible] اموال و فروج خود را از
حرام تلاوت کردن سوره نور و با این سوره زنان خود را از حرام حفظ نمایید بدرستی که هر که
این سوره را در هر شب یا در هر روز مداومت نماید یکی از زنان خانه او زنا نکند تا
او بمیرد و چون بمیرد هفتاد هزار ملک تا قبر او را مشایعت کنند که همه از برای او دعا کنند
و استغفار کنند تا قبرش گذارند و بسند معتبر منقول است که شخصی از وجع و ضعف چشم بحضرت
امام موسی کاظم ع نالید حضرت فرمود که آیه نور را سه مرتبه بر کاسه بنویس پس از آن بشوی و از آن
در شیشه نگاه کن و هر روز با میلی در چشم کشد راوی گوید که صد میل کمتر کشیدم که چشم روشن
و صحیح شد سوره فرقان از حضرت امام موسی کاظم ع منقول است که ترک نکنید سوره فرقان را
بدرستی که هر که این سوره را در شب بخواند حق تعالی او را حساب و عذاب نکند و منزلش
در فردوس اعلی باشد سوره الطواسین از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره طس را
در شب جمعه بخواند از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد در دنیا

نفر و بد حالی باو نرسد و در آخرت در آن شب شهید حق تعالی سنوازد از حور العین باو
عطا فرماید سوره عنکبوت و روم بسند معتبر از حضرت صادق آل محمد مرویست که هر که
سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست سیم ماه رمضان بخواند والله که از اهل بهشت
باشد و در این حکم استثنا نمیکنم و نمی‌ترسم که خدا در این تو گناهی بنویسد و این
دو سوره نزد خدا منزلت عظیم دارد سوره لقمان از حضرت امام محمد باقر مرویست
که هر که سوره لقمان را در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند موکل گرداند برا او که
او را از شیطان و لشکرش حفظ نماید تا شب دیگر سوره سجده از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که سوره سجده را در هر شب جمعه بخواند حق تعالی در قیامت نامه اعمالش را بدست
راستش دهد و در حساب او نظر ننماید هر چند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد و آل
محمد باشد سوره احزاب از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره احزاب را
بسیار تلاوت کند در قیامت در جوار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد بعد از آن فرمود
که در احزاب فضایح بسیاری از مردان و زنان قریش و غیر ایشان بود و دراز تر از سوره
بقره بود و ایشان کم کردن و تحریف دادند سوره سبا و فاطر از حضرت صادق مرویست
که هر که سوره سبا و فاطر را در شب بخواند در آن شب در حفظ و حمایت الهی باشد تا شب دیگر
و اگر در روز بخواند در آن روز مکروهی باو نرسد و خدای تعالی از خیر دنیا و آخرت آنقدر کرامت
فرماید که در خاطرش خطور نکرده باشد و آرزویش باو نرسیده باشد و بسند معتبر از حضرت

امام موسی کاظم منقول است که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند که إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ
بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا خانه بر سرش خراب نشود و بسند معتبر منقول است که شخصی
از اهل مرو بخدمت حضرت صادق شکایت کرد از درد سر حضرت فرمود که نزدیک بیا پس دست
مبارک بر سر او گذاشته آیه إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ را تا آخر خواندند خواص سوره از
کتاب مفتاح الفلاح در بیان فضایل و خواص یک یک سوره خبرکست و مختصر بر شرح مفتاح است
سوره یس در فضل ثواب خواندن سوره مبارکه یس روایت کرده است ابی بصیر از حضرت صادق
علیه السلام که آنحضرت فرمود هر چیزی را دلی است و دل قرآن سوره مبارکه یس است هر که سوره
یس را بخواند در بامداد پیش از آنکه مشغول دنیا مشغول شود آن روز از نگاه داشتگان و روزی
دهندگان خدا باشد تا شبانگاه و اگر شب خواند پیش از آنکه بخوابد خدای عز و جل موکل
گرداند بروی هزار فرشته را تا او را نگاهدارند از هر دیو رجیم که در دنیاست و در پناه
خداوند عالم باشد و اگر در آن روز بمیرد بهشت او را روزی شود و فرشتگان از برای او استغفار
نمایند و بجنازه او حاضر شوند چون او را در لحد میگذارند فرشتگان در قبر مونس او باشند
و قبر او را فراخ گردانند و از فرق قبر او بینائی آن فرشتگان همراه او باشند در بهشت
و با او صحبت بگویند و بروی او بخندند و بشارت دهند او را بهر نیکی که او کرده باشد
تا که او را بر صراط بگذرانند و میزان او را پر ثقیل بدارند که هیچ کس آن توقع نبرد نزدیکتر با

با پیغمبران مرسل باشد و نه او را اندوه و غم و نه جزع و نه ترس و نه او را گرسنگی و تشنگی باشد
و در آن وقت حضرت رب العزة ندا کند که برای بنده من شفاعت کن هر که را خواهی تا من
قبول شفاعت کنم آنگاه آن را هر چه بخواهد بدهند هزار نگرداند او را در جایی که دیگران
خوار گردانده‌اند هیچ سرزنش و ملامت نکنند و آنان نامه از غلام و بندگان باو دهند و مردمان
گویند سبحان الله هیچ گناهی نبوده است این بنده را که او را بدان مؤاخذه کرده باشند و او را
از رفقای محمد و آل او قرار دهند و همیشه در نزد و مقیم خدا باشد و جابر جعفی روایت کرده
از ابو جعفر الباقر که وی فرمود که هر که سوره یس را بخواند در عمر خود یکبار بنویسد باو
هر خلقی که در دنیا و آخرت هست ده هزار نیکوئی و محو کنند از او دو بار هزار هزار بدی
و نرسد او را درویشی و فقر و فاقه و جوانی و جزام و حزن و هیچ دیو آسیب شیطان و او را هیچ
مضره و آفتی نرسد و سبک گردانند خداوند سکرات موت را و فراخ گردانند روزی
او را خدا از معیشت و فرح و شادی در او باشد جمله فرشتگان آسمان و زمین از او خوشنود گردند
و خداوند او را بیامرزد از برکت و بزرگواری سوره مبارکه یس از آنچه در خواص السور نقل شده
از ابی ابن کعب از حضرت رسول که روایت کرده که هر که سوره یس را فی سبیل الله
قرائت کند از همه گناهان آمرزیده شود و ثواب کسیکه دوازده بار بروایتی بیست و دو بار ختم
کلام الله کرده باشد در نامه عمل او ثبت کنند و در بعضی روایات هر بیماری که بخوانند نزد او تعالی باو
و بعدد هر حرفی از آن ده فرشته در نزد او حاضر شوند و از برای او آمرزش گناهان کنند تا قبض

روح او شود و در روایت دیگر آمده در وقت غسل دادن حاضر باشند و از برای او آمرزش خواهند
و همراه جنازه او برای استغفار و صلوات میسر شوند تا او را دفن کنند و از بدیهای قبر نگاه دارند
و هر بیماری که در وقت این سوره بخوانند بکسی نزد او بخوانند رضوان بهشت بیاید با قدحی از
شراب بهشت و او را باو دهد تا بیاشامد و او را به بهشت بشارت دهد و سیراب بمیرد
و سیراب مبعوث شود و در حدیث دیگر است که ملک موت جان او را قبض نکند تا شربت
از حوض کوثر بخورد بعد از آن جان او را قبض کنند و به بهشت داخل شود خیر دنیا و آخرت بر
خواننده نوشته شود تمام کنند و بلیات دنیا و آخرت را از قاری آن دفع کنند و جمیع
حاجات دنیوی و اخروی از برای خواننده‌اش روا کنند و هر که یکبار بخواند ثواب بیست حج باشد
و هر که او را بشنود مثل کسی باشد که هزار دینار زر سرخ در راه خدا انفاق کرده و هر که او را بنویسد
و بشوید و بخورد هزار شفا و هزار برکت و هزار رحمت در دل او داخل شود و همه مرضهای بدنی
از بدن او رفع شود بروایت دیگر از همان حضرت منقول است که فرمود که هر که سوره یس را
در گورستان بخواند و ثواب او را باهل قبور بخشد حق تعالی عذاب را از اهل گورستان
بردارد و خواننده را بعدد هر که در گورستان باشد ده نیکی بدهد و از جناب مقدس نبوی
روایت است که هر که سوره یس را در مقبره بخواند تخفیف عذاب ایشان شود بعدد هر که در
آن مقبره باشد او را حسنات باشد ایضا از ابی عبدالله روایت کرده اند که هر چیزی را
دلی است دل قرآن یس است و هر که هر روز این سوره را تلاوت کند از روز در امان خدا

باشد و فراخ روزی شود و هرکه در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار فرشته
بر او موکل گرداند که از برای او استغفار کنند تا وقت مرگ و تشییع جنازه او کنند و با او
در لحد در آیند و در آنجا بعبادت مشغول شوند تا روز قیامت و ثواب آن عبادت را باو دهند
و قبر او را فراخ سازند و نوری درخشان از قبر او باسمان رود وقتی که بعث و نشور
شود چون از قبر برخیزد فرشتگان عمر انقضا او بخش گویند و بروی او خنده کنند و بشارت
دهند او را که از صراط و نیران بگذرانند و بعد از آن خطاب رسد که هرکه از اهل شفاعت
کن که مقبول است و هرچه خواهی از من طلب کن و حساب او را نکنند و هیچ گناهی در اعمال او
ننمایند و اهل محشر گویند سبحان الله هرگز از این بنده گناهی صغیره و کبیره سر نزده است
ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در قرآن سوره ایست که شفاعت کند خوانند
و نویسنده و دارنده او را و آن سوره یس است و یس را دافعه و قاضیه خوانند
یعنی رفع کند بلاها و قضا کند حاجتها هرکه بخواند چنان باشد که بیست حج کرده است
و هرکه استماع کند او را چندین ثواب شود چنان است که ده هزار درم زر بدرویشان
داده باشد و هرکه یس را بخواند بامداد در پناه باشد تا شب و هرکه شب بخواند در پناه باشد تا روز
و هرکه یس را بخواند با وضو چنان باشد که بعدد هر حرفی یک بنده آزاد کرده است از
از اولاد حضرت اسمعیل ع و هرکس یس را بخواند هر سال یکبار روز قیامت حساب او چون
حساب پیغمبران باشد و اگر روزی یکبار بخواند حق سبحانه و تعالی روز قیامت فرماید ای بنده من

اینک بهشت او را هشت در است از هر دری که خواهی داخل شو و مراد او را بود بهر حرفی از یس
دویست شهرستان از سیم و دویست از یاقوت و دویست از زبرجد و هزار هزار حجره و صفه
و بر هر صفه تختی و بر هر تختی حوری این جمله کرامت کسی را بود که هر روز یکبار سوره یس را بخواند
اما هرگاه کسی راه را گم کرده باشد یس را بخواند راه را باز یابد و اگر نزد زن حامله یس را
بخوانند باسانی بار نهد و اگر یس را بر چیزی خوردنی بخوانند و بکودک شیرخواره دهد از شیر خوردن
باز ایستد و از الجمله بر اصحاب دانش مخفی نماند که مدعیان نسخ از کلام ربانی تحصیلات
حضور خود در سوره یس که حضرت رسول ص او را قلب القران خوانده و اکثر علما بر آنند که
اسم اعظم در این سوره است و نیز حضرت صادق فرموده اند که هرکه بعد از نماز صبح یکبار
این سوره را بخواند قضای کفاره گناهان هفتاد ساله نماز او باشد و در آن روز نمیرد و اگر
مرگ تقدیر شده باشد و شرط خواندن آن روایت که رو بقبله و با طهارت و در مکان
غیر مغصوب و جامهای پاک پوشیده بحضور قلب بخوانند یس قیام نماید و قاعده خواندن آن
آنست که اگر او را مطلبی باشد و خواهد که بمطلوب رسد باید که اول از باطن سرور کاینات
و خلاصه موجودات صلی الله استمداد همت طلب نماید و فاتحه بخواند و بعد از فاتحه سه بار
این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله سبحان الله والحمد لله امنت
بالله و توکلت علی الله و اعتصمت بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و بعد از آن سه نوبت این دعا را بخواند اللهم یا مفتح فتح و یا مفرج فرج

یا مسبب سبب برحمتک استغیث پس شروع در خواندن یس کند و چند جا که
اشارت باید کرد و مطلوب را از خاطر بگذراند و در چند جا که مذکور می شود انگشتان را
فرو گیرد و طریق آوردن آن چنان است که چون بامام مبین برسد انگشت کوچک را از
دست راست فرو گیرد و مطلوب را از خاطر بگذراند و این اشاره اول است یکبار فاتحه
و آیة الکرسی و قل هو الله احد و این اسم را بخواند که یا اکبر انت الذی لا تهتدی العقول
لوصف عظمته یا اکبر باز شروع در خواندن کند تا برسد به الا البلاغ المبین باز
فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله احد و نیز این اسم را بخواند یا کافی الموسع لما خلق
من عطایا فضله یا کافی انگشت بنصر را که در پهلوی انگشت کوچک است فرو گیرد
باز متوجه خواندن شود چون به لفی ضلال مبین برسد باز فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله
احد را بخواند و در نوبت این اسم را بخواند یا رحیم کل صریخ و معزوب و مکروب
و معاذه یا رحیم و انگشت وسطی را که مابین باشد فرو گیرد و متوجه خواندن شود چون
بکل فی فلک یسبحون برسد که حاجت اشاره ثالث است مطلوب را بخاطر آورد و متوجه
خواندن شود تا برسد الا فی ضلال مبین باز فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله احد را
بخوانند و نیز دو نوبت این اسم را بخواند یا ذاکر الطاهر من کل ذکر بفضله
یا ذاکر و انگشت سبابه را فرو گیرد باز متوجه خواندن شود تا برسد الا ذکر و قران
مبین باز فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله احد بخواند و شروع ده بار و این اسم را بخواند

یا حنان انت الذی وسعت کل شیء رحمة و علما یا حنان و انگشت
بزرگ را فرو گیرد و چون تمام کند این اسم را بخواند سبحان المفرج عن کل محزون
سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان من جعل خزائن علمه و حکمته
بین الکاف و النون سبحان الذی اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون
فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون پس این دعا را بخواند
اللهم افتح لنا ابواب السعادة و ابواب السلامة و ابواب الکرامة و
ابواب الهدایة و ابواب العافیة و ابواب الصحة و ابواب النعمة و ابواب
الدولة و ابواب الجمعیة و ابواب الغنی و ابواب الشفاعة و ابواب الجنة
وارزقنا النظر الی جمال محمد المهدی الهادی صاحب الزمان صلوات الله
و سلامه علیه و علی آبائه اجمعین الطیبین الطاهرین و الحمد لله رب
العالمین بعد از آن سه بار بگوید یا مفرج اللهم فرج برحمتک استغیث یا ارحم الراحمین
و بعد از آن انگشتان را بگشاید و در گشودن هریک الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد
بخوانند و اول انگشت بزرگ بگشاید و بعد از آن انگشت کوچک و بعد از آن انگشت شهادت
و بعد از آن انگشت بنصر که در پهلوی انگشت کوچک است و آخر انگشت میانه را
بگشاید ایضا طریقه ختم سوره مبارکه یس جهت هر مطلبی که خواهد هفت روز روزه بدارد
و ترک حیوانی بکند و هر روز چهارده بار بخواند و دفعه چهاردهم لفظ یس را از هر مرتبه

مکرر کند و سوره را تمام کند ایضاً در کتاب منهاج الفلاح مرویست که هر که در شب از شبهای
جمعه ماه مبارک رمضان سوره یس بخواند خدای تعالی او را در روز حشر طوقی از نور بدهد
و طوقی از ایمان و تاجی از نور بر سر او گذارد و امر کند منادی را که ندا کنند که این منزلت را
از نور یاسین یافته است ایضاً مرویست از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در وقت
رویت هلال کسی سوره یس را تا انجای که فی امام مبین است بخواند تا ماه دیگر آن مبارک باشد
و آنچه مطلوب او باشد در آن ماه بر او برسد و همچنین است سوره کریمه اذا جاء نصر الله الی آخر
ایضاً وارد شده حدیث که هر که شب پانزدهم ماه شعبان المعظم است سه بار
سوره مبارکه یس را بخواند یک مرتبه جهت درازی عمر و یک بار جهت غنی شدن از فقر و
یک مرتبه ایمنی از بلاها مجرب است از قول جوالعه نصر الله ره ایضاً از جمله خواص سوره
مبارکه یس منقول است من قرء سورة یس فی یوم الجمعة و وقف فی ستة مواضع یطلب
حاجته له فی قلبه یقضی حاجته بفضله و کرمه اول لمستقر لها دوم من کل قرنا سیوم
و لهم ما یدعون چهارم سلام پنجم و ان اعبدونی ششم انما امره اذا
اراد شیئا ان یقول له کن فیکون ازجمله از جمله ختم و خواص سوره مبارکه یس
و منقول است از شیخ عربی علیه رحمه که هر کس [illegible] بعد از نماز صبح بخواند بلاها
کفایت [illegible] رو باشد شرایط آنست که با طهارت و رو بقبله و در جای پاک بحضور دل بخواند
و در این سوره که در هفت موضع بشارت است که چون وقت قرائت بدان محل رسد بصدق حضور

قلب

قلب مطلب بخاطر گذراند به نکته مراد حاصل گردد و این موضع را علمای این فن ظاهر نوشته اند
بلکه بحرف و ابجد اشاره کرده اند که اگر علمای میان اطلاع یابند طاعت کس نکنند و کار
علاوه پیش گیرند ایضاً واقع است میان هر کلمه که مجموع حروف هر دو عدد ابواب بهشت است
و کلمه اول چهار حرف است هر یک غیر از یکی تکرار یافته و کلمه دوم هم غیر مکرر است اگر چه حروف او
در کلمه اول تکرار یافته و حروف ثانیه حرف اول از کلمه اولی است در اعداد و حرف ثالث
باز این حرف اول از کلمه اولی است در مرتبه ثانیه از عدد جمل و حرف رابع شد مجموع حرف
اول و ثالث است بشارت دویم واقع است در سر کلمه که حروف مجموع این کلمات عدد ابواب
نیران است و حرف اول و سابع تماثلند چنانچه ثانی و سادس و ثالث و خامس و حرف
رابع مرکز است بر مجموع و او حرفی است که باز بر بینات مطابق اسم اعظم است و اسم
ذات عبارت از آن است و آن حرفی است که مرتبه ختم ولایت دارد و دایره حروف
بر آن منتهی شود و از بینات او آخر با اول پیوندد و علامت آنست که آن عمل از وی
آید وقت نظام با کلمات از معقوب او نیز همین است به تغییر زیاده و کم بشارت واقع
در پنج کلمه که مجموع حروف این کلمات است عدد تمام ابواب مذکور است یکی زیاده و حرف
کلمتین که موضع اول است بعینها بر ترتیب کلمه اولی ثانی خبر مرتب در این کلمات مصدر
الست و عدد نقاط که در این کلمات است جمیع جهات را احاطه کرده نصف فوقانی
و نصف تحتانی و ظاهر است که بهاء و حسنی الهی در شان جلوه می نماید تا در اول و در آخر و در [illegible]

دی در اسم باتفاق جمهور علما که اندراج که اسم اعظم است و اسم دیگر از یس استنباط
می توان کرد که بعضی از آن الباری المؤمن الحکیم است و باقی علی هذا القیاس
و زیاده بر این افشاء این راز نگردد و تجربه نفرموده و ابراز در نشان مواضع مذکوره
هر چه از منافع خواهی حاصل است در این سوره هفت موضع کلمه مبین است و در مبین از ارباب
تکسیر اند اول فذلک مبین است دوم خصیم مبین و پنج دیگر را از خنصر دست راست ابتدا
کنند و بهر مبین انگشت عقد کنند و با ابهام ختم نمایند و در گشودن از ابهام ابتدا کنند
پس از خنصر پس از وسطی پس بنصر پس بسبابه ختم کنند و در گشودن هر انگشت فاتحة الکتاب
و آیة الکرسی بخوانند و بعد از آن ختم کند سوره را و این دعا را بخواند سبحان المفرج عن
کل محزون سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان الملخص عن کل مسجون سبحان
من جعل خزائن علمه و رحمته و حکمته بین الکاف و النون سبحان العالم
بکل مکنون سبحان الله عما یشرکون سبحان الله عما یصفون سبحانه سبحانه
ثم سبحانه اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده
ملکوت کل شیء و الیه ترجعون بعد از آن سه مرتبه بگوید یا مفرج الهم فرج
عنی اول انگشت ابهام بعد از آن خنصر بعد از آن وسطی بعد از آن بنصر بعد از آن سبابه را
بگشاید چون انگشتان گشاده شد دستها بر دارد و بگوید یا الله یا قاضی الحاجات یا
مجیب الدعوات اقض حاجاتنا فی الساعة یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام

و هفت مرتبه بگوید یا ارحم الراحمین بعد مطلب را عرض نماید ایضاً هر که را حادثه پیش آید
هفت بار سوره یس را بخواند بهفت موضع که مبین واقع شده است بهر مبین عقدی نماید
و هر عقدی این اسماء با دعا بخواند و بعد قرائت یس که هفت عقد گرفته باشد یکبار فاتحه
بخواند و یک عقد بگشاید تا هفت عقد تمام شود و عقد آخر بود که هفت نوبت باین طریق خواند
مقصود حاصل است اگر چه از برای توانگری باشد یا قوی یا ملی یا وفی یا غنی اغنی
من الفقر اللهم انی اسئلک رزقا طیبا واسعا بغیر کد و استجب دعائی [illegible]
[illegible] و نعوذ بک من الفضیحتین من الفقر و الدین سبحان المفرج عن کل محزون سبحان
المنفس عن کل مدیون سبحان من جعل خزائنه بین الکاف و النون
یا رفیع الدرجات استجب دعائی بحق آدم صفی الله و بحق ابراهیم خلیل الله و
بحق موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله و بحق محمد حبیب الله و بحق جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق حملة العرش و الکروبیین و الروحانیین
ان تقضی حاجتی یا رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله و اصحابه اجمعین
ایضاً از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که جناب ختمی مآب ص فرمودند هر کرا قلبی است
و قلب قرآن سوره مبارکه یس است و در دست بعضی از تعظیم دارد جهت عقد الالسن و عقد النوم
بسیار مجرب است هر که خواهد اثر عاشش زود بظهور رسد باید یکشنبه روز هفت مرتبه بخواند
که نصاب وی هفت است بشرطی که با طهارت باشد یا انکه هفت بر کاسه آب بخواند و بخورد

تا علاجش حفظ شود و اگر آخر ساعت روز جمعه کسی دو رکعت نماز بگذارد و سوره الحمد یکبار و آیة
الکرسی یکبار و ده بار سلام برخیزد و سر برهنه کند و طوق در گردن و دستها در پس پشت ببندد تا زانو
برهنه کند و سه بار سوره مبارکه یس را بخواند و در نوبت آخر تا کن فیکون بخواند و سر بسجده نهد
و باقی سوره را تمام کند و هر آن حاجت که خواهد البته مرادش حاصل شود و اگر هفت مرتبه
سوره یس را در یک مجلس بخوانند و در هفت مبین که در این سوره است یک انگشت عقد کنند
هر یک مرتبه و آیه سلام قولا من رب رحیم شصت و یک مرتبه بعد از تمام سوره یکجا بگوید
هر مبین یک عقد و یکبار این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رزقنا دقا
وابعث حلالا طيبا بغير كد واستجب دعائي بغير رد اعوذ بك من فضيحة
الفقر والدين بحرمة الحسن والحسين سبحان المفرج عن كل مهموم
ومغموم سبحان المنفس عن كل مديون ومحزون سبحان من جعل خزائنه
بين الكاف والنون سبحان العالم بكل مكنون انما امره اذا اراد شيئا
ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه
ترجعون اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم فرج همي واكشف غمي واهلك
عدوي بحقك يا ارحم الراحمين بدانکه در این سوره موضع سه جا اشاره است
چون بدانجا رسند مطلب در دل قصد کنند البته اجابت شود اول در امام مبین
دوم در كل في فلك سیم در سلام قولا من رب رحیم و قبل از شروع سوره ...

بخوانند الف شفاء والف دواء ومن كل سقم نهاها على لسان نبيك محمد
صلى الله عليه وآله وسلم لصاحبها خير الدنيا والآخرة انك على كل
شيء قدير و بعد از ختم آیة کلمه یس را هفت مرتبه بیک نفس بخواند بعد شروع کند
چون بآیه فاغشیناهم رسد این دعا را بخواند ... من عیون الناظرین
والحاسدین والباغین و بعد شروع کند بخواندن سوره والصافات از آنجمله سوره
والصافات است در خواص القرآن از جناب رسول خدا صلعم روایت کرده که هر که سوره را
بخواند هر دیو و پری که در عالم است از او ده حسنه بنویسند و شیاطین از او دور شوند و از
شرکت بری شود و فرشتگان که حافظ او باشند در روز قیامت بر ایمان او گواهی دهند
ایضاً از صادق آل محمد صلعم روایت کرده اند که هر که در روز جمعه سوره والصافات
بخواند تا در حیوة باشد از جمیع آفات و بلیات محفوظ باشد و همیشه فراخ روزی باشد
شیطان در بدن او و اولاد او و اموال او دخل نکنند و سلطان ظالم بر او ظلم نتواند
بکند و اگر در همان روز و شب بمیرد حق تعالی او را شهید بمیراند باشد و حشر او با شهدا
بود و با شهدا به بهشت رود انشاء الله تعالی سوره ص از آنجمله از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که هر که سوره ص را بخواند حق تعالی بوزن جمیع کوههای که مسخر
حضرت داود علیه السلام بودند و با او تسبیح میکردند او را ثواب دهد و نگهدار او بود از
از گناهان کبیره و اصرار بر صغیره ایضاً از امام محمد باقر ع روایت کرده اند که هر که

در شب جمعه سوره ص را بخوانند از آن چندان خیر و برکت دهند که به هیچکس نداده
باشند مگر به پیغمبر مرسل و فرشته مقرب و او را به بهشت برند هر که از اهل و عیال
او باشند حتی خادمی که در دنیا خدمت او را کرده اند همراه خود به بهشت برد
سوره زمر از حضرت رسول خدا صلعم روایت شده که هر که زمر را بخواند حق تعالی او را از
رحمت خود نا امید نگرداند و ثواب خائفین و خاشعین در نامه عمل او ثبت
کنند ایضاً از صادق آل محمد صلی الله روایت شده که هر که سوره زمر را بخواند حق تعالی
شرف دنیا و آخرت با و عطا فرماید و او را بی ... مال غالب گرداند و بدن
او در آتش جهنم حرام شود و هزار شهر در بهشت برای او بنا کنند و در هر شهر
هزار قصر باشد و در هر قصری هزار حوریه باشد سوره حوامیم در خواص القرآن از صادق آل محمد
روایت شده که حوامیم ریحان قرآن است و بر تلاوت و حفظ آن شکر نمایید
چون بنده مومن بقرائت حوامیم قیام نماید از دهن او بوی مشک و عنبر ساطع
و حق تعالی بر او رحمت کند و عیال و اطفال و همسایگان و خویشان او و از برکت آدمی
مستغرق رحمت الهی شود و عرش و کرسی و ملائکه مقربین برای او استغفار کنند ایضاً در
ابن عباس روایت شده که حوامیم هفت سوره است و ابواب دوزخ نیز هفت است هر که
بخواند از آتش دوزخ نجات یابد و لب حوامیم قرآن است سوره المومن در خواص القرآن
از جناب رسول خدا صلی الله علیه روایت شده که هر که سوره مومن تلاوت کند روح

همه مؤمنان و پیغمبران بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار کنند ایضاً از امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که هر که سوره مؤمن را در هر سه روز یکبار بخواند حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و در بهشت
جنت با و کرامت فرماید و از جمله فضیلت این سوره آنست که در او آیه ... سوره حم السجده
از آنجمله در خواص القرآن از رسول خدا صلعم روایت است که هر که یکبار حم سجده را بخواند بعدد هر حرفی از آن ده حسنه
در نامه اعمال او ثبت کنند ایضاً از صادق آل محمد صلعم روایت شده است که هر که این سوره را بخواند
نور او در روز قیامت تا مد بصر باشد و در آن روز شادان بود و در دنیا همه کارش ...
محمود بود همه مردمان بر او رشک برند و از خدا تمنای آن کنند سوره حم عسق از حضرت رسول خدا
صلی الله روایت کرده اند که هر که سوره حم عسق بخواند فرشتگان بر او صلوات فرستند و برای او آمرزش
خواهند تا روز قیامت ایضاً از حضرت امام محمد باقر ع روایت شده که هر که سوره حم عسق را تلاوت
کند خدای تعالی روز قیامت روی او را چون ماه شب چهارده گرداند و او را نزد خود بدارد و با او
خطاب شود که ای بنده من تلاوت این سوره می‌نمودی و نمیدانستی که چه قدر ثواب دارد اگر میدانستی
هرگز ملال نمیداشتی از قرائت آن و ملائکه امر فرماید که در بهشت از برای او قصری بنا کنند که از یاقوت
سرخ باشد و هزار حور العین و هزار جاریه و هزار ولدان که مثل لؤلؤ منثور باشند نامزد او فرماید
سوره الزخرف از آنجمله تلاوت سوره زخرف است از حضرت سرور عالم صلعم منقول است که هر که سوره
زخرف را تلاوت کرده باشد در روز قیامت بایشان ندا کنند که يا عباد الرحمن لا
خوف عليكم اليوم ولا انتم تحزنون ادخلوا الجنة بغير حساب ایضاً از حضرت امام

محمد باقر ع منقول است که هرکه این سوره را تلاوت نماید خداوند عالم او را در لحد از هوام
زمین و فشار قبر ایمن گرداند تا روز محشر چون روز محشر شود این سوره بصورت زیبا برآید
بفرمان خدا در بهشت درآید سوره دخان از جناب رسول خدا ص روایت شده فرمود که
هرکه سوره دخان را در شب جمعه بخواند با خدا در حفظ و آمرزیده باشد ایضاً از حضرت امام
امام جعفر صادق ع روایت شده که هرکه سوره دخان را در نماز واجب و سنت بخواند ملائکه
تبارک و تعالی او را در زمره انبیا مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود جای دهد
و حساب او را آسان گرداند ایضاً صاحب درالنظیم آورده که هرکس این سوره را در شب
جمعه بخواند گناهی که از اول عمر کرده آمرزیده گردد ایضاً منقول است که شخصی بخدمت امام
محمد باقر ع عرض نمود که چگونه شب قدر را بشناسم فرمود که چون ماه رمضان آید
هر شب سوره حم دخان را صد مرتبه بخواند چون شب بیست و سیم شود تصدیق خواهی نمود انچه سوال
نمودی ایضاً حضرت رسول امیرالمؤمنین ع وصیت نمود که یا علی هرکه سوره دخان را در شب جمعه بخواند
حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد ایضاً خواندن سوره دخان هر شب از ماه رمضان
سنت است و ثواب بسیار دارد سوره الجاثیه سوره جاثیه را هرکه تلاوت کند حق تعالی در قیامت
حساب ستر عورت او کند و او را از ترس عذاب ایمن گرداند و ثواب عظیم است که هرگز
آتش دوزخ نبیند و در بهشت الفردوس رفیق سید انبیا باشد سوره الاحقاف از حضرت پیغمبر ص
مرویست که هرکه بخواند سوره احقاف را بعدد هر ریگی که در دنیاست ده حسنه با وی دهند

و ده سیئه محو کند و ده درجه بردارند و از ترس دنیا و فزع عقبی ایمن گردانند اگر در شب جمعه
بخوانند سوره محمد ص از جناب رسول خدا ص نقل کرده اند که هرکه سوره محمد را بخواند بر خدای
تعالی واجب بود که از نهرهای بهشتی او را آب دهند و هر مؤمنی که این سوره بخواند در ایمان خود
شک نکند و هرگز بفقر و فاقه گرفتار نشود و از خوف سلطان ایمن باشد و هزار فرشته او را
در روز قبر او داخل جا نماید تا بر او نماز گذارد و ثواب آن را با وی دهند و چنین حشر تشییع و
کنند تا که او را نزد خدای تعالی بر قفاء من و امان حاضر سازند و او دایم در امان خدا و
سید انبیا باشد ایضاً از آنحضرت مرویست که هرکه میخواهد حال و حال اعدای ما بداند باید
که سوره محمد را بخواند زیرا که در او آیتی در شان ما و آیتی در باب اعدای ماست مفتاح دویم در
فضیلت و فواید سوره انا فتحنا لک فتحا مبینا است بسند معتبر و قول صحیح منقول است
که ختم سوره فتح در ماه مبارک رجب و شعبان و رمضان بهتر است و شخصی چون خواهد که این
عمل بجا آورد باید که اول غسل کند و صدقه بدهد و روز شنبه شروع کند و در سه طریق در ختم
این سوره منقول است کبیره و متوسطه و صغیره ختم صغیر چنان است که روز شنبه پنج نوبت
بخواند و یکشنبه نیز پنج نوبت بخواند بهمین تا روز جمعه پانزده نوبت بخواند چنانکه در تمام هفته
چهل و یک نوبت خوانده باشد باید که با طهارت باشد و در اثنای قرائت در خلوت باشد
که شخص دیگر او را نبیند و با کسی تکلم نکند و هر بار که در قرائت این سوره فتحا قریبا رسد این دعا
بخوانند ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم لک الدنیا و الآخرة و تعطی

من تشاء و تمنع عمن تشاء اللهم انک غنی فاغننی من الفقر و العیلة
و اقض دینی و قطنی فی عبادک و ارزقنی جهادا فی سبیلک برحمتک
یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بکلماتک و معاقد عرشک و سکان
سمواتک و انبیائک و رسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری
عسرا فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل من امری فرجا
و مخرجا و من العسر یسرا بفضلک و کرمک یا ارحم الراحمین مالک
یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین و هر بار که سوره مبارکه تمام شود
سوره اذا جاء نصر الله و الم نشرح و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
احد و معوذتین را یکبار بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند اللهم خلقتنی
و لم اک شیئا و علمتنی و لم اعلم شیئا و رزقتنی و لم املک شیئا و ربیتنی
و ملکت نفسی و ارتکبت المعاصی و انا مقر بذنوبی الهی و ان غفرت فلا
ینقص من ملکک شیء و ان عذبتنی فلا یزید فی سلطانک شیء تجد
من تعذبه غیری و لا اجد من یرحمنی غیرک اسئلک بعزتک ان تغفر لی
و ترحمنی و ترزقنی و تجابنی و تعطینی و تقضی حاجاتی یا ارحم الراحمین
بعد از آن حاجت خود را از خدا بخواهد برآورده است ایضاً ختم صغیر ختم صغیر طریق دیگر ذکر کرده اند
و آن چنان است که روز شنبه ابتدا کند یکبار بخواند و روز یکشنبه دو بار و همچنین

روز یکبار زیاده کند تا روز جمعه هفت بار بخواند چون فتحا قریبا اول رسد دعای مذکور فتح
قریبا مذکور شد انکاه کرر برحمتک یا ارحم الراحمین اول بخواند چون فتحا قریبا
ثانی رسد این دعا را بخواند ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین
و چون بمحمد رسول الله رسد مطلب خود را در دل بگذراند و چون سوره تمام شود دعای یا من تقضی
الامور نا با کرم با الجابر ختم و ثواب بخوانند انگاه بگو تحصنت بذی الملک
و الملکوت و اعتصمت بذی العزة و الجبروت و حفظ الله و امان الله من شر الوسواس جمیعا
بحق کهیعص و حمعسق لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ختم متوسط چنان است
که روز شنبه افتتاح کند و یکبار بخوانند روز یکشنبه دو بار روز دوشنبه سه بار همچنان هر روز
یکبار زیاد تا چهل و یک روز روز چهل و یکم چهل و یکبار بخوانند و روز اول و دهم و بیستم و سی ام و چهلم
و چهل و یکم روزه بدارد و غسل کند و افطار بشیر مینی نماید قسمت دیگر رویت آن را بدهد و هر بار که سوره
انا فتحنا تمام شود سوره اذا جاء نصر الله را بخوانند و بعد از آن دعای یا من اذا تضایقت الامور تا آخر
بخوانند و مطلب خود را عرض نماید ختم کبیر آنست که روز شنبه افتتاح کند و چهل و یکروز
تا چهل و یکبار بخواند و باقی آداب آن مثل ختم متوسط است ایضاً در فضیلت سوره فتح است
در خواص القرآن از حضرت رسول ص روایت شده که هرکه این سوره را بخواند همچون کسی است که
با حضرت محمد ص در روز فتح مکه حاضر بوده باشد و روایت دیگر چنان است که با اصحاب حضرت
در مبایعه متابعت نموده باشد مرویست که چون حضرت از مدینه مراجعت نمود از دور

دیدیم که ناقه حضرت گران شده و از رفتار باز ماند چون بخدمت حضرت رسیدیم اثر
فرح و سرور در جبین مبارکش مشاهده کردیم سبب از او پرسیدیم فرمودند الحال سوره‌ای بر من
فرود آمد که بهترین همه دنیا است سوره فتح از حضرت صادق آل محمد روایت شده که در حصار اموال
و زنان خویش و اموال دارید خود را و مال خود را هر روز بخوانید بیمار شوید و نقصان نفس و مال
و اهل نیابید ایضاً در کتاب منهاج الفلاح از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که در
اول ماه رمضان سوره فتح بخواند تا آخر سال جمیع آفات و بلیات از و دور گردد ایضاً
در کتاب روضة الاذکار از مولای ما حضرت صادق ع مرویست که هر گاه کسی غسل کند در شب
اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد پاکیزه و بعزت باشد تا رمضان دیگر
ایضاً از آنحضرت مرویست کسی که خواهد که فارش بدن او برطرف شود غسل کند در اول
ماه رمضان بدانکه کسی چنین کند ایمن شود از فارش بدن و از بیماری تا رمضان دیگر
از آنحضرت مرویست کسیکه در هر روز یک کف گلاب بر روی خود بپاشد ایمن شود
از ذلت و فقر و در اثر دیگر کسیکه در اول سال گلاب بر سر خود ریزد ایمن شود از سرسام
و لهذا اهل الاسلام اول سال بقول آنحضرت اول ماه رمضان است سوره ق روایتست
از حضرت پیغمبر صلی الله که قاری این سوره را سکرات مرگ آسان بود و قبر بروی تنگ نگردد
و روزی بر او فراخ گردد و در آخرت نامه اعمال او را بدست راست او دهند و حساب
حساب او آسان نمایند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که در فرایض

و نوافل بقرائت مداومت نماید خداوند عالم روزی او را وسیع گرداند و نامه عملش را
بدست راستش دهد و حساب او آسان گذرد سوره والذاریات هر که سوره والذاریات را بخواند
بعدد هر بادی که در دنیا است و می‌جهد حق تعالی ده حسنه در نامه اعمال او بنویسد و ده
سیئه محو کند و او را بیامرزد هر که در شب و یا روز بخواند حق تعالی معیشت او را اصلاح
و ارزاق و روزیش فراخ گرداند و نوری در قبر او بیافریند تا روز قیامت قبر او با نور نور
باشد سوره الطور از همان حضرت مرویست که هر که بخواهد بر خدای تعالی واجب باشد
که او را از عذاب ایمن گرداند و در بهشت نعیم نعمت عظیم یابد و خیر دنیا و آخرت با او دهند
سوره طور بخواند سوره والنجم از همان حضرت مرویست که هر که این سوره را بخواند بعدد هر که
تصدیق آنحضرت کرده اند و هر که تکذیب او کرده ده حسنه در نامه عمل او بنویسند و از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که هر که مداومت کند بقرائت آن هر روز یا هر شب زندگانی
کند پسندیده و نیکو در میان مردمان بوده باشد آخر زندگی و محبوب در میان مردمان
سوره القمر از حضرت رسول صلعم منقول است هر که قرائت این سوره روزی نه
دیگر کند روز قیامت که مبعوث شود روی او چون قمر باشد در شب بدر و در
خروج از قبر بر ناقه بهشت سوار کرده به بهشت رود سوره الرحمن در فضیلت سوره
مبارکه الرحمن در جوامع السور مرویست از جناب ختمی مآب که هر که تلاوت کند سوره
الرحمن را از شکر نعمت الهی را بجا آورده باشد خدای تعالی بر ضعیفی و عاجزی او رحم کند و نیز

از همان جناب منقول است که هر چیزی را عروسی است و عروس قرآن الرحمن است
و از همان کتاب از جناب صادق آل محمد ع روایت شده که فرمود این سوره در
دل منافقان قرار نگیرد و در روز قیامت نزد پروردگار خواهد آید بصورت بشری نیکو
و خوشبوی در موقفی بایستد که اهل محشر عظام قرب الهی از او نزدیکتر نباشد
حق سبحانه و تعالی با او خطاب فرماید که چه کسان در دنیا بتلاوت و قرائت
تو مشغول بودند عرض کند که فلان و فلان حق تعالی روی ایشان را سفید و نورانی
گرداند و فرماید بایشان هر کرا دوست میدارید شفاعت کنید پس ایشان
هر که را خواهند شفاعت کنند و خدای تعالی فرماید که بروید در بهشت منزل
سکنت کنید که هر چه لذت نفس شما باشد در آنجا موجود و مهیا است از جناب
مستطاب جعفری صلوات الله علیه که واجب که سوره الرحمن را در هر صبح تلاوت کنند
چون فبای آلاء ربکما تکذبان بخوانند بگویند لا بشیء من آلائک رب اکذب
گفته شود یعنی ای پروردگار ما هیچ چیز از نعمتهای ترا تکذیب نمیکنیم ایضاً از همان
جناب مرویست که هر که در شب این سوره را بخواند بعد از آن که فرو رفته خدای تعالی
فرشته را موکل گرداند که موکل او باشند تا صبح و ده ملک موکل گرداند تا شب
ایضاً از جابر انصاری نقل است که جناب رسول خدا فرمودند این سوره را بر جنیان خواندند تا آخر
و بهتر از آن فرمود جنیان شما را که قاری شنیدند جنیان از شما نیکوتر اند در رد

جواب من هیچ بخواندم فبای آلاء ربکما تکذبان مگر آنکه ایشان در جواب گفتند
لا بشیء من آلائک ربنا نکذب فلک الحمد یعنی هیچ از نعمتهای ترا تکذیب نکردیم
ای پروردگار ما ترا است ستایش و شکر هر که در شب یا روز بخواند در شب یا روز بمیرد شهید
مرده باشد سوره واقعه در فضیلت سوره واقعه از جناب موسی بن جعفر ع روایت شده است که
هر که سوره واقعه در هر شب پیش از آنکه بخوابد ملاقات کند با خدای عز و جل روی او چون ماه
شب چهارده باشد ایضاً از همان حضرت است که هر که قرائت کند هر شب جمعه سوره
واقعه را دوست دارد او را خدای تعالی و دوستی او را در دل مردمان اندازد و در دنیا هرگز فقیری
و بدی و آفتی نه از آفات دنیا ببیند حضرت امیر المؤمنین ع مرویست ایضاً در کتاب منظر
که از نماز شام تلاوت نماید خدای تعالی او را توانگر گرداند تا چهل شب است و فقر
او را فرو نشود اگر مداومت نماید اندک زمانی صاحب مال و جلال گردد بعون الله تعالی
ایضاً از آنجمله است طریقه ختم سوره اذا وقعه کسی که خواهد توانگر گردد و روزی او وسعت
بهم رساند باید چهل روز بخواند باین طریق که روز چهارشنبه وقت نماز عصر غسل کند و بعد از آن
نماز عصر کند چون فارغ شود یکبار سوره واقعه را بخواند و روز دیگر که روز پنجشنبه است بعد از
نماز عصر دو مرتبه بخواند و روز سیم سه مرتبه و همچنان روز بروز زیاد کنند تا روز چهلم چهل بار
بخواند بنحوی که پیش از غروب از خواندن فارغ شود و اگر نرسد و اگر ترسد که وقت تنگ باشد
پیش از وقت شروع کند خداوند عالم مال بسیار باو عطا کند که حاجت برسد و خوشحال شود

که همه آن از وجه حلال باشد بیست و یکم مرویست که هر کس مداومت کند بخواندن سورة الواقعه هر روز از نماز
خفتن وسیع روزی گردد و در مابین نماز مغرب و خفتن نیز گفته‌اند و بعضی بعد از مغرب را
جهت نفع دنیا گفته‌اند و بعد از خفتن را جهت نفع دنیا گفته‌اند با آخرت چون سوره تمام کرد
این دعا را بخواند اللهم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح لنا ابواب
و یسر علینا الحساب اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی
الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فیسره وان
کان یسیرا فکثره وان کان کثیرا فخلده وان کان حلالا فطیبه وان
کان حراما فحلله وان کان حلالا فطیبه وان کان طیبا فبارک لی انک
علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین برحمتک یا
ارحم الراحمین بیست و دوم طریقه ختم دیگر از او و قعه ابتدا از شب جمعه کند و شش نوبت بخواند و
از شب جمعه دیگر است هر شب پنج نوبت بخواند و هر وقت که سوره شریفه را تمام کند دعای مذکور را
بخوانند سورة الحدید از حضرت خیر البشر شفیع یوم محشر حضرت پیغمبر صلی الله منقول است
که هر که تلاوت سوره مزبوره نماید در نامه عمل او ثبت کنند که او از حزب خدا است و هیچ کس
بر او فایق نشود و در چشم مردم عزیز و با شوکت و جلالت و قدر باشد بیست و سوم در فضیلت
و خواص سوره الحشر از حضرت رسالت پناه صلعم مرویست که هر که قرائت کند سوره مبارکه
حشر را از جنت و نار و عرش و کرسی و لوح و قلم و حجابهای هفت آسمان و هفت زمین

و ریاح و هوام و وحوش و طیور و دواب و شجر و شمس و قمر و ملائکة الله که صلوات بر او فرستند و
استغفار نمایند برای او و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد ششم این حدیث از جناب
مقدس نبوی صلی الله علیه و آله روایت است که هر کس سوره حشر را بخواند حق تعالی گناهان گذشته
و آینده او را بیامرزد هفتم هر کس سوره الرحمن و حشر را بخواند حق تعالی فرشته بخانه او فرستد
که شمشیر کشیده باشند و دعا و طلب آمرزش از برای او کنند تا روز شود هشتم در فضایل سوره حشر گویند او را
خدای تعالی گناهان متقدم و متأخر او را بیامرزد نهم از جناب عزت مروی است که
سوره مبارکه حشر را بخواند عرش و کرسی و بهشت و دوزخ و آسمان و زمین بر او آفرین کنند
و استغفار کنند و شهید از عالم بیرون رود دهم فرموده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که
سوره حشر را بخواند شر دنیا و آخرت از او دور باشد یازدهم از حضرت امام ناطق امام جعفر
صادق علیه السلام که این سوره بجهت حصول مطالب و دفع مقاصد و چهل و یک روز هر روز یکبار بخواند
و اگر روزی فوت شود باز از سر گیرد و بخواند البته آنچه مطلب و مقصد که در دل دارد حاصل شود
روا گردد دوازدهم بعضی از اکابر دین فرموده‌اند جهت بر آمدن حاجت و مهمات اگر وضو سازد و
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از فاتحة الکتاب این سوره مبارکه را یکبار بخواند
و در رکوع نیز بخوانند هر حاجت که دارد نزد وی بر آید و اگر این سوره را در جام نقید
بنویسد و با آب باران بشوید و بخورد نسیان و فراموشی از او زایل شود و قوت حافظه بهم رساند
و اکابر و مشایخ این سوره کریمه را اسرار غریبه و آثار عجیبه فرموده‌اند و در این باب مبالغه نموده‌اند

کرده‌اند و فرموده‌اند که مردم تا اهل در میان نیاورند و از اهل دریغ ندارند و شرایط آن
آن بوجهی رعایت کنند و به اعتقاد تمام در فرا گرفتن این سوره شروع نمایند که آثار عجیب
مشاهده است و حضرت سید الدین ... قدس سره که از اکابر دین است
و از جمله متمکنین است از طرف اسناد ادعیه و اوراد از متقدمان روزگار کتابی
تألیف کرده‌اند از اوراد و اسرار و حقایق ارجمند از شرح اسماء الله و شرح سوره و آیات
قرآنی ذکر کرده‌اند و آن موسوم است بفواید صلیه از آنجمله در فضایل این سوره ایراد
کرده‌اند که اصل الباب جهان را در دادن دعوت سوره کریمه حشر است که در این
کار عنبر لشتون است و کسی چون بدو صاحب دعوت گردد و در جمیع ادعیه و اوراد خود
در حرز یمانی و جذب البحر و تسبیع ادعیه تا دعوت این سوره نکنند از هیچ کار اعتماد بر
رجال و زنان کرد و دعوت این سوره در نوع است نوع اول در کتاب در النظیم نیز
مذکور است که اول روز پنجشنبه و جمعه روزه بدارند و روز جمعه ابتدا بدعوت کنند تا چهل
یک روز هر روزی چهل یکبار بخوانند و اصل آنست که با کسی سخن نگوید و در هر گاه خوانده باید
در این چهل روز بخور و زر ترک نکنند و اگر ترک کنند باز از سر گیرد و در حق شروع ابتدای
خواندن چهل یکبار صلوات فرستند بر محمد و آل او صلوات الله و بعد از آن سر بسجده نهد و
بگوید خدایا این دعوت را خیر گردان و نفس مرا اکسیر او گردان هر دعا که خوانم
به هر نیت که باشد مؤثر گردان البته دم نفس او اکسیر شود بعد از اتمام اگر بر کوه بخواند
از جا

از جا برود بفرمان خدای تعالی باید که در شش موضع هر دفعه بایستد و سه مرتبه بگوید یا حی
یا قیوم و هر روز که تمام کند چیزی تصدق کند و در روز آخر گوسفندی بکشد و چهل و یک نان
با تمر و حلوا ترتیب کند و بمردم اهل طاعت بدهد یا بدرویش و مومن تصدق کند البته آثار عجیبه ظاهر گردد
و دشمنان نگون شود که در هر امری که شروع کنند بر دشمن غالب گردد و در نزد ارباب این فن تا کسی
دعوت سوره حشر نکند رجال او اعتمادی نیست و شش موضع که مذکور است اول لولا
ان کتب الله دوم ما افاء الله علی رسوله سیم الفقراء المهاجرین چهارم
والذین تبوؤا الدار پنجم لانتم اشد رهبة ششم لا یستوی اصحاب
النار و اصحاب الجنة وطریقه آنست که هر روز بعد از اتمام این سوره اسماء عظام را
هفت نوبت بخواند و چون در تقسیم سوره و ادعیه آنچه فرموده‌اند این سوره بقبیله بحضرت عیسی ع
مخصوص است و از طریقه ائمه معصومین ابو الحسن علی بن موسی الرضا الف الاف التحیة والثناء است
از اولیاء باید که ابتدا کند بجهت ترویح ارواح مطهره ایشان فاتحة الکتاب و اخلاص بخوانند
آنست که چهل روز دعوت کنند هر روز یکی اضافه کند تا روز چهلم چهل و یکبار
شود شرایطی که در دعوت اول مذکور شد رعایت کند باید که حلال خورد و حلال پوشد و
حلال کند و بعضی از اکابر دیده شده که بعد از دعوت در روز آخر گوسفندی ذبح کند
و طعام به مستحقین بدهند و با چهل نان کرده حلوا و مرغان بدهند و از بسیار از اکابر دیگر
منقول است که این از فواید است در سرعت اثر اجابت دارد و بعد از اتمام هر روز اسماء را

هفت بار بخوانند اکابر از حضرت صاحب الزمان نقل میکنند بسم الله حسبی الله
رضیت بالله توکلت علی الله اعتصمت بالله فوضت امری الی الله ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین
ایضاً طریقه دیگر ختم سوره مبارکه حشر در روز اول ماه شروع کند هر روز یکبار بخوانند تا
چهل ویکروز تمام شود باین طریق که بخوانند روز اول یک مرتبه روز دوم دو مرتبه هر روز یک
اضافه نماید تا روز چهل ویکم چهل ویکبار بخواند و چون بآیه ولولا ان کتب الله
علیهم رسد بگوید یا حی یا قیوم یا الله سه بار و چون بآیه والذین ما افاء الله
رسد سه نوبت بگوید یا حی یا قیوم یا الله و چون بآیه الفقراء ولکنها رسد
سه بار بگوید یا حی یا قیوم یا الله چون بآیه لانتم اشد رهبة رسد سه بار بگوید
یا حی یا قیوم یا الله و چون بآیه لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة سه بار
بگوید یا حی یا قیوم یا الله در هر آیه که یا حی یا قیوم بخواند هر طلب شرعی که دارد بطلبد
بزودی مستجاب شود ایضاً نوع دیگر ختم سوره حشر و این بر سه نوع است اول کبیر است هر روز
چهل ویکبار بخوانند تا چهل ویکروز باید ابتدا از اول ماه کند که زاید النور است دوم
متوسط است و آن چنانست که هر روز یکبار یکبار را اضافه کنند تا چهل ویکم چهل ویکبار رسیده
باشد سیم صغیر است و آن چنانست هر روز یکبار بخوانند تا چهل ویکروز باید در
اثنای ختم سخن نگوید و در مکان خلوت بوده باشد و از روی توجه تمام مداومت نماید

با طهارت باشد و رو بقبله این ختم از مجربات است و مردم عجایب بسیار دیده اند و
حظ کرده پس اول سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد آنگاه شروع در خواندن
سوره حشر نماید چون هر بار سوره تمام کند شروع در خواندن این دعا کند بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم یا ذا العرش الکریم والعطاء العظیم والصراط المستقیم یا مرسل
الریاح ویا باعث الارواح ویا ذا الجود والسخاء یا الله یا رحمن یا رحیم اسئلك
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تنجینی من هذا الغم پس هر مطلبی که دارد در وقت
توجه خاطر گذراند و اگر بر زبان راند می تواند هر روز ان بگوید وحسبك یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله اجمعین ایضاً طریق خواندن آیه آخر سوره
حشر در تفسیر منهج مذکور است که ابو هریره از حضرت رسول صلعم روایت کند که آنحضرت
فرمود از جبرئیل پرسیدم از اسم اعظم جواب داد که علیک باخر سوره الحشر فاکثر قرائته
بر تو باد که در آخر سوره حشر پس بسیار گردان قرائت را باز دو مرتبه و سه مرتبه پرسیدم همین
جواب را گفت ایضاً سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که حضرت رسول صلعم فرمود
که اسم اعظم در شش آیات فی آخر الحشر یعنی اسم اعظم در شش آیه است که در آخر سوره
حشر است ایضاً معقل ابن یسار از حضرت رسول صلعم نقل میکند که هر که در هر صباح سه بار
بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و سه آیه از آخر سوره حشر بخواند حق تعالی هفتاد هزار ملک
فرستد که بر او موکل باشند تا روز نگاه دارند از جمیع آفات و ناخوشی ها و صلوات

وصلوات برا او می دهند تا شب و اگر در آن روز بمیرد شهید مرده باشد و اگر در شب همین
وبهمین صورت در شب بخواند همین منزلت را دارد تا و هو العزیز الحکیم سوره الممتحنه از حضرت
پیغمبر صلعم روایت شده هر که این سوره را بخواند حق تعالی او را با ایمان از دنیا برد و چشم دلش را
روشن گرداند و هر که در وقت دلتنگی با او در دلش رسد و از حضرت امام زین العابدین ع منقول است
که هر که قرائت کند در فرایض و نوافل خود در امتحان کند حق تعالی دل او را برای ایمان
روشن سازد و هرگز فقیر و مجنون در خود و فرزندانش و هر که در نماز بخواند عزیز شود نزد
مردمان و ستایش کنند او را سوره صف از حضرت پیغمبر صلعم روایت شده که هر که بخواند او را
حضرت عیسی ع برای او استغفار کند و صلوات فرستد و در قیامت ثواب حواریان
باو دهند سوره الجمعه در فضل سوره جمعه در جواهر التفسیر مذکور است از جناب ختمی مآب
که هر که بخواند سوره را بود هر که در شهرهای اسلام نماز جمعه حاضر شوند او را ده حسنه بنویسند
ایضاً هر که قرائت کند این سوره را در شب و روز جمعه تمام ایمن گردد از وسوسه شیطان
و آیه ذلك فضل الله را از آن برسانند در هر چیز گذارد خیر و برکت بهم رسانند و محفوظ ماند
سوره المنافقین از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که این سوره را بخواند از نفاق بری
شود و از شر منافقان ایمن گردد سوره التغابن از همان حضرت روایت شده که هر که این
سوره را بخواند از مرگ مفاجات ایمن گردد و هر که در فریضه بخواند در قیامت این سوره شفیع
او گردد و از او مفارقت نکنند تا در بهشتش درآرند سوره طلاق هر که این سوره بخواند از مرگ

مفاجات ایمن گردد و هر که در فرایض بخواند روز قیامت شافع او گردد و به بهشت درآرد
ایضاً در کتاب درة الفاخره مسطور است که جمعی در کشتی نشسته بودند شنیدند که هاتفی آواز
داد که کیست که ده هزار دینار بدهد و بعوض آن کلمه تعلیم او کنم که هر گاه غمی باو برسد باعث فرج او
باشد این را بخوانند از آن ورطه نجات یابد پس از آن جماعت یکی برخواست و گفت من
این معامله میکنم و با خود ده هزار دینار در کشتی آورده گفت ای هاتف این معامله میکنم
و تعلیم کن مرا آن کلمه را هاتف گفت مال را بدریا افکن و هرگاه غمی یا مصیبتی برو رو دهد
بگو ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا آن مرد
ده هزار دینار را بدریا افکند و این کلمات را فرا گرفت و ساکنان کشتی او را ملامت
میکردند که مال خود را ضایع کردی و آن شخص در جواب میگفت که در اینها در حقیقت منفعت
این نیست و بعد از چند روز دریا طوفان شد و کشتی شکست و مردم آن هلاک شدند
بغیر آن شخص سالم ماند و تخته چوبی بدست او آمد و خود را بجزیره رسانید و در آنجا قصری بسیار عالی دید
و مال بیشماری و در پیش آن زن صاحب جمالی بود از او پرسید که کیستی گفت من دختر مرد
بصره و پدرم مرا بسیار دوست میداشت و وقتی که بسفری میرفت مرا با خود همراه داشت ناگاه
روزی در دریا بودیم که شیطان مرا ربود و باین جزیره آورد و هفت روز یکمرتبه نزد من می آید
و ملاعبه میکند و امروز روز آمدن او است بر حذر باش که مبادا آسیبی از او بتو رسد و بدان

ودر شنو هنوز کلام او تمام نشده بود که دیدم هوا تیره و غباری بلند شد آن زن گفت
البته اگر شیطان که میگفتم آمد و نزد این مرد که تو را هلاک میکند وقتی که نزدیک شد آنچه
مذکور را خواندم و او در سم کردید و افتاد و ما شد خاکستر سوخته شد و آن زن فریاد زد
که تو چه کس بودی که مرا از شر این ملعون خبیث نجات دادی گفتم بنده خدایم و قصه حیوان با
وحیین ست آنچه بود دیده بود از برای آن زن نقل کرد و او شکر خدا را بجا آورده پس از آن
طلا و جواهر و نفایس بسیار در آن جزیره بود جمع کردیم و روزها در آن جزیره در سبز و تفرج بودیم
و شبها القصه عود میخوردیم تا آنکه روزی از دور کشتی دیدیم و متوجه آن شدیم و آنچه داشتیم
جمع کرده با خود در کشتی در آوردیم و نشسته و بسلامت خود داخل بصره شدیم و بدر خانه آن زن
و صاحب خانه را با مردان آن زن بشارت دادیم و تمامی اهل خانه سر در رو شاد شدند و مراد آن
زن که خانه بردند و از آن صلاح مرا [illegible] خواستگاری آن زن نمودم داد در عقد نکاح
نمودند و جواهری که با خود بودم تمام را بخود کردیم و امروز در لعنت اهل بصره منم و این بغیر از دلالت
ملاقی ختم آیه مبارکه و من یتق الله حضرت ابراهیم خلیل از حضرت رسالت پناه ص
روایت شده که هر که خواهد که کثرت رزق و سامان دنیا تحصیل کند این آیه مبارکه را
باید که ابتدای ختم این آیه کریمه را از روز جمعه یا دو شنبه یا پنجشنبه نماید و چهل روز بخواند
و افضل آنست که بعد از نماز بامداد بخواند هر روز صد و پنجاه و نه نوبت و در روز چهلم یکصد و هفتاد
و نه نوبت بخواند که در چهل روز شش هزار و سیصد و شصت مرتبه باعداد حروف آیه است

خوانده شود البته بعد از خواندن بلکه در اثنای ختم حق جل و علا دریای کشف بیدا [illegible] در وقتی که شروع
میکند باید که اول غسل کند و دو رکعت نماز کند و صد نوبت صلوات بفرستد و نیت طلب
در عقفا و کامل شروع نماید و در روز چهلم که تمام شود صد نوبت صلوات فرستد و بعد از آن دعا کند
حق تعالی چندان مال بوی بدهد که از محاسبه آن عاجز شود و چون شروع در ختم کند باید که قرار دهد
که در دهه اول فتح شب و اگر در دهه اول فتح نشود در دهه دویم و سیم و آخر البته مراد حاصل شود
و ممکن نیست که فتح نشود و اگر احیانا در چهلم فتح نشود ختم را از سر گیرد بفرمان خدای تعالی در ختم
دویم مراد حاصل است بی شک تبارک و تعالی این است آیه شریفه و من یتق الله یجعل له
مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا سوره تحریم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقول است که هر که این سوره را بخواند حق تعالی توبه نصوح او را کرامت فرماید مفتاح الجنة
در فضل قرائت سوره مبارکه الملک که در خواص النور و غیره از جناب رسالت مآب
حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که این سوره را بخواند روز حشر بر بالای [illegible] فرشتگان
ایستاده باشد و روی او مانند روی یوسف باشد و چون رو در قبر نهند فرشتگان عذاب
از پایین قبر برون و فرشتهای رحمت بالشان گویند که شما را بر این مرد راهی نیست
که او بر قرائت سوره تبارک مداومت نموده است و بر تربیت او هم کار ما نباشد که
قرائت سوره تبارک کرده است ایضا در کافی از حضرت ابی جعفر مروی است که همراه آن

[illegible] که سوره الملک مانعه است که مانع می شود از عذاب قبر و آن مکتوب است در
تورات باسم سوره الملک و هر که قرائت کند آنرا در شب خیر بسیار و فضل [illegible]
در او نوشته شود از جمله غافلان [illegible] میکنم [illegible] بعد از نماز خفتن نشسته ما ما
مراد نماز وتیره است [illegible] که پدرم [illegible] بود که قرائت میکرد آنرا در شب و روز هر که او در قرائت
نماید چون نکیر و منکر داخل شوند بر او در قبرش از جانب پایش گویند با بیهامش که شما
با آنچه در جانب سر است راهی نیست تحقیقی که بود این بنده که قیام میکرد بر من سوره تبارک قرائت
میکرد و سوره الملک را هر روز و شب و چون از طرف جوف تر آیند گوید شما را آنچه
در جانب سر است راه نیست که این بنده بود که مرا ادعا [illegible] و ظرف سوره الملک ساخته
بود و چون از جانب زبانش آیند گوید شما را با آنچه در جانب سر است راهی نیست تحقیق
که بود این بنده که قرائت میکرد بر من هر روز و شب سوره الملک را و در نسخه دیگر [illegible]
عزیز و شیرین کرد [illegible] مغز [illegible] ایضا از همان حضرت روایت است که
هر که بخواند سوره را در نماز واجبی پیش از آنکه بخوابد پیوسته در امان خدای تعالی باشد تا صبح
و در امان خدا باشد تا روز قیامت تا داخل بهشت شود ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت است
که سوره در قرآن است که سی آیه بیش نیست و در قیامت شفاعت قاری خود کند
و او را از آتش برهاند و به بهشت درآورد و آن تبارک است طریق ختم سوره
تبارک الذی بیده الملک هر کس اراده داشته باشد که بخواند طریقش آنست که در روز اول

دهم یا سیم هر روز بیست و یکبار سوره قل اوحی بخواند چون نماز صبح بگذارد هفت بار سوره
قل اوحی بخواند چون نماز ظهر بگذارد هفت بار سوره قل [illegible] بخواند و چون نماز عصر را نماید
باز هفت بار بخواند بعد از آن سه روز چهل و یک سوره تبارک بخواند هر روز دوازده بار که بار
ختم نماید ثواب آن را بروح مبارک امام ختم نماید چون بدین عمل نماید [illegible] شده باشد
و بعد از آن بهر نیت که سوره تبارک بخواند البته مقصود حاصل شود باذن الله تعالی چنین
گویند که یکی از اصحاب دعوه این ورد نموده بود پادشاه وی را غضب کرد و حبس فرمود
زنجیر گران بر دست و پای وی نهادند و در زندان انداختند و در شب [illegible] آن شخص
بدعوت مشغول شد سوره را [illegible] تمام نخوانده بود که زنجیر از دست و پای وی کشیده
موکلان چون چنان دیدند باز زنجیر دست و پای وی را محکم نمودند چون ساعتی گذشت زنجیر
از دست و پای وی کشیده شد چون این حال را چند بار مشاهده نمودند بسمع پادشاه رسانیدند
چون پادشاه این سخن شنید خود آمده زنجیر بر دست و پای وی محکم کرد و نشست ساعتی
از دست و پای وی کشیده شد پادشاه متحیر گردید گفت ای مرد خدا حقیقت [illegible] که او را بر راستی
[illegible] که این بند را از دست و پای تو که میکشد و چگونه می کشد که چه عمل میکنی پس آن مرد گفت
که من سوره از سورهای قرآن را مداومت می نمایم که بهر نیت میخوانم آن سوره را انجام [illegible] المقصود حاصل
می شود اگر خواهم که عالم را بر هم زنم می توانم و برق و صاعقه و طوفان برانگیزانم چون سوره را
بخوانم بهر نیتی که اراده کرده ام مطلب حاصل شود و اگر کسی را مشکلی پیش آید باید که مداومت [illegible]

ماند و یاور کار خود حیران گشته باشد چون باین سوره شریف رجوع کند البته جمیع مهمات
وی کفایت شود بشتاب نکند و هر که باین سوره رجوع کند البته نظر الهی بروی باشد
و بدولت رسد و دل او چنان روشن شود که هر چه بشنود یاد گیرد و هر چه از او پرسند جواب
گوید و اگر همیشه بخواند این سوره را چنان باشد که هر دفینه که در روی زمین باشد او را معلوم گردد
سورة ن از حضرت رسول خدا صلعم روایتست که هر که سوره ن والقلم بخواند خدای تعالی جمیع
ثواب جماعتی که حسن الاخلاق باشند باو کرامت فرماید و از چشم بدان در امان باشد
ایضا در خلاصة المنهج مسطورست که حق تعالی زمین را بیافرید و او را از هم بگشاد [illegible] هفت
طبقه کرد و فرشته خلق کرد و دستها از مغرب تا مشرق بکشید و این زمین را بر دوش گرفت
و برای قرار وی گاوی از فردوس بفرستاد که او را چهل هزار قوایم بود و او قدم بر کوه
آن نهاد و چون قدم او بر بالای کوهان رسید در تزلزل بود یاقوتی آفرید که ضخامت
و طول و عرض آن مسافت پانصد سال راه بود او را بر بالای کوهان نهاد و آن فرشته قدم
بر یاقوت نهاد قرار گرفت و برای قرارگاه قوایم گاو سنگ سبزی آفرید که سنگ
آن عبور ز کتاف هفت آسمان و هفت زمین است و آن سنگیست که لقمان به پسر خود
فرمود که یَا بُنَیَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ و لهذا از
آن برای قرارگاه آن صخره نون آفرید و آن سنگ را بر پشت وی نهاد و باقی [illegible]
وی چیزی بر بالای آن نیست و نون بر پشت ماهی است و آن ماهی بر آب است و آب بر باد

و باد بقدرت خدای تعالی ایستاده است و از کعب الاحبار مرویست که ماهی را وسوسه
ابلیس خواست که بجنبد آنچه بر پشت وی است جنبید از دهن تعالی جانوری بیافرید تا در بینی او
رفت و بدماغ وی برسید ماهی بنالید فرمان رسید که بیرون آمد و در برابر وی ایستاد تا
که اگر عزیمت جنبیدن کند بدماغ وی رود ماهی از خوف این ساکن شد ایضا از قتاده
نقلست که مراد بنون دوات است و از امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که حضرت رسول صلی الله
فرمود که ن نهریست در بهشت که حق تعالی مر او را گفت کن مدادا فی الحال منجمد شد
و آن از شیر سفیدتر و از شهد شیرینتر و بعد از آن قلم امر کرد که اکتب پس قلم هر چه را که بود
هست و خواهد بود تا روز قیامت نوشت ایضا ابوهریره از افضل موجودات جناب رسول
صلی الله علیه و آله روایت نموده که اول چیزی که خدای تعالی بیافرید پس نظر بهیبت در او نگاه
کرد شکافته شد و بعد از آن ن را بیافرید و آن دوات است و قلم از آن دوات نوشت
هر چیز که تا روز قیامت حادث شود ایضا از ابن عباس روایتست که اول چیزی که خدای
تعالی از نور محمد صلعم که جدا شده بود و بعد از آن آن موج بسر قلم برود جاری شد و آنچه خواهد
بود تا روز قیامت مرقوم گشت و بعد از آن بخاری از آب برآمد و از آن آسمان مخلوق
شد و بعد از آن نون را آفرید و زمین را بر پشت وی نهاد و هر گاه نون بجنبید
زمین بحرکت در می‌آمد پس کوهها آفرید و میخهای زمین گردانید تا قرار گرفت پس این
آیه را تلاوت نمود که ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ سورة الحاقة از حضرت رسول صلعم

روایتست که هر که این سوره را بخواند روز قیامت حساب او را آسان کنند و هر که بار بار
این سوره را بخواند خدای تعالی او را از فتنه دجال نگهدارد و اگر تمام بخواند نوری گرد او از
سر تا قدم او را فرا گیرد سورة المعارج از همان حضرت روایت شده که هر که بخواند ثواب
روزه و حج و زکوة دهنده را خدای تعالی باو دهد و در نامه اعمال او ثبت کنند و از جعفر ع
فرمود که قرائت این سوره بسیار کنید که هر که بخواند و مداومت نماید حق تعالی در روز قیامت
از گناهان او نپرسد و او را هم نشین محمد و آل او کنند سورة نوح از همان حضرت روایتست
که هر که بخواند در فرق دعای او مستجاب شود و ثلث جنان باو عطا فرمایند و در بهشت حور العین
و چهار هزار ثیبه باو دهند سورة المزمل از همان حضرت روایت شده که هر که بخواند
حق تعالی دشواری دنیا و آخرت را از او رفع نماید و هرگز اذیتی باو نرسد و هر که بعد از نماز خفتن
یا در آخر شب بخواند روز و شب بعد افعال صالحه او باشند و این سوره برای او گواهی
دهد و حق تعالی حیات و موت خوش باو کرامت فرماید و خواستند این سوره را هرگز قطع
نشود ایضا در بیان ختم و شرح و خواص این سوره مبارکه است ملا [illegible] اگر کسی سوره مبارکه
یَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ بخواند هیچ عذاب گرفتار نشود و ختم این سوره چهار رکعت است و بعضی
گفته اند یازده بار اگر کسی بخواند جهت مهمی و مطلبی روزی بگذشته باشد که حاجت روا شود
و اگر بر فلک بخوانند زر گردد و اگر کسی را همی و غمی و اندوهی پیش آید چون بخواند اندوه او کم گردد
و اگر در سفر مداومت نماید بسلامت بوطن برسد ایضا ختم این سوره از حضرت صادق ع

منقولست که اول باید چهار رکعت نماز حاجت بگذارد و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
بعد از آن بتلاوت سوره مشغول شود بعد از سوره مبارکه این دعا را بخواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
يَا مُسَبِّبُ سَبِّبْ يَا مُفَتِّحُ فَتِّحْ وَيَا مُفَرِّجُ فَرِّجْ وَيَا مُسَهِّلُ سَهِّلْ وَيَا مُيَسِّرُ يَسِّرْ
وَيَا مُتَمِّمُ تَمِّمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ختم دیگر طریقه ختم سوره مزمل از برای برآمدن
حاجات و قضاء مهمات باید که شب جمعه اول دو بار صلوات و سه بار استغفر الله
الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و سه بار سوره فاتحه و سه بار
آیة الکرسی بخواند و بعد از آن شروع نماید با عوذ و بسمله و چون به آیه رَبُّ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا و چون به آیه وَاللهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
رسد سه بار بگوید یَا مَنْ یُقَدِّرُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ قَدِّرْ لِی قَضَاءَ حَاجَتِی
فَإِنَّكَ قَادِرٌ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و چون به آیه وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ
فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ رسد سه بار بگوید مکرر بخواند و سه بار این دعا کند
اللَّهُمَّ مِنْ فَضْلِكَ أَبْتَغِي وَمِنْ فَضْلِكَ أَرْجُو فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا ذَا الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ و چون تمام کند سه بار استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
و سه بار صلوات فرستد و بعد از آن این دعا را بخواند الهی بحق هذه السورة
الشریفة و بحق اسمائک الشریفة الکرام و بحق یا [illegible] یا شاتانا [illegible] و
بحق یا مهراج و یا عبنهج و بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق محمد النبی [illegible]

فی کتابک العزیز یا ایها المزمل ان تزملنی بردآء لطفک وغاً منبک عن
عیون الباغین والحاسدین وان تقضی حاجتی برحمتک یا ارحم الراحمین

سورة المدثر از حضرت رسول صلی الله روایت شده که هر که این سوره را بخواند بعدد
هر که تصدیق آنحضرت صلی الله علیه واله نموده باشد و تکذیب نکرده او را ده حسنه
دهد و خوانندهٔ این سوره را از صدیقان و شهیدان و صالحان نویسند و از جمیع بلیات
و عقوبات رستگار باشد سورة القیمة از همان حضرت روایت شده هر که بخواند
من و جبرئیل گواهی دهیم در قیامت که او ایمان بروز قیامت داشته و تصدیق
بوقوع آن نموده و در آن روز روشنی روی او بر روهای دیگر غلبه کند و او را امر کنند تا بر جسر
و میزان بگذرد سورة الدهر از آن حضرت روایت شده که هر که بخواند اجر او بر خدا
تعالی جنت و حور باشد و هر که قرائت کند هر با بلا در روز پنجشنبه جفت او گردانند
حق تعالی حور العین هشتصد بکر و چهار هزار ثیبه و بوده باشد بحضرت محمد صلعم سورة المرسلات
از همان حضرت روایت شده که هر که بخواند حق تعالی بفرماید تا در نامه او ثبت کنند که او از
شرکان نیست و از شر جن و انس در پناه خدا باشد و او را در زمره مؤمنان نویسند
و او را به پیغمبر صلی الله علیه واله شناسا گردانند و همنشین آنحضرت باشد سورة عمّ در
فضل قرائت سورهٔ مبارکه عمّ یتساءلون در خواص السور از جناب پیغمبر صلی الله
منقول است که آنحضرت فرمود که هر که بخواند این سوره را خدای عزّوجلّ او را از شراب سرد

بیاشاماند و هر که در روز مداومت کند از آن سال بیرون نرود تا بشرف زیارت
بیت الله الحرام شرف گردد سورة والنازعات از همان حضرت روایت شده هر که بخواند او را
وقوف حساب نباشد او را در عرصه قیامت مگر بقدر صلوات مکتوبه ایضاً روایت
شده هر که بخواند ثواب او چندان که از اول عمر تا آخر عمر بنماز فریضه مشغول بوده و آل
حج و عمره گذارده باشد سورة عبس از همان حضرت روایت شده که هر که بخواند در روز قیامت
خوشحال و خندان باشد در بهشت در ظل ظلیل و کرامت جلیل و از مقربان درگاه
الهی باشد سورة کورت از همان حضرت روایت شده هر که بخواند خدای تعالی او را در پناه
خود گیرد از رسوائی قیامت وقتی که نشر صحیفه او نمایند سوره انفطرت از همان حضرت
روایت شده که هر که بخواند بعدد هر چیزی و هر قطره باران برای او حسنه نویسند و حاجات
کنند ابرا و آسان بود سورة المطففین هر که بخواند حق تعالی در روز قیامت او را از
رحیق مختوم آب دهد و هر که در فریضه بخواند حق تعالی در قیامت او را آتش آزاد گرداند
سوره انشقت از حضرت نبوی روایت شده که هر که بخواند حق تعالی او را در پناه خود نگهدارد
ایضاً سوره مزبور را [illegible] هفت بار بر هر چیز بخواند و بدهد بزن بخورد و طلق
او ماند تا بزودی خلاصی شود سورة البروج هر که بخواند حق تعالی بعدد هر روز جمعه و روز عرفه که در دنیا
بوده باشد ده حسنه کرامت فرماید سورة الطارق هر که بخواند خدای تعالی بعدد هر ستاره
که در آسمان است او را ده حسنه کرامت فرماید سورة الاعلی در خواص السور از جناب

از جناب پیغمبر صلعم منقول است فرمود که هر که سوره اعلی را بخواند حق سبحانه و تعالی بعدد هر حرفی
با ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم و محمد خاتم انزال فرموده در نامه اعمال او نویسند و از
جناب ولایتمآب امیر المؤمنین ع منقول است که جناب ختمی مآب این سوره را
دوست داشتی و فرمودی که اول کسیکه سبحان ربی الاعلی گفت میکائیل بود که چون
عرش خدا را با عظمت و طول و عرض بدید بسجده افتاد و آن تسبیح را در آن سجده گفت
و جناب رسول خدا چون این سوره را خواندی فرمودی سبحان ربی الاعلی و بعده
و حضرت از جبرئیل پرسید که ثواب گوینده این تسبیح در نماز و غیر آن چه باشد
ثواب آن در ترازوی حساب گران تر از عرش و کرسی و کوههای دنیا باشد چون
بنده بگوید سبحان ربی الاعلی حق تعالی فرماید که بنده من راست میگوید انا الاعلی
فوق کل شیئ گواه باشید ای ملائکه که من او را آمرزیدم و چون بمیرد میکائیل زائر
او باشد و در روز قیامت بر پر خود گیرد و او را نزد خدای تعالی حاضر و شافع باشد
ایضاً در خبر آمده که هر که سوره اعلی را تمام نویسد و بر پهلوی راست حامله بندد دلیر گردد
تجربه بعمل مجرب است ایضاً در کتاب علاج الاسقام از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمود
جهة درد گوش هر که سوره اعلی را در گوش صاحب درد بخواند شفا یابد ایضاً از حضرت ابی
عبد الله ع روایت شده که هر که سوره را در هر فریضه یا نافله بخواند روز قیامت باو
ندا رسد که داخل شو به بهشت از هر در که خواهی ایضاً عیاشی از حضرت امیر المؤمنین

در عقب امیر المؤمنین علیه السلام بیست نماز گذاردم آنحضرت غیر از سوره سبح اسم و سبح سوره
دیگر قرائت نمی کرد و فرد اگر میدانستند ثواب این سوره را هر روز بیست نوبت میخواندند
هر که این سوره را قرائت کند گویا قرائت صحف ابراهیم و صحف موسی کرده است سورة
الغاشیه هر که این سوره را بر خورد بخواند و بخورد ایمن شود از شکا معاش سورة الفجر
در خواص السور آورده از فخر موجودات سبحان آفرین ابی و صدر نشین قاب قوسین او ادنی
منقول است که هر که این سوره را در لیالی عشر ذی الحجه بخواند آمرزیده شود و اگر در آن روز
بمیرد بی حساب داخل بهشت شود و هر که در سایر ایام بخواند از برای او نوری گردد در فردای قیامت
و هم آنحضرت فرموده اند که هر که سوره فجر بخوانند در فرایض و نوافل خود حدیثی که این سوره از
حسین بن علی علیه السلام است هر که قرائت کند داده باشد بحسین ابن علی ع در روز قیامت
در درجه او در بهشت ایضاً سوره مبارکه فجر برای دفع افتها و بلاها هفت بار بخوانند
ایضاً هر که سوره مبارکه فجر را یازده مرتبه بخواند در زمان مجامعت کند فرزند نرینه او را
روزی شود که از آن خوشحال گردد سورة البلد هر که این سوره را بخواند در فرایض در دنیا
معروف شود که او از صالحین است و در آخرت مشهور گردد که او مقرب درگاه الهی است
و از رفقای انبیاء و شهدا و صلحا باشد و خدا او [illegible] و او را امان دهد از غضب و خشم
خود سورة والشمس در خواص السور در فضل سوره والشمس از پیغمبر صلی الله علیه واله منقول است
که هر که بخواند این سوره را ثواب و شفقت مثل ثواب کسی باشد که بر هر چیز شعاع آفتاب برآید

افتد در راه خدا تصدق کرده باشد ایضاً در مصباح کفعمی آورده که چون ماده و اشتر نسپید
و فرو شد و گزد صاحب زجر نشفا باید ایضاً سوره والشمس را خواندن برآمدن آفتاب فتح و فیروزی
یابد و هر که قرائت کند والشمس را و واللیل و والضحی را و الم نشرح بسیار خواند روز قیامت هیچ چیز
نزد او نباشد مگر روز قیامت از برای او گواهی دهد از موی و پوست و گوشت و خون و رگها و پی و استخوان
او جمیع آنچه زمین از او برداشته حق تعالی فرماید قبول کردم من شهادت شما را از برای بنده
خود و او را از آتش دوزخ امان دادم پس ببرید او را به بهشتهای من هر بهشتی که او اختیار کند
او را بدهید پس عطا کند بوی از او به خشنودی و بگذر او از روی رحمت و تفضل من بر او پس گوارا باد
بر او سورة واللیل از همان حضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده شده که هر که او بخواند
حق تعالی او را چندان عطا کرامت کند که با آن راضی و خوشنود گردد و او را به سهولت آن گرداند
و در روایت دیگر او را کفایت کند و او را با شهدا محشور کند ایضاً خواندن سوره مبارکه
واللیل هشت بار بر مال خود دهد در راه از دزد ایمن باشد سورة والضحی از همان حضرت
روایت شده که هر که سوره والضحی را قرائت کند خداوند عالم از جمله کسانی گرداند که به شرف
شفاعت پیغمبر مشرف گردیده و در روز حشر ده بار ایضاً هر گاه کسی را چیزی گم شود یا دزد ببرد
باید که روز صبح روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد و چون سلام دهد سوره والضحی هفت
بار بخواند بگوید یا ضامن العجائب و یا رادّ الغائب یا جامع الشتات یا من
مقالید الامور بیده اجمع علی کذا فانک جامع الا انت ایضاً هر که این

سوره مبارکه سه بار بخواند در وقت فرو رفتن آفتاب فتح و نصرت در کار او پیدا شود ایضاً
مرویست که هر که سوره والضحی را هزار مرتبه بر هزار دانه گندم بخواند و بر پشت بام
ریزد تا مرغان بخورند باذن الله تعالی گم کرده پیدا شود ایضاً در فضل سوره الم نشرح از همان
حضرت مرویست که هر که بخواند سوره الم نشرح ثواب او مثل ثواب من باشد و مرا از غمها شاد
کرده باشد و شفاعت او بر من لازم باشد ایضاً هر گاه شخص سه بار سوره الم نشرح را در عقب نماز
بخواند کارهای دشوار او آسان گردد و در سفر و حضر مجرب است ایضاً ختم سوره الم نشرح جهة حصول
مطالب جمعی تجربه رسانیده اند و کیفیت آن چنان است که وضو سازد و در مکان خلوت
رفته در اثنای ختم با کسی سخن نگوید و رو به قبله نشسته ابتدا بسوره مبارکه حمد نماید هفتاد بار
بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات فرستد و بعد از آن سوره مبارکه الم نشرح را هفتاد و نه بار
بخوانند بعد از آن سوره حمد را هفت مرتبه بخوانند و بعد از آن سوره مبارکه توحید را یکهزار
یک مرتبه بخواند بعد از خواندن هفت سوره حمد و بعد از آن صد بار صلوات فرستد و
بعد از آن سر بسجده نهاده مطلب را عرض کند که ان شاء الله برآورده است و این مکرر تجربه
کرده ام و باید سعی کرد که حساب غلط نشود اما باید پیش از شروع در ختم دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت حمد یکمرتبه و آیة الکرسی هفت مرتبه بخواند و این دعا را هفت بار بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب و یا مقلب
القلوب و الابصار یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک

و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد یا رب لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم و باید این ختم یا روز جمعه یا پنجشنبه یا دوشنبه باشد با طهارت به
بسیار مجرب است ایضاً در خواص التور در فضیلت سوره والتین سطور در اسرار مخزون است از
سید کائنات محمد مصطفی صلعم مرویست که هر که این سوره را بخواند حق تعالی دو خصلت با او
کرامت فرماید یکی عافیت دیگری یقین مادام که در دنیا باشد چون وفات کند بعدد
که هر که این سوره را قرائت نموده باشد روزه یکروزه با او عطا فرماید و هر که در فریضه قرائت
نماید هر موضعی که در بهشت آرزو کند باو دهند ایضاً جهة فراخی رزق هر روز سوره
مبارکه والتین را بخواند که مجرب و نافع بوده است سورة العلق در خواص التور
و غیره منقول است از حضرت رسول خدا صلعم که هر که سوره سورة العلق را قرائت
نماید هم چنان است که جمیع سوره مفصل را قرائت کرده باشد هر گاه در آن روز
در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و مانند کسی باشد که در راه خدا شمشیر زده باشد
با رسول خدا صلی الله علیه و آله مفتاح الفتح در فضل سوره قدر مرویست از حضرت امام
محمد باقر صلعم که هر که یازده بار بخواند در وقتی که بخوابد نوری از برای او خدا
خلق کند که وسعت آن چون وسعت هوا باشد و در وسعت آن هزار ملک باشد
که هر یک هر زبانی استغفار کنند برای قاری این سوره تا نصف شب بگذرد ایضاً در کتاب
طرق النجات مرویست از حضرت امام محمد باقر صلعم که هر که بخواند سوره قدر را در وقتی که

فرا گیرد بر فراش خود یازده بار خلق کند حق تعالی از آن ملکی که کف او بزرگتر از هفت آسمان
و هفت زمین باشد و در هر جسد او موها باشد که به نطق در می آید هر موی او بقدر جن و
انس استغفار میکنند برای قاری او تا روز قیامت ایضاً از صادق آل محمد صلعم روایت است که
هر که را حاجتی باشد پس برخیزد در میان شب غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد و فرا گیرد
قدر یک قدح تازه پر آب و بخواند بر آن سوره قدر را ده بار پس بریزد آب را در مسجد خود
در موضع سجود خود پس دو رکعت نماز کند و حمد و سوره قدر در هر رکعت پس سؤال میکند حاجت
خود را و برآورده می شود حاجت انشاء الله تعالی ایضاً فاضل مجلسی رحمه الله در مقباس المصابیح
بسند معتبر از امام محمد تقی صلعم نقل کرده است که هر که بعد از نماز خفتن هفت نوبت سوره انا
انزلناه بخواند در امان الهی باشد تا صبح ایضاً در مصباح کفعمی از همان حضرت صلعم روایت
شده که هر که بعد از طلوع صبح پیش از نماز ده بار سوره قدر بخواند تا شش روز ملائکه بر او
صلوات فرستند ایضاً فاضل مجلسی ره در کتاب مقباس از حضرت امام محمد باقر صلعم روایت
کرده که هر که بعد از طلوع صبح هفت بار بخواند هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او
فرستند و هفتاد مرتبه بر او رحم کنند ایضاً از همان حضرت روایت که هر که بخواند سوره قدر را
بعد از فجر ده بار و در وقت ظهر ده بار و بعد از عصر ده بار به تعب اندازد هزار کاتب را سی سال
برای ثواب نوشتن آن ایضاً فاضل مجلسی ره در کتاب مقباس بسند معتبر از صادق آل محمد صلعم
نقل کرده است که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره قدر را بخواند حق تعالی یازده ملک

بر او موکل گردانند که او را از حفظ نمایند تا صبح از شر شیطان رجیم ایضاً نقل کرده
ابن فهد رحمة الله علیه در کتاب عده خود که هر کس بخواند سوره قدر را پانزده بار
در ثلث آخر شب جمعه پس دعا کند هر مطلبی که دارد بر آورده است ان شاء الله تعالی ایضاً در کتاب
در کتاب مهج الدعوات منقول است که عرض شد خدمت صادق آل محمد علیهم السلام که بچه چیز محفوظ
شدی تو از منصور دوانیقی وقتی که بردار اشدی چه شری که نسبت به تو داشت چون شد که
آسیبی به تو نرسید حضرت فرمود بیاری خدا و بخواندن سوره قدر و بعد از قرائت گفتم
اَتَشَفَّعُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله اَنْ تُغیثَنی پس هر که مبتلا شود بمثل این
باید که چنان کند که من کردم و اگر میگفتم شیعیان خود را بقرائت آن هر آینه مردم شب را
ملکه روز را بیکار شوند و لیکن این سوره بخدا قسم که پناه ایشان است ایشان را حفظ میکند
ایضاً ذکر کرده است محمد بن الحسن صفار در کتاب فضل الدعاء اینکه آنحضرت فرمود ببعضی
اصحاب خود را که آیا تعلیمت نکنم اسم اعظم را گفت بلی تعلیم مرا کن فرمود بخوان الحمد و قل هو الله
و آیة الکرسی و سوره قدر را پس رو بقبله دعا کن بآنچه اراده داری ایضاً در ثلث آخر ماه رمضان
در شب جمعه سوره قدر را نه بار بخواند هر چیزی که دارد بخواهد روا شود ایضاً از حضرت رسول صلی
روایت شده که هر که سوره قدر را بخواند همچنان باشد که تمام ماه رمضان روزه داشته است
و شب قدر را احیا کرده است ایضاً از مولای ما صادق آل محمد مرویست که این سوره
کنج مغفران است بعضی گفته اند فاتحه دو نفرات است در حدیث دیگر فرموده کسیکه بخواند آنرا

وقتی که بخانه داخل شود یا بر آید دور گردانیده است شیطان را از خود ایضاً صاحب کتاب اسم اعظم
آورده که هر که در شب جمعه سوره قدر را بخواند برای دفع مرض بهبود یابد هر چیزی که خدا آفریده است
ایضاً در همان کتاب از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله منقول است از جهت بلای چشم هفت بار
بخوانند ایضاً آورده اند که چون کسی را هراسی باشد او را بگیرند و این سوره را بخوانند
خدای تعالی نجات دهد او را در آن است هرچه بهتر از آن باشد و بجای که از شب این سوره را هفت بار
بخوانند حق تعالی او را عافیت بخشد و از صراط بگذرد و اگر بعد از نماز فریضه پانزده بار
بخواند حق تعالی هفتاد نظر رحمت بوی کند و اگر در دیوار با همسایگان او را پا مرزد و
هر که بنویسد و بشوید و بخورد هرگز منافق نگردد و خواندن این بعد از این میشود که
از جای برسد که گمان ندارد ایضاً مرویست که هر که بخواند سوره انا انزلناه را و عال
انگشتر نگاه دارد از جمیع منافقان در امان باشد و خدا حفظ کند او را از شر او و حاجت
روا شود ایضاً از رسول خدا فرمود کسیکه خاک قبر را بگیرد و بخواند بر او انا انزلناه را
هفت بار و یکبار دارد او را در لحد عذاب نکند او را خدای تعالی و کسی که بخواند در حفظ خدا
خدا باشد و روزی دهد او را خدا و نهر روزی از جائی که گمان نداشته باشد و کسی که بنویسد
این سوره را بیست مرتبه در شب در امان خدا باشد تا صبح ایضاً از رسول خدا مرویست
که هر که بخواند این سوره را انگشتر بعد از نماز صبح دفع کند خدا از او شر از زر و هر که
بخواند این سوره را بعد از نماز عشا پانزده بار موکل شود بر او ملائکه چند که حفظ کنند او را

او را از شر جن و انس و معاف باشد از دیوانگی و از هر بدی و هر که بخواند این سوره را
در ظهر پانزده مرتبه نظر کند او را هفتاد مرتبه نظر رحمت و بر آورد هفتاد حاجت او را
و هر که بخواند نزد زوال آفتاب صد مرتبه نمیرد خدای تعالی تا حضرت رسول را در خواب ببیند
و هر که بخواند این را صبح هنگام در هر وقتی بگرداند خداوند او را بهترین مردم از فقها
و علما هر که بخواند این سوره را در شب جمعه صد مرتبه نفاق نگیرد او را هرگز و نمیاید
او را خداوند باسم اعظم خود و سؤال نکند از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند خدا او را
و هر که بنویسد این سوره را و بپاشد او را بخشد او را نوری در چشم وی و بخشی روی
نیاید و شود و شکست خدا از دل او ببرد و علتها را از بدن او دور گرداند و روزی کند
او را حکمت خود را ایضاً حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که از برای هر چیزی ثمری است
و ثمر قرآن انا انزلناه است و حدیثیکه فرمود خداوند کریم نُورُهُمْ یَسْعَی بَیْنَ
اَیْدِیهِمْ وَ بِاَیْمَانِهِمْ یعنی شخصیکه که روشنائی ایشان شعله ور شود در پیش روی
ایشان و در جانب راست ایشان و این فرموده خدای تعالی مومنان هستند که این سوره را
میخوانند ایضاً فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که آگاه باشید تعلیم میکنم شما را اسم اعظم را
گفتند بلی یا رسول الله فرمود بخوانید بخواندن الحمد و قل هو الله احد و آیة الکرسی و انا انزلناه را پس
رو بقبله کنید و بخوانید خدا را بآنچه میخواهید که مستجاب میشود از برای شما دعا و صدا
زند شما را صدا زننده از آسمان که ای بقیة نقرات رب شما را

وقتی که شروق داشته باشد بیع کردن پس بر پشت کلس نازه و بگیرد قدحی آب و بخواند بر آن
قدح سی و پنج بار انا انزلناه را و بپاشد ببدن خود آب را بعد روزی داده میشود ایضاً از پیغمبر
صلی الله علیه و آله وارد است هر که بخواند این سوره را بسیار از ضغطه قبر ایضاً از حضرت امام
جعفر صادق ع مرویست هر که بخواند این سوره را بسیار نماز کند با وجهی ضعف از
بداند عدد هر ضعفی را مگر خدای تعالی و از برای او ثواب هزار شهید باشد و خواندن این
این سوره هفت از جهت برآمدن حاجتها و مهم عظیم مجرب است ایضاً از پیغمبر صلی الله روایت
که فرموده اند با ما خواندن این سوره را بعد از وضو یکمرتبه از برای او عبادت پنجاه سال
این سوره مستحب است در روز دوشنبه و پنجشنبه ایضاً کسی که بخواند این سوره را مگر در دو نا
ترین مردم و نیز طریقه ختم انا انزلناه است که بخواند او را بعد از نماز صبح
و بعد از نماز ظهر چهار مرتبه و بعد از نماز عصر سه مرتبه بعد از مغرب بیست مرتبه و بعد از عشا
بیست و مرتبه پس وقتی که فارغ شد سجده میکند میخواند از آخر سوره کهف این آیه را
قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ تا آخر آیه و سؤال کند حاجت خود را پس بدرستی که بر آورده میشود انشاء الله
ایضاً شخصی آمد خدمت حضرت صادق ع عرض نمود که هشتاد سال عمر من رسیده و روی پسر
تا حال ندیده ام دعا کن که خدا پسری مرا کرامت فرماید حضرت فرمود که هرگاه می نشینی
که مشغول جماع شوی دست راست خود را بر طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه
سوره انا انزلناه بخوان بعد از آن مشغول شو چون حمل ظاهر شود در شب در هر وقت که

که از پهلو بپهلو گردی باز دست بجانب راست بالش بگذار و هفت مرتبه همان سوره را بخوانی
الشخص گفت که چنین کردم هفت پسر از پی هم خدا مرا روزی کرد ایضاً از کتاب
منهاج الفلاح مذکورست که چون کسی خواهد که جامه نو بپوشد باید قدری از گلاب
با آب کنند و سوره قدر و آیة الکرسی و حمد هر یک را ده بار بخوانند و ده بار صلوات
فرستند و بآن دمند و آن گلاب را بر آن جامه بپاشد تا از آن جامه پوشیده باشی
روز کار او بخیر و خوبی بگذرد ایضاً ذکر پاسداری جامه لا اله الا الله محمد رسول الله
هر کس این ذکر را بگوید در هنگامیکه جامه تازه بپوشد هیچ گونه آفتی بآن جامه نرسد
ایضاً در خبرست هر که جامه تازه ببرد و سی و شش نوبت سوره قدر خواند و هرگاه به
تنزل الملائکة والروح برسد اندکی آب بر آن جامه پاشد پس دو رکعت نماز گزارد
و این دعا را بخواند الحمد لله الذی رزقنی من اللباس ما اتجمل به فی الناس
و اؤدی به فرضی و اصلی فیه لربی والحمد لله هر گاه در این لباس [illegible] شود تا جامه
کهنه شود ایضاً [illegible] به امام جعفر ع نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند استغفار
بسیار کن و زبانت را تر بدار بخواندن انا انزلناه و در روایت فرمود برای دفع
برات ده هر روز صد بار سوره انا انزلناه بخوان ایضاً سهل گفت که بامام [illegible] نوشتم
که بیاموز مرا چیزی که در دنیا و عقبی بشما باشم جواب نوشتند که بسیار خواندن
انا انزلناه و پیوسته استغفار کن ایضاً از امام جعفر ع مرویست که خدا را هر روزی

هزار نفحه است که میدهد بنده را هر چه خواهد هر که این سوره را در روز جمعه هزار دیگر بخواند
بنده را بدهد هزار نفحه را و مشتاق از ایضاً مرویست که هر که شب سوره قدر بخواند بعدد
هر حرفی خدای تعالی آفریده او را بدهد ایضاً در خبرست هر که در سحر شب یازده بار سوره
انا انزلناه بخواند هر حرفی از خدای تعالی بخواهد اجابت یابد ایضاً جهت دفع پریشانی
صد مرتبه سوره قدر بخواند که بسیار نافع است ایضاً هر که سوره قدر بنویسد و بشوید و بخورد
نور چشمش زیاد گردد و در دل او نوری بهم رسد ایضاً در کتاب علاج الاسقام و دفع
الآلام نقلست که هر که بیمار باشد و بخواند سوره انا انزلناه را بنیت شفا بزودی شفا
یابد ایضاً در کتاب روضة الاذکار از حضرت رسول صلعم مرویست که هر که سوره
انا انزلناه را بخواند نزد قبری برانگیزد حق تعالی ملکی را که عبادت خدای تعالی
کند نزد قبر او و نوشته شود بجهت آن میت ثواب عبادت و چون برانگیخته شود
از قبرش نگذرد بر هیچ عقبه مگر آنکه دفع کند خدای تعالی هول آن را از او بسبب آن
عبادت تا آنکه داخل بهشت شود ایضاً از مولای ما حضرت صادق ع مرویست که هر که
از شیعیان عمل صالحی خیری کند حق تعالی ثواب آن عمل را برای او مضاعف شود
ایضاً از مولای ما حضرت صادق ع مرویست که هر که در شب بیست سیم ماه رمضان
هزار بار انا انزلناه بخواند محکم گردد یقین و اعتقاد او و این سبب امریست که [illegible]
در خواب ببیند ایضاً در خواص الانوار از اصحاب نکات سروری و وحی ولایت پیغمبر صلعم منقول است

که هر که این سوره را بخواند با بهترین آفریده کان رفیق باشد حضرت بهترین عالم و سرور
بنی آدم فرمودند که اگر مردم بدانند که آنچه در این سوره است از فضل الهی و مال را ها کنند
و این سوره را بسیار خوانند فرمود او را هیچ منافق نخواند نه کسی که در خدا شک داشته باشد
و بخواند کسانی که از آن زمان که خداوند آسمان و زمین را آفرید فرشتگان این سوره
بخوانند در هیچ وقت فتور در قرائت آن نکردند هیچ بنده این سوره را بخواند مگر خدای تعالی
فرشتگان را بفرستد تا محافظت او کنند در دین و دنیای او و از برای او طلب مغفرت
و رحمت کنند و اگر در روز قرائت کنند ببرد هر چه از آنچه که در آن یکشب هست ثواب
دهند ایضاً از جمله ثواب قرائت نمودن سوره اذا زلزلت در کتاب کافی از برگزیده
و شافع یوم جزا حضرت ابا عبدالله ع حدیثی منقولست که مضمون آن اینست که ملول
نشوید از قرائت اذا زلزلت بدرستی که هر که قرائت کند این سوره را در نمازهای نافله
خداوند او را گرفتار زلزله نکند هرگز گرفتار صاعقه و نه آفتی تا او رسد و در وقت
مردن فرود آید ملکی بر او و در بالین او نشیند و از جانب [illegible] ملک موت
گوید که رفق و ملاطفت کن بر دوست خدا بدرستی که او ذکر من بسیار می کرد و قرائت این
سوره بسیار میکرد و این سوره ملک موت چنین گوید و ملک موت گوید بتحقیق که خدا مرا
امر فرموده که [illegible] کنم و اطاعت نمایم در [illegible] روح او نکنم تا او مرا بآن فرماید
و آن وقت که پرده از پیش چشم او کشوده شود در منازل خود را در بهشت ببیند و [illegible]

و ملک از آن هفتاد هزار ملک [illegible] روح او کرده بشتاب به بهشت برند
ایضاً در نسخه بنظر رسیده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که هر روز
سه مرتبه سوره اذا زلزلت را بخواند و پنج مرتبه سوره اخلاص بخواند هیچ بلا و مصیبتی با او
نرسد و اگر دنیایی خواهد هر روز بیست مرتبه سوره اذا زلزلت و ده مرتبه سوره اخلاص
بخواند حق تعالی این قدر دنیا که بدو دهد که از حساب عاجز ماند ایضاً مرویست از پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هر که قرائت کند این سوره که چنان است که قرائت سوره بقره
کرده است و ثواب کسیکه ربع قرآن را قرائت کرده است و همچنان از علی ابن موسی
موسی الرضا علیه السلام روایت شده و او از پدرانش از امیر المومنین ع و او از جناب رسول خدا
صلی الله علیه و آله که هر که چهار بار بخواند چنان باشد که تمام قرائت کرده باشد قرآن را
ایضاً از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردی که آیا تزویج شده عرض نمود که نه
چیزی ندارم که تزویج نمایم حضرت فرمود که قل هو الله احد نیست نزد تو عرض کرد
که هست این ثلث قرآن است فرمود نیست نزد تو قل یا ایها الکافرون عرض کرد هست
آن نیز ربع قرآن است فرمود نزد تو نیست سوره اذا زلزلت عرض کرد هست فرمود آن
ربع قرآن است همه را از آن سه مرتبه فرمود تزوج تزوج تزوج تزوج پس زن کن
ایضاً در ثواب الاعمال در فضل قرائت والعادیات از ابا عبدالله ع مرویست
که هر که قرائت کند والعادیات را باید با این سوره مبارکه مبعوث کند او را خدای

خدای عز و جل با امیر المؤمنین علیه السلام و از رفقای او باشد ایضاً در خواص السور در فضل ثواب
سورهٔ القارعة از جناب پیغمبر و از جناب ابا جعفر ع منقول است که هر که قرائت کند
این سوره را حق تعالی در روز قیامت ترازوی اعمال او گران باشد و حق تعالی او را از فتنه
دجال نگاه دارد و از جهنم در روز قیامت ایضاً از مولای ما حضرت صادق علیه السلام
مرویست که در هر ختمی سورهٔ القارعة را صد و هشتاد نوبت بخوانند اهم مهم کفایت شود
ایضاً در خواص السور و غیره در فضل ثواب سورهٔ مبارکهٔ تکاثر از کارگاه شرع دین مبین
حضرت خاتم النبیین ص منقول است که هر که قرائت کند این سوره را حق سبحانه و تعالی
حساب نکند نعمتی را که در دنیا باو انعام کرده باشد و ثواب کسی که هزار آیه خوانده باشد
در نامهٔ او ثبت کنند و هر که در فریضه بخواند ثواب صد شهید برای او نویسند و چهل صف
از فرشتگان بر او نماز کنند و اگر در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید نویسند و هر که در وقت خواب
بخواند از فتنهٔ قبر محفوظ ماند و در قبر بهشت نمایند او را ایضاً هرگاه کسی را حاجتی باشد
در وقت خواب هفت بار بخواند و با وضو بخواب رود و در موضع پاک بود و ایضاً هر که را
جن بگیرد و بالای سرش حلقه بکشند و آیة الکرسی و سورهٔ مبارکهٔ تکاثر بخوانند فوراً خلاص شود
اما در وقت خواندن انگشت خود را بر بالای دستهٔ کارد نهد و سر کارد بر زمین فرو رفته
باشد ایضاً طریقهٔ ختم تکاثر روایت است از حضرت صادق ع فرمود هر کس این سوره را
بهر مرادی که خواسته باشد در خانهٔ خالی دویست و بیست و پنج نوبت بخواند و برای خوشی آن آش

نهند و هزار بار صلوات فرستند در حال مراد او حاصل شود باذن الله ایضاً سورهٔ مبارکهٔ تکاثر
هر روز سه بار بخوانند دفع جمیع بلاها از آنها کنند ای عزیز من قرآن گنجی است از گنجهای عرش
الهی بدو دست رد قیام نا بجه از برای مطلب [illegible] صد خود که خیر دنیا و آخرت
ایضاً در خواص السور منقول است از سرور کاینات پیغمبر ص که هر که سورهٔ والعصر را قرائت کند
از حق سبحانه و تعالی ختم او بصبر کند در قیامت از صابران باشد و محشور با شهدا گردد
و از جملهٔ کسانی باشد که بصبر وصیت کرده باشد و شادان در فضل بهشت گردد ایضاً هر که
سورهٔ والعصر را هر روز ده بار ورد خود سازند دفع علل و امراض کند ایضاً ختم سورهٔ
والعصر از جهت محبت به نیت هر که خواهد بخوانند در محل عصر هزار بار هر کس از محبت
او بیقرار گردد و اگر از جهت تسخیر جن در روز چهارشنبه بخوانند تا چهار روز هر روز هزار
بار بخوانند و در وقت خواندن بخور کنند و شرکت جنوان نماید روز آخر [illegible] از ارواح
بیایند و اطاعت او کنند مجرب است ایضاً در خواص السور در فضل و ثواب سورهٔ
مبارکهٔ همزه از سید کونین و پیغمبر ثقلین ماثور است که هر که این سوره را قرائت کند
حق تعالی ده حسنه برای او نویسد و هر که در فرایض بخواند درویشی و فقر از او زایل گردد
و روزی بر او فراخ گردد و از مرگ بد ایمن گردد ایضاً در وسیله مذکور است که
هر که را ضرر چشم رسیده باشد سورهٔ همزه را برای او بخوانند عافیت و صحت یابد بعون الله
ایضاً از سید کاینات و خلاصهٔ موجودات مرویست که هر که قرائت کند [illegible]

حق تعالی او را از خسف و مسخ و قذف ایمن گرداند و هر که در فرایض بخواند همه فرشتگان و
حیوانات و سایر جمادات و کوهها که در عالم میباشند برای او گواهی دهند که او از نماز
گذارانست و در روز قیامت منادی ندا کند که شما راست که برسید [illegible] داده و داخل
بنده مرا در بهشت و [illegible] او را از کسانی است که من او را دوست میدارم ایضاً
از آنجمله در فضل و ثواب سورهٔ مبارکهٔ قریش از برگزیدهٔ ربانی و منبع [illegible] حضرت اشرف
نبوی صلی الله علیه و آله منقول است که هر که او را قرائت کند [illegible] و هر که طواف خانهٔ کعبه
کرده و در آنجا معتکف شده ده حسنه بدهد و هر که [illegible] حق سبحانه و تعالی او را بر مرکبی از مرکبهای
بهشتی سوار کنند و به بهشتش رسانند ایضاً از آنجمله سورهٔ مبارکهٔ ارأیت اثری از حضرت
ابی جعفر ع منقول است که هر که قرائت نماید او را در فرایض و نوافل بوده باشد در زمرهٔ
کسانی که قبول کرده خدای عز و جل نماز و روزهٔ او را و محاسبه نفرماید با آنچه از او صادر شده
در زندگانی دنیا ایضاً هر که سورهٔ ماعون را چهل روز هر روز چهل و یک بار بخواند مال و رزق
او زیاده شود او را و اولاد او را و نعمت فراوان بدهند این ختم را اکابر بسیار آزموده اند
ایضاً در فضایل و ثواب سورهٔ مبارکهٔ کوثر مسطور است و از جناب نبوی صلی الله علیه و آله
منقول است که هر که قرائت کند حق تعالی او را از همه نهرهای بهشتی آب دهد و بعدد هر
قربانی که عباد وسیلهٔ تقرب خود گردانیده باشند اهل کتاب و مشرکین آن را سبب قرب
خود ساخته باشند ده حسنه کرامت فرماید هر که در فرایض و نوافل خوانده [illegible] ماند او را

خداوند عالم او را در قیامت از کوثر سیراب گرداند باشد [illegible] و نزد حضرت رسول ص در پای
درخت طوبی ایضاً مذکور است که هر که [illegible] آخرین شب هزار مرتبه بخواند جناب پیغمبر را
در خواب ببیند و این آزموده و مجرب است ایضاً در فضل و ثواب سورهٔ جحد از آنحضرت
منقول است که هر که بخواند سورهٔ جحد را که چنان است که ربع قرآن را تلاوت کرده است
و از فزع اکبر ایمن باشد ایضاً جناب نبوی به جبیر فرمود که میخواهی که در سفر روی از همه چیز در
پناه خدا باشی و بیشتر از یاران بیشتر باشی و در کثرت مال از همه کس بیشتر باشی فرمود
بلی یا رسول الله فرمود این پنج سوره را ورد خود سازد قل یا ایها الکافرون و اذا جاء نصر الله
و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و در هر یک افتتاح به
بسم الله نماید جبیر گفت که من مال چندان نداشتم چون بر قرائت این سورها مداومت
نمودم مال من زیاده از همه شد و در سفر کجاج برفیق شدم ایضاً از ابی عبدالله علیه السلام
مرویست که قل یا ایها الکافرون ربع قرآن است چون تو قرائت آن فارغ شوی
بگو اعبد الله وحده اعبد الله وحده ایضاً مرویست که هر که قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد را در فریضه بخواند حق تعالی پدر و مادر و اولاد او را بیامرزد و اگر شقی
باشد اسم او را از دیوان اشقیا محو کند و در دیوان سعدا بنویسد و شهید بمیرد
و شهید مبعوث گردد و شیطان این سورها را بسیار دشمن دارد و هر که در وقت برآمدن
آفتاب قرائت کند ده مرتبه حق تعالی او را هر حاجتی که داشته باشد روا گرداند

ایضاً هرکه سوره کافرون را هر روز هفت بار بخوانند از مضرت و بلا ایمن باشد
ایضاً و از آنجناب منقول است که هرکه بخواند سوره نصر را حق تعالی او را از همه بلیات
محفوظ دارد و بر دشمن غالب گرداند چون مبعوث گردد حق تعالی کتابی از دل او
قبر او بیرون آورد که در او نوشته باشد که او را امان است از آتش دوزخ و از قبر و
خروش جهنم و حق تعالی آن نامه را ناطق گرداند تا آنچه در او است بر او بخواند تا به بهشت
عنبر سرشت رسد و تا روز قیامت هیچ چیز نرسد مگر اینکه او را بشارت دهند بانواع
نعمتها در ضیافت کرامت دهند ایضاً در کتاب علاج الاسقام و دفع الآلام نقل است
که هرکه سوره تبت را بر دردها بخواند باذن الله تعالی شفا یابد و برطرف شود
مفتاح هشتم در فضائل و ثواب سوره مبارکه توحید قال النبی صلی الله علیه وآله کتب
الله علی السماء الاول سورة الاخلاص وکتب الله علی السماء الرابع
سورة الاخلاص کتب الله علی السماء الخامس سورة الاخلاص کتب الله
علی السماء السادس سورة الاخلاص وکتب الله علی السماء السابع
سورة الاخلاص کتب الله علی اللوح سورة الاخلاص کتب الله علی
العرش سورة الاخلاص کتب الله علی المشرق سورة الاخلاص کتب الله
المغرب سورة الاخلاص کتب الله علی قلب المؤمن سورة الاخلاص
صدق رسول الله یعنی جناب رسول خدا می فرماید که سوره اخلاص بر

بر پر ملائکه جای نوشته است [illegible] میخوانند آن سوره اخلاص که در
هر حرفی صد رحمت است و فرمود که سوره اخلاص پنج کلمات و بنیاد مسلمانی پنج چیز است
و در شبانه روزی پنج وقت نماز فریضه است و پنج شهیدند که پیش از پیغمبران در جنت
روند و پنج پیغمبرند که بلای بسیار کشیده اند و پنج فرشته اند که شریف ترم همه فرشتگان
میباشند و پنج شراب اند که مؤمن در روز قیامت بیاشامد پس هر مؤمنی که این پنج کلمه
قل هو الله احد را بخواند حق تعالی آن پنج بنیاد مسلمانی است روزی او گرداند و بروی
ثابت دارد اول شهادت دویم پنج وقت نماز سیم زکوة چهارم روزه پنجم
حج چنان بود که پنج مقام مبارک را طواف کرده اول مکه مبارکه دویم مدینه متبرکه
سیم بیت المعمور چهارم بیت الحرام چهارم بیت المقدس چون پنج کلمه بر زبان براند ثواب
آن پنج پیغمبر برسد که در درجه از همه پیغمبران بهتر اند اول حضرت آدم دویم ابراهیم
سیم موسی چهارم عیسی پنجم محمد مصطفی هم چون آن پنج کلمه بخوانند ثواب آن پنج پیغمبر برسد
که بلا کشیده اند اول جرجیس دویم ایوب سیم داود چهارم یعقوب پنجم ذکریا
و نیز فرموده اند که این پنج کلمه بر زبان براند ثواب آن فرشته برسد اول اسرافیل
دویم میکائیل سیم جبرئیل چهارم عزرائیل پنجم خوف نیل و دیگر اینکه این سوره صفات
پاک خداوند عالم است و این سوره یازده نام دارد اول سوره اخلاص دویم سوره
خلاص گویند سیم تفریدش گویند چهارم تجریدش خوانند پنجم نورش نامند ششم برائتش

گویند هفتم جمالش گویند هشتم نجاتش گویند نهم صمدش گویند دهم ولایتش گویند
یازدهم توحیدش گویند و اخلاصش گویند برای آنکه هرکه بخواند از همه فواحش پاک گردد
هرکه بخواند از غمها خلاص شود و تفریدش از آن گویند هرکه خواند منفرد شود از کفر و نفاق
و تجریدش برای آن گویند هرکه بخواند مجرد شود نورش خوانند برای آنکه هرکه خواند نور دلش
زیاد شود و جمالش خوانند برای آنکه هرکه بخواند روز قیامت میان خلایق جمالش پیدا
شود برائتش خوانند برای آنکه هرکه بخواند برائتش نویسند تا از آتش نجات یابد صمدش خوانند
برای آنکه هرکه خواند صمد پرست شود و صمدش برای آن خوانند هرکه هزار بار بخواند
چنان بود که هزار مرد کافر بدست او مسلمان شده باشد و از همه کارهای بیهوده
و دین او ساخته گردد و از جمله بلاها ایمن شود سبب نزول سوره مبارک آن بود که
کافران بخدمت پیغمبر صلی الله آمدند عرض کردند که یا محمد ما را نشان باید از خدای
تو از زر است یا از سیم یا آهن یا مس یا چوبین آنحضرت سر تفکر فرو برد در ساعت طاوس
ملائکه جبرئیل در رسید عرض کرد یا محمد صلی الله بگو قل هو الله احد یعنی خدا یکی است و او را شریک
و خویش و پیوند نیست جسم و صورت نیست و وی را زن و فرزند نیست لم یلد و لم
یولد کسی از او نزاد و او را کسی نزاد و در او کسی نزاد و لم یکن له کفوا احد یعنی او را
همتی و انباز نیست و نه بخوری و نه خورد و نه خسبد و مانند کسی نیست و هو العزیز
الحکیم و مفسران گفته اند که قل هو الله احد ده حرف است و خداوند عالم نیز ده عقوبت

اول جان کندن دویم تنگی قبر سیم برخواستن از قبر چهارم روز حشر پنجم حساب
ششم جواب صراط هفتم ترازو هشتم فزع قیامت نهم خصما هرکه این ده حرف بر زبان
راند جان او را از این ده عقوبت برهاند الله الصمد نه حرف است هرکه بخواند
خداوند هشت بهشت و دیدار خودش کرامت کند لم یلد و لم یولد ده حرف است
و خدای تعالی ده نعمت آفریده است هرکه این ده حرف را بخواند عالم الغیب یکساله
طاعت او را قبول کند و گناهان او را عفو کند و لم یکن له کفوا احد چهارده
حرف است هرکه این چهارده حرف را بخواند خداوند عالم او را چهارده چیز کرامت
کند اول آسانی جان کندن دویم تنگی قبرش نباشد سیم جواب منکر و نکیر را بآسانی بگوید
چهارم قل هو الله احد مونس او باشد پنجم نوری تا گنبد او فرستد ششم قبر بروی نور
گردد هفتم هفت در دوزخ بروی بسته گردد هشتم هشت در بهشت بر او بگشایند
نهم حساب او بآسانی بود دهم در قیامت تشنگی بیاید دهم جمال او در میان قیقان
پیدا باشد یازدهم خواندن نامه بروی آسان باشد دوازدهم درجه او چون درجه صدیقان
بود سیزدهم چهارده کس را بر او بخشند اول مادرش دویم پدرش سیم استادش چهارم
برادرش پنجم خواهرش ششم عمش هفتم خاله اش هشتم همنشینانش نهم همسایگانش
دهم هم صحبتانش یازدهم همسایگانش دوازدهم فرزندانش سیزدهم بندگانش
چهاردهم از چهارده چیز او را باز دارند اول از فقر دویم از زنا سیم از بدعت چهارم

وز ضلالت هفتم و از سیاهی ششم و از تباهی هفتم و از بیهوده هشتم و از مذلت نهم و از خواری
دهم و از مرزنگی یازدهم و از گناه کبیره دوازدهم و از نظر حرام ۱۳ نظر عنایت بر او کنند
و او را بیامرزد حضرت رسول صلعم فرمود که هرکه یکبار قل هو الله احد بخواند وی را
هفتاد هزار فرشته گواهی دهند ایضاً در تفسیر آمده که هرکه سی بار قل هو الله
بخوانند بنا کنند حق سبحانه و تعالی از برای او منادی در بهشت چون برق از صراط بگذرد
و کف دهد و برود در بهشت و هرکه صد بار بخواند حق تعالی گناه پنجاه ساله او را بیامرزد
در خبر است که هرکه چهل بار بعد از نماز عصر بخواند حق سبحانه و تعالی او را از آتش دوزخ نگاه
دارد و ثواب چهل حج و عمره باو بدهد و چنان بود که شب قدر را دریافته است و چهل
بنده آزاد کرده باشد و نقل است از علما موافق که گفت شبی نشسته بودم و با خود اندیشه
کردم که مرا برادری بود وفات کرده است بزیارت او رفته ام برخواستم و بر سر خاک وی
رفتم و نشسته ماندم و در خانه نشستم و در خواب شدم که اندر آن خود را دیدم که با پیاس(؟) در
سلسله کشیده و غل بر گردن نهاده و در عذاب سیگرد(؟) گفتم این چه حالت است گفت
تا مرده ام در عذاب گرفتارم ترسیدم از خواب بیدار شدم اندوهناک بخانه آمدم تا
شبی چند گذشت او را در خواب دیدم که حله پوشیده و تاج بر سر دارد گفتم ای برادر این رحمت
از کجا یافتی گفت کاروانی از بصره بدر آمد و گذار بر قبرستان فاتحه خواندند و سه قل هو الله احد
خواندند و ثوابش بر اهل قبرستان بخشیدند جمیع مزار قسمت کردند بخشش از این حالت که رسیدم ایضاً

روایت کرده ابو عامه(؟) که در زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله یک روز آفتاب را
نور کم بود پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم متفکر شد آن حضرت فرمود که یا جبرئیل امروز
چه بود که نور آفتاب کم شده بود جبرئیل عرض کرد که امروز یکی از یاران در گذشته است
نام او معاویة بن [illegible] است از بس که فرشته به تشییع جنازه او آمده نور آفتاب را پوشیده اند
اگر خواهی زمین را در نوردم رسول خدا بر وی نماز کرد فرمود یا جبرئیل این مرتبه از کجا یافت
جبرئیل عرض کرد بخواندن قل هو الله احد اگر نشسته بودی و اگر برپا بودی در هر حال
سوره را قرائت میکرد از برکت این سوره است ایضاً یازده بار سوره را بخوانند در مقبره
خدای تعالی ببرد [illegible] حسنه در نامه اعمال او ثبت کنند ایضاً فاضل مجلسی
در کتاب مقباس المصابیح بسند معتبر از صادق آل محمد روایت کرده است که هرکه
ایمان دارد بخدا و روز قیامت باید که ترک نکند بعد از هر نماز فریضه خواندن سوره
قل هو الله احد را بدرستی که خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت و بیامرزد او را
و پدر و مادر او را و هرکه است از فرزندان و قوم ایضاً سید بن طاوس علیه الرحمه از حضرت
روایت کرده که هرکه بعد از نماز سوره قل هو الله احد را بخوانند رحمت از آسمان بر سر او فرود
آید و سکینه بر او نازل گردد و خدا نظر رحمت بسوی او افکند و گناهانش را بیامرزد و در
امان خدا باشد ابن بابویه بسند معتبر روایت کرده از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که هرکه
پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند و انا انزلناه و آیة الکرسی را

را بخواند خدای تعالی منع کند مال او را از آنچه ترسد و فرمود هرکه قل هو الله احد
و انا انزلناه و آیة الکرسی را پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی باو نرسد هرچند
شیطان جهد کند ایضاً در جواهر الثور(؟) از جناب پیغمبر صلعم روایت شده که هرکه
سوره قل هو الله احد را بخواند چنان باشد که ثلث قرآن را خوانده باشد و هرکه
ایمان [illegible] و ملائکه و کتابها و رسولان و روز قیامت ده حسنه برای او ثبت
کنند ایضاً همان حضرت فرمود که آیا هیچ کدام از شما می توانید بود که در یک شب
ثلث قرآن را بخواند عرض کردند که ثلث قرآن را که میتواند قرائت کند فرمود
که قل هو الله احد را بخوانید ثواب آن مثل ثواب ثلث قرآن است و هرکه دو مرتبه
بخواند دو ثلث و هرکه سه مرتبه بخواند ثواب ختم قرآن در نامه اعمال او ثبت شود
و هرکه بعد از هر نماز بخواند [illegible] از آسمان بر سر او و حق تعالی نظر رحمت بر او نگرد
و بیامرزد گناهان او را و هرچه سؤال کند حق تعالی باو کرامت فرماید هرگاه شروع
حلال باشد [illegible] سکرات مرگ بر او آسان گردد و از فشار قبر نجات یابد و از [illegible]
[illegible] باشد و در روز قیامت او را [illegible] کنند [illegible]
بایستند [illegible] بهشت امر فرماید [illegible] قل هو الله را [illegible] بخواند هزار
[illegible] هزار ملک را [illegible]
بنویسند [illegible] قیامت و هرکه بخواند [illegible] درختی در بهشت [illegible]

هزار شاخ و هر شاخی [illegible] در بهشت [illegible] باشد که در [illegible]
چندان باشد که نور او میان مشرق و مغرب را روشن سازد [illegible]
[illegible] باشد و میوه [illegible] چون روز قیامت شود [illegible] را چون [illegible]
آراسته به بهشت برند ایضاً مرویست هرکه برخت خواب خود یازده بار قل هو الله احد
بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک موکل گرداند که او را حفظ کنند او را در آن شب ایضاً بسند
معتبر منقول است از صادق آل محمد صلعم که فرمود در حفظ نمائید از شر مردم بخوانید قل
هو الله احد را بخوان و بدست راست خود دم کن و بخوان و رو بجانب دست چپ خود
دم کن [illegible] بجانب بالا کن و بخوان [illegible] بجانب پائین کن و اگر نزد حاکم روی [illegible]
[illegible] یازده بار بخوان و یک انگشت را عقد کن در دست چپ و انگشتان چنین
نگاه دار تا از نزد او بیرون آئی ایضاً از آن [illegible] روایت شده که هرکه ایمان بخدا
و روز جزا دارد قرائت کند قل هو الله احد را در عقب هر فریضه جمع نماید خداوند عالم خیر
دنیا و آخرت از برای او و بیامرزد او را و پدر و مادر او را ایضاً روایت کرده اند که حضرت
پیغمبر نماز کرد بر سعد بن معاذ پس فرمود که هر آینه بتحقیق آمدند از ملائکه هفتاد هزار ملک
و جبرئیل در میان ایشان بود که نماز گذارده بر او پس گفتم یا جبرئیل بچه چیز
شایسته آن گردیده که شما بر او نماز گذارید گفت بقرائت قل هو الله احد نشسته و ایستاده
سواره و پیاده و رفتن و آمدن ایضاً در کتاب [illegible] از مولای ما صادق آل محمد

علیهم اجمعین مرویست که کسی که یکبار سوره قل هو الله احد بخواند چنان است که ثلث
قرآن را خوانده است با ثلث توراة و ثلث زبور را خوانده باشد و ایضاً
در حدیث دیگر از حضرت رسالت پناه منقول است که شب معراج حضرت فاطمه کردند که هر کس قل هو الله احد را
دوست دارد چون شب را نتواند صد هزار بار قل هو الله احد بخواند و بخشد فاطمه سؤال نمود که
نماید با هم بخواند و ثواب بخشد ایضاً در همان کتاب از راوی از حضرت صادق مرویست که هر که
سوره قل هو الله احد را خدای تعالی با او برکت فرستد و هر که دو بار بخواند خدای تعالی بار و اهلش را
برکت دهد و هر که سه بار بخواند خدای تعالی در بهشت قصری از برای او مهیا کند و کاتبان اعمال
بگویند که بیایید بریم قصر ... را در ... نظر کنیم و هر که صد بار بخواند گناهان بیست و پنج
سال او آمرزیده شود بغیر از خون ناحق و مال مردم و کسی که چهارصد بار بخواند او را اجر چهارصد
شهید دهند از آن شهیدان که اسب ایشان را پی کرده باشند و خون ایشان را ریخته باشند و کسی که
هزار بار بخواند در یک شبانه روز نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند ایضاً در آن کتاب
از حضرت رسول مرویست که ... در تمام عمر سه هزار بار بخواند قل هو الله احد را
بیرون آید از گناهان ... که از مادر متولد شده باشد ... و استقبال کنند او را در روز قیامت
هفتاد هزار ملک تا او را به بهشت برند ... دهند که این کرامت از ما
بتو رسیده و اگر هزار بار بخواند ... هزار سفیر باد و دهند با هزار فرشته محشور شود و اگر صد بار
بخواند ... رسد ... حوض ... کنند ... در بهشت ... ده هزار

خلایق و بنویسد برای او ده هزار ده هزار حسنه ... هزار حسنه باشد و خدای تعالی
امر کند که ... و برای آنچه برای او مهیا کرده ام ... ده هزار هزار حسنه و
و خدای تعالی امر کند که ده هزار قصر برای او بنا کنند که از در و یاقوت باشد و حور العین چند
و با زیور چندان باشد که واصفان از وصف آن عاجز باشند که ببینید این از ثواب قل
هو الله احد خواندن در راه ... ایضاً شیخ صدوق ابن بابویه قمی علیه الرحمه در کتاب
من لا یحضره الفقیه از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده اند که آنحضرت فرمودند که هر که خواهد
از گناهان پاک شود ... و در او هیچ گناهی ... نباشد بعد از
هر نماز یازده مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند بعد از آن دستها را ... بسوی
آسمان کند و بگوید و این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون
الطهر الطاهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم و سلطانک القدیم یا
واهب العطایا و یا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و ان تخرجنی من الدنیا آمنا
و ان تدخلنی الجنة سالما و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره صلاحا
انک انت علام الغیوب ... از آنحضرت فرمودند که این ... که حضرت
پیغمبر ص بمن تعلیم فرمودند و امر کردند که تعلیم حسنین کنم ایضاً کسیکه اراده سفر داشته باشد قل هو الله
... را با این طریق نوشته ... در بازوی خود نهند ... در سفر ...

بگذارد که از آن سفر سالم باز آید و ترکیب این است

بسم الله	الرحمن الرحیم
قل هو	الله احد
الله	الصمد
لم	یلد
و لم	یولد
و لم	یکن له
کفوا	احد

ایضاً طریقه ختم سوره مبارکه قل هو الله احد است از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است بنوعی که مذکور شد بخواند
روز شنبه هفتاد و یک مرتبه روز یکشنبه شصت و پنج مرتبه
روز دوشنبه پنجاه بار روز سه شنبه چهل و یک مرتبه
روز چهارشنبه سی و پنج بار روز پنجشنبه بیست و پنج بار روز جمعه یازده بار بخوانند جهت حصول
حاجات و مطالب ... قل هو الله احد شیخ جمال الدین احمد ... با این طریق گفته
که نعمت عدد را در اول حال بخوانند ... تمام شود بخوانند ایضاً
ختم دیگر قل هو الله احد با این طریق است که تا چهارده روز هر روزی شش هزار بار بخوانند اول روز
پنجشنبه غسل کند بعد از نماز صبح هزار مرتبه بعد از نماز ظهر هزار مرتبه بعد از نماز عصر هزار مرتبه بعد از
نماز شام هزار مرتبه بعد از نماز خفتن هزار بار ... شب وضو تازه کند و هزار
مرتبه بخواند که جمیع روزی شش هزار مرتبه باشد که بعد از اتمام مدت چهارده روز هشتاد و چهار
هزار مرتبه می شود و بهر صد مرتبه قل هو الله احد بخواند صلوات فرستد و این دعا را بخواند یا الله یا رحمان
انت الذی وسعت کل شیء رحمة و علما چون تمام شود صد بار این دعا را بخواند
اللهم انی اسئلک ان تسخر لی ... بحق هذه السورة الشریفة ... لا اله
الا الله محمد رسول الله اللهم انی اسئلک یا واحد یا احد ...

صاحبة و لا ولدا یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بعد از ...
... شکافته شود و ... ملک بیرون آیند و بگویند السلام علیک یا عبد الصالح
بعد از آن ... مسلمانان ... روز پنجشنبه ... قل هو الله
احد را بخواند بعد از آن هر یک اسم خود را بتو بگویند ملک اول ... عبد الله احد و بگوید در
هر وقت که قل هو الله احد بخوانی من حاضر شوم و ترا در یک چشم بهم زدن بکعبه معظمه برم
و باز بیاورم ملک دیگر بگوید که نام من عبد الصمد است هر وقت قل هو الله احد بخوانی من حاضر
شوم و از ... که بخواهی ... حاضر سازم ملک سیم بیاید و بگوید که نام من عبد ...
است هر وقت سوره قل هو الله احد را بخوانی من حاضر شوم و علم کیمیا و سیمیا بتو آموزم و هر چیز که لازم
است بیاموزم ... اما در عوض چهارده یوم حیوانی نخورند و نان ... سنگ و انگور
... افطار کنند در خلوت نشینند و عود و سپند آتش کنند در این ختم را بخوانند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعلنی من المخلصین بحرمة سورة الاخلاص و ...
من الخواص الشریفة و المواهب ... و صلی الله علی محمد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین
ایضاً ... استخراج امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام برای دفع فتنه ... زمان
و از برای فتح کارهای دینی و دنیوی ... و باید همراه داشت و اگر بر ... ببندند
اعدا منهزم شود و اگر سوار با خود دارد ... از همه بلاها ایمن شود و اگر در گردن ببندند از آفات
... در امان ... تعالی باشد هر حاجت که ... و نقل در این استخراج

کردن روشنی چشم روز زیاد کند و اگر با خود دارد سحر و جادو بروی کار نکند و در هر خانه که این لوح
باشد بلا در درون آن خانه راه نیابد بغیر از حق تعالی این لوح مذکور اینست

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

سورة الفلق جهت دفع چشم زخم هر روز سه نوبت بخوانند از شر جمیع منافقین ایمن گردد
و یا نوشته با خود دارد و هر دو سوره را یعنی معوذتین را در نگاه دارد در امان خدای باشد
سورة الناس هر که هر روز سه بار بخواند از شر جمیع شیاطین و جن ایمن گردد و بلای چشم زخم
دور از حضرت رسد ایضاً از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود چون
کسی زینت کند خود را و بر زینت خویش آینده پس باید که از برای دفع ضرر چشم زخم در وقت
بیرون رفتن از خانه بخوانند قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس ایضاً در وقت
وزیدن بادها معوذتین بخوانند ایضاً شیخ صدوق علیه الرحمه بسند صحیح روایت کرده که یکی

از دوستان من چند روز ملاقات واقع شده میدیدم که بعد از فراغ از نماز صبح بلا فاصله
قبل از تکلم شروع مینمود بسوره قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و
و قل اعوذ برب الناس را بهمین ترتیب تلاوت میکرد و این دعا را بعد از آن میخواند
بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب یا هازم الاحزاب و یا مفتح الابواب
و یا مسبب الاسباب سبب لنا سبباً لا نستطیع له طلباً بحق لا اله الا
الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله علی ولی الله و بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا
اشتغال مینمود و سایر تعقیبات میخواندند و چون این حال را مکرر از ایشان مشاهده نمودم
از وی پرسیدم که شما همیشه این سوره را باین نحو و باین دعا میخوانید از برای چه مطلب جواب
فرمود که استاد من از استادش روایت نموده که او نیز در ایام سامره دیدم خدم و حشم در
دور و اطراف او بود پرسیدم از نام او گفتند فلان کس است چراغ از اولاد امجاد بود
بسیار خوشوقت شدم که ملاقات شاد میسر شد چون او از اصحاب ائمه الطاهرین بود در
کثرت امام حسن عسکری هم رسیده بود گفتم که از وی استماع نمایم چون بخدمت او رفتم مردی در
نهایت عظمت و حشمت و وقار بود و از وی سؤال کردم که میخواهم دعایی تعلیم فرمای که بسبب آن
از شر اعدا و کید ایشان محفوظ باشم و ثروت و غنا یابم و در نظر اعیان و اکابر و سلاطین
عزیز و محترم باشم و مقبول القول باشم آنمرد صاحب عظمت گفت که آنچه تو طلب میکنی من نیز
همان میخواستم بمن تعلیم نموده که این حال عمر را این عزت و حشمت که ملاحظه میکنی از برکت

برکت آن با قصه ام حضرت و پدرم رو تا بوی تعلیم کنم چون او مرا از تفحص مکان رو او بالا یافتم در او ذو با
حشمت و جلال در کنف و نعما یافتم چون التماس از او دعا تعلیم آن دعا کردم او نیز مرا بهمین دعا
حواله نمود و چون مرا از شفقت بسیار از نزد خود مرخص ساخت او پرسیدم و او را زیاده در باب شوکت
و حشم و خدم و غنا و عزت ملاحظه نمودم بسبب مال و نقد چون از او بسند دعا پرسیدم
گفت پسر در زاده من ارشاد نموده اند گفتم بلی گفت مرا امر تی بود قتل و اعدا مرا بسیار بود و پیشه
درکمین بودند تا آنکه مرا تهمتی نزد خلیفه متهم ساختند و رنج و تعب بسیار بمن رسانیدند تا آنکه
روزی تا آنکه عذری بخدمت امام حسن عسکری رفتم و شکوه اعدا و آن رنج و علت بهم و تعب و شکایت
و استیلاء شدم تا آنکه عرض نمودم که خلاصی خود کرده از شر ایشان قوی دارم و مرا نزد خلیفه متهم ساخته اند
و مرا آزار بسیار رسانیده اند از شر آن عاجزم آنحضرت بمن تعلیم کرد این چهار سوره را
بقصد طول عمر و حصول غنا و ثروت و عزت و احترام در نزد خلایق و جهت حفظ از دشمنان
و ساحران و بدگویان هر مطلبی که در نظر باشد باین نحو بخوان اول سوره قل یا ایها الکافرون
دوم سوره قل هو الله احد سیم قل اعوذ برب الفلق چهارم قل اعوذ برب الناس بعد از فراغ
نماز صبح پیش از تکلم با خلق و دعای مذکور را بخوان و چون بفقره سبب لنا سبباً برسی
مطلب را در نظر بیاور که البته حاجت برآمده است و این سری است از اسرار الهی
که در نزد ما مخزون بود لهذا آن دست بدست بما رسیده و چون تو از محبان مائی بتو
تعلیم کردم البته بان مواظبت کن که فواید بسیار دارد آنمرد گفت که این طول عمر و ثروت

و حشم و خدم بیشمار که ملاحظه میکنی همه از برکت آن حرز است و کید اعدا و مکر و حیله ایشان
و زبان بدگویان از من منقطع شد و مقبول القول شدم در نزد مردمان و شاید شنیده
باشی که خلیفه از خلفای بنی عباس چه قدر رعایت من میکرد و در تعظیم و توقیر من ساعی است
آن نیز از برکت آن حرز مبارک است و آنچه بگویم خلیفه از قول من تخلف نمیکند و شیخ صدوق
میفرماید که این دعا را بجمعی تعلیم نموده ام بتجربه رسیده از آن جمله صاحب ابن عباد تعلیم نمودم که
بتجربه رسیده است و بمراتب عالیه رسیده و سلطان رکن الدوله دیلمی اعظم و اجل بود
تعلیم نمودم در وقتی که معاندین او در پیش خلیفه راستی یافته و خلیفه با و بدگمان گردیده
و خواست او را در مجلس بخواند چون باین قیام نمود خلیفه را ظاهر شد که آنچه در باب او گفته اند
از راه عناد و لجاج بوده معاندین را حبس نمود سلطان رکن الدین الدوله را مقرب تر
بر جلال او افزود و ولایت خوارزم و خراسان و طبرستان را با و مفوض فرمود و ابن
ادریس در کتاب مستطرفات همین دعا را از ابن بابویه نقل نموده است فرموده که من تجربه
کرده ام و چند این عمل قبل از اشاعه فوایدش کثیر است باید دست از مواظبت آن ندارند
در بیان اذکار از کتاب مفتاح الفلاح الخزائن در بیان فضیلت اذکار است که مخصوص بوقتی معین است
و وقتی که مقرر نیست در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن بسند معتبر از مولای ما حضرت
صادق هم روایت است که فرمودند هر عبادتی را اندازه ایست که بآن منتهی میشود بغیر ذکر خدا
که از برای او حدی نیست چنانچه حق تعالی نمازهای پنجگانه را واجب کرده اندازه است کسیکه اینها را

ادا نماید که بشر رسانیده است و هم چنین کسیکه روزه ماه مبارک رمضان بگیرد و فرض را
ادا کرده است و کسیکه بگیر تسبیح کند اندازه و حد آن را برده است مگر ذکر خدا و یاد خدا که حق تعالی از برای آن
اندازه مقرر نکرده است و اندازه و نهایتی برای آن مقرر نساخته است پس از آن این آیه را
خواندند که یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا یعنی
ای گروه مومنان یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار و تسبیح و تنزیه کنید او را در بامداد
و پسین پس نهایتی برای ذکر قرار نداده و مقرر نفرموده و فرموده اند که پدرم بسیار یاد خدا
میکرد و هر گاه راه میرفتم مشغول ذکر بود و چون با او طعام میخوردم مشغول ذکر بود و چون
با مردم سخن میگفت او را از یاد خدا باز نمیداشت و پیوسته میدیدم که زبانش بکامش چسبیده
بود و مشغول ذکر بود لا اله الا الله بود و صبح ما را جمع میکرد که مشغول ذکر و یاد خدا باشیم
تا طلوع آفتاب و امر میفرمود هر که میتواند قرآن بسیار بخواند و هر که نمیتواند ذکر خدا کند و خانه که
در آن قرآن میخوانند و ذکر خدا میکنند برکت آن خانه بسیار میشود و شیاطین از آن خانه دوری میکنند
و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستاره ها اهل زمین را روشنی میدهد و هر خانه که در آن
قرآن خوانده نمیشود و یاد خدا نمیکنند برکت از آن خانه کم میشود و ملائکه از آن خانه دوری
میکنند و شیاطین در آن خانه حاضر میباشند ایضا در بحار از کتب معتبره ذکر نموده
که چون مسهر و جبرا حضرت علی ابن موسی الرضا ع بر تو سخت برخراسان اند حضرت ورود
از خط نیشابور روانه شد عماری که بر استر بسته و حضرت بر آن نشسته بود و چون بکنار بحاری

بنا بر او بهد

نشستند تا رسید جمعی از علمای حدیث و علمای آنجا که در رکابش بودند التماس نمودند علوم ربانیه
افاده حدیثی فرمودند آن منظور نظر با برکت چون نور افکند از چشم فتنه عماری سر بر آورده فرمودند
که شنیدم از پدرم موسی بن جعفر ع که میگفت شنیدم از پدرم جعفر بن محمد که میگفت شنیدم
از پدرم علی بن الحسین که میگفت شنیدم از پدرم حسین بن علی ع که میگفت شنیدم از پدرم
امیر المؤمنین ع که میگفت شنیدم از رسول خدا صلوات الله علیه که میگفت شنیدم از جبرئیل
که میگفت شنیدم از خداوند عز و جل که حق تعالی فرمود لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی
امن من عذابی یعنی لا اله الا الله حصار منست کسیکه در آید در حصار من ایمن باشد از عذاب
من پس چنانچه اعتقاد در وحدانیت حصار موقوف است اعتقاد در ولایت نیز از آن قبیل است
و در کتاب ابن مردویه منقول است که حق تعالی فرمود که ولایة علی ابن ابی طالب حصنی فمن دخل
حصنی امن من عذابی یعنی اعتقاد و امامت علی ابن ابی طالب ع حصار منست هر که در حصار من
در آید ایمن است از عذاب من و این روایت دلالت میکند که اقرار بولایت
آنحضرت شرط اعتراف بوحدانیت است و از اینجاست که مولای ما حضرت رضا علیه السلام
بعد از ذکر این روایت فرمود که بشرطها و انا من شروطها یعنی اقرار بوحدانیت و اقرار
بامامت حضرات ائمه اثنا عشر ع سودمند نباشد ایضا از حضرت رسول ص منقولست
که حق سبحانه و تعالی بحضرت موسی ع خطاب فرمود که اگر آسمانها و ساکنان آنها و زمینها همه
در یک کفه ترازو باشد و لا اله الا الله در یک کفه ترازو این کلمه زیاده میکند بر آن ایضا

بسند معتبر از حضرت باقر ع منقول است که حضرت رسول فرمودند که تلقین مردهای خود
در وقت جان کندن بکلمه طیبه لا اله الا الله کنید که گناهان را خراب میکند صحابه عرض کردند
که یا رسول الله کسی در حال صحت بگوید چون است حضرت فرمودند که بیشتر باعث انهدام
شکستن و برطرف شدن گناهان میشود بدرستی که لا اله الا الله مونس مومن است در حال
حیات و نزد مردن و در هنگام محشور شدن و بدرستی که جبرئیل بمن عرض کرد که یا محمد در
روز قیامت جمعی را خواهی دید که از قبرها روسفید مبعوث میشوند و آواز میکنند
که لا اله الا الله و الله اکبر و جمعی روسیاه مبعوث میشوند و فریاد میکنند یا ویلاه یا ثبوراه
ایضا از حضرت رسول مرویست که قیمت جنت لا اله الا الله ایضا حدیث دیگر
از آنحضرت منقول است که هر که لا اله الا الله بگوید برای او درختی در بهشت غرس میکنند
از یاقوت سرخ ریشه اش از مشک سفید و میوه اش از عسل شیرینتر و از برف سفیدتر
و بوی مشک میدهد و در آن درخت میوه ها باشد بشکل پستان دختران باکره که چون
شکافته شود هفتاد حله از میان آن بیرون آید ایضا بسند معتبر از مولای ما حضرت
صادق ع و حضرت رضا ع که چون حضرت نوح ع در کشتی نشست خدای تعالی باو وحی
فرستاد که هر وقت خوف غرق شدن در کشتی بهم رسد هزار مرتبه بگو لا اله الا الله ایضا
از مولای متقیان علی ابن ابی طالب ع مرویست که هر بنده مسلم که لا اله الا الله
بگوید آن کلمه بالا رود و هر سقفی را بشکافد و هر گناهی از گناهان او را محو نماید

از

تا بحسنات او برسد ایضا از حضرت رسول خدا ص مرویست که هیچ عملی ثوابش عظیمتر از گفتن
لا اله الا الله نیست ایضا و از رسول خدا ص منقولست که هر که صد بار لا اله الا الله بگوید
عمل او در آن روز بهتر از اعمال مردم باشد مگر کسی که بیشتر از آن این کلمه را گفته باشد
از حضرت صادق در کافی منقول است که طاوس ملائکه جبرئیل ع نزد حضرت رسول آمد
و عرض کرد که یا محمد ص طوبی لمن قال من امتک لا اله الا الله وحده وحده وحده
حاصل معنی آنکه حال کسیکه از امت تو که گفت لا اله الا الله وحده وحده وحده
ایضا در کافی از حضرت باقر ع مرویست که هر که بعد از نماز فریضه تسبیح فاطمه زهرا ع
بگوید در عقب آن یک مرتبه لا اله الا الله بگوید خدای تعالی او را بیامرزد ایضا در ثواب
الاعمال از آنحضرت منقول است که هر که لا اله الا الله بگوید مردان تعجب خلق کنند
خدای تعالی مرغی که بال زند بر سر صاحبش تا آنکه قیامت قایم شود و ذکر کند برای گوینده بود
ایضا از کتاب جامع الاخبار از رسول مختار منقول است که هر که بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له اللهم صل علی محمد و آل محمد مرغی سبز از دهان او بیرون می آید و مانند هلال
باشد سکال عرش الهی و با قوت و چون بالها را بهم کند مغرب و غرق رسد و پرواز کند
بعرش و او را صوتی باشد همچون صورت زنبور که صاحب هنر را یاد کرده باشد پس خدای
تعالی فرماید که ای مرغ آرام گیر عرض کند که پروردگارا من چگونه ساکن شوم
که تو قایل این کلمه را نیامرزیدی حضرت پروردگار فرماید ای مرغ ساکن شو که او را آمرزیدم

و آن مرغ را هفتاد زبان دهد تا استغفار کنند برای او تا روز قیامت و ثواب آن باو
در بهشت عنبر سرشت ایضاً در کتاب کافی از آن حضرت منقول است که حق تعالی را
عمودیست در عرش برین چون بنده از سر اخلاص بگوید لا اله الا الله عرش حق تعالی
بحرکت آید از سبب آن آن عمود و آن ماهی در حرکت آیند حق تعالی فرماید ای عرش
ساکن شو عرض کنند چه گونه ساکن شوم که تو نیامرزیدی این گوینده را حق تعالی فرماید
آمرزیدم ایضاً در کتاب توحید از حضرت رسول صلعم منقول است که هیچ کلمه نزد خدا
محبوب تر از لا اله الا الله که بنده اش بگوید و هر وقت که کسی گوید لا اله الا الله گناهان
او بریزد مثل برگ از درخت ایضاً طریقه ختم کلمه لا اله الا الله اینست که روز
یکشنبه شروع کند روز یکشنبه یازده هزار مرتبه روز دوشنبه دوازده هزار مرتبه روز سه شنبه
سیزده هزار مرتبه روز چهارشنبه چهارده هزار مرتبه روز پنجشنبه پانزده هزار مرتبه روز جمعه
شانزده هزار مرتبه که مجموع هشتاد و یک هزار مرتبه میشود و این ختم بسیار مجرب است ایضاً
مجلسی علیه الرحمه در کتاب عین الحیوة گفته بسند معتبر از حضرت صادق ع که فرمود هر که
هر که صد مرتبه لا اله الا الله الحق المبین خداوند جبار او را پناه دهد از فقر و وحشت
قبر و او را از نفس مستغنی گرداند سبب توانگری و بگشاید و چنان باشد که در بهشت را بکوبد
ایضاً بسند معتبر دیگر منقول است از آن حضرت که هر که روز پانزده بار بگوید این تهلیل را
که لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله ایماناً و تصدیقاً لا اله الا الله عبودیة و

وَرِقّاً حق تعالی از روی رحمت نظر بسوی او میدارد و از روی لطف و کرم او را داخل
بهشت کند ایضاً در مهج ابن طاوس رحمه الله مذکور است راوی گوید که حضرت امام
زین العابدین ع شبی بصحرا بیرون رفته بود و من نیز از دنبال او رفتم دیدم که بسجده افتاد
و پیشانی انور خود را بر سنگ درشت نهاده توقف کردم چنانچه صدای گریه و ناله
او را شنیدم و شمردم هزار بار گفت لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله تعبداً
وَرِقّاً لا اله الا الله ایماناً و تصدیقاً پس از آن سر از سجده برداشت و محاسن
شریفش و رخسار لطیفش سراسر باب دیدگان تر شده بود عرض کردم یا سیدی وقت
نشد که اندوه شما بانجام رسد و گریه شما کم گردد فرمود که وای بر تو بدرستی که یعقوب بن
اسحق بن ابراهیم پیغمبر و پسر پیغمبر بود و دوازده پسر داشت خدای تعالی یکی را از ایشان را
غایب گردانید از اندوه موی سرش سفید گردید و از غم پشتش خمیده گردید و از گریه
چشمش نابینا شد و حال آنکه پسرش زنده بود و در دار دنیا بود و من دیدم پدرم و برادر
و هفده نفر از اهل بیت خود را که کشته افتاده بودند و چگونه اندوه من منقضی گردد و
کم شود ایضاً کلینی و ابن بابویه قمی رحمة الله علیهم بسندهای معتبر از امام جعفر صادق ع روایت
کرده اند که هر که هر روز صد بار این دعا بخواند حق تعالی چهار هزار گناه او را محو کند
و چهار هزار حسنه از برای او بنویسد و چهار هزار درجه در بهشت از برای او بلند گرداند
و حرزی باشد در آن روز از برای او از شر شیطان رجیم و ظالمان و متمردان نشوند او را

داخل او نکنند گناه کبیره و برابر دیگر چنان باشد که در هر روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و
خدای تعالی از برای او خانه در بهشت بنا کند و در روایت ابن بابویه ده بار بخواند و دعا اینست
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الهاً واحداً احداً صمداً
لم یتخذ صاحبة و لا ولداً ایضاً کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران روایت کرده اند
بسند معتبر از حضرت صادق ع که فریضه واجب است بر هر مسلمانی که ده مرتبه پیش از
طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آفتاب این دعا را بخواند لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر و در بعضی روایات چنین است یحیی و یمیت و یمیت
و یحیی و در چند روایت و هو حی لا یموت بیده الخیر نیست و در بعضی است
و ظاهر همه خوب است و اگر هر قسم را بگوید بهتر است و در بعضی روایات وارد شده است
اگر ترک شود قضا کنند که لازم است و در بعضی روایات کفاره گناهان اوست از آن روز
و در روایت بسیار از صادق آل محمد منقول است که پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب
آفتاب ده مرتبه بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین و اعوذ
بالله ان یحضرون ان الله هو السمیع العلیم و در بعضی روایات استعیذ بالله
السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و اعوذ بالله ربّ ان یحضرون تا آخر اگر
ترک کند قضا کند ایضاً از جناب پیغمبر ص بروایتی است که هر که این دعا را بخواند چنان باشد

که خود را از عذاب خدای تعالی خریده باشد اگر چه گناه جمیع خلایق را کرده باشد بسم
الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله عدد انفاس الملائکة لا اله الا الله بعدد
الاشجار و الجبال و بعدد الرمل و الحصی ایضاً از همان حضرت مرویست که
فرمود هر که این دعا را هر روز نماز بامداد بخواند الله تعالی بنظر رحمت و عنایت در وی
نظر کند بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله ایماناً بالله لا اله الا الله
یقیناً بالله لا اله الا الله امانة من الله لا اله الا الله محمد رسول الله
علیّ ولیّ الله حقاً حقاً برحمتک یا ارحم الراحمین ایضاً عن اصبغ بن نباتة
قال کنت مع علی بن ابی طالب علیه السلم فمرّ بالمقابر فقال علی ع السلام علی
اهل لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله یا لا اله الا الله اغفر لمن قال لا اله الا
الله و احشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله و قال علی سمعت رسول الله
یقول من قالها اذا مرّ بالمقابر غفر له ذنوب خمسین سنة فقالوا یا رسول
الله من لم یکن له ذنوب خمسین سنة قال لوالدیه و لقرابته و لعامة المسلمین
مفتاح پنجم در فضیلت و عظمت و ثواب کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله
علیّ ولیّ الله صاحب خلاصة المنهج از تفسیر اهل بیت علیهم السلام نقل میکند که مراد از نبأ
در سوره مبارکه عمّ یتساءلون عن النبأ العظیم علی بن ابی طالب ع و هر استفهام بمعنی نفی است
نه بمعنی تحقیق هیچ زمانی بر این انسان نگذشت که در آن زمان مذکور نبود بلکه همیشه مذکور و

و مذکور و معروف بود و چگونه چنین نباشد که نام شریفش با نام خدای تعالی و رسول و
بر ساق عرش و بر در بهشت نوشته باشند و ایضاً از علی عالم ایضاً در همان کتاب
مسطور است که مولای ما حسین بن علی از پدر بزرگوارش روایت فرموده که آنحضرت از جناب
رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود که من و علی یک نور بودیم نزد خداوند عالم چهارده
هزار سال قبل از آن که عالم مخلوق شود ایضاً صاحب کتاب تکملة الاخبار نقل کرده از کتاب
منهاج از قاسم بن معاویه و او از مولای ما صادق آل محمد علیه السلام نقل میکند که قال الله عز و جل
لما خلق العرش کتب علیه لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیر المؤمنین و لما
خلق العرش خلق الله عز و جل الماء کتب فی مجراه لا اله الا الله محمد رسول الله
علی امیر المؤمنین و لما خلق الله تعالی الکرسی کتب فی مجراه لا اله الا الله
محمد رسول الله علی امیر المؤمنین و لما خلق الله عز و جل اسرافیل کتب علی
جبهته لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیر المؤمنین و لما خلق الله جبرئیل
کتب علی جناحه لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیر المؤمنین و لما خلق الله
عز و جل السموات کتب فی اکنافها لا اله الا الله محمد رسول الله علی
امیر المؤمنین ایضاً در شرح خطبة البیان آورده از محمد بن عبدالله و او از ابو العباس
بن احمد عابد الطائی و او از سهل بن صیفی و او از موسی بن عبدالله که گفت شنیدم از حسین بن علی
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمودند که ان الله خلق الله عز و جل الجنة فکتب علی

لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیر المؤمنین ولی الله و وصیه ثم خلق الارض
فکتب علی حدوده لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و وصیه
فمن احب ان یحب الجنة و لا یحب الموت فقد کفر قال رسول الله صلی الله علیه و آله الا ان اهل بیتی
امان لکم فحبوهم لحبی و تمسکوا بهم حتی ان لا تضلوا قیل فمن اهل بیتک
یا نبی الله قال علی و سبطای و تسعة من ولد الحسین ائمة ابرار امناء معصومون
الا انهم اهل بیتی و عترتی من لحمی و دمی صدق رسول الله معنی حدیث آنست
که نقل است از حضرت رسول در مبدأ آسمانها آنچه مذکور شد که خازن اسرار رب العالمین
جناب خاتم النبیین فرمود که در روز ازل خدای عز و جل چون بیافرید در حواشی آن نوشت
کتاب ستونها زمین که عالم و منتهی محمدیات انکه هفت آسمان و زمین را آفرید بر اطراف آنها
نوشته لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و وصی رسول الله انکه لوح را
آفرید پس کتابت کرد در او لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله و وصی رسول
الله پس بدرستی که هر که دعوی کند که دوست دار پیغمبر را و گوید که دوست دارم و وصی او را دوست ندارد
پس از او پس بدرستی که او دروغ گفته است و هر که دعوی کند که پیغمبر را میشناسد و وصی او را
نشناسد کافر باشد چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بدانید که اهل بیت من
امامان شما را پس از من ایشان اند متابعت و پیروی ایشان کنید تا گمراه نشوید عرض کردند
کدام اهل بیت یا رسول الله فرمود امیر المؤمنین و سبطین و نه تن دیگر از فرزندان حسین علیهم السلام

که صاحب اسرار اند و از گوشت و خون من اند روایت میکند ابن مسعود که گفت روزی شدم
بر حضرت رسول و عرض کردم یا رسول الله بنما مرا حق علی را تا نگاه کنم و ببینم او را فرمود
آنحضرت فرمودند که ای پسر مسعود داخل شو در کنج خانه و نظر کن تا ببینی داخل شدم
دیدم علی بن ابی طالب را که در رکوع و سجود میکرد و در رکوع و سجود خود آنحضرت میگفت که
خداوندا تو را قسم میدهم بحق محمد پیغمبر تو که بیامرزی گناهکاران از شیعیان مرا بیرون
آمدم که خبر دهم رسول خدا را پس دیدم که او هم در رکوع و سجود میکرد و میگفت خداوندا تو را
قسم بعلی ابن ابی طالب که ولی تست که بیامرزی گناهکاران امت مرا ایضاً در
مناقب خوارزمی از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که جناب ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله
فرمود که بر در بهشت نوشته است که لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
اخو رسول الله قبل ان یخلق السموات و الارض بالف عام یعنی این کلمه بزرگوار بر در
بهشت نوشته است پیش از خلق آسمانها و زمین بدو هزار سال ایضاً در کتاب مصابیح
از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود دخلت الجنة رأیت
علی بابها مکتوباً بالذهب لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله فاطمة امة الله و الحسن
و الحسین صفوة الله علی محبیهم رحمة الله و علی مبغضیهم لعنة الله و الملائکة و الناس
اجمعین ایضاً در کتاب مخالف و موافق است که بر ساق عرش نوشته است لا اله
الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی و نصرته ایضاً در کتاب خلاصة المنهج سطور است

که در لمعات آفتاب شصت و چهار فرسنگ است در سعت ماه چهار هزار فرسنگ است بر ظاهر
آفتاب نوشته که لا اله الا الله محمد رسول الله خلق الشمس بقدرته و اجراها
بامره و در باطن نوشته لا اله الا الله رضاه کلام و رحمته کلام و غضبه
کلام و عذابه کلام معنی مراد آنست که بکلام خدا راضی و بر یکدیگر رحم کنید و بکلام
او خشم گیرید و عذاب او جنابند باید که رضا و رحمت و غضب و تعذیب شما موافق ارادهٔ
الهی باشد و بر ظاهر ماه نوشته که لا اله الا الله محمد رسول الله خلق الله القمر و خلق الظلمات
و النور و در باطن آن مرقوم است که خلق الله الخیر و الشر بقدرته یبتلی بهما من یشاء
من خلقه فطوبی لمن اجری الله الخیر علی یدیه و ویل لمن اجری الشر علی یدیه مراد آنست
که حق سبحانه و تعالی اقتدار و تمکین و آلات خیر است و نه خالق نفس خیر تا حال کسیکه لطف
الهی شامل او شده باشد و همه کتب فعل خیر است برای هر نفس که در باب خذلان فرو مانده
بعض شر مشغول است ایضاً در کتاب مناقب مذکور است که بر یک روی آفتاب مکتوب است
که الله نور السموات و بر روی دیگر آن مرقوم است که و علی نور الارضین ایضاً در همان
کتاب از مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام روایت که رسول خدا فرمود که ای علی دیدم نام ترا
همنام خود چهار جا پس انس گرفتم بدیدن آن بدرستیکه چون رسیدم به بیت المقدس در
شب معراج در سنگی که در بیت المقدس است نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله علی
ولی الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره نیز خدای دیگر بغیر از خدای و نعمت فرستاده برحق

که خداوندم قوت و یاری داده‌ام محمد را بوزیر او گفتم جبرئیل را که کیست وزیر من عرض کرد
علی ابن ابی طالب پس رسیدم بسدرة المنتهی دیدم بر او نوشته بود که منم خداوند
و نیست خدای بجز من که یگانه‌ام و محمد برگزیده منست از آفریده‌های خود قوت و یاری دادم
محمد را بوزیر او گفتم جبرئیل را که کیست وزیر من گفت علی ابن ابی طالب ایضاً در همان
کتاب در مناقب خطیب سطورست و از عبدالله بن مسعود مرویست که رسول خدا
فرمود که چون خداوند عالم آدم را آفرید و روح در وجود او دمید آدم عطسه کرد و گفت
الحمد لله پس وحی کرد خداوند ایزد تعالی حمدنی عبدی ستایش کرد مرا بنده من بعزت و
جلال خودم که اگر مقصود از آفرینش دو بنده نبودی که اراده کرده‌ام چنانست که ایشان را
بیافرینم هرآینه ترا نیافریدمی آدم عرض کرد الهنا آن دو بنده از نسل منند خداوند
فرمود بلی آنگاه فرمان شد ای آدم سر بردار آدم سر برداشت نظر کرد بعرش مجید
دید نوشته است که لا اله الا الله محمد رسول الله و علی نور الله ایضاً در همان
از موالی امیرالمؤمنین ع مرویست که رسول خدا صلعم فرمود که ای علی دیدم نام ترا در چهار
جا پس انس گرفتم بدیدن آن ایضاً در کتاب مناقب سطورست ابو هریره روایت کند
که رسول خدا صلعم فرمود که چون شب معراج مرا بآسمان بردند انبیا بر من جمع شدند پس
آنگاه حق تعالی بمن وحی کرد که ای محمد بپرس که بچه سبب فرستاده شده‌اند چون پرسیدم
عرض کردند که فرستاده شده‌ایم بر اظهار کلمه توحید و اقرار کردن به نبوت تو و ولایت

و محبت علی ابن ابی طالب ع ایضاً در کتاب تنبیه الغافلین مذکورست از جناب پیغمبر
نبوی ص فرمود که در شب معراج کوشکی از یاقوت سرخ دیدم و او را دری بود از زر سرخ
و او را چهار رکن بود از رکنی تا رکن دیگر چندان بود که از شرق تا مغرب و در کوشک
در آمدم و در او چهار جوی دیدم یکی از آب و دیگری از عسل و یکی از خمر و یکی از شیر و درختان
بسیار دیدم و اصل آن درختان از زر سرخ و برگها از حله‌های بهشتی بر هر برگی نوشته
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ایضاً در کتاب المؤمنین مذکورست از
محمد بن سنان مرویست که روزی در خدمت مولای خود حضرت صادق ع بودم
که مردی از چین آمد امام ع فرمود که ما را مردم چین میشناسند عرض کرد بلی یا ابن
رسول الله و در بلاد ما درختی است در فصل بهار دو رنگی در بار گل میکند و شکوفه میشکافد
در اول روز بر گلش نوشته لا اله الا الله محمد رسول الله و بر گل آخر روز مرقوم که لا اله
الا الله علی خلیفة رسول الله ایضاً در مناقب خطیب و فردوس الاخبار از جابر بن عبدالله
انصاری مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود جاءنی جبرئیل من عند الله عز و جل
بورقة آس خضراء مکتوب فیها ببیاض انی افترضت محبة علی ابن ابی طالب علی
خلقی فبلغهم ذلک عنی یعنی آمد جبرئیل از حضرت رب جلیل یک برگ مورد سبز
عن الله بر آن برگ بسفیدی نوشته بود براستی که من محبت علی ابن ابی طالب را فرض
کرده‌ام بر جمیع مخلوقات خود پس باید که این سخن را از من بایشان برسانی ایضاً ابن عباس

از جناب مقدس نبوی روایت میکنند که آنحضرت فرمود کسیکه بگوید لا اله الا الله سرسبز شود
می خورد از برای او درختی در بهشت برای او و کسیکه در عقب آن بگوید محمد
رسول الله نور را در میکند روی او را حق سبحانه و تعالی و انبساط داده می شود
و کسیکه بعد از آن بگوید علی ولی الله می آمرزد گناهان او را هر چند بوده باشد بشماره
قطرات باران ایضاً در کتاب تنبیه الغافلین مذکورست که جناب رسول خدا ص
فرمود در بهشت وادی است که خاکش از مشک و کافورست و سنگها از در و مروارید و
از باطن و باطنش از ظاهر پیداست و نمایانست از یکدانه مروارید آفریده شده است گرد
برگردش هزار سال است راوی عرض کرد یا رسول الله این منزل کراست فرمود از کسی
که با مردم بحق زندگی کند و سلام کند تمام مردم را و خلق را بخوشی دهد و پیوسته روزه
دارد و همه شب نماز کند عرض کردند یا رسول الله شاید کسی نتواند این همه را بجا آورد
فرمود هر که از سر صدق بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله بجا آورده
باشد که همیشه روزه باشد و هر که نماز جماعت بگذارد بهمان است که شب را زنده دارد
ایضاً جناب رسول خدا ص فرمود که فرزند نارسیده ... کلمه شهادت
یکبار بگوید که لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله حق تعالی از حساب او
و پدر و مادر او بر میدارد ایضاً از جناب پیغمبر مرویست کسیکه بعد از نماز شام
مرتبه بگوید که لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ...

رکعت نماز کرده باشد در هر رکعت توریة و انجیل و زبور و فرقان خوانده باشد حق تعالی چندان
ثواب کرامت کند که گویا ... عبادت کرده باشد و عذاب قبر مطلقا نمیرسد
و برکت شفاعت میبرد و جواب منکر و نکیر بطلاقت لسان گوید ایضاً در مسائل عبدالله بن سلام
که جناب پیغمبر ص فرمودند که در روز قیامت بنده را بیاورند که تمام اعمال او گناه باشد
آن بنده بترسد و نا امید شود و خاطر پریشان و تلخ قرار دهد ناگاه کاغذ پاره از هوا
بیاید ... در پله نور افتد چون بسنجند از پله ظلمت راجح آید اهل عرصات
گویند آیا چه نامه بود چون باز کنند نوشته باشد که این بنده در عمر خود یکبار گفته
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله پس حق تعالی امر کند که این بنده را
به بهشت برند هر که مرا شناخت و پیغمبر را شناخت و امامان مرا پیروی کرد
... خداوندم او را عذاب کنم اللهم ارزقنا شفاعة محمد و آله ایضاً
تجربه رسیده که هر کلمات شهادتین را مجاور و مسافر ... که لا اله
الا الله ... و محمد رسول الله را ...
روزی شود ایضاً بدانکه لا اله الا الله دوازده حرف است و محمد رسول الله نیز دوازده
حرف است و شبانه روزی بیست و چهار ساعت است پس باید که بنده هر بیست
و چهار حرف کلمات شهادت بر زبان براند بیست و چهار ساعت شب و روز
بر عمر تو برکات این حروف ... همچنانکه خون و مالت در دنیا ...

می آید و علی امیر المؤمنین نیز پانزده حرف است اگر با لا اله الا الله محمد رسول الله
ختم کنی از هفت درکه دوزخ خلاصی یابد و بهشت در بهشت برسی دوم در کتاب تنبیه
الغافلین از حضرت رسول صلعم مرویست که فرمود هر روز چهار فرشته از آسمان بزمین
می آید اول بمکه معظمه آید و ندا کند که هر که از سنت حضرت رسول دست بردارد از
شفاعت آنحضرت محروم ماند دوم فرشته به بیت المقدس آید و ندا کند که هر که کسب
حرام کند حق تعالی عملهای او را قبول نکند سیوم فرشته بگورستان مسلمانان آید و ندا کند که
ای اهل گورستان چه آرزو دارید گویند آنکه یکبار دیگر لا اله الا الله محمد رسول الله
علیا ولی الله چهارم فرشته در شهرهای مسلمانان رود و ندا کند ای مسلمانان فساد
نکنید تا هلاک نشوید پنجم در رسالۀ عبدالله مذکور است که از رسول خدا صلعم صفت عرش را
که خدا آفریده است پرسیدم که چگونه است فرمود حق تعالی در زیر عرش عمودی آفریده است
از نور و بر سر آن قبه آفریده است از یاقوت سرخ و بر سر آن قبه مرغی آفریده است مثال
خروس و سر آن مرغ از مروارید است و چشمهای آن از گوهر و آن مرغ را چهار صد بال
و در هر بالی هفتصد هزار پر است از کافور و بر هر پری سه خط از زعفران نوشته اند
اول بسم الله الرحمن الرحیم دوم لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
سیم کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون و منبر آن مرغ بر بلندی
عرش است و سر او در زیر عرش است و پاهای او بر زمین هفتم و بر سر آن مرغ هر روز و روزی

نثار کنند چون آن مرغ بالهای خود را بگشاید چون باران در و مرجان بر سر بهشتیان
بارد و هر روز پنج مرتبه بوقت نماز سر بردارد و بانگ کند و پر خویش بر یکدیگر زند
و پر خویش بهم زند چنانچه عادت مرغان است و این تسبیح را گوید سبحان الله
ربی العظیم وبحمده و از هر پری آواز برآید و همه درختان بحرکت درآیند و حوران
از کوشکها سر بر آرند و یکدیگر را خبر دهند که وقت نماز است و خواهران ما در دار
دنیا بنماز مشغول شدند و فرض حق را ادا می کنند چون آن مرغ بالها بر هم زند از عرش
تا به ثری بلرزه درآید ندا آید ای مرغ چرا ساکن نمی شوی گوید بار خدایا بندگان تو
بامر تو مشغول شدند حق تعالی فرماید [illegible] واجب شد
که نظر برایشان کنم پس هر که نماز را بوقت بگذارد حق تعالی نظر رحمت بر او کند و آتش
دوزخ را بر او حرام کند پنجم در رسالۀ عبدالله مذکور است که از رسول خدا صلعم صفت کوه
قاف را پرسیدم که چگونه است حضرت فرمود که کوه قاف گرد جهان کشیده و آن کوه
چندان بلند است که تو او را باسمان پیوسته دانی و آن کوه از زمرد است چون حق تعالی زمین را
بیافرید از زمین برجنبید حق تعالی بنالید که خداوندا مرا قرارگاه آدمیان خواهی کرد که در پشت من
معصیت کنند آنگاه حق تعالی کوه قاف را بیافرید و زمین بدو بست تا بیارامید
و قرار گرفت و دیگر هست که حق تعالی در کلام مجید خود ذکر کرده که ق والقرآن المجید
و بزرگی و فراخی آن پانصد ساله راه است و آن از زمرد است که اگر سر در آن نمودی

گرمی آفتاب همه عالم را گرفتی و در پس آن زمینی آفریده است از [illegible] سفید
و آن زمین هفت برابر دنیاست و در آن زمین فرشتگانند که [illegible]
آسمان افتند بزمین نرسد و بر دست هر فرشته علمی باشد از نور و درازی آن علم
یک فرسنگ است و بر آن علم نوشته است لا اله الا الله محمد رسول الله علیا
ولی الله حقا حقا چون شبهای جمعه شود همه فرشتگان در پای آن کوه جمع شوند و
تضرع و زاری کنند و گویند خداوندا بر امت محمد رحمت کن و عذاب ایشان را
باز دار باز گویند خداوندا بر امت محمد عفو کن از گناهان و بیامرز کسی را که در این روز
غسل جمعه کند و نماز جمعه حاضر می شود پس حق تعالی چهل پر را فرستد تا ایشان را خبر دهد
که حق تعالی امت محمد را بیامرزید ششم در رسالۀ عبدالله مذکور است که از
که از رسول خدا صلعم پرسیدند که درازی لوای حمد چند است فرمود پانصد ساله راه است از
یاقوت سرخ است و او را چهار زبانه است یکی از آن زبانه بجانب مغرب و یکی بمشرق و یکی
بآسمان و یکی بر زمین و بر آن چهار خط نوشته اند اول بسم الله الرحمن الرحیم دوم
الحمد لله رب العالمین سیم لا اله الا الله چهارم محمد رسول الله علیا
ولی الله و درازی هر سطری پانصد ساله راه است هفتم در رسالۀ عبدالله مذکور است
که از رسول خدا پرسیدم که بالای آسمان هفتم چیست فرمود دریای حیوان است عرض
کردم بالای وی چیست فرمود دریای عظیم است عرض کردم که بالای آن چیست فرمود که

حجاب است از در و یاقوت عرض کردم بالای آن چیست فرمود نور لوای حمد است و همچنین
بالای آن رکوع است بالای سجود است و بالای سجود تسلیم است و بالای تسلیم رضا است و بالای
رضا حجر است و بالای حجر سقف المرفوع است و بالای مرفوع بحر مسجور است و بالای بحر
سدرة المنتهی است و بالای سدرة المنتهی هفتاد هزار حجاب است از جواهر و بالای
آن عرش است و بالای عرش هفتاد هزار حجاب است از نور و بالای آن هفتاد هزار
حجاب از تاریکی است و بالای هفتاد هزار حجاب آفتاب است و بالای آن هفتاد هزار
حجاب از مهتاب است و بالای آن هفتاد هزار حجاب از مهتاب است و بالای آن
هفتاد هزار حجاب از نسیم است و بالای آن هفتاد هزار حجاب از یاقوت است
و بالای آن هفتاد هزار فرشتگان صف در صف ایستاده که طول آنها پنجاه سال
راه است و آن فرشتگان شب و روز میگویند لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله
حقا حقا و بالای هشتاد هزار حجاب از نقره و بالای آن هفتاد هزار حجاب از
هیبت و بالای آن قاب قوسین است چنانچه حق تعالی فرموده که قاب قوسین او ادنی
مفتاح سیم در فضیلت صلاة بر محمد و آل او ای برادر بدانکه حق سبحانه و تعالی ثنا بسیار
میفرستد بر محمد صلی الله علیه و آله درود و سلام میگوید آنحضرت را و مومنان را امر
فرمود بصلوات و سلام او و قوله تعالی ان الله و ملائکته یصلون علی النبی
یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما و نیز مروی است که حق تعالی و فرشتگان

رو درود و حی فرستند بر پیغمبر یا ایمعشر ای کسانیکه گرویده اید کنید او را رسول صلوات الله
دهید بر او و سلام کنید بر او بسلام گفتنی و تسلیم نمائید حکم او را و انقیاد او را و احرای او ایم
بدانکه صلوات از جانب حق تعالی رحمت است و از ملائکه استغفار است و از مومنان
دعا و گفته اند که معنی اللهم صل علی محمد آنست که بار خدایا تعظیم کن محمد را
در دنیا باعلای دین و اظهار دعوت و بطریق یقین و اعظام ذکر و ابقای شریعت و در
آخرت بقبول شفاعت و در شان امت و تضعیف ثواب و اظهار فضل او را بر اولین
و آخرین و تقدیم او بر کافه انبیاء و در سنی روایت که چون نزول این آیه شد پیغمبر
گفتند یا رسول الله ما نمیدانیم که صلوات و سلام را چگونه کنیم کیفیت آن را بیان
فرما فرمودند بگوئید اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم
و آل ابراهیم انک حمید مجید پیغمبر از آن فرمود که حق تعالی دو فرشته بر من موکل
گردانیده تا هر جا که نام من شنوند و بر من صلوات دهند آن دو فرشته گویند غفر الله
لکم یعنی خدا شما را بیامرزد و فرشتگان آمین گویند و اگر نام من بشنوند و بر من
صلوات ندهند آن فرشتگان گویند که لا غفر الله لکم یعنی خدا شما را نیامرزد
فرشتگان آمین گویند ایضا انس ابن مالک از ابو طلحه نقل کرده که گفت روزی نزد پیغمبر
صلی الله علیه و آله رفتم آنحضرت بسیار شادمان بود و فرحناک یافتم گفتم یا رسول الله هیچ
روز شما را باین ذوق ندیدم که امروز فرمود چگونه شادمان و خوشحال نباشم که الکنون

جبرئیل نزد من آمد و گفت حق تعالی میفرماید که هر که یکبار بر تو صلوات فرستد من بر آن بنده
ده صلوات میفرستم و ده سیئه از او محو کنم و ده حسنه بنویسم ایضا در عدة الداعی مذکور است
که ابو بصیر از ابو عبدالله روایت کرده که رسول خدا صلعم فرمود که هر که نزد او نام مرا
برند و او صلوات بر من نفرستد حق تعالی او را از بهشت دور گرداند ایضا ابن قداح از
ابو عبدالله ع روایت کرده که مردی دست بخانه کعبه زده بود و میگفت اللهم صل علی محمد و آل محمد
آنحضرت فرمود که صلوات خود را منقطع و دنبال بریده مساز و در حق ما ظلم مکن و بگو اللهم
صل علی محمد و آل محمد ایضا جابر از ابو عبدالله روایت کرده که بنده از بندگان خدا در آتش
دوزخ هفتاد خریف معذب باشد و خریف یعنی هفتاد سال است و در این مدت استغاثه
بخدا او دعا کند و نهند تا او را از عذاب دوزخ برهاند مژده الهی در این مرتبه باو
نرسد پس گوید بحق محمد و آل محمد بیته لما رحمتنی یعنی بار خدایا بحق محمد و اهل بیت او که بر من
رحمت کن حق تعالی بجبرئیل وحی فرستد که فرود رو بسوی بنده من و او را از دوزخ بیرون
آر جبرئیل گوید بار خدایا این بنده در کدام موضع است از دوزخ ندا رسد که در
جاهیست از سجین پس در آن هبوط کن و او را بیابد که روی او بر قفایش بسته اند و
بزنجیر آتشین و بشدت عذاب گرفتار است از او پرسید که چند سال است که در آتش معذبی
گوید نمیدانم از غایت درازی مدت و شدت عذاب پس او را از آنجا بیرون آورد
حق تعالی باو ندا کند که ای بنده من چند بار بمن استغاثه کردی و در کنه داد رس گوید چه گشت

خود او را نمیدانم حق تعالی میفرماید بعزت و جلال من سوگند که اگر محمد و اهل بیت او را وسیله نجات
خود میکردی من مدت مکث تو را در دوزخ زیاد نمیکردم لاکن بر خود واجب گردانیده ام که هیچ
بنده مطلوب خود را از من بوسیله محمد و اهل بیت او طلب کرده باشد او را بیامرزم و بر سر او
از سر تقصیر او گذشتم و قلم عفو بر گناهان او کشیدم ایضا سلمان فارسی روایت کرده که از پیغمبر
شنیدم که میفرمود که حق تعالی به بندگان خود خطاب میکند که بدانید که اکرم خلق من
و افضل ایشان نزد من محمد است و برادرش علی و از بعد او ائمه ع که وسیله اند بمن پس هر که
بوسیله محمد و آل محمد حاجت خود را از من طلبد که آن حصول منفعت باشد یا دفع ضرر
و مضرت آنرا او من او را رد نکنم بعد از آنکه استشفاع نمایند قومی از اهل نفاق
که این حدیث را از سلمان شنیدند بر سبیل استهزاء باو گفتند که یا ابا عبدالله چرا در
نمیخواهی از خدای تعالی بوسیله محمد و آل محمد تا تو را از اغنیای مدینه گرداند سلمان جواب داد
که من بوسیله ایشان از خدا سوال کردم آن چیزی را که انفع و انسب و افضل از جمیع دنیا است
سوال این بود که زبانی ذاکر عطا کرامت فرماید تا ثنای او گویم و بالای خود قوة بدنی
بمن عطا فرماید تا تحمل مصائب توانم شد و او بسجاتی اجابت این ملتمس نموده
ایضا مرویست که در فردوس اعلی حق تعالی شجری آفریده که آن مرغ را صلوات نام است بر شجر
است که آنرا درخت تحیات خوانند و شاخ و برگ انداخته بر قصر و خانه کشیده است
و در زیر او انداخته حرمی است هر که صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد آن مرغ از آن درخت

بزیر آید و در آن حوض غوطه خورد و چون بیرون آید پر و بال خود را میافشاند
و از هر قطره آن که از پرهای او بچکد فرشته خلق کند که از برای گوینده صلوات
و آمرزش طلب می نماید تا روز قیامت ایضا در خبر است که روزی فقیری نزد پیغمبر ص
آمد عرض کرد یا رسول الله بغایت پریشانم و صاحب عیالم بفریادم برس که مرا از مال
جهان هیچ چیز نیست و از چند روزی چیزی نخورده ام و از جور فقر و فاقه به تنگ آمده ام آنحضرت
فرمود اگر خواهی که خدا ترا توانگر گرداند بر من و آل من صلوات فرست تا حق تعالی ترا از
بستان روزی دهد آن مرد صلوات گفتن را ورد زبان خود کرده و شب و روز صلوات
فرستاد چند روزی که بدین [illegible] گذرانید روزی گذرش بر ویرانه افتاد بر بالای
خشتی بر آمده انگشت از [illegible] نظر کرد سبوئی دید در زمین مدفون است
چون سر او را باز کرد پر از زر سرخ بود و خواست بردارد و با خود [illegible] شنید که رسول خدا ص
که روزی تو در هوا پدید می آید و آنحضرت صادق است نه کاذب آن سبو را بحال خود گذاشته
بخانه آمده حکایت را با زن خود کرده و آن مرد را در همسایه یهودی بود در اثنای این کلام
کنیز آن یهود بر سر بام آمده همه را شنیده خواجه خود را خبر داد خواجه با آن کنیزان خود
در آمد سبو را یافتند برداشته بخانه آمدند چون سر آن باز کرد دید پر از عقرب است
گفت این مرد یهودی است و ما را [illegible] گرده ایم سبو را باید بر سر خانه آن کمر
تو واقع دارد بیاویزیم [illegible] تا آنچه برای ما کرده که بخبر راجع شود پس سبو را بر داشته

بر بام آمد و قدر آمده کوزه را از سوراخ سر از زیر کرد دید که تمام زر سرخ است که پر کرده
آن مرد فقیر زبان شکر کریم متعال قدیم لایزال گشود و صلوات بر محمد و آل او فرستاد
آنجهود در تعجب ماند فریاد برآورد که این چه سری است این جهود حال یا از عقرب بود حال
او از او برزد و حال و قصه خود را آن مرد یهود باز گفت و گفتای حیرتها از سر صدق
مسلمان شو تا این زر را برادر وار قسمت کنیم آن جهود از سر اخلاص مسلمان شد و کلمه
شهادت بر زبان جاری نمود و صلوات بر محمد و آل محمد فرستاد و آن زر را با او قسمت
کرد **ایضاً** محمد بن بابویه باسناد صحیح از صادق آل محمد روایت کرده که در ایام سلطنت
یوسف ع روزی زلیخا از حاجبان بارگاه او اجازت خواست تا در نزد او درود وی را
گفتند مبادا از جانب او آسیبی بتو رسد چه آنچه میان تو و میان او واقع شد گفت
نمی ترسم از کسیکه او از خدا بترسد چون یوسف داخل شد یوسف او را گفت ای زلیخا چرا رنگ
تو متغیر شد جواب داد سپاس مر خدای را که پادشاهان را بجهت معصیت بنده کرده و بنده
بنده کار را بجهت اطاعت پادشاه گفت ای زلیخا مر تورا چه بر تقریر داشت که معصیت از تو کار
گشت نیکوی روی تو فرمود چه حال داشته باشی وقتی که ببینی پیغمبر که او را محمد گویند در
آخر الزمان که روی او از روی من زیباتر است و طبع تر و با نیکویی تر و خلق او از خلق من بهتر
زلیخا گفت راست گفتی حضرت یوسف فرمود تو از کجا یافتی که من راست گفتم گفت چه آنکه
چون نام او بر دل من قرار گرفت حق تعالی بحضرت یوسف وحی کرد که زلیخا تصدیق

که او راست گفت من او را دوست خود گرفتم چه آنکه او محمد را دوست دارد بامر حق تعالی یوسف او را بحباله
نکاح خود درآورد و زوج شد بزلیخا و از اینجا معلوم شد که مجرد ذکر محمد صلی الله علیه و آله و توسل بر او بدون
صلوات بر او موجب انجاح مرام و مقاصد میگردد چه جای آنکه بواسطه صلوات بر او و آل
پاک او متوسل گردند باین نوع که اللهم صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا
ایضاً در امالی شیخ صدوق رحمه الله از مولای ابی عبد الله علیه السلام منقولست که یهودی
آمد خدمت سید انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آمده ایستاده و از روی غضب و تندی
بجانب وی مینگریست آنحضرت فرمود که چه حاجت تو عرض کرد تو افضلی یا موسی بن
عمران پیغمبری که حق تعالی با او تکلم کرد و توریه و عصا بر وی نازل فرمود و دریا را برای
او شکافت و ابر را برای او سایه گستر ساخت جناب رسالت پناه فرمود ناخوش آینده
که مرح خود کنند ولیکن میگویم بدرستی که آدم ع چون از ارتکاب آن خطیئه نمود توبه وی قبول
این بود که خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد مرا بیامرز بدان خطیئه را
خدای تعالی برای وی بیامرزید و نوح ع وقتی که سوار کشتی گردید و از غرق شدن ترسید عرض
کرد الهی بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد که نجات دهی مرا از غرق شدن
پس حق تعالی او را نجات داد از آن و بدرستی که ابراهیم خلیل الرحمن وقتی که در آتش انداختند
عرض کرد الهی بدرستی که من از تو سؤال میکنم بحق محمد و آل محمد که نجات دهی مرا از آتش پس گردانید
آتش را بر او گلستان و بدرستی که موسی ع وقتی که انداخت عصا را و یافت در نفس خود ترسی عرض

کرد الهی بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل او و مرا ایمن گردان پس فرمود
خدای عز و جل ای موسی بدرستی که تو غالبی ای یهود اگر درک مینمودی موسی ع را پس از آن ایمان نیاوردی
بمن و بنبوت من سود نکردی او را ایمان او و سود نکردی او را نبوت او ای یهودی از ذریه من
مهدی ع چون خروج نماید عیسی ابن مریم برای نصرت او فرود آید و او را پیش دارد و در
عقب وی نماز نماید **ایضاً** جابر انصاری از ابو عبد الله روایت کرده که فرشته از حق تعالی
درخواست تا شنیدن آواز بندگان را باو کرامت فرماید حق تعالی این مرتبه را
باو داد که هر چه بندگان گویند او بشنود تا روز قیامت پس هیچ بنده مؤمن نگوید صلی الله
علیه و آله و سلم مگر این فرشته گوید و علیک السلام بعد از آن پیغمبر صلی الله علیه و آله را گوید
که فلان بنده مؤمن بر تو سلام می فرستد آنحضرت گوید و علیک السلام **ایضاً** از امیر
المؤمنین ع که قوت سمع اصوات عباد را بچهار مخلوق عطا فرموده از آنها حضرت پیغمبر است
پس هر گاه بنده فارغ شود از نماز باید آنکه باید که صلوات بر آن حضرت و سؤال جنت کند
و تزویج حور العین کند چه هر گاه بر رسول و آل او صلوات فرستد دعای او مستجاب شود و هر گاه
سؤال جنت کند گوید بار خدایا آنچه بنده طلبیده باو ده و هر که از آتش زنهار خواهد
آتش گوید خداوندا آنچه بنده زنهار خواهد وی را از آن زنهار ده و هر که سؤال حور العین
کند گویند بار خدایا عطا کن باو آنچه بنده زنهار خواهد وی را از آن زنهار ده و هر که آنچه عطا خواهد
آورده اند که پسری بود در شهر بغداد که مادر خود را آنچنانکه باید آزرده از آن کور پسر دل آزرده

بود و از آنکه بسیار بدبود با مادر خود چون بمیرد گرمادر مشغول شد دگر مادر را باز
کرد از زهد تنها چشمش خیره شد الله تعالی حجاب از پیش وی برداشت مادر پسر را دید که
روی پسر چون ماه شب چهارده نور افتاب و ماه را غلبه کرده چون مادر پسر آن
کرامت دید گفت ای مادر این درجه کجا یافتی گفت گناهان عظیم کرده بودم اما روزها
و شبها درود برسید عالم می فرستادم و نقل آنحضرت را شنیده بودم که هر که صلوات
بر خواجه کاینات فرستد خدای تعالی گناهان او را بیامرزد و در بهشت بماند و او را
عذاب گور نباشد و هر مؤمنی که هر جمعه هزار بار صلوات بر محمد و آل او فرستد انبیا را در
خواب بیند **ایضاً** از جناب محمدی ص منقولست که اگر کسی را بیماری یا غایبی یا مهمی پیش
آید یا بدست ظالمی گرفتار شده یا در بند زندانی یا در فقیری و درویشی گرفتار باشد
بعد از نماز خفتن هزار بار صلوات بر روح پاک سید کونین فرستد بخواب جمال باکمال او را
در خواب بیند و از رنجها ایمن باشد **ایضاً** در همان کتاب از آنحضرت منقول است که در
که در شب معراج فرشته دیدم کردی را چندین هزار دست بود و بر هر دستی هزار انگشت و هر
انگشت حساب میکرد از حضرت جبرئیل پرسیدم که این چه حساب است عرض کرد حساب
قطره باران بر زمین از روزی که خدای تعالی تو را آفریده تا یامروز چند
قطره باران باریده است بر بحر و بر کوه و بر کوهسار و بر هموار چند باریده
از کلام او تعجب کردم از خاطر آن فرشته و از آن حساب بعد از آن فرشته عرض

یا رسول الله حسابی است که من از آن حساب عاجزم و نهایتش را من ندانم گفتم
آن کدام است عرض کرد هر کس صلوات بر تو فرستد من از حساب آن عاجزم
و نهایت آن را ندانم ایضاً در همان کتاب از آن حضرت منقول است که فرمود در شب
معراج فرشته را دیدم پر و بال او سوخته و بر خاکهای مذلت افتاده گفتم جبرئیل را
که این فرشته چه بوده است عرض کرد یا رسول الله خدای تعالی او را بشهری فرستاد که اهل
آن را هلاک کند وی ساعتی توقف کرد آتشی در او افتاد و بسوخت گفتم دوا و توبه اش چیست
عرض کرد نمیدانم جبرئیل رفت و باز آمد عرض کرد توبه آن است که ده بار صلوات
بر تو فرستد پس آن فرشته ده بار صلوات فرستاد بالش درست گردید و پرواز نمود
بر آسمان غلغله پیچید و در ملکوت آواز افتاد ای سبحان که از برکت صلوات راه
رحمت و مغفرت یافت عجیب و غریب نیست که امتان محمد مصطفی صلوات
فرستند و از بلند پر و بال او درجه هر چند آن گردد در بهشت هر جا خواهد پرواز کند
و ساکن گردد ایضاً از همان کتاب از همان منقول است که فرمود در شب معراج
فرشته دیدم با هیبت و عظمت هر چه تمام تر تکیه داده بود و هزار ملائکه در پیش وی
صف زده بودند سلام کردم جواب سلام باز داد اما از جای برنخاست خطاب عزت در رسید
که ای فرشته دانستی که بود که بر تو سلام کرد هر چه آفریده ام از برای وجود او آفریده ام آنگاه

برخیز و بروی صلوات فرست تا روز قیامت آن فرشته برخواست و صلوات میفرستد
تا قیامت بر پا خواهد بود ایضاً آنحضرت فرمود که فردای قیامت سه کس را نبینند و از
شفاعت من بی نصیب باشد ایضاً فرزند ... که بی توبه از دنیا برود و ایضاً هر کس که نام
من بشنود و بر من صلوات نفرستد ایضاً کسی که مادر و پدر را آزرده و عاق باشد ایضاً
حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که هرگاه ترا حاجتی پیش آید خواهی که خدای تعالی ترا اجابت
کند اول ده بار صلوات بر محمد و آل او فرستد و بعد از آن حاجت خواهد البته دعا اجابت
شود ایضاً در کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول ص منقول است که فرمودند کسی که
صلواة فرستد بر من و آل من از روی تعظیم خدای تعالی خلق کند از آن صلوات فرشته
که یک بال او در شرق یک بال او در مغرب و پای او در تحت هفتم زمین و گردنش در زیر عرش
پس خدای تعالی امر کند آن فرشته را که صلوات فرستد بر آن بنده تا روز قیامت چنانچه
که او بر من صلوات فرستاده است در روی زمین ایضاً روایت است از مولای ما حضرت ابی
عبدالله ع که شب جمعه از آسمان فرشتها بعدد ذره ها نازل می شوند و در دستهای ایشان
اقلام زر است و صحیفها نقره باشد که غیر از ثواب صلوات چیزی دیگر نمی نویسند تا شب
شنبه ایضاً از صادق آل محمد ع روایت است که صلواة بر محمد و آل او شب جمعه هزار
حسنه و محو کنند هزار سیئه و رفع هزار درجه است و ملائکه طلب آمرزش کنند
او میکنند تا روز قیامت ایضاً شیخ مفید در کتاب مقنعه از همان حضرت روایت کند

که صدقه دادن در شب جمعه و روز جمعه برابر است بهزار صدقه و صلوات فرستادن
بر محمد و آل محمد در شب جمعه برابر است بهزار حسنه و بیست میکند خدای تعالی ... شب
هزار سیئه را و بلند میکند در این شب هزار درجه را و هر که صلوات فرستد بر محمد و
آل محمد در شب جمعه ... نور او در آسمانها تا روز قیامت و آن ... مطلبند
در برای و فرشته که موکل است بقبر حضرت رسول ص تا آنکه قیامت برپا شود
صاحب کتاب روضة الاذکار از کتاب قرب الاسناد نقل میکند از عمار بن یاسر که گفت
شنیدم از حضرت رسول ص که می فرمود که عطا کرده است بیکی از ملائکه نامهای
جمیع خلایق را و او نیز نزد قبر من حاضر است تا قیامت و نیست کسی که صلواة فرستد بر من
مگر آنکه آن ملک عرض میکند یا رسول فلان و فلان صلوات فرستد بر تو چنین و بیان
صلوات عرض میکند الا که میگوید خدای تعالی مرا موکل کرده است که ده مرتبه صلوات
فرستم بر کسی که یکمرتبه بر تو صلواة فرستاد ایضاً ابو بصیر از مولای ما ابی عبدالله روایت
میکند که گفت وقتی که نام حضرت پیغمبر مذکور شود بسیار صلوات بفرستید بر او و بدرستی
که هر کس که صلوات فرستد بر پیغمبر ص هزار نوبت صلوات فرستد خدای تعالی برای او
که در میان هزار صف فرشتگان و آنفرشتگان نیز صلوات فرستند و هر مخلوقی از
مخلوقات خدای تعالی صلوات فرستد ... کسیکه رغبت نکند در صلوات
فرستادن بر پیغمبر ص جاهل و مغرور است و خدا و رسول از او بیزار اند ایضاً از مولای ما

ابی عبدالله علیه السلام که فرمود ... هر گاه ... کسی صلوات نفرستد بر پیغمبر و آل او
... صلوات الله علیهم ... برای او خدای تعالی هزار حسنه ایضاً پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که نزدیکترین مردمان بمن در روز قیامت آن کسی است که بیشتر صلوات فرستاده باشد
بر من ایضاً بخیل ترین مردمان کسی است که نام من نزد او مذکور شود و صلوات نفرستد بر من و
برسالت پناهی ایضاً فرمود هر کس از امت من یکبار صلوات بر من و بر آل من از روی صدق
و حضور دل ده بار صلوات فرستد خدای تعالی رحمت کند بر او ده درجه او را بلند گرداند و ده
از برای او ده حسنه و محو کند از نامه اعمال او ده سیئه ایضاً از مولای ما حضرت صادق علیه السلام
مرویست که جدم رسول خدا ص که فرمود که بلند کردن آواز خود را در وقت صلوات
فرستادن بر من بدرستی که صلوات فرستادن بر من میبرد نفاق را ایضاً ابن ادریس در کتاب
سرائر از مولای ما حضرت صادق ع آورده که صلوات بر محمد و آل او در میان نماز ظهر و عصر
برابری میکند بهفتاد حج و هر که بگوید بعد از نماز عصر روز جمعه اللهم صل علی محمد و آل محمد
الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیهم
و علی ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبرکاته خواهد بود از برای او مثل ثواب اعمال
ثقلین در آن روز ایضاً سید بن طاوس ره در کتاب جمال الاسبوع از مولای ما حضرت
امام محمد تقی ع آورده که بعد از نماز عصر روز جمعه بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء
المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیهم

وَعَلَيْهِمْ اجْمَعِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ بدرستیکه هر که این را بعد از نماز عصر بخواند خدای تعالی

برای او صد هزار حسنه می‌نویسد و محو کند از او صد هزار سیئه را و برآورد از برای او صد هزار حاجت

و بلند گرداند از برای او صد هزار درجه در کتاب مذکور از مولای

ما حضرت صادق علیه السلم روایت که هر که بگوید در نماز عصر جمعه پیش از آنکه از

از نماز برگردد ده مرتبه اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِاَفْضَلِ

صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَلٰى

اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ صلوات فرستند بر او فرشتگان از این

جمعه تا جمعه آینده تا آن ساعت و در کتاب مذکور از آنحضرت مرویست که چون

روز قیامت شود مبعوث گرداند خدای تعالی از روزها و مبعوث میگرداند روز جمعه را

در پیش آنها مانند عروس صاحب کمال و جمال و میباشد در بهشت و روزها دیگر

در عقب وی باشند پس شفاعت کند از برای هر که صلوات بسیار فرستند در این روز

بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله راوی عرض کرد که چه قدر صلوات بفرستم و در چه وقت

روز جمعه افضل است فرمودند که صد مرتبه بعد از عصر گو عرض کردم که چگونه بگویم فرمودند بگو

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ و در نسخه دیگر بنظر رسیده که مستحب است که

بخوانند بعد از نماز عصر روز جمعه سوره مبارکه توحید را و صد مرتبه سوره قدر و صد مرتبه

استغفار کند و صد مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ صد مرتبه

مجره را دریابد و دائم آل محمد را ... و در حدیث طولانی مذکور است که جبرئیل شبی از آنها

چندی از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدیه آوردند از آنجمله اینست عرض کرد

یا محمد هر کسیکه صلوات فرستد بر تو بعد از نماز عصر هفتاد بار باین طریق اللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ می‌نویسد خدای تعالی از برای او هفتاد هزار حسنه و محو کند

هفتاد هزار سیئه را و بلند گرداند از برای او در بهشت هفتاد هزار درجه و شفاعت

کند از برای غریبان خود هفتاد نفر را و دوستان او را در کتاب جامع نقل

روایت از حضرت صادق ع آنکه هر کس صلوات فرستد بر محمد و آل محمد باین نماز ظهر و

عصر مقابل است با هفتاد رکعت نماز و بسند معتبر دیگر مرویست هر که باین نحو صلوات

فرستد باین نحو که صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَاَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَ

جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ از گناهان پاک

شود مانند روزی که از مادر متولد گشته باشد در کتاب دیگر منقول است که روزی سه بار

صلوات مذکور را بخواند و روز جمعه صد مرتبه بخواند البته عمر او برسد هر که این صلوات را

بیش از آنکه آفتاب رود بخواند بر روی بستر خواب همچنان باشد که رسیده هزار بار بر حضرت

رسالت پناه صلوات الله فرستاده باشد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ

وَرُسُلِهِ وَحَمَلَةِ عَرْشِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَوْلَادِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ ابا ذر روایت کند از جناب ختمی مآب نبوی صلوات الله که هر که

که هر که هر روز سه بار و در روز جمعه صد بار بدین نوع صلوات فرستد که صَلَوَاتُ اللّٰهِ

وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ

در قیامت در زمره حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را برانگیزانند و دست او را بگیرد و

در بهشت برند و در کتاب دعوات روایت کرده که این صلوات بر پیغمبر ص بعد از نماز جمعه

ده مرتبه برابر است با هزار ... کند و صلوات اینست اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا يَبْقٰى بَرَكَةٌ

اللّٰهُمَّ وَسَلِّمْ حَتّٰى لَا يَبْقٰى صَلَوَاتٌ اللّٰهُمَّ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا يَبْقٰى بَرَكَةٌ

اللّٰهُمَّ وَسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا يَبْقٰى سَلَامٌ اللّٰهُمَّ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

حَتّٰى لَا يَبْقٰى رَحْمَةٌ فاضل مجلسی علیه الرحمه در کتاب مقباس المصابیح از سید بن

طاوس و ابن بابویه بسند صحیح از صادق آل محمد ص روایت کرده اند که هر که بعد از نماز صبح

پیش از آنکه با کسی سخن بگوید این صلوات را یکمرتبه بخواند صد حاجت او را برآورد و هفتاد از

حاجات آخرت و سی از حاجات دنیا اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

وَعَلٰى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ و بروایه دیگر ابن بابویه اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ

ایضاً در کتاب عدة الداعی از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که بعد از

نماز صبح بگوید رَبِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ بَيْتِهِ حق تعالی روی او را از آتش زبانه جهنم نگاه دارد

ابن بابویه در ثواب الاعمال بسند معتبر روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد بار بگوید

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حق تعالی روی او را از حرارت جهنم نگاه دارد و بروایه دیگر صد

بار بگوید پیش از سخن گفتن یا رب صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج آل محمد و اعتق رقبتی من النار

و نیز مرویست که در هر شب جمعه ده بار بگوید یَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ

السَّنِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْوَرٰى سَجِيَّةً

وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلٰى فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ نوشته می‌شود از برای او هزار هزار حسنه و

محو کرده می‌شود از برای او هزار هزار سیئه و بلند کرده می‌شود از برای او درجات هم چنین و چون روز

قیامت شود در زمره حضرت ابراهیم ع را در مجلس او دیگر سید بن طاوس در کتاب جمال الاسبوع

از حضرت صادق ع روایت میکند که هر که بگوید که پیش از آنکه سخن بگوید بگوید اللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ

فِي جُمُعَتِي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ اَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلْفٍ اَوْ نَذَرْتُ فِيهَا مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ

يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَمَا شِئْتَ مِنْهُ اَنْ يَكُونَ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي

وَتَجَاوَزْ عَنِّي اللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَوَاتِي عَلَيْهِ اللّٰهُمَّ مَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتِي

علیه باشد کفاره گناهان او از آن جمعه تا جمعه دیگر تمام و زیاد کرده است در این مصنف

کتاب جامع الدعوات که هر که بگوید در هر جمعه یاد در اول باشد کفاره آنچه در ما بین کرده باشد

دیگر در کتاب مشکوة مذکور است که اگر کسی این صلوات را در هر روز در شب جمعه و صباح جمعه

ده بار در شبهای دیگر و صبح های دیگر سه بار بخوانند خدای تعالی در جناب مجلس نبوی ص فرمودند که

روز فزع اکبر که بیت او در دست ابراهیم ع در بهشت دارایم اینست صلوة اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

علی محمد وآل محمد حسب جاهه وقدره کما صلیت علی ابراهیم حسب جاهه وقدره

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی نبیه محمد وآله اجمعین دیگر

روایتست که هر که سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآله وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین

همچنان باشد که جمیع پیغمبران مرسل را صلوات فرستاده باشد دیگر در مجالس برقی از امام

محمد باقر وامام جعفر صادق علیهما السلام روایتست که فرمودند که هر کسی که بگوید اللهم انی اشهدک

وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وانبیائک ورسلک وجمیع خلقک

بانک انت الله وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک یکبار

آزاد شود ربع او وکسیکه دو بار بگوید آزاد شود نصف او وکسیکه چهار بار آزاد شود تمام او

دیگر مرویست که هر که در شبی از شبها بتخصیص در شب جمعه این صلوات را یکبار بخواند

چنان که در آن شب هزار بار صلوات فرستاده باشد اللهم صل علی محمد وآل محمد

بعدد خلق الله اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد رحمة الله اللهم صل علی

محمد وآل محمد بعدد قطر الامطار اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد ورق

الاشجار اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الرمل والقفار اللهم صل علی محمد

وآل محمد بعدد المخلوق فی البحار اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد النمل والقفار

اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد اللیل والنهار اللهم صل علی محمد وآل محمد

بعدد من صلی علیه اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد من لم یصل علیه اللهم

علی محمد وآل محمد بعدد کل شیء فی الدنیا والآخرة صلوات الله وسلامه

علیهم اجمعین مقاله چهارم در فضیلت روز جمعه وشب جمعه در کتاب کافی از

رسول خدا صلی الله علیه وآله آورده که روز جمعه سید روزهاست وچندان میکند خدای تعالی

حسنات را ومحو میسازد سیئات را وبلند میکند درین روز درجات را ومستجاب میگرداند

درین روز دعاها را ودور میکند درین روز اندوهها را وبر می آورد درین روز حاجت

درین روز روز مزیدست وعطایات درین روز آزادکان در راه یافتکان را

از آتش ودعا مستجاب میکند درین وهیچ روزی از مردمان در حالی که شناسد حق روز را وحرمت

را مگر آنکه لازم است بر خدای تعالی آنکه بگرداند از آزادکان در راه یافتکان از آتش

پس اگر بمیرد در این روز یا در این شب مرده باشد شهید مبعوث شود در حالتی که ایمن باشد [illegible]

نمی شمارد اهل روست این روز را در حالتی که ضایع کند حق این را مگر آنکه لازم است بر حق تعالی

آنکه [illegible] آتش [illegible] تا آنکه توبه کند دیگر در کتاب مذکور آنکه که سؤال کرد

از مولای ما حضرت باقر که چرا نامیده شده جمعه را جمعه فرمودند از برای آنکه خدای تعالی جمع نمود

خلق خود را از برای ولایت محمد ووصی او که میثاق گرفته شود پس نامید این روز را روز جمعه

جمع نمودن او در این روز خلق خود را دیگر در کتاب مذکور از امام محمد باقر وحضرت صادق

آورده که طلوع نکرده است آفتاب بر روزی که بهتر باشد از روز جمعه وکلام پرندگان در مکان ملاقات

میکنند یکدیگر را اینست که سلام سلام روز صالح نیک سلام با دیروز [illegible]

دیگر محمد بن بابویه در کتاب کمال الدین از آنحضرت واو از پدران خود آورده که حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه فرمود که خدای عز وجل اختیار کرد از روزها روز جمعه را واز ماهها ماه مبارک رمضان

را واز شبها شب قدر را واختیار کرد مرا از جمیع پیغمبران واختیار کرد بعد از من علی ابن ابی طالب را

وتفضیل داد اورا بر جمیع اوصیا تا آخر حدیث دیگر محمد بن بابویه در کتاب خصال آورده

که شخصی در خدمت مولای ما حضرت صادق عرض کرد که اگر کسی خواهد که عملی نیکو بکند [illegible]

صدقه وروزه ومانند آن فرموده اند که مستحب است که در روز جمعه بکند که ثواب آن دو

چندان است دیگر شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت رسول صلی الله علیه که شب جمعه

بیست وچهار ساعت است وخدای تعالی آزاد میکند در هر ساعت ششصد هزار کس را از آتش دوزخ

دیگر شیخ طوسی در کتاب مصباح متهجد از آنحضرت صلی الله علیه وآله آورده که روز جمعه

سید وبزرگ روزهاست وبزرگترست در نزد خدای تعالی از روز فطر وروز اضحی ودر آن روز

ساعتی است که طلب نکند از خدای عز وجل در آن ساعت کسی چیزی را مگر آنکه عطا میکند باو

مادام که سؤال نکند حرامی را دیگر در کتاب مذکور خطبه طولانی از مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام در روز

جمعه آورده وبعضی از فقرات آن اینست که این روزیست که گردانیده است خدای تعالی

این روز را از برای شما عید واین سید روزهای شماست وبهترین عیدهای شماست وامر کرده

شمارا خدای تعالی در کتاب خود بسعی کردن درین روز بجانب ذکر خود پس عظیم کنید

رغبت خود را درین روز وخالص گردانید نیت خود را وبسیار کنید درین روز تضرع ودعا

وطلب رحمت وآمرزش را بدرستی که خدای تعالی مستجاب گرداند دعای هر مؤمنی را ودور می

گرداند از آتش جهنم کسی را که عصیان او کند [illegible] دیگر در کتاب مذکور

از مولای ما حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که دریابد از شما روز جمعه را باید که مشغول

نشود بچیزی غیر از عبادت بدرستی که درین روز مغفور میشوند بندگان ونازل میشود بر

ایشان رحمت دیگر بدان که فضایل روز جمعه بسیار است وثواب عبادت در آن چندان

واخبار درین باب بسیار وارد است از آنجمله حضرت رسول صلی الله علیه وآله [illegible] در آن

خوانده وفرموده الجمعة حج المساکین یعنی جمعه حج فقرا است اهل ایمان قصد مسجد جامع کنند و

نماز کنند ثواب حج در نامه عمل ایشان ثبت کنند دیگر بدانید ای بندگان که حق تعالی

جمعه را بر شما فرض کرده پس هر کس که ترک کند جمعه را در حیات من وبعد از وفات من وحال

آنکه امامی عادل باشد بجهة استخفاف کردن باین نماز یا منکر آن بودن خدای جمع [illegible]

پراکنده کند در او وبرکت نکند در عمر او وبدانید کسی را نه نماز باشد ونه زکوة ونه حج ونه

روزه ونه برکت بلکه جمیع اعمال [illegible] وقبول درگاه نشود تا آنکه از آن توبه کند و

بنماز جماعت اقدام نماید دیگر ابن بابویه از ائمه اطهار علیهم السلام روایت کرده که هر که ترک کند

سه جمعه پیاپی بدون علتی ومانعی پس او منافق است یعنی در مظنه نفاق است دیگر از جابر بن

انصاری مرویست که هر که سه جمعه ترک کند بی ضرورت خدای تعالی مهر بر دل او نهد واو را

خذلان کند دیگر مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه که بهترین روزی که آفتاب طلوع میکند روز

جمعه است و در این روز بود که خدای تعالی آدم را آفرید هم در این روز به بهشت برد و
در این روز او را به زمین فرستاد و در این روز او را قبض روح کرد و قیامت در این روز
قائم گردد و این روز نزد خدای تعالی یوم المزید است و هیچ فرشته و غیره نباشد از
وحوش و طیور و سباع و الانام و غیر آن که در این روز به تسبیح خدای تعالی مشغول شوند از
حین طلوع تا غروب آفتاب جهت ترس وقوع قیامت و در آن ساعتی است که هیچ مؤمن
در آن ساعت دعا نکند مگر آنکه مستجاب شود و آن وقتی است که از خطبه خواندن فارغ
شود و مؤذن اقامه گوید بروایتی آخر روز است نیم ساعت بغروب مانده و گفته اند که آن
ساعتی است که یک نیمه فرو رفته باشد و نیمه باقی مانده ایضا عمران بن حصین روایت
کند که هر که غسل جمعه کند او کفر شود و چون قدم در راه مسجد نهد به هر گامی که بر دارد
بیست سال عمل صالحش بنویسند چون از نماز جمعه فارغ شود دویست سال که در نیکو در نامه
اعمال او ثبت کنند ایضا انس بن مالک از پیغمبر صلی الله روایت کرده که فرمود شب جمعه
را بالستان (?) پر دارند هفتاد شهر در زیر عرش ... هر یک مشغول ... از فرشتگان
همه خدا را تسبیح و تهلیل میکردند که خدایا بیامرز آنها را که نماز جمعه ... و بیامرز ... که بخیر
روز جمعه میکنند ایضا در صحیح بخاری از ابو هریره نقل کرده که پیغمبر ص فرمود که هر که در
روز جمعه غسل کند و جامه پاکیزه پوشد و بوی خوش بکار کند و روغن بر خود مالد حق تعالی او را بیامرزد
هر چه گناهی کرده در ... گذشته ... ایضا از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که خدای

تعالی در روز جمعه ششصد هزار بنده آزاد میکند که همه از اهل عقوبت باشند ایضا فرموده که
در روز جمعه حق تعالی اجر شهید در نامه اعمال او نویسد و از فتنه قبر ایمن شود ایضا در حدیث
آمده که چون روز جمعه رسد ملائکه بابواب مساجد جمعه ساعت نشستند و در دستهای ایشان
صحیفهای نقره و قلمهای طلا و ثواب سبقت گزینندگان بمسجد می نویسند تا که هر دو آخر
در مسجد در آید و از این حدیث معلوم می شود که مبادرت به مسجد سنت مؤکد است و بغیر زینت
خوبست ایضا انس از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آنحضرت فرمود این روز نزد
من بهترین روزهاست در بهشت این روز را روز مزید خوانند عرض کردم یا رسول الله
مزید چه باشد فرمود در بهشت وادیست وسیع خاک آن از مشک خوشبو تر و از
برف سفید تر چون روز جمعه در رسد حق تعالی تقرر مایند تا کرسی از نور در آنجا نهند و پیغمبران
بر آن کرسی نشینند و صدیقان و مؤمنان همه پیرامون آن نشینند ندا جانب رب العزة
ندا رسد که ای بندگان هر حاجت که دارید بخواهید گویند بار خدایا رضای ترا میخواهیم
گوید راضی شدم از همه شما باز ندا آید که حاجت خود را عرض نمایید پس هر که حاجت از حضرت طلبد
بخواهد خداوند سبحانه اجابت فرماید و ایشان را کرامت کند که از آن نعمتهایی که هیچ چشمی ندیده و
هیچ گوشی نشنیده باشد پس از آن هر کس بمقام خود رود تا جمعه دیگر ... و در آن
وادی در بیست (?) مخوف که هیچ پیغمبر مرسل و فرشته مقرب آن را ندیده باشد چون روز
جمعه رسد حق تعالی با آن خطاب کند که تجلی در رای او گوید قد افلح المؤمنون ...

صلی الله علیه و آله المتکلمون علی ذکر الله المؤذنون فرائض پس فرشتهها بغیر رسم
فرستد و مراتب رتبه که خدای تعالی در روز جمعه نظر فرماید با متقین شود ... از
گناهکاران را بیامرزد ایضا از عبد الله عباس روایت است که چون روز جمعه شود حق تعالی
فرماید منبری از نور در بیت المعمور بنهند و فرشتگان گرد او حاضر آیند جبرئیل بانگ نماز
گوید و میکائیل امامت کند و فرشتگان در عقب او نماز گذارند چون فارغ شوند جبرئیل
گوید که ثواب این نماز را بامتان پیغمبر بخشیدم و میکائیل گوید ثواب ... الی آخره
بامتان محمد صلی الله علیه و آله دادم و فرشتگان همین را گویند حق تعالی فرماید شما
از من سخی تر نباشید چه من او را ترحم کنم و ... گواه گرفتم که از همه ایشان در
گذشتم و ایشان را بیامرزیدم ایضا از ابن عباس روایت است که در بهشت حوری است که نام او
لعبه زینت ... در حسن از دیگران ممتازند ماه شب چهارده است بر بالای ایوان
چون روز جمعه رسید حور العین در کرسیهای در و جواهر نشینند و تسبیح و تهلیل کنند تا
آنکه مردم از نماز عصر فارغ شوند و در هنگام تسبیح ایشان نوری از زیر عرش پدید آید
گویند رضوان را که این چه نوری است گویند این نور لعبه است که ... ناگاه لعبه ظاهر شود
و هفتاد هزار حور در دست راست او برگرفته باشند و هفتاد هزار بر دست چپ او ایستاده باشند
و دامن او گرفته باشند و هفتاد هزار از عنبر مجمرها در دست گرفته باشند و هفتاد
هزار از ... گیسوهای او را بر داشته باشند و برابر او نشینند و آن سریری از نور و لؤلؤ از

تسبیح و تهلیل بر دارد و چون از نماز عصر فارغ شوند بر خیزد و جامه از ساق بر گیرد و
حوریان گویند جامه را از ساق فرو گیر که اگر اهل دنیا بر حسن تو مطلع شوند از شوق
ترا روح ایشان مفارقت کند پس گویند ای لعبه حق تعالی ترا برای که آفریده است
گوید از برای کسیکه پیش از همه مردمان بمسجد آید و نماز جمعه کند و از همه کس در عقب از
مسجد بیرون رود در کتاب محاسن از حضرت صادق ع مرویست که هر که بخورد
هفت برگ کاسنی را در روز جمعه پیش از زوال در فردوس بهشت جا داده شود ایضا در کتاب
مذکور از مولای ما حضرت صادق ع و امام موسی کاظم ع مرویست که هر که بخورد یک انار
در روز جمعه ناشتا نورانی می شود دل او تا چهل روز پس اگر بخورد دو انار ناشتا در روز و اگر
سه تا بخورد تا یکصد و بیست روز دور شود از او وسوسه شیطان و هر که ... دور شود او را ...
معصیت خدا نکند و هر که خدا را عز و جل او را به بهشت داخل گرداند ایضا عبد الله بن
جعفر در کتاب قرب الاسناد آورده که حضرت رسول صلی الله یکی از اصحاب خود در روز
جمعه پرسید که آیا روزه داری عرض کرد نه فرمود صدقه دادی گفت نه در این روز
عرض کرد فرمودند که بر خیز و برسان خود را بزن خود که این بمنزله صدقه است
از تو ... ایضا محمد بن بابویه قمی در کتاب خصال آورده از آنحضرت که میوه تازه و
گوشت را برای عیال خود در روز جمعه بیاورید تا آنکه شاد شوند در روز جمعه ایضا در
کتاب خصال آورده که آنحضرت در روز جمعه داخل خانه می شدند و بیرون آمدند در روز جمعه

ایضا از حضرت صادق مرویست که هر که بگیرد ناخن و در روز جمعه برهی نکرده از
سر انگشتان او درد را و دوا فعل میکند شفا را ایضا در کتاب مذکور از حضرت صادق
مرویست که هر که ناخن خود را در روز جمعه بگیرد امان می یابد از جذام و برص و کوری
ایضا در کتاب مذکور از ابو کهمس منقولست که عرض کردم بمولای خود حضرت صادق
که بیاموز مرا دعای جهت رزق فرمودند در روز جمعه ناخن بگیر و شارب خود را بزن
ایضا در کتاب جامع از حضرت رسول صلعم مرویست که هر که بگیرد ناخن خود را در روز
جمعه زیاده می شود عمر او و مال او دیگر کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق عم روایت
میکند که هر که بگیرد ناخن و شارب خود را در هر روز جمعه و بگوید در وقت گرفتن
بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد نیفتد از او ناخنی و موئی مگر آنکه خدای
تبارک و تعالی از برای او بنویسد هر یک از آن ثواب آزاد کردن بنده و بیمار نشود
مگر آنکه در آن بیماری بمیرد دیگر از آنحضرت مرویست که گرفتن ناخن در هر جمعه ایمنی
میدهد خدا او را از پیسی و دیوانگی ایضا در کتاب مذکور مرویست که گرفتن شارب
و ناخن و شستن سر بخطمی در روز جمعه میبرد درویشی را و زیاد میکند روزی را ایضا
حسن طبرسی از آنحضرت مرویست که گرفتن شارب از جمعه تا جمعه دیگر از جذام
در امان است ایضا در کتاب مذکور شخصی بخدمت امام رضا عم عرض کرد که مردم میگویند
که نوره کشیدن در جمعه کراهت دارد آنحضرت فرمود که چنین نیست که تو گمان داری چیز

پاک کننده

پاک کننده تر از نوره است ایضا فضیلت غسل روز جمعه صاحب شهاب الاخبار روایتی
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که آنحضرت فرمودند که دیدم در شب معراج در
تحت عرش خدا هفتاد شهر که هر یک قدر دنیا است و پر بود از ملائکه که تسبیح و تقدیس خدای
تعالی می نمودند و میگفتند در آن تسبیح اللهم اغفر لمن شهد الجمعة اللهم اغفر
لمن اغتسل الجمعة یعنی بیامرز کسی را که حاضر شود بنماز جمعه بار خدایا بیامرز
کسی را که غسل روز جمعه کند و شهید ره در مقالات تکلیفیه از مولای ما حضرت
صادق عم روایت کرده که آنحضرت فرموده که غسل جمعه پاکیزگی است و کفاره گناهان است
ایضا در کتاب شهاب الاخبار مسطور است که خدای تعالی در مخاطبات حضرت موسی
فرمود که کسی که غسل کند در روز جمعه می نویسم برای او بعدد هر موئی که در بدن او
ده حسنه و محو میکنم از او ده سیئه و بلند میگردانم برای او ده درجه و رفع میگردانم
قسم را از او یعنی در روز هر چند عصیان کرده کسند هر روز یعنی ده مرتبه و میگردانم قبر
او را روضه از روضه های بهشت ایضا در کتاب تنبیه الغافلین از جناب حضرت ختمی مآب
منقول است که هر که روز جمعه غسل کند عطا کند خدای تعالی مر او را ثواب پیغمبری
و ایج عطای باو گرسنه تا جمعه دیگر و اگر بمیرد شهید مرده ایضا از حضرت رسول صلی
الله که هر که غسل در روز جمعه عطا کند حق تعالی مر او را بعدد هر قطره آبی که از او
می چکد حوری در بهشت [?] ایضا از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست فرمود

که شنیدم از جناب رسول الله صلعم که هر که غسل کند در روز جمعه بهر قطره که از او میچکد خدای تعالی
فرشته بیافریند که تا روز قیامت از جهت آن کس استغفار طلبید و گفته اند که چند کس از شیعیان امیر المؤمنین
که ما از آن طایفه نباشیم که غسل جمعه نکنند اگر کسی این کار کرده باشیم ابدا وقت غسل جمعه
در کتاب دروس آمده که سنت است غسل روز جمعه و اداء است در ما بین طلوع فجر تا
زوال و قضاست هر از زوال تا آخر روز شنبه و تعجیل در روز پنجشنبه نیز جایز است جهت عذر [?]
در روز جمعه بشدت سرما در سفر تقریب مفتاح نهم در فضل تسبیحات اربعه است بدانکه
اشرف و افضل اذکاری که بنده را بآن رطب اللسان بودن و فاسد زبان را بآن [?]
آن در صحیفه زندگانی کتابت ارقام فیوضات در جانب فرمودن از اهم عبادات و اتم
سعادات است کلمات اربعه است سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر که خانه
عبودیت را ارکان چهار رکن است و بآب شهادت حق را کلید چهار دندانه است از
اشرف نبوی صلعم مرویست که بر مردی مرور فرمود که نهال میکاشت آنحضرت توقف
نمود و این مضمون را ادا فرمود که آیا دلالت کنم ترا بر نهالی کاشتنی که بیخ آن ثابت تر
و بار آن بیشتر سریع تر و میوه اش خوشتر و پاینده تر باشد آن مرد عرض کرد بلی دلالت کن مرا
بآن یا رسول الله فرمود که چون صباح کنی و شب کنی بگو که سبحان الله و الحمد لله و لا
اله الا الله و الله اکبر چه بدرستی که مر ترا است اگر گوئی این را بعدد تسبیحی یعنی بهر
کلمه ای از این چهار کلمه درختی در بهشت از انواع میوه و این از باقیات الصالحات

است

است خیر عند ربک ثوابا و خیر عملا و بیان فضل آن فرموده است آنکه عرض
کرد یا رسول الله که ای کریم ترا که این حصار چهار باغ در صدقه است بر فقرا و مسکین که اهل آن
باشند یعنی از او قف فقرا کردم پس خدای عز و جل فرستاد که فاما من اعطی و اتقی و
صدق بالحسنی فسنیسره للیسری ایضا در کافی از حضرت محمد نبوی صلعم ماثور است
که ملخص مضمون آن اینست که فقراء خدمت حضرت رسول عرض کردند که یا رسول الله اغنیا را
مالهاست که با آن بنده آزاد میکنند و حج میگذارند و صدقه میدهند و جهاد می نمایند و
ما از چیزی که نیست نیز محروم هستیم از فیض این عبادات آنحضرت فرمودند که هر که تکبیر گوید خدای تعالی
صد مرتبه افضل تر است از آزاد نمودن صد شتر یعنی برای قربانی حج و هر که حمد کند خدا را صد مرتبه
افضل است از بار کردن صد اسب در راه خدا با زین و لجام در کارهای آن و مراد آنکه صد
اسب بمجاهدین دهد که سوار شوند بجهاد در روند و هر که لا اله الا الله بگوید صد بار بوده
آن روز افضل مردمان بحسب عمل مگر کسی که زیاده از آن گوید پس این سخن باغنیا رسید و آن را
عمل آوردند بار دیگر فقرا عرض کردند یا رسول الله آنچه فرمودی باغنیا رسید آن را کردند فرمود
که ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء این [?] فضل خداست میدهد آن را بهر که خواهد
دیگر در عدة الداعی از ابن مسعود مرویست که حضرت آن حضرت که در شب معراج در داخل بهشت
گردیدم زمینهای هموار دیدم از مشک و در آن فرشتگان دیدم که بنا می نمودند خشتی از طلا خشتی
از نقره و گاهی دست از کار می کشیدند گفتم چیست شما را که گاه بنا میکنید و گاهی دست بر میدارید

عرض کردند استغفار میکشیم با نفقه آید پس فرمود تا کجا احتیاج آن حاضر کرد دکفتم علیت نفقه تا
عرض کردند استغفار قول موقر که بکو ببید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَر
بعد چون کلمات کو ببید در این کار بنا کنیم چون ساکت بود و خود را از کفار ان باز دارند
ما نیز دست از کار برمیداریم ایضاً در ثواب اعمال از همان حضرت مرویست که منقولست اصحاب
کشته فرمود ند حراکه برید سپرها عرض کردند با رسول الله ایا دشمن بسر ما آمده فرمود ند نه
ولیکن از آتش جهنم مراد اینکه سپرها برمیدارید که شما را از آتش دوزخ نگاه دارد بکو بید سُبْحَانَ الله
وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَر یعنی گفتن این کلمات بمنزله سپرهاست که از
آتش نگاه میدارد ایضاً از جناب اشرف نبوی صلی الله علیه واله وسلم مرویست که فرمود که هر که از
هر نماز صبح هفتاد بار بکو ببید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ اَغِثْنِی خدای تعالی
میان او و فرشتگان حجاب بردارد در هفتاد هزار ملک را فرستد تا او را از جمیع بلیات
نگاه دارد و بنا کنند از برای او در بهشت هفتاد هزار شهر از یاقوت سرخ خدای تعالی
دیگر شیخ شهید قدس الله روحه در چهل حدیث اکثره که روایه میکند ابو بصیر از مولای ما
ابو عبد الله ع واکتاب از رسول خدا که بکرو فرمود اصحاب خود را اما جمع کنند انچه نزد ما شست
از جامها و فرشها پس بعضی را بر بالای بعضی بر سد با بستان اصحاب عرض کردند یا رسول الله
الحضرت فرمود آیا دلالت کنم شما را کار را که اصل و بیخ آن در زمین باشد و شاخ او در آسمان عرض

عرض کردند بلی یا رسول الله الحضرت فرمود که شاخ تو بید از نماز فریضه سی بار سُبْحَانَ الله و
الحمد لله والله اکبر بکو ببید که اصل تسبیحات در زمین است و شاخ اینها در آسمان است
و آن کسیکه این تسبیحات بکوید ایمن باشد از فرو د آمدن خانه بر او و از غرق شدن
و در چاه افتادن و حوز دن درنده و مردن بد و فرود آمدن بلاها از آسمان در آن روز
و این تسبیحات باقیات صالحات است دیگر فاضل مجلسی ره در مقیاس خود بسند معتبر از
مولای صادق آل محمد ص روایه کرده است که جناب رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که در بهشت
غرفه چند هست که از اندرون آنها بیرون نمایان است و از بیرون آنها اندرون نمایان است
و از امت من کسی در آنها ساکن میشود که سخن نیک بکوید و طعام بمردم خوراند و بهر که رسد سلام
بکوید و در شب نماز کنند در وقتی که مردم در خواب باشند پس فرمود کلام نیک آنست که در
صبح و شام ده بار بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر فاضل مجلسی در کتاب
عین الحیوة از مولای ما حضرت امام حسن ع روایت میکند که جمعی از یهود بخدمت حضرت رسول
صلی الله علیه واله آمدند و اعلم ایشان از مسئله چند سؤال نمود و چون جواب شنید خجالت
شد ند و از جمله سؤالها این بود که پرسیدند یا محمد مرا خبر ده از کلمات چند که حق تعالی آنها را
از برای حضرت ابراهیم اختیار نمود در هنگامیکه خانه کعبه را بنا کرد حضرت فرمودند که بلی این
کلمات بود سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَر یهودی پرسید که چه ثواب
دارد کسی که این کلمات را بکوید حضرت فرمود که چون بنده سُبْحَانَ الله بکوید با او تسبیح میکویند

والحمد در زیر عرش مشغول کرد که هر بنده که تسبیح کند ده برابر ثواب تسبیح آنها را عطا میکنند و چون الحمد لله
میکوید حق تعالی نعیم دنیا را باو کرامت فرماید و وصل میکند او را به نعیم آخرت و این کلمه ایست
که چون اهل بهشت داخل بهشت میشوند این کلمه را میکویند و سخنان دیگر که در دنیا میگفتند
همه منقطع میشود بغیر این سخن و اما لا اله الا الله میکویند بهشت جزای آنست چنانچه حق تعالی
میفرماید هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ یعنی نیست جزای لا اله الا الله که بهشت
بود در عوض کردارت میکوید یا محمد ایضاً و در همان کتاب بسند معتبر از حضرت رضا الله
التحیة والثنا منقولست که فرمودند که حق تعالی بر خود واجب کردانیده است هر مومن که صد بار
الله اکبر و صد بار الحمد لله و صد بار سبحان الله و صد بار لا اله الا الله و صد بار
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس بکوید اللهم زوجنی من الحور العین حق تعالی در بهشت حوریه
باو کرامت فرماید و این پانصد کلمه مهر آن حوریه باشد پس از این جهة حق تعالی بحضرت رسول
وحی کرد که مهر زنان را پانصد درهم سنت کرد ایضاً بسند معتبر از مولای ما حضرت
امیر المومنین ع منقولست که سبحان الله نصف میزان اعمال است و الحمد لله پر میکند میزان را
و الله اکبر ما بین زمین و آسمان را پر میکند ایضاً منقولست که سلیمان ع با آن شوکت و جلال
میکذشت بر عابدی از عباد بنی اسرائیل آن عابد گفت و الله ای پسر داود خدا ترا پادشاهی عظیم داده
فرموده باد آن صدا را بکوش سلیمان رسانید سلیمان ع در جواب فرمود و الله یک تسبیح از
صحیفه مومن بهتر است از انچه خدا به پسر داود داده است زیرا که انچه به پسر داود داده برطرف

می شود و ثواب آن تسبیح همیشه باقی است ایضاً از حضرت باقر ع منقولست که هر که سُبْحَانَ
الله بکوید نه از روی تعجب حق تعالی از آن تسبیح مرغ خلق میکند که او مرغ را زبان بوده باشد در
میان ملائکه سبحان تسبیح میکند تا روز قیامت و هم چنین است الحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر دیگر شیخ طوسی و سید ابن طاوس از حضرت رسول ص روایت میکنند که هر که در
صبح و شام یک مرتبه بکوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیمِ حق تعالی ملکی بفرستد که
بوی بهشت که برای او در زمین بهشت که از مشک ناب است درختان غرس کنند و دیوار بر دور
آن بکشند و دری بر روی آن نصب کنند و بر در آن بنویسند که این بوستان از فلان ابن فلان
است ایضاً سید ابن طاوس بروایت معتبر دیگر روایه کرده از حضرت صادق آل محمد که هر که این
تسبیح را بکوید در غیر مقام تعجب حق تعالی هزار گناه او را محو کند و هزار حسنه برای او
ثبت کند و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار درجه برای او بلند کرداند و برای این کلمه
مرغ سفیدی خدا خلق کند که تا روز قیامت برای او تسبیح را کویند و ثواب آن برای او نوشته شود
ایضاً از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که هر که بکوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ ایزد
تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد و هزار هزار گناه محو کند هزار هزار درجه او را بلند
کرداند و هر که استغفار نماید خدا گناهانش بیامرزد ایضاً از حضرت صادق منقولست که
هر که هر روز سی بار سُبْحَانَ الله بکوید حق تعالی از او رفع نماید هفتاد نوع بلا که سهلتر از آنها فقر باشد
ایضاً در کتاب توحید از امیر المومنین ع از تفسیر سبحان الله سوال نمودند فرمود سبحان الله تعظیم

جلال و بزرگی خدای عز و جل و منزه و پاک دانستن او است از آنچه گفته در حق او مشرکی
پس بنده‌ای این کلمه را گوید صلوات و رحمت فرستند بر وی هر فرشته‌ای ایضاً فاضل مجلسی ره در مقباس و
طبرسی در اعلام الوری از ابن عباس روایت کرده که حضرت رسول فرمود که هر که سه بار بگوید بعد
این آیات را بعد از نماز مغرب آنچه از ثواب روز گذشته از او فوت شده باشد دریابد و
نمازش مقبول گردد و اگر بعد از نمازهای فریضه و سنت بخواند نوشته شود از برای او حسنات بعدد
ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرات خاک زمین و چون بمیرد
بهر حسنه ده حسنه در قبر او داخل شود و آیات اینست فسبحان الله حین تمسون و حین
تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون یخرج الحی
من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک نجزی
المحسنین سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله
رب العالمین و بروایت ابن بابویه قمی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که هر که نزدیک
شام یا بعد از شام این آیه بخواند در آن شب چیزی از او کم نشود و صبح بدیها از او دور گردد
و همچنین اگر در صبح سه مرتبه بخواند در آن روز از او چیزی فوت نشود و شر صبح بدیها از او
دور گردد فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون تا و حین تظهرون ایضاً در
کتاب زهد از مولای ما حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رضا روایت کرده که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که خواهد که او را زیاده از جمیع مردان در ملأ اعلی ثنا گویند

پس هر روز این دعا را بخواند اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او
غالب گردد و اگر قرضی داشته باشد ادا شود و اگر غم و همی داشته باشد زایل گردد و این
دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای وی نوشته شود فسبحان الله کما ینبغی
و الحمد لله کما ینبغی و لا اله الا الله کما ینبغی لله و الله اکبر کما ینبغی و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آل محمد النبی و علی
اهل بیته و جمیع المرسلین و النبیین حتی یرضی الله ایضاً در بلد الامین از
مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که خواهد خدای تعالی در اجل او تاخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای
بد او را نگاه دارد باید که هر بامداد و پسین بر این دعا مداومت نماید سه مرتبه بگوید سبحان الله
ملأ المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی و
سه مرتبه بگوید الحمد لله ملأ المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة
العرش و سعة الکرسی و سه مرتبه بگوید لا اله الا الله ملأ المیزان و منتهی
العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی و سه مرتبه بگوید الله اکبر
ملأ المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش و سعة الکرسی
در کتاب جنة الواقیه از مولای ما حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که تسبیح کند خدا را
در شب نیمه شعبان صد مرتبه و تهلیل حق تعالی کند صد مرتبه و تکبیر حق تعالی کند صد مرتبه و تحمید

یعنی هر یک از سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر صد مرتبه بگوید بیامرزد
حق تعالی از او هر آنچه پیشتر کرده باشد از گناهان خود و آنچه معلوم باشد احتیاج او باکی
اگر چه التماس نکرده باشد ایضاً در کتاب بلد الامین از مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام روایت
کرده که پرسیدم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که پرسیدم از حضرت رسول
از تفسیر مقالید فرمود کلیدهای حاجات و سعادات است فرمود که ده مرتبه در صبح و ده مرتبه
در شام این دعا را بخوانند هر که بخواند خدا او را شش خصلت روزی عطا کند ایضاً آنکه شیطان و لشکر او
بر او دست نیابند ایضاً قنطاری از ثواب با او عطا کند که در میزان عمل او از کوه احد
سنگین تر باشد ایضاً آنکه او را درجه بدهد که بغیر نیکوکاران بآن نرسند ایضاً حورالعین را باو
تزویج نماید ایضاً دوازده ملک ... با او عطا کند ثوابی ...
فرشتگان در نامه او بنویسند تا روز قیامت برای ایشان دهند ایضاً چنان باشد
که تورات و انجیل و قرآن تلاوت کرده باشد و چنان باشد که حج و عمره مقبول کرده باشد و اگر
در آن روز بمیرد یا در آن شب او را در زمره شهدا نویسند لا اله الا الله و الله
اکبر سبحان الله و الحمد لله استغفر الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم هو الاول و الآخر
و الظاهر و الباطن له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو
علی کل شیء قدیر ایضاً از صادق آل محمد علیه السلام منقول است که هر که او را مرضی و علتی باشد
در حالت مرض چهل نوبت بگوید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

و اگر در آن مرض بمیرد اجر شهید بدو بدهند و اگر شفا یابد جمیع گناهان او آمرزیده شود
قطب راوندی روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با براء بن عازب فرمود که
نخواهی ترا دلالت کنم بر امری که چون بجا آوری دوست خدا باشی عرض کرد بلی فرمود که
بعد از نماز هر یک از تسبیحات اربعه را یکبار بگو چون ده بار گفتی هزار مرتبه از تو دور
می شود که یکی از آنها مرتد شدن باشد و هزار مرتبه در آخرت برای تو ذخیره کنند که یکی از آنها
که در جوار حضرت رسول باشی ایضاً بسند صحیح دیگر منقول است ذکر کثیر که خدا در
قرآن بآن امر فرموده اینست و در حدیث دیگر از مولای ما حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر که این تسبیحات را در هر نماز فریضه چهل بار بگوید پیش از آنکه از جای نماز حرکت
کند هر حاجتی که بخواهد از خدا برآورده می شود ایضاً بسند صحیح دیگر از آنحضرت منقول
است که هر که بعد از نماز فریضه سی مرتبه سبحان الله بگوید بر بدنش گناهی نماند مگر بریزد
در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است ذکر کثیر حق تعالی که مدح کرده است در کلام مجید
اینست که سی بار بعد از نماز هر فریضه سبحان الله بگوید مفتاح ششم در فضل خواندن
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم در کتاب جنات الواقیه و جنة باقیه از جناب
حضرت نبوی منقول است که هر که بسمله و لا حول بسیار گوید بعد بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نترسد از شیطان و نه از پادشاه و نه
از دزد و حیله‌ای حضرت فرمود که من صد مرتبه میگویم ایضاً ابن بابویه و سایر علما از زراره

حضرت امام جعفر ع روایت کرده اند که حضرت رسول فرمود که هر که در عقب نمازها
ده بار بگوید سبحان ربی العظیم وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی او را
عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و بیرون شود از گناهان خود مانند روزی که از مادر
فرود آمده در جهنم [illegible] سید بن طاوس از سند معتبر از حضرت امام رضا ع
روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم باسم اعظم نزدیکتر است از سیاهی چشم بسفیدی آن باید
از مولای ما حضرت صادق ع منقول است که هر که بعد از صبح و بعد از مغرب پیش از آنکه سخن
گوید هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی دفع کند از هفتاد
نوع از بلا را که آسانتر آنها خوره و پیسی باشد بسند معتبر از حضرت امام رضا ع
منقول است که هر که این ذکر را هفت مرتبه بعد از نماز صبح و نماز مغرب بگوید پیش از
آنکه سخنی بکسی گوید و باز گرداند هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که کمتر آنها خوره
و پیسی باشد و ضرر باد و جادو باو نرسد و شیطان کافر تواند از بیت او دور ...
دیگر محفوظ گردد از دیو رسیدن و تسلط شیطان و جنیان و اگر نامش از دیوان شقیان باشد
حذف از آن دیوان نام او را محو گرداند و در دیوان سعداء ثبت نمایند و در روایت
از آنحضرت منقول است که چون نماز شام کردی برخیز و سخن مگو تا صد مرتبه این
ذکر را بگوئی تا هفتاد نوع بلا از تو دور گردد که کمتر از آنها خوره و پیسی و شر شیطان [illegible]

کرد دیگر بسند صحیح از جناب اشرف نبوی صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمودند
حضرت آدم بحق تعالی شکایت کرد از بسیاری اندوه خاطر را طاوس ملائکه جبرئیل امین ع
نازل شد و گفت ای آدم که بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم چون آدم این کلمات را
گفت وسوسه و اندوه از او زایل گردید بسند معتبر از حضرت مروی است هر که نعمتهای
الهی بر او بسیار شود بگو الحمد لله رب العالمین و کسیکه فقر و پریشانی او زیاده کند
بسیار بگوید الحمد لله رب العالمین لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بدرستی
این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن شفای هفتاد و دو نوع است که کمتر آنها اندوه و
فقر است دور گرداند از او از حضرت صادق منقول است که در شب معراج حق
تعالی بحضرت رسول ص وحی نمود که بتو عطا میکنم دو کلمه از خزینهای عرش خود لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم و لا ملجأ منك الا اليك فاضل مجلسی علیه الرحمه
در کتاب مقباس از کلینی و ابن بابویه قمی و دیگران بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر
روایت کرده است که شیبه بن [illegible] بخدمت جناب رسول خدا عرض کرد که من پیر شده ام
و قوتم وفا نمی کند باعمالی که قبل از این عادت بود حال نتوانم بکنم حضرت رسول خدا فرمود
که بگو چون که از نماز فارغ شوی بگو در نماز صبح سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم خدا ترا عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی
و برص و فقر شیبه عرض باز کرد که این برای دنیای من است برای آخرت من چه نوع است

حضرت فرمود که بگو بعد از هر نماز فریضه اللهم اهدني من عندك وافض علي
من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك پس حضرت فرمود
که هر که این دعا را مواظبت نماید و عمدا ترک نکند تا دم مردن چون بصحرای محشر در آید
هشت در بهشت برای او گشاده شود و از هر دری که خواهد داخل شود در جلد [illegible]
روایت کرده است که مردی بدرد کمر گرفتار بود که اطبا از معالجه آن عاجز بودند روزی
کتابی از کتب علما را گشود و در اول صحیفه نظرش بر این حدیث افتاد که حضرت
صادق فرمود که هر که علتی داشته باشد بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا را بخواند چون
چهل روز بر این دعا مواظبت نمود شفا یافت و ناخوشی برطرف شد و تجربه بسیار از این
دعا کرده اند ابن ادریس در کتاب سرائر از حضرت صادق ع روایت کرده که
این دعا را سی بار بخواند خدای تعالی دور نماید بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها
خوره و پیسی باشد و شیخ طوسی ره گفته است که در تعقیب نماز صبح سی بار این دعا را بخواند
بروایت شیخ طوسی علیه الرحمه و ابن ادریس دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
رب العالمین تبارک الله احسن الخالقین لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم بروایت کفعمی بعد از بسمله الحمد لله رب العالمین حسبنا الله ونعم الوکیل
تا آخر دعا مذکور خوب است کلینی بسند صحیح روایت کرده است از صادق آل محمد
که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه ما شاء الله را بگوید ما شاء الله کان لا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم بگوید در آن روز مکروهی نبیند و شیخ طوسی ره و دیگران روایت
کرده اند بسند معتبر دیگر از آن حضرت روایت کرده اند که هر که هفتاد مرتبه بگوید
ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید حق تعالی بگرداند
از او هفتاد نوع از بلاها را که کمتر از آنها آن باشد که دیوانه شود و بسبب بلوای بکلی
هلاک شود و بسند معتبر دیگر روایت است که هر که دعا کند ختم کند دعای خود را بگفتن
ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم در کتاب مقباس
از حضرت امام حسن عسکری منقول است که حضرت رسول ص مردی از اصحاب خود
گفت اگر خواهی شر دشمنان از تو دفع شود در صبح بگو اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
اگر خواهی که خدا ترا ایمن گرداند از غرق شدن و سوختن و افتادن در گودالها در صبح
سه مرتبه بگو این دعا را تا ایمن گردی از این بلاها تا شام و هنگام شام سه مرتبه بگو تا ایمن گردی
از این بلاها تا صبح پس فرمود که خضر و الیاس هر سال در موسم حج یکدیگر را ملاقات میکنند و چون از یکدیگر
جدا می شوند این دعا را میخوانند و این دعا از شیعیان ما است و در روایتی که حضرت امام ع حاضر بود
در ایشان از هم جدا می شوند اینست بسم الله ما شاء الله لا يصرف السوء
الا الله بسم الله ما شاء الله لا يسوق الخير الا الله بسم الله ما شاء الله ما يكون
من نعمة فمن الله بسم الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بسم الله ما شاء الله وصلى الله على محمد وآله الطيبين پس در جمیع الدعوات چنین

روایت کرده اند بسم الله ما شاء الله لا قوة الا بالله ما شاء الله
ما شاء الله کل نعمة من الله ما شاء الله الخیر کله بید الله ما شاء الله
لا یصرف السوء الا الله دیگر از مولای ما حضرت امام محمد باقر مرویست که هر که
بگوید وقت بیرون آمدن از منزل خود بسم الله داکرینه او را دو ملک که هدایت یافتی
پس چون بگوید وقت بیرون آمدن از منزل چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
گویندش محفوظ گشتی پس چون بگوید توکلت علی الله گویند کفایت کرده شدی یعنی کار
تو رفع شد پس بگوید شیطان که چه چاره کنم بکسیکه هدایت یافته و محفوظ گشته و کفایت کرده شده
است دیگر از مولای ما حضرت امام جعفر صادق ع مرویست فرمود عجب دارم از کسیکه
او را خوفی از دشمن باشد با غیر آن پس چرا پناه باین کلمه نبرد حسبنا الله ونعم الوکیل و ما اگر
شنود که حق تعالی در عقب آن می فرماید فانقلبوا بنعمة من الله وفضل یعنی زیرا که حق تعالی
می فرماید که آن جماعتها که این کلمه را گفتند برگشتند با نعمتی عظیم از جانب خدا و فضل
بسیار و بایشان نرسید بدی و عجب دارم از کسیکه او را غمی و پریشانی عارض شود چرا التجا نبرد
بکلمه که حضرت یونس گفت در شکم ماهی لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
و نشنیده اند که حق تعالی بعد از آن می فرماید فاستجبنا له ونجیناه من الغم یعنی می فرماید
که ما دعای او را مستجاب کردیم و او را نجات دادیم از غم چنانکه او را نجات دادیم همچنان نجات
میدهیم مومنان را و عجب دارم از کسیکه دشمنان در مقام مکر باشند با او چرا پناه نبرد باین آیه

وافوض

وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد زیرا که حق تعالی در عقب آن می فرماید
فوقیه الله سیئات ما مکروا یعنی چون مومن آل فرعون این کلمه را گفت خدای تعالی
او را حفظ کرد و نگاه داشت از جمیع آنچه مکر نسبت باو کرده بودند و عجب دارم از کسیکه اراده
مال و متاع دنیا داشته باشد چرا پناه نمی برد باین کلمه ما شاء الله لا قوة الا بالله و
نشنود که حق تعالی در عقب آن می فرماید که فعسی ربی ان یؤتین خیرا یعنی حکایة
می فرماید برادر مومن برادر کافر را گفت که چرا داخل باغ خود شدی این کلمه را نگفتی
اگر مرا چنین می بینی که مال و فرزندان از تو کمتر دارم پس شاید که پروردگار من بهتر از بهشت
تو بمن عطا فرماید و شاید از حق تعالی در مقام جزم اطلاق میکند دیگر در کتاب تحفة
الذاکرین از جناب ختمی مآب نبوی منقولست فرمود هر که خواهد که خانه او برکت یابد
همیشه برنعمت بود این شش کلمه در شش وقت نگاه دارد اول هر کاری که ابتدا کنی بگو بسم
الله الرحمن الرحیم دوم هر نعمتی که پیش آید تو را بخوری و بپوشی که از وجه حلال باشد بگو
الحمد لله رب العالمین سیم هر خطا و زلل که از تو در وجود آید بگو استغفر الله ربی
و اتوب الیه چهارم هر غم والمی در پیش آید بگو لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
پنجم چون در هر کار عزم خواهی کنی بگو ما شاء الله کان ششم چون از ظالمی ترسی و از چیزی
اندیشه کنی بگو حسبنا الله ونعم الوکیل دیگر از جمله دعاهای که جبرئیل از برای جناب
پیغمبر آورده همینست که عرض کرد یا رسول الله هر که بعد از نماز خفتن هفتاد مرتبه بگوید ما شاء الله

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم هر گاه خلق عالم جمیع شوند و خواهند که او را
آزار رسانند نتوانند و تا شب و روز در امان و حفظ خداوند عالم باشد او و مال و عیال
او از آفت در امان و سالم ماند و اگر عالم را آتش گیرد ذره آفت بوی نرسد مقاله هفتم
در فضل استغفار و آنچه متعلق بآن میباشد از حضرت سید اوصیا و امام اتقیا امیر المومنین علی بن
ابی طالب علیه السلام مرویست که در روی زمین بود دو امان از عذاب خدای تعالی
بتحقیق که برداشته شد یکی از آن دو امان پس آن پیغمبر خدا است و اما آن امانی که باقی مانده است
پس آن طلب آمرزش خداست و خدای تعالی فرموده و نیست که خدا عذاب کند امت را و تو ای
پیغمبر در میان ایشان باشی و نمی باشد که خدا عذاب کننده ایشان باشد و حال آنکه ایشان
طلب آمرزش کنند و مخفی نیست سر آن حدیث که شیخ طبرسی در مجمع البیان در تفسیر آیه کریمه
وقولوا حطة نغفر لکم خطایاکم روایت کرده از مولای ما حضرت باقر علیه السلام
که آنحضرت فرمود نحن باب حطتکم نغفر لکم خطایاکم روایت کنند از مولای ما
حضرت باقر ع که آنحضرت فرمود نحن باب حطتکم ایات آنکه معرفت و توبه فرع
مودت و محبت ما است یعنی کسی را که محبت ما مودت نیست هر چند استغفار کند موجب
آمرزش او نمی شود پس امام از جهت آنست باب مغفرتست همچنانکه باب حطه باب مغفرت
بنی اسرائیل بود و شکی نیست که غفران معصیت و قبول طاعت متفرع است بر محبت ائمه هدی
و ما براءت معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و موالات و الا هیچ گناهی مغفور نمی شود

دیگر

دیگر هیچ طاعتی بسمت قبول نمی رسد چنانکه در حدیث قدسی وارد شده که علی ابن ابی طالب علیه السلام
حجتی علی خلقی امینی علی علمی ادخل الجنة من اطاعه ولو عصانی و لا ادخل النار
من اطاعه ولو عصانی یعنی حق تعالی فرموده که علی ابن ابی طالب راه نماینده بسوی منصب
کننده و امین بر خلقان خود و عالم است که معصوبیت از جانب بجز این علوم من در بهشت
در آورم هر که او را دوست دارد اگرچه عصیان کننده باشد در حق من و در بهشت داخل نمی شود
که هر که او را دشمن دارد اگرچه اطاعت من کرده باشد پس معلوم شد که استغفار بدون ولایت
و محبت امیر المومنین و اولاد طاهرین او موجب آمرزش نمی شود و هم چنانکه از مولای ما حضرت صادق
مرویست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمود که خیر الدعا الاستغفار و نیز فرمود
که دلها را زنگی است مانند زنگ مس پس جلا دهید باستغفار و نیز فرموده هر که بسیار استغفار
کند حق تعالی او را از هر غمی فرج دهد و از هر تنگی گشادگی و روزی دهد از
جائی که گمان نداشته باشد دیگر مولای ما حضرت صادق ع مرویست که هر گاه بنده
مومن استغفار بسیار کند [illegible] نامه اعمال او را باسمان برند در حالتی که نور دهنده و درخشنده
باشد دیگر مولای ما حضرت امام رضا ع مرویست که استغفار مانند برگ است بر درخت و حرکت
که متحرک شود برگ از آن ریزان خود [illegible] هر گاه بنده مومن باستغفار مشغول شود گناهان از
وی میریزد مانند برگ درختی که در حین جنبانیدن آن ریخته شود و مراد باستغفاری که
سیئات است [illegible] مغفرت فرع [illegible] سیئات [illegible]

در ازمنهٔ مستقبله و از انجاست که مولای ما علی ابن ابی طالب فرمود کسی که استغفار کننده
باشد با وجود اشتغال او بگناه همچو کسی است که با پروردگار خود استهزا کننده باشد ایضاً در
خبر آمده خوش حال کسی که چون صحیفهٔ عمل خود بگشاید در زیر هر گناه استغفاری نوشته بیند
ایضاً ابو هریره از رسول خدا صلعم روایت میکند که کاتب صحیفه بر خدا تعالی عرض بکنند هر در اول
و آخر آن نیکی باشد الا که حق تعالی می فرماید که آنچه در میان هر دو طرف است
بوی بخشیدم ایضاً فاضل مجلسی در کتاب عین الحیات از شیخ طوسی و دیگران روایت کرده اند
که مردی نزد حضرت رسول صلعم آمده عرض کرد یا رسول الله مرا تعلیم کن عملی را چون بجا آورم
میان من و بهشت حایل نباشد فرمود که غضب مکن و از کسی و از مردم چیزی سوال مکن و از
برای ایشان بپسند آنچه برای خود می پسندی عرض نمود یا رسول الله زیاده بفرما فرمود که چون نماز
عصر را ادا کنی هفتاد و هفت استغفار کن تا گناه هفتاد و هفت ساله ترا [illegible] عرض کرد
که من هفتاد و هفت سال ندارم فرمود برای پدر و مادر و برادر و خویشان خود قرار ده ایضاً
در تفسیر [illegible] مسطور است که مردی نزد امیر المومنین علیه السلام عرض کرد که گناه من بسیار است
و صحیفهٔ اعمال را با آن سیاه کرده ام دعا فرما که حق تعالی مرا بیامرزد حضرت فرمود برو استغفار کن
شخص دیگر آمده عرض کرد یا امیر المومنین مردی درویشم از فقر و فاقه بیطاقت شده ام دعا فرما
تا حق تعالی از خزاین جود خود [illegible] فرمود برو استغفار کن مرد دیگر آمد عرض کرد یا علی
مال بسیار دارم و اولاد ندارم حضرت فرمود برو استغفار کن شخص دیگر [illegible] عرض کرد یا علی

باغ و بستان میوه کم میدهد دعا کن حضرت را از خدا طلب کثرت آن نما فرمود
استغفار کن کسی دیگر عرض کرد که یا علی ناحیه ما چشمه ها خشک آب کم شده است
و کاریز ها [illegible] فرو رفته است و قحط پیدا شده از حضرت دعا التماس دارم فرمود برو استغفار کن
ابن عباس گوید که من در خدمت آنحضرت نشسته بودم عرض کردم یا امیر المومنین از تو سوالات
مختلفه کردند و تو همه را یک جواب فرمودی گفت یا ابن عم نشنیده قول الله تعالی را که فرموده
فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا تا آخر ایضاً [illegible] از پدر خود خبر داده
که من نزد ابو جعفر علیه السلام نشسته بودم شخصی بیامد عرض کرد یا ابن رسول الله جعلت فداک من مرد
[illegible] ال بسیار [illegible] از زنان داشته است والا هیچ فرزندی ندارم [illegible] علاجی
در این باب بفرما فرمود [illegible] استغفار کن از پروردگار خود یکسال در آخر هر شب صد بار
و اگر در شب از تو فوت شود در روز قضا کن که حق تعالی می فرماید در کلام مجید خود که استغفروا
ربکم [illegible] تا آخر ایضاً در کتاب [illegible] صدوق رحمه الله از مولای ما حضرت ابی عبد الله علیه السلام
منقول است که هر که استغفار کند از خدای تعالی برای او در آن روز هفتصد گناه پس اگر نباشد
او را هفتصد گناه در عوض پدر و مادر و خویشان او را بیامرزد پس باید که هفتاد مرتبه یا هفتاد
هفت مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه گوید و استغفر الله نیز کافیست ایضاً ابن
بابویه بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه
استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید خدا او را بیامرزد هر چند در آن روز هفتاد هزار

گناه بکند بروایت دیگر هفتصد گناه بکند دیگر بسند معتبر از آنحضرت مرویست که اگر مومن
در یک روز چهل گناه کبیره بکند پس از روی ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند
گناهان او را بیامرزد استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع
السموات والارض ذو الجلال والاکرام و اسئله ان یتوب علی [illegible]
طوسی و دیگران بسند احسن معتبر از آنحضرت روایت کرده اند که حضرت رسول صلعم هر روز هفتاد بار
استغفر الله هفتاد مرتبه و اتوب الی الله میگفت دیگر بروایت دیگر از آنحضرت
منقول است که هر که در ماه رجب هر روز چهار صد مرتبه این دعا را بخواند خدا عالم بسیار
یا مال بسیار باو کرامت کند استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
الرحمن الرحیم بدیع السموات والارض من جمیع ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی
و اتوب الیه ایضاً در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که هر که در عقب نماز
واجب پیش از آنکه زانو بگرداند سه بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا
هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام و اتوب الیه بیامرزد خدای تعالی گناهان
او را اگر چه مثل کف دریا باشد [illegible] منم آنکه طلب آمرزش میکنم از خدا که غیر معبودی
برحقی [illegible] زنده است قیام کننده بکار خلایق است صاحب بزرگواری [illegible] است
یعنی هر کس شرف کرامتی دارد از او دارد که تؤتی الملک من تشاء و تعز من تشاء و تذل
من تشاء و بازگشت میکنم بسوی او [illegible] ایضاً در کتاب جمع الدعوات از حضرت [illegible]

مرویست که هر کسی را غم برسد شدید یا تنگی پس بگوید سه بار استغفر الله ربی و اتوب
الیه حق تعالی او را فرج بخشد ایضاً از جمله تعقیبات مخفیه تعقیبی است که مولای ما
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام [illegible] سعادت دینی و دنیوی
وی را [illegible] تعلیم آن [illegible] تفصیل این آنکه [illegible] منقول است که گفت
بخدمت ابو ابراهیم علیه السلام عرض کردم فدای تو گردم بیاموز مرا دعایی که جامع فواید دنیا و آخرت
باشد و مختصر گفت [illegible] حضرت [illegible] بعد از نماز صبح تا آنکه آفتاب طلوع کند سبحان الله
العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله [illegible] تسبیح [illegible]
کرد خدای بزرگوار را [illegible] طلب آمرزش میکنم از خدای [illegible] خواهم
او را از فضل او [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امام موسی کاظم علیه السلام دیگر از جناب [illegible] روایت که فرمود که هر آن بنده از بندگان
خدای تعالی [illegible] توفیق یابد که بخواند این دعا را [illegible] گناهان او را بیامرزد
بسم الله الرحمن الرحیم استغفر الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم
و استغفره و اتوب [illegible] الله هو التواب الرحیم [illegible]
دیگر از جمله [illegible] از برای جناب رسول خدا [illegible] عرض کرد

بخدمت آنحضرت که هرکه بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا
اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه خدای تعالی هفتاد سال گناهان او را
بیامرزد و هفتاد حاجت او را روا گرداند و هفتاد ساله طاعت در دیوان اعمال او نویسد
و همچنان باشد که هفتاد حج و عمره کرده باشد دیگر که شخصی در جناب خاتم انبیا سؤال
نمود که آیا کسی باشد که نماز او شبیه نماز شما باشد آنحضرت فرمودند که هرکه بعد از نماز فریضه
ابتدا را بخواند نماز او شبیه نماز من است بسم الله الرحمن الرحیم استغفر الله الذی
لا اله الا هو من کل ذنب اذنبته عمدا او خطاء او سرا او علانیة
و اتوب الیه من الذنب الذی لا اعلم و انت علام الغیوب و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین
کان له امانا من الفقر و وحشة و فتح له ابواب الجنة دیگر از جناب [illegible]
موسی صلوات الله مرویست فرمود که کسیکه [illegible] بار هر شب بگوید استغفر الله
ربی و اتوب الیه البته خداوند او را نجات دهد [illegible] بسیار
مجرب است دیگر در نهج البلاغه است که در حضور مولای ما حضرت امیر المؤمنین ع
شخصی گفت استغفر الله آنحضرت فرمودند مادرت بعزایت بنشیند آیا میدانی که استغفار
چه چیز است بدانکه استغفار مرتبه علیین است و او را چند معنی است و آن اسمی است که واقع شود بر شش
معنی اول آن پشیمانیست از گناهان گذشته دوم عزم جزم کنی که بازگشت بگناه نکنی

سیم رو

سیم روا کنی با صاحبان حق حقوق ایشان را چنانچه ملاقات کنی با خدای تعالی پاک و صاف
باشی و بر تو نباشد وزر و وبالی چهارم هر فریضه که فوت کرده قضایش بجا آوری پنجم قصد
کنی بآن گوشت که در بدن تو بحرام روئیده بگدازی آنرا بحزن و اندوه تا بچسبد پوست
تو باستخوان و روئیده از حلال گوشت تازه ششم بچشانی آن جسم را مشقت
طاعت چنانکه چشانیده بودی راحت و حلاوت معصیت پس نزد جمع این معانی بگو
استغفر الله چه وجه لفظی را چندان فایده نباشد پس این چنین استغفار وسیله
عفو و غفران است و سبب خوشنودی رحمن دیگر روایت است از مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام
که عجیب است از کسیکه نا امید شود از رحمت خدای تعالی و حال آنکه با او چیزی هست
که نجات دهد او را از عذاب خدا پرسیدند از آنحضرت که
چه چیز کدام است فرمود که آن استغفار است دیگر از مولای ما حضرت صادق علیه السلام
که بنده وقتی که گناه بکند خدای تعالی باو مهلت میدهد اگر استغفار بکند از آن گناه
خدای تعالی [illegible] و عذاب [illegible] آنحضرت
فرمودند که [illegible] آن [illegible] استغفر الله و نیز فرموده که
خدای تعالی گناه مومن را بیاد می آورد بعد از بیست سال تا آنکه استغفار کند
آنگاه خدای تعالی او را بیامرزد دیگر از جمله است استغفار کردن در وقت
سحر مرویست از مولای ما امام محمد باقر ع بدرستی که بنده گناه کند [illegible]

بعد از بیست سال پس استغفار کند و از حق تعالی طلب آمرزش کند از آن گناه پس خدا
او را بیامرزد پس این آیه را خواند و من یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله
یجد الله غفورا رحیما حاصل مطلب اینکه هرکه بکند بدی را یا ظلم کند بنفس
خود پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی بیابد خدا را آمرزنده و مهربان پس آنحضرت
فرمود که [illegible] بنده که گناهی کند اگر خدای تعالی مهلت میدهد او را هفت ساعت
پس اگر توبه کرد نمی نویسد برای آن گناه [illegible] مرویست از آنحضرت که خوش حال بنده
که استغفار و طلب آمرزش کند از حق تعالی در گناهی که مطلع شده باشد بر او غیر خود
و جز این نیست که استغفار [illegible] گناه مانند آبیست که ریخته شود بر آتش پس خاموش
سازد او را دیگر مرویست از آنحضرت که آن حضرت بالا رفتند بر منبر برای طلب باران
و آمدن باران دعا کنند پس نشنیدند از آن حضرت از استغفار پس سؤال کردند
او را در این باب فرمود که آیا نشنیده اید قول حق تعالی که فرموده است استغفروا
ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال
و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا مضمون ترجمه فارسی آنکه
از پروردگار خود طلب آمرزش کنید بدرستی که او همیشه آمرزنده و مهربان است ارسال
میکند [illegible] ابر را بر شما باران [illegible] و مدد میکند شما را بمالها و فرزندان و
مهیا میسازد برای شما بستانها و مهیا میسازد برای شما نهرها دیگر آنحضرت فرمود که کدام [illegible]

الدعا

از استغفار است و برکتش از آن عظیم تر است در دنیا و آخرت و مرویست از
آنحضرت که افضل اوقات استغفار وقت سحر است و جز این نیست که فرمود یعقوب
پیغمبر پسران خود را که استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود در حینی که ایشان عرض
کردند ای پدر استغفار کن از برای ما از گناهان ما بدرستیکه ما خطاکار بودیم پس در همان وقت
استغفار نکرد فرمود خواهم کرد برای آن بود که وقت سحر میکشید که در آن استغفار
کند چنانچه حق تعالی فرموده است والمستغفرین بالاسحار و قال بالاسحار هم یستغفرون
دیگر در کتاب [illegible] که جناب رسول خدا ص فرمود که سه آواز است که حق تعالی
و تعالی دوست میدارد آواز خروس را و آواز کسیکه قرآن میخواند و آواز کسانی
که استغفار میکنند در سحرگاه دیگر از حضرت صادق ع مرویست که هرکه بگوید
در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو
الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه نویسد او را حق تعالی در افق مبین
که آن فضائی است وسیع در پیش عرش و در آن فضا [illegible] که در کنار
آنها قدح است بعدد ستارگان و در امالی از مولای ما حضرت رضا ع مرویست که
میفرمود که هرکه بگوید هر روز از ماه شعبان هفتاد بار استغفر الله و اسئله
التوبه نویسد خدای تعالی از برای او برات آزادی از آتش دوزخ و جواز بر صراط
و داخل گرداند او را در دار القرار که بهشت باشد دیگر در خبر آمده که هرکه در وقت

و در وقت برخواستن از مجلس بگوید سُبحانَکَ اللّهُمَّ وَبِحَمدِکَ اَشهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ
اِلّا اَنتَ اَستَغفِرُکَ وَاَتوبُ اِلَیکَ کفّارة هر لغو و لهوی که در آن مجلس
واقع شده و اگر مجلس خیر باشد بر وی زیاده گردد و هر که در آن مجلس باشد تمام زیاده خورد
به برکت این کلمات دیگر در کتاب سلاح الامین آورده که پیغمبر رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر کس هر روز ده بار این دعا را بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیر
او را بیامرزد و او را در سکرات مرگ و وقت رفتن قبر و صدمه‌ها و هول قیامت نجات
یابد و از شر شیطان و لشکر شر در امان باشد و قرضش ادا شود و هم دشمنش زایل گردد و
دعا اینست اَعدَدتُ لِکُلِّ هَولٍ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَلِکُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ ما شاءَ اللهُ
وَلِکُلِّ نِعمَةٍ اَلحَمدُ لِلّٰهِ وَلِکُلِّ رَخاءٍ اَلشُّکرُ لِلّٰهِ وَلِکُلِّ اُعجوبَةٍ سُبحانَ اللهِ
وَلِکُلِّ ذَنبٍ اَستَغفِرُ اللهَ وَلِکُلِّ مُصیبَةٍ اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعونَ
وَلِکُلِّ ضیقٍ حَسبِیَ اللهُ وَلِکُلِّ قَضاءٍ وَقَدَرٍ تَوَکَّلتُ عَلَی اللهِ وَلِکُلِّ
عَدُوٍّ اِعتَصَمتُ بِاللهِ وَلِکُلِّ طاعَةٍ وَمَعصِیَةٍ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ
اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ مفتاح ششم در روانی کسب الحراجی را متعذر باشد و مشتری
نباشد بنویسد این دعا را در میان متاع بگذارد بزودی مشتری جمع شوند و بدین متاع
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ مِن فَضلِکَ وَرَحمَتِکَ فَاِنَّها بِیَدِکَ
لا یَملِکُها اَحَدٌ سِواکَ وَصَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجمَعینَ

یُبایِعکُمُ الَّذی بایَعتُم بِهِ وَاللهُ سَمیعٌ عَلیمٌ یَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن یَشاءُ وَاللهُ ذُو
الفَضلِ العَظیمِ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ دیگر هرگاه کسی را متاعی بشود که در کرفته باشد
متاع او را بخرد این آیه را نوشته بر میان متاع نهد و بعد از خواندن سه دفعه رسیدن متاع
رود بفروشد بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ فَلَن اَبرَحَ الاَرضَ حَتّی یَأذَنَ لی اَبی اَو یَحکُمَ
اللهُ لی وَهُوَ خَیرُ الحاکِمینَ یا رَبَّ العالَمینَ ایضا این آیه را در میان قماش بگذارد
رواج شود و تجارت شود وَمَن اَوفی بِعَهدِهِ مِنَ اللهِ فَاستَبشِروا بِبَیعِکُمُ الَّذی بایَعتُم بِهِ
وَذٰلِکَ هُوَ الفَوزُ العَظیمُ دیگر چون این آیات را از سوره فاطر بر چهار پاره نوشته
که از چیزی باشد در میان متاع تجارت خود نهد تجارتش زیاد شود و سود کند اِنَّ الَّذینَ یَتلونَ
تِجارَةً لَن تَبورَ لِیُوَفِّیَهُم اُجورَهُم وَیَزیدَهُم مِن فَضلِهِ اِنَّهُ غَفورٌ شَکورٌ
دیگر هر که این آیه مبارکه را در میان بار نهد سلامت منزل رسد مجرب است قُل لِلَّذینَ
کَفَروا سَتُغلَبونَ وَتُحشَرونَ اِلی جَهَنَّمَ وَبِئسَ المِهادُ طص نوع ع ع ح ل ما
دیگر مرویست که هر که این شکل را در میان اقمشه نهد و غیره بگذارد از حرق و غرق و دزد
ایمن باشد ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ دیگر هر که این طلسم را در کیسه خود نهد هرگز از کیسه او زر کم نشود و کرده
این طلسم مبارک ۹۹۹۹ ال ملا ۹۹۹۹ دیگر مرویست این آیه را بر
مربع نوشته در کیسه گذارد برکت بهم رسد اِنَّ المُصَّدِّقینَ وَالمُصَّدِّقاتِ دیگر از جهت رواج
بازار باید گفت آنکه بسیار گوید یا هُوَ یا مَن هُوَ یا مَن لَیسَ هُوَ اِلّا هُوَ یا مَن لا هُوَ

لا هُوَ اِلّا هُوَ دیگر در نسخه دیگر بنظر رسیده هر روز تا ربع این آیه را هفت بار بر متاع
که دارد که خواند و بدمد بر متاع مشتری از غیب پیدا شود فَاستَبشِروا بِبَیعِکُمُ
الَّذی بایَعتُم بِهِ وَذٰلِکَ هُوَ الفَوزُ العَظیمُ دیگر روایتست که هر که را چیزی باید
که فروخته شود این دعا را هفت بار برای چیزی بدمد و بر وی ببندد یا بر روز نماز بنویسد و بر دیوار
باغ و یا دیوار خانه پنهان کند و اگر در وقت طلوع صبح هفت نوبت بخواند و بر آن چیز دمد
البته بفرمان خدای تعالی فروخته شود بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ بُکرَةً وَاَصیلاً وَالحَمدُ لِلّٰهِ
حَمداً کَثیراً وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ کَبیراً اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ مِن فَضلِکَ
وَرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ دیگر از برای دفع حفظ متاع مجرب است فَاللهُ خَیرٌ
حافِظاً وَهُوَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ دیگر از جهت نفع کردن متاع بنویسد بر متاع بوگنا
لنا البته نفع میکند دیگر هر که سوره ق را بنویسد در دکان نهد رونق بگیرد دیگر در خواص
القرآن در مصباح الکفعمی چنین که چون کسی سوره حجر را بنویسد در جیب یا در بازوی خود
جای دهد معیشت و کسبش و رزقش بسیار شود چنین سوره القارعه دیگر هر کسی خواهد که بار شتر
روز فروخته شود هر روز هفت بار این آیه را بر پیاله آب بخواند و قدری از آن آب برای آنکه
بپاشد معاشش زود فروخته شود وَمَن اَوفی بِعَهدِهِ مِنَ اللهِ فَاستَبشِروا بِبَیعِکُمُ
الَّذی بایَعتُم بِهِ وَذٰلِکَ هُوَ الفَوزُ العَظیمُ ایضا در کتاب در آنجا میگوید
اگر کسی این آیه را وَالاَرضَ مَدَدناها وَاَلقَینا فیها رواسی زنگشم بر زمین از سوره حجر

در لوحی نقش کند و در دیوار خانه یا دکان خود مرکب کند یا بر کاغذی نویسد و در میان
متاع خود گذارد اسباب رزق او سهولت مهیا شود و نفع بسیار کند و آن لوح را اگر در
باغ ترکیب کند میوه آن بسیار شود و بار درختان او از آفات محفوظ ماند دیگر از حضرت
امیر المؤمنین مرویست که هر که بنویسد این شکل را در میان قماشه نهد ایمن باشد از حرق
و غرق شدن و از دزد و شکل این است ۱۱۱۱ ه ۱۱۱ ح ۱۱۱۱ ه و بعضی گفته‌اند این است
۱۱۱ ۱۱۱۱ ه ک ۱ ۴ ۷ الله العود دیگر نوع دیگر
این حرفها را بنویسد و در کیسه زر نگاه دارد ۷۱ اول وح ۱۱ ۱۱۱ لا ال او دیگر
نوع دیگر این حروفها را نویسد و در میان بقچه یا کیسه نهد زر نگاهدارد هرگز کم نشود این است
ف ح ال د د ل ۱۱ احا دیگر هر که این حروف را نوشته با خود دارد معطل نشود ح ح ح
لملس ح ح دیگر صاحب سفینة النجات در مقال چهارم خود نوشته از مصباح الکفعمی نقل کرده
که سوره حجر را بنویسد و در جیب خود یا در بازوی خود جای دهد معیشت و کسبش و رزقش بسیار شود
و هم چنین سوره القارعه چون بنویسد کسی با خود ببندد اگر رزقش کم شده باشد وسعت بهم رسد
دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که در وقت صبح و شام سوره الم نشرح را بخواند
نیکو باشد دیگر چون سوره مؤمن را در شب بنویسد در دکان خود جای دهد خیر و برکت بهم رسد و چنین
است القارعه چون سوره مبارکه را بنویسد و بشوید و آب آنرا بر آن کردند فقد افاد
بر توراه نقل را و تکرار خواندن سوره والعادیات مرجب ادای قرض میشود صاحب کتاب

آورده که هر کس سوره حج را بزعفران وگلاب کتابت کند ودر آن نوشته او حبیب خود نگاه دارد
کسب او رواج تمام یابد و بازار وی گرم شود و مردم بکار وی نشیند آید و ناوی باشد بدیگری کار
نفرمایند و خود را گشند دیگر ذکر دخول در بازار اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له والله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد وآله دیگر قال علی
من قال حین دخل السوق سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر و
هو علی کل شیء قدیر اعطی من الاجر بعدد ما خلق الله الی یوم القیمة
ذکر نشستن در بازار اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اسالک من فضلک حلالا طیبا واعوذ
بک من ان اظلم او اظلم واعوذ بک من صفقة خاسرة ویمین کاذبة دیگر ذکر فروختن
متاع یا حی یا قیوم یا رؤف یا رحیم اسئلک بعزتک وقدرتک وما احاط به
علمک ان تقسم لی من التجارة اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها عاقبة
فبرکه که مکرر خواهی [illegible] مرتبه بگو اللهم انی اشتریته التمس فیه من رزقک دیگر
چون خواهد متاعی بخرد بگوید الله اکبر الله اکبر اللهم انی اشتریته التمس فیه
من رزقک فاجعل لی فیه رزقا [illegible] از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام

که در وقت خریدن متاع این دعا را بخوانند که ذکرش دیگر در کتاب حرز الامان آمده که هر که
سوره کهف را بنویسد [illegible] در زیر سنگ نهد در سرای [illegible]
ودر دکان با کیسه نهد از فقر و فاقه ایمن گردد و از خلق خلاص شود و بخلق زمانه محتاج نشود دیگر
چون کسی خواهد در کاری که فرو مانده گشایش یابد در حال بخواند این آیات را کارها بمراد شود
ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا قل من ینجیکم
من ظلمات البر والبحر تدعونه تضرعا وخفیة لئن انجینا من هذه لنکونن
من الشاکرین قل الله ینجیکم منها ومن کل کرب ثم انتم تشرکون دیگر
قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص
برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم خاصیتها للتوبة وطلب الرزق فمن یرید
ان یخطب امرأة ویخاف المنع اذا اراد تهیا بطلب الرزق یکتبها فی یوم الخمیس فی ورقة و
هو طاهر ویعلقها علی باب بیته او دکانه او مکان بیعه وشرائه فانه یکثر رزقه واذا کتب
فی ورقة بمسک وزعفران وماء ورد وعلقها [illegible] من یرید یخطبها قال المرء
ومن اراد التوبة فلیکثر قرائتها وقت السحر الی اللیل دیگر هر که معیشت او تنگ شود چون از
خانه بیرون رود هر بامداد بگوید بسم الله علی نفسی واهلی ومالی ودینی اللهم رضنی
بقضائک وبارک لی فی قدرک حتی لا احب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر ما عجلت

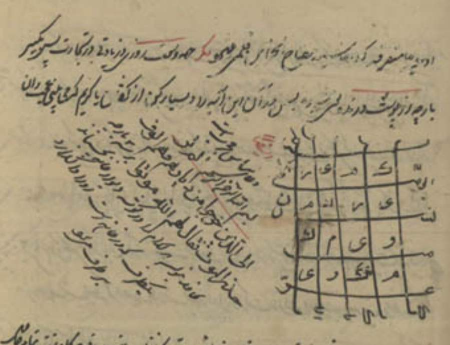
یا اکرم الاکرمین رزق او را خدای تعالی فراخ گرداند خاتمه روایت نمود ابن بابویه
باسناد خود از پیغمبر صلی الله علیه وآله که [illegible] جبرئیل نازل شد بر آن حضرت برای
دعا [illegible] که خوشحال خندان بر ایشان سلام کرد بآن حضرت و آن حضرت جواب سلام داده
پس عرض کرد از جانب خداوند هدیه آورده ام فرمود چه چیز است جبرئیل عرض کرد کلماتیست از گنجهای عرش
که خدای تعالی گرامی داشته ترا بانها [illegible] معلوم کردن ثواب آن اگر جمع شوند
ملائکه هفت آسمان و زمین [illegible] بیان کنند ثواب آنرا تا روز قیامت نتوانند از هزار یک
بیان کنند پس از آن عرض کرد چون بنده بگوید یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح بپوشاند او را خدا
تعالی برحمت خود در دنیا [illegible] در آخرت [illegible] هزار پرده
در دنیا و آخرت و چون بگوید یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible] گناه [illegible]
بگوید یا عظیم العفو بیامرزد حق تعالی گناهان او را و چون بگوید یا حسن التجاوز بگذرد
خدای تعالی از تقصیرات او حتی دزدی و شراب خوردن [illegible] گناهان بزرگ او را و چون بگوید
یا واسع المغفرة یا مفرج کل کربة یا مقبل العثرات بگشاید خدای تعالی
[illegible] رحمت [illegible] برحمت خدا [illegible] وقتی که بیرون رود از دنیا
و چون بگوید یا باسط الیدین بالرحمة [illegible] و چون بگوید یا
صاحب کل نجوی ویا منتهی کل شکوی عطا کند خدای تعالی [illegible] ثواب هر آفت رسیده

وهر بلای آفتی وهر بیماری [illegible] هر صاحب علتی [illegible] هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت
و چون بگوید یا کریم الصفح یا عظیم المن عطا کند الله تعالی روز قیامت چیزها که
خودش آرزو کرده باشد وجمیع خلایق آرزو داشته اند و چون بگوید یا مبتدئا بالنعم قبل
استحقاقها عطا کند الله تعالی [illegible] روز قیامت چیزها که خودش آرزو کند وجمیع خلایق
آرزو داشته اند و چون بگوید یا ربنا یا سیدنا فرماید خدای تعالی که شاهد شوید ای ملائکه
که بدرستی که من امرزیدم و عطا کردم باو از جمله ثواب هر چیزی که خلق کرده ام در بهشت و دوزخ
و هفت آسمان و هفت زمین و آفتاب و ماه و جمیع ستارگان و قطرات باران و انواع خلق
کوهها و سنگها و ریگها و عرش و کرسی و چون بگوید یا مولانا پر کند الله تعالی دل او را از ایمان
و چون بگوید یا غایة رغبتنا عطا کند الله تعالی باو در روز قیامت آنچه را که مرغوب [illegible]
و چون بگوید اسئلک یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار فرماید الله تعالی که آزاد [illegible] از آتش
بنده من گواه شوید ای ملائکه من بتحقیق که آزاد کردم او را و پدر او و مادر او و برادران و خواهران
و خویشان و فرزندان و همسایگان او را و شفیع کردم او را با هزار مرد از جمعی که واجب
شده آتش بر ایشان و نجات دادم او را از آتش جهنم پس تعلیم کن یا محمد این کلمات را به
پرهیزکاران و تعلیم مکن بمنافقان [illegible] مستجاب [illegible]
بخوانند [illegible] وقتی که طواف میکنند بر دور آن ملائکه خاتمه در سبب رجعت [illegible]
میگردد بوقت [illegible] روز [illegible] شب [illegible] وقتی که غایب شده باشد نصف آفتاب [illegible]

جمعه و ماه مبارک رمضان و شبهای قدر تا که شان [illegible] بیشتر است و روزهای ایام تشریق
و شب عرفه و شب مبعث و شب غدیر و شب عید فطر و شب عید اضحی و روزهای آنها و
شبهای احیا که آن چهار شب است شب اول رجب و شب نصف رجب و شب عید رمضان
و شب عید اضحی و روز مولود که هفدهم ربیع الاول است و روز نصف رجب و چهار ماه حرام ذی القعده
و ذی حجه و محرم و رجب است و نزد زوال آفتاب هر روز و نزد وزیدن بادها و نزول باران
و نزد طلوع فجر تا طلوع آفتاب و وقت قرائت سوره حمد ده بار تا طلوع آفتاب در روز
جمعه و نزد قرائت قدر پانزده مرتبه در ثلث آخر شب جمعه و نزد اذان و قرائت قرآن
و کعبه است بر میگردد و بفضیلت مکان مانند مسجد الحرام و کعبه و عرفات و مزدلفه و حائر حضرت
امام حسین علیه السلام و جاها است که بر میگردد بفعل مانند عقب نماز یا در سجود و بعد از مغرب و جنازه
برای استقبال کننده خود و سایر برای عطا کننده و [illegible] برای عبادت کننده

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً
و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیماً
کتبه [illegible] تمام شد کتاب مفتاح
المحرر [illegible]
[illegible] ۱۲۷

ادعیه [illegible] کرد [illegible] از بیماری [illegible] دیگر جهت وسعت روزی و زیادتی در تجارت یک پیکسیر
بار چه [illegible] بر [illegible] این آیه را و بسیار کن از گفتن یا کریم [illegible]



دیگر از جهت وفور روزی بایست روز هر روز پانصد مرتبه بخوانند و بر خود دمند فرج گشاده و تمام گردد
بود یا الله لا اله الا هو البدیع حلاله هرگاه در خواندن وقف نماید بهتر است جهت حضار [illegible]
و بعد از هر کس که [illegible] حاضر گردد طیتوش مرتوش ادیوش جیتوش جیتوش
سلوش دیگر هر کس که خواهد [illegible] پناه را در خواب ببیند این اسما را نوشته در زیر سر گذارد در
خواب ببیند [illegible] بحصلی ملیح جمه هیح ایضاً هرگاه کسی [illegible] یا کسی [illegible] استغفر
[illegible] خدا یاد فرج و ظفر باید [illegible] در مجلس [illegible]
روایت صحیح است و مجرب [illegible] در نهج البلاغه است دیگر هرگاه کسی بعد از اول
ماه مبارک رمضان در کف [illegible] و اول یک کف گلاب را [illegible] و کف دیگر را [illegible]
تا سال آینده ناخوشی نبیند دیگر هرگاه کسی را در امورات مشکل [illegible] این آیه را مداومت نماید خداوند
با وفرج کرامت فرماید الله کنا عدة فی کل شدة حسبنا الله و الکبیر الله بکاف عبده

دیگر در کتاب مفتاح نوشته جهت رفع فقر [illegible] از نماز صبح [illegible] صد مرتبه این دعا را بخواند
یک هر روز که خداوند او را غنی گرداند اللهم و انفعنی من ذل الفقر الی عز الغناء
دیگر هرگاه کسی در امور دنیا شدت گرفتار باشد اول غسل [illegible] بجز آن [illegible]
این دعا را یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز حقک لقد شق علی کذا و کذا
[illegible] آن [illegible] را بر زبان آورد حاجت برآمده است دیگر از شیخ احمد [illegible] روایت است که حاجت
[illegible] شب جمعه که نصف از شب [illegible] دو رکعت نماز [illegible] و در عقبه سجده [illegible]
بگوید الیس الله بکاف عبده [illegible] عبارت وقف نماید بهفته چهارم رسیده حاجتش
بر آمده مستجاب است [illegible] مستجاب کرده دیگر [illegible] شنیدم که ختم
صلوات [illegible] شب جمعه [illegible] مجرب است که در یک مجلس [illegible] هزار صلوات
بخوانند [illegible] باید [illegible] ده هزار بار صلوات [illegible]
برمع پاک مطهر دوازده امام [illegible] نگاه دارد بعد از رواشدن حاجت در یک مجلس هزار
صلوات باقی را بخوانند [illegible] نماید [illegible] آنچه [illegible] روا شود دیگر هر کس [illegible]
آلم تر کیف [illegible] مرتبه خاک قبر بخوانند [illegible] باشد [illegible] دیگر
ختم صلوات را در نسخه دیدم که روز جمعه بعد از غسل [illegible] در رکعت نماز حاجت بگذارد
به یازده هزار بار صلوات [illegible] هزار دیگر را نگاه دارد بعد از رواشدن حاجت [illegible]
دیگر هر که در اول شب ماه مبارک رمضان [illegible] یک کف آب [illegible] بریزد حضرت [illegible]

فرمود تا سال آینده [illegible] ماه مبارک [illegible] و در [illegible] نباشد [illegible] مجرب
[illegible] این [illegible] در [illegible] گلاب استعمال نماید دیگر جهت حاجت [illegible]
بر کاغذ نویسد این آیه شریفه را در آب [illegible] بینداز و [illegible] ان شاء الله حاجت برآمده است [illegible]
بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله الملک الحق المبین من
عبد ذلیل الی المولی الجلیل رب مسنی الضر و انت ارحم الراحمین دیگر هر کس
بقصد [illegible] هر روز صد بار [illegible] خداوند او را غنی گرداند و [illegible]
که غنی شود صد دفعه اول بسم الله الرحمن الرحیم بقصد [illegible] ان شاء الله [illegible] مجرب [illegible]
یا ذا المعروف یا قدیم الاحسان احسانک القدیم بحقک یا ارحم الراحمین
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست [illegible] یک بار بخوانند هرگاه شب
بخوانند [illegible] حاجت [illegible] روز [illegible] هرگاه روز بخوانند شب حاجت [illegible]
از قرآن چنین [illegible] که [illegible] حاجت [illegible] طلب [illegible] هر دفعه
بسم الله بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله
بقلب سلیم و ازلفت الجنة للمتقین غیر بعید دیگر از [illegible] شنیدم در یک
مجلس هزار بار بخوانند لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم خداوند [illegible]
[illegible] هرگاه [illegible] بعد از نماز صبح [illegible] بخوانند از دنیا [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک ان [illegible] لا [illegible]

ودعوتي حتى أدى إليه وهو مولاي محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله
وسلامه عليهم أجمعين ايضاً هر کس این دعا را در شب جمعه بخواند بسیار ثواب عظیم دارد بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله من أول الدنيا إلى فنائها ومن الآخرة إلى بقائها الحمد لله
على كل نعمة وأستغفر الله من كل ذنب وأتوب إليه برحمتك يا أرحم الراحمين
در هر شب جمعه یکدفعه بخواند مستفیض می شود دیگر جهت درد سر بر کاغذ نوشته این آیه بر سر بندد
درد ساکن شود مجرب است وكلبهم باسط ذراعيه بالوصيد لو اطلعت
عليهم لوليت منهم فرارا ولملئت منهم رعبا دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه
حدیث است این آیه شریفه را از سوره نساء جهت دفع دشمن روز یکشنبه روزه دارد این آیه را
بر قطعه ادیم نویسد و با خود دارد بر خصم غلبه کند و دلیل و حجت خصم باطل شود و اگر کسی بجهت
بستن این آیه را بگلاب و زعفران نویسد و آن را در زیر دستار نهد در برابر پادشاه گشاده
گردد در بعضی کتب الفقه اند که اگر اثر نشود باید در کتب بخواند يا أيها الناس قد جاءكم برهان
من ربكم وأنزلنا إليكم نورا [illegible] إلى قوله صراطا مستقيما دیگر این آیه شریفه را از
سوره انعام نقش کند بر لوح از آهن و با خود دارد در غیبیات براو منکشف گردد و بر اسرار [illegible]
مطلع شود و علوم دقیقه بر او آسان گردد و اگر آن را در باطیه نویسد و به آب باران بشوید و آن
آب را بر اخرس ریزد و یا بر کودکی که سخن نمی گویند ریزد زبان او گشاده گردد و این آیه اینست
وإذ قال إبراهيم لأبيه آزر أتتخذ أصناما آلهة إني أراك وقومك [illegible] دیگر

از برای حاجت مشروعه اول غسل کند و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد از سلام سه تکبیر گوید
و بعد تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام گوید و بعد از آن بسجده رفته بگوید یا مولاتی یا فاطمة أغيثيني
و بعد سر از سجده برداشته روی راست بسجود گذاشته همین دعا را صد مرتبه بگوید و بعد روی
چپ را بسجده گذاشته صد بار همین دعا را بگوید و بعد از آن پیشانی را بسجده گذارد و [illegible] بار
همین دعا را بخواند که مجموع چهارصد و ده بار می شود بعد از آن هر حاجت که دارد از خدا بخواهد روا شود
بر آورده شود بعون الله تعالی اگر کاتب ادعیه عاصی مشغول ذمه می شود [illegible] في جوار الله
[illegible] في أمان الله ايضاً این آیه شریفه را اگر کسی تب داشته باشد هفت مرتبه بخوانند
بر ریسمان پنبه و هر بار که می خوانند گره زنند و بگوید بستم تب فلان بن فلان را باسم [illegible]
بگوید گره می زنم هو الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو
العزيز الحكيم و این ریسمان را بر پایش ببندد و بر [illegible] دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه
روایت است هر کرا مشکلی پیش آید این علامت را بر کف دست چپ نویسد و بخواب رود در خواب
کار او را گویند که چه کند الف س هب هب سو هب هب نثی هب هب
هر گاه مال کسی را دزد برد این سه حروف را بر کاغذی نوشته زیر سر خود بگذارد تا صبح
نشده شکل دزد را در خواب ببیند لهوم شروم شموم دیگر ختم دعای
یا خفی اللطف [illegible] بدو نحو از اهم دعا ماثور است اول اینکه روز یکشنبه شروع
نماید سیزده روز بدین طریق که روز اول هزار مرتبه بخواند روز دویم سه هزار مرتبه بخواند روز سیم پنج بار

روز چهارم [illegible] بار روز پنجم [illegible] روز [illegible]
نهم [illegible] روز دهم نوزده بار و روز یازدهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
و هر روز پیش از شروع بدعا باید اول ده بار صلوات بفرستد و چهار بار یا الله به یک
نفس بگوید پس سر بسجده گذارد و بیست و یکبار یا ذا الجلال والاكرام به یک نفس بگوید و طلب حاجت
نماید سر از سجده بردارد و صد مرتبه بگوید ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم
و هزار مرتبه بگوید یا خیر الفاتحین ايضاً نوع دیگر همین ختم در شب یکشنبه اول ماه [illegible]
نماید پیش از طلوع آفتاب و بطریقی مذکور است که ذکر شود و در اینجا باید هر شب ده مرتبه بخواند تا
ده شب و از کذب و لهو و سایر معاصی باید احتراز نمود در ایام ختم هر گاه خللی بهم رسد باز از سر گیرد
مثل اوقات اولی که شب یکشنبه اول ماه باشد هر گاه بهر مطلبی سه دفعه شروع کند [illegible]
نیابد اعراض نماید که دیگر در آن کار خیر نیست و در این ختم صد مرتبه آیه ذلك فضل الله [illegible]
و هزار مرتبه یا خیر الفاتحین گفتن در کار خیر است چنانچه در میان ختم عذری شد باید از سر گیرد [illegible]
و اگر ماه دیگر نمی شود باید صبر کند ماه آینده که شب یکشنبه اول ماه باشد شروع نماید دیگر و هر قضیه مشکلی
که بر کسی واقع شود هزار بار سوره الحمد بگوید از مجربات است خصوص بعد از نماز مغرب دیگر
جهت حصول مطلب شرعی که صعب [illegible] باشد این دعا را بخوانند مطلب [illegible]

يا من لا يخفى في السموات العلى إلى منتهى ذا التخوم الأرضين السفلى غياث
لا يخفى عليه شيء [illegible] يا الله فرج ما بنا واكشف [illegible]
الكرب [illegible] دیگر [illegible] در کتب [illegible] نقل کرده اند که گفت
[illegible] امام زین العابدین [illegible] در مسجد [illegible]
چون گوش دادم این دعا بود الهي عبيدك بفنائك مسكينك بفنائك فقيرك
بفنائك سائلك بفنائك [illegible] رحمتك بعد از آن هر که [illegible]
نماز کردم و سر بسجده نهادم و این کلمات گفتم [illegible]
[illegible] چشم [illegible]
وارد هر که این کلمات را از روی اخلاص بگوید [illegible] مستفیض شود از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر گاه زن را حمل باشد و چهار ماه بر او بگذرد [illegible] آیة الکرسی را
بخوانند و دست بر پهلوی او بزنند و بگویند اللهم إني قد سميته محمدا [illegible]
جنین هذا الفرزند را پسر گرداند و اگر او را محمد نام نکند [illegible]
حدیث معتبر وارد شده است که هر که زنی او حمل داشته باشد و عزم کند که او را محمد و یا علی نام
کند او پسر شود و در حدیث دیگر آن است که [illegible] نام کن که عمرش دراز شود دیگر هر گاه
در وقتی در مانده [illegible] یا علی یا علی مراد دریاب که فرد
مانده ام در این گرداب [illegible] یا علی مراد دریاب ايضاً

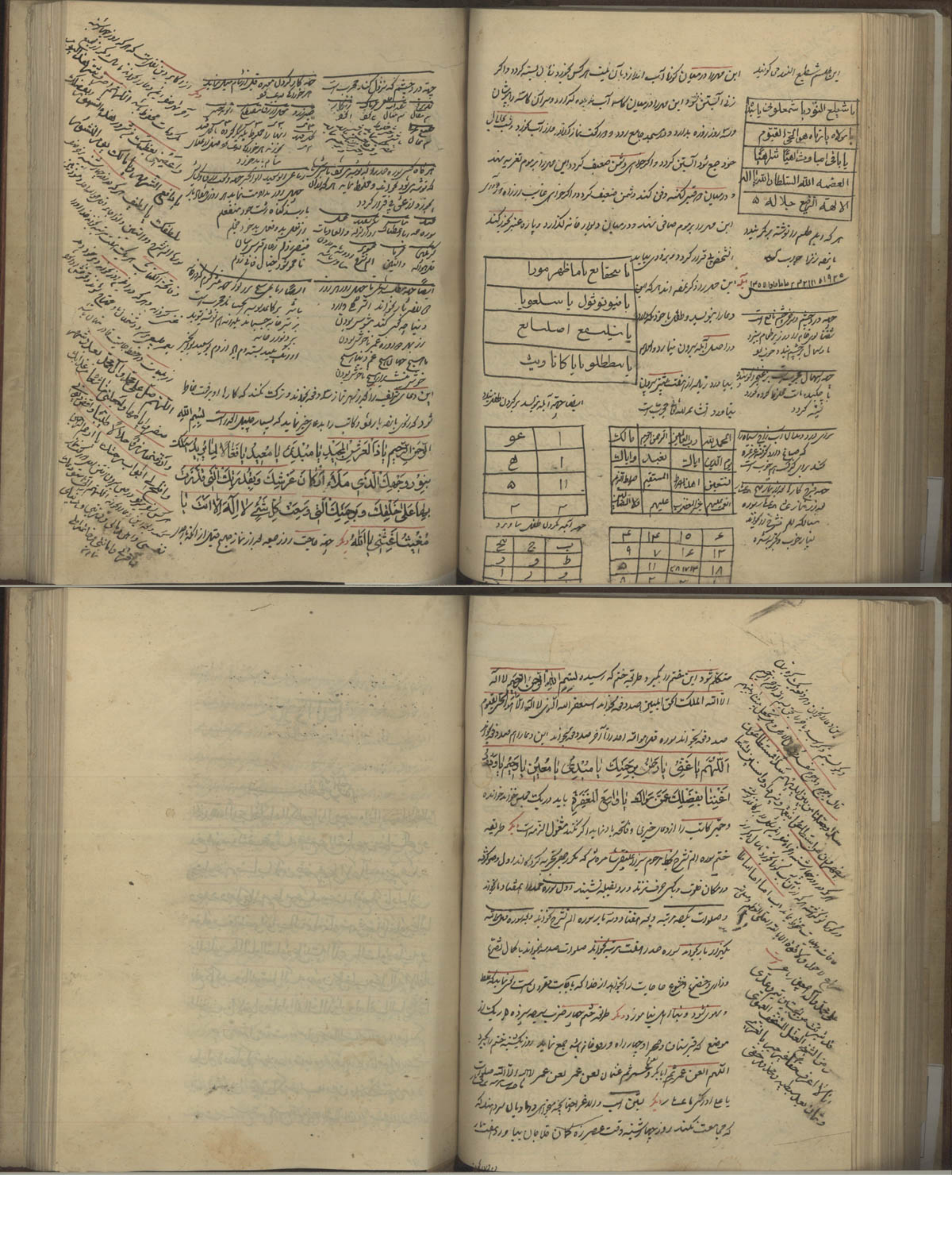
[illegible]

از حضرت صادق ام مرویست که هر گاه کسی را مطلب شرعی باشد یا امور دنیا داوقت یا معیشت بروتنگ شده باشد بسر یا دو بنویسد این کو آخر را در یک خط در یا زمه سفید بپیچد لرزو دراب روان در وقت طلوع آفتاب حاجت او برآید بعون الله بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و القائم سیدنا و مولانا صلوات الله علیهم اجمعین ربّ انی مسّنی الضر و الخوف فاکشف ضرّی و امن خوفی بحق محمد و آله و اسئلک بکل نبی و وصی و صدیق و شهید ان تصلی علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا ساداتی بالشأن الذی لکم عند الله فان لکم عند الله لشأن من الشأن فقد مسّنی الضر یا ساداتی و الله ارحم الراحمین هر روز این اسم خود را و اسم پدر خود را در همان سطر بنویسد در آب اندازد و کاغذ را دو ... سفید باید که اغ ذ سفید باشد تا واضح باشد دیگر روایت است از حضرت رسالتماب صلی الله که در غزوه خیبر جبرئیل نازل شد و نام آنرا آورد و تعلیم کرد فرمود که هر کس به یاد خواندن امیر المؤمنین حاضر میگردد و گفت خبر بدست او خواهد بود و هنوز سه مرتبه خوانده بود که حضرت قائم شد و بعد از آن فتح خیبر نمود و هر گاه کسی را مهمی پیش آید هفت مرتبه بنیت آن مهم بخواند البته برآید و اگر نزد بزرگی یا امیری میرود سه مرتبه بخواند بجمیع اعضا خود بدمد و بعد

و عیش او کرد و اگر برای فرزند بخوانند خدا او را فرزندی کرامت فرماید و اگر خواهی کسی را مسخر خود کردانی شب چهار شنبه بخوانند و صد بار صلوات فرستد در همان ساعت او کردد و هر چه بگوید از گفته او بیرون نرود و هر مال دنیا میخواهد بعد از نماز صبح نه مرتبه بخواند و غنی گردد و الی ... و جهت ادای قرض ... هر روز بیست و دو بار بخوانند در همان ماه ادای دین کند و اگر زنی شوهر ... مرتبه بخواند ... و بخورد ... دهد در حال بار نهد و اگر کسی ... از شر ... و ... دیوانه و سایر ... و جمیع بلاها در امان باشد ...
بسم الله الرحمن الرحیم نادعلیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب لی الی الله حاجتی و علیه معولی کلما ارمی فذلک الله ذاک الهی و لکل هم و غم سینجلی بعظمتک یا الله بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی یا علی یا علی ادرکنی بلطفک الخفی انی انا من شر اعدائک ... الله صمدی من عندک ... و علیک معتمدی ... ایاک نعبد و ایاک نستعین یا ابا الغیث اغثنی یا قهار تقهرک بالقهر و القهر فی قهر قهرک یا قهار یا غیاث المستغیثین اغثنی یا راحم المساکین ارحمنی یا علی ادرکنی یا علی ادرکنی دیگر طریقه ختم صلوات یوم پنجشنبه ابتدا نماید روزی هزار مرتبه صلوات فرستد و هزار را هدیه نماید روح ... تا یازدهم اگر حاجت ... روز ... الله هم را هزار مرتبه را روح مبارک حضرت قائم م هدیه نماید ... روز ...

صلوات فرستد و یکصد بار ... و گر ... حاجت ... مرتبه ... و هدیه نماید بحضرت قائم ع هر کس هر روز صبح این دعا را بخواند ... و ... تا آخر سعی نماید ... که ... زیاد دارد ... بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله بسم الله ما شاء الله ما یکون من نعمة فمن الله بسم الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله ما شاء الله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین دیگر ... چهار ضرب بر دو قسم است اول آنکه روز جمعه ... اول ... بطرف ... شصت و شش مرتبه بگوید لعن الله عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر لعن الله عمر اول ... دو رکعت نماز حاجت میگذارد دیگر نوع دیگر ... دو رکعت نماز ... و ... سوره ... جمع ... برابر ... این لعن را ... که بیشتر ... دفعه اللهم العن اول ظالم ظلم ... اللهم العنهم جمیعا لعن را ... این قسم ... بخوانند اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر اللهم العن عمر ثم عمر ثم عمر دیگر ... قسم دیگر رسیده است ... روز شنبه یا چهارشنبه ... دو رکعت نماز حاجت میگذارد و در کنار آب روان گودالی بکند ... و هر یک را یکدفعه لعن را بخوانند و در گودال ریزد و لعن اینست اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر ثم عمر ثم عمر دیگر نوع دیگر ... دو رکعت نماز حاجت

با آورد سیصد و شصت شش دانه ... جمع ... دانه یکبار این لعن را بخواند و در آتش اندازد ... دیگر جهت ... نماز صبح ... این ... دیگر ... تجربه ... نفع عظیم دارد ... در شب ... دیگر این مهر را در عرق ... اندازد و در وقت صبح ... خود زند البته کار او ... این مهر را از طلا و یا نقره نقش کنند و با خود دارد از بلیات محفوظ ماند و بر دشمنان ظفر یابد و در چشم خلایق عزیز و مکرم گردد و اگر خواهد خلق مطیع او گردند ... آخر رمضان ... خلایق مطیع او گردند و اگر مردی را باز ... بسته باشند این مهر را ... در کرمابه ... ده کرده و اگر کسی ... روزه ... بدارد و در مسجد جامع ... دو رکعت نماز ... در هر رکعتی ... سوره ... و ... بخوانند و مهر را ... و بگوید ... این مهر ... حاجتش روا گردد ... این مهر را بر موم ... در میان ... ریزد ... آن طعام هر کس بخورد عاشق وی شود و اگر خواهی زبان دشمنان بسته گردد این مهر را



ما سحقايع ما ماظهر مودا
يا مينوتونول يا سلعويا
يا شليسع اصلسائع
يا سطلو يا يا كانا ويث

منتکلم شود این ختم را بگیرد طریقه ختم که رسیده بسم الله الرحمن الرحیم لا اله
الا الله الملک الحق المبین صد دفعه بخواند استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
صد دفعه بخواند سوره قل هو الله احد را آخر صد دفعه بخواند این دعا را هم صد دفعه بخواند
اللهم [illegible]
اغننا بفضلک عمن سواک یا واسع المغفرة

بهم چه نسبت خاک را با عالم پاک

ملاذ الدعا

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اذا جاءه المکظوم ازال وجومه واذا استغاثه المظلوم
دفع همومه وکشف غمومه یقشع عن الابصار غین سحاب المحن و
یجلو عنهم ضباب الاحن بقهرهم علی الاعداء من غیر عدد
وعدد ویعلی کلمتهم علی من عند وعتا فیفتح لمن ناداه انی
مغلوب فانتصر ابواب السماء بماء منهمر فیجعل المغلوب غالبا
والمطلوب طالبا والصلوة علی نبیه الذی بالصلوة علیه یرتفع
کل کرب وبالتوسل الیه یهون کل خطب وعلی آله الامجاد
المنتجبین الاخیار ما دار الفلک الدوار وتعاقب اللیل والنهار
چون حصول حاجات و وصول بسعادات بمؤدای ما یعبأ بکم
ربی لولا دعاؤکم منوط بدعا و التجاه و ضراعه بدرگاه قاضی الحاجات
بمفاد ادعونی استجب لکم مطالب دارین و مآرب نشأتین مربوط
بدعوات است و هیچ نفسی از هیچ نفسی از حوادث زمان و نوائب دوران مأمون

ازمکاید

وازمکاید دشمنان و حوادث معاندان مصون نیست و استغفار از شر اشرار و ستمکاران
و از مخاوف و اخطار جز بتوسل بجناب او و بذروه و تمسک بعروه کار علوفیست بد
امن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء لهذا بنده عاصی لطف علی بن احمد
تبریزی سلمه الله ده دعا وچهل و پنج مکاره ده دعا از کتب معتبره علمای اعلام از ادعیه
و مناجات و اذکار و استغاثات ماثوره از ائمه هدی علیهم افضل الصلوة واکمل التحیات
و منقوله از مشایخ و علماء راسخین رضوان الله علیهم اجمعین آنچه بسند معتبر
معتبر آمد جمع نمود و موسوم نمود آنرا بملاذ الدعا ودعا را ده قسمی مرتب نمود از اینرو باب
اول برای دفع بلیات و رفع درجات و محو سیئات دویم برای طلب حوائج
و مهمات سیم برای دفع هموم و احزان چهارم برای ترقی ارتقیات پنجم
برای امن از مخاوف و احتراز از شر اعادی دین ششم برای نجات از
تبعات هفتم برای انتقام از اعادی دین و دولت هشتم برای رفع علل و اسقام نهم
برای وسعت رزق و ادای قرض دهم در فواید متفرقه و مهمات مختلفه والله
الموفق للصواب والیه المرجع والمآب باب اول برای حصول سعادات و رفع درجات
و محو سیئات اول بکلینی بسند معتبر از حضرت باقر ع روایت کرده است که هرکه بعد از
نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند سه بار این دعا را بگوید گناهان او آمرزیده
شود اگرچه مانند کف دریا باشد در بسیاری استغفر الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه و در روایت

وارد شده که هرکه این استغفار را هر روز بگوید حق تعالی چهل کبیره او را بیامرزد
دویم حضرت امیر المؤمنین ع فرموده چهار چیز که حق تعالی بجهة شنیدن نعم خلایق
بایشان عطا کرده است حضرت رسول ص و بهشت و دوزخ و حور العین پس هرگاه
فارغ شود بنده از نماز خود باید بحضرت رسول صلوات فرستد و سؤال کند از خدا
بهشت را و پناه برد بخدا از جهنم و سؤال کند از او که تزویج کند او را بحور العین زیرا که هرکه
صلوات فرستد بر آن حضرت که دعای او مستجاب شود و هرکه بهشت را سؤال کند
از خدا بهشت میگوید پروردگارا عطا کن بنده خود آنچه سؤال کرده است و هرکه
امان خواهد از خدا از جهنم دوزخ میگوید پروردگارا بنده خود را امان ده از آنچه امان
طلبیده از آن و هرکه از حور العین سؤال کند حوریان گویند پروردگارا عطا کن
بنده خود آنچه طلبیده و عبارت این سؤال در روایات باین نهج است اللهم
صل علی محمد وآل محمد واجرنی من النار وادخلنی الجنة وزوجنی
من الحور العین و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
قریب بروایت سابقه روایت شده و در آخرش مذکور است که چون بنده از نماز
خود برخیزد و از خدا بهشت و حور العین و خلاصی از جهنم را سؤال نکند حوریان گویند
این بنده ما را نمی خواهد و بهشت گوید این بنده بمن رغبت ندارد و جهنم گوید که
این بنده ما را نمی شناسد و شدت عذاب مرا نمیداند فرموده که هر بنده
که صلوات و سلام بر حضرت رسول فرستد البته بآن حضرت میرسد و می شنود و

لبند

بسند معتبر صحیح از حضرت صادق ع منقولست که فراموش مکنید دو چیز را که بر شما واجب
شده است اول آنچه سؤال کنید بهشت را دویم آنکه سؤال کنید خلاصی از جهنم را بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که اگر یکی از حوریان بهشتی بر اهل دنیا مشرف
گردد و یک گیسوی خود را بایشان بنماید اهل دنیا عاشق و مفتون او گردند
و چون کسی از نماز فارغ شود و حور العین را از خدا نطلبد ایشان میگویند که چه
بی رغبت است این بنده بما و تفسیر امام ع مذکور است که حضرت رسول ص گفت در
معراج قصرهای بهشت را بمن نمودند که از خشت طلا و نقره ساخته اند بجای گل مشک
و عنبر بکار برده اند ولکن بعضی کنگره‌های رفیع داشت و بعضی نداشت چون از جبرئیل
سؤال کردم از سبب آن گفت این قصرهای که کنگره ندارد قصر جماعتی است که بعد از
نماز بر تو و بر آل تو صلوات نمی فرستند تا تمام باشد که اینها قصرهای جماعتی است
که صلوات نفرستاده اند سیم بسند معتبر از حضرت صادق ع مرویست که چون
حق تعالی امر کرد که این آیات را بزمین آورند چسبیدند بعرش الهی و عرض
کردند پروردگارا ما را بسوی اهل خطا و گناهان می فرستی پس حق تعالی وحی کرد بسوی
ایشان که بروید بسوی زمین بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که تلاوت نکند
شما را احدی از آل محمد و شیعیان ایشان در عقب نماز فریضه مگر آنکه نظر رحمت
کنم بسوی او و از رحمتهای پنهان خود هر روزی هفتاد نظر و در هر نظری هفتاد
حاجت او را برآورم و قبول کنم هرچند معصیت بسیار کرده باشد و در روایت

دیگر هر که این آیات را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حظیرهٔ قدس با هر گناهی
که کرده باشد و اگر نظر کنم بسوی او بنظر رحمت خود در هر روز هفتاد نظر کردن و اگر
نکنم حاجت او را برآورم که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد و اگر کنم پناه
دهم او را از هر دشمن و مانع نشود او را از داخل شدن بهشت بغیر از مرگ و
آن آیات سورهٔ فاتحه تا آخر آیه و آیة الکرسی تا وهو العلی العظیم و اگر با هم نخوانند و متفرق
بخوانند بهتر است و آیهٔ شهادت یعنی شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین
عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من
بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب و آیهٔ الملک یعنی قل اللهم مالک الملک
تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج
اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت
وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب در [illegible]
علامه مجلسی ره علیه الرحمه روایت از [illegible] بن جعفر ع که رسول خدا صلی الله علیه
واله وسلم که فرمود یا علی بر تو باد بتلاوت آیة الکرسی در عقب هر نماز واجبی
بدرستی که مواظبت نمیکند بر آن مگر پیغمبر یا صدیقی یا شهیدی و از حضرت

رسالت پناه صلی الله علیه واله منقول است که هر که آیة الکرسی را بخواند بعد
نباشد او را از داخل شدن بهشت بغیر از مرگ و بروایت دیگر هر که آیة
الکرسی را بخواند بعد از هر نماز فریضه نمازش مقبول است و در امان خدا باشد و خدا
او را از بلاها نگاهبان و محافظت کند ۱۵ م کلینی و ابن بابویه و دیگران روایت
کرده اند بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع که شیبه هذلی بخدمت حضرت رسول
خدا صلی الله علیه واله آمد و عرض کرد یا رسول الله من پیر شده ام و قوتم وفا نمیکند باعمالی که
خود را معتاد داده باشم و پیش از این خود را عادت داده بودم از نماز و روزه
و حج و جهاد مرا تعلیم کن کلامی که خدا مرا بآن نفع بخشد و بر من سبک و آسان باشد
حضرت فرمود که بار دیگر بگو او سه بار این سخن را اعاده کرد پس حضرت فرمود
که نماند هیچ کلوخی و درختی که اینکه گریست برای تو برای رحم بر تو هر گاه از نماز صبح
فارغ شوی ده بار بگو سبحان الله العظیم وبحمده لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم تا خداوند عافیت بخشد ببرکت این دعا از کوری و
دیوانگی و خوره و پیسی و برص و غرق شدن شیبه گفت یا رسول الله این برای
دنیای من است از برای آخرتم چیزی تعلیم فرما فرمود که بگو بعد از نماز فریضه
اللهم اهدنی من عندک وافض علی من فضلک وانشر علی
من رحمتک وانزل علی من برکاتک پس حضرت فرمود هر که بر این
دعا مواظبت نماید و عمداً ترک نکند تا وقت مردن چون بصحرای محشر در آید

در آید هشت در بهشت برای او گشوده گردد از هر دری که خواهد داخل
شود و دعای اخیر بسند معتبر وارد شده و بسند معتبر از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت که هر که بعد از نماز فریضه سی بار سبحان الله بگوید بر بدنش
گناهی نباشد مگر آنکه بریزد و در حدیث صحیح دیگر وارد شده از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم که ذکر بسیار که خدای تعالی مدح کرده است
در قرآن مجید اینست که سی مرتبه سبحان الله بعد از هر نماز بگوید شیخ طوسی
علیه الرحمه و برقی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که
بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را حرکت دهد ده دفعه
این آیه را بخواند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا خدای تعالی
چهل و پنج هزار گناه او را محو کند و چهل و پنج هزار حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسد
و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده است و فرمود که من صد مرتبه میخوانم
و شما را ده دفعه کافی است و علامه مجلسی رحمه الله در مقباس ذکر کرده که
فضیلت این دعا در تعقیب بسیار وارد شده است خصوصاً در عقب نماز
فریضهٔ صبح که ثواب بسیار وارد شده و هنگام طلوع و غروب آفتاب پنجم در
جنة الامان از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت شده است که هر که
خواهد او را در قیامت باعمال بد او مطلع نگردانند و دیوان گناهان او را نگشاید

که بعد از نماز این دعا را بخواند اللهم ان مغفرتک ارجی من عملی وان
رحمتک اوسع من ذنبی اللهم ان کان ذنبی عندک عظیما
فعفوک اعظم من ذنبی اللهم ان لم اکن اهلا ان ترحمنی فرحمتک
اهل ان تبلغنی وتسعنی لانها وسعت کل شیء برحمتک یا ارحم
الراحمین   ابن طاوس از حضرت صادق ع روایت کرده است که روزی
نزد پدر خود امام محمد باقر ع رفتم آنحضرت تصدق میفرمودند بر فقیران اهل مدینه
هشتاد هزار دینار طلا بایشان عطا کردند و یازده بنده آزاد کردند من از دور
تصدقات ایشان متحیر بودم پس نظر کردند بسوی من و فرمودند که آیا متحیری از این دولت
کثیر با مری که هر گاه از آنجا آوری هر چند هزار بنده در هر روز این کار کنی عرض کردم
که آنچه کیست که فرمودند که بعد از هر نماز بخوان این دعا را اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویحیی بیده
الخیر انک علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان ذی
الملک والملکوت سبحان ذی العزة والجبروت سبحان ذی الکبریاء والعظمة
سبحان الملک الحی الذی لا یموت سبحان ربی الاعلی سبحان ربی العظیم سبحان الله و
بحمده کلما ذکرها قلبی یا رب وعدد خلقک وملاء عرشک ورضا نفسک
ومبلغ مشیتک وعدد ما احصی کتابک ومثل ذلک اضعافا لا تحصی
وعدد خلقک وملائکتک وذریتک ومثل ذلک اضعافا وملاء بریتک ذریة

وذنته بربيتك ومثل ذلك اضعافا لا تحصى وعدد ما تعلم وزنة
ما تعلم وملاء ما تعلم ومثل ذلك اضعافا لا تحصى ومن التمجيد
والتعظيم والتقديس والثناء والشكر والحمد والمدح والصلوة
على النبي واهل بيته صلى الله عليه وعليهم مثل ذلك واضعاف
ذلك وعدد ما خلقت وذرئت وبرئت وعدد ما انت خالقه
من شيء وملاء ذلك كله وعدد واضعاف ذلك كله اضعافا
لو خلقتهم فنطقوا بذلك منذ قط الى الابد لا انقطاع لم يقولوا
كذلك لا يتمون ولا يفترون تا شرع من الحظ النصيب وكما ينبغي
لك وكما انت له اهل واضعاف ما ذكرت ومثل جميع ذلك
كل قليل يا الهي تباركت وتقدست وتعاليت علوا كبيرا
يا ذا الجلال والاكرام اسئلك على اثر هذا الدعاء باسمائك
الحسنى وامثالك العليا وكلماتك التامات ان تعافيني
في الدنيا والآخرة ثم بسند صحيح در قرب الاسناد وغير آن از
كتب معتبره روايت كرده اند بزنطي بحضرت امام رضا عرض كرد كه ما
دانستيم صلوات بر حضرت رسالت صلى الله عليه وآله را بعد از هر نماز
پس بفرمائيد كه سلام بر آن حضرت را چگونه بايد كرد حضرت فرمود بگو
السلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته السلام

عليك

السلام عليك يا محمد بن عبد الله السلام عليك يا خيرة الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا
امين الله اشهد انك رسول الله اشهد انك محمد بن عبد الله
واشهد انك قد نصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك
وعبدته حتى اتاك اليقين فجزاك الله يا رسول الله افضل ما جزى
نبيا عن امته اللهم صل على محمد وآل محمد افضل ما صليت على ابراهيم
وآل ابراهيم انك حميد مجيد ابن بابويه (ره) و شيخ طوسی (ره) وعلا
مه وغير ايشان رضوان الله عليهم بسندهای معتبر از حضرت امير المؤمنين عليه السلام
روايت كرده اند كه هر كه خواهد بيرون رود از دنيا و حال آنكه پاك شده باشد
از گناهان چنانچه پاك می شود زر از غش طلا و ازو احدی بازخواست مظلمه ننمايد در
قيامت پس بگويد بعد از نماز پنجگانه نسبت پروردگار را يعنی سوره قل هو الله احد را
دوازده مرتبه پس دستها را بسوی آسمان بگشايد و اين دعا را بخواند پس حضرت
فرمود كه اين از رازهای مكنون است كه تعليم كرد مرا رسول خدا و امر كرد مرا
كه تعليم نمايم حسن و حسين عليهما السلام و دعا اين است اللهم انی اسئلك باسمك المكنون
المخزون الطهر الطاهر المبارك واسئلك باسمك العظيم وسلطانك القديم يا
واهب العطايا يا مطلق الاسارى يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد
وآل محمد وفك رقبتی من النار واخرجنی من الدنيا امنا وادخلنی الجنة سالما

واجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا انك انت علام
الغيوب و در بعضی از نسخ معتبره دعا چنين است يا فكاك الرقاب من النار
ان تصلی على محمد وآله وان تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنيا
سالما وتدخلنی الجنة امنا وان تجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا
وآخره صلاحا انك انت علام الغيوب و كلينی بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام
روايت كرده است كه هر كه ايمان دارد بخدا و روز قيامت بايد كه ترك
نكند بعد از هر نماز فريضه سوره قل هو الله احد را بدرستيكه هر كه بخواند خدا جمع ميكند
برای او خير دنيا و آخرت را و می آمرزد او را و پدر و مادر او را و هر كه از پدر و مادر
او بهم رسيده است و در حديث ديگر وارد شده كه هر كه بعد از نماز فريضه ده بار
سوره قل هو الله احد را بخواند حق تعالی از حور العين با او تزويج نمايد و سيد ابن طاوس
از حضرت رسول روايت كرده اند كه هر كه بعد از هر نماز سوره قل هو الله احد را
بخواند رحمت باو رسد از آسمان فرو ريزد بر او و سكينه بر او نازل شود و خدا نظر
رحمت بسوی او كند و گناهانش بيامرزد و هر حاجت دارد از خدا بخواهد و در امان
خدا باشد ثم و كلينی و ديگران بسند معتبر از اهل بيت عليهم السلام روايت كرده اند
كه هر كه بعد از هر نماز ريش خود را بدست راست بگيرد و سه بار بگويد يا ذا الجلال
والاكرام ارحمنی من النار پس بگويد اجرنی من العذاب الاليم پس دست
راست را از ريش بردارد و هر دو دست را بسوی آسمان بگشايد و سه بار بگويد

اجر

اجرنی من العذاب الاليم پس بگويد و صلى الله على محمد وآله والملائكة والروح پس
حضرت فرمود كه هر كه اين دعا را بخواند خدا گناهان او را بيامرزد و از او راضی
گردد و استغفار كنند برای او تا آنكه رجع غلامی تغيير از حسن احكام مردن
او شيخ طوسی (ره) بسند معتبر از محمد بن سليمان ديلمی روايت كرده است كه
بحضرت صادق عرض كردم كه شيعيان تو ميگويند كه ايمان بر دو قسم است
يكی آنكه مستقر و ثابت است و ديگری آنكه بامانت سپرده شده است و زايل ميگردد
پس بمن بياموز دعائی كه هر گاه بخوانم ايمانم كامل گردد و زايل نشود فرمود كه
بگو بعد از هر نماز واجبی رضيت بالله ربا وبمحمد نبيا وبالاسلام
دينا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبعلی وليا واماما وبا
لحسن والحسين وعلی بن الحسين ومحمد بن علی وجعفر بن محمد و
موسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن
علی والحجة بن الحسن صلوات الله عليهم ائمة اللهم انی اسئلك
وقد رضيتهم ائمة فارضنی لهم انك على كل شیء قدير ثم شيخ مفيد
عليه الرحمة در كتاب مجالس از محمد بن الحنفيه روايت كرده است كه روزی امير المؤمنين
در دور كعبه طواف ميكردند ناگاه مردی را ديد كه چسبيده است در پرده های كعبه
و اين دعا را ميخواند پس حضرت امير المؤمنين گفت اينست دعای تو گفت بلی آيا شنيدی
گفت بلی شنيدم گفت پس بخوان اين دعا را بعد از هر نماز كه بخدا سوگند كه هر مؤمنی كه

این دعا را بخوانند بعد از نماز البته حق تعالی گناهان او را بیامرزد هر چند گناهان او
بعدد ستارها باشد و قطرهای باران و برگهای درختان و ذرهای خاک آن بهم
پس حضرت امیرالمؤمنین فرمود که من میدانم این را و خدای تعالی واسع العطا
و کریم است آنمرد عرض کرد راست گفتی یا امیرالمؤمنین و بالای هر دانائی داناتری
هست و آنمرد خضر بود و کفعمی نیز این را در کتاب بلد الامین روایت کرده
است و دعا اینست یا من لا تشغله سمع عن سمع یا من لا تغلطه
السائلون یا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک و
مغفرتک وحلاوة رحمتک سید بن باقی در کتاب اختیار از
حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که بعد از هر نماز فریضه این دعا را
بخواند نمیرد تا آنکه حضرت صاحب الامر را در بیداری یا در خواب ببیند بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اینما کان
وحیثما کان من مشارق الارض ومغاربها سهلها وجبلها
عنی وعن والدی وعن ولدی واخوانی التحیة والسلام
عدد خلق الله وزنة عرش الله وما احصاه کتابه واحاط
به علمه اللهم انی اجدد له فی صبیحة هذا الیوم وما عشت
فیه من ایام حیاتی عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی لا احول
عنها ولا ازول اللهم اجعلنی من انصاره ونصاره الذابین

عنه والممتثلین لاوامره ونواهیه فی ایامه والمستشهدین
بین یدیه اللهم فان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته
علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی من قبری مؤتزرا کفنی
شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی فی الحاضر
والبادی اللهم ارنی الطلعة الرشیدة والغرة الحمیدة
واکحل بصری بنظرة منی الیه وعجل فرجه وسهل مخرجه اللهم
اشدد ازره وقو ظهره وطول عمره واعمر اللهم به بلادک
واحی به عبادک فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر
بما کسبت ایدی الناس فاظهر اللهم لنا ولیک وابن بنت نبیک
المسمی باسم رسولک صلواتک علیه وآله حتی لا یظفر بشیء من
الباطل الا مزقه ویحق الله الحق بکلماته ویحققه اللهم اکشف
هذه الغمة عن هذه الامة بظهوره انهم یرونه بعیدا ونریه
قریبا وصلی الله علی محمد وآله سیم ابن بابویه ره و شیخ طوسی و کفعمی و غیر
ایشان روایت کرده اند از حضرت امیرالمؤمنین ع که هر که خواهد که ثواب او را کیل کنند
بکیل اوفی که وافی ترین کیلها است پس بگوید بعد از هر نماز سبحان ربک رب
العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و شیخ طوسی ره گفته است
که سه مرتبه این آیات را بخوانند و در روایت دیگر وارد شده که در آخر هر مجلس این

دعا را بخوانند که کفاره گناهان آن مجلس است چهارم دیلمی در اعلام الدین از ابن
عباس روایت کرده است که حضرت رسول ص فرمود که هر که این آیات را بعد از
نماز مغرب بخواند آنچه ثواب در روز گذشته از او فوت شده باشد دریابد و نمازش
مقبول است و اگر بعد از هر نماز فریضه و سنت بخواند نوشته شود از برای او حسنات
بعدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرات خاک
زمین و چون بمیرد هر حسنه ده حسنه از برای او نوشته شود و آیات اینست
فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات
والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج
المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون
سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد
لله رب العالمین پنجم از ابن ادریس بسند معتبر از حضرت صادق ع
روایت کرده است که صلوات بر محمد و آل محمد در ما بین نماز ظهر و عصر ثوابش
برابر است با ثواب هفتاد رکعت نماز و کفعمی از آن حضرت روایت کرده است
که هر که بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم
نمیرد تا قائم آل محمد را ادراک کند ششم شیخ طوسی ره و دیگران روایت
کرده اند بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده اند که مردی نزد
حضرت رسول ص آمد و عرض کرد یا رسول الله مرا تعلیم کن عملی که چون بیاورم

میان من و بهشت حایلی نباشد فرمود غضب مکن بر کسی و از مردم چیزی سؤال مکن
و از برای مردم بپسند آنچه برای خود می‌پسندی عرض کرد یا رسول الله زیاده بگو
فرمود که چون نماز عصر را بجا آوری هفتاد و هفت بار استغفار کن تا گناه تو هفتاد و
هفت سال آمرزیده شود گفت من هفتاد و هفت سال ندارم فرمود که برای پدر و مادر
و خویشان خود قرار بده و ابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده
است که هر که بعد از عصر هفتاد بار استغفار کند خدای تعالی روز هفتصد گناه
او را بیامرزد و اگر هفتصد گناه نداشته باشد از گناه پدر او می‌آمرزد و الا از گناه
مادر او و الا از گناه برادر او و الا از گناه خواهر او و الا از گناه خویشان
او و در روایت دیگر هر که بعد از عصر هفتاد بار استغفار کند گناه هفتاد
ساله او آمرزیده شود بروایت دیگر گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود مجملا احادیث
در فضیلت استغفار بسیار ذکر شده است از برای نماز عصر و باید که هفتاد مرتبه
یا هفتاد و هفت مرتبه استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید و استغفر الله
کافی است چهارده شیخ طوسی ره و سید بن طاوس و دیگران روایت کرده اند
بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول ص فرمود که هر که هر روز
بعد از نماز عصر یکمرتبه این استغفار را بخواند خدای تعالی امر کند ملک را که
صحیفه گناهان او را بدرند هر چند بسیار باشد استغفار اینست استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام واسئله ان یتوب

علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستکین
مستجیر لا یملک لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حیوة
ولا نشورا پانزدهم[15] شیخ طوسی ره و سید بن طاوس ره و دیگران روایت کرده‌اند
بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع که هر که بعد از نماز عصر ده نوبت سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر را بخواند ثواب مثل اعمال خلایق در آن روز با او کرامت شود[16]
در محاسن برقی بسند صحیح منقولست که از حضرت صادق ع سؤال کردند که بهترین
اعمال چیست فرمود که بعد از عصر صد بار میگوئی اللهم صل علی محمد وآل محمد و هر چه
زیاده کنی بهترست و بسندهای معتبر صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
بعد از نماز عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد الاوصیاء
المرضیین بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیه وعلیهم
وعلی ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبرکاته حق تعالی در آن روز مثل ثواب جن
وانس او را کرامت فرماید و از بعضی آیات معلوم میشود که یکبار هم کافیست
هفدهم[17] از کلینی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که هر که بعد از
نماز صبح و مغرب پیش از آنکه زانوهای خود را بگرداند ده بار این تهلیلات را
بخواند خدا را ملاقات نکند احدی با عملی بهتر از عمل او مگر کسی که مثل او کرده
باشد لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت
ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کلینی و ابن بابویه و شیخ

و شیخ طوسی و دیگران بسندهای معتبر از آن حضرت روایت کرده‌اند که فریضه
و واجبست بر هر مسلمی که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب
آفتاب این مذکور را بگوید و در بعضی از روایات یحیی ویمیت ویحیی نیست و در بعضی هست و
در چند روایات وهو حی لا یموت بیده الخیر نیست و در بعضی هست ظاهرا اگر همه را
و اگر هر قسم را بگوید بهترست و در بعضی از روایات مذکور است که کفاره گناهان اوست
در آن روز هیجدهم[18] سید ابن طاوس ره بسند معتبر صحیح از حضرت امام محمد باقر ع روایت
کرده است که هر که بعد از نماز مغرب و نماز بامداد پیش از آنکه سخن بگوید بگوید سبحانک لا اله
الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعا الا انت
خدای تعالی بملائکه وحی کند که بنویسید برای بنده من آمرزش گناهان او را برای آنکه
دانسته و اقرار دارد که گناهان را بغیر از من کسی نمی‌آمرزد نوزدهم[19] ابن بابویه
بسند معتبر از امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح هفتاد بار
استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید خداوند او را بیامرزد هر چند در آن روز
هفتاد هزار گناه کرده باشد و بروایت دیگر هفتصد گناه کند بیستم[20] ابن بابویه
بسند صحیح از و بسندهای معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که هر که
بعد از نماز صبح یازده بار سوره قل هو الله احد را بخواند در آن روز برای او گناهی
نوشته نشود برغم انف شیطان و در جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده‌اند که هر که سوره قل هو الله احد هر روز دوازده مرتبه بخواند در آن روز شیطان

شیطان هر چند سعی کند گناهی بر او نوشته نشود بیست و یکم[21] کفعمی و غیر او از امام محمد باقر ع
روایت کرده‌اند که هر که سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بعد از نماز صبح ده بار
و نزد زوال شمس ده بار و بعد از عصر ده بار بخواند هزار کاتب را در سال سعی فرماید
در نوشتن ثواب او و ایضا از آن حضرت روایت کرده است که هر که بعد از طلوع
صبح هفت بار بخواند هفتاد صف از ملائکه صلوات بر او فرستند و هفتاد مرتبه
بر او رحم کنند و از امام محمد تقی صلوات الله علیه ثواب بسیاری برای او منقول است
برای کسی که سوره مبارکه انا انزلناه در شبانه روزی هفتاد و شش بار بخواند بعد از
طلوع صبح پیش از نماز صبح هفت بار و بعد از طلوع صبح پیش از نماز صبح هفت بار
و بعد از نماز صبح ده بار و بعد از زوال شمس پیش از نافله ده بار و بعد از نوافل بیست و یکبار
بعد از عصر ده بار و بعد از عشا هفت بار و در وقت خواب یازده بار و از جمله ثوابش
آنست که حق تعالی هزار ملک خلق کند که در دیوان اعمال ثواب آن را برای او بنویسند
بیست و دوم[22] در عدة الداعی از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که بعد از نماز
صبح بگوید رب صل علی محمد وآل محمد و اهل بیته حق تعالی روی او را از زبانه آتش جهنم
نگاه دارد و ابن بابویه در ثواب الاعمال بسند معتبر روایت کرده است که بعد از
نماز صبح صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد حق تعالی روی او را از حرارت
جهنم نگاه دارد و بروایت دیگر صد بار بگوید پیش از سخن گفتن یا رب صل علی محمد
وآل محمد وعجل فرج آل محمد واعتق رقبتی من النار بیست و سوم[23] شیخ طوسی و کفعمی و دیگران

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که با اصحاب خود گفت که آیا عاجز شوید
از آنکه هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیرید گفتند چگونه عهد بگیریم فرمود
که این دعا را بخوانید هر که این دعا را بخواند مهری بر آن بزنند و در زیر عرش الهی بگذارند
چون روز قیامت شود منادی ندا کند که کجایند آنها که نزد خداوند رحمن عهدی
دارند پس آن عهد را بایشان دهند و بآن عهد داخل بهشت شوند و شیخ طوسی ره
این دعا را در تعقیب صبح ایراد کرده و دعا اینست اللهم فاطر السموات والارض
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انی اعهد الیک فی هذه الدنیا انک
انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک
اللهم صل علی محمد وآل محمد ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا ولا الی احد من خلقک
فانک ان وکلتنی الیها تباعدنی من الخیر وتقربنی من الشر ای رب لا اثق
الا برحمتک فصل علی محمد وآله الطیبین الطاهرین واجعل لی عندک عهدا تؤدیه
الی یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد بیست و چهارم[24] کفعمی در کتاب بلد الامین از
حضرت صادق صلوات الله روایت کرده است که هر که خواهد از هر دری بهشت
داخل شود باید که هر روز بعد از نماز صبح بگوید الحمد لله الذی ذهب باللیل
مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیته وستره
وجوده و اگر بتواند رو بجانب راست بگرداند و بگوید مرحبا بالحافظین پس رو
بجانب چپ بگرداند و بگوید وحیاکما الله من کاتبین پس بگوید اکتبا رحمکما الله

بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً
عبده و رسوله و اشهد ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث
من فی القبور علی ذلک احیا و علیه اموت و علیه ابعث ان شاء الله
اقرء محمداً منی السلام ۲۰ شیخ طوسی از حضرت صادق ع روایت
کرده ابن بابویه که هر مؤمن که برای خدا سجده کند برای شکر نعمتی در غیر نماز خدای
تعالی برای او واجب گرداند ده حسنه و محو کند ده گناه را و ده درجه در بهشت
از برای او بلند گرداند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا منقول است
که چون بنده در سجده باشد و خواب او را برباید حق تعالی فرماید که قبض روح بنده
خود کردم در هنگامیکه مشغول طاعت من بود از حضرت صادق بسندهای صحیح
منقول است که خداوند عالم ابراهیم علیه السلام را برای آن خلیل خود خواند که
در زمین سجده بسیار میکرد و در روایت دیگر وارد شده است که حق تعالی
بحضرت موسی خطاب کرد که میدانی که چرا تو را برگزیدم از میان خلق و کلیم خود
گردانیدم موسی گفت نمیدانم ای پروردگار فرمود برای آنکه بر احوال بندگان خود
مطلع شدم در میان ایشان کسی را ندیدم که نزد من نفسش از تو پستتر باشد چون
از نماز فارغ شوی دو طرف روی خود را بر خاک میگذاری و بسند موثق از حضرت
امام رضا منقول است که سجده بعد از نماز واجب شکر خداست بر آنکه توفیق داد
بنده خود را بر آنکه ادا کند فرض او را و کمتر آنچه در این سجده ها گویند آنست که سه مرتبه

بگوید شکراً لله راوی عرض کرد که چه معنی دارد شکراً لله حضرت فرمود که معنی آن
آنست که این سجده از من شکر خداست برای آنکه مرا توفیق داد که خدمت او
قیام نمودم و فرض او را ادا کردم و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است
و اگر در نماز تقصیری مانده باشد باین سجده تمام شود و جماعتی از علمای شیعه
گفته اند که سجده شکر سنت است و در وقت متجدد شدن نعمتی یا دفع شدن بلائی و بعد از
فراغ از هر نماز است برای شکر توفیق ادای نماز و اما کیفیت این سجده بهتر آنست که
وارد شود بعد می آید و احوط آنست که بر زمین باشد و اگر تواند مانند سجده نماز
بر هفت عضو سجده کند و پیشانی بر چیزی گذارد که در نماز جایز است گذاردن و افضل آنست
که بر خلاف سجده نماز دستها را بر زمین بگذارد و سینه و شکم را بر زمین بچسباند
و مستحب است که این سجده را طول دهد و سنت است که اول پیشانی را بر زمین گذارد
پس طرف راست رو را پس طرف چپ را بر زمین گذارد و باین دو سجده شکر میگویند و
ظاهراً بدون ذکر نیز کافی است و سنت است که ذکری بخواند و بهتر آنست که یکی از ذکرها
را بعمل آورد که مخصوص وارد شده است سید بن طاوس ره از کتاب بعض
عبدالله روایت کرده است بسندهای صحیح از سلیمان جعفری و محمد بن اسمعیل بن
بزیع که گفت روزی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت را در سجده
شکر یافتم و سجده را طول داد چون سر برداشت فرمود که هر که این دعا را در سجده
شکر بخواند چنان است که در جنگ بدر در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

با کافران جهاد کرده باشد و تیر و شمشیر در راه خدا زده باشد گفتم رخصت میفرمائی که بنویسم
فرمود که بنویس چون بسجده شکر روی بگو اللهم العن اللذین بدلا دینک و
غیرا نعمتک و اتهما رسولک و خالفا ملتک و صدا عن سبیلک و کفرا
آلائک و ردا علیک کلامک و استهزئا برسولک و قتلا ابن نبیک و
حرفا کتابک و جحدا آیاتک و سخرا بآیاتک و استکبرا عن عبادتک و
قتلا اولیائک و جلسا فی مجلس لم یکن لهما بحق و حملا الناس علی اکتاف
آل محمد اللهم العنهما لعناً یتلو بعضه بعضاً و احشرهما و اتباعهما الی جهنم
زرقاً اللهم انا نتقرب الیک باللعنة علیهما و البرائة منهما فی الدنیا و
الآخرة اللهم العن قتلة امیر المؤمنین و قتلة الحسین بن علی ابن بنت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اللهم زدهما عذاباً فوق العذاب و هواناً فوق
هوان و ذلاً فوق ذل و خزیاً فوق خزی اللهم دعهما فی النار دعاً و ار
کسهما فی الیم عذابک رکساً اللهم احشرهما و اتباعهما الی جهنم زمراً اللهم
فرق جمعهم و شتت امرهم و خالف بین کلمتهم و بدد جماعتهم و العن
ائمتهم و اقتل قادتهم و سادتهم و کبرائهم و العن رؤساءهم و اکسر
رایتهم و الق البأس بینهم و لا تبق منهم دیاراً اللهم العن ابا جهل و الولید
لعناً یتلو بعضه بعضاً و یتبع بعضه بعضاً اللهم العنهما لعناً یلعنهما به
کل ملک مقرب و کل نبی مرسل و کل مؤمن امتحنت قلبه للایمان

اللهم العنهما لعناً یتعوذ منه اهل النار و من عذابهما اللهم
العنهما لعناً لا یخطر لاحد ببال اللهم العنهما فی مستسر سرک
و ظاهر علانیتک و عذبهما عذاباً فی التقدیر و فوق التقدیر
و شارک معهما ابنتیهما و اشیاعهما و محبیهما و من شایعهما
انک سمیع الدعاء ۲۰ شیخ کشی از سعید بن مسیب روایت کرده است که
که قاریان قرآن تا حضرت امام زین العابدین ع [illegible] بیرون نمی شد بیرون
نمی رفتند در یکی از سفرها بحج با حضرت بیرون رفتیم و هزار نفر بودیم چون بمنزل
سقیا رسیدیم حضرت فرود آمد و نماز کرد و بعد از نماز سجده شکر بجا آورد و در سجده
این دعا را خواند پس شنیدم که هر درخت و سنگ و کلوخی که در آن موضع بود با حضرت
در این تسبیح موافقت کردند من از شنیدن این حال متعجب شدم و ترسیدم چون حضرت
سر برداشت فرمود که این تسبیح اسم اعظم خداست و با این تسبیح کسانی که نزد حق
تعالی [illegible] را طلبید و افرید این تسبیح را الهام کرد باو چون این تسبیح را خواند
جمیع آسمانها و آنچه در آنها بود همه با او خواندند و این نام بزرگ خداست این است
تسبیح سبحانک و حنانیک سبحانک اللهم و تعالیت سبحانک اللهم و العزة
ازارک سبحانک اللهم و العظمة ردائک سبحانک اللهم و الکبریاء سلطانک
من عظیم ما اعظمک سبحانک سبحت فی الاعلی سبحانک تسمع و تری ما تحت
الثری سبحانک انت شاهد کل نجوی سبحانک موضع کل شکوی سبحانک حاضر

كَيْلُ مِلْأِ سُبْحَانَكَ عَظِيمُ الرَّجَاءِ سُبْحَانَكَ تَرَى مَا فِي قَعْرِ الْمَاءِ سُبْحَانَكَ تَسْمَعُ
أَنْفَاسَ الْحِيتَانِ فِي قُعُورِ الْبِحَارِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ السَّمٰوَاتِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ
وَزْنَ الْأَرَضِينَ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الظُّلْمَةِ
وَالنُّورِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْفَيْءِ وَالْهَوَاءِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الرِّيحِ كَمْ
هِيَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ سُبْحَانَكَ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۳۷ در روایات معتبره بسیار منقول است از حضرت
صادق ع و کاظم ع در سجده بسیار می‌فرمودند اَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ
وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ و در بعضی از روایات وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ ب
و ظاهر آنست چنانکه علامه مجلسی ره هم بآن تصریح کرده است که مراد بسنده مکرر است
۳۸ بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت شده که در سجده شکر بسیار می‌فرمودند
سَجَدَ وَجْهِيَ اللَّئِيمُ لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ۳۹ در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیر
روایت شده که بهترین سخنان نزد حق تعالی آنست که بنده در سجده سه بار می‌فرمودند
إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ۴۰ در مکارم الاخلاق از حضرت صادق ع روایت
کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر مردی گذشت و او در سجده می‌گفت
یَا رَبِّ مَا ذَا عَلَيْكَ أَنْ تُرْضِيَ عَنِّي كُلَّ مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدِي تَبِعَةٌ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي
ذُنُوبِي وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ فَإِنَّمَا عَفْوُكَ عَنِ الظَّالِمِينَ وَأَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ
فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس حضرت فرمود که سر بردار که دعایت

مستجاب شد

مستجاب شد بدرستیکه دعای پیغمبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود ۳۲ ابن بابویه
و دیگران بسندهای معتبره بسیار از حضرت امام زین العابدین ع و حضرت صادق ع
روایت کرده‌اند که هر که در شام صد بار الله اکبر بگوید چنان است که صد بنده
آزاد کرده است و بسند صحیح دیگر از امام محمد باقر ع منقول است که هر که صد بار
پیش از طلوع آفتاب و صد بار پیش از غروب آفتاب الله اکبر بگوید خداوند عالم
برای او ثواب صد بنده آزاد کردن بنویسد و هر که ده بار سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ
بگوید خداوند دو هزار حسنه برای او بنویسد و هر که زیاده بگوید زیاده برای او نوشته شود ایضاً
ابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در بهشت غرفه چند هست که از اندرون آنها
بیرون نمایان است و از بیرون آنها اندرون آنها نمایان است و از امت من
کسی در آنها ساکن می‌شود که سخن نیکو بگوید و طعام مردم را بخوراند و بسیار سلام
کند و در شب نماز کند در هنگامی که مردم در خواب باشند پس گفت کلام نیکو
آنست که در صبح و شام ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ در محاسن برقی از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بمردی گذشت که درختی برای خود غرس کرده بود ایستاد و فرمود
که میخواهی ترا دلالت کنم بر درختی که اصلش از این ثابت‌تر و میوه‌اش زودتر رسد و
نیکوتر باشد و باقی‌تر باشد گفت بلی یا رسول الله فرمود در صبح و شام بگو

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ که بعدد هر تسبیحی در
بهشت درختها برای تو غرس نمایند از انواع میوه‌ها و اینهاست باقیات صالحات
که خدا در قرآن فرموده است که نیکوتر و باقی‌ترند از مال دنیا چنانکه از اهل لغت
گفته که صباح در لغت عرب از نصف آخر شب است تا ظهر و مساء از ظهر است
تا نصف شب و بعضی گفته‌اند که مساء از ظهر است تا غروب آفتاب و صباح در
مقابل این است و ادعیه و اذکار در این دو وقت در کتاب و سنت ترغیب
بآن شده و حق تعالی در کتاب خود می‌فرماید وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا
وَحِينَ تُظْهِرُونَ چه وقت عشا و ظهر را در باب ذکر کردن شعاری وارد بر اینکه
صباح و مساء مراد از آن دو وقت نیست و این دفع می‌شود که مراد از صباح
و مساء اول و آخر روز باشد و تأیید میکند این را آیه دیگر که فرموده وَاذْكُرْ رَبَّكَ
فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ
یعنی یاد کن پروردگار خود را در خاطر خود با تضرع و خوف و کمتر از بلند گفتن آشکارا
در بامدادها و پسینها و مباش از غافلان و غداة اول روز است و آصال آخر روز و
کلام خدا بعضی در بعضی را تفسیر میکنند فلهذا باید مراد از صباح و مساء غداة
و آصال باشد و ایضا فرموده است که وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا
وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ یعنی و تسبیح کن با حمد پروردگار
خود پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آفتاب و از ساعات شب

پس تسبیح

پس تسبیح کن پروردگار خود را در اطراف روز شاید که راضی شوی در آخرت و ظاهر
اخبار اهل بیت ع مراد از صباح و مساء دو طرف روز است از حضرت رسول خدا
منقول است که حق تعالی می‌فرماید که ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از صبح یک ساعت
و بعد از عصر یک ساعت تا جمیع مهمات ترا کفایت کنم و بسند معتبر از حضرت
صادق ع منقول است که چون آفتاب متغیر و زرد می‌شود در آخر روز خدا را یاد
کن و اگر با جمعی نشسته باشی و ترا مشغول کنند برخیز از میان ایشان و مشغول دعا
شو و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که در [illegible] ذکر
خدا کردن بهتر است از شمشیر زدن در راه خدا و نیز از آنحضرت صلی الله علیه و آله
منقول است که هر دو حافظ اعمال که صحیفه بنده را بالا برند در اول و آخر
آن کلام نیکی باشد حق تعالی بملائکه میگوید که گواه باشید که من آمرزیدم برای این
بنده آنچه در میان اول و آخر این صحیفه است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که شیطان لعنه الله لشکر خود را پهن میکند در هنگام فرو رفتن و برآمدن
آفتاب پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت و پناه برید بخدا از شر شیطان
و لشکرهای آن و کودکان خود را تعویذ کنید و پناه دهید بخدا در این دو ساعت
در این دو ساعت شیطان غافل میگرداند مردم را و در حدیث دیگر فرمود که ملک
در اول روز و اول شب صحیفه می‌آورد برای نوشتن اعمال فرزند آدم پس در اول و آخر
نامه کلام خیری بگوئید که نوشته شود تا آنچه در میان نوشته شده آمرزیده شود و

وبالجمله ظاهر جمع میان اخبار آنست که دعاهای صباح را باید پیش از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
بخوانند و اگر بعضی را پیش از طلوع آفتاب بخوانند شاید بهتر باشد و دعاهای شام را پیش
بغروب آفتاب بخوانند و همچنین اگر بعضی را پیش از شام بخوانند شاید بهتر باشد و آنچه
در شرح دعا در حدیث تصریح بوقت آن شده باشد باید در همان وقت خوانده شود
۳۲ کلینی و ابن بابویه بسند معتبر صحیح از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
روایت کرده‌اند که هر روز در هر صباح و شام حضرت ابراهیم علیه السلام این دعا را میخواند به
سه نوبت این دعا را میخواند خدای تعالی در قرآن ثنا گفت و ابراهیم الذی وفی
یعنی حقوق ما را کامل و تمام ادا کرد دعا این است اصبحت و ربی محمود اصبحت
لا اشرک بالله شیئا و لا ادعو مع الله الها آخر و لا اتخذ من دونه ولیا
۳۳ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در هر صبح چهار بار
بگوید الحمد لله رب العالمین شکر نعمتهای آن روز را بجا آورده است
و هر که در شام چهار بار بگوید شکر نعمتهای آن شب را بجا آورده است ۳۴ شیخ
مفید بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که پیش از طلوع
آفتاب و پیش از غروب آفتاب این دعا را بخواند خدای تعالی در قیامت هشت
در بهشت را برروی او بگشاید و از هر دری که خواهد داخل شود جنت دعای
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله و ان الدین کما شرع و الاسلام کما وصف و القول کما حدث و الکتاب

کما انزل و ان الله هو الحق المبین ذکر الله محمدا و آل محمد بالسلام
۳۵ بسند معتبر در فلاح السائل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که هر که نزد غروب آفتاب این دعا را بخواند اگر در آن شب یا در آن روز بمیرد یا در آن ماه
یا در آن سال داخل بهشت عنبر سرشت شود یا من ختم النبوة بمحمد صلی الله علیه و آله اختم لی
فی یومی هذا بخیر و شهری بخیر و سنتی بخیر و عمری بخیر ۳۶
شیخ طوسی و سید بن طاوس ره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که در
هر صبح و شام یک مرتبه بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم حق تعالی از برای او بسند
بوی بهشت که در زمین بهشت که از مشک ناب است درختان غرس کرده
و دیوار بر دور آن کشیده و دری بر آن نصب کند و بر آن در بنویسند که
بوستان فلان پسر فلان است و سید بروایت دیگر فرموده از حضرت صادق
علیه السلام که هر که این تسبیحات را بگوید در غیر مقام تعجب حق تعالی هزار گناه او را
محو کند و هزار حسنه برای او ثبت نماید و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار
درجه از برای او بلند گرداند و برای او از این کلمه مرغی بقدی خلق کند که تا روز
قیامت این تسبیح را بگوید و ثوابش برای او نوشته شود ۳۷ در بلد الامین
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که پرسیدم از حضرت رسول
از تفسیر مقالید یعنی کلیدهای حاجات و مطالبات فرمود که ده مرتبه در
صبح و ده مرتبه در شام این دعا را بخواند خدا او را شش خصلت عطا فرماید

اول آنکه شیطان و لشکر او را از او منع و دور گرداند و بر او دست نیابند دویم
آنکه قنطاری از ثواب باو عطا کنند که در میزان عمل او از کوه احد سنگین
تر باشد سیم آنکه او را درجه بدهند که بغیر نیکو کاران بآن نرسند چهارم آنکه
خداوند حوریان را باو تزویج کند پنجم دو هزار ملک در وقت خواندن دعا
حاضر شوند و در نامه او بنویسند و در روز قیامت برای او شهادت بدهند
ششم چنان باشد که توریة و انجیل و قرآن تلاوت کننده باشد و چنان
باشد که حج و عمره مقبول کرده باشد و اگر در آن شب یا در آن روز بمیرد
روح او از زمره شهدا و صدیقان بنویسند این دعای مبارک لا اله الا الله
و الله اکبر سبحان الله و الحمد لله استغفر الله لا حول و لا قوة الا بالله
هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن له الملک و له الحمد یحیی و یمیت
و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر ۳۸ شیخ شهید ره از ابن عباس
روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که پیش از صبح هزار
مرتبه بگوید سبحان الله و بحمده خود را از خدا خریده است و در آخر آن روز
از آتش جهنم آزاد می‌شود ۳۹ قطب راوندی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت
کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد
نکند می‌ترسم که نعمتها از او زایل شود الحمد لله الذی عرفنی نفسه و لم یترکنی
عمیان القلب الحمد لله الذی جعلنی من امة محمد صلی الله علیه و آله الحمد لله الذی

جعلنی ذنبی فی یدیه و لم یجعل ذنبی فی ایدی الناس الحمد لله
الذی ستر ذنوبی و لم یفضحنی بین الخلائق یعنی سپاس خداوندی را
سزاست که خود را بمن شناسانیده و مرا کور دل نگذاشت سپاس خداوندی را سزاوار است
که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردانید حمد میکنم خداوندی را که گناهان
مرا پوشانیده و مرا میان خلایق رسوا نکرد ۴۰ کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که این دعا را پیغمبران از یکدیگر فرا گرفته‌اند
نوشته‌اند تا به پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است و آنحضرت در صبح این دعا را
میخواندند اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر به قلبی و یقینا حتی
اعلم انه لا یصیبنی الا ما کتبت لی و رضنی بما قسمت لی حتی
لا احب تعجیل ما اخرت و لا تاخیر ما عجلت یا حی یا قیوم برحمتک
استغیث اصلح لی شانی کله و لا تکلنی الی نفسی
طرفة عین ابدا و صلی الله علی محمد و آله ۴۱ ایضا کلینی بسند صحیح
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر بنده که پیش از صبح پیش از
طلوع آفتاب این دعا را بخواند ملکی مبادرت کند و آنرا در میان بال خود
بگذارد و باسمان برد چون باسمان اول برد ملائکه پرسند که با خود چه داری
گویند کلمه چند است که یکی از مؤمنان خوانده است پس دعا میکنند ملائکه که
میگویند خدا رحمت کند گوینده این کلمات را و او را خدا بیامرزد [illegible]

بروی آسمان که میگذرد ملائکه بپرسند از او میگویند دست از طلب کرد خیر در رحمت
برای او میکنند تا بعرش برسد و حاملان عرش بپرسند و او را دعا میکنند و میگویند
بر این کلمات را بسیار بر حافظان گنجهای گفتار مؤمنان که اینها کلمات خزانه است
پس میبرند و در دیوان کنوز رحمت میکنند هست دعا اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر
کبیرا سبحان اللّٰه بکرة و اصیلا و الحمد لله رب العالمین کثیرا لا شریک
له و صلی اللّٰه علی محمد و آله ۴۳ ایضا کلینی بسند معتبر از حضرت باقر ع روایت
کرده است که هر که در هنگام طلوع صبح این کلمات را بخواند ملک او را در بعضی از غافلان
ننویسند و هر که در هنگام غروب در آن شب او را از غافلان ننویسند آیت ذکاره ده بار
بگوید لا اله الا اللّٰه وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی
و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی
کل شیء قدیر و ده مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و ده مرتبه سبحان الله
ده مرتبه لا اله الا اللّٰه ده مرتبه الحمد لله ۴۳ کلینی و دیگران بسند معتبر
از حضرت صادق ع روایت کرده اند که حضرت رسول ص در هر بامداد هفتاد
مرتبه میگفت استغفر اللّٰه و هفتاد مرتبه اتوب الی الله و در روایت دیگر بسند
حسن و معتبر شیخ طبرسی و کلینی و دیگران همین خبر را نقل کرده اند بعوض هر
بامداد در هر روز است ۴۴ بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که خواهد که چون در قیامت حاضر شود در نامه

عمل او شهادت بوحدانیت خدا و رسول بوده باشد و گشوده شود برای او هشت
در بهشت و ندا کنند او را که ای دوست خدا از هر کدام که خواهی داخل شو پس بگوید
چون داخل صباح شود الحمد لله الذی ذهب باللیل بقدرته و
جاء بالنهار برحمته خلقا جدیدا مرحبا بالحافظین و حیاکما
الله من کاتبین پس رو بجانب راست و چپ بگرداند و بگوید اکتبا بسم الله
الرحمن الرحیم انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و ان محمدا عبده و رسوله و اشهد ان الساعة آتیة لا ریب
فیها و ان الله یبعث من فی القبور علی ذلک احیا و علیه اموت
و علی ذلک ابعث ان شاء الله اللهم اقرء محمدا و آله منی السلام
۴۵ شیخ مفید ره از سلمان فارسی ره روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر در هر صبح و شام سه مرتبه بگو اللهم انت ربی لا شریک
لک لک اصبحنا و اصبح الملک لله که کفاره گناهان آن روز است در ما بین
این دو وقت کرده ۴۶ کلینی و ابن بابویه و دیگران بسندهای معتبر موثق و معتبر
از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده اند که حق تعالی نوح ع را بسیار شکر کننده
نامید برای آنکه هر صبح و شام این دعا را میخواند اللهم انی اشهدک انه ما امسی
و اصبح بی من نعمة او عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک
لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی الهنا و در بعضی از روایات چنین است

اللهم انی اصبحت اشهدک انه ما اصبح بی من نعمة او عافیة
فی دینی او دنیای فانها منک وحدک لا شریک لک فلک الحمد
علی ذلک و لک الشکر کثیرا و در بعضی از روایات اللهم انه ما اصبح
بی من نعمة او عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا
شریک لک لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا
ده مرتبه میخوانند و همه خوب است ۴۷ کلینی و برقی بسند معتبر از حضرت باقر روایت
کرده اند هر که در صبح این دعا را بخواند اگر در آن روز بمیرد داخل بهشت شود و اگر
در شب بمیرد داخل بهشت شود اللهم انی اشهدک و اشهد ملائکتک
المقربین و حملة عرشک المصطفین انک انت الله لا اله الا
انت الرحمن الرحیم و ان محمدا عبدک و رسولک و ان امیر المؤمنین
علیا و الحسن و الحسین و علیا ابن الحسین و محمد ابن علی و جعفر ابن
محمد و موسی ابن جعفر و علیا ابن موسی و محمد بن علی و علیا ابن
محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن علیهم السلام ائمتی و اولیائی
علی ذلک احیا و علیه اموت و علیه ابعث یوم القیمة و ابرء من
ابی بکر و عمر و عثمان و معویة لعنة الله علیهم و علی اولیائهم
۴۸ سید بن طاوس و دیگران بسندهای معتبر از امام محمد باقر ع روایت کرده اند
که روزی حضرت امیر المؤمنین ع بحضرت امام حسین ع گفت ای فرزند البته تقدیرات

خدا در حق تو جاری خواهد شد بهر نحو که مصلحت داند پس عهد کن با من که رازی که با تو
میگویم بکسی نگوئی تا بعد از شهادت من یکسال بگذرد و ترا خبری میدهم بهم که امشب
از خداوند عالمیان است و آن دعائی است که ترا تعلیم می نمایم که هر بامداد
و پیشین بخوانی تا مشغول نوشتن ثواب آن گردند هزار هزار ملک که هر یک را
خداوند هزار هزار کاتب جعل کند در سرعت کتابت بیشتر و موکل گردانند تا استغفار
از برای تو هزار هزار ملک را که هر یک را خدا قوت هزار هزار استغفار کننده
بدهد و بنا کنند برای تو هزار هزار قصر که در هر قصری هزار هزار خانه باشد و همسایگی
تو در باشی و در جنت عدن برای تو هزار هزار شهر بنا کنند و با تو از قبر تو نامه محشور شود
نحن کو که برای تو کرید که بر صاحب من صبح فزع و خوف نیست و بر صراط مغرور و
عذاب را بر او روا نیست و شهادت از دنیا مفارقت کنی و ملائکت میشوند زندگانی
کنی و هرگز ترا در دنیا بفقر و پریشانی نه و شکسته تر و دیوانگی دعای بد در آن روز حاجات
های دنیا و آخرت که بطلبی برآورده شود و به هر کاری که روی ترا میسر گردد و به بد
هر نفسی از نفسهای جن و انس برای تو هزار هزار حسنه نوشته می شود و هزار هزار
گناه از تو محو می شود و هزار هزار درجه بلند می شود و موکل گردانند برای استغفار
کردن از برای تو عرش و کرسی و فردوس را تا روز قیامت که محو شری دختر در آنها باشی
پس عهد کن با من که این دعا را تعلیم نکنی تا وقت وفات خود چون نزدیک شود وفات
تو شود تعلیم مکن مگر اهل بیت و شیعیان خود را زیرا که اگر به دیگران تعلیم نمائی

ما بینهای بد از خدا طلبند و رد اخود و می خواهم که این فضیلت مخصوص شما باشد
و چون مخمور شوید خوشی وانداز شما نباشد و باید در هنگام خواندن دعا با وضو
باشی و روی تو بجانب قبله باشد و اگر روز جمعه بعد از نماز عصر بخوانی بهتر است

دعای عشرات بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله آناء اللیل و
اطراف النهار سبحان الله بالغدو والآصال سبحان الله بالعشی
والابکار سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی
السموات والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت
ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون
سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین سبحان ذی الملک والملکوت سبحان
ذی العزة والجبروت سبحان ذی الکبریاء والعظمة سبحان الله
الملک الحق المبین المهیمن القدوس سبحان الله الملک الحی الذی لا
یموت سبحان الله الملک الحی القدوس سبحان القائم الدائم سبحان
الدائم القائم سبحان ربی العظیم سبحان ربی الاعلی سبحان الحی القیوم
سبحان العلی الاعلی سبحانه وتعالی سبوح قدوس ربنا ورب
الملائکة والروح سبحان الدائم غیر الغافل سبحان العالم بغیر

تعلیم

تعلیم سبحان خالق ما یری وما لا یری سبحان الذی یدرک الا
بصار وما تدرکه الابصار وهو اللطیف الخبیر اللهم انی اصبحت
منک فی نعمة وخیر وبرکة وعافیة فصل علی محمد وآله
واتمم علی نعمتک وخیرک وبرکاتک وعافیتک بنجاة من النار
وارزقنی شکرک وعافیتک وفضلک وکرامتک ابدا ما ابقیتنی
اللهم بنورک اهتدیت وبفضلک استغنیت وبنعمتک اصبحت
وامسیت اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک
وانبیاءک ورسلک وحملة عرشک وسکان سمواتک وارضک
وجمیع خلقک وانک انت الله الذی لا اله الا انت وحدک لا
شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک وانک علی کل شیء قدیر تحیی
وتمیت وتمیت وتحیی واشهد ان الجنة حق وان النار حق وان
النشور حق والساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور
واشهد ان علی بن ابی طالب امیر المؤمنین حقا حقا وان الائمة
من ولده هم الائمة الهداة المهدیون غیر الضالین ولا المضلین
وانهم اولیاؤک المصطفون وحزبک الغالبون وصفوتک وخیرتک
من خلقک ونجباؤک الذین انتجبتهم لدینک واختصصتهم
من خلقک واصطفیتهم علی عبادک وجعلتهم حجة علی العالمین

اجمعین صلواتک علیهم والسلام ورحمة الله وبرکاته اللهم
اکتب لی هذه الشهادة عندک حتی تلقننیها وانت عنی راض انک
علی ما تشاء قدیر اللهم لک الحمد حمدا تضع لک السماء کنفیها
وتسبح لک الارض ومن علیها اللهم لک الحمد حمدا سرمدا ابدا لا انقطاع
له ولا نفاد ولک ینبغی والیک ینتهی فی وعلی ولدی ومعی
وقبلی وبعدی وامامی وخلفی وفوقی وتحتی واذا مت وبقیت
فردا وحیدا ثم فنیت ولک الحمد اذا نشرت وبعثت یا مولای اللهم
ولک الحمد ولک الشکر بجمیع محامدک کلها علی جمیع نعمائک کلها حتی
ینتهی الحمد الی ما تحب ربنا وترضی اللهم لک الحمد علی کل اکلة
وشربة وبطشة وقبضة وبسطة وفی کل موضع شعرة اللهم لک
الحمد حمدا خالدا مع خلودک ولک الحمد حمدا لا منتهی له دون علمک
ولک الحمد حمدا لا امد له دون مشیتک ولک الحمد حمدا لا
اجر لقائله الا رضاک ولک الحمد علی حلمک بعد علمک ولک الحمد
علی عفوک بعد قدرتک ولک الحمد باعث الحمد ولک الحمد وارث الحمد
ولک الحمد بدیع الحمد ولک الحمد منتهی الحمد ولک الحمد مبتدع الحمد
ولک الحمد مشتری الحمد ولک الحمد ولی الحمد ولک الحمد قدیم الحمد ولک
الحمد صادق الوعد وفی العهد عزیز الجند قائم المجد ولک الحمد رفیع

الدرجات

الدرجات مجیب الدعوات منزل الآیات من فوق سبع سموات
عظیم البرکات مخرج النور من الظلمات ومخرج من فی الظلمات
الی النور مبدل السیئات حسنات وجاعل الحسنات درجات
درجات اللهم لک الحمد غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب
ذا الطول لا اله الا انت الیک المصیر اللهم لک الحمد فی اللیل اذا یغشی
ولک الحمد فی النهار اذا تجلی ولک الحمد فی الآخرة والاولی ولک الحمد
عدد کل نجم وملک فی السماء ولک الحمد عدد الثری والحصی والنوی ولک
الحمد عدد ما فی جو السماء ولک الحمد عدد ما فی جوف الارض ولک الحمد عدد
اوزان میاه البحار ولک الحمد عدد اوراق الاشجار وقطر الامطار ولک
الحمد عدد ما علی وجه الارض ولک الحمد عدد ما احصی کتابک ولک
الحمد عدد ما احاط به علمک ولک الحمد عدد الانس والجن والهوام والطیر
والبهائم والسباع حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه کما یحب ربنا ویرضی
وکما ینبغی لکرم وجهک وعز جلالک ثم تقول لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد وهو اللطیف الخبیر (١٠ مرة) لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو اللطیف الخبیر (١٠ مرة) لا اله الا
الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی
لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر (١٠ مرة) استغفر الله الذی

لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه ده بار يا الله يا الله ده مرتبه يا رحمن
يا رحمن ده مرتبه يا رحيم يا رحيم ده مرتبه يا بديع السموات والأرض ده مرتبه
يا ذا الجلال والإكرام ده مرتبه يا حنان يا منان ده مرتبه يا حي يا حي يا قيوم
ده مرتبه يا حي لا إله إلا أنت ده مرتبه يا الله لا إله إلا أنت ده مرتبه يا
الله لا إله إلا أنت ده مرتبه بسم الله الرحمن الرحيم ده بار اللهم صل على
محمد وآل محمد ده بار بگو اللهم افعل بي ما أنت أهله ده بار آمين آمين
ده مرتبه قل هو الله أحد ده بار اللهم اصنع بي ما أنت أهله ولا تصنع
بي ما أنا أهله فإنك أهل التقوى وأهل المغفرة وأنا أهل الذنوب
والخطايا فارحمني يا مولاي وأنت أرحم الراحمين ده بار بگو لا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ
ولدا ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا سید بن طاوس و کفعمی
و دیگران بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که چهل صباح این
عهد را بخواند از یاوران قائم آل محمد صلوات الله علیه و آله باشد و اگر پیش
از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را زنده گرداند تا بیرون قبر آید او را زنده کرداند و
بخدمت آن حضرت برسد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه برای او بنویسد و هزار گناه او را
محو کند اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل
التوراة والإنجيل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب

الملائكه

الملائكة المقربين والأنبياء المرسلين اللهم إني أسألك باسمك
الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم وباسمك
الذي أشرقت به السموات والأرضون يا حيا قبل كل حي يا حيا
بعد كل حي يا حيا لا إله إلا أنت اللهم بلغ مولانا الإمام المهدي
القائم بأمر الله صلى الله عليه وعلى آبائه الطاهرين عن جميع
المؤمنين والمؤمنات في مشارق الأرض ومغاربها وسهلها و
جبلها وبرها وبحرها وعني وعن والدي وولدي والخواني
من الصلوات زنة عرش الله ومداد كلماته وما أحصاه كتابه
وأحاط به علمه اللهم إني أجدد له في صبيحة هذا اليوم وما عشت
به في أيامي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا أحول عنها ولا أزول
أبدا اللهم اجعلني من أنصاره وأعوانه والذابين عنه والمسارعين
في حوائجه والممتثلين لأوامره ونواهيه والسابقين إلى إرادته و
المحامين عنه والمستشهدين بين يديه اللهم فإن حال بيني وبينه
الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا فأخرجني من قبري مؤ
تزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر
والبادي اللهم أرني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل
مرهي بنظرة مني إليه وعجل فرجه وأوسع منهجه واسلك بي محجته

وانفذ أمره واشدد أزره وقو ظهره واعمر اللهم به بلادك وأحي به
عبادك فإنك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت
أيدي الناس فأظهر اللهم لنا وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم
رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل إلا
مزقه ويحق الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا
لمن لا يجد ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من أحكام كتابك ومشيدا لما ورد
من أعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته
من بأس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته
وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الأمة
بحضوره وعجل لنا ظهوره إنهم يرونه بعيدا ونراه قريبا برحمتك
يا أرحم الراحمين پس سه مرتبه دست بر زانو زند و بگوید العجل العجل
العجل يا مولاي يا صاحب الزمان در مهج الدعوات بسند معتبر از
حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که حضرت رسول ص این دعا را تعلیم من کرد
و امر کرد مرا که برای هر شدت و رخا این دعا را بخوانم و تعلیم نمایم بخلیفه بعد از خود و ترک
نکنم این دعا را تا خدا را ملاقات نمایم و فرمود که یا علی هر صبح و شام این دعا را
بخوان که گنجی است از گنجهای عرش الهی پس ابی بن کعب التماس کرد که حضرت رسول ص
فضیلت این دعا را بیان فرماید حضرت فرمود که گفتار علما و فضیلت این دعا

نمیکنند

نمیکنند ولکن من بعضی از ثواب آن را بیان میکنم در هنگامی که دعا خوانند مشغول
این دعاست بر روی یک ملک از فرق سر او تا بهمان ... بر او نازل می شود
و حق تعالی سکینه بر او می فرستد و رحمت او را فرو میگیرد و این دعا شهری میشود بجای
بغیر از عرش برود و کارها میان دارد در عرش صداها باشد مانند صدای نحل عسل
در کندو و حق تعالی نظر رحمت کند بسوی او و هر که سه بار این دعا را بخواند
هر حاجتی از حاجات دنیا و آخرت که از خدا طلب نماید روا گردد و خدا او را
از عذاب قبر نجات می بخشد و شکنجه را از او بردارد و چون از قبر بیرون آید
او را بصحرای محشر آرند بر ناقه از در سفید سوار و نزد حق تعالی بایستد و امر کند خدا
برای او بهر کرامتی فرماید که ای بنده من در هر جای بهشت که خواهی ساکن شود
در بهشت با دعا فرود آید کرامتی چند که چشمی ندیده است و گوشی نشنیده باشد سلمان
عرض کرد یا رسول الله ثواب این دعا را زیاده بفرما فدای تو شوم حضرت فرمود بحق
خداوندی که مرا براستی بخلق فرستاده است اگر این دعا را بر دیوانه خوانند بعقل
باز آید و اگر نزد زنی خوانند که وضع حمل بر او دشوار باشد بر او آسان
گردد و زود فرزند متولد شود ای سلمان بحق خداوندی که مرا بحق و براستی فرستاده
هر بنده که این دعا را در جمعه شب هفت بخواند از برای خدا هر گناهی میان او
و میان مردم است و خدا بدو بخشد ... هر که این دعا را با اخلاص
بخواند آتش تو فهمهای دنیا و مرض ... بد و اگر ای سلمان بحق خدا که

بخوانند وثواب رو امید ثواب هزار داشته باشد حق تعالی بحرفی از این
دعا هزار ملک کرو بیان برای او بفرستند که روی ایشان نیکوتر از آفتاب
و ماه شب چهارده باشد سلمان گفت فدا این قدر ثواب برای خواندن
این دعا کرامت می‌فرماید حضرت فرمود ای سلمان خبر ده مردم را
تا زیاده از این بگویم ثواب این دعا را سلمان عرض کرد چرا می‌فرمائید
مرا بگتمان ثواب این دعا شاهد بود برای آنکه می‌ترسم که اعتماد کنند چون
این دعا و دست از عمل و عبادات بردارند پس فرمود هر که این دعا را
بخوانند و در حیات خود گناهان کبیره کرده باشد پس بمیرد آن شب یا
در آن روز بمیرد بعد از آنکه این دعا را خوانده باشد شهید مرده باشد
و گناهانش آمرزیده شود هرچند بی توبه بمیرد خداوند بکرم خود عفو فرماید
و حق تعالی رحیم است این است دعا بزرگوار بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی لا اله الا هو الملک الحق المبین المحیی القیوم
الدائم المدبر بلا وزیر ولا خلق من عباده لیستشیره الاول
غیر موصوف والباقی بعد فناء الخلق العظیم الربوبیة
نور السموات والارضین وفاطرهما ومبتدعهما بغیر
عمد خلقهما فاستقرت الارضون باوتادها فوق
الماء ثم علا ربنا فی السموات العلی الرحمن علی العرش

استوی له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما
وما تحت الثری فانا اشهد بانک انت الله لا رافع
لما وضعت ولا معز لمن اذللت ولا مذل لمن اعززت
ولا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت وانت الله لا اله
الا انت کنت اذ لم تکن سماء مبنیة ولا ارض مدحیة ولا شمس
مضیئة ولا لیل مظلم ولا نهار مضیئ ولا بحر لجی ولا جبل
راس ولا نجم سار ولا قمر منیر ولا ریح تهب ولا سحاب یسکب
ولا برق یلمع ولا رعد یسبح ولا روح تنفس ولا طائر یطیر ولا نار
توقد ولا ماء یطرد کنت قبل کل شیء وکونت کل شیء وقدرت
علی کل شیء وابتدعت کل شیء واغنیت وافقرت وامت واحییت
واضحکت وابکیت وعلی العرش استویت فتبارکت یا الله وتعالیت
انت الله الذی لا اله الا انت الخلاق العلیم امرک غالب وعلمک
نافذ وکیدک غریب ووعدک صادق وقولک حق وحکمک
عدل وکلامک هدی ووحیک نور ورحمتک واسعة وعفوک
عظیم وفضلک کثیر وعطاؤک جزیل وحبلک متین وامکانک
عتید وجارک عزیز وباسک شدید ومکرک مکید انت
یا رب موضع کل شکوی وشاهد کل نجوی وحاضر کل ملاء

ومنتهی کل حاجة وفرج کل حزین وغنی کل فقیر مسکین
وحصن کل هارب وامان کل خائف حرز الضعفاء کنز الفقراء
مفرج الغماء معین الصالحین ذلک الله ربنا لا اله الا هو
تکفی من عبادک من توکل علیک وانت جار من لاذ بک وتضرع
الیک عصمة من اعتصم بک من عبادک ناصر من انتصر بک تغفر
الذنوب لمن استغفرک جبار الجبابرة عظیم العظماء کبیر الکبراء
سید السادات مولی الموالی صریخ المستصرخین منفس عن المکروبین
مجیب دعوة المضطرین اسمع السامعین ابصر الناظرین احکم
الحاکمین اسرع الحاسبین ارحم الراحمین خیر الغافرین قاضی حوائج
المؤمنین مغیث الصالحین انت الله لا اله الا انت رب العالمین
انت الخالق وانا المخلوق وانت المالک وانا المملوک وانت
الرب وانا العبد وانت الرازق وانا المرزوق وانت المعطی
وانا السائل وانت الجواد وانا البخیل وانت القوی وانا الضعیف
وانت العزیز وانا الذلیل وانت الغنی وانا الفقیر وانت السید
وانا العبد وانت الغافر وانا المسیئ وانت العالم وانا
الجاهل وانت الحلیم وانا العجول وانت الرحمن وانا المرحوم
وانت المعافی وانا المبتلی وانت المجیب وانا المضطر وانا اشهد

بانک انت الله الواحد الفرد والیک المصیر وصلی الله علی محمد وآله
واهل بیته الطیبین الطاهرین واغفر لی ذنوبی واستر علی عیوبی
وافتح لی من لدنک رحمة ورزقا واسعا یا ارحم الراحمین والحمد لله رب
العالمین وحسبنا الله ونعم الوکیل ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ⁂ کفعمی در بلد الامین روایت کرده است حضرت امیر المؤمنین بعد از
نماز صبح در نهایت شدت مهمات کلیه این دعا را میخواندند و همچنین ائمه
فرزندان آن حضرت علیهم السلام می‌خواندند و هر که در روز جمعه پیش از نماز بخواند
خداوند تبارک و تعالی از گناهانش درگذرد اگرچه میان آسمان و زمین از گناهانش
پر شده باشد و داخل بهشت شود بی حساب و در جوار انبیاء علیهم باشد و هر که بنویسد
و این دعا را با خود نگاه دارد از هر شری ایمن باشد اللهم انی اسئلک یا مدرک
الهاربین ویا ملجأ الخائفین ویا غیاث المستغیثین اللهم انی اسئلک بمعاقد
العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک العظیم الاعظم الکبیر
الاکبر الطاهر المطهر القدوس المبارک ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام
والبحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم یا الله
ده مرتبه یا رباه ده مرتبه یا مولاه یا غایة رغبتاه یا هو یا هو یا من لا یعلم
ما هو الا هو ولا کیف هو الا هو یا ذا الجلال والاکرام وذا الفضل والانعام
یا ذا الملک والملکوت یا ذا العز والکبریاء والعظمة والجبروت یا حی لا یموت

یا من علا فقهر یا من ملک فقدر یا من عُبد فشکر یا من عُصی فستر یا من بطن
فخبر یا من لا یحیط به الفکر یا رازق البشر یا مقدر القدر یا محصی قطر المطر
یا دائم الثبات یا مخرج النبات یا قاضی الحاجات یا منجح الطلبات
یا جاعل البرکات یا محیی الاموات یا رافع الدرجات یا راحم العبرات
یا مقیل العثرات یا کاشف الکربات یا نور الارض و السماوات یا صاحب
کل غریب یا شاهدا لا یغیب یا مونس کل وحید یا ملجأ کل طرید یا راحم
الشیخ الکبیر یا عصمة الخائف المستجیر یا مغنی البائس الفقیر یا فاک العانی
الاسیر یا من لا یحتاج الی التفسیر یا من هو بکل شیء خبیر یا من هو علی کل شیء قدیر
یا عالی المکان یا شدید الارکان یا من لیس له ترجمان یا نعم المستعان
یا قدیم الاحسان یا من هو کل یوم فی شأن یا من لا یخلو منه مکان
یا اجود الاجودین یا اکرم الاکرمین یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین
یا ارحم الراحمین یا ولی المؤمنین یا نور المتقین یا ظهر اللاجین یا غیاث
المستغیثین یا جار المستجیرین یا رب الارباب و یا مسبب الاسباب یا
مفتح الابواب یا معتق الرقاب یا منشئ السحاب یا وهاب یا تواب یا من
حیث ما دعی اجاب یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا من بیده
کل مفتاح یا سابغ النعم یا دافع النقم یا باری النسم یا جامع الامم یا ذا الجود
و الکرم یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا عز من لا عز له یا حرز

من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث له یا حسن البلاء یا جزیل العطاء
یا جمیل الثناء یا حلیما لا یعجل یا علیما لا یجهل یا جوادا لا یبخل یا قریبا
لا یغفل یا صاحبی فی وحدتی یا عدتی فی شدتی یا کهفی حین تعیینی
المذاهب و تخذلنی الاقارب و یسلمنی کل صاحب یا رجائی فی المضیق
یا رکنی الوثیق یا الهی بالتحقیق یا رب البیت العتیق یا شفیق یا رفیق یا رب
البیت العتیق یا شفیق یا رفیق اکفنی ما اطیق و ما لا اطیق و فکنی من حلق
المضیق الی فرجک القریب و اکفنی ما اهمنی و ما لم یهمنی من امر دنیای
و آخرتی برحمتک یا ارحم الراحمین ۴۲ در حدیث صحیح از حضرت امام
جعفر صادق ع مرویست که هرکه صد نوبت سوره قل هو الله احد در وقت
خواب بخواند گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود باب دوم برای طلب حوائج و حاجات
اول کلینی بسند معتبر از علی بن جعفر روایت کرده است که محمد بن ابراهیم
بخدمت حضرت امام علی نقی ع نوشت که اگر مصلحت داند ای سید من تعلیم
نمایی دعایی که بعد از نماز بخوانم تا حق تعالی جمع نماید برای من خیر دنیا
و آخرت را پس آنحضرت برای من نوشت که بگوید بعد از هر نماز واجب اعوذ
بوجهک الکریم و عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع
منها شیء من شر الدنیا و الآخرة و من شر الاوجاع کلها
و در بعضی از روایات این تتمه را دارد و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

العظیم ۲ در مقباس علامه مذکور است که بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هرکه بعد از هر نماز فریضه چهار نوبت بگوید سبحان الله
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر پیش از آنکه از جای خود حرکت کند
هر حاجت که از خدا سؤال کند البته روا گردد ۳ کلینی از حضرت علیه السلام
بسند صحیح حسن روایت کرده است که هرکه بعد از هر نماز فریضه سه مرتبه بگوید
یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء احد غیره هر حاجت
که سؤال کند روا گردد ۴ شیخ طوسی علیه الرحمه و کفعمی بسند معتبر از حضرت
روایت کرده اند که حق تعالی وحی کرده بحضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
و سلم که یا محمد هر که از امت تو خواهد که میان دعاهای او و میان من
حایلی نباشد و مستجاب گردانم دعای او را برای هر امری که باشد خواه کوچک
و خواه بزرگ و خواه آشکار و خواه پنهان پس باید که این دعا را بخواند بعد از
دعاهای خود یا الله المانع بقدرته خلقه و المالک بها سلطانه و المتسلط
بما فی یدیه کل مربوب دونک یخیب رجاء راجیه و راجیک مسرور
لا یخیب و اسئلک بکل رضی لک فی کل شیء و بکل شیء تحب ان
تذکر به ربک یا الله فلیس یعدلک شیء ان تصلی علی محمد و آل محمد و
تحوطنی و اخوانی و اهلی و مالی و ولدی و تحفظنی بحفظک و ان تقضی حاجتی
پس حاجات خود را از حق تعالی سؤال کند ۵ کلینی بسند معتبر از حضرت

از حضرت صادق ع روایت کرده است که هرکه بعد از نماز مغرب سه مرتبه بگوید الحمد لله
الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره حق تعالی خیر بسیار باو کرامت
فرماید این دعا قریب بدعای سابق نیز یا مست ۶ سید ابن طاوس ره و ابن بابویه
بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده اند که هرکه بعد از صبح و نماز شام پیش
از آنکه پا بگرداند یا با احدی حرف بزند این صلوات را یکمرتبه بخواند حق تعالی صد
حاجت او را برآورد هفتاد از دنیا و سی حاجت از آخرت برآورد ان الله و ملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما اللهم صل علی محمد
و آل محمد النبی و علی ذریته و علی اهل بیته و بروایت ابن بابویه اللهم صل علی
محمد و ذریته ۷ کفعمی از شیخ طوسی ره روایت کرده است که هرکه این دعا را
در هر صباح بخواند حق تعالی هفتاد حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد و
شیخ طوسی و دیگران در تعقیب صبح این دعا را از حضرت امام علی النقی ع روایت
کرده اند و ظاهرا از دعاهای مصباح است و دعا اینست یا کبیر کل کبیر یا من
لا شریک له و لا وزیر یا خالق الشمس و القمر المنیر یا عصمة الخائف المستجیر یا
مطلق المکبل الاسیر یا رازق الطفل الصغیر یا جابر العظم الکسیر یا راحم الشیخ
الکبیر یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور یا شافی الصدور
یا جاعل الظل و الحرور یا عالما بذات الصدور یا منزل الکتاب و النور
و الفرقان العظیم و الزبور یا من تسبح له الملائکة بالابکار و الظهور یا دائم

الثابت يا مخرج النبات بالقدر والآصال يا محيي الاموات يا منشي العظام
الدارسات يا سامع الصوت يا سابق الفوت يا كاسي العظام البالية
لحم الموت يا من لا يشغله شغل عن شغل يا من لا يتغير من حال الى حال يا من
لا يحتاج الى تجشم حركة ولا انتقال يا من لا يمنعه شأن عن شأن يا من يرد
بالطف الصدقة والدعاء عن اعنان السماء ما حتم وابرم من سوء القضاء
يا من لا يحيط به موضع ومكان يا من لا يجعل الشفاء فيما نافى من الاشياء
يا من يمسك الرمق من المدنف العميد بما قل من الغذاء يا من يزيل بادنى الدواء
ما غلظ من الداء يا من اذا وعد وفى واذا توعد عفى يا من يملك حوائج السائلين
يا من يعلم ما في ضمير الصامتين يا عظيم الخطر يا كريم الظفر يا من له وجه لا
يبلى يا من له ملك لا يفنى يا من له نور لا يطفى يا من فوق كل شيء عرشه يا من
في البر والبحر سلطانه يا من في جهنم سخطه يا من في الجنة رحمته يا من مواعيده
صادقة يا من اياديه فاضلة يا من رحمته واسعة يا غياث المستغيثين
يا مجيب دعوة المضطرين يا من هو بالمنظر الاعلى وخلقه بالمنزل الادنى
يا رب الارواح الفانية يا رب الاجساد البالية يا ابصر الناظرين يا
اسمع السامعين يا اسرع الحاسبين يا احكم الحاكمين يا ارحم الراحمين
يا وهاب العطايا يا مطلق الاسارى يا رب العزة يا اهل التقوى واهل
المغفرة يا من لا يدرك امده يا من لا يحصى عدده يا من لا ينقطع مدده اشهد

والشهادة

والشهادة لي رفعة وعدة وهي مني سمع وطاعة وبها ارجو النجاة
يوم الحسرة والندامة انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا
شريك لك وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك صلواتك عليه وآله وانه
قد بلغ عنك وادى ما كان واجبا لك وانك تخلق دائما وترزق
وتعطي وتمنع وترفع وتضع وتغني وتفقر وتخذل وتنصر وتعفو و
ترحم وتصفح وتجاوز عما تعلم ولا تجور ولا تظلم وانك تقبض
وتبسط وتمحو وتثبت وتبدئ وتعيد وتحيي وتميت وانت حي لا
تموت فصل على محمد وآله واهدني من عندك وافض علي من فضلك
وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك فطالما عودتني الحسن
الجميل واعطيتني الكثير الجزيل وسترت علي القبيح اللهم فصل على محمد وآله
وعجل فرجي واقلني عثرتي وارحم عبرتي واردد لي الى افضل عادتك عندي
واستقبل بي صحة من سقمي وسعة من عدمي وسلامة شاملة في بدني
وبصيرة ونظرة نافذة في ديني ومهدني واعني على استغفارك و
واستقالتك قبل ان يفنى الاجل وينقطع الامل واعني على الموت
وكربته وعلى القبر ووحشته وعلى الميزان وخفته وعلى الصراط وزلته
وعلى يوم القيامة وروعته واسئلك نجاح العمل قبل انقطاع الاجل
وقوة في سمعي وبصري واستعمالا لصالح ما علمتني وفهمتني انك انت

انت الرب الجليل وانا العبد الذليل وشتان ما بيننا يا حنان يا
منان يا ذا الجلال والاكرام وصل على من به فهمتنا وهو اقرب و
سائلنا اليك ربنا محمد وآله وعترته الطاهرين ۞ كلينى وابن بابويه
بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع روایت کرده است که هر که این دعا را
بعد از نماز صبح بخواند هر حاجت که دارد که طلب نماید میسر گردد و مهمات
او میسر گردد بسم الله وصلى الله على محمد وآله وافوض امري
الى الله ان الله بصير بالعباد فوقاه الله سيئات ما مكروا
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له
ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا الله ونعم الوكيل
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس
ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب من المربوبين
حسبي الخالق من المخلوقين حسبي الرازق من المرزوقين
حسبي الذي لم يزل حسبي حسبي من كان مذ كنت حسبي
لم يزل حسبي حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم ۞ کلینی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که نزدیکترین احوال بنده بسوی خدا وقتی است که بنده در

سجده

که بنده در سجده باشد چون بسجده روی بگو یا رب الارباب ویا ملک
الملوك ويا سيد السادات ويا جبار الجبابرة ويا اله الآلهة
صل على محمد وآل محمد پس حاجات خود را طلب پس بگو فاني عبدك نا
صيتي في قبضتك پس هر دعا که خواهی بکن که خداوند عالم روا میگرداند
بخشنده و مهربان است و بر آوردن هیچ حاجت برا او دشوار نیست و بسندهای
معتبر بسیار از آن حضرت منقول است که نزدیکترین بنده بخدا در حالتی است
که در سجده باشد و گریان باشد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که سجده شکر واجب
است بر هر مسلمان تمام میکنی با آن نماز خود را و خشنود میگردانی بان پروردگار
خود را و ملائکه را از خود بعجب می آوری بدرستیکه هرگاه که بنده نماز کند و بعد از
آن سجده شکر رود پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه
بکشد پس گوید ای ملائکه من نظر کنید بسوی بنده من که ادا کرد فرض مرا و تمام
کرد عهد مرا پس سجده کرد از برای شکر آنچه من برا او انعام کرده ام
ای ملائکه من او را چه باید کرد گویند پروردگارا رحمت تو پس فرماید که
دیگر چه باید کرد گویند پروردگارا بهشت تو باز فرماید که دیگر چه باید کرد
گویند کفایت مهمات او و برآوردن حاجتهای او پس حقتعالی مکرر
سؤال می نماید و ملائکه جواب گویند تا آنکه ملائکه گویند پروردگارا
دیگر ما چیزی نمیدانیم آنگاه خداوند کریم گوید که من او را شکر کنم چنانچه او مرا

و اقبال کنم بسوی او بفضل خود و رحمت عظیم خود را در قیامت با و نمایم ١٠
سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که هر که در سجده شکر این دعا را بگو
پیش از آنکه سر بردارد دو حاجتش بر آورده شود اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ
اِلَيْكَ اَعْتَمَدْتُ وَاَرَدْتُ وَبِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
وَاَنْتَ عَالِمٌ بِمَا اَرَدْتُ ١١ ابن بابویه بسند معتبر از حضرت
صادق ع روایت کرده است که هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید
يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ خداوند کریم جواب گوید لبیک بنده من
حاجت خود را بطلب و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که هر که در
سجده یَا رَبَّاهُ یَا سَیِّدَاهُ بگوید آنقدر که نفس تمام شود حق تعالی فرماید
که حاجت خود را سؤال کن و ایضا روایت کرده است که بعضی از ائمه ع در
سجده میگفت سَجَدَ لَكَ يَا رَبِّ طَالِبٌ غَيْرُ ثَوَابِكَ سَجَدَ لَكَ
يَا رَبِّ هَارِبٌ مِنْ عِقَابِكَ سَجَدَ لَكَ يَا رَبِّ خَائِفٌ مِنْ سُخْطِكَ پس
میگفت یا الله یا رَبَّاهُ تا نفس وفا کرد پس حاجت خود را طلب میکرد
ابن بابویه روایت کرده است از حضرت علیه السلام که هرگاه
بنده در سجده بگوید یا رب یا رب تا نفس وفا کند پروردگار عالم فرماید
که لبیک حاجت چه داری ١٥ کلینی بسند حسن از حضرت صادق ع روایت
کرده است که چون حضرت امیر المؤمنین ع صبح میکرد سه دفعه میگفت سبحان
الملک

الملک القدوس پس میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ
وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ
وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي الْكِتَابِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ
وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعَظِيمِ سُلْطَانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و فرمود در پی از خواندن این دعا هر حاجت که داری
از خداوند تبارک و تعالی بطلب که بر آورده است ١٣ در مجتنی از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود هر کس بگوید یا الله یا الله آنقدر
که نفس منقطع شود یا ربّاه یا ربّاه آنقدر که نفسش منقطع شود یا رحیم
یا رحیم آنقدر که نفسش منقطع شود یا ارحم الراحمین آنقدر که نفسش
منقطع شود پس از آن حاجت خود را بطلبد تا جناب رب الارباب حاجت او را بر آورد و
در آن حال مستجاب کرداند ١٤ و مجتنی از کتاب الوسائل سالا ائمه نقل کرده
از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که آنحضرت فرمود هر کس بخواهد خدای
تا خصمهای او را از او راضی کرداند چهار رکعت نماز بگذارد و خواه در شب باشد و خواه در روز
در رکعت اول فاتحة الکتاب را یکبار و سوره اقرا را ده مرتبه بخواند و در رکعت
دوم الحمد را یکمرتبه و سوره اقرا را پانزده بار و در رکعت ثالثه حمد را یکمرتبه و اخلاص را
هفتاد بار و در رکعت رابع الحمد را یکبار و اخلاص را هفتاد بار بخواند اگر خصمهای او
شماره ریگ باشد خدای تعالی آنها را از او راضی بکند از رحمت و فضل و رحمت

در وقفه خود و این نماز گزارنده به بهشت برود مثل برق لامع بدون حساب اول
جماعتی که در نعیم بهشت میشوند ١٠ در همان کتاب از حضرت صادق ع مرویست
که آنحضرت فرمود بر شما باد بر خواندن سوره انعام که در آن نام خدا در هفتاد
جا است پس هر کس که برای او حاجتی باشد پس بکند چهار رکعت نماز با سوره حمد
و سوره انعام بخواند پس از فارغ شدن از نماز یا کریم یا کریم یا عظیم یا عظیم
يَا اَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي وَمَسْكَنَتِي
فَاِنَّكَ اَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِحَاجَتِي يَا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَعْقُوبَ
حَتَّى رَدَّ يُوسُفَ عَلَيْهِ وَاَقَرَّ عَيْنَهُ يَا مَنْ رَحِمَ اَيُّوبَ بَعْدَ طُولِ
بَلَائِهِ يَا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّدًا وَمِنَ الْيُتْمِ آوَاهُ وَنَصَرَهُ عَلَى جَبَابِرَةِ قُرَيْشٍ
وَطَوَاغِيتِهَا وَاَمْكَنَهُ مِنْهُمْ يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ پس قسم بخدا که هیچ
کس از دوستان او هرگاه عمل کند باین دعا بعد از آنکه نماز مذکور را با این طریقه
بجا آورد مگر آنکه سؤال کند از خدا جمیع حوائج خود را همه را قبول کرده بعد
انشاء الله تعالی دعای مشهور بدعای مشلول در منهج ذکر کرده که جمعی ذکر کرده اند
از جناب ابی عبدالله الحسین ع که فرمود نزد علی ابن ابی طالب علیه السلام بودم
در طواف مکه معظمه در شب بسیار تاریکی بود و قلیل النور و طواف خالی شده بود و زوار
خوابیده بودند و چشمها را خواب گرفته بود و شنیدم شخصی استغاثه میکند و
طلب

وطلب رحمت میکند بصدای حزینی از دل دردناک و میگوید یا من یجیب دعوة المضطر
فی الظلم یا کاشف الضر والبلوی مع السقم قد نام وفدک حول البیت و انتبهوا
یدعو و عینک یا قیوم لم تنم هب لی بجودک فضل العفو عن جرمی یا من اشار الیه الخلق
فی الحرم ان کان عفوک لا یلقاه ذو سرف فمن یجود علی العاصین بالنعم حسین بن
علی ع فرمود آن حضرت بمن فرمود یا ابا عبدالله آیا نشنیدی از کسیکه گناهانش
را ذکر کننده است و بر در رحمتش استغاثه مینماید گفتم بلی شنیدم فرمود او را
بجو و او را بنزد من بیاور پس من میگشتم از تاریکی شب و سلامی رفتم مابین خفتگان
وقتی که رسیدم مابین رکن و مقام دیدم شخصی ایستاده گفتم با او السلام علیک
ای بنده اقرار کننده بگناهانش و طلب عفو کننده از رحمت و استغاثه کننده به پروردگار
و پروردگارش پس عم رسول الله صلوات الله علیه تو را میخواهد پس سرعت کرده در سجود
و قعود و سلام داد و تکلم نکرد و بمن بدست اشاره کرد که پیش باشد پیش
افتادم و او را آوردم نزد امیر المؤمنین ع و عرض کردم اینست آنشخص پس آنحضرت
نظر کرد باو دید جوانی بود خوب روی و لباسش پاکیزه بود آن حضرت فرمود تو کیستی عرض
کرد چه طرح و خود حال شخصی که عقوق او را گرفتار نموده او در شیء بلا باشد که تجربها
و مصیبتها او را در یابد و بد حال او را احاطه کند پس مضطرب شود دعای او تجاب
نشود آنحضرت فرمود برای چه شده است جوان عرض کرد من میان عرب ستمگر
بودم بلهو و لعب مشغول میشدم بعصیان در ماه رجب و شعبان و در ... پدر خیر خواهد

رحمن و برای امر بدرستی تحقیق و رفیقی و همبانی بوده مرا اینرسان از مصایب هجران و
از عقاب آتش دوزخ و این میگفت چه بسیار خشک آمده از تو روزها و
و شب و روز دعا بجهاد و بجهاد و بلا که کلام و هر وقت او مبالغه میکرد در غلط
من او را زجر میکردم و درشتی می نمودم و برادیدم و او را بیرون دم و روزی
خواستم دراهمی در مخزن بود بردارم و بعضها که مشغول بودم صرف کنم رد
مرا مخالفت کرد و من او را زدم و دستش را دادم و دراهم را گرفتم و رفتم پس
بدستش اشاره کرد بزانو ایش می خواست برخیزد از جای خود از شدت
وجع قادر نبود بر حرکت دادن آنها پس شروع کرد و می خواند حرکت رحم بیتی
وبین منازل ؛ سوآء کما یستنزل القطر طالبه ؛ و ربیت حتی صار جلداً شمردلا ؛
اذا قام ساوی غارب الفحل غاربه ؛ و قد کنت اوتیه من الزاد فی الصبی ؛
اذا جاع منه صفوه واطایبه ؛ فلما استوی فی عنفوان شبابه ؛ و اصبح کالرمح
الردینی ؛ خاطبه تعرضنی مالی کذا ولوی یدی ؛ لوی یده الله الذی هو غالبه ؛
بعد از آن قسم خورد که برود در بیت الله الحرام و از دست من بخدا شکایت کند
پس چند هفته روزه گرفت و چند رکعت نماز کرد و دعا نمود و بسالها افتاد و در کار
که شد روز حج اکبر و از شهر با یمن آمد و متوجه بیت الحرام شد پس سعی کرد و
طواف کرد و چسپید باستار بیت و ابتهال کرد و نفرین کرد و در دعا این ابیات را
خواند یا من الیه اتی الحجاج بالجهد ؛ فرق المهاری من قصی غایة البعد ؛ اتی

ابتلیتک یا من یجیب ؛ یدعوه مبتهلا یا لواحد الصمد ؛ هذا منازل من یرتاع
من عققی ؛ فخذ بحقی یا جبار من ولدی ؛ حتی تشل بحول منه جانبه ؛ یا من تقدس لم
یولد ولم یلد ؛ گفت قسم بخداوندی که آسمان و زمین را مرتفع ساخت و آبرا
جاری کرد هنوز دعای او تمام نشده بود که نازل شد آنچه میبینی بعد از آن گشود
از طرف راستش دیدم و شل شده و گفت من سه سال است که از او سؤال میکنم که دعا
کند برای من در جائی که نفرین کرده بر من قبول میکند و امسال قبول و بیرون آمد
و سوار شتری بود در عقب او بیرون شدیم با مسجد عافیت و قبیله با رکت و حطمه و وادی
مبارک رسیدیم مرغی برخواست و شتر از ورم کرد و او را انداخت و بر زمین خورد
و افتاد و مرحوم شد ما بین دو سنگ او را در آنجا دفن کردیم و بدترین مصیبت این است
که مشهور شده ام بگرفتار شده بدعای پدر پس امیر المؤمنین فرمود اتاک
الغوث اتاک الغوث تعلیم میکنم ترا دعائی که تعلیم کرده بر من رسول خدا
و در آنست اسم الله الاکبر الاعظم العزیز الاکرم چنان اسمی که استجابت میکند
بآن دعاها هر کس را که دعا کند و عطا میکند هر کس را که بآن سؤال کند و رفع
میکند بآن هم را و کشف میکند بآن کرب را و میبرد بآن غم را و خوب میکند
بآن سقم را و جبری کند بآن استخوان شکسته را و غنی میکند بآن فقیر را و قضا میکند
بآن قرض را و رد میکند بآن عین هر چیزی را که رفته باشد و گناهان را بآن
می بخشد و عیوب را بآن ستر می کند و هر خائف را بآن مطمئن میکند

شر شیطان مرید و جبار عنید اگر او را مطیع خدا بر کوه خواند کوه از جایش
زایل بشود و اگر بر مرده بخواند خدا او را بعد از مردن زنده میکند و اگر بر آب
بخواند بالای آن راه می رود اگر عجب بکنند پس تقوی کن ای مرد را برتو
رحم آمد باید صدق نیت تو را باید این دعا را از برای معصیتی بخوان
و نه بیجا مگر بر شخصی که بر دین او وثوق داشته باشی و اگر نیت خود را خالص
کردی در حق تو خداوند دعای تو را مستجاب میکند و میبینی پدر خود را در
نزد پیغمبر ... در خواب ترا ... دهد بشت ... هر دو خبر ده استجابت
دعا را جناب امام حسین علیه السلام می فرماید که سرور من بغایت از دعا
فرمود از شادی آن ... که با و رسیده بود چون
من این دعا را از آنحضرت شنیده بودم و این دعا را بعد از آن نمیدانستم بعد
از آن فرمود بیاور دوات و کاغذ و بنویس آنچه میگویم پس من آوردم
فرمود بنویس اللهم انی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
یا ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم لا اله الا انت یا من لا یعلم
ما هو ولا کیف هو ولا این هو ولا حیث هو الا هو یا
ذا الملک والملکوت یا ذا العزة والجبروت یا ملک یا قدوس
یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق
یا بارئ یا مصور یا مفید یا ودود یا بعید یا قریب یا

یا مجیب یا رقیب یا حسیب یا بدیع یا رفیع یا منیع یا سمیع یا علیم
یا حکیم یا کریم یا حلیم یا قدیم یا علی یا عظیم یا حنان یا منان
یا دیان یا مستعان یا جمیل یا جلیل یا وکیل یا کفیل یا مقیل یا منیل
یا نبیل یا دلیل یا هادی یا بادی یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن
یا حاکم یا قاضی یا عادل یا فاضل یا واصل یا طاهر یا باطن یا حاکم
یا طاهر یا مطهر یا قادر یا کبیر یا متکبر یا احد یا صمد یا من
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد ولم یکن له صاحبة ولا
کان معه وزیر ولا اتخذ معه مشیراً ولا احتاج الی ظهیر ولا
کان معه اله لا اله الا انت فتعالیت عما یقول الجاحدون
علواً کبیراً یا عالم یا شامخ یا ... یا فتاح یا مفرج یا ناصر یا
منتصر یا مهلک یا منتقم یا باعث یا وارث یا اول یا طالب
یا غالب یا من لا یفوته هارب یا تواب یا اواب یا وهاب
یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب یا من حیث ما دعی اجاب
یا طهور یا شکور یا عفو یا غفور یا نور النور یا مدبر
الامور یا لطیف یا خبیر یا متجبر یا منیر یا بصیر یا ظهیر یا کبیر
یا وتر یا فرد یا صمد یا سند یا کافی یا محسن یا مجمل یا معافی یا
منعم یا متفضل یا متکرم یا متفرد یا من علا فقهر یا من ملک

فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر وستر يا من
لا تحويه الفكر ولا يدركه بصر ولا يخفى عليه أثر يا رازق
البشر يا مقدر كل قدر يا عالي المكان يا شديد الأركان يا مبدل
الزمان يا قابل القربان يا ذا المن والإحسان يا ذا العز والسلطان
يا رحيم يا رحمن يا عظيم الشأن يا من هو كل يوم في شأن يا من
لا يشغله شأن عن شأن يا سامع الأصوات يا مجيب الدعوات
يا منجح الطلبات يا قاضي الحاجات يا منزل البركات يا راحم
العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف الكربات يا ولي الحسنات
يا رفيع الدرجات يا معطي السؤلات يا محيي الأموات يا مطلع
على النيات يا راد ما قد فات يا من لا تشتبه عليه الأصوات
يا من لا تضجره المسألات ولا تغشاه الظلمات يا نور الأرض
والسموات يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع الأمم
يا شافي السقم يا خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم يا من لا يطأ
عرشه قدم يا أجود الأجودين يا أكرم الأكرمين يا أسمع السامعين
يا أبصر الناظرين يا جار المستجيرين يا أمان الخائفين يا ظهر اللاجين
يا ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين يا غاية الطالبين
يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا ملجأ كل طريد

يا مأوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير
يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا فاك كل أسير يا مغني
البائس الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير و
التقدير يا من العسير عليه يسير يا من لا يحتاج إلى تفسير
يا من هو على كل شيء قدير يا من هو بكل شيء خبير يا من
هو بكل شيء بصير يا مرسل الرياح يا فالق الإصباح يا باعث
الأرواح يا ذا الجود والسماح يا من بيده كل مفتاح يا سامع
كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل نفس بعد الموت
يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي في وحدتي
يا وليي في نعمتي يا كهفي حين تعييني المذاهب وتسلمني الأقارب
ويخذلني كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند
له يا ذخر من لا ذخر له يا كهف من لا كهف له يا ركن من لا ركن
له يا كنز من لا كنز له يا غياث من لا غياث له يا جار من لا
جار له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا إلهي بالتحقيق يا
رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من حلق المضيق و
اصرف عني كل هم وغم وضيق واكفني شر ما لا أطيق و
أعني على ما أطيق يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف ضر

أيوب يا غافر ذنب داود يا رافع عيسى بن مريم من أيدي اليهود
يا مجيب نداء يونس في الظلمات يا مصطفي موسى بالكلمات
يا من غفر لآدم خطيئته ورفع إدريس مكانا عليا برحمته
يا من نجى نوحا من الغرق يا من أهلك عادا الأولى وثمود فما
أبقى وقوم نوح من قبل إنهم كانوا هم أظلم وأطغى والمؤتفكة
أهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا
من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه وآله عليهم
أجمعين حبيبا يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان ملكا
لا ينبغي لأحد من بعده يا ناصر ذا القرنين على الملوك الجبابرة
يا من أعطى الخضر الحياة ورد ليوشع بن نون الشمس بعد
غروبها يا من ربط على قلب أم موسى وأحصن فرج مريم بنت عمران
يا من حصن يحيى بن زكريا من الذنب وسكن عن موسى
الغضب يا من بشر زكريا بيحيى يا من فدى إسماعيل من الذبح
يا من قبل قربان هابيل وجعل اللعنة على قابيل يا هازم
الأحزاب صل على محمد وآل محمد وعلى جميع المرسلين وملائكتك
المقربين وأهل طاعتك أجمعين أسألك بكل مسألة سألك
بها أحد ممن رضيت عنه فحتمت له بالإجابة يا الله يا

الله

الله يا رحمن يا رحيم يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال والإكرام به به
به به به به به أسألك بكل اسم سميت به نفسك أو
أنزلته في شيء من كتبك أو استأثرت به في علم الغيب
عندك وبما لو أن ما في الأرض من شجرة أقلام والبحر يمده
من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمات الله وأسألك
بأسمائك الحسنى التي بينتها في كتابك فقلت ولله الأسماء
الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني أستجب لكم وقلت إذا
سألك عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة
الله وأنا أسألك يا إلهي وأطمع في إجابتي يا مولاي كما
وعدتني وقد دعوتك كما أمرتني فافعل بي كذا وكذا
و هر آنکس از جناب اقدس الهی هر چه بخواهی و مطلب خود را ذکر میکنی دعا مکن
باد لکم در حاجتی که تو طاهر باشی بعد از آن فرمود بخوان وقتی در شب دهم حاجت کی
و فردا خبرش را بمن بیا در حضرت امام حسین علیه السلام فرمود آن جوان دعا را
برداشت و رفت و در هنگام صبح جوان آمد سالم و عافیت یافته و دعا در
دستش و داد مرحبا که این دعا اسم اعظم است دعای مستجاب شد قسم به پروردگار
کعبه امیر المؤمنین فرمود با خبر ده جوان عرض کرد چشمها را خواب گرفته
و ... رسالت مآب را در خواب دیدم و دستها را عنبر کرده و خدا را دعا کردم

دعا کردم وکمی آن مکرر پس شنیدم در ثنا به حسبک یحیی بن سریت زاید بن که خدا را
خوانش با اسم اعظمش بهر زبان خوانیدم جناب رسول خدا در خواب دیدم و شنیدم که فرمود
بالید بر رخ و آن حضرت می فرمود اسم خدا را حفظ کن تو در خبر رسی پس از خواب
بیدار شدم و فیت یا حسبه فخبر اکتا الله خیرا مؤلف گوید عبارت خبر اجمالی
دارد شاید مراد هست که تا ده شب بیند عا را لمرحان دهر روی شب دهم شاید
باور جوان گفت که شب مکرر خواندم دیدار آنکه در شب هم که حسبک [۱۲] ابن
طاوس ره در مهج از محمد بن صدقه روایت کرده است گفت سؤال کردم از ابا
عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام آنکه تعلیم کند بر من دعای که او را بخوانم در مهمات
مشکله پس بیرون آورد برای من چند ورقه از صحیفه عتیقی و فرمود انتساخ کن
آنچه در این صحیفه است آن دعای جدم علی بن الحسین است در مهمات پس نوشتم
آنچه در آن نسخه بود با آن طریقه که در آن بود پس هرگز مرا حزنی مهموم نکرد و با اهتمام
غمی در خت مگر آنکه دعا را خواندم پس خدا او را برداشت و حزن مرا برد و سؤل مرا
داد و این دعا است اللّٰهمّ هدیتنی فلهوت ووعظت فقسوت وابلیت
الجمیل واقلعت فعدت فسترت فلك الحمد یا الهی تقحمت اودیة
الهلاك وحللت شعاب تلفی وتعرضت فیها بسطواتك وبحلولها العقوبات
ووسیلتی الیك التوحید وذریعتی انی لم اشرك بك شیئا ولم اتخذ معك
الها وقد فررت الیك من نفسی والیك یفر المسیء وانت مفزع

المضیع

المضيع حظ نفسه فلك الحمد يا الهي فكم من عدو انتضى علي سيف
عداوته وشحذ لي ظبة مديته وارهف لي شبا حده وداف
لي قواتل سمومه وسدد نحوي صوائب سهامه ولم تنم
عني عين حراسته واضمر ان يسومني المكروه ويجرعني زعاق
مرارته فنظرت يا الهي الى ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي عن
الانتصار ممن قصدني بمحاربته ووحدتي في كثير عدد
من ناواني وارصد لي البلاء فيما لم اعمل فيه فكري فابتدأتني
بنصرك وشددت ازري بقوتك ثم فللت لي حده و
صيرته بعد جمع وحده فاعليت كعبي عليه وجعلت ما
سدده مردودا عليه ورددته ولم يشف غليله ولم تبرد
حرارة غيظه قد عض على شواه وادبر موليا قد اخلفت
سراياه وكم من باغ بغاني بمكائده ونصب لي اشراك مصا
يده ووكل بي تفقد رعايته واضبأ الي اضباء السبع لطريد
ته وانتظارا لانتهاز فريسته فناديتك يا الهي مستغيثا
بك واثقا بسرعة اجابتك عالما انه لن يضطهد من اوى
الى ظل كنفك ولن يفزع من لجأ الى معاقل انتصارك
فحصنتني من بأسه بقدرتك وكم من سحائب مكروه قد جليتها

وغواشي كربات كشفتها لا تسأل عما تفعل ولقد سئلت فا
عطيت ولم تسأل فابتدأت واستميح فضلك فما اكديت
ابيت الا احسانا وابيت الا تقحم حرماتك وتعدي حدودك
والغفلة من وعيدك فلك الحمد من مقتدر لا يغلب و
ذي اناة لا يعجل هذا مقام من اعترف بالتقصير وشهد
على نفسه بالتضييع الهي اتقرب اليك بالمحمدية
الرفيعة واتوجه اليك بالعلوية البيضاء فاعذني
من شر ما خلقت ومن شر من يريد بي سوءا فان
ذلك لا يضيق عليك من وجدك ولا يتكادك في
قدرتك وانت على كل شيء قدير الهي ارحمني
بترك المعاصي ما ابقيتني وارحمني بترك تكلف
ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني و
الزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني واجعلني اتلوه
على ما يرضيك به عني ونور به بصري واوعه
سمعي واشرح به صدري وفرج به قلبي واطلق
به لساني واستعمل به بدني واجعل فيّ من الحول
والقوة ما يسهل ذلك علي فانه لا حول ولا قوة الا

بك

بك اللهم انت ربي ومولاي وسيدي واملي والهي
وغياثي وسندي وخالقي وناصري وثقتي ورجائي
لك محياي ومماتي ولك سمعي وبصري وبيدك رزقي
واليك امري في الدنيا والاخرة ملكتني بقدرتك و
قدرت علي بسلطانك لك القدرة في امري و
ناصيتي بيدك لا يحول احد دون رضاك برأفتك ارجو
رضوانك لا ارجو ذلك بعملي فقد عجز عني عملي فكيف ارجو
ما قد عجز عني اشكو اليك فاقتي وضعف قوتي واسرافي في
امري وكل ذلك من عندي وما انت اعلم مني فاكفني ذلك
كله اللهم اجعلني من رفقاء محمد حبيبك وابراهيم خليلك
ويوم الفزع الاكبر من الآمنين فآمني وبتبشيرك فبشر
لي وباظلالك فظللني وبمفازة من النار فنجني لا تمسني السوء
ولا تخزني ومن الدنيا فسلمني ونجني يوم القيامة فلقني وبذكرك
فذكرني ولليسرى فيسرني وللعسرى فجنبني وللصلوة والزكوة
ما دمت حيا فالهمني ولعبادتك فقوني وفي الفقر وعرضاتك
فاستعملني ومن فضلك فارزقني ويوم القيامة فبيض وجهي
وحسابا يسيرا فحاسبني وبقبيح عملي فلا تفضحني وبهداك

فاهدني وبالقول الثابت في الحيوة الدنيا والآخرة
فثبتني وما احببت فحببه الي وما كرهت فبغضه الي
وما اهمني من امر الدنيا والآخرة فاكفني وفي صلاتي
وصيامي ودعائي ونسكي وشكري ودنياي وآخرتي
فبارك لي وفي المقام المحمود فابعثني وسلطانا نصيرا فاجعل
لي وظلمي وجهلي واسرافي في امري فتجاوز عني ومن فتنة المحيا
والممات فخلصني ومن الفواحش ما ظهر منها وما بطن فنجني
ومن اوليائك يوم القيمة فاجعلني وادم لي صلاحي الذي
اصلحتني به وبالحلال من الحرام فاغنني وبالطيب عن الخبيث
فاكفني اقبل بوجهك الكريم الي ولا تصرفه عني والى
صراطك المستقيم فاهدني ولما تحب وترضى فوفقني
اللهم اني اعوذ بك من الرياء والسمعة والكبرياء والتعظيم
والخيلاء والفخر والبذخ والاشر والبطر والاعجاب بنفسي
والجبرية رب فنجني واعوذ بك من العجز والبخل و
الحرص والمنافسة والغش واعوذ بك من الطمع والطبع
والهلع والجزع والزيغ والقمع واعوذ بك من البغي والاعتداء
والفساد والفجور والفسوق واعوذ بك من الخيانة والعدوان

والطغيان رب واعوذ بك من المعصية والقطيعة
والسيئة والفواحش والذنوب واعوذ بك من الاثم
والمأثم والحرام والمحرم والخبيث وكل ما لا تحب رب
اعوذ بك من شر الشيطان وبغيه وظلمه وعداوته
وشركه وزبانيته وجنده واعوذ بك من شر ما خلقت
من دابة وهامة او جن او انس مما يتحرك واعوذ بك
من شر ما ذرء في الارض وما يخرج منها واعوذ بك من
شر ما ذرء في الارض وما يخرج منها واعوذ بك من شر
كل كاهن وساحر وزاجر ونافث وراق واعوذ بك من
شر كل حاسد وباغ وطاغ ونافس وظالم ومتعد و
جائر واعوذ بك من العمى والصمم والبكم والبرص والجذام
والشك والريب واعوذ بك من الكسل والفشل والعجز
والتفريط والعجلة والتضييع والتقصير واعوذ بك رب
من شر ما خلقت في السموات والارض وما بينهما وما
تحت الثرى رب واعوذ بك من الفقر والفاقة والحاجة
والمسكنة والضعفة والعائلة واعوذ بك من القلة و
الذلة واعوذ بك من الضيق والشدة والقيد والحبس و

والوثاق والسجون والبلاء وكل مصيبة لا صبر لي
عليها آمين يا رب العالمين اللهم اعطنا كل الذي سألناك
وزدنا من فضلك على قدر جلالك وعظمتك بحقك لا اله
الا انت العزيز الحكيم ١٧ سيد بن طاوس ره ذکر کرده که در کتاب
یونس بن بکیر دیدم که او گفته سؤال کردم از سید خود ع ابن موسی الرضا علیه
السلام التحیة که تعلیم کند بمن دعائی که او را بخوانم در هر شدتی پس فرمود
بمن ای یونس حفظ کن آنچه برای تو می نویسم و بخوان آن را در هر شدتی دعای
تو مستجاب می شود و هر چه تمنای تو است بتو داده می شود که از آن نوشت
برای من بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ان ذنوبي وكثرتها قد اخلقت
وجهي عندك وحجبتني عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استيجاب
مغفرتك ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالدعاء وما وعدت امثالي
من المسرفين واشباهي من الخاطئين واوعدت القانطين بقولك
يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله
يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من
رحمتك فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا
برأفتك الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين
يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين اللهم لقد كان

الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك علي ملتحفا الهي
لقد وعدت المحسن بك ظنه ثوابا واوعدت المسيء
بك ظنه عقابا اللهم لقد امسك رمقي حسن الظن بك في
عتق رقبتي من النار وتغمد زللي واقالة عثرتي اللهم
قولك الحق الذي لا خلف له ولا تبديل يوم ندعوا كل اناس
بامامهم ذلك يوم النشور اذا نفخ في الصور وبعثر
ما في القبور اللهم اني اوفي واشهد واقر ولا اجحد
واسر واعلن واظهر وابطن بانك انت الله لا اله الا انت
وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك
صلى الله عليه وآله وان عليا امير المؤمنين سيد الا
وصياء ووارث علم الانبياء وعلم الدين ومبير المشركين
ومميز المنافقين ومجاهد المارقين امامي ومحجتي و
عروتي وصراطي ودليلي وحجتي ومن لا اثق بالاعمال
ولو زكت ولا اراها منجية لي ولو صلحت الا بولايته
والائتمام به والاقرار بفضائله والقبول من حملتها
والتسليم لرواتها واقر بأوصيائه من ابنائه ائمة
وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة و

ابوابا وأومن بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وشا
هدهم وحيهم وميتهم لا شك في ذلك ولا ارتياب
عند تحولك ولا انقلاب اللهم وادعني يوم حشري
ونشري بامامتهم وانقذني بهم يا مولاي من حر
النيران وان لم ترزقني روح الجنان فانك ان اعتقتني
من النار كنت من الفائزين اللهم فقد اصبحت يومي
هذا لا ثقة لي ولا رجاء ولا لجأ ولا مفزع ولا منجا
غير من توسلت بهم متقربا الى رسولك محمد صلى الله
عليه وآله ثم امير المؤمنين والزهراء سيدة نساء العالمين
والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي و
محمد وعلي والحسن ومن بعدهم مقيم المحجة المستورة
من ولده المرجو للامة من بعده اللهم فاجعلهم في هذا
اليوم وما بعده حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف
ونجني بهم من كل عدو وطاغ وفاسق وباغ ومن
شر ما اعرف وانكر وما استتر عني وما ابصر ومن شر
كل دابة انت آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم
اللهم بتوسلي بهم اليك وتقربي بمحبتهم وتحصني

بامامتهم افتح علي في هذا اليوم ابواب رزقك وانشر علي رحمتك
وحببني الى خلقك وجنبني بغضهم وعداوتهم انك على كل شيء
قدير اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة حق فاسألك
بمن جعلته اليك سببي وقدمته امام طلبتي ان تعرفني
بركة يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم وهم
مفزعي ومعونتي في شدتي ورخائي وعافيتي وبلائي و
نومي ويقظتي وظعني واقامتي وعسري ويسري وعلانيتي
وسري واصباحي وامسائي وتقلبي ومثواي وسري
وجهري اللهم فلا تخيبني بهم من نائلك ولا تقطع رجائي
من رحمتك ولا تؤيسني من روحك ولا تبتلني بانغلاق
الارزاق وسد مسالكها وارتتاج مذاهبها وافتح
لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا
والى كل سعة منهجا انك ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد وآله الطيبين ۱۸ درجع الدعوات مذکور است که جناب
پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر کس خواند این اسماء را خدا دعای
او را مستجاب میگرداند و فرمود هر گاه این اسماء را خوانده شود بر
صفحهای آهن آن آهن گداخته شود باذن خدای تعالی و فرمود قسم بآن

قسم بآن خداوندی که مرا براستی به پیغمبری بحق مبعوث کرده اگر تشنه
و گرسنه که شخصی بنهایت رسیده باشد و این اسماء مبارک را بخواند تشنگی
و گرسنگی او رفع می شود و اگر این اسماء را بخواند بر کوهی که واقع است
مابین او و بین مقصود و میخواهد از آن عبور کند آن کوه شق می شود
و از آن عبور میکند و اگر آنها را نزد دیوانه بخوانند جنون او رفع
می شود و اگر نزد زنی که زائیدن بر او دشوار باشد بخوانند بآسانی وضع
حمل شود و آنحضرت فرمود اگر این دعا را بخواند شخصی که منزل او در وسط
شهری است که آن شهر آتش گرفته و میسوزد منزل او خلاص می شود و نمی سوزد
و اگر کسی این دعا را چهل شب جمعه بخواند هر گناهی که دارد خدای تعالی او را
می بخشد قسم بخداوندی که مرا به پیغمبری بحق فرستاده دعا نکرده است باین
مظلومی مگر اینکه رفع هم و غم او می شود و آن سلطان را مطیع او گرداند انشاء
الله تعالی و آن اسماء اینست اللهم انی اسئلک یا من احتجب
بشعاع نوره عن نواظر خلقه یا من تسربل بالجلال
والعظمة واشتهر بالتجبر في قدسه يا من تعالى بالجلال
والكبرياء في تفرد مجده يا من انقادت الامور بازمتها
طوعا لامره يا من قامت السموات والارضون
مجيبات لدعوته يا من زين السماء بالنجوم الطالعة

وجعلها

وجعلها هادية لخلقه يا من انار القمر المنير في سواد الليل
المظلم بلطفه يا من انار الشمس المنيرة وجعلها معاشا
لخلقه وجعلها مفرقة بين الليل والنهار بعظمته
يا من استوجب الشكر بنشر سحائب نعمه اسئلك
بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
وبكل اسم هو لك سميت به نفسك واستأثرت
به في علم الغيب عندك وبكل اسم هو لك انزلته
في كتابك واثبته في قلوب الصافين الحافين
حول عرشك فتراجعت القلوب الى الصدور عن
البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق الفردانية مقرة
لك بالعبودية وانك انت الله انت الله انت الله لا اله
الا انت واسئلك بالاسماء التي تجليت بها للكليم
على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة
خرت الجبال متدكدكة لعظمتك وجلالك وهيبتك
وخوفا من سطوتك راهبة منك فلا اله الا انت فلا
اله الا انت فلا اله الا انت اسئلك بالاسم الذي
فتقت به رتق عظيم جفون عيون الناظرين الذي به

تدبیر حکمتک وشواهد حجج انبیائک یعرفونک بفطن
القلوب وانت فی غوامض مسرات سریرات الغیوب
اسئلک بعزة ذلک الاسم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تصرف عنی جمیع الآفات والعاهات والاعراض والامراض
والخطایا والذنوب والشک والشرک والکفر والشقاق
والنفاق والضلالة والجهل والمقت والغضب والعسر
والضیق وفساد الضمیر وحلول النقمة وشماتة الاعداء و
غلبة الرجال انک سمیع الدعاء لطیف لما تشاء مروی است
که سلمان فارسی عرض کرد یا رسول الله این را مردم تعلیم نمایم فرمود
نه یا ابا عبد الله نماز را ترک میکنند و مرتکب فواحش میشوند و خدا ایشان را
اهل بیت [illegible] و اهل شهرشان را [illegible] این کلمه را
می خوانند می کشند علی بن طاوس ره ذکر کرده که مبتلا شدم [illegible]
شدم بخواندن این کلمات بجهة سلامتی در روز سه شنبه این کلمات را خواندم
مظفر شدم بجهة خواندم مظفر گردیدم گفته خواندن این دعای مبارک
و محفوظ از شر حساد و مراد خود رسیدم ۲۹ سید بن طاوس علیه الرحمه
در مجمع الدعوات از اویس قرنی روایت که گفت امیر المؤمنین علیه السلم
فرمودند هر کس خواند این دعا را خدا مستجاب میکند دعای او را و مراد او
بجملند

برآورده میکند جمیع حوائج او را و جناب پیغمبر صلعم فرمود قسم بخداوندی
که مرا بحق فرستاده کسی که گرسنگی و تشنگی او بنهایت رسیده باشد بخواند
آن خدا را باین کلمات کرام بخواند خدا او را طعام میدهد او را و سیراب میکند
او را و هر گاه دعا کند باین اسماء بر کوهی که فاصله است مابین او و موضعی که اراده
آن موضع را دارد هر که آن کوه شکافته [illegible] راه میدهد او را بهر جائی
که میخواهد و اگر بخوانند او را بر مجنونی هر آینه جنون او رفع میگردد و اگر بخوانند
بر زنی که زائیدن بر او دشوار باشد بآسانی بزاید و فرمود قسم بخداوندی
که مرا به پیغمبری بحق فرستاده هر کس بخواند این دعا را جمعه شب جمعه میکشد
هر گناهی که میان او و خداست و هرگاه تنگی در حال شود بر سلطان خدای تعالی
او را از شر او مستخلص میکند و هر کس بخواند آنرا هنگام خوابیدن یا خوابش ببرد
می فرستد خداوند جل ذکره بعدد هر حرفی از آن هزار مرتبه استغفر الله از برای
او میکند و بعدد هر حرفی هزار ملک از روحانیین که حسن روی ایشان
از آفتاب بیشتر است او را و دعا میکنند و هر کس بخواند این کلمات را و حال
آنکه مرتکب کبایر شده بخشیده می شود جمیع گناهانش و هرگاه در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد و بعد از آن فرمود یا ابا عبد الله خدا روز [illegible] او را
و مؤذن مسجد را و امام [illegible] او را می بخشد و دعا اینست یا سلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر الطاهر المطهر القاهر القادر

المقتدر یا من ناداه من کل فج عمیق بالسنة شتی ولغات
مختلفة وحوائج اخری یا من لا یشغله شأن عن شأن انت
الذی لا تغیرک الازمنة ولا تحیط بک الامکنة ولا تأخذک
نوم ولا سنة یسر لی من امری ما اخاف عسره وفرج لی من
امری ما اخاف کربه وسهل لی من امری ما اخاف حزنه
سبحانک لا اله الا انت انی کنت من الظالمین عملت سوء
وظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت و
الحمد لله رب العالمین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وصلی الله علی نبیه وآله وسلم تسلیما ختم برای رفع هموم و غموم و حزن
اثر محمد بن هارون تلعکبری در مجموع الدعوات از عدی بن حاتم طائی روایت
کرده است که روزی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلم رفتم حضرت را
در نماز یافتم با رنگ متغیر و کسی بغیر از حضرت ندیده بودم که رکوع و سجودش از
آن حضرت تمام تر باشد چون صدای پای مرا شنید اشاره نمود بدست مبارک
که باش پس دو رکعت نماز کرد و بعد از سلام بسجده رفت و سجده را طول داد تا اینکه
گمان کردم که بخواب رفته است پس از سجده سر برداشت و این دعا را خواند
پس رو بجانب من کرد و فرمود که بحق آن خداوندی که دانه را شکافته و خلایق را
آفریده هر کس که هر مشکلی با کار بسته یا غارت زده این دعا را بخواند

البته خدای تعالی بلاشک بگشاید غمش را زایل گرداند و حاجتش را برآورد و سپس از آن
که هر [illegible] این دعا را بشنود حفظ کند راوی گفت که تا این حدیث را از آن
حضرت شنیدم این دعا را ترک نکرده ام و دعا اینست لا اله الا الله
حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله
تعبدا ورقا یا معز المؤمنین بسلطانه یا مذل الجبارین
بعظمته انت کهفی حین تعیینی المذاهب عند حلول النوائب
فتضیق علی الارض برحبها انت خلقتنی یا سیدی رحمة
منک لی ولولا رحمتک لکنت من الهالکین وانت
مؤیدی بالنصر علی اعدائی ولولا نصرک لکنت
من المغلوبین یا منشئ البرکات من مواضعها ومرسل الرحمة
من معادنها یا من خص نفسه بالعز والرفعة فاولیاؤه
بعزه یعتزون ویا من وضعت له الملوک نیر المذلة علی اعناقهم
فهم من سطواته خائفون اسئلک بکبریائک التی شققتها
من عظمتک وبعظمتک التی استویت بها علی عرشک وملکوت
بها فی خلقک فکلهم خاضع ذلیل لعزتک صل علی محمد وآله و
افعل بی اولی الامور بک تبارکت یا ارحم الراحمین
ختم ابن ادریس رحمه الله و دیگران بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم

روایت کرده‌اند هرگاه تو را مهمی عارض شود دست را بر جای سجود
خود بکش و از جانب چپ روی خود دست بمال و در بعضی از روایات
روایت سه مرتبه و در هر مرتبه بگو بسم الله الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک
من الهم والحزن والسقم والعدم والصغار والذل
والفواحش ما ظهر منها وما بطن و بعضی گفته‌اند که دست
بر سینه نیز بمال و در روایت معتبره دیگر دعا چنین وارد شده بعد از
الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن و در روایت شیخ اللهم
لک الحمد لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
اللهم اذهب عنی الهم والحزن والفتن ما ظهر منها وما بطن
در جمع الدعوات بسند معتبر از امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده
است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر بنده این دعا را در
بامداد بخواند در امان خدای تعالی باشد تا روز دیگر آن وقت و
غم و اندوهی و مشقتی که دارد از او برطرف شود و زایل گردد و روزی او فراخ
شود و برباد شاهان دفع شر شیطان نافع است پس در شدتها
بخوانند که هر دردی و هر بلائی که این دعای مبارک بخوانند اندوهش زایل گردد
و هر محبوسی که در حبس بخواند باید خلاص می شود و نجات می یابد بعون الله

و دعا جهت زیارت او برای دفع خواهش از آنها که نفرین کند با این دعا کسی
که از شر برآن اثر شر منتشر است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
یا صریخ المکروبین یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف
الکرب العظیم یا ارحم الراحمین اکشف کربی وهمی فانه
لا یکشف الکرب العظیم یا ارحم الراحمین اکشف کربی
وهمی فانه لا یکشف الکرب العظیم الا انت فقد تعرف
حالی وحاجتی وفقری وفاقتی فاکفنی ما همنی وما
غمنی من امر الدنیا والآخرة بجودک وکرمک اللهم بنورک
اهتدیت وبفضلک استغنیت وفی نعمتک اصبحت و
امسیت ذنوبی بین یدیک استغفرک واتوب الیک
اللهم انی اسئلک من حلمک بجهلی ومن فضلک لفاقتی و
من مغفرتک لخطایای اللهم انی اسئلک الصبر عند البلاء
والشکر عند الرخاء اللهم اجعلنی اخشاک الی یوم القاک
حتی کانی اراک اللهم انی اودعتها ان اذکرک کی لا انساک
لیلا ولا نهارا ولا صباحا ولا مساء آمین رب العالمین
اللهم انی عبدک ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی
حکمک عدل فی قضاؤک بجزاک فی فضلک وعطاؤک اللهم

انی اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته
فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت
به فی علم الغیب عندک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور بصری وجلاء حزنی
وذهاب همی اللهم انی اسئلک یا اکبر من کل کبیر
یا من لا شریک له ولا وزیر یا خالق الشمس والقمر المنیر
یا عصمة الخائفین یا جار المستجیرین یا مغیث المظلوم الحقیر
ویا رازق الطفل الصغیر یا مغنی البائس الفقیر یا جابر
العظم الکسیر یا مطلق المکبل الاسیر یا قاسم کل جبار عنید
اجعل لی من امری فرجا ومخرجا ویسرا وارزقنی من
حیث لا احتسب انک سمیع الدعاء یا ذا الجلال والاکرام اللهم
انک عفو تحب العفو فاعف عنی اللهم انک محسن فاحسن
الی اللهم انک رحیم تحب الرحمة فارحمنی اللهم انک رحیم
تحب الرحمة فارحمنی اللهم انک لطیف تحب اللطف فالطف
بی یا مقیل عثرتی ویا راحم عبرتی ویا مجیب دعوتی
اسئلک الخیر کله واعوذ بک من الشر کله ما احاط به
علمک یا غیاث من لا غیاث له ویا ذخر من لا ذخر له و

ویا سند من لا سند له اغفر لی عملک فی وشهادتک علی
فانک لتمنت لسعة رحمتک الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک
الثبات فی الامر والعزیمة علی الرشد واسئلک شکر نعمتک
واسئلک حسن عبادتک واسئلک قلبا سلیما ولسانا
صادقا واسئلک من خیر ما اعلم ومن خیر ما لا اعلم انک
تعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب اللهم بک اصبحنا و
بک امسینا وبک نصبح وبک نمسی وبک نحیی وبک
نموت وعلیک نتوکل والیک النشور ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم واشهد ان لا اله الا الله احدا
صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا افرأیت من اتخذ
الهه هواه واضله الله علی علم وختم علی سمعه و
قلبه وجعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من
بعد الله افلا تذکرون اللهم اطمس علی ابصار
اعدائنا کلهم من الجن والانس واجعل علی ابصارهم
غشاوة واختم علی قلوبهم واخرج ذکری من قلوبهم
واجعل بینی وبین عدوی حجابا وحصنا حصینا منیعا لا یقوی
سلطانا ولا شیطان ولا انس ولا جن اللهم انی اعوذ بک

في نحره واستعيذ بك من شره واستعين بك عليه
فاكفنيه كيف شئت اللهم لك الحمد وانت المستعان
وبك المستغاث واليك المشتكى ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم اجعل لي في صدري يومي هذا فلاحا
واوسطه نجاحا وآخره صلاحا اللهم اجعل لي في صدر
جميع بني آدم وحواء والجن والانس والشياطين والمردة
رأفة ورحمة حتى يكون خيرهم بين اعينهم وشرهم تحت اقدامهم
وبالله استعين عليهم من ان يفرط علي احد منهم او ان
يطغى عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك وحدك
لا شريك لك صل على محمد وآل محمد وارزقني الخير كله
ما احاط به علمك يا حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام
والحمد لله على آلائه واحمده على نعمائه واشكره على
بلائه واؤمن بقضائه الذي لا هادي لمن اضل ولا
خاذل لمن نصر واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله المصطفى وامينه
المرتضى انتجبه وحباه واختاره وارتضاه صلى الله عليه
وآله وسلم اللهم اني اسئلك ايمانا صادقا ليس بعده كفر

ورحمة انال بها شرف كرامتك في الدنيا والآخرة ربنا
وتعاليت ثم تولك ربي فهديت وعظم حلمك
ربي فعفوت فلك الحمد وجهك اكرم الوجوه وجاهك
افضل الجاه وعطيتك ارفع العطايا واهنأها تطاع
ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن تشاء تجيب
دعوة الداعي المضطر اذا دعاك وتكشف الضر وتشفي
السقيم وتغفر الذنب العظيم لا يجزي نعمائك احد
ربنا فلك الحمد حمدا ابدا لا يحصى عدده ولا ينقضي
سرمده حمدا كما حمدك الحامدون من عبادك الاولين
والآخرين اللهم اني اسئلك النصيب الاوفر من الجنة
واسئلك الهدى والتقى والعافية والبشرى قبل انقطاع
الدنيا اللهم اني اسئلك تقوى لا ينفد وفرجا لا ينقطع
والتوفيق لحمد ولباس التقوى وزينة الايمان
ومرافقة نبيك محمد ص في اعلى جنة الخلد يا بادي لا
بدا له ويا دائم لا نفاد له يا حي يا محيي الموتى يا قائم
على كل نفس بما كسبت اسئلك الهدى والتقى والعفاف
والغنى والتوفيق لما تحب وترضى يا ارحم الراحمين اللهم

اني اسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي
قهرت كل شيء وبعظمتك التي ذل لها كل شيء وبعلمك
الذي احاط بكل شيء وباسمك الذي يبيد له كل شيء
وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء وبنور وجهك
الذي اضاء له كل شيء ان تغفر لي كل ذنب وتمحو عني
كل خطيئة وان توفقني لما تحب ربنا وترضى وان تكفيني
ما اهمني وما غمني من امر الدنيا والآخرة وان ترزقني
عمل الخير كله ما احاط به علمك آمين رب العالمين وصلى
الله على محمد رسوله وآله الطاهرين ۴ علي بن طاوس
در مجتنی از کتاب دفع الهموم والاحزان بجای [illegible] نقل کرده که هر وقت
که هر وقت برای جناب پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم امری [illegible] رو میداد
از شر کسی رو میداد می‌شنید دستهای شریف را قبض میکرد و بعد از آن می‌فرمود
تضایقی تفرجی بعد از آن رو بقبله می‌فرمود و دستهای شریف را بالا میکرد
و می‌فرمود بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم اللهم اياك نعبد واياك نستعين اللهم كف
بأس الذين كفروا فانك اشد بأسا واشد تنكيلا
پس قسم بخدا که هنوز تمام نشده بود به آن گروه فرج میرسید و از روایت دیگر

دستهای مبارک [illegible] نصرت [illegible]
رو میداد ۞ در همان کتاب مذکور است که حضرت امام حسن به سبب
امری از امور محزون و مغموم میگردیدند به خانه خلوت میرفتند و این دعای
مبارک را میخواندند یا کهیعص یا نور یا قدوس یا حي
یا الله یا رحمن سه بار می‌فرمودند اغفر لي الذنوب التي تحدث
النقم واغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء واغفر لي الذنوب
التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء
واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي
ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي
الذنوب التي تكشف الغطاء بعد از آن حاجت خود را ذکر می‌کرد
۵ در مجتنی [illegible] روایت کرده که جناب پیغمبر ص روز را تعلیم کرد در خواب [illegible]
[illegible] دفع هم و غم [illegible] این دعا را بخوانند
بر [illegible] اللهم لمن ادعو اذا
لم ادعك فتجيبني اللهم لمن اتضرع اذا لم اتضرع اليك
فترحمني اللهم الى من استغيث اذا لم استغث بك
فتغيثني میگوید در وقتیکه از خواب بیدار شدم دعا کردم باین دعا خدا
[illegible] از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده

که آنحضرت فرمود بر هر که مشکل شود حاجتی یا تنگ شود بر او روزی بگوید یا الله
ربّی و اتوب الیه خداوند عالم جمیع عطا فرماید راوی میگوید
این خبر صحیح است و تجربه رسیده است و در همان کتاب از عبدالله بن
عبدالرحمن نقل کرده گفت حضرت امام جعفر صادق ع بمن فرمود میخواهی تعلیم کنم
تو را دعایی را که بخوانی هرگاه مصیبتی یا امری محزون شوی یا از سلطان
بترسی خدا کفیل شود ترا از آن گفتم خدا حزن ما را بسیار دفع میکرد از شر سلطان بما
رسید عرض کردم بلی یا ابن رسول الله پدر و مادرم فدای تو شود فرمود بگو
یا کائنا قبل کل شیء و یا باقی بعد کل شیء و یا مکون کل شیء افعل بی کذا و کذا
مطلب خود را ذکر میکنی باب سیم برای توفیق الله به ثبات اول سید بن طاوس ره
از جعفر بن ... روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام آمد و عرض کرد ای مولای من سنم بالا رفته است و خویشان من
مرده اند و مونسی ندارم و میترسم که مرا مرگ نیز دریابد حضرت فرمود که
برادران مومن صالح برای انس گرفتن بهتر اند از اقارب و اگر در امر عیش
خود و خویشان و دوستان را میخواهی این دعا را بخوان بعد از هر نماز واجب
اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم ان رسولک الصادق
المصدق صلواتک علیه و آله قال انک قلت ما ترددت
فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدک المؤمن

یکره الموت و اکره مساءته اللهم فصل علی محمد و آل
محمد و عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و لا تسؤنی
فی نفسی و لا فی احد من احبتی و اگر خواهی یک یک را از ایشان
خود را نام ببرد و بگوید و لا فی فلان و لا فی فلان راوی گفت چون بر این دعا
مداومت کردم چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شدم و این دعا بسیار
معتبر است و در جمیع کتب دعا نقل شده است دوم کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق ع روایت کرده است که هر که این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند
جان و خانه اش و مالش و فرزندانش از بلاها در پناه محفوظ باشد اجیر نفسی
و مالی و ولدی و اهلی و داری و کل ما هو منی
بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم
یکن له کفوا احد و اجیر نفسی و مالی و ولدی و کل
ما هو منی برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا
وقب و من شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد
اذا حسد و اجیر نفسی و مالی و ولدی و کل ما هو
منی برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی
یوسوس فی صدور الناس من الجنة و الناس و اجیر نفسی
و ولدی و مالی و کل ما هو منی بالله الذی لا اله

الا هو الحی القیوم و هو العلی العظیم و در بعضی از روایات
و اهلی و داری نیز بعد از و ولدی هست و فقره اخیر در چهار فقره است اگر
این قسم خوانند بهتر است سیم شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری بسندهای
صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده اند که روزی حضرت رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم با اصحاب خود فرمود که اگر جمع کنید آنچه دارید از جامه ها
و فرشها و بر روی هم گذارید آیا بآسمان میرسد گفتند نه یا رسول الله فرمود
میخواهید تعلیم کنم شما را چیزی که اصلش در زمین و شاخش در آسمان است
گفتند بلی یا رسول الله فرمود که بعد از هر نماز سی مرتبه بگوئید سبحان الله
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر که اصل اینها در زمین است و فرع اینها
در آسمان و دفع میکند از آدمی خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن و در
چاه افتادن و دریدن درندگان و مرگهای بد مردن و هر بلا که در آن روز
از آسمان نازل میگردد و اینها میند باقیات صالحات که حق تعالی
در قرآن فرموده است و قطب راوندی بسندهای صحیح دیگر منقول است
که ذکر کثیر که خدا در قرآن باین امر فرموده است و قطب راوندی روایت
کرده است که حضرت امیر المومنین علیه السلام با براء بن عازب فرمود که
میخواهی ترا دلالت کنم بر امری چون بجا آوری از دوستان خدا باشی
و ولی باشی گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد فرمود بعد از هر نماز

از تعقیبات ده بار بگو چون چنین کنی هزار بدی از تو دور گردد که یکی از آنها رنج
و هزار رتبه در آخرت باشد برای تو ذخیره گردد که یکی از آنها اینست که مجاور
جوار رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم باشی ششم کلینی و دیگران بسند
معتبر از حضرت صادق آل محمد ع روایت کرده اند که هر که بعد از نماز فریضه
این دعا را بخواند بالی از بالهای جبرئیل ع باو احاطه کنند و محفوظ باشد
جان و اهل و مالش استودع الله العظیم الجلیل نفسی و اهلی
و مالی و ولدی و من یعنینی امره و استودع الله المرهوب
المخوف المتضعضع لعظمته کل شیء نفسی و اهلی
و مالی و ولدی و من یعنینی امره هفتم کلینی و شیخ طوسی بسندهای
روایت کرده اند از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده اند که هر که
این دعا را بخواند بعد از هر فریضه خدا جان او و خانه او و مال او و فرزندان
او را از بلاها محفوظ میدارد و این دعا را بسندهای معتبر دیگر از حضرت
رسالت پناه ص نیز روایت کرده اند و دعا اینست اللهم لی ما قدمت و ما اخرت
و ما اعلنت و ما اسررت و اسرافی علی نفسی و ما انت اعلم به منی اللهم
انت المقدم و انت المؤخر لا اله الا انت بعلمک الغیب و بقدرتک
علی الخلق اجمعین ما علمت الحیاة خیرا لی فاحینی و توفنی اذا علمت
الوفاة خیرا لی اللهم انی اسئلک خشیتک فی السر

والعلانية وكلمة الحق في الغضب والرضا والقصد
في الفقر والغنى وأسألك نعيماً لا ينفد وقرة عين
لا تنقطع وأسألك الرضا بالقضاء وبرد العيش بعد الموت
ولذة النظر إلى وجهك وشوقاً إلى لقائك من غير ضراء مضرة
ولا فتنة مضلة اللهم زينا بزينة الإيمان واجعلنا
هداة مهتدين اللهم اهدنا فيمن هديت اللهم إني
أسألك عزيمة الرشاد والثبات في الأمر والرشد
وأسألك شكر نعمتك وحسن عافيتك وأداء حقك
وأسألك يا رب قلباً سليماً ولساناً صادقاً و
أستغفرك لما تعلم وأسألك خير ما تعلم وأعوذ
بك من شر ما تعلم وأسألك خير ما تعلم و
أعوذ بك من شر ما تعلم فإنك تعلم ولا نعلم وأنت
علام الغيوب. ششم سید بن طاوس ره به سند صحیح از حضرت
امام همام امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که تسبیح حضرت
فاطمه زهرا صلوات الله علیها را بخوانند و بعد از آن این دعای مبارک را بخوانند
حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و در ساعتی که این دعا را میخوانند تا مدت
یکسال عافیت یابد و از بلیات و شکستگی و درد و اسکنه و خوره و پیسی و مرگهای

ناگهان

و از مرگهای ناگهان و از هر بلائی که نازل گردد بسوی زمین محفوظ
شود و بلای او بسبب این دعا شهادت اخلاص و ثواب آن تا روز
قیامت و ثواب آن بهشت است البته راوی عرض کرد که این ثوابها
برای او خواهد بود هرگاه در عرض مدت یکسال این دعا را بخواند
حضرت فرمود که بلکه اگر سالی یک مرتبه این دعا را تلاوت کند این ثوابها
از برای او خواهد بود و آنست دعای مبارک لا اله الا الله إن
الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين
آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليماً لبيك ربنا لبيك
وسعديك اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى أهل بيت
محمد وعلى ذرية محمد والسلام عليه وعليهم ورحمة
الله وبركاته وأشهد أن التسليم منا لهم والإيمان
بهم والتصديق لهم ربنا آمنا وصدقنا واتبعنا الرسول
الرسول وآل الرسول فاكتبنا مع الشاهدين اللهم
أنزل علينا صباً صباً بلاغاً للآخرة والدنيا من
غير كد ولا نكد ولا من من أحد من خلقك إلا سعة
من رزقك وطيباً من وسعك من يدك الملأى فإنك قلت
ادعوني أستجب لكم إنك على كل شيء قدير اللهم

اجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين
في قلبي والإخلاص في عملي والسعة في رزقي وذكرك
بالليل والنهار على لساني والشكر لك أبداً ما أبقيتني
اللهم لا تجدني حيث نهيتني وبارك لي فيما أعطيتني
وارحمني إذا توفيتني إنك على كل شيء قدير. هفتم به سند
معتبره صحیحه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هرکه بعد از نماز صبح یا نماز مغرب پیش از آنکه سخن گوید هفت بار
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم خدا
وند تبارک و تعالی دفع کند از و هفتاد نوع از بلاها را که آسانترین
آنها خوره و پیسی باشد و ایضا به سند صحیح از حضرت امام همام امام
موسی الرضا الف الاف التحیة والثنا علیه السلام منقول است که هرکه این ذکر را
هفت مرتبه بعد از نماز صبح و نماز مغرب بخواند پیش از آنکه با احدی تکلم کند
باشد یا اراده داشته سخنی بگوید هفتاد نوع بلا از او دفع شود که کمتر
از آنها خوره و پیسی و دیوانگی و ضرر پادشاه جبار و شیطان کافر بوده باشد
و در روایت دیگر محفوظ باشد از دیوانگی و تسلط جنیان و اگر باشد
در دیوان اشقیا باشد خدا از آن دیوان نام او را محو کرده در دیوان
سعدا ثبت کند و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است

جاهلان

که چون نماز شام کردی بخیز و سخن مگو تا صد مرتبه این ذکر را بگوئی تا خدا هفتاد نوع
بلا از تو رفع کرداند که کمتر آنها خوره و پیسی و شر شیطان و شر سلطان و در
روایت دیگر آن حضرت فرمود که هرکه این ذکر را سه بار در صبح و سه مرتبه
در شام بگوید نترسد از شیطان و نه از پادشاهان جبار و نه خوره و نه پیسی پس حضرت
فرمود که من صد بار میگویم و در مجالس برقی همین خبر بسند موثق ذکر شده
و لکن سه بار در شام وارد و در بعضی از روایات ده مرتبه نیز وارد شده که هر روز
بخوانند به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیهما السلام منقول
که هرکه بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن گوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا را
بخواند هفتاد نوع از بلا از او دور گردد که سهلتر آنها خوره و پیسی و شر شیاطین
و شر پادشاهان باشد و سید بن طاوس به سندهای موثق معتبر از حضرت امام همام
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هرکه بعد از نماز صبح صد مرتبه این
دعا را بخواند به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن و در بعضی از
روایات معتبره مثل خبر مجالس خواندن آن بعد از نماز صبح سه مرتبه نیز
وارد شده و در بعضی بعد از نماز صبح ده بار نیز وارد شده و با لکه اقلش سه مرتبه
و اکثرش صد بار و هریک که بیشتر است ثوابش بیشتر است و اگر بعد از نماز صبح و شام
خوانده شود معمور شود و لا اقل بعد از نماز صبح را ترک نکند تا با ثمره از ثمره او
محروم نشود. هشتم سید بن طاوس ره به سند معتبر از حضرت امام محمد تقی روایت

از حضرت امام محمد تقی ع روایت شده که هر که بعد از نماز خفتن هفت مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند در آن شب جمع در ضمان حق تعالی باشد از بلاها
نهم در کتاب طب الائمه ع از حضرت صادق ع روایت کرده است که
محافظت نمایید زنان و فرزندان و مالهای خود را که بخوانید این دعا را بعد از نماز
عشا اعيذ نفسي وذريتي واهلي ومالي بكلمات الله التامات من
كل شيطان وهامة ومن كل عين لامة دهم کلینی بسند صحیح روایت کرده
است از حضرت صادق علیه السلام که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید
ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم در آن روز مکروهی نبیند و
شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده اند یازدهم ابن بابویه و
سایر علما رضوان الله علیهم بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول فرموده که هر که در عقب
نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظيم وبحمده ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره
و پیسی و برص و خانه بر سر خراب شدن یا خرافت در هنگام پیری ۱۲
سید بن طاوس علیه الرحمه در مجتنی و کفعمی در جنة الامان از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که هر که خواهد که خدا در اجر او تاخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد

و از هر کهای بد او را نگاه دارد باید هر بامداد و پسین این دعا را دست
سه بار بگوید سبحان الله ملأ الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش
وسعة الكرسي و سه بار بگوید الحمد لله ملأ الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضا
وزنة العرش وسعة الكرسي و سه مرتبه لا اله الا الله ملأ الميزان ومنتهى
العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الكرسي و سه مرتبه الله اكبر ملأ الميزان
ومنتهى العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الكرسي و کلینی در مجتنی همین فقره
اول را ذکر کرده که سبحان الله تا آخر باشد و سه فقره دیگر را نیز ذکر ۱۳ سیزدهم شیخ طوسی
و کفعمی و علامه حلی رحمهم الله این دعا را در تعقیب نماز صبح ایراد نموده اند و مسمی
است بدعای حرقی و سبب این تسمیه آنست که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده اند که گفت شنیدم از پدرم امام محمد باقر علیه السلام
که گفت روزی با پدرم امام زین العابدین علیه السلام رفتیم بعیادت مردی
از شیعیان ناگاه مردی از در در آمد و گفت پدرم که زود برگردید که آتش در خانه
شما افتاده سوخت پدرم گفت والله که خانه من نسوخته است آن مرد رفت
و زود برگشت و گفت خانه تو سوخته است والله پدرم باز قسم خورد که نسوخته است
با جمعی از یاران و خویشان آمدند و خبر سوختن را گفتند و حضرت انکار کرد
تا آنکه ظاهر شد که خانهای اطراف خانه آن حضرت سوخته بود و آن خانه
متعدد شده سالم مانده بود و من از پدرم پرسیدم که سبب این امر غریب

که جمیع خانهای اطراف آن سالم ماند حضرت فرمود که این بسبب
برکت دعایی است که از علوم حضرت رسالت صلی الله علیه وآله بما رسیده است و ما این را
حرز میداریم از دنیا و آنچه در آنست از اموال و جواهر و املاک
و لشکر و حربه و سلاح و آن مرتبت که حضرت جبرئیل از برای حضرت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آورد و آن حضرت بحضرت امیر المؤمنین
و حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیه وآله وسلم تعلیم نموده و بما میراث
رسیده است و این دعای کاملی است هر که این دعا را در اول روز
بخواند حق تعالی موکل گرداند بر او هزار ملک که حفظ نمایند جان و اهل و عیال
و مال و حشم و خدم او را و هر چه عنایت ایشان است از سوختن و غرق
شدن و لقمه در گلو ماندن و خانه را برو شدن و بزمین فرو رفتن و
عذابهای گذشتها را این کردند خدای تعالی او را از شر شیطان و شر پادشاه
و شر هر صاحب شری و درد امان و ضمان خدا باشد و اگر با خلاص
و یقین بخواند خدا ثواب صد صدیق او را کرامت فرماید و اگر در
آن روز بمیرد داخل بهشت عنبر سرشت شود پس ای فرزند این دعا را
حفظ کن و تعلیم مکن مگر کسی که اعتماد برا او داشته باشی زیرا که برای
هر حاجت و هر مطلب که خوانده شود برآورده می شود و دعا اینست
اللهم انی اصبحت استشهدک وکفی بک شهیدا واستشهد ملائکتک

وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك وانبيائك
ورسلك والصالحين من عبادك وجميع خلقك فاشهد
لي وكفى بك شهيدا الهي اني اشهد انك انت الله لا
اله الا انت المعبود وحدك لا شريك لك وان محمدا
صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك وان كل
معبود مما دون عرشك الى قرار ارضك السابعة السفلى
باطل مضمحل ما خلا وجهك الكريم فانه اعز واكرم
واجل واعظم من ان يصف الواصفون كنه جلاله
او تهتدي القلوب الى كنه عظمته يا من فاق
مدح المادحين فخر مدحه وعلا وصف الواصفين
مآثر حمده وجل عن مقالة الناطقين تعظيم شانه
صل على محمد وآله وافعل بنا ما انت اهله يا اهل
التقوى واهل المغفرة سه مرتبه این دعا را بخواند پس ده مرتبه
بگوید لا اله الا الله وحده لا شريك له سبحان الله وبحمده
استغفر الله واتوب اليه ما شاء الله ولا قوة الا
بالله هو الاول والآخر والظاهر والباطن له الملك
وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت

بيده الخير وهو على كل شيء قدير پس يازده مرتبه بگويد
سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر
أستغفر الله وأتوب إليه ما شاء الله لا حول ولا
قوة إلا بالله العلي العظيم الرحمن الرحيم الملك القدوس
الحق المبين عدد خلقه وزنة عرشه وملء سماواته
وأرضه وعدد ما جرى به قلمه وأحصاه كتابه
ومداد كلماته ورضا نفسه پس بگويد اللهم صل على محمد وأهل
بيت محمد المباركين وصل على جبرئيل وميكائيل وحملة عرشك
أجمعين والملائكة المقربين اللهم صل عليهم جميعا حتى تبلغهم الرضا
وتزيدهم بعد الرضا مما أنت أهله يا أرحم الراحمين اللهم صل
على محمد وآل محمد وصل على ملك الموت وأعوانه وصل على رضوان وخزنة
الجنان وصل على مالك وخزنة النيران اللهم صل عليهم جميعا حتى
تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما أنت أهله يا أرحم الراحمين
اللهم صل على الكرام الكاتبين والسفرة الكرام البررة والحفظة
لبني آدم وصل على ملائكة الهواء والسماوات العلى وملائكة
الأرضين السفلى وملائكة الليل والنهار والأرض والأقطار والبحار
والأنهار والبراري والفلوات والقفار والأشجار وصل على الملائكة الذين

أغنيتهم عن الطعام والشراب بتسبيحك وتقديسك وعبادتك اللهم
صل عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما أنت أهله يا أرحم
الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على أبينا آدم وأمنا حواء وما ولدا
من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين اللهم صل عليهم حتى
تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما أنت أهله يا أرحم الراحمين اللهم
صل على محمد وأهل بيته الطيبين الطاهرين وعلى أصحابه المنتجبين وعلى أزواجه
المطهرات وعلى ذرية محمد وعلى كل نبي بشر بمحمد وعلى كل نبي ولد
محمدا وعلى كل امرأة صالحة كفلت محمدا وعلى كل ملك هبط إلى
محمد وعلى كل من في صلواتك عليه رضا لك ورضا لنبيك محمد صلى الله عليه
وآله حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما أنت أهله يا أرحم الراحمين
اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد
كأفضل ما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك
حميد مجيد اللهم أعط محمدا الوسيلة والفضل والفضيلة والدرجة الرفيعة
وأعطه حتى يرضى وزده بعد الرضا مما أنت أهله يا أرحم الراحمين اللهم
صل على محمد وآل محمد كما أمرتنا أن نصلي عليه اللهم صل على محمد وآل
محمد كما ينبغي لنا أن نصلي عليه اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد من صلى
عليه اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد من لم يصل عليه اللهم صل على محمد

وآل محمد بعدد كل حرف في صلاة صليت عليه اللهم صل على محمد وآل محمد
بعدد كل شعرة ولفظة ولحظة ونفس وصفة وسكون وحركة ممن صلى
عليه وممن لم يصل عليه وبعدد ساعاتهم ودقائقهم وسكونهم وحركاتهم
وحقائقهم وميقاتهم وصفاتهم وأيامهم وشهورهم وسنينهم وأشعارهم و
أبشارهم وبعدد زنة ذر ما عملوا أو يعملون أو بلغهم من أثر أو ظنوا
أو كان منهم أو يكون إلى يوم القيامة يا أرحم الراحمين وكأضعاف ذلك
أضعافا مضاعفة إلى يوم القيامة يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد
وآل محمد بعدد ما خلقت وما أنت خالقه إلى يوم القيامة صلاة ترضيه
اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد ما ذرأت وبرأت اللهم لك الحمد و
الثناء والشكر والمن والفضل والطول والخير والحسنى والنعمة و
الجبروت والملك والملكوت والقهر والسلطان والفخر والسؤدد والامتنان
والكرم والجلال والإكرام والجمال والكمال والخير والتوحيد والتمجيد والتحميد و
التهليل والتكبير والتقديس والرحمة والمغفرة والكبرياء والعظمة لك
ما زكى وطاب وطهر من الثناء الطيب والمديح الفاخر والقول
الحسن الجميل الذي ترضى به عن قائله وترضي به قائله وهو رضى لك
حتى يتصل حمدي بحمد أول الحامدين وثنائي بأول ثناء المثنين على رب
العالمين متصلا ذلك بذلك وتهليلي بتهليل أول المهللين وتكبيري

بتكبير أول المكبرين وقولي الحسن الجميل بقول أول القائلين
المجملين المثنين على رب العالمين متصلا ذلك
بذلك من أول الدهر إلى آخره وبعدد زنة ذر السماوات
والأرضين والرمال والتلال والجبال وعدد جرع
ماء البحار وعدد قطر الأمطار وورق الأشجار وعدد
النجوم وعدد الثرى والحصى والنوى والمدر وعدد
زنة ذلك كله وعدد زنة ذر السماوات و
الأرضين وما فيهن وما بينهن وما تحتهن وما بين
ذلك وما فوقهن إلى يوم القيامة من لدن العرش
إلى قرار أرضك السابعة السفلى وبعدد حروف
ألفاظ أهلهن وعدد أزمانهم ودقائقهم و
شعائرهم وساعاتهم وأيامهم وشهورهم وسنيهم
وسكونهم وحركاتهم وأشعارهم وأبشارهم و
أنفاسهم وبعدد زنة ما عملوا أو يعملون به
أو بلغهم أو رأوا أو ظنوا أو فطنوا أو كانوا منهم
أو يكون ذلك إلى يوم القيامة وعدد زنة ذر ذلك
وأضعاف ذلك وكأضعاف ذلك كله أضعافا مضاعفة

لا يعلمها ولا يحصيها غيرك يا ذا الجلال والاكرام
واهل ذلك انت ومستحقه ومستوجبه مني
ومن جميع ذلك خلقك يا بديع السموات والارض
اللهم لست برب استحدثناك ولا معك اله
فيشركك في ربوبيتك ولا معنا اله اعانك
على خلقنا انت ربنا كما تقول وفوق ما يقول
القائلون اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد و
ان تعطي محمدا افضل ما سئلك وافضل ما سئلت
له وافضل ما انت مسئول له الى يوم القيمة
اعيذ اهل بيت النبي محمد ونفسي وديني و
مالي وولدي واهلي وقراباتي واهل بيتي وكل
ذي رحم لي دخل في الاسلام او يدخل الى يوم القيمة
وخزانتي وخاصتي ومن قلدني دعاء او اسدى
الي يدا او رد عني غيبة او قال في خيرا الخدم
عنده يدا او صنيعة وجيراني واخواني من المؤمنين
والمؤمنات بالله وباسمائه التامة العامة الشاملة
الكاملة الطاهرة الفاضلة المباركة المتعالية

الواكبة الشريفة المنيعة الكريمة العظيمة المكنونة التي لا
يجاوزهن بر ولا فاجر وبام الكتاب وخاتمته وما
وما بينهما من سورة شريفة وآية محكمة وشفاء ورحمة
وعوذة وبركة وبالتورية والانجيل والزبور والفرقان
وصحف ابراهيم وموسى وبكل كتاب انزله الله و
بكل رسول ارسله الله وبكل حجة اقامها الله
وبكل برهان اظهره الله وبكل نور اناره الله وبكل
آلاء الله وعظمته اعيذ نفسي واستعيذ من شر
كل ذي شر ومن شر ما اخاف واحذر ومن شر ما
ربي منه اكبر ومن شر فسقة العرب والعجم ومن
شر فسقة الجن والانس والشياطين والسلاطين
وابليس وجنوده واشياعه واتباعه ومن شر ما في
النور والظلمة ومن شر ما دهم او هجم او الم و
من شر كل هم وغم وآفة وندم ونازلة وسقم ومن
شر ما يحدث في الليل والنهار وتاتي به الاقدار
ومن شر ما في النار ومن شر ما في الارض والاقطار
والفلوات والقفار والبحار والانهار ومن شر

الفساق والفجار والكهان والسحار والحساد والدعار
والاشرار ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها
وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل ذي شر
ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله
الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم واعوذ
بك اللهم من الهم والغم والحزن والعجز والكسل
والجبن والبخل ومن ضلع الدين وغلبة الرجال ومن
عمل لا ينفع ومن عين لا تدمع ومن قلب لا يخشع و
من دعاء لا يسمع ومن نصيحة لا تنجع ومن صحابة لا
تردع ومن اجماع على نكر وتواد على خسر اوتوا
خذ على خبث ومما استعاذ منه ملئكتك المقربون
والانبياء المرسلون والائمة المطهرون الطاهرون
والشهداء والصالحون وعبادك المتقون واسئلك
اللهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعطيني من
الخير ما سئلوا وان تعيذني من شر ما استعاذوا
واسئلك اللهم من الخير ما سئلوا وان تعيذني

من شر ما استعاذوا واسئلك اللهم من الخير كله عاجله
واجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك رب
ان يحضرون بسم الله على اهل بيت النبي محمد صلى الله عليه
وآله بسم الله على نفسي وديني بسم الله على نفسي وديني
بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على كل شيء اعطاني ربي
بسم الله على احبتي وولدي وقراباتي بسم الله على جيراني المؤمنين
واخواني وما قلدني دعاء او اتخذ عندي يدا او اسدى
الي برا من المؤمنين والمؤمنات بسم الله على ما رزقني
ربي ويرزقني بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء
في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم اللهم صل
على محمد وآل محمد وصلني بجميع ما سئلك عبادك المؤمنون
ان تصلهم به من الخير واصرف عني جميع ما سئلك
عبادك المؤمنون ان تصرفه عنهم من السوء والردى و
زدني من فضلك ما انت اهله ووليه يا ارحم الراحمين
اللهم صل على محمد وآل محمد واهل بيته الطيبين الطاهرين
وعجل اللهم فرجهم وفرجي وفرج عن كل مهموم من
المؤمنين والمؤمنات اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني

نصرهم واشهدنی ایامهم واجمع بینی وبینهم فی الدنیا
والاخرة واجعل منک علیهم واقیة حتی لا یخلص الیهم
الا بسبیل خیر وعلی من معهم وعلی شیعتهم ومحبیهم و
علی اولیائهم وعلی جمیع المؤمنین والمؤمنات فانک
علی کل شیء قدیر بسم الله وبالله ومن الله والی الله و
غالب لا اله الا الله ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبی الله توکلت
علی الله وافوض امری الی الله والتجأ الی الله وبالله احاول
واماول واکاثر وافاخر واعتز واعتصم علیه توکلت
والیه متاب لا اله الا الله الحی القیوم عدد الثری
والحصی والنجوم والملائکة الصفوف لا اله الا الله
وحده لا شریک له العلی العظیم لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین و از حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز
دعای رب النور مرویست با این زیاده اللهم رب النور العظیم ورب
الکرسی الرفیع ورب البحر المسجور ومنزل التوریة والانجیل ورب
الظل والحرور ومنزل الزبور والفرقان العظیم ورب الملائکة المقربین
والانبیاء والمرسلین انت اله من فی السماء واله من فی الارض لا اله فیهما
غیرک وانت خالق من فی السماء وخالق من فی الارض لا خالق

فیهما غیرک وانت خالق من فی السماء وخالق من فی
الارض لا خالق فیهما غیرک وانت حکم من فی السماء
وحکم من فی الارض لا حکم فیهما غیرک اللهم انی اسئلک
بوجهک الکریم وبنور وجهک المشرق المنیر المبین و
ملکک القدیم یا حی یا قیوم اسئلک باسمک الذی
اشرقت به السموات والارضون وباسمک الذی یصلح
علیه الاولون والاخرون یا حیا قبل کل حی ویا حیا
بعد کل حی ویا حیا قبل کل حی ویا حیا بعد
کل حی ویا حیا حین لا حی ویا حی ویا محیی الموتی
ویا حی لا اله الا انت یا حی یا قیوم اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وارزقنی من حیث احتسب
ومن حیث لا احتسب رزقا واسعا حلالا طیبا
وان تفرج عنی کل غم وهم وان تعطینی ما ارجوه
واملهٔ انک علی کل شیء قدیر ۱۳ در سند ابن باقی
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که گفت بر حمایل
شمشیر امیر المؤمنین صلوات الله علیه نوشته دیدم پرسیدم یا امیر المؤمنین این نوشته
چیست فرمود که یازده کلمه است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم

مرا تعلیم کرده است میخواهی ترا تعلیم کنم که بسبب آن در سفر و حضر شب و روز
جان و مال تو و فرزندان تو از بلاها محفوظ باشند گفتم بلی فرمود تعلیم
کن مرا فرمود که بعد از نماز صبح چون فارغ شوی این دعا را بخوان اللهم
انی اسئلک یا عالما بکل خفیة یا من السماء بقدرته مبنیة یا من
الشمس والقمر بنور جلاله مضیئة یا من البحار بقدرته مجریة
ویا منجی یوسف من رق العبودیة یا من یصرف لکل نقمة و
بلیة یا من حوائج السائلین عنده مقضیة یا من لیس له حاجب
یغشی ولا وزیر یرشی صل علی محمد وآل محمد واحفظنی فی سفری و
حضری ولیلی ونهاری ویقظتی ومنامی ونفسی واهلی ومالی وولدی
والحمد لله وحده ۱۵ ابن بابویه ره بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
روایت کرده است که هر کس پیش از طلوع صبح که آفتاب سر زده است
یازده مرتبه قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی را بخواند خدا منع
کند مال او را از آنچه از او ترسد و خبر داده که هر که قل هو الله و انا انزلناه
پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی باو نرسد هرچند شیطان
جهد کند ۱۶ ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین روایت
کرده است که هر که نزدیک شام یا بعد از شام سه مرتبه این آیه را
بخوانند در آن شب چیزی از او فوت نشود و جمیع بدیها از او دور گردد

و همچنین اگر در صبح بخواند این آیه را در آن شب چیزی از او فوت نشود
و جمیع شرور از او دور گردد و آن آیه اینست فسبحان الله حین تمسون
وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین
تظهرون ۱۷ در فلاح السائل بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که هر در صبح و شام دست بر سر بگذارد و بر روی خود
بکشد پس جمیع پیکر خود را بدست گیرد و بگوید احطت علی نفسی
واهلی ومالی وولدی من غائب وشاهد بالله الذی
لا اله الا هو عالم الغیب لا تأخذه سنة ولا نوم له
ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده
الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا
یحیطون الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض
ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم اگر در صبح بخواند
جان و اهل و مال و فرزندان تو تا شام از بلاها محفوظ ماند و اگر در شام
بخواند تا صبح محفوظ ماند در کتاب بلد الامین از سلمان فارسی رضی الله عنه
روایت کرده است که هر بنده که بعد از صبح سه مرتبه بگوید الحمد لله
رب العالمین حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه حق الله هفتاد نوع از بلاها
از او دور گردد که کمتر از آنها اندوه باشد ۱۸ در بلد الامین

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است هر که در صبح سه مرتبه
این دعا را بخواند تا شام باد و بلائی در وی نرسد و اگر در شام بگوید تا صبح
باد و بلائی نرسد بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو السمیع العلیم شیخ طوسی و دیگران
از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که هرگاه
من این دعا را بخوانم پروا ندارم اگر جمیع جنیان و آدمیان برای ضرر من
جمع شوند و علما این دعا را از دعاهای صباح و مسا شمرده اند بسم الله
وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله اللهم الیک
اسلمت نفسی والیک وجهت وجهی والیک فوضت
امری والیک الجأت ظهری فاحفظنی بحفظ الایمان
من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی
ومن فوقی ومن تحتی وما قبلی وادفع عنی بحولک
وقوتک فانه لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ۱۹ قطب راوندی رحمه الله روایت کرده است از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که جبرئیل از جانب حق تعالی
این مناجات را از برای استعاذه از بلاها آورد پس مناسب است
که در صبح و شام خوانده شود اللهم انی اعوذ بک من ملمات

نوازل

نوازل البلاء واهوال عظائم الضراء فاعذنی رب من صرعة البأساء
واجنبنی عن سطوات البلاء ونجنی من مفاجات النقم واحرسنی
من زوال النعم ومن زلل القدم واجعلنی اللهم فی حمی عزک وحیاطة
حرزک من مباغتة الدوائر ومعاجلة البوادر اللهم وارض البلاء فاخسفها
وعرصة المحن فارجفها وشمس النوائب فاکسفها وجبال السوء فانسفها
وکرب الدهر فاکشفها وعوائق الامور فاصرفها واوردنی حیاض
السلامة واحملنی علی مطایا الکرامة واصحبنی اقالة العثرة و
اشملنی ستر العورة وجد علی یا رب بآلائک وکشف بلائک
ودفع ضرائک وادفع عنی کلاکل عذابک واصرف عنی الیم عقابک
واعذنی من بوائق الدهور وانقذنی من سوء عواقب الامور واحرسنی
من جمیع المحذور واصدع صفاة البلاء عن امری واشلل یده
عنی مدی عمری انک الرب المجید المبدئ المعید الفعال لما ترید
۲۰ ایضا کلینی بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که هر که
در صبح این دعا را بخواند در آن روز از هیچ چیز او را ضرر نرسد انشاءالله
اللهم انی اصبحت فی ذمتک وجوارک اللهم انی استودعک
دینی ونفسی ودنیای وآخرتی واهلی ومالی واعوذ بک
من شر ما یبلس به ابلیس وجنوده ۲۱ شیخ ابن فهد ره

روایت کرده است که روزی ابوالدردا را خبر دادند که خانه ات سوخت
گفت نسوخته است دیگری خبر داد گفت نسوخته است تا سه مرتبه پس معلوم شد
که خانهای اطراف همه سوخته است و خانه او نسوخته است گفتند از چه راه
دانستی که خانه تو نسوخته است گفت زیرا که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وآله
که هر که این دعا را در صبح بخواند در آن روز با او بدی نرسد و آفت
و غمی و المی با او رو ننماید و من این دعا را خوانده ام اللهم انت ربی
لا اله الا انت علیک توکلت وانت رب العرش العظیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان
وما لم یشأ لم یکن اعلم ان الله علی کل شیء قدیر وان
الله قد احاط بکل شیء علما اللهم انی اعوذ بک من شر
نفسی ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان
ربی علی صراط مستقیم ۲۲ در جنة الامان از رسول صلعم منقولست
که هر که در صبح هفت بار این دعا را بخواند در آن روز از بلاها ایمن گردد
فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ان ولیی الله الذی
نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
العظیم ۲۳ در مهج الدعوات روایت کرده است که محمد بن عبدالله

اسکندری

اسکندری که من از ندیمان و خواص ابوجعفر دوانقی بودم و رازهای خود را
به من میگفت روزی نزد او رفتم او را غمگین دیدم پرسیدم که چرا چنین
غمگین و متفکری گفت صد کس از اولاد فاطمه را هلاک کردم و بزرگ
و بهتر ایشان مانده است گفتم کیست گفت جعفر بن محمد امام رافضیان
و بزرگ ایشان گفتم ای خلیفه او مردیست پیوسته مشغول عبادت است و
هرگز او را در فکر سلطنت و پادشاهی ندیدم و ادعای خلافت نمیکند گفت میدانم
که تو او را امام میدانی و یارانش رعایت اینها نمیکنند و سوگند یاد کرد که
که امروز پیش از آنکه شام شود از مهم او فارغ شوم پس جلادی طلب کرد و او را طلبید
و گفت چون جعفر بن محمد را حاضر سازم و او را مشغول سخن گردانم و کلاه
خود را از سر بردارم تو او را گردن بزن آنگاه حضرت را طلبید چون داخل
قصر شد من نزدیکش رفتم دیدم که لبهایش حرکت میکند و دعایی میخواند اما
ندانستم که چه دعا خواند دیدم که قصر المنصور بحرکت درآمد مانند کشتی و خلیفه
با سر و پای برهنه باستقبال آنحضرت دوید مانند غلامی نزد آقای خود و رنگ
رخسارش گاهی زرد و گاهی سرخ میشد و بازوی حضرت را گرفت و در روی تخت خود
در پهلوی خود نشانید و خودش مثل غلامان در خدمت او بدو زانو در
نشست و گفت در این ساعت چرا تصدیع کشیدید و تشریف آوردید
یا بن رسول الله حضرت فرمود که تو مرا طلبیدی اجابت کردم گفت تنها را

رسول غلط کرده است یابن رسول هر حاجت که داری از من طلب نما برآوردم
حضرت فرمود که حاجت من آنست که ضرر و بدی مرا النقلبی گفت چنین باشد
پس حضرت برخواست و بمنزل خود تشریف فرما شدند و آن ملعون [illegible]
بخواب رفت و نصف شب بیدار شد و مرا بر بالین خود خواسته
بودم چون بیدار شد گفت مرا بجای باقی نمازهای خود را قضا کنم و قصه خود را
با تو بگویم چون فارغ شد گفت در وقتیکه امام جعفر بن محمد را حاضر کردم
و قصد بد در باب او در خاطر داشتم ناگاه دیدم اژدهای عظیمی ظاهر شد
و دم خود را بر دور قصر حلقه کرد و لب بالایش بر بالای قصر و لب پایینش
زیر قصر گذاشت و بزبان فصیح با من گفت که ای منصور خدا مرا نزد تو فرستاده
است و امر کرده است که اگر بدی نسبت به بنده صالح صادق ارتکاب کنی
من قصر ترا با آنچه در میان قصر است فرو برم پس عقل من حیران شد و اعضام
بلرزه درآمد و دندانهایم بر هم میخورد راوی گفت من گفتم ای خلیفه اینها
از او بعید نیست وارث علوم جدش حضرت رسالت و پدرانش حضرت
امیر المؤمنین هم است فرزند ناچار دعاها است که اگر بر شب تیره بخواند
روز روشن گردد و اگر بروز روشن بخواند تیره راوی گفت که بعد از آن
آن ملعون رخصت طلبیدم بزیارت آنحضرت بردم چون رخصت
یافتم که بزیارت آنحضرت شتافتم و بعد از سلام و اکرام عرض کردم که جلالت

خدا را سوگند میدهم که آن دعا که میخواندی در هنگامی که داخل قصر شدی مرا تعلیم نما
آن معدن کرم و فتوت مرا اجابت نمود و دعا را بمن تعلیم کرد و فرمود که حرز جلیل
و دعای عظیم مبارک است که هر که در هر صبح بخواند در امان خدای تعالی باشد
تا شب و هر که در پیش یا خفتن بخواند در حفظ و حمایت خدای باشد
تا صبح و این دعا را بمن تعلیم کرد پدرم امام محمد باقر و روایت کرده است
از پدرش امام زین العابدین و او از پدرش سید الشهدا و او از برادرش حسن
مجتبی و او از پدرش سید اوصیا و او از محمد سید انبیا صلوات الله علیه و علیهم اجمعین
و این دعا را از قرآن مجید استخراج کرده اند المنة دعای مبارک اینست
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی هدانی للاسلام
واکرمنی بالایمان وعرفنی الحق الذی عنه
یؤفکون والنبا العظیم الذی هم فیه مختلفون وسبحان
الذی رفع السماء بغیر عمد ترونها وانشأ جنات
المأوی بلا امد تلقونها ولا اله الا الله السابغ النعمة
الدافع النقمة الواسع الرحمة والله اکبر ذو السلطان
المنیع والانشاء البدیع والشأن الرفیع والحساب
السریع اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک ونبیک
وامینک وشهیدک التقی النقی البشیر النذیر السراج

المنیر وآله الطاهرین الاخیار ماشاء الله تقربا الی
الله ماشاء الله توجها الی الله ماشاء الله تلطفا
بالله ماشاء الله ما یکن بنا من نعمة فمن الله ما
شاء الله لا یصرف السوء الا الله ماشاء الله لا
یسوق الخیر الا الله ماشاء الله لا قوة الا بالله
اعیذ نفسی وشعری وبشری واهلی ومالی وولدی
وذریتی ودینی ودنیای وما رزقنی ربی وما
اغلقت علیه ابوابی واحاطت به جدرانی وما
اتقلب فیه من نعمه واحسانه وجمیع اخوانی واقربائی
وقراباتی من المؤمنین والمؤمنات بالله العظیم
وباسمائه التامة العامة الکاملة الشافیة
الفاضلة المبارکة المنیعة المتعالیة الزاکیة الشریفة
الکریمة الطاهرة العظیمة المخزونة المکنونة التی
لا یجاوزهن بر ولا فاجر وبام الکتاب وفاتحته
وخاتمته وما بینهما من سورة شریفة وآیة
محکمة وشفاء ورحمة وعوذة وبرکة وبالتوریة
والانجیل والزبور والفرقان وبصحف ابراهیم وموسی

وبکل کتاب انزله الله وبکل رسول ارسله الله وبکل
حجة اقامها الله وبکل برهان اظهره الله وبکل
نور اناره الله وبکل آلاء الله وعزة الله وعظمة
الله وقدرة الله وسلطان الله وجلال الله ومنعة الله
ومن الله وعفو الله وحلم الله وحکمة الله وغفران الله
وملائکة الله وکتب الله ورسل الله وانبیاء الله ومحمد
رسول الله واهل بیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
من غضب الله وسخط الله ونکال الله وعقاب الله و
اخذ الله وبطشه وقوارعه واجتیاحه واجتثاثه
واستیصاله وتدمیره وسطواته ونقمته وجمیع مثلاته
ومن اعراضه وصدوده وتنکیله وتوکیله وخذلانه
ودمدمته وتخلیته ومن الکفر والنفاق والشک
والشرک والحیرة فی دین الله ومن شر یوم النشور
والحشر والموقف والحساب ومن شر کتاب قد سبق
ومن زوال النعمة وتحویل العافیة وحلول النقمة وموجبات
الهلکة ومن مواقف الخزی والفضیحة فی الدنیا والآخرة
ونعوذ بالله العظیم من هوی مردی وقرین ملح وصاحب

مسيء وجار مؤذ وغني مطغ وفقر منس ومن قلب
لا يخشع وصلوة لا ترفع ودعاء لا يسمع وعين لا
تدمع ونفس لا تقنع وبطن لا يشبع وعمل لا ينفع واستغنا
لا يجانب وغفلة وتفريط يوجبان الحسرة والندامة
ومن الرياء والسمعة والشك والعمى في دين الله ومن
نصب واجتهاد يوجبان العذاب ومن مرد الى
النار ومن ضلع الدين وغلبة الرجال وسوء المنظر
في الدين والنفس والاهل والمال والولد والاخوان
وعند معاينة ملك الموت واعوذ بالله العظيم
من الغرق والحرق والشرق والسرق والهدم و
الخسف والمسخ والحجارة والصيحة والزلازل والفتن
والعين والصواعق والبرق والقود والقرد والجنون
والجذام والبرص واكل السبع وميتة السوء
وجميع انواع البلاء في الدنيا والاخرة واعوذ بالله
العظيم من شر السامة والهامة واللامة والخاصة والعامة
والحامة ومن شر احداث النهار ومن شر طوارق الليل
والنهار الا طارقا يطرق بخير يا رحمن ومن درك الشقاء وشر

القضاء

القضاء وجهد البلاء وشماتة الاعداء وتتابع العناء
والفقر الى الاكفاء وسوء الممات وسوء المحيا وسوء المنظر
واعوذ بالله العظيم من شر ابليس وجنوده واعوانه و
اتباعه واشياعه ومن شر الجن والانس ومن شر الشيطان
ومن شر السلطان ومن شر كل ذي شر ومن شر كل
ما اخاف واحذر ومن شر فسقة العرب والعجم ومن
شر فسقة الجن والانس ومن شر ما في النور والظلم ومن
شر ما هجم او دهم او الم ومن كل سقم وهم وغم و
آفة وندم ومن شر ما في الليل والنهار والبر و
البحر ومن شر الفساق والذعار والفجار والكفار
والحساد والسحار والجبابرة والاشرار ومن شر
ما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر ما يلج
في الارض وما يخرج منها ومن شر كل دابة ربي
آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم واعوذ بالله
العظيم ومن شر ما استعاذ منه الملائكة المقربون
والانبياء المرسلون والشهداء وعبادك الصالحون
ومحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والائمة المهديون

والاوصياء والحجج المطهرون عليهم السلام ورحمة الله وبركاته
واسئلك ان تعطيني من خير ما سئلوه وان تعيذني
من شر ما استعاذوا بك منه واسئلك من الخير كله عاجله
وآجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك من الشر
كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ
بك من همزات الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون
اللهم من ارادني في يومي هذا وفيما بعده من الايام
من جميع خلقك كلهم من الجن والانس من قريب او بعيد
ضعيفا او شديد بشر او مكروه او مساءة بيد او
بلسان او بقلب فاحرج صدره والجم فاه وافحم لسانه
واسدد سمعه واقمح بصره وارعب قلبه واشغله
بنفسه وامته بغيظه واكفناه بما شئت وكيف شئت
وانى شئت بحولك وقوتك انك على كل شيء قدير
اللهم اكفني شر من نصب لي حده واكفني مكر المكرة
واعني على ذلك بالسكينة والوقار والبسني درعك
الحصينة واحيني ما احييتني في سترك الواقي واصلح
حالي كله اصبحت في جوار الله ممتنعا وبعزة الله

التي

التي لا ترام محتجبا وبسلطان الله المنيع محرزا معتصما
متمسكا وباسماء الله الحسنى كلها عائذا اصبحت في
حمى الله الذي لا يستباح وفي ذمة الله التي لا تخفر
وفي حبل الله لا يجذم وفي جوار الله الذي لا يستضام
وفي منع الله الذي لا يدرك وفي ستر الله الذي لا يهتك
وفي عون الله الذي لا يخذل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم اعطف علينا قلوب عبادك وامائك
واوليائك برأفة منك ورحمة انك انت ارحم الراحمين
حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس وراء الله منتهى
ولا دون الله ملجا من اعتصم بالله نجا كتب الله لاغلبن
انا ورسلي ان الله قوي عزيز فالله خير حافظا وهو
ارحم الراحمين وما توفيقي الا بالله عليه توكلت واليه
انيب فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم شهد الله انه لا اله الا هو
العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وانا على ذلك
من الشاهدين تحصنت بالله العلي العظيم واعتصمت
بالحي الذي لا يموت ورميت كل عدو لنا بلا حول ولا قوة

قوة الا بالله العلي العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ
لم يكن اشهد ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط
بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا وصلى الله على
سيدنا محمد وآله الطاهرين ۲۳ در منهج از حضرت رسول صلى
الله عليه وآله روايت كرده است كه هر كه در هر صبح وشام اين دعا را بخواند
حق تعالى چهار ملك را موكل گرداند كه او را از پيش رو واز پشت سر و
از جانب راست واز جانب چپ حفظ كنند ودر امان خدا بوده وسالم
باشد وهر چند خلائق مكر كنند كه باو ضرر رسانند نتوانند رسانيد دعا اينست
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله خير الاسماء بسم الله رب
الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه سم ولا
داء بسم الله اصبحت وعلى الله توكلت بسم الله على قلبي
ونفسي بسم الله على ديني وعقلي بسم الله على اهلي ومالي
بسم الله على ما اعطاني ربي بسم الله الذي لا يضر مع
اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم
الله الله ربي لا اشرك به شيئا الله اكبر الله اكبر
الله اعز واجل مما اخاف واحذر عز جارك وجل
ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اني اعوذ بك من شر

نفسي

نفسي ومن شر كل سلطان شديد ومن شر كل
شيطان مريد ومن شر كل جبار عنيد ومن شر قضاء السوء
ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها انك على صراط
مستقيم وانت على كل شيء قدير ان وليي الله الذي نزل
الكتاب وهو يتولى الصالحين فان تولوا فقل حسبي
الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
۲۵ در بعضى از كتب معتبره از حضرت امير المؤمنين عليه السلام روايت كرده است
كه هر كه اين شش آيه را در هر بامداد بخواند حقتعالى او را از هر شرى از
شرهاى دنيا نگاه دارد وهر چند خود را در مهلكه افكند آيات اينست قل لن
يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولينا وعلى الله فليتوكل ال
المؤمنون وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان
يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده
وهو الغفور الرحيم وما من دابة في الارض الا على الله رز
قها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين وكاين
من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم
ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك
فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم قل افرايتم ما تدعون

من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره
او ارادني برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله
عليه يتوكل المتوكلون حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و
هو رب العرش العظيم وامتنع بحول الله وقوته من حولهم
وقوتهم واستشفع برب الفلق من شر ما خلق واعوذ بما
شاء الله لا قوة الا بالله العلي العظيم ۲۶ ايضا در كتاب مهج
از داود رقى روايت كرده است كه گفت روزى خدمت حضرت صادق
عليه السلام رسيدم فرمود ميخواهى ترا دعائى تعليم كنم كه اگر در هر صبح وشام بخوانى خدا ترا
ايمن گرداند از آنچه ميترسى گفتم بلى يا ابن رسول الله فرمود كه اين دعا را بگو
اصبحت بذمة الله وذمة انبيائه ورسله عليهم السلام
وذمة محمد ص وذمة الاوصياء عليهم السلام آمنت بسرهم
وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم واشهد انهم في علم الله
وطاعته كمحمد صلى الله عليه وآله والسلام عليهم داود گفت
كه هر وقت كه اين دعا را خواندم بحاجت خود رسيدم ۲۷ ابن طاوس
بسند خود از حضرت موسى بن جعفر صلى الله عليه وآله روايت كرده است
كه آنحضرت فرمودند كه جناب پيغمبر صلوات الله عليه وآله امير المؤمنين را
فرمودند يا على هر وقتيكه در امرى خائف شوى ويا بر تو شدتى رسد اينرا بگو

اللهم

اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد ان تنجيني من هذا
الغم شيخ طبرسى بسند خود از ابى عبد الله عليه السلام روايت كرده است
كه جناب پيغمبر صلى الله عليه وآله فرمود كه حضرت ابراهيم عليه السلام را چون به
آتش انداختند گفت اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد لما انجيتني منها
پس خداوند تبارك وتعالى آتش را براو گلستان گردانيد ونمرود را
۲۸ ابن طاوس رضي الله عنه از امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام روايت
كرده است كه فرمود جناب پيغمبر صلى الله عليه وآله حسنين را بتعويذ حرز مى نمود
باين عوذه وامر مى فرمود اصحاب خود را باين وآن اينست بسم الله الرحمن الرحيم
اعيذ نفسي وديني واهلي ومالي وولدي وخواتيم عملي وما رزقني ربي
وخولني بعزة الله وعظمة الله وسلطان الله ورحمة الله ورافة الله وغفران الله
وقوة الله وقدرة الله وبالاء الله وبصنع الله واركان الله و
بجمع الله عز وجل وبرسول الله صلى الله عليه وآله وقدرة الله
على ما يشاء من شر السامة والهامة ومن شر الجن والانس ومن شر
ما دب في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر ما ينزل من السماء وما
يعرج فيها ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم وهو على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله على محمد وآله اجمعين ۲۹ در منهج مذكور است كه در وقت

که در جزو ثالث آمالی محمد بن مطلب شیبانی بسند مرفوع از جناب امام حسن از مادر
فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه وآله مرویست یافته‌ام آن بسند صحیح که جناب
رسول الله ص فرمود به فاطمه زهرا علیها السلام یا بنیه آیا تعلیم کنم بر تو دعای را که دعا
نمیکند بآن احدی مگر آنکه مستجاب میشود دعای او و تاثیر نمیکند بآن احدی
و تاثیر نمیکند سحری و نه زهری و دشمن بر تو شماتت نمیکند و شیطان بر تو غلبه
نجوید و دل رحمن از تو اعراض نکند و نعمت خود را از تو باز نگیرد و دعای تو
رد نشود و مجموع حوایج تو برآورده میشود حضرت فاطمه ع عرض کرد یا ابتاه این
خوشتر است بر من از دنیا و هر چه در آن است فرمود میگوئی یا اعز مذکور
واقدمه قدما فی العز والجبروت یا رحیم کل مسترحم ومفزع کل
ملهوف الیه یا راحم کل حزین یشکو بثه وحزنه الیه یا
خیر من سئل المعروف منه واسرعه اعطاء یا من تخاف
الملائکة المتوقدة بالنور منه اسئلک بالاسماء التی
یدعوک بها حملة عرشک ومن حول عرشک بنورک یسبحون
شفقة من خوف عقابک وبالاسماء التی یدعوک بها جبرئیل
ومیکائیل واسرافیل الا اجبتنی وکشفت یا الهی کربتی
وسترت ذنوبی یا من امر بالصیحة فی خلقه فاذا هم بالسا
هرة محشورون وبذلک الاسم الذی احییت به العظام و

وهی رمیم احی قلبی واشرح صدری واصلح شأنی یا من خص
نفسه بالبقاء وخلق لبریته الموت والحیوة والفناء یا من
فعله قول وقوله امر وامره ماض علی ما یشاء اسئلک بالاسم
الذی دعاک به خلیلک حین القی فی النار فدعاک به
فاستجبت له وبالاسم الذی خلقت به عیسی من روح
القدس وبالاسم الذی تبت به علی داود وبالاسم
الذی وهبت به لزکریا یحیی وبالاسم الذی کشفت عن
ایوب الضر وتبت به علی داود وسخرت به لسلیمان الریح
تجری بامره والشیاطین وعلمته منطق الطیر وبالاسم الذی
خلقت به العرش وبالاسم الذی خلقت به الکرسی و
بالاسم الذی به الروحانیین وبالاسم الذی به الجن
والانس وبالاسم الذی خلقت به جمیع ما اردت من شیء
وبالاسم الذی قدرت به علی کل شیء اسئلک بحق هذه
الاسماء الا ما اعطیتنی سؤلی وقضیت حوائجی یا کریم ۳۰ سید
طاوس علیه الرحمه از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که
صبح کند و در دستش انگشتر عقیق باشد در دست راست که پیش از آنکه نظر
بر کسی افتد نگین آن را بجانب کف دست گرداند و با و نظر کند و سوره

انا انزلناه را تا آخر بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا شریک
له وکفرت بالجبت والطاغوت وآمنت بسر آل محمد و
علانیتهم وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم چون چنین کند
خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل
شود وآنچه بالا میرود بسوی آسمان وآنچه فرو میرود بزمین وآنچه بیرون می‌آید
از زمین و در حرز و حمایت خدا و امان خدا باشد تا شام ۳۱ و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که آن حضرت بشیعیان فرمودند
ترک نکنید و در وقت خواب این دعا را بخوانند اعیذ نفسی وذریتی
واهل بیتی ومالی بکلمات الله التامات من کل شیطان وهامة ومن
کل عین لامة که این دعا تعویذی فرمود حضرت رسول ص امام حسن
وامام حسین علیهما السلام را ۳۲ و از حضرت صادق ع منقول است که هر که
سوره یس را پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک با و موکل گرداند که
او را از شر شیطان و از هر بلا حفظ کنند ۳۳ بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که کسیکه اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین نگذارد تا
این دعا را بخواند اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وخواتیم عملی وما رزقنی
ربی وخولنی بعزة الله وعظمة الله وجبروت الله وسلطان الله ورحمة
الله ورافة الله وغفران الله وقوة الله وقدرة الله وجلال الله و

وبصنع الله وارکان الله وبجمع الله وبرسول الله وبقدرة الله علی ما یشاء
من شر السامة والهامة ومن شر الجن والانس ومن شر ما یدب فی
الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شر کل
دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وهو علی کل
شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بدانکه این دعا
تعویذیست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله برای حسنین علیهما السلام میفرمودند
که چون کسی اراده خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد و
بگوید بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابراهیم ودین
محمد ص وولایة من افترض طاعته ما شاء الله کان
وما لم یشأ لم یکن که هر که این دعا را بخواند در خواب محفوظ میماند
واز دزد و غارت و خانه بر سرش فرود آمدن و ملائکه برای او استغفار کنند
و فرمود هر که قل هو الله در خواب بخواند در وقت خوابیدن خدای تعالی
پنجاه هزار ملک با و موکل گرداند در آن شب او را پاسبانی کنند ۳۴
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که یازده مرتبه سوره
قل هو الله احد بخواند پیش از خواب خداوند عالم او را با خانه او و خانه
از کناره‌های دور او و همسایگان او و او را از بلا محفوظ ماند
و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه ساله او را خداوند بخشد ۳۵ در کتاب مجتنی

المطلب علامه حلی اعلی الله مقامه از ابن یقطین روایت کرده که حضرت
امام جعفر صادق ع فرمودند که هر کس زلزله را بیند باید این دعا را
بخواند یَا مَنْ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا
غَفُورًا صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَمْسِكْ عَنَّا السُّوءَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ و آن حضرت فرمودند هر کس این دعا را هنگام خواب بخواند
خانه بر سر او خراب نشود انشاء الله تعالی و از حضرت امام زین العابدین ع
منقول است آیه إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ الی آخر برای زلزله وارد
گردیده و در باب عاشر منقول است ۳۴ در کتاب ثواب الاعمال
از حضرت صادق ع منقول است که آن حضرت فرمود که ملول نشوید
از خواندن سوره اذا زلزلت الارض زلزالها بدرستیکه هر کس
بخواند بوده او را از زلزلت را در نافلها خدای تعالی هرگز با زلزله دائمی نبیند
یعنی زلزله آفتی باو نرسد زلزله بخواهد مرد در هنگامیکه بمیرد امر میکند او را
به بهشت برند پس از جانب خدای تعالی ندائی باو رسد که ای بنده من صالح
گردم تو بهشت را پس ساکن باش در آن در هر جا که بخواهی برو در خوابش
را خدای تو ورد حمایت نخواهد کرد و کسی با تو جهت نباشد ۴۵ برای امن
از خوف و خطر و از شر اعدا ۴۶ در کتاب طب الائمه از حضرت امام

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که چون نزدیک
بغروب شود این دعا را بخوان تا ایمن گردی از شر هر دزدی و از هر درنده
و از شر شیطان لعین و شر زندان و از هر گزنده و صاحب زهری و از
غولها و ملعنان در امان خدا باشی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ وَيَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ يَعْلَمُ خَائِنَةَ
الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَبِسْمِ
اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَىٰ
وَمِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ وَمِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَمِنْ شَرِّ أَبِي قِتْرَةَ وَمَا وَلَدَ وَمِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ وَمِنْ شَرِّ
مَا وَصَفْتُ وَمَا لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲ از
حضرت امام حسن عسکری ع منقول است که حضرت رسول ص بیکی
از اصحاب خود فرمود که اگر خواهی شر دشمنان بتو نرسد در صبح بگوی
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و اگر خواهی خدا ترا ایمن گرداند
از غرق شدن و سوختن و لقمه در گلو ماندن در هر صبح سه مرتبه این
دعا را بخوان تا ایمن گردی از این بلاها تا شام سه بار بخوان تا ایمن گردی
از بلاها تا صبح پس فرمود که خضر و الیاس علیهما السلام در هر موسم حج یکدیگر را

یکدیگر را ملاقات میکنند و چون از یکدیگر جدا می شوند این دعا را میخوانند
و این دعا از شیعیان ما است در روزی که حضرت قائم آل محمد ص ظاهر میشود
با این دوستان ما از دشمنان ما ممتاز می شوند اینست دعای مبارک
بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ
مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ
مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ
عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ در منهج الدعوات دعا را چنین روایت کرده اند
بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كُلُّ نِعْمَةٍ
مِنَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ
السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ ۳ سید بن طاوس و دیگران بسندهای معتبر روایت
کرده اند که حضرت صادق علیه السلام در زمان منصور دوانقی بعراق تشریف
آورد جمعی از شیعیان بخدمت آنحضرت آمدند عرض کردند که ای مولای ما شنیده ایم
که تربت جناب سید الشهداء شفای هر درد است اما از باعث امان از هر خوف
و بیم میگردد حضرت فرمود بلی هر که خواهد برای او امان گردد از هر خوف
و بیم در امان خدا باشد باید که تسبیحی از تربت مقدس آنحضرت بکف گیرد
و دعائی که حضرت امیر المؤمنین ع خواند در شب که در فراش حضرت رسول خدا ص

سه مرتبه بخوانند و دعا اینست أَمْسَيْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ
وَجِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ
وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ
وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَ
لَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ
لِي إِلَىٰ أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ
وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ
وَبِهِمْ أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَأُعَادِي مَنْ عَادَوْا وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا
فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ
يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّا
جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ
لَا يُبْصِرُونَ پس بعد از آن تسبیح را بوسه و بر دیده خود گذارد و بگوید
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ
أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا
شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ
سُوءٍ پس تسبیح را بر پیشانی و در جانب پیشانی خود بگذارد اگر در صبح
چنین کند تا شام در امان خدا باشد و اگر در شام چنین کند تا صبح در امان

خدا باشد هم درجع و سایر کتب از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
روایت کرده است برای دفع شر دشمنان و بلاها نزد طلوع و غروب آفتاب
این دعا را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله ولا قوة
الا بالله ولا غالب الا الله غالب کل شیء وبه یغلب الغا
لبون ومنه یطلب الراغبون وعلیه یتوکل المتوکلون
وبه یعتصم المعتصمون ویتقی المتقون ویلتجئ الملتجئون
وهو حسبهم ونعم الوکیل احترزت بالله واختفیت
بالله ولجأت الی الله واستجرت بالله واستعنت بالله
وامتنعت بالله وانتصرت بالله واعتززت بالله وقهرت
بالله وغلبت بالله واعتمدت علی الله واستترت وتحفظت
بالله واستحفظت بالله خیر الحافظین وتکهفت بالله
وحفظت نفسی واهلی ومالی واخوانی وکل من یعنینی امره
بالله الحافظ اللطیف واکتنفت بالله وصحبت حافظ
الصالحین وحافظ اصحاب الحافظین وفوضت امری
الی الله الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم واعتصمت
بالله الذی من اعتصم به نجا من کل خوف وتوکلت علی الله
العزیز الجبار وحسبی الله ونعم الوکیل ومن یتوکل علی الله

فهو

فهو حسبه ما شاء الله لا قوة الا بالله لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله صلی الله علیه وآله وعلی اهلها الطاهرین
وسلم تسلیما بریه سکره الله لا اله الا هو الحی القیوم وهو العلی
العظیم و سکره ولقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن والانس
لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اعین لا یبصرون بها و
لهم آذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل
سبیلا اولئک هم الغافلون سواء علیهم ادعوتموهم
ام انتم صامتون ان الذین تدعون من دون الله عباد
امثالکم فادعوهم فلیستجیبوا ان کنتم صادقین الهم
ارجل یمشون بها ام لهم اید یبطشون بها ام لهم اعین
یبصرون بها ام لهم آذان یسمعون بها قل ادعوا
شرکاءکم ثم کیدون فلا تنظرون ان ولیی الله الذی
نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وان تدعوهم الی
الهدی لا یسمعوا وتریهم ینظرون الیک وهم
لا یبصرون اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم
وابصارهم واولئک هم الغافلون انا جعلنا علی قلوبهم
اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان تدعهم

الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا فاوجس فی نفسه
خیفة موسی قلنا لا تخف انک انت الاعلی والق ما فی
یمینک تلقف ما صنعوا انما صنعوا کید ساحر ولا
یفلح الساحر حیث اتی افلم یسیروا فی الارض فتکون
لهم قلوب یعقلون بها او آذان یسمعون بها
فانها لا تعمی الابصار ولکن تعمی القلوب التی فی
الصدور بسم الله الرحمن الرحیم طسم تلک آیات
الکتاب المبین لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین
ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم لها
خاضعین قال اولو جئتک بشیء مبین قال فأت به ان
کنت من الصادقین فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین
ونزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین قال کلا ان
معی ربی سیهدین یا موسی لا تخف انی لا یخاف لدی
المرسلون لا اله الا الله رب العرش العظیم یا موسی اقبل
ولا تخف انک من الآمنین قال سنشد عضدک
باخیک ونجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا
انتما ومن اتبعکما الغالبون ولقد مننا علی موسی وهرون

ونجیناهما

ونجیناهما وقومهما من الکرب العظیم ونصرناهم فکا
نوا هم الغالبین والقیت علیک محبة منی ولتصنع
علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله
فرجعناک الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت
نفسا فنجیناک من الغم وفتناک فتونا وحرمنا علیه
المراضع من قبل فقالت هل ادلکم علی اهل بیت یکفلونه
لکم وهم له ناصحون فرددناه الی امه کی تقر عینها
ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق ولکن اکثرهم
لا یعلمون وقال الملک ائتونی به استخلصه لنفسی فلما
کلمه قال انک الیوم لدینا مکین امین انی توکلت
علی الله ربی وربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم ۵ علی ابن طاوس رحمه الله روایت کرده است
هنگامی که هرون علیه اللعنة والعذاب قصد قتل موسی ابن جعفر علیه السلام
کرد فضل بن ربیع را خواست گفت امشب بر تو القاف ثلاثه خواهم
ریخت که آن را برآوری و بر تو صد هزار دینار و درهم میدهم پس فضل
لبیک اشاره کرد گفت یا امیر المؤمنین آیا آن بطریق حرامست یا بحلال هرون
گفت حلال است لیکن از آن امر کرد صد هزار درهم را بجانب او بردند

در همان سال که سیروی بخانه موسی بن جعفر ع رسید او را برای تفرجی آوری فضل گفت
رفتم بخانه موسی بن جعفر دیدم که در گوشه ایستاده و مشغول نماز است پس نشستم
تا از نماز فارغ شد و رو کرد بمن و تبسم نمود و فرمود و سلام مرا بجا آورده
مهلت ده تا دو رکعت نماز بجا آورم پس مهلت دادم بر خواست و وضو ساخت
بعد از آن دو رکعت نماز کرد و تحسین رکوع و سجود بعد از آنکه سلام داد از این عزیز را
خوردند سیر تا بدیدمش از مکان خود ندانستم که ما رفت ندانستم بزمین فرو رفت یا
باسمان بالا رفت پس رفتم نزد هرون و قصه را باو حکایت کردم هرون
گریست پس از آن گفت خدای او او را از شر نگاه دارد و در روایت است که آنحضرت
امام موسی کاظم ع فرمودند هر کس بخواند این حرز را نیست فاقص و تعب
صادق خدا و نه او را از آن حرست غم نگاه دارد و او را از راه شرک خدا
فلان نفع آنرا باو رساند و کافی مردد و برای نگاه دارنده از خوف و عذا
ظاهر است بر آن بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر الله اکبر الله اکبر
واعلى واجل مما اخاف واحذر واستجير بالله عز
جاره وجل ثناء الله ولا اله الا الله وحده لا شريك له
وصلى الله على محمد وآل محمد اللهم احرسني بعينك التي لا تنام
واكنفني بركنك الذي لا يرام واغفر لي بقدرتك فانت رجائي
رب كم من نعمة انعمت بها علي قل لك عندها فيا من قل

عند نعمته شكري فلم يحرمني ويا من قل عند بليته صبري فلم
يخذلني ويا من رآني على الخطايا فلم يفضحني يا ذا المعروف
الذي لا ينقضي يا ذا النعم التي لا تحصى عددا صل على محمد
وآل محمد اللهم بك ادفع وادرء في نحره واستعيذ بك
من شره اللهم اعني على ديني بدنياي وعلى آخرتي بتقواي
واحفظني فيما غبت عنه ولا تكلني الى نفسي فيما حضرته
يا من لا تضره الذنوب ولا تنقصه المغفرة اغفر لي ما لا يضرك
واعطني ما لا ينقصك انك وهاب اسئلك فرجا قريبا
ومخرجا وحيا ورزقا واسعا وصبرا جميلا وعافية من
جميع البلايا انك على كل شيء قدير اللهم اني اسئلك
العفو والعافية والامن والصحة والصبر ودوام العافية
والشكر على العافية واسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تلبسني عافيتك في ديني ونفسي واهلي ومالي واخواني
من المؤمنين والمؤمنات وجميع ما انعمت به علي و
استودعك ذلك كله يا رب واسئلك ان تجعلني في
كنفك وجوارك وفي حفظك وحرزك وعياذك عز جارك
وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم فرغ قلبي لمحبتك وذكرك

وانعشه بخوفك ايام حيوتي كلها واجعل زادي من الدنيا
تقويك وهب لي قوة احتمل بها طاعتك واعمل بها بجميع
مرضاتك واجعل فراري اليك ورغبتي فيما عندك
والبس قلبي الوحشة من شرار خلقك والانس باوليائك
واهل طاعتك ولا تجعل لفاجر ولا لكافر علي منة و
لا له عندي يدا ولا لي اليه حاجة الهي حاجتي قد ترى
مكاني وتسمع كلامي وتعلم سري وعلانيتي ولا يخفى
عليك شيء من امري يا من لا يصفه نعت الناعتين
ويا من لا يجاوزه رجاء الراجين يا من لا يضيع لديه
اجر المحسنين يا من قرب نصرته من المظلومين ويا من
بعد عونه عن الظالمين قد علمت ما نالني من فلان
مما حظرت وانتهك مني ما حجرت بطرا في نعمتك عنده
واغترارا واغترارا بسترك عليه اللهم فخذه عن ظلمي
بعزتك وافلل حده عني بقدرتك عليه واجعل له شغلا
فيما يليه وعجزا فيما ينويه اللهم لا تسوغه ظلمي و
احسن عليه عوني واعصمني من مثل فعاله ولا تجعلني
في مثل حاله يا ارحم الراحمين اللهم يا ارحم الراحمين اللهم

اني استجرت بك توكلت عليك وفوضت امري اليك
والجأت ظهري اليك وضعف ركني الى قوتك مستجيرا
بك مرتجيا التعزز على والقوة على ضعفي فاني في جوارك فلا
ضيم على جارك رب فاقهر عني قاهري واوهن عني
مستوهني بعزتك واقبض عني ظالمي بقسطك وخذ لي
ممن ظلمني بعدلك رب فاعذني بعياذك امتنع عائذك
وادخلني في جوارك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله
غيرك واسبل علي سترك ممن تستره فهو الامن المحصن
الذي لا يوالج رب واضممني في ذلك الى كنفك فمن
تكنفه فهو الامن المحفوظ لا حول ولا قوة ولا حيلة الا
بالله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك
في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا من يكن
ذا حيلة في نفسه او حول بتقلبه او قوة في امره بشيء
سوى الله فان حولي وقوتي وكل حيلتي بالله الواحد
الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد وكل ذي ملك فمملوك لله وكل قوي ضعيف عند
قوة الله وكل ذي عز فغالبه الله وكل شيء في قبضته

ذل كل عزيز لبطش الله صغر كل عظيم عند عظمة الله خضع
كل جبار عند سلطان الله واستظهرت واستطلت على
كل عدو لي بقوة الله درأت في نحر كل عاد على الله ضربت
بإذن الله بنجدة بين كل مترف ذي سورة وجبار ذي
نخوة ومتسلط ذي قوة ووال ذي إمرة ومستعد ذي
البهت وعنيد ذي ضغينة وعلق ذي غيلة وحاسد
ذي قوة وماكر ذي مكيدة وكل معين أو معان
علي بمقالة مغوية أو سعاية مسبية أو حيلة مؤذية
أو غائلة مردية أو كل طاغ ذي كبرياء أو معجب
ذي خيلاء على كل سبب وبكل مذهب فأخذت
لنفسي وما لي حجابا دونهم بما أنزلت من كتابك و
أحكمت من وحيك الذي لا يؤتى من سورة بمثله وهو
الحكم العدل والكتاب الذي لا يأتيه الباطل من بين
يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد اللهم صل على
محمد وآل محمد واجعل حمدي لك وثنائي عليك في العافية
والبلاء والشدة والرخاء دائما لا ينقضي ولا يبيد توكلت
على الحي الذي لا يموت اللهم بك أعوذ وبك ألوذ وإياك

أعبد وإياك أستعين وعليك أتوكل وأدرأ بك في نحر أعدائي
وأستعين بك عليهم وأستكفيكهم فاكفني بما شئت وكيف
شئت وحيثما شئت بحولك وقوتك إنك على
كل شيء قدير فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
قال سنشد عضدك بأخيك ونجعل لكما سلطانا
فلا يصلون إليكما بآياتنا أنتما ومن اتبعكما الغالبون
لا تخافا إنني معكما أسمع وأرى قال اخسؤوا فيها ولا
تكلمون أخذت بسمع من يطالبني بالسوء بسمع
الله وبصره وقوته بقوة الله وحبله المتين وسلطانه
المبين فليس لهم علينا سلطان ولا سبيل إن شاء الله
وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن سدا فأغشيناهم
خلفهم
فهم لا يبصرون اللهم يدك فوق كل ذي يد وقوتك أعز
من كل قوة وسلطانك أجل من كل سلطان فصل على
محمد وآل محمد وكن عند ظني فيما لم أجد فيه مفزعا غيرك
ولا ملجأ سواك فإني أعلم أن عدلك أوسع من جور الجبابرة
وأن انتصافك من وراء ظلم الظالمين صل على محمد وآل محمد وأجرني
واحرزني منهم يا أرحم الراحمين أعيذ نفسي وديني وأهلي و

مالي وولدي ومن يحفظه عنايتي بجميع نعم الله عندي
بسم الله الذي خضعت له الرقاب وبسم الله الذي
خافته الصدور ووجلت منه النفوس وبالاسم
الذي قال للنار كوني بردا وسلاما على إبراهيم وأرادوا
به كيدا فجعلناهم الأخسرين وبعظمة الله التي لا
تحصى بقدرة الله المستطيلة على جميع خلقه من شر
فلان ومن شر خلقه الجن ومن شر مكرهم وكيدهم
وحيلهم وقوتهم وحيلهم إنك على كل شيء قدير اللهم
بك أستعين وبك أستغيث وعليك أتوكل وأنت رب
العرش العظيم اللهم صل على محمد وآل محمد وخلصني من
كل مصيبة نزلت في هذا اليوم وفي هذه الليلة من
السماء إلى الأرض إنك على كل شيء قدير وفي جميع الأيام
والليالي واجعل لي سهما في كل حسنة نزلت في
هذا اليوم وفي هذه الليلة وفي جميع الليالي والأيام
من السماء إلى الأرض إنك على كل شيء قدير اللهم بك
أستفتح وبك أستنجح وبمحمد جبرئيل عن يميني وميكائيل
عن يساري وإسرافيل أمامي ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي

العظيم خلفي وبين يدي لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من الظالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الطاهرين الطيبين
وسلم كثيرا علی ابن طاوس علیه الرحمه بسند خود از علی بن یقطین
رحمه الله روایت کرده است که با ابو الحسن موسی ابن جعفر خبر آوردند که موسی
مهدی عزم قتل آنحضرت را دارد و جمعی از اهل بیت آنحضرت نزد او حاضر
بودند فرمود با اهل بیت خود رای شما در این چه چیز است گفتند رای ما
اینست که دور کنی خود را از او و پنهان کنی نفس خود را از او چه آنکه
ما از شر او ایمن نیستیم پس ابو الحسن علیه السلام تبسم فرمود پس از آن متمثلا
خواندند زعمت سخينة أن ستغلب ربها فليغلبن مغلب الغلاب
پس از آن دستهای مبارک خود را بآسمان برداشته و خواندند این دعا را
إلهي كم من عدو شحذ لي ظبة مديته وأرهف لي
شبا حده وداف لي قواتل سمومه ولم تنم عني عين
حراسته فلما رأيت ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي
عن ملمات الجوائح صرفت ذلك عني بحولك وقوتك لا
بحول مني ولا قوة فألقيته في الحفير الذي احتفره لي
خائبا مما أمله في الدنيا متباعدا مما رجاه في الآخرة فلك
الحمد على ذلك قدر استحقاقك سيدي اللهم فخذه

بعزتك واذل احده حتی یقدر لک ولا تجعل له شغلاً فیما
یلیه عجزاً عما ینویه اللهم واعدنی علی عدوی حاضرة
تکون من غیظی شفاء ومن حقی علیه وفاء وصل اللهم
دعائی بالاجابة وانظم شکایتی بالتغییر وعرفه عما قلیل
ما وعدت الظالمین وعرفنی ما وعدت فی اجابة المضطرین
انک ذو الفضل العظیم والمن الکریم گفت هر زمان مردم متفرق
گردیدند و جمع نشدند مگر برای خواندن مکتوبه که در این خبر وفات سدیر بن جعفر
جهت ٧ علی بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده که منقول است که ابتدا
را اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم تعلیم کرد یکی از صحابه پیش حجاج
حجاج ثقفی که او را بکشد این دعا را خواند سیاف او قدرت نیافت که او را
بکشد دعای مبارک اینست یا سامع کل صوت یا محیی النفوس
بعد الموت یا من لا یحجبه لانه لا یخاف الفوت یا
دائم الثبات یا مخرج النبات یا محیی العظام الرمیم
الداثرات بسم الله اعتصمت بالله وتوکلت علی
الحی الذی لا یموت ورمیت من یؤذینی بلا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ٨ در جهت رفع دفع سموم
نقل کرده است که دختر از امرای بخش و کمر تر بس بگو حسبی الله لا اله

الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم زیر بر روی او بریز
و فوایدش بینی ٩ در جهت دفع هموم نقل کرده وقتی که ذهنی قوی بر صاحب تسلط کرد
از و تعبیر بگو الله الله ربی الله الله ربی لا اشرک به شیئاً اگر
میگوئی پس ضرر او به تو نمی رسد ١٠ در جهت از دفع الهموم نقل کرده که خوانده بر بزرگی
باشد وقتیکه خوف از وحشت باشی و تجربه رسیده اطفأت غضبک
یا فلان بلا اله الا انت ١١ در همان کتاب جهت دفع الهموم
و غموم میخوانی بر روی دشمن و آن قادر بر ضرر تو نباشد و کتب الله
لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ١٢ در جهت رفع الهموم
وقتیکه از سلطان ترسی داشته باشی از برای خواندن وینجی الذین اتقوا بمفازتهم
لا یمسهم السوء ولا هم یحزنون پس ضرری از پادشاه به تو نخواهد
رسید ١٣ در همان کتاب مذکور است که راهزنی ملاقات کرد یکی
از انصار و خواست او را بکشد انصاری خواهش کرد که بگذار دو چهار رکعت
نماز بگذارد راهزن قبول کرد پس چهار رکعت نماز کرد و به سجده رفت و در
سجده این دعا را خواند یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعال لما یرید
اسئلک بعزتک التی لا ترام وملکک الذی لا یضام وبنورک الذی
ملأ ارکان عرشک ان تکفینی شر هذا اللص یا مغیث اغثنی
و مکرر کرد این دعا را سه مرتبه پس دیدند شخصی آمد و در دست او

داشت راهزن کشت و گفت من ملکم در آسمان چهارم هر کس بکند به مثل
تو کردی خدای تعالی دعای او را مستجاب کند عمر دهد باز پیغمبر عمر داده
١٤ در جهت دعاء فاضله است مردی از جناب امام موسی کاظم علیه السلام
مذکور است در کنز النجاح شیخ طبرسی علیه الرحمه و این مشهور است بدعاء
کفایة البلاء میگوید هنگامی که آن حضرت در حال حبس هارون الرشید
گردید و در نظر هارون آمد ادب نسبت به آن حضرت بود وقتیکه آنحضرت را
مشاهده کرد از جای خود برخاست و با آن حضرت معانقه کرد و صله داد
و برگشت مرد با آن حضرت عطر مالید و خلعت داد وقتیکه آنحضرت از آنجا
رفت هارون فضل بن ربیع بهارون گفت یا امیر المؤمنین تو میخواستی او را بکشی
و عقاب کنی و با او خلعت دادی و جایزه دادی گفت ای فضل بعد از آن
حضرت امر عظیمی رسید و در وقت نزد جنابت ای مرد بکشی دیدم تو رفتی او را
حاضر کنی دیدم جماعتی خانه مرا احاطه کرده اند و در دست هر یکی حربه
هست که در خانه بزمین زده اند و میگویند هرگاه پسر رسول خدا را اذیت
برسانی ترا بزمین فرو میبریم و اگر با او احسان کردی باز میگردیم و با تو
رجوعی نداریم فضل میگوید بعد از آن حضرت رفتم و با او عرض کردم یابن رسول
چه دعا خواندی که شر هارون از تو دفع شد حضرت فرمود دعای جدم علی بن
ابی طالب را در وقتیکه مدام این دعا را خواند از شر هر دشمنی برگشت در

در دعوا از او خواندم در بسته او هر بلا بوده بر طرف شد طرفی شب و روز هر شب
و این کفایة البلاء عرض کردم کدام است آن دعا حضرت فرمود اللهم بک
اساور و بک اجادل و بک اصول و بک انتصر و بک اموت و
بک احیا اسلمت نفسی الیک وفوضت امری الیک لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انک خلقتنی ورزقتنی وسترتنی
وسترتنی عن العباد بلطفک وخولتنی اذا هربت رددتنی و
اذا عثرت اقلتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوتک اجبتنی
سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی ١٥ دعائیست هر کس بخواند خدا
قلعه حصاری در اطراف او بنا کند که از جمیع دشمنان قادر نشوند
باو ضرر برسانند در جهت در کتاب کنز النجاح نقل کرده مرویست از
حضرت صادق علیه السلام است که این دعا را در سجده میگوئی در حالتی که تو طاهر
باشی و میگوئی اللهم انی احتجب الیک بنور وجهک الکریم الجلیل
القدیم الرفیع العظیم العلی الرحیم القائم بالقسط لا اله
الا انت العزیز الرحیم وبمحمد صلی الله علیه وآله صلواتک
علیه وعلیهم وبالولی العظیم من المرسلین صلواتک علیهم
اجمعین وبملائکتک المقربون رضوانک علیهم اجمعین و
ببیتک المعمور وبالسبع المثانی والقرآن العظیم وبکل من

بكرمك علیك من جمیع خلقك اجمعین لانفس اهل بیت
نبیك محمد صلواتك علیه وعلیهم اجمعین ولاولادهم و
لجمیع ما ملکتهم ونفضل به علیهم ولانفسنا ولاولادنا
ولجمیع ما ملکتنا ونفضل به علینا من شر جمیع ما نخافه
ونحذره ونخاف ما احییتنا وبعد وفاتنا بسم الله الرحمن
الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد کذلک الله ربنا عن فوقهم
وعن فوقنا وقل هو الله بهمین طریق سه مرتبه میخواند عن ایمانهم
وایماننا می خواند وسه بار هم میخواند بهمین طریق دعی کو عن شمائلهم
وعن شمائلنا عصمة وحصنا وحرزا لهم ولنا من کل
سوء وضر ومکروه ومخوف ومحذور وبقاء ما غشنا و
تعبکما انبنا بقدرته ربنا انه علی کل شیء قدیر ولکل
شیء حفیظ وصلی الله علی محمد واله اجمعین ۱۸ دعائیست
برای دفع کید وشر دشمنان ومحفوظ ماندن از شر ایشان ابن طاوس ره
در منهج ذکر کرده که از رجاء بن یحیی عبرتائی مرویست که گفت من دفتردار در
خانه جناب ابو محمد حسن بن علی صاحب عسکر بودم نوشتم این دعا حسن بن علی
است هنگامیکه نزد معاویه برفته خواند واز شر ان ملعون نجات یافت

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله العظیم الاکبر اللهم سبحانک
یا قیوم سبحان الحی الذی لا یموت اسئلک کما امسکت عن
دانیال افواه الاسد وهو فی الجب فلا یستطیعون الیه
سبیلا الا باذنک اسئلک ان تمسک عنی امر هذا الرجل
وکل عدو لی فی مشارق الارض ومغاربها من الجن والانس
باذانهم واسماعهم وابصارهم وقلوبهم وجوارحهم واکفنی
کیدهم بحول منک وقوة وکن لی جارا منهم وممن
کل جبار عنید ومن کل شیطان مرید لا یؤمن بیوم الحساب
ان ولی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم ۱۷ درهمان کتاب از ربیع حاجب
نقلست که گفت بحج می رفتم با منصور دوانقی در عرض راه بمن گفت چون
بمدینه رسیدیم جعفر بن محمد را بخاطر من بیاور وقسم بخدا او را البته ازین کس
او را نخواهم گذاشت ترسیدم از آنکه او را بخاطر نیاوری میگوید وقتیکه بمدینه
رسیدیم منصور گفت ای ربیع آنچه گفته بودم او را بخاطر بیاوری جعفر بن محمد را بیاور
گفتم فراموش کردم گفت وقتیکه بمدینه مراجعت کردیم او را بخاطر بیاور در بلاد
من او را خواهم کشت اگر مرا بخاطر نیاوری گردن تو را خواهم زد بعد از مراجعت

وغلامان خود سپردم هنگام دخول مدینه جعفر بن محمد را بخاطرم بیاور
میگوید اصحاب وغلامان من آنحضرت را ذکری کردند در منزل که دخل
انجامی شدیم وقتیکه بمدینه رسیدیم رفتم نزد منصور دوانقی در پیش روی
وی ایستادم گفتم یا امیر المؤمنین جعفر بن محمد پس منصور خندید و گفت
برو ای ربیع نزد او و او را بیاور در کشان کشان می آوری میگوید من قبول کردم
وآمدم ومن در حال عظیمی بودم این امر را بسیار قبیح دیدم و گفت میدانستم
وآمدم نزد امام صادق جعفر بن محمد آنحضرت در وسط خانه نشسته بود
عرض کردم فرمایش منصور تو را میخواهد گفت سمعا وطاعة بعد از آن
برخواست وآنحضرت بهمراه من راه برفت عرض کردم یا بن رسول امر کرده است
تو را در کشان کشان ببرم فرمود امتثال کن ای ربیع باآنچه ماموری پس گرفتم
دامنش را کشیدم او را میبردم وقتیکه داخل کردم آنحضرت بمجلس منصور
دیدم منصور بر بالای تخت نشسته در دست او عمودی بود از آهن و میخواست
آنحضرت را با آن عمود بکشد ونظر کردم بر جعفر بن محمد دیدم که لبهای
مبارکش حرکت میکند گویا دعا میخواند ونفهمیدم که آن حضرت چه میخواند
لکن شک نداشتم در آنکه آن ملعون آنحضرت را خواهد کشت وخود را نهادم
بانچه نظر میکردم وقتیکه آنحضرت بمنصور نزدیک شد منصور گفت نزدیک
بیا یا ابن عم وغضب او رفت وآنحضرت را نزدیک برد تا با خود در تخت

بعد از آن امر کرد بغلام که حقه را بیاور ودر آن حقه ظرف غالیه بود وغلام
غالیه را آورد وبدست خود آنحضرت را عطر مالید بعد از آن آنحضرت را
بر استر نشانید ویک بدره زر بآنحضرت داد وخلعت داد وامر
داد که آنحضرت را که مراجعت کند وقتیکه آنحضرت از پیش او
برخواست من بهمراه او آمدم تا رسیدیم بخانه اش عرض کردم یا بن رسول الله
بدرستیکه پدر ومادرم بفدای تو باد من شک نداشتم که او تو را خواهد کشت در همان
ساعت که وارد می شوی دیدم لبهای مبارک شما در وقت داخل شدن حرکت
میکند چه میخواندید فرمود بلی یا ربیع من میخواندم حسبی الرب من المربوبین
حسبی الخالق من المخلوقین حسبی من لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا هو
علیه توکلت وهو رب العرش العظیم حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی
حسبی حسبی الله ونعم الوکیل اللهم احرسنی بعینک التی لا تنام و
اکنفنی برکنک الذی لا یرام واحفظنی بعزک واکفنی شره بقدرتک
ومن علی بنصرک والا هلکت وانت رجائی اللهم انک اکبر
واجل مما اخاف واحذر اللهم انی ادرء بک فی نحره و
اعوذ بک من شره واستعینک واستکفیکه یا کافی موسی
فرعون ومحمد صلی الله علیه واله وسلم الاحزاب الذین قال لهم
الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم وقالوا

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ
سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ
اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ
لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۱۸ در
مهج الدعوات از ابی عبدالله ع روایت کرده که آنحضرت فرمود
انا انزلناه فی لیلة القدر خواندم در وقتیکه منصور دوانقی مرا طلبید و اراده
قتل من داشت خدای تعالی مانع شد و برگشت و وقتیکه آنحضرت خواند
سوره انا انزلناه را منصور بآنحضرت نظر میکرد از نزد او
بیرون رفت مگر آنکه منصور با آنحضرت [illegible] اعزاز و تکریم کرد
با آن حضرت که بجهة چه چیز احتراس کردی از او فرمود بالله و بخواندن سوره قدر
بعد از آن گفتم یا الله یا الله ۱۹ انی اتشفع بمحمد صلی الله علیه و آله
و آن تعلیقه را پس هر کس مبتلا شود مثل این پس بگوید مثل آنچه من کردم
هرگاه این بود که ما سوره انا انزلناه را میخواندیم و امر میکنیم شیعیان
خود را بخواندن سوره قدر هر آینه مردم آنها را سیر بودند و لکن قسم بخدا
که آن کهف و پناه است برای آنها ۲۰ در همان کتاب روایت
کرده که منصور نازل بر زره در حضرت امام جعفر صادق ع [illegible]

بود و قسم خورد که او را بکشد بعد از آن امر کرد با براهیم بن جبله کرخی
روی در خدمت حضرت جمیع سکنی کرد و بیش او داد گفت [illegible] ابراهیم
میگوید که آنحضرت را بجهة او در سیدا کردم و بعد از آن با آنحضرت آنچه مأمور شدم
از شیطین آنحضرت گرفتم و گفتم امیر المؤمنین تو را میخواهد پس آنحضرت فرمود انا لله
و انا الیه راجعون بعد از آن [illegible] نماز گزاردم و بعد از آن آنحضرت بسیار
گریست و من در آنجا بودم بعد از آن خواند اللّهم انت ثقتی
فی کل کرب و رجائی فی کل شدة وانت فی کل
امر نزل بی ثقة وعدة فکم من کرب یضعف عنه
الفؤاد وتقل فیه الحیلة ویخذل فیه القریب ویشمت
به العدو وتعنینی فیه الامور انزلته بک وشکوته الیک
راغبا فیه الیک عمن سواک ففرجته وکشفته وکفیتنیه
فانت ولی کل نعمة وصاحب کل حسنة ومنتهی کل
حاجة فلک الحمد کثیرا ولک المن فاضلا و این دعا از
حضرت امام رضا علیه السلام روایت در آن زیاد است و آن
ابنت بنعمتک تتم الصالحات یا معروفا بالمعروف یا من
هو بالمعروف موصوف انلنی من معروفک معروفا تغنینی به عن معروف
من سواک برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن فرمود بمن برادر من

آنچه مأموری عرض نموده که [illegible] کرد هر چند گمان من این بود [illegible] اجرا
گشت پس من گرفتم از دست او و با او رفتم و من شک ندارم [illegible] اجل او
گشت و وقتیکه بسرای رسیدم خواند یا الله [illegible] و یا اله ابراهیم
و اسماعیل و اسحق و یعقوب [illegible] نزل فی هذه الغداة عافیتی و لا
تسلط علی فی هذه الغداة احدا من خلقک بشیء لا طاقة لی به
بعد از آن [illegible] گفت آنحضرت را داخل کردم براو [illegible] نشست
و گفت با آن حضرت [illegible] خروج کنی قسم بخدا ترا می کشم آنحضرت
یا امیر المؤمنین [illegible] مدارا کن و ملایمت [illegible] مصاحبت ما کم خواهد
منصور با آن حضرت گفت مراجعت کن بعد از منصور بعیسی ابن علی گفت
از دنبال او برو بپرس [illegible] عیسی رفت و از آن حضرت پرسید
فرمود [illegible] ۲۱ ابن طاوس روایت که از قاسم بن ابو العلا
نقل کرده است از صافی خادم حضرت امام علی النقی ع [illegible] طلبیدم از
آن حضرت [illegible] زیارت [illegible] امام رضا ع بروم فرمود که باید با خود انگشتری
داشته باشی که نگینش عقیق باشد زرد و نقش نگین ما شاء الله لا قوة الا بالله
استغفر الله باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این
انگشتر را با خود داشته باشی امان یابی از شر دشمنان و دزدان و راهزنان
و برای سلامتی تو تمام تر است و این تو را حفظ کننده تر است غلام گفت

که بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود بهم رسانیدم و برگشتم
که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم مرا برگردانید چون برگشتم فرمود
ای صافی گفتم لبیک ای آقا و مولای من فرمود که باید انگشتری فیروزه با خود داشته
باشی و آن [illegible] که در میانه طوس و نیشابور [illegible] خواهد نمود و قافله را منع
خواهد کرد از رفتن تو پیش برو و این انگشتر را بشیر نشان بده و بگو مولای من میگوید
که دور شو از راه و باید که بر یک طرف نگین فیروزه الله الملک نقش کنی
و در طرف دیگر الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر حضرت
امیر المؤمنین ع الله الملک بود چون خلافت با آن حضرت برگشت
الملک لله الواحد القهار نقش کرد و نگینش فیروزه بود چنین
نگین امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در
جنگها غلام گفت [illegible] سفر [illegible] که در همان [illegible] که حضرت فرموده
بود شیر آمد و آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم و شیر برگشت چون
از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت عرض کردم حضرت
فرمود یکی ماند که نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقا و مولای من فرمودی
[illegible] شاید که فراموش کرده باشم فرمود شبی در طوس نزدیک روضه حرم
امام رضا ع خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر [illegible] آن نگین
در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آنرا از دست تو بدر آوردند [illegible]

نزد بیماری که داشته باشد بردند و انگشتر را در آب شستند و آب را
بیمار خورد شفا یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست
کردی ایشان در دست چپ تو کردند چون از خواب بیدار شدی
تعجب کردی و سببش را ندانستی و در بالین خود یاقوتی یافتی آنرا بردار که
امسال بیمار آن نوع بسیار بیمار شد ازان آب بهشت داشتند و خوردن فروخت
و این یاقوت هدیه آن جنیان است که برای تو آورده بودند فرخ‌زاد
گفت یاقوت را بردم در بازار و بهشتاد اشرفی فروختم ۲۴ ابن بابویه و
سید بن طاوس رحمه الله روایت کرده است که شخصی آمد خدمت حضرت
صادق ع و گفت من میترسم از حاکم شهر و میترسم که دشمنان مرا
بخشم آورند و ایمن نیستم ازانکه مرا بکشند حضرت فرمود که انگشتری
بساز که نگین او حدید چینی باشد و بر روی نگین سه سطر نقش
کن در سطر اول اَعُوذُ بِاللّٰهِ الجَلیلِ و در دوم اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللّٰهِ
در سطر سیم اَعُوذُ بِرَسولِ اللّٰهِ و در زیر نگین دو سطر نقش کن سطر اول آمَنْتُ
بِاللّٰهِ وَکُتُبِهِ سطر دوم وَاَثِقُ بِاللّٰهِ و در دور نگین نقش کن اَشْهَدُ
اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُخْلِصاً و در دست کن این انگشتر را و در هر جا که بر تو
دشوار شود در وقتی که از آزار مردم ترسی بدرستیکه حجتها بدر آنقدر بود
و در تو سعایت بسیار جدل میکرد و ظلم که زایل دیدن براو دشوار باشد برد

ببندید بمشیت خداوند زاییدن بر او آسان گردد و زود وضع حمل شود
و همچنین دفع میکند اثر چشم بد را و حذر کن که نجاسات باین نگین نرسد
و با خود بخلا و حمام نبرد و خوب محافظت نمای آنرا که از اسرار
خداست و شیعیان از دشمنان خود میترسید بر جان خود باید که
این انگشتر را داشته باشید و از دشمنان پنهان دارید و تعلیم مکنید
مگر کسی را که اعتقاد بود داشته راوی حدیث گفت که تجربه کردم و اثرش را
یافتم ۲۳ و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که هر که
در وقت خواب این آیت را بخواند از دزد ایمن گردد قُلِ ادْعُوا
اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیّاً ما تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنیٰ وَلا
تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَلا تُخافِتْ بِها وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِکَ
سَبیلاً وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ
لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ
تَکْبیراً ۲۴ از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که
هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند خدای
تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ نمایند
تا صبح روز دیگر ۲۵ دعایی را امام جعفر صادق ع خواند در وقتی که منصور
دوانقی او را در دفعه چهارم خواست بقتل رساند بروایت ابن طاوس علیه الرحمه

ترجمه حقیقت آن اینست که بطریق اختصار بیان میکنیم ربیع حاجب
روایت کرده که منصور ابراهیم جبله را فرستاد که آنحضرت را از مدینه
بکوفه بیاورد وقتیکه آنحضرت را بکوفه آوردند ربیع گفت منصور خبر کرد
که حضرت را آوردند منصور سیاف را خواست و شمشیری را
داد و گفت باو که وقتیکه جعفر بن محمد داخل شد من با او حرف زدم و تو رگ
برگردم تو گردن او را بزن و من بیرون آمدم و آنحضرت را خبر دادم
آنحضرت فرمود مترس هرگاه او مرا ببیند الهام زایل خواهد شد بعد از
شروع کرد بخواندن جامع الترد این دعائیست که گذشت الکن در عبارت
آن اختلافی دارد فی الجمله لهذا در باره ذکر کردم یا اِلٰهَ جَبْرَئیلَ
وَمیکائیلَ وَاِسْرافیلَ وَاِلٰهَ اِبْراهیمَ وَاِسْمٰعیلَ وَاِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ وَمُحَمَّدٍ
صلی الله علیه و آله و سلم تَوَلَّنی فی هٰذِهِ الْغَداةِ وَلا تُسَلِّطْ عَلَیَّ
اَحَداً مِنْ خَلْقِکَ بِشَیْءٍ لا طاقَةَ لی بِهِ بعد از آن داخل شد
و بنهایت و کثیر سعی داد و نفهمیدم که چه میخواند دیدم که منصور که آتشی
بود حتی برخاست و آبی بر او ریختند خاموش شد و منصور برخاست و دست
آنحضرت گرفت و بر تخت خود نشاند و بسیار رعایت و ملایمت
نمود و بعد از آن گفت که نعلین آمد بسیار بسیار عطر خواست و بدست خود عطر
بر آنحضرت مالید و چهار هزار اشرفی داد و مرکوب آنحضرت طلب کرد

نزد تخت و آنحضرت بالای آن بود سوار گردد و حضرت مراجعت فرمود
و من بآنحضرت عرض کردم این ملعون ترا میخواست بکشد و شما در وقت داخل
شدن دعایی خواندید که از و چیزی نفهمیدم فرمود آن کلماتش نیست
وقت صبح بخدمت آنحضرت رفتم فرمود که خبر دارم را یافتم از جدم
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که اعراب بسر او جمع شدند
و آن روز روز بسیار شدیدی بود بر رسول خدا ص و آنحضرت بیرون
میرفت و اندرون می آمد و باسمان نگاه میفرمود و میگفت که
ضیقی تکشفی که از آن در اثنای آن شب بیرون آمد شخصی را دید
بحذیفه گفت به بین این کیست حذیفه عرض کرد یا رسول الله این علی
بن ابی طالب است آنحضرت فرمود یا ابوالحسن آیا نترسیدی از آنکه
ترا دشمنان ببینند گفت من نفس خود را بخشیدم که ادر رسول خدا
بجهت حراست سلمی در این شب بیرون آمدم هنوز انتها تمام نشده بود
که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر ص گفت ای محمد ص حق تعالی ترا سلام
میرساند و میگوید موقعی را در این شب میبینم و هدیه فرستادم باو
در از مکنون علم خود کلمات که با آن پناه برده شود بخدا از شیطان
مرده و از سلطان جبار و از سوخته شدن و از غرق شدن و از
زیر عمارت ماندن و از زیر دیوار ماندن و از درنده و دزد و قطاع

الطریق مگر آنکه این میکند خدای تعالی او را از همه آنها حفظ کند
اللهم احرسنا بعینک التی لا تنام واکنفنا برکنک
الذی لا یرام وارحمنا بقدرتک علینا ولا نهلک و
انت الرجاء رب کم من نعمة انعمت بها علی قل لک
عندها شکری وکم من بلیة ابتلیتنی بها قل لک عندها صبری فیا من قل عند نعمته شکری فلم
یحرمنی ویا من قل عند بلائه صبری فلم یخذلنی
یا ذا المعروف الدائم الذی لا ینقضی ابدا ویا ذا النعماء
التی لا تحصی عددا اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وادرء بک فی نحور الاعداء والجبارین اللهم اعنی
علی دینی بدنیای وعلی آخرتی بتقوای واحفظنی
فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من
لا تنقصه المغفرة ولا تضره المعصیة اسئلک فرجا
عاجلا وصبرا جمیلا ورزقا واسعا والعافیة من جمیع
البلایا والشکر علی العافیة یا ارحم الراحمین ربیع گفت
والله سه مرتبه منصور علیه اللعنة خواست که مرا بکشد خدا پناه بردم
باین کلمات خدا نگاه داشت مرا از شر او از عباس بن عبدالعظیم روایت
که هر شب میخواستم دکانم نگاه نمایم این دعا را میخواندم یک شب فراموش
کردم

فراموش کردم که بخوانم و در تنها وقت از خواب بیدار شدم بخاطرم آمد که من
دعا را نخوانده ام در دکان و دعا را در رخت خواب خود خواندم و دکان را با آن
تعوید نمودم و بدست خود سمت دکانم را اشاره کردم صبح وقتیکه بدکان آمدم
مردی در میان دکان دیدم دیگر دکان بسته بود پرسیدم از او که در
دکان چه میکنی گفت در دکان تو داخل شدم که از آن چیزی ببرم
و هر وقت که اراده کردم که از دکان بیرون روم شیری روی من دیواری
از آهن پیدا شد نتوانستم از دکان بیرون روم میگوید که این روز
دو در خطر و حوادث تا شبی غریبی دارد و ذکر اینها عجیبی از آن
کردم که ذکر اینها باعث طول است دعای را امام جعفر صادق ع خواند
وقتی که منصور او را در ... خواست بکشد غرض انست بروایت
رضی الدین ابن طاوس ره اینست و قصه آن چون طولی داشت لهذا
انرا ذکر نکردیم اگر کسی خواسته باشد در مهج الدعوات ملاحظه
کند ربیع میگوید نوبت انحضرت عرض کردم وقتیکه یعنی ... دعای
خواندی نفهمیدم چه دعا بود که خواندی انحضرت فرمود اند دعای رسول
الله ص بود در روز جنگ احزاب پدرم از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین
علیه السلام روایت کرده فرموده که روز احزاب مدینه مثل اکلیل بود
از لشکر مشرکین و زلزال و اضطراب و همی بود پس جناب پیغمبر صلوات الله

این دعا را خوانده و امیرالمؤمنین ع میخواند این دعا را در وقتیکه محزون می گردید
اللهم احرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی
لا یضام واغفرلی بقدرتک علی رب لا اهلک وانت
الرجاء اللهم انت اعز واکبر مما اخاف واحذر بالله
استفتح وبالله استنجح وبمحمد رسول الله اتوجه یا کافی
ابراهیم نمرود وموسی فرعون اکفنی ما انا فیه الله الله
ربی لا اشرک به شیئا حسبی الرب من المربوبین حسبی
الخالق من المخلوقین حسبی المانع من الممنوعین حسبی من لم یزل
حسبی منذ قط حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم رضی الدین ابن طاوس ره در مهج الدعوات
بسند صحیح خود از ربیع نقل کرده که منصور مرا خواست و گفت ... از سید تو
جعفر بن محمد ... والله خبر او را استیصال میکنم بعد از ان فرزند خود را
خواست گفت با هزار نفر بمدینه و بسر جعفر بن محمد برو و سر او را برای من بیاور
این دفعه نهم بود که آن ملعون قصد کشتن انحضرت کرده بود ماند در همان وقت
پسرش رفت و بمدینه رسید و بآن حضرت خبر آوردند انحضرت امر کرده
بود دو شتر آوردند و در در خانه بستند و اولاد خود موسی و اسمعیل و محمد و عبدالله را
جمع کرد در محراب نشست و چیزی میخواند از ابو بصیر روایت است که فرزند جعفر
محمد بن ...

بن ... که غالب بر هجوم گرد بر انحضرت و دیدم انحضرت چیزی میخواندند و غایب
باهم آنان رسیدند غایب گفت سر این دو نفر ایستاده را ببرید و سر انها ببرید
و برگشتند بمنصور وقتیکه نزد او رسیدند منصور نگاه کرد بر کیسه که سر آن
سرها بود دید که سر شتر است منصور گفت ای پسر من عجب داخل خانه شدم
و در انخانه در نفس ایستاده بود نظرم که جعفر یا موسی آیه و سرای آنها را
بریدم و آوردم منصور گفت پنهان دار اینرا تا منصور زنده بود بکسی نگفتم
ربیع گفت سوال کردم از پدرم از آن دعا انحضرت فرمود اند دعای
حجاب است از جمیع اعداء بسم الله الرحمن الرحیم واذا قرأت
القرآن جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة
حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی
آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا
علی ادبارهم نفورا اللهم انی اسئلک بالاسم الذی
به تحیی وتمیت وترزق وتعطی وتمنع یا ذا الجلال والاکرام
اللهم من ارادنا بسوء من جمیع خلقک فاعم عنا عینه
واصمم عنا سمعه واشغل عنا قلبه واغلل عنا یده
وخذه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن
شمائله ومن تحته ومن فوقه یا ذا الجلال والاکرام دور

در همان کتاب مذکور است که چون حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا
وفات کرد تعویذی در لباس او یافتند و در آن ذکر کرده بود که هر کس
که آبای آنحضرت مشغول بودند که هر گاه ابراهیم ع تعویذی نمود با
از اعدا آویخته بود این تعویذ را از غلاف شمشیر خود در آخر ... سماء
خدای عز و جل است و آن حضرت شرط کرده بود بر اولاد و بر احبائش
که این را بر حضور کسی نخوانند پس بدرستی که هر کس این دعا را بخواند دعای
آن محجوب نمی‌شود از خدای جل اسمه اللهم بك استفتح وبك
استنجح وبمحمد اتوجه اللهم سهل حزونته وكل حزونة
وذلل صعوبته وكل صعوبة واكفني مؤنته و
مؤنة وارزقني معروفه ووده واصرف عني ضره و
معرته انك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك ام الكتاب
الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون انا
رسل ربك لن يصلوا اليك طه حم لا يبصرون و
جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون اولئك الذين طبع الله على قلوبهم
وسمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون لا جرم
ان الله يعلم ما يسرون وما يعلنون فسيكفيكهم الله

وهو

وهو السميع العليم وتريهم ينظرون اليك وهم لا
يبصرون صم بكم عمي فهم لا يرجعون طسم تلك آيات
الكتاب المبين لعلك باخع نفسك الا يكونوا
مؤمنين ان نشأ ننزل عليهم من السماء آية فظلت
اعناقهم لها خاضعين اللهم اني اسئلك بالعين
التي لا تنام وبالعز الذي لا يرام وبالملك الذي لا يضام و
بالنور الذي لا يطفا وبالوجه الذي لا يبلى وبالحيوة
التي لا تموت وبالصمدية التي لا تقهر وبالديمومية
التي لا تفنى وبالاسم الذي لا يرد وبالربوبية التي
لا تستذل ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا
خود را ذکر میکنی   منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق آمد گفت
من سفر بسیار میکنم و در مواضع هولناک بسر میبرم چیزی تعلیم فرما که نترسم
حضرت فرمود که چون در چنین جائی واقع شوی دست را بر بالای سر بگذار
و باواز بلند بگو افغير دين الله يبغون وله اسلم من في السموات
والارض طوعا وكرها واليه ترجعون آن شخص گفت در صحرا بودم واقع
می‌شدم که میگفتند که جن در آن صحرا است شنیدم شخصی میگفت که بگیرید
این آیه را خواندم شنیدم که دیگری میگفت که چگونه بگیر حرز و حال

و حال آنکه پناه برده بآیه طیبه   منقول است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که پسری
دارم و گاهی او را باد جن و ام الصبیان می‌گیرد که بجز این [illegible] فرمود
که هفت مرتبه سوره الحمد را با مشک و زعفران بر ظرفی بنویس پس با آب بشوی
و تا یک ماه از آن آب بده بخورد راوی گفت که بگیر چنین کرد برطرف شد
دعا برای نجات یافتن از جمیع شدائد و بلیات قطب راوندی از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که هرگاه ترا شدتی و غمی عارض شود در نهایت
زاری سجده کن بر زمین و بگو یا مذل كل جبار یا معز كل ذليل
قد وحقك بلغ مجهودي فصل على محمد وآل محمد وفرج
عني و در حدیث آخر از آنحضرت روایت کرده است که هرگاه بشخصی نازله یا
امر شدیدی یا کرب و غمی نازل شود زانوها و دستهای خود را تا مرفق
برهنه کند و بر زمین بچسباند و سینه خود را بر زمین بچسباند و حاجت
خود طلب نماید از خدای تعالی   کلینی بسند معتبر از ابن زیاد قندی
روایت کرده است که چون در زندان و حبس و زندان مبتلا بودم بخدمت
حضرت امام موسی کاظم ع عریضه نوشتم که دعائی مرا تعلیم کن که از این
بلیه نجات یابم حضرت در جواب نوشتند که چون از نماز فارغ شوی در
سجده رفته بگو و سجده را طول داده بگو این دعا را یا احد من لا
احد له تا نفس منقطع گردد یا من لا یزیده کثرة الدعاء

الا جودا وكرما تا نفس منقطع شود پس بگو یا رب الارباب
انت انت انقطع الرجاء الا منك يا علي يا عظيم گفت چون
این دعا را خواندم نجات یافتم از بند زندان   در گفتن برای رفع الهموم
والغموم   توبه عنبری گفت مرا یوسف بن عمر بکاری اکراه کرد و من از او
فرار کردم و چون برگشتم مرا حبس کرد و در حبس در سر من هیچ موی سیاه
نماند مگر آنکه سفید شده بود در خواب شخصی را دیدم که در بر لباس سفیدی
داشت بمن گفت یا توبه طول دادند حبس ترا گفتم بلی گفت بگو
اسئل الله العفو والعافية والمعافاة في الدنيا والآخرة سه
دفعه این دعا مستجاب است شکی در آن نیست باید که در شدائد
و حبس خوانده شود مقرون است بان فرج میگوید وقتیکه بیدار شدم
آنچه گفته نوشتم و بعد از آن نوشتم وضو گرفتم و نماز خواندم بعد از آن
و شروع کردم بخواندن دعا تا آنکه نماز صبح را خواندم و [illegible]
آمدند و مرا با قید نزد یوسف بردند و من دعا را میخواندم چون
مرا دید حکم کرد که قید مرا برداشتند و مرا رخصت کرد توبه میگوید
مردی در حبس بود این دعا را تعلیم کردم همان مرد گفت روزی که
مرا بردند که عذاب کنند من این دعا را خواندم دست از من برداشتند
و مرا عذاب نکردند و در روزی مرا بردند بعذاب کردن و من

فکر کردم این دعا را در کنار طرفی بیابان الی المقصد تا زیارت عن زدند که
دعا را بستند فکر کردیدم و خواندم دست از من برداشتند ایضاً در مجتبی از
کتاب مستغیثین روایت کرده که مردی را حبس میبردند دید در
دیواری نوشته یا ولیی فی نعمتی و یا صاحبی فی وحدتی و
یا عدتی فی کربتی پس همان دعا را مکرر خواند او را رها
کردند و حبس نکردند و آن آمد در آن دیوار چیزی ندید و نوشته بود
در همان کتاب مرویست که شخصی را اسیر کردند مدت ده سال در اسیری
بود در خواب کسی او را این دعا تعلیم کرد و او این دعا را خواند
خدای تعالی او را از اسیری و قید نجات داد تحصنت بالحی الذی
لا یموت و رمیت کل من اراد بی بسوء بلا حول و لا
قوة الا بالله و اصبحت فی جوار الله الذی لا یرام و لا یستباح
و حمی الله الکریم و ذمة الله التی لا تخفر و استمسکت
بالعروة الوثقی و توکلت علی الله ربی و رب السموات
و الارض لا اله الا هو و اتخذته وکیلا ما شاء الله
لا قوة الا بالله حسبی الله و نعم الوکیل و در مجتبی دعای
که مروی از امام شهید پسر خود زید از ملک فلسطین کرده یا من لا تراه العیون
و لا تخالطه الظنون و لا تصفه الواصفون و لا تأخذه سنة

و لا تأخذه سنة و لا نوم اجعل لی فرجا و مخرجا یا غیاث المستغیثین
یا ارحم الراحمین و باید که مکرر خوانده شود و بعضی روایات ملاحتی ذکر
کرده که من مبتلا شدم به این و این دعا را خواندم خلاص شدم و حکایت
ستر بدعای طیر الابیض رومی در مجتبی مذکور است که مردی اسیر بود در بلاد روم
سی سال بود در حبس بسیار تنگ گرفته بودند او را و در غلات شدیدی داشت
نذر کرد که از این حبس خلاص شود بار دیگر بیاید بمکه معظمه روزی و یک شب
در خواب دید مرغ سفیدی در دیوار حبس نشسته بزبان فصیح این دعا را
میخواند و دعا را حفظ کرد و یک شب این دعا را میخواند پس خدا وند عز اسمه
ملکی از ملائکه را فرستاد او را از حبس برداشت و بمنزل او برد
پس حج کرد از منزل خود و وفا بعهد خود نمود و این دعا را در طرف
کعبه میخواند شخصی از او شنید حبیبه باو گفت این را از کجا اخذ کرده پدرم
از جدم از رسول خدا خبر داد که این دعا را طیر ابیض رومی است
در قسطنطنیه و آن دعای فرج است گفت من این دعا را از همان مرغ
شنیده ام و قصه را با او حکایت کرد و دعا اینست اللهم انی اسئلک
یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون و لا تصفه الواصفون و لا
تغیره الحوادث و لا تغشی علیه الدهور و انت تعلم مثاقیل
الجبال و مکائیل البحار و عدد ورق الاشجار و ما اظلم علیه

ستره در مجتبی ذکر که شنیده شد مریضی بشهادت دیدم که حاج در بعضی سنین عطش رسید
نزدیک بود از عطش هلاک شوند یکی از ایشان نشسته بود و آماده مرگ شده بود
و خوابش ربود در خواب دید جناب امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام
میفرمایند چه غافل هستی از کلمه نجات عرض نمود چیست فرمود ادرکنی ملیکی
علی ملکات بلطفک الخفی و فرمود علی ابن ابیطالب است میگوید بیدار
شدم و خواندم بخیر مرده بود ابری ظاهر شد و باران زیادی آمد و بارید
بر مردم در همان ساعت مردم از مردن نجات یافتند والحمد لله وحده
در همان کتاب مذکور است که مردی محبوس بود در
شام مدت مدیدی بسیار تنگ گرفته بودند او را در خواب دید جناب
زهرا علیها السلام آمد نزد او و سر او و گفت این دعا را پس تعلیم کرد
بر او و دائماً این دعا را خواند از حبس زندان خلاص شد و دعا اینست
اللهم بحق العرش و من علاه و بحق الوحی و من اوحاه و بحق
النبی و من نبّاه و بحق البیت و من بناه یا سامع کل صوت
یا جامع کل فوت یا بارئ النفوس بعد الموت صل علی
محمد و آل محمد و اهل بیته و آتنا و جمیع المؤمنین والمؤمنات
فی مشارق الارض و مغاربها فرجا من عندک عاجلا بشهادة
ان لا اله الا الله و ان محمدا عبدک و رسولک صلی الله

علیه و آله و علی ذریته الطیبین الطاهرین   در مجتبی الدعوات
باسناد صحیح از عبد الله بن مالک خزاعی روایت که هارون الرشید مرا طلبید
مرا خواست گفت مرا خواستی با حقی از اعوان خود گفتم یا امیر المؤمنین مستم کرند
از سیدهای تو گفت برو آن حجره و بر شخصی که در آن حجره است و او را حافظت
کن تا وقتی که من از او سؤال کنم گفت داخل حجره شدم و دیدم موسی بن جعفر علیهما السلام
در حجره است سلام کردم بآن حضرت و او را سوار کردم بر مرکوب خود و بردم او را
بمنزل خود و او را در حجره خانه در طاقی گذاشتم و در آن را قفل کردم و کلیدش را
خودم نگاه داشتم و خودم مباشر خدمت آنحضرت بودم و مدتی از این گذشت
وقتی هارون مرا خواست دیدم هارون نشسته و در پهلویش است و از تخت خالی است
سلام کردم گفت ودیعه را چه کردی گفتم او را نفهمیدم گفت صاحب تو در چه حالت
است گفتم خوب است گفت برو سه هزار درهم با او بده بگذار برود بمنزل خود نزد
عیال خود پس برخواستم و خواستم که بروم گفت دانستی سبب این چه بود گفتم نه گفت
خوابیدم در این تخت ناگاه در خواب دیدم در دست راست شخصی در خواب دیدم
شخصی میگوید یا هارون موسی بن جعفر را رها کن از خواب بیدار شدم گفتم شاید
در فکر آنحضرت بودم اینم از این راه بود دوباره بخواب رفتم خواب دیگر
خوابیدم همان شخص بعینه دیدم گفت یا هارون تو را امر کردم موسی بن جعفر را
رها کنی و نکردی بیدار شدم و تعوذ نمودم از شیطان لعین و آن را بدوا هستم

در این وقت خوری که بالای آن نشسته ام خواب بودم دیدم همان شخص را
دست او چوبی است که یک سر آن در مشرق و دیگر سرش در مغرب است و اشاره
بسوی من کرد و گفت والله یا هرون اگر موسی بن جعفر را رها نکنی این چوب را
بسینه تو میگذارم و در این شب بیرون می آیم پس تو را آوردم و بیرون آوردم
مرا بجا آور و در این نزدیکی اظهار کنه اگر خواهی ترا هر چه خواهم بخشم گفت حاجتم
بمنزل خود و دیدم حجره را و اکرام کردم دیدم موسی بن جعفر خوابیده است و نشستم تا آنکه
بیدار شد و سر شیرا برداشت و گفت یا ابا عبد الله بگو چه مأمور شدی
عرض کردم ای مولای من سؤال میکنم از تو که او را دیگر حضرت رسول ص آیا دعا
کرد در خوابی که فرمود در این روز فرج فرمود یا علی صلوات مفروضه را
بجا آورد و سجده کرد و روی را در سجده بخاک مالیدم و خطاب بپیغمبر را دیدم
گفت یعنی یا موسی میخواهی از حبس خلاص شوی گفتم بلی یا رسول الله فرمود بخوان
یا سابغ النعم یا دافع النقم یا بارئ النسم یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم
یا کاشف الضر و الالم یا ذا الجود و الکرم یا سامع کل صوت و یا
مدرک کل فوت و یا محیی العظام و هی رمیم و منشئها بعد الموت
صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا یا ذا الجلال و
الاکرام آنحضرت فرمود من خواندم این دعا را و رسول الله تلقین میکرد تا آنکه
مرا یا آنکه از تو شنیدم حرف بحرف عرض کردم خدا دعای تو را مستجاب کند

پس از آن عرض کردم بآن حضرت آنچه هرون بآن امر کرده بود و صد درهم را
بآن حضرت عطا کردم والحمد لله وحده کلینی از حضرت صادق ع
و ابن بابویه و دیگران روایت کرده اند که جبرئیل ع نزد حضرت یوسف آمد
در زندان و گفت بعد از هر نماز بگو اللهم اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی
من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و در بعضی روایات که بعد از
هر نماز فریضه سه مرتبه بگو برای انتقام از اعادی و ظلمه در مجتنی ذکر کرده
که احمد بن داود نعمانی روایت کرده گفت که شکایت کردم از همسایه خود
که او را ایذا میکرد بحسن بن علی صلوات الله علیهما پس حضرت امام حسن
علیه السلام فرمود که بعد از آنکه مغرب را گذاردی دو رکعت نماز بگزار و بعد از آن
بگو یا شدید المحال یا عزیز ذللت بعزتک جمیع ما خلقت اکفنی
شر فلان بما شئت گفت همین شخص این عمل را بجا آورد و در همان
شب دید که شیون از خانه آن همسایه بلند شد و گفتند که او در این شب
مرد و در همان کتاب از دفع الهموم روایت از امیر المؤمنین ع که فرمود کسی که بر او ظلم شود
باید برخیزد و با وضو باشد [illegible] دو رکعت نماز خواند بعد از آن
بگوید اللهم انی فلان بن فلان ظلمنی و اعتدی علی و نصب لی
و اغمضنی و ارمضنی و اخلقنی اللهم فکلنی الیه [illegible]
و تجبر فالحجته و [illegible] بنعمتک عنده و اقطع و اقطع رزقه و ابتر

عمره و امح اثره و سلط علیه عدوه و خذه من مأمنه کما ظلمنی
و اعتدی علی و نصب لی و امضنی و ارمضنی و اذلنی و اخلقنی پس آن ظالم
مهلت داده نمیشود و در همان کتاب از دفع الهموم روایت کرده است که
هر دست که مظلوم رو بقبله سه بار بگوید اللهم انی استعدیک علی فلان بن
فلان فاعدنی فانک اشد بأسا و اشد تنکیلا مقدار [illegible] عداوت
او را از ظالم شر میکرد و در همان کتاب از کتاب بصائر الائمه باسناد خود روایت
کرده که علی بن حسین مقری را جندی از اصحاب اسحق بن عمران ایذا کرد
گفت دعا کردم بر او بدعای استیصال که عنیم کرام است دعای استیصال اینست
اللهم غمه بالشر غما و لمه بالشر لما و طمه بالشر طما و قمه
بالشر قما و اطرقه بلیلة لا اخت لها و ساعة لا منجا
منها پس بعد از چند روز اسحق بهمان جندی غضب کرد و امر کرد گردن
او را زدن و در همان کتاب دعائی که حضرت امام جعفر صادق ع
در سجود خواند و داود بن علی را نفرین کرد و قصه آن مشهور است باین
عبارت نقل که یا ذا القوة القویة و الحکم الازلیة و
یا ذا المحال الشدید یا النصر العتید یا ذا العزة التی کل
خلقک لها ذلیل خذ داود اخذ عزیز مقتدر فافجأه
مفاجأة ملیک منتصر و قتیکه آن حضرت این دعا را خواند دیدند

ناله از خانه او بلند شد خبر آوردند که داود در همان شب مرد و در مجتنی دعائی مذکور است که
هنگامیکه شرطه ای او را عدو گاه اخذ کرد این دعا را خواند رب انی
عذلت بنسک خلقتنی و خلقته و جعلته قویا و جعلتنی ضعیفا ثم سلطته
علی فلا انت منعته من ظلمی و لا انت جعلتنی قویا فامتنع من ظلمه یا مالک
یا الذی خلقه و خلقتنی و جعلته قویا و جعلتنی ضعیفا ان تجعله عبرة
لخلقک پس در دست راست شرطه که او را بآن اخذ کرده بود آکله افتاد پس
او را قطع کرد قدری بالاتر از آن افتاد و از اینجا قطع قدری بالاتر از آن
افتاد از اینجا قطع کرد پس از وقت بیرون رفت و خواب او را گرفت
و در خواب دید کسی او را میگوید چرا اعضای خود را میبری ای آنچه را که خود
رد کن پس او رد کرد و در اطرافش رد کن بسوی آنکس را مصاحبش داد آکله از رفع شد
در صاحب [illegible] در مجتنی از کتاب کنوز النجاح طبرسی ره نقل که
که شیخ روایت کرده از ابن بابویه علیه الرحمه که چون حضرت علی بن موسی الرضا ع
در شهر مرو بود و نزد آنحضرت از شیعیانش سعید و جمعت نفر از شهرهای
مختلف جمع شده بودند مأمون خبر دادند که رضا مهیا میشود برای خروج
و مردم را باین امر دعوت میکند پس مأمون امر کرد اصحاب آنحضرت را از
درش [illegible] پس آنحضرت از آن مغموم شد و حرزی باو رسید پس غسل کرد
و با ابن الصلت فرمود بالای بام برو و نظر کن به [illegible] بنگر [illegible]

نماز دو رکعت نماز بجا آوردم پس آنحضرت دو رکعت نماز خواندند و دستها را
بقنوت برداشت و گفت اللهم يا ذا القدرة الجامعة والنعم
السابغة والمنن المتتابعة والآلاء المتوالية والايادي
الجميلة والمواهب الجزيلة يا من لا يوصف بتمثيل ولا
يمثل بنظير ولا يغلب بظهير يا من خلق فرزق والهم
فانطق وابتدع فشرع وعلا فارتفع وقدر فاحسن
وصور فاتقن واحتج فابلغ وانعم فاسبغ واعطى فاجزل
ومنح فافضل يا من سما في العز ففات خواطف الابصار
ودنا في اللطف فجاز هواجس الافكار يا من تفرد بالملك
فلا ند له في ملكوت سلطانه وتوحد في كبريائه
فلا ضد له في جبروت شانه يا من حارت في كبرياء
هيبته دقائق لطائف الاوهام وانحسرت دون ادراك
عظمته خطائف ابصار الانام يا عالم خطرات قلوب العالمين
وشاهد لحظات ابصار الناظرين يا من عنت الوجوه
لهيبته وخضعت الرقاب لعظمته ووجلت
القلوب من خيفته وارتعدت الفرائص من فرقه يا بدئ
يا بديع يا قوي يا منيع يا علي يا رفيع صل على من شرفت

الصلوة بالصلوة عليه وانتقم لي ممن ظلمني واستخف
بي وطرد الشيعة عن بابي واذقه مرارة الذل والهوان
كما اذاقنيها واجعله طريد الارجاس وشريد الانجاس
گفت زمانیکه حضرت از نماز فارغ شد غوغاء در در مأمون جمع شد
و او را از شهر مرو بیرون کردند   سید علامه ابن طاوس رحمه الله در
مهج الدعوات بسند خود روایت کرده از عبد الله بن عباس و عبد الله بن
جعفر گفتند ما روزی نزد امیر المؤمنین ع بودیم و حضرت امام حسن ع داخل شد و
گفت در در حضرت اذن دخول میخواهد مردی نو حاضر شده و از و بوی مشک
می آید آنحضرت فرمود اذن بده پس داخل شد مردی جسیم و وسیم در غایت حسن و خوش
آیندی داشت و اطراف خاضع و خاشع … بود و لباس ملوکانه
در بر داشت گفت السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته من
مردی ام از اقصای بلاد یمن از اشراف عرب … نزد تو
پشت سر خود ملک عظیمی گذاشته ام و نعمت واسعی … کرده
حسن حال و ضیاع … و امور را تجربه کرده ام و دهر …
ساخته و برای من دشمنی است که مرا … کرده …
و غالب شده بر من … بسیاری … که در اطاعت او … و کثرت جمعیت
و قوت … کنند … در … او … خوابیده بودم

شخصی آمد صدا زد مرا … در نزد خیر خلق الله بعد از پیغمبر امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب ع و سوال کن از او تعلیم کند دعائی را که تعلیم کرده با او حبیب خدا
… صفوه او از خلق … عبد الله ع … در آن دعا اسم
خدا است … دعا کن با آن دعا بر دشمن خود که با تو نصب عداوت
کرده پس من … از خواب بیدار شدم یا امیر المؤمنین …
… خدمت تو با چهار صد بنده … خدا و رسول
خدا … آزاد … آزاد کردم برای خدای …
عظمته و آمده ام نزد تو یا امیر المؤمنین از راه دوری از شهر … رسیدم …
شده جسم لاغر گشته … یا امیر المؤمنین … بفضل خود …
… نزدیک و تعلیم کن بر من دعائی که در خواب دیده ام … گفته اند
که بیایم خدمت تو برای آن … امیر المؤمنین …
دواة و کاغذ … و نوشت برای او این دعا را بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انت الملك الحق المبين الذي لا اله الا انت وانا
عبدك ظلمت نفسي واعترفت بذنبي ولا يغفر الذنوب
الا انت فاغفر لي الذنوب اللهم اني احمدك وانت
للحمد اهل على ما خصصتني به من مواهب الرغائب
وما وصل الي من فضلك السابغ وما اوليتني به من

من احسانك الي وبوأتني به من مظنة العدل وانلتني
من منك الواصل الي ومن الدفاع عني والتوفيق لي
والاجابة لدعائي حتى حين اناجيك داعيا وانا ديك
راغبا وادعوك مضاما واسالك فاجدك في المواطن
كلها لي جابرا وفي الامور ناظرا ولذنوبي غافرا ولعوراتي
ساترا لم اعدم خيرك طرفة عين مذ انزلتني دار
الاختبار لتنظر ما اقدم لدار القرار فانا عتيقك من
جميع الآفات والمصائب في اللوازب والغموم التي
ساورتني فيها الهموم بمعاريض اصناف البلاء ومصروف
جهد القضاء لا اذكر منك الا الجميل ولا ارى
منك غير التفضيل خيرك لي شامل وفضلك علي متواتر
ونعمك عندي متصلة سوابق لم تحقق حذاري بل
صدقت رجائي وصاحبت اسفاري واكرمت احضاري
وشفيت امراضي وعافيت منقلبي ومثواي ولم تشمت
بي اعدائي ورميت من رماني وكفيتني مؤونة
من عاداني فحمدي لك واصل وثنائي عليك
دائم من الدهر الى الدهر بالوان التسبيح خالصا

خالصا لذكرك ومرضيا لك بنافع التوحيد و
اخلاص التمجيد بطول التعديد ومزية اهل المزيد لم تعن
في قدرتك ولم تشارك في الهيتك ولم تعلم اذ حبست
الاشياء على الغرائز المختلفات ولا خرقت لاوهام حجب
الغيوب واعتقدت فيك محدودا في عظمتك فلم يبلغك
بعد الهمم ولا ينالك غوص الفكر ولا ينتهي اليك
بصر ناظر في مجد جبروتك ارتفعت عن صفة المخلوقين
صفات قدرتك وعلا عن ذلك كبرياء عظمتك لا
ينقص ما اردت ان يزداد ولا يزداد ما اردت ان
ينقص ولا احد شهدك حين فطرت الخلق ولا ضد
حضرك حين برأت النفوس كلت الافهام عن تفسير
صفتك وانحسرت العقول عن عظمتك وكيف توصف
وانت الجبار القدوس الذي لم تزل ازليا دائما
في الغيوب وحدك ليس فيها غيرك ولم يكن لها سواك
ولا حجبت الاشهاد عنك فتدرك منك الانشاء ولا
تهتدي القلوب لصفتك ولا تبلغ العقول جلال
عزتك حارت في ملكوتك عميقات مذاهب التفكير

فتواضعت الملوك لهيبتك وعنت الوجوه بذل
الاستكانة لك وانقاد كل شيء لعظمتك واستسلم
كل شيء لقدرتك وخضعت لك الرقاب وكل
دون ذلك تحبير اللغات وضل هنالك التدبير في
تصاريف الصفات فمن تفكر في ذلك رجع طرفه
اليه حسيرا وعقله مبهوتا وتفكره متحيرا اللهم
فلك الحمد حمدا متواترا متواليا متسقا
يدوم ولا يبيد غير مفقود في الملكوت ولا مطموس
في العالم ولا منتقص في العرفان فلك الحمد فيما لا تحصى
مكارمه في الليل اذا ادبر والصبح اذا اسفر و
في البر والبحار والغدو والآصال والعشي والابكار
وبالظهائر والاسحار اللهم بتوفيقك قد احضرتني
الرغبة وجعلتني منك في ولاية العصمة فلم ابرح
في سبوغ نعمائك وتتابع آلائك محفوظا لك في المنعة
والدفاع محوطا بك في مثواي ومنقلبي ولم تكلفني
فوق طاقتي اذ لم ترض مني الا طاعتي وليس شكري
وان بالغت في المقال وبالغت في الفعال ببالغ اداء

حقك ولا مكافيا لفضلك لانك انت الله الذي لا اله الا
انت لم تغب ولا تغيب عنك غائبة ولا تخفى عليك خافية
ولا تضل لك في ظلم الخفيات ضالة انما امرك اذا اردت
شيئا ان تقول له كن فيكون اللهم لك الحمد مثل ما حمدت
به نفسك واضعاف اللهم لك الحمد ما حمدك به الحامدون
وسبحك به المسبحون ومجدك به الممجدون وكبرك به
المكبرون وعظمك به المعظمون حتى يكون لك مني
وحدي في كل طرفة عين وادنى من ذلك مثل حمد الحامدين
وتوحيد اصناف المخلصين وتقديس احباس العارفين
وثناء جميع المهللين ومثل ما انت به عارف من جميع
خلقك من الحيوان وارغب اليك في رغبة ما انطقتني
به من حمدك فما ايسر ما كلفتني به من حقك واعظم ما
وعدتني على شكرك ابتدأتني بالنعم فضلا وطولا وامرتني
بالشكر حقا وعدلا ووعدتني عليه اضعافا ومزيدا واعطيتني
من رزقك اعتبارا وفضلا وسألتني منه يسيرا صغيرا
واعفيتني من جهد البلاء ولم تسلمني للسوء من بلائك
مع ما اوليتني من العافية وسوغت لي من كرائم النحل

فضاعفت لي الفضل مع ما اودعتني من المحجة الشريفة وبشرتني
من الدرجة الرفيعة واصطفيتني باعظم النبيين دعوة
وافضلهم شفاعة محمد ص اللهم فاغفر لي ما لا يسعه الا
مغفرتك ولا يمحقه الا عفوك ولا يكفره الا فضلك
وهب لي في يومي يقينا تهون علي به مصيبات الدنيا
واحزانها بشوق اليك ورغبة في الحق رفدك الباسط با
لجود يدك لا تضاد في حكمك ولا تنازع في امرك
تملك من الانام ما تشاء ولا يملكون منك الا ما تريد
قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار
في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق
من تشاء بغير حساب انت المنعم المفضل الخالق البارئ
القادر القاهر المقدس في نور القدس ترديت با
لمجد والعز وتعظمت بالكبرياء وتغشيت بالنور
والبهاء وتجللت بالمهابة والسناء لك المن القديم
والسلطان الشامخ والجود الواسع والقدرة المقتدرة

اذ جعلتني من افضل بني آدم وجعلتني سميعا بصيرا صحيحا سويا
معافا لم تشغلني بنقصان في بدني ولم تمنعك كرامتك
اياي وحسن صنيعك عندي وفضل انعامك
علي ان وسعت علي في الدنيا وفضلتني على كثير من
اهلها فجعلت لي سمعا يسمع آياتك وبصرا يرى
قدرتك وفؤادا يعرف عظمتك وانا بفضلك على
حامد وبجهد نفسي لك شاكر وبحقك شاهد فانك
حي قبل كل حي وحي لم يرث الحيوة من حي لم تقطع
خيرك عني طرفة عين في كل وقت ولم تنزل بي
عقوبات النقم ولم تغير علي دقائق العصم فلو لم اذكر
من احسانك الا عفوك واجابة دعائي حين رفعت
راسي بتحميدك وتمجيدك وفي قسمة الارزاق حين
قدرت فلك الحمد عدد ما حفظ علمك وعدد ما احاط
به قدرتك وعدد ما وسعته رحمتك اللهم فتمم احسانك
فيما بقي كما احسنت فيما مضى فاني اتوسل بتوحيدك
وتمجيدك وتحميدك وتهليلك وتكبيرك وتعظيمك ونورك
ورأفتك ورحمتك وعلوك وجمالك وجلالك وبهائك

لالائك

وسلطانك وقدرتك وبمحمد وآله لا تحرمني رفدك و
فوائدك فانه لا يعتريك لكثرة ما تنشر من العوائق
البخل ولا ينقص جودك تقصير في شكر نعمتك ولا تفنى
خزائن مواهبك النعم ولا تخاف ضيم املاق فتكدي
ولا يلحقك خوف عدم فينقص فيض فضلك اللهم ارزقني
قلبا خاشعا ويقينا صادقا ولسانا ذاكرا ولا تؤمني
مكرك ولا تكشف عني سترك ولا تنسني ذكرك ولا
تباعدني من جوارك ولا تقطعني من رحمتك ولا تؤيسني
من روحك وكن لي انيسا من كل وحشة واعصمني من
كل هلكة ونجني من كل بلاء فانك لا تخلف الميعاد اللهم
ارفعني ولا تضعني وزدني ولا تنقصني وارحمني ولا
تعذبني وانصرني ولا تخذلني وآثرني ولا تؤثر علي
وصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين وسلم تسليما
ابن عباس روایت کرده که از آن حضرت با ... مواظب بود خواندن
این دعا یک روز ترک نکند پرسیدم حکمت چیست که تو بشهر خود رسی و خدا دشمن
ترا هلاک میکند گفت شنیدم از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر شخصی به
نیت صادق و قلب خاشع که از آن امر کند کوهها را اگر سیر کند همراه او

هر آینه کوهها سیر میکنند و امر کند دریاها را سیر دو بالای و برکت شخص
بشهر خود پس مکتوب او رسید بر مولای امیر المؤمنین ع خبر از رحلت زود که
خدا تعالی دشمن او را هلاک کرد حتی اینکه در ناحیه او شخصی از دشمن او
باقی نماند پس فرمود مولای ما امیر المؤمنین ع این دعا را من یاد گرفته ام و من
آنرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله تعلیم گرفتم و امری بزرگ است و تو در آن تشر کن از ما کدام
کسان تو ترا د و این مشهور است بدعای سیفی و دعای ... و طریق ختمه ده روایت
کرده شیخ ابو جعفر بن بابویه در عیون اخبار الرضا ذکر کرده که شخصی
آمد نزد حضرت صادق و شکایت کرد بآن حضرت از مردیکه باو ظلم کرده
آنحضرت فرمود که چرا تو از دعای مظلوم که تعلیم کرده است جناب پیغمبر ص
با امیر المؤمنین ع نخوانده ای است این دعا را ... بر ضرر ظالمش مگر آنکه
خداوند نصرت و یاری دهد بآن مظلوم را و کافی شده برای او از ظالم
اللهم طمه بالبلاء طما وعمه بالبلاء عما وقمه
بالاذى قما وارمه بيوم لا معاد له وبساعة لا مرد
لها وابح حريمه واكفني امره واصرف عني كيده
واخرج قلبه وسد فاه عني وخشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد
خاب من حمل ظلما اخسؤوا فيها ولا تكلمون ...

صلی

ص ص ص ص ص در کتاب مهج الدعوات از کتاب فضل الدعا
محمد بن عبدالله نقل کرده که روایت از حضرت امام رضا علیه السلام که آن حضرت فرمود
که یکی از صحابه صحیفه پیدا کرد و آورد آن صحیفه را نزد جناب پیغمبر صلی الله علیه
پس حضرت مردم را بنماز جماعت طلب کرد و امر نمانده از مرد و زن مگر آنکه حاضر
شدند پس آنحضرت بالای منبر رفت و آن کتاب را خواند و آن کتاب
یوشع بن نون وصی موسی بوده و در آن نوشته شده بود که پروردگار شما
رؤف و رحیم است بدانید که بهترین بندگان خدا آنکسانی است که متقی باشد
در نهان و بدترین بندگان خدا آنکسانی است که بد ... بوی او ...
پس هر کس خواهد که نصیب او در آخرت از همه بیشتر باشد حقوق نعمتهای
خدا را ادا کند باید در هر روز بگوید این دعا را سبحان الله کما ینبغی
لله والحمد لله کما ینبغی لله ولا اله الا الله کما ینبغی لله ولا حول
ولا قوة الا بالله وصلی الله علی محمد و اهل بیته النبی
الامی وصلی الله علی جمیع المرسلین والنبیین حتی یرضی
الله و آن حضرت از منبر پائین آمد و مردم الحاح کردند بآن حضرت
در نوشتن دعا و آن حضرت صبر کرد ... از آن بالای منبر رفت و فرمود
هر کس خواهد که ... عالم باشد باید این دعا را هر روز
بخوانند هر گاه برای ... داشته باشد خدا

دشمن تو را هلاک میکند با آنکه ذلیل میکند و شر او را از تو صرف میکند و اگر
فرجی نداشته باشد فرجش ظاهر شود و اگر غم زیادی داشته باشد الله تعالی
غم او را ببرد و کلام او هم آسمانها را خرق کرده در لوح محفوظ نوشته میگردد
سید بن طاوس علیه الرحمه بسند خود از زراقه حاجب متوکل منقول نقل کرده
و او شیعه بود و گفت متوکل بجهت محبت ابوالفتح ابن خاقان و تقرب او
نزد متوکل زیاده بود و مردم در ظاهر و او را دشمن خواست که رتبه او را مردم بالا
کنند پس امر کرد جمیع مملکت خود را از اشراف و اعیان و اولاد و غیر آنها از
وزرا و امرا و سرکردها و سایر اهل لشکر و عظما و عوام بآنکه مزین شوند
بهترین زینتهای خود و لباسهای فاخر خود را بپوشند و پیاده در پیش روی
او راه روند و سوار نشود بجز خودش و فتح بن خاقان و این امر در روز گرمی
بود پس مردم همه با زینتها خوب پیاده بیرون آمدند و آن روز روز
بسیار گرمی بود و با اشراف جناب امام ابوالحسن علی بن محمد
بیرون آوردند و دشوار بود بر آن حضرت آنچه بآنحضرت رسیده بود از
حرارت هوا و از دحام مردم زراقه میگوید عرض کردم بآن حضرت که
رسید و آقای من دشوار است بر من قسم بخدا آنچه بتو رسید از این طاغیها و
شقیه که تو میکشی و از دست گرفتم و او بمن تکیه کرد فرمود ای زراقه ناقه صالح
نزد خدا از حال گرامی تر از من نبود باز فرمود ای زراقه ... تر از من ... عظیم تر نبود

نبود و من در خدمت آنحضرت و از او استفاده مینمودم تا آنکه متوکل به بالین آمد
و امر کرد مردم را که بروند و حاجب مردم را آورند پس سوار شد نزد
من اسب آن حضرت را آوردم و آنحضرت سوار شد و من همراه او بودم
و در خدمت او بودم تا بخانه اش و او پائین آمد و من وداع کردم و
برگشتم و در خانه من معلمی بود برای اولادم و شیعه و از اهل فضل بود و در
طعام او را حاضر می نمودم بطعام خوردن پس او حاضر شد و مهر و در
روز اتفاق افتاده که بود برای نقل کردم او و معلم با من طعام می خورد تا که
بمن آنحضرت را شنیده است از طعام کشید و گفت عجب داری این کلام را
از آن حضرت شنیدی گفتم با قسم بخداوند که من شنیدم که می فرمود
پس گفت متوکل در مملکت خود زیاده از سه روز نمی ماند و هلاک خواهد
و تو امر خود را ملاحظه کن و پنهان کن از اموالت هر چه میتوانی پنهان
کن و مهیا شو برای اینکه ضرری بتو نرسد پس گفتم از کجا میگوئی این را گفت
در قرآن قصه صالح و ناقه را نخواندی که فرمود تعالی تمتعوا فی دارکم
ثلاثة ایام ذلک وعد غیر مکذوب و جایز نیست که قول امام
باطل شود زراقه گفت قسم بخداوند که هنوز روز سیم نرسیده بود که کشتند
منتصر با بغاء و صیف و اتراک بر متوکل و او را با فتح بن خاقان
کشتند خدا لعنت کند و مملکت او را از او گرفت زراقه می گوید که از آن

جناب ابوالحسن او را دیدم و بخش معلم را با آن حضرت عرض کردم حضرت
فرمود راست گفته چون بمن مشقت بسیار رسید رجوع کردم بگنجهای
که از پدر بابم ارث بمن مانده که آنها بهتر است بمن از قلعها و سلاحها
و پول ... و آن دعای مظلوم بر ظالم است پس نفرین کردم با آن دعا او را
پس خدا او را هلاک کرد پس عرض کردم ای سید و آقای من اگر روا است تو قرار
کرده و من تعلیم کن اللهم انی وفلان عبدان من
عبیدک نواصینا بیدک تعلم مستقرنا ومستودعنا
وتعلم منقلبنا ومثوانا وسرنا وعلانیتنا وتطلع علی
نیاتنا وتحیط بضمائرنا علمک بما نبدیه کعلمک بما نخفیه
ومعرفتک بما نبطنه کمعرفتک بما نظهره ولا ینطوی
علیک شیء من امورنا ولا یستتر دونک حال من احوالنا
ولا لنا منک معقل یحصننا ولا حرز یحرزنا ولا هارب
یفوتک منا ولا یمتنع الظالم منک بسلطانه ولا یمنعک
عنه جنوده ولا یغالبک عنه مغالب بمنعة ولا یعازک
متعزز بکثرة انت مدرکه این ما سلک وقادر
علیه این لجأ فمعاذ المظلوم منا بک وتوکل المقهور منا
علیک ورجوعه الیک ویستغیث بک اذا خذله المغیث

ویستصرخک اذا قعد عنه النصیر ویلوذ بک اذا نفته
الافنیة ویطرق بابک اذا اغلقت دونه الابواب المرتجة
ویصل الیک اذا احتجبت عنه الملوک الغافلة تعلم ما
حل به قبل ان یشکوه الیک وتعرف ما یصلحه قبل
ان یدعوک له فلک الحمد سمیعا لطیفا قدیرا اللهم انه قد کان
فی سابق علمک ومحکم قضائک وماضی حکمک ونافذ مشیتک
فی خلقک اجمعین سعیدهم وشقیهم وبرهم وفاجرهم ان
جعلت لفلان بن فلان علی قدرة فظلمنی بها وبغی
علی لمکانها وتعزز علی بسلطانه الذی خولته ایاه
وتجبر علی بعلو حاله التی جعلتها له وغره املاؤک
له واطغاه حلمک عنه فقصدنی بمکروه عجزت عن
الصبر علیه وتعمدنی بشر ضعفت عن احتماله ولم اقدر
عن الانتصار منه لضعفی والانتصاف منه لذلی
فوکلته الیک وتوکلت فی امره علیک وتوعدته
بعقوبتک وحذرته سطوتک وخوفته نقمتک فظن
ان حلمک عنه من ضعف وحسب ان املاءک له
من عجز ولم تنهه واحدة عن اخری ولا انزجر عن ثانیة

لا تؤده عن القوم الظالمين وملكا اكثرات ثباتك
الذي لا تحبسه عن الباغين فها انا ذا سيدي مستضعف
في يديه مستضام تحت سلطانه مستذل بفنائه
مغلوب مبغي علي مغضوب وجل خائف مروع مقهور
قد قل صبري وضاقت حيلتي وانغلقت علي المذاهب
الا اليك وانسدت علي الجهات الا جهتك والتبست
علي اموري في دفع مكروهه عني واشتبهت علي
الآراء في ازالة ظلمه وخذلني من استنصرته من
عبادك واسلمني من تعلقت به من خلقك طرا و
استشرت نصيحي فاشار علي بالرغبة اليك واسترشدت
دليلي فلم يدلني الا اليك فرجعت اليك يا مولاي
صاغرا راغما مستكينا عالما انه لا فرج لي الا عندك ولا
خلاص لي الا بك انتجز وعدك في نصرتي واجابة دعائي
فانك قلت وقولك الحق الذي لا يرد ولا يبدل ومن
بغي عليه لينصرنه الله وقلت جل جلالك وتقدست
اسماؤك ادعوني استجب لكم فانا فاعل لما امرتني فاستجب
لي كما وعدتني واني لاعلم يا سيدي ان لك يوما تنتقم

فيه

من الظالم للمظلوم واتيقن ان لك وقتا تاخذ فيه
من الغاصب للمغصوب لانه لا يسبقك معاند ولا
يخرج عن قبضتك منابذ ولا تخاف فوت فائت ولكن
جزعي وهلعي لا يبلغان بي الصبر على اناتك وانتظار
حلمك فقدرتك يا مولاي فوق كل قدرة وسلطانك
غالب كل سلطان ومعاد كل احد اليك وان امهلته ورجوع
كل ظالم اليك وان انظرته وقد اضرني يا سيدي حلمك عن فلان
بن فلان وطول اناتك له وامهالك اياه وكاد القنوط يستولي
علي لولا الثقة بك واليقين بوعدك فان كان في قضائك
النافذ وقدرتك الماضية ان ينيب او يتوب او يرجع عن ظلمي
او يكف مكروهه عني وينتقل عن عظيم ما ركب مني فصل على
محمد وآل محمد واوقع ذلك في قلبه الساعة الساعة قبل ازالته
نعمتك التي انعمت بها علي وتكديره معروفك الذي صنعته
عندي وان كان في علمك غير ذلك من مقام على ظلمي فاسالك
يا ناصر المظلوم المبغي عليه اجابة دعوتي فصل على محمد وآله وخذه
من مامنه اخذ عزيز مقتدر وافجاه في غفلته مفاجاة
مليك منتصر واسلبه نعمته وسلطانه وفك عنه جنوده

واعوانه وفرق ملكه كل ممزق وفرق انصاره كل مفرق
واعره من نعمتك التي لم يقابلها بالشكر وانزع عنه سربال
عزك لم يجازه بالاحسان واقصمه يا قاصم الجبابرة واهلكه
يا مهلك القرون الخالية وابره يا مبير الامم الظالمة واخذله
يا خاذل الفئة الباغية وابتر عمره وابتز ملكه وعف اثره
واقطع خبره واطف ناره واظلم نهاره وكور شمسه وازهق
نفسه واهشم شدته وجب سنامه وارغم انفه وعجل حتفه
ولا تدع له جنة الا هتكتها ولا دعامة الا قصمتها ولا كلمة
مجتمعة الا فرقتها ولا قائمة علو الا وضعتها ولا ركنا الا وهنته
ولا سببا الا قطعته وارنا انصاره وجنده عباديد بعد
الالفة وشتى بعد اجتماع الكلمة ومقنعي الرؤوس بعد
الظهور على الامة واشف بزوال امره القلوب الوجلة والافئدة
اللهفة والامة المتحيرة والبرية الضائعة وادل ببواره الحدود
المعطلة والاحكام المهملة والسنن الداثرة والمعالم المغيرة
والتلاوات المغيرة والآيات المحرفة والمدارس المهجورة و
المحاريب المجفوة والمساجد المهدومة وارح به الاقدام المتعبة
واشبع به الخماص الساغبة وارو به اللهوات اللاغبة والاكباد

الظامئة

الضامئة واطرقه بليلة لا اخت لها وساعة لا مثوى منها
بنكبة لا انتعاش معها وبعثرة لا اقالة منها وابح حريمه
ونغص نعيمه واره بطشتك الكبرى ونقمتك المثلى وقدرتك
التي هي فوق كل قدرة وسلطانك الذي هو اعز من
سلطانه واغلبه لي بقوتك القوية ومحالك الشديد و
امنعني بمنعتك التي كل خلق منها ذليل وابله بفقر لا تجبره
وبسوء لا تستره وكله الى نفسه فيما يريد انك فعال لما
يريد انك فعال لما تريد وابرئه من حولك وقوتك و
احوجه الى حوله وقوته واذل مكره بمكرك وادفع مشيته
بمشيتك واسقم جسده وايتم ولده وانقص اجله و
خيب امله وازل دولته واطل عولته واشغله في بدنه
ولا تفكه من حزنه وصير كيده في ضلال وامره الى
زوال ونعمته الى انتقال وجده الى سفال وسلطانه
في اضمحلال وعاقبته الى شر حال وامته بغيظه
اذا امته وابقه لحزنه ان ابقيته وقني شره وهمزه
ولمزه وسطوته وعداوته والمحه لمحة تدمر بها عليه
فانك اشد باسا واشد تنكيلا [illegible] برای رفع علل و سقام

ب کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده‌اند
که از حضرت سؤال کردم که درد چشم بسیار میکشم حضرت فرمود که میخواهی که ترا دعائی
تعلیم کنم که نافع باشد برای دنیا و آخرت تو و درد چشم ترا نیز کفایت
نماید عرض کردم فرمود که بعد از نماز مغرب و عشا بگو اللهم انی اسئلک بحق
محمد و آل محمد علیک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی
بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة
فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی ؛ و در حدیث معتبر دیگر
روایت کرده‌اند که مردی بدرد سر مبتلا شد که اطبا از معالجه او
عاجز شدند روزی کتابی از کتب علما را گشوده دید در اول سطر صفحه
نظرش بر این حدیث افتاد که حضرت صادق ع فرمود که هر که تب
داشته باشد بعد از نماز صبح چهل بار این دعا را بخواند چون چهار روز بر این
بر این دعا مداومت نمود شفا یافت بعد از آن تجربه بسیار از این نقل
کرده‌اند و ابن ادریس در کتاب سرائر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که هر که هر روز این دعا را سی بار بخواند حق تعالی نود و نه بلا را
از او دفع میکند که کمتر از آنها خوره باشد و شیخ طوسی ره گفته است
که در تعقیب صبح سی مرتبه این دعا را بخوانند و دعا بروایت شیخ و ابن ادریس
اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تبارک الله احسن الخالقین

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بروایت کفعمی بعد از بسمله الحمد لله
رب العالمین نیست تا آخر دعا و سید ابن طاوس ره در مهج الدعوات از
سعید بن ابی الفتح بن حسن قمی ره روایت کرده که مرا مرضی حادث شد
که اطبا از معالجه آن درماندند پدرم مرا به بیمارستان برد و اطبا بسیار و فقها
را جمع کرد گفتند که این مرضی است [illegible] میکند از آنکه خدای تعالی بر
برگشتیم با دل شکسته و دل رمیده و شکسته حال و پدرم کتبی از کتاب پدرم را
مطالعه میکردم دیدم که در پشت آن نوشته شده که حضرت صادق ع از پدر
بزرگوار خود از جناب پیغمبر ص روایت کرده که آن حضرت فرمود در هر که مرضی
باشد بعد از نماز صبح چهل بار این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
حسبنا الله و نعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و مسح کند با آن دست بر مرض خدای تعالی آن مرض را دور
میکند و شفا میدهد من صبر کردم هنگامی که فجر طالع شد فریضه صبح را بجا آوردم
و دعا را چهل بار خواندم و مالیدم دست خود را بر مرض پس خدا او را
از من زائل گردانید و شفا داد و نشستم در مکان خود و خائف بودم از عود آن مرض
و با آن روش سه روز بودم و به پدرم خبر دادم خدا را شکر کرد و بعضی از علما
نقل کرده و او دوری بود سلطان قم چون در شرح و عبارت دعا اختلافی بود
لهذا همه ذکر کردم به هر طریق بخوانند خوب است شیخ کلینی بسند معتبر روایت کرده

که شکایت کرد مردی بخدمت حضرت صادق ع که آزار و [illegible] دارم و درد سینه است
حضرت فرمود که بگو بعد از هر نماز واجب در سجده شکر بگوید یا رؤف یا رحیم
یا سیدی پس حاجت خود را بطلبید ایضا کلینی ره روایت کرده است
بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر گاه دردی در بدن یا
دردی از دست بهم رسد بعد از نماز دست بمال بر موضعی که درد میکند و موضع سجود
و این دعا را بخوان پس دست بر موضع درد بمال و هفت مرتبه چنین بگو
یا من کبس الارض علی الماء و سد الهواء بالسماء و اختار لنفسه
احسن الاسماء و اختار لنفسه احسن الاسماء صل علی محمد و آله و افعل بی
من [illegible] سقیم و داء و اشفنی من [illegible] پس حاجت خود را بطلب شاید و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حق تعالی بحضرت موسی ع وحی کرد
که تو را برای این برگزیدم و کلیم خود گردانیدم که نفس تو را نزد خود از همه
ذلیل‌تر یافتم چون این خطاب بموسی رسید بسجده شکر رفت و از روی تذلل
و شکستگی دو پهلوی روی خود را بر خاک گذاشت حق تعالی وحی کرد که سر بردار
ای موسی و دست بر موضع سجود خود بمال پس دست خود را بمال بر رو و بر هر جا که
که دست تو بآن برسد و آن [illegible] که دیده برای تو از هر دردی و آفتی و بلائی
سید بن طاوس و دیگران از سلمان فارسی روایت کرده است که گفت
حضرت فاطمه صلوات الله علیها [illegible] که اراده [illegible] و فرمود که

فرزند که از دختر است که [illegible] برای من عوض کرده است در بهشت از جمله
حلوا که پدرم مرا تعلیم کرده است و هر بامداد و شب آنها را میخوانم حلوا
سلمان گفت مرا تعلیم کن آنرا ای سیده زنان عالمین فرمود که اگر خواهی که
هرگز به تب مبتلا نشوی تا زنده باشی بر این دعا مداومت کن سلمان رضی الله عنه
گفت آن دعا را بمن تعلیم فرمود و من تعلیم کردم بزیاده از هزار نفس از اهل
مدینه و مکه که به تب مبتلا شده بودند همه بتوفیق خدا شفا یافتند از برکت
این دعای مبارک اینست دعا بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله
النور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله
الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور
فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز
مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی
سیدنا محمد و آله الطاهرین ابن طاوس بسند خود از ابن عباس
روایت کرده است که گفت در خدمت امیر المؤمنین نشسته بودم مردی داخل
گردید متغیر اللون پس گفت یا امیر المؤمنین مردی ام بسیار مریض و بسیار
درد کشیده پس تعلیم کن بمن دعائی را که تعلیم کرده است جبرئیل آنرا برسول
خدا ص در مرض حسن و حسین ع و آن اینست الهی کلما انعمت علی بنعمة
قل لک عندها شکری و کلما ابتلیتنی ببلیة قل لک عندها صبری

فيا من قل شكري عند نعمه فلم يحرمني ويا من قل صبري عند
بلائه فلم يخذلني ويا من رآني على المعاصي فلم يفضحني
ويا من رآني على الخطايا فلم يعاقبني عليها صل على محمد
وآل محمد واغفر لي ذنبي واشفني من مرضي انك على كل
شيء قدير ابن عباس گفت دیدم همان مرد را که از یک سال که
سعیدی بن انگشتر برص مخلوط شده وحسنی در انگشتر ظاهر شد دعا کردم هذا را
با این دعا من ناخوش بودم که اگر شفا یافتم مریض بودم مرا افدا ونند تبارک
ذوالجلال شفا داد وردا قلق نشدم بر یا شدی که از جور او خبر رسیدم که اگر جور او را
خدای عزوجل از من ذکر دارد آنرا سید علامه در نهج ذکر کرده که جناب
پیغمبر صلی الله علیه وآله در منزل فاطمه با حسن وحسین تشریف داشت واین
دشوار آمد بآن حضرت پس جبرئیل نازل شد گفت ای محمد برتو تعلیم کنم دعائی
که از برای او تب از او برداشته شود گفت بگو اللهم لا اله الا
انت العلي العظيم ذا السلطان القديم والمن العظيم
وولي الكلمات التامات والدعوات المستجابات حل
ما اصبح بفلان پس جناب پیغمبر صلی الله علیه وآله خواندند آنرا که از آن تب را
گذاشت بر پشت پس بعون الله خوب شد در جمع نقل کرده است که از ابو
حمزه ثمالی رحمه الله گفت دست پسرم شکست واو را بردم نزد یحیی بن عبدالله

و او نظر کرد بر آن گفت بسیار شکسته است پس از آن بغرفه رفت که در آنجا
غرفه بیاورد از بند و در همان ساعت متذکر شدم دعای علی بن الحسین
زین العابدین را پس گرفتم دست پسرم را خواندم دعا را بر آن دست
کردم شکسته خوب شد مانند آنکه هیچ نبود پس از غرفه با من آمد شکسته بند
گفت دست دیگر را بده در آن هم شکستگی نمی‌بیند گفت سبحان الله من حالا
در این شکست بسیار بدی دیدم پس این چه حال است واین از سحر شما جماعت
شیعه تعجب کردم گفتم بتو بگوید بارات این سحر نیست بلکه من متذکر شدم
دعائی را که از مولای خود علی بن الحسین شنیدم او را خواندم گفت تعلیم
کن الله عالی را بمن گفت شنیدم از تو آن سخنی که گفتی دعا را تو تعلیم میکنم
هرگز نخواهی گرفت و تو از اهل آن دعا نیستی حمران ابن اعین گفت بابو
حمزه گفتم ترا بحق قسم میدهم که آن دعا را بمن تعلیم کن گفت سبحان الله
من این دعا را شما نقل کردم که برای آنکه این دعا را شما تعلیم کنم بنویسید آنرا
بسم الله الرحمن الرحيم يا حي قبل كل حي يا حي بعد كل حي يا حي
حين لا حي يا حي يبقى ويفنى كل حي يا حي لا اله الا انت
يا حي يا كريم يا محيي الموتى يا قائم على كل نفس بما كسبت
اني اتوجه اليك واتوسل اليك واتقرب اليك بحق
ذكرك ورحمتك التي وسعت كل شيء واتوجه اليك

واتوكل واتوسل اليك واتوسل واستشفع اليك بنبيك
محمد وامير المؤمنين علي بن ابي طالب وفاطمة الزهراء والحسن
والحسين عبديك واميني وحجتيك على الخلق اجمعين
وعلي بن الحسين زين العابدين ونور الزاهدين ووارث
علم النبيين والمرسلين وامام الخاشعين وولي المؤمنين
والقائم في خلقك اجمعين وباقر علم الاولين والآخرين
والدليل على امر النبيين والمرسلين والمقتدى بآبائه
الصالحين وكهف الخلق اجمعين وجعفر بن محمد الصادق
من اولاد النبيين والمقتدى بآبائه الصالحين والبار
من عترة البررة المتقين ولي دينك وحجتك على العالمين
وموسى بن جعفر العبد الصالح من اهل بيت المرسلين ولسا
نك في خلقك اجمعين والناطق بامرك وحجتك على بريتك
وعلي بن موسى الرضا المرتضى الزكي المصطفى المخصوص بكرا
متك والداعي الى طاعتك وحجتك على الخلق اجمعين
ومحمد بن علي الرشيد القائم بامرك الناطق بحكمك وحفظك
وحجتك على بريتك ووليك وابن اوليائك و
حبيبك وابن احبائك وعلي بن محمد السراج المنير الركن الوثيق

والحسن بن علي عبدك ووليك وخليفتك المؤدي عنك
في خلقك عن آبائك الصادقين والحجة خلف الائمة الماضين
والامام الزكي الهادي المهدي الحجة بعد آبائه على خلقك
المؤدي عن نبيك ووارث علم الماضين من الوصيين المخصوص
الداعي الى طاعتك وطاعة آبائه الصالحين يا محمد يا ابا
القاسم بابي انت وامي الى الله استشفع بك وبالائمة
من ولدك وبعلي امير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين
وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف
القائم المنتظر اللهم فصل عليهم وعلى من اتبعهم و
صل على محمد وآل محمد صلوة المرسلين والصديقين
والصالحين صلوة لا يقدر على احصائها غيرك اللهم
اللهم الحق اهل بيت نبيك وذريتهم وشيعتهم بنبيك
سيد المرسلين والحقنا بهم مؤمنين مخبتين تائبين
متقين صالحين خاشعين عابدين موقنين مسددين
حامدين ذاكرين مزكين تائبين ساجدين راكعين شاكرين
حامدين صابرين محتسبين منيبين مصيبين اللهم اني

أتولى وليهم وأتبرأ إليك من عدوهم وأتقرب إليك
بحبهم وموالاتهم وطاعتهم فارزقني بهم خير الدنيا
والآخرة واصرف عني بهم أهوال يوم القيامة اللهم
إني أشهدك فإنك أنت الله لا إله إلا أنت وأن
محمداً وعلياً وزوجته وذريته عبيدك وإماؤك وأنك
أنت وليهم في الدنيا والآخرة وهم أولياؤك وأولياء الأولين
بالمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات من بريتك
وأشهد أنهم عبادك لا يسبقونك بالقول وهم بأمرك
يعملون اللهم إني أتوسل إليك بهم وأستشفع بهم إليك
محاباهم ويمنتني على طاعتهم وملتهم وتمنعني من طاعة عدوهم
ويمنع لعدوك وعدوي مني وكفني بلطفك بأياديك
عمن أغنيته عني ولا تهلكني بين أحوجتهم إليك وتجعلني
في حفظك في الدين والدنيا والآخرة وتلبسني العافية
حتى تهنئني المعيشة وتحفظني بالحفظ من لحظاتك
الكريمة الرحيمة الشريفة تكشف بها عني ما قد ابتليت
به وترد بي بها إلى أحسن عاداتك وأجملها عندي
فقد ضعفت قوتي وقلت حيلتي ونزل بي ما لا طاقة

به فردني إلى أحسن عاداتك فقد يئست مما عند خلقك
فلم يبق إلا رجاؤك في قلبي وقديماً ما مننت علي وقدرتك
يا سيدي وربي وخالقي ومولاي على إذهاب
ما أنا فيه كقدرتك على حيث ابتليتني به إلهي ذكر
عوائدك يؤنسني ورجاء إنعامك يقربني ولم أخل
من نعمتك منذ خلقتني فأنت يا رب ثقتي ورجائي
وإلهي وسيدي والذاب عني والراحم بي والمتكفل
برزقي فأسألك يا رب بمحمد وآل محمد أن تجعل رشدي
بما قضيت من الخير وختمته وقدرته وأن تجعل
خلاصي مما أنا فيه فإني لا أقدر على ذلك إلا بك
وحدك لا شريك لك ولا أعتمد فيه إلا عليك
فكن يا رب الأرباب ويا سيد السادات عند حسن
ظني بك واعطني مسألتي يا أسمع السامعين و
أبصر الناظرين وأحكم الحاكمين ويا أسرع الحاسبين
ويا أقدر القادرين ويا أقهر القاهرين ويا أول الأولين
ويا آخر الآخرين ويا حبيب محمد وعلى جميع الأنبياء والمرسلين
والأوصياء المرضيين المنتجبين والحبيب محمد وأوصيائه

وأحبائه وأنصاره وخلفائه المؤمنين بحجتك
البالغين من أهل بيت أحمد المطهرين الزاهرين
أجمعين صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله يا
أرحم الراحمين   در حديث معتبر ديگر بسند صحيح از حضرت امير المؤمنين عليه السلام
مرويست كه آن حضرت فرمود من ضامنم هر كه اين كلمات را بگويد هيچ [illegible]
روز او را آزار نكند اللهم إني أسألك باسمك خير الأسماء ملء الأرض
والسماء الرحمن الرحيم الذي لا يضر معه داء   در حديث معتبر ديگر بسند معتبر
منقولست كه اصبغ بن نباته گفت روزی بخدمت حضرت امير المؤمنين عليه السلام
رفتم در پيش آنحضرت گوشت بريانی گذاشته بود فرمود كه نزديك بيا و بخور
گفتم يا امير المؤمنين مرا ضرر ميكند فرمود نزديك بيا تا ترا دعايی تعليم كنم كه چون
اين دعا را بخوانی هيچ ضرر نخواهد كرد بسم الله خير الأسماء ملء الأرض و
السماء الرحمن الرحيم الذي لا يضر مع اسمه شيء ولا داء   و در روايت
ديگر منقولست كه شخصی از ضعف معده بحضرت صادق ع شكايت كرد حضرت
فرمود كه چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شكم بمال و بگو اللهم هنئنيه
اللهم سوغنيه اللهم امرئنيه   از حضرت امام جعفر صادق ع مرويست
كه هر كه در شب آب بخورد سه مرتبه بگويد عليك السلام من ماء زمزم وماء الفرات
آب خوردن شب او را ضرر نكند   در چند حديث معتبر منقولست كه هيچ

بيماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد بخواند كه البته آن درد ساكن شود
حضرت صادق فرمود كه هرگاه ترا علتی باشد هفت مرتبه سوره حمد را بخوان اگر بر
طرف نشود هفتاد بار بخوان من ضامنم كه آن علت بر طرف شود   در حديث
ديگر فرمود از داود بن زربی گفت بيمار شدم در مدينه بيماری شديدی
چون اين خبر بحضرت امام جعفر صادق ع رسيد بمن نوشت كه يك صاع گندم
بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سينه خود بريز و بگو اللهم إني أسألك
باسمك الذي إذا سألك به المضطر كشفت ما به من ضر ومكنت
له في الأرض وجعلته خليفتك على خلقك أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تعافيني من علتي پس درست بنشين و گندم را
جمع كن و باز اين دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه كن و هر حصه را بيك
فقير بده و باز دعا را بخوان داود گفت من چنان كردم گويا از بند رها شدم
و بسيار كس كردند شفا يافتند   در صحيح سند از آن حضرت منقولست كه
بنزد بيمار روی هفت بار اين دعا را بخوان أسأل الله العظيم
الكريم من شر كل عرق نعار ومن شر حر النار   در حديث حسن منقولست
كه شخصی از فرزندان امام جعفر بيمار شد حضرت فرمود كه اين دعا را بخوان
اللهم اشفني بشفائك وداوني بدوائك وعافني من بلائك فإني عبدك
وابن عبدك   برای تب ربع منقولست كه اين آيه را بنويسد و بر او ببندد

یا نار کونی برداً وسلاماً علی ابراهیم در حدیث معتبر از حضرت
صادق منقول است که هرگاه درد داشته باشی دست را بر موضع درد بگذار
و بگو سه بار الله الله ربی لا اشرک به شیئاً اللهم انت
لها ولکل عظیمة ففرجها و در روایت معتبر از آن حضرت منقول است
هر که بگو بسم الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله
واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر
ومن شر ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه بگو و از حضرت مرویست که هر که
دردی بهم رساند دست را بر موضع درد بگذارد و بگوید با اخلاص نیت بگوید آیه را
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا
خساراً البته عافیت از هر علتی که باشد خواهد یافت و قطب راوندی روایت کرده
که مردی بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد زانو حضرت فرمود بگو
بعد از نماز این دعا را گفت خواندم عافیت یافتم یا اجود من اعطی ویا خیر
من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی وعافنی من وجعی
سید نعمت الله جزایری در کتاب مقامات النجاة ذکر کرده است این را
روی الصدوق طاب ثراه فی کتاب عیون اخبار الرضا قال
حدثنا القطان عن عبد الرحمن الحسنی عن محمد الفزاری عن عبدالله الاهوازی
عن علی بن عمرو عن ابن جمهور عن علی بن بلال عن علی بن موسی الرضا عن موسی

جعفر

جعفر عن جعفر بن محمد عن محمد بن علی عن علی ابن الحسین عن الحسن بن علی
ابن ابی طالب ع عن النبی ص عن جبرئیل عن میکائیل عن اسرافیل
عن اللوح عن القلم قال یقول الله عز وجل ولایة علی بن ابی طالب
حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی و گفته که منقول است که این حدیث
باین سند خوانده نشده است بر مصروعی مگر آنکه خوب شده و نه بر مریضی مگر آنکه شفا
یافته است و بعضی از ثقات امر کرده مردم را که این حدیث را بهمین سند
برای مریضها بنویسند و شفا یابند با آن و هر کس تجربه کند ظاهر می گردد بر او صحت
این سخن پس بدرستیکه اینها نامهای خداست که نوشته شده بر ساق عرش اینها
کلماتی است که آدم از خدای تعالی اخذ کرد و با این کلمات پس خدای تعالی
توبه او را قبول کرد بدرستیکه اگر بیست انقطه را که از یک چشم شکسته شود و چشم
دیگر شعله فرات آب جاری بود این کلمات بدرستیکه آتشهای علاوه
الهی را فرو نشاند به چه طور می شود که زخم را شفا ندهد شیخ ابو الحسن گفته که
شنیدم از عبد الرحمن رازی که میگفت بودم با پدرم خوارزم پس دیدم مردی
که ناخوشی صرع داشت پس پدرم را سید همین سند را پس گفتم تجربه میکنیم این را
پس خواندم بر او این سند را پس مصروع برخواست و خاک بدن خود را
پاک کرد و رفت و اما ابو القاسم القشیری گفته که این حدیث بهمین
سند رسید به بعضی از امراء سامانیه پس نوشت او را با طلا و وصیت کرد که با او

که با او دفن کنند بعد از آنکه مرد او را در خواب دیدند و پرسیدند که خدا با تو چه کرد
گفت مرا بخشید باین جهت که این حدیث را با طلا نوشتم از راه تعظیم و اجلال
آن برای وسعت رزق و ادای قرض کفعمی از حضرت رسول روایت کرده
است که مردی بآن حضرت شکایت کرد بیماری و تنگی رزق را فرمود که بعد از نماز
فریضه بگو توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله رب العالمین لم یتخذ صاحبة
ولا ولداً من الذل وکبره تکبیراً و بروایت دیگر فرمود که هیچ نگذشت که سه
روز مگر آنکه جبرئیل برای من نازل شده و گفت اینها را بخوان و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که برای وسواس سینه و قرض و پریشانی و بیماری
مکرر این دعا را بخوانند و در بعضی از روایات وارد است لا حول ولا قوة الا بالله
است کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که
بخوانند این دعا را بخوانند یا من یملک حوائج السائلین یا من لکل
مسألة منک سمع حاضر وجواب عتید ولکل صامت
منک علم باطن محیط اسألک بمواعیدک الصادقة
وایادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة وسلطانک القاهر
وملکک الدائم وکلماتک التامات یا من لا تنفعه طاعة
المطیعین ولا تضره معصیة العاصین صل علی محمد وآله
وان ترزقنی من فضلک وتعطینی فیما ترزقنی العافیة برحمتک

یا ارحم الراحمین سید بن طاوس ره از عبید بن زراره روایت کرده
است که مردی بخدمت حضرت صادق ع از تنگی معاش شکایت کرد و گفت هر چند
بطلب روزی ها بسیار میکردم شاید روزی من زیاده نمی شود حضرت فرمود که
چون از نماز خفتن فارغ میشوی این دعا را بخوان راوی گفت که بعد از آنکه
... حال مرد بشکر و مال بسیار بهم رسانید دعا اینست اللهم انه لیس لی
علم بموضع رزقی وانما اطلبه بخطرات تخطر علی قلبی فاجول
فی طلبه البلدان فانا فیما انا طالب کالحیران لا ادری افی
سهل هو ام فی جبل ام فی ارض ام فی سماء ام فی بر ام فی بحر
وعلی یدی من ومن قبل من وقد علمت ان علمه عندک واسبابه
بیدک وانت الذی تقسمه بلطفک وتسببه برحمتک
اللهم فصل علی محمد وآله واجعل یا رب رزقک لی واسعاً
ومطلبه سهلاً ومأخذه قریباً ولا تعننی بطلب ما لم
تقدر لی فیه رزقاً فانک غنی عن عذابی وانا فقیر
الی رحمتک فصل علی محمد وآل محمد وجد علی عبدک بفضلک
انک ذو فضل عظیم در روایات بسیار وارد شده ما بین طلوع صبح تا
طلوع آفتاب روزی مردم را قسمت میکنند هر که در این وقت
مشغول عبادت و دعا باشد روزی او فراخ می شود و هر که در این

در این وقت بخواب رود از برای دو روزی محروم می‌گردد و خواب این وقت
شوم است روزی را دور میکند و رنگ را زرد میکند و روی را تیره
میکند زنهار که حذر کنید از این خواب و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم
منقول است که ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بیشتر است
در تحصیل روزی از سفر کردن در زمین و در حدیث دیگر وارد شده است
که حق تعالی می‌فرماید که ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از صبح یک ساعت
و بعد از عصر یک ساعت تا کفایت کنم مهم جمیع مهمات ترا اگر چه
بمقتضای [illegible] دعا در هر وقت سبب کثرت روزی است
لکن اگر از دعاهای که بخصوص بجهت رزق وارد شده است بخواند که
طالب آن مطلب است زودتر موفق گردد بهتر و تأثیرش بیشتر است
مثل دعائیکه شیخ کلینی و دیگران روایت کرده‌اند که مردی بخدمت حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد که کار بر من تنگ شده است و هر کاری متوجه میشوم
بروی من بسته و هر جانب رو میکنم بر آورده نمی‌شود حضرت فرمود که بعد از نماز
صبح ده نوبت بگو سُبحانَ اللهِ العَظیمِ وَبِحَمدِهِ اَستَغفِرُ اللهَ وَاَسئَلُهُ
مِن فَضلِهِ راوی گفت که اندک زمانی که باین مداومت کردم جمعی از بادیه
آمدند و مرا خبر کردند که مردی از خویشان من فوت شده و بغیر از من وارثی ندارد پس مال
بسیاری بدست من آمد و حال بی‌نیاز شدم و در مکارم روایت کرده که با جابر

عرض کردم

عرض کردم دعائی را تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت آسان باشد
حضرت این دعا را تعلیم او کرد و حالش نیکو و خوب شد و عیاشی از عبدالله بن
سنان روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
رفتم حضرت فرمود میخواهی ترا دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حق تعالی قرض ترا ادا
کند و تو را زیاده و روزی ترا فراخ گرداند عرض کردم که بسیار محتاجم چنین
دعائی را حضرت فرمود که بعد از نماز صبح بگو این دعا را تَوَکَّلتُ عَلَی
الحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ وَلَداً وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی
المُلکِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ[illegible] اَعُوذُ بِکَ مِنَ
البُؤسِ وَالفَقرِ وَمِن غَلَبَةِ الدَّینِ وَالسُّقمِ وَاَسئَلُکَ اَن تُعینَنی عَلی
اَداءِ حَقِّکَ اِلَیکَ وَاِلَی النّاسِ کفعمی از حضرت صادق و دیگران
چنین است وَمِن غَلَبَةِ الدَّینِ وَالسُّقمِ وَاَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعینَنی
عَلی اَداءِ حَقِّکَ اِلَیکَ وَاِلَی النّاسِ کفعمی روایت کرده است که مردی
بحضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد از تنگدستی و پریشانی و بیماری حضرت فرمود
که هر صبح و شام ده بار این دعا را بخوان او سه روز بر این دعا مداومت
کرد حال او الحمد لله از تنگی و بیماری برگشت و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب
نماز صبح ذکر کرده‌اند و نسبت داده لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ تَوَکَّلتُ
عَلَی الحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ وَلَداً وَلَم یَکُن

له شَریکٌ فِی المُلکِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیراً
محمد بن هارون تلعکبری در مجموع الدعوات گفته است که در سجده شکر این دعا را
بخوان برای طلب روزی یا بخوانند اَللّهُمَّ کَما صُنتَ وَجهی عَنِ السُّجُودِ
اِلّا لَکَ فَصُنهُ عَن طَلَبِ الرِّزقِ اِلّا مِنکَ اَللّهُمَّ قَوِّنی عَلی
ما خَلَقتَنی لَهُ وَلا تَشغَلنی بِما ضَمِنتَ لی بِهِ وَلا تُعَذِّبنی بِما
تَغافَلتَنی یا مَن لا تَزیدُ مُلکَهُ حَسَناتی وَلا تَنقُصُهُ سَیِّئاتی
وَلا یَنقُصُ خَزائِنَهُ غِنایَ وَلا تَزیدُ فیها فَقری صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَثبِت رَجائَکَ فی قَلبی وَاقطَع رَجائی عَمَّن سِواکَ
حَتّی لا اَرجُو اِلّا اِیّاکَ وَلا اَخافُ اِلّا مِنکَ وَلا اَثِقُ اِلّا بِکَ
وَلا اَتَّکِلُ اِلّا عَلَیکَ وَلَجِّنی مِن تَحویلِ ما اَنعَمتَ بِهِ عَلَیَّ فِی الدُّنیا
وَالدُّنیا وَالآخِرَةِ اَیّامَ الدُّنیا بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مردی از انصار چند روز
بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نرسید حضرت از او پرسید که چه سبب در این چند
روز از ما غایب بودی گفت بسبب تنگدستی و بیماری حضرت فرمود که میخواهی ترا دعائی
تعلیم کنم که چون بخوانی فقر و بیماری از تو زایل گردد گفت بلی یا رسول الله فرمود
که در صبح و شام این دعا بخوان لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ تَوَکَّلتُ عَلَی
الحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ وَلَداً وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ

ولم یکن

وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیراً در بعضی از کتب معتبره روایت شده
که هر که سه بار بخواند در بامداد و سه بار در آخر روز این صلوات را
بخواند گناهانش آمرزیده شود و شادی او دایم باشد و دعایش مستجاب گردد
و روزیش فراخ شود و بر دشمنش یاری یابد و در بهشت از رفیقان محمد
باشد اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی الاَوَّلینَ وَصَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی الآخِرینَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی المَلَاِ
الاَعلی اِلی یَومِ الدّینِ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی المُرسَلینَ اَللّهُمَّ
اَعطِ مُحَمَّداً الوَسیلَةَ وَالشَّرَفَ وَالفَضیلَةَ وَالدَّرَجَةَ الکَبیرَةَ
اَللّهُمَّ اِنّی آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَم اَرَهُ فَلا تَحرِمنی فِی القِیامَةِ
رُؤیَتَهُ وَارزُقنی صُحبَتَهُ وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ وَاسقِنی
مِن حَوضِهِ مَشرَباً رَوِیّاً سائِغاً هَنیئاً لا اَظمَأُ بَعدَهُ اَبَداً اِنَّکَ
عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ کَما آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ وَلَم اَرَهُ فَاَرِنی
فِی الجِنانِ وَجهَهُ اَللّهُمَّ بَلِّغ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنّی تَحِیَّةً کَثیرَةً
وَسَلاماً و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است
که هر که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از او دور شود و صبح
کند و او را ضرر نرساند اَللّهُمَّ اَنتَ الاَوَّلُ فَلا شَیءَ قَبلَکَ
وَاَنتَ الظّاهِرُ فَلا شَیءَ فَوقَکَ وَاَنتَ الباطِنُ فَلا شَیءَ

بعد ذلك اللهم رب السموات السبع و رب النور و الانجيل
و الزبور و القرآن الحكيم نعوذ بك من شر كل دابة
انت آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم در فوائد
متفرقه و مهمات مشكله در كتاب طب الائمه روايت كرده است كه
مردى بخدمت حضرت امام محمد باقر عليه السلام آمد و شكايت كرد كه هر چند آزاد
و بنده را ميخواهم در مى آورم مرا فرزندى روزى نمى شود و عمرم به شصت سال
رسيده است حضرت فرمود كه سه روز بعد از نماز خفتن و بعد از نماز صبح هفتاد
مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بگو پس اين آيه را بخوان استغفروا
ربكم انه كان غفارا يرسل السماء عليكم مدرارا و يمددكم باموال
و بنين و يجعل لكم جنات و يجعل لكم انهارا كلينى بسند معتبر صحيح از
روايت كرده است از حضرت صادق عليه السلم كه حضرت امام
زين العابدين عليه السلم چون صبح مى شد مى گفتند ابتدئ يومى
هذا بين يدى نسيانى و عجلتى بسم الله و ما شاء الله پس حضرت صادق
فرمود كه هر كه اين دعا را در صبح بخواند مجرب است او را از آنچه در آن روز فراموش
كند و بسم الله در اول آن بگويد و در آنچه در آخر پيش آيد و ما
شاء الله بگويد و در بعضى از كتاب الوسائل نقل كرده كه از جناب
پيغمبر صلى الله مرويست كه هر كس بخواند هذه دشمنان او را از او دور گرداند

بعد

چهار ركعت نماز بگزارد و خواه در شب باشد و خواه در روز و در ركعت اول
فاتحة الكتاب را يك بار و قل هو الله را هشت مرتبه بخواند و در ركعت
دويم حمد را يكمرتبه و قل هو الله احد را پنجاه بار و در ركعت ثالثه حمد را
يكبار و قل هو الله احد را هفتاد بار بخواند و در ركعت چهارم حمد را
يك بار و قل هو الله صد بار بخواند پس گناهان او را اگر مثل شماره ريگ
بيابان باشد همه آنها را از او زائل گرداند از والدت و متفق در رحمت او
خود و اين نماز كند هر آينه به بهشت برود مثل برق خاطف بدون حساب
با اول حاضر كرده اهل بهشت بشوند و از حضرت صادق منقول است
كه براى طلب فرزند در سجده اين دو آيه را بخوانند رب هب لى
من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء رب لا تذرنى
فردا و انت خير الوارثين و در روايت ديگر فرمود هر كه
زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو ركعت نماز كند و در ركوع و سجود
را طول دهد پس بگويد اللهم انى اسئلك بما سألك به زكريا
رب لا تذرنى فردا و انت خير الوارثين اللهم هب لى من لدنك
ذرية طيبة انك سميع الدعاء اللهم باسمك استحللتها و فى
امانتك اخذتها فان قضيت فى رحمها ولدا فاجعله غلاما
مباركا زكيا و لا تجعل للشيطان فيه شركا و لا نصيبا

ديگر مرويست كه ابرش كلبى بحضرت امام محمد باقر عرض كرد كه مرا
فرزند نمى شود فرمود كه در هر روز يا در هر شب صد بار استغفر الله
بگو استغفر الله ربى و اتوب اليه و در حديث ديگر از آن
حضرت منقول است كه هر كه در صبح و شام هفتاد نوبت سبحان
الله پس ده نوبت استغفر الله ربى و اتوب اليه بگويد پس نه بار
سبحان الله پس يكبار استغفر الله ربى و اتوب اليه بگويد او را
گويند پس جمع كثيرى از بنى على او را جمت كردند و فرزندان بسيار بهم
رسانيدند و در هر يك از اينها گفتن استغفر الله تنها اكتفا كند
منقول است كه شخصى بخدمت امام رضا عليه السلام شكايت كرد كه مرا فرزند
نمى شود حضرت فرمود در خانه خود صدا با اذان گفتن بلند كن
و آن شخص چنان كرد بيماريش صحيح و فرزندانش بسيار شدند روايت است
كه شخصى بخدمت حضرت امام جعفر صادق عليه السلام شكايت كرد كه مرا فرزند
نمى شود حضرت فرمود كه چون خواهى نزد زن خود بروى اين سه آيه را
بخوان هذا تورد فرزندى روزى ميكند و ذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى فى الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين
فاستجبنا له و نجيناه من الغم و كذلك ننجى المؤمنين

وذكريا

و زكريا اذ نادى ربه رب لا تذرنى فردا و انت خير
الوارثين و از حضرت امام زين العابدين منقول است كه هر كه
اين دعا را بخواند هر چه خواهد از مال و فرزندان و خير دنيا و آخرت
باو عطا فرمايد خداوند رب لا تذرنى فردا و انت خير
الوارثين و اجعل لى من لدنك وليا يرثنى فى
حياتى و يستغفر لى بعد موتى و اجعله خلقا سويا
و لا تجعل للشيطان فيه نصيبا اللهم انى
استغفرك و اتوب اليك انك انت الغفور الرحيم
و از براى فرزند هفتاد مرتبه اين دعا را بخواند و از حضرت
صادق هم منقول است كه هر گاه زنى را حملى باشد چهار ماه
بگذرد برادرى او را رو به قبله كند و آية الكرسى را بخوانند دست بر پهلوى او بزند و بگويد
اللهم قد سميته محمدا چون چنين كند خدا آن فرزند را پسر گرداند
اگر او را محمد نام كند مبارك باشد و اگر نام نكند خدا اگر خواهد او را از او
بگيرد و اگر خواهد باو ببخشد در كتاب نوادر الحكمه روايت كرده است
كه شخصى آمد بخدمت امام جعفر صادق عليه السلام و گفت يا ابن رسول الله
هشت دختر بهم رسانيدم و روى پسر نديدم حضرت فرمود وقتى كه ميان
پاهاى زن نشينى دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذار

برسانا از گناه و رحمت بار بخوراند و چون زنان جماع کنی چون اثر حمل
ظاهر شود پس بر شکمها دست را بر جانب راست تا نفاس دگر بار
هفت سوره از گناه بخوراند ... چنین کردیم هفت
پسری باسم خدا ... شنید بسیار از حضرت امام حسن
منقول است و ابن ادریس در کتاب سرائر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هر گاه بر زن دشوار شود
زائیدن پس بنویس برای او بر پوست آهو این آیات را و ببندد
به پهلو و بر ران زن ... چون وضع حمل شود باز کن این آیات را
بسم الله الرحمن الرحيم كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا
ساعة من نهار كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا إلا عشية
أو ضحاها إذ قالت امرأة عمران رب إني نذرت
لك ما في بطني محررا و در کتاب طب الائمه روایت کرده
است که شخصی از شیعیان امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که یا ابن رسول
الله زن من از درد زائیدن مشرف بموت شده، که ... این آیات را
بخوان فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت يا ليتني
مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا فناداها من تحتها
ألا تحزني قد جعل ربك تحتك سريا وهزي إليك بجذع

النخلة

بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا پس با آواز بلند بگو الله
أخرجكم من بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع
والأبصار والأفئدة لعلكم تشكرون كذلك اخرج
أيها الطلق اخرج بإذن الله چون چنین گوید در ساعت نجات یابد
بیاری خدای عز و جل. از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که این آیات را برای حامله بر کاغذی بنویس و در دستمالی ... شود
در راهی که ... وضع حمل او ... بر ران ... اما گره را
نزند بر کمر زن ببندد و چون چنین کند درد آن ... را آسان کند
... از آن ...
أفلم ير الذين كفروا أن السماوات والأرض كانتا رتقا
ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي
أفلا يؤمنون وآية لهم الليل نسلخ منه النهار فإذا هم
مظلمون والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير
العزيز العليم والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعر
جون القديم لا الشمس ينبغي لها أن تدرك القمر
ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون
وآية لهم أنا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون وخلقنا

لهم من مثله ما يركبون وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ
لهم ولا هم ينقذون إلا رحمة منا ومتاعا إلى حين
ونفخ في الصور فإذا هم من الأجداث إلى ربهم
ينسلون و در روایت ... این آیه است ... كأنهم يوم
يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار
بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفاسقون كأنهم يوم
يرونها لم يلبثوا إلا عشية أو ضحاها و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه
بر سرش خراب نشود إن الله يمسك السماوات والأرض
أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد من
بعده إنه كان حليما غفورا و در حدیث از حضرت پیغمبر
علیه السلام منقول است که هر که در وقت خوابیدن در وقت
خوابیدن سوره معوذتین و آیة الکرسی را بخواند در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که ترسد
که در خواب محتلم شود چون به خواب رود بگوید اللهم إني
أعوذ بك من الاحتلام ومن شر الأحلام ومن
أن يتلاعب بي الشيطان في اليقظة والمنام و در

حدیث

و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
هر که ... بترسد ... از آن پهلو که خوابیده است
به پهلوی دیگر بگردد و بگوید إنما النجوى من الشيطان
ليحزن الذين آمنوا وليس بضارهم شيئا إلا
بإذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائكة
الله المقربون وأنبياؤه المرسلون وعباده الصا
لحون من شر ما رأيت ومن شر الشيطان الرجيم
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که بخواب رود او را عارضی شود و خوابش نبرد این دعا را بخواند
سبحان الله ذي الشأن دائم السلطان كل يوم
هو في شأن

تمت الكتاب ادعیه تعقیبات نمازها

... فقیر ... و طلبه علوم دینیه
... فقیر ... خیرات ...
... و ... الملک ...
... کشتند

فقیر حقیر ... یوم شنبه ... محرم ١٢٦١

فال نامه جناب علی علیه السلام بطریقی رمل اول صد مرتبه صلوات بفرستد بعد ازان با عندهٗ در ستـ... کر
آیه وعنده مفاتح الغیب تا آخر بخواند بعد ازان نقطه ریزی کند بدین طریقی زوج زوج
طرح نماید نظر بنی ... معلوم میشود

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا
هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ
مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

مراد حاصل میشود | دولت و راحت میشود با معشوق | بسبب شخصی مومنی مراد حاصل میشود | از حد زیاده فتوح دارد
غم و غصه زیاد خواهد شد | جز تلف شده بدست خواهد آمد | مراد حاصل نمیشود | از حد زیاده فرح دارد
شاد و خرم بواهد معشوق | بحضور رسیده خرم خواهد شد | فتح و نصرت میشود حصول مطلب | بسیار خطرناک
نصرت یابد ان شاء الله | غم دارد و زیاد دارد | تفرقه دارد غمناک میشود | اول غم بعد مراد حاصل

طریقی خواندن آیه وعنده مفاتح الغیب
... روز بعد از نماز صبح با اسم علی یکصد و ده مرتبه
... بخواند اسرار و خاصیت عظیم دارد و کشف
اسرار میشود ان شاء الله